رستاخیز کارگران

شماره بیست و دوم — مهر ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی — بها: ده ریال

22

رپرتاژی از:

عکاسی... وکارگران عکاس

راه آهن...
وکارگرانی که قطارها را
بحرکت درمیآورند...

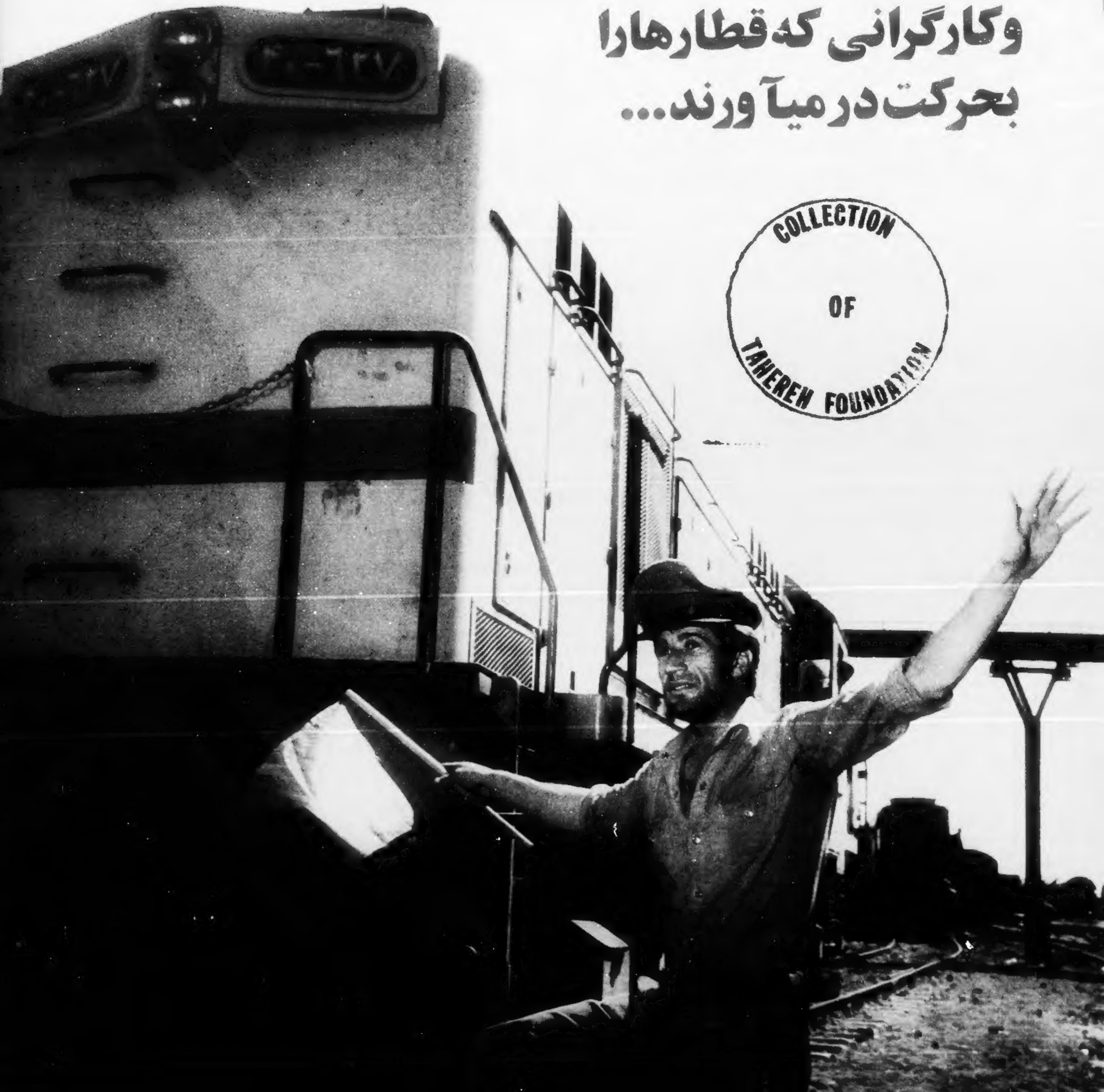

COLLECTION OF TAHEREN FOUNDATION

در تمام شهرهای ایران
و در شهرهای خارج از کشور :
لندن - پاریس - نیویورک - مونیخ - هامبورگ -
ابوظبی - جده - شارجه - دبی - بحرین - مسقط -
میتوانید از دفترچه حساب پس انداز
در گردش استفاده نمائید
دفترچه حساب درگردش
بانک ملی ایران
صندوق پس انداز بانک ملی ایران

در تمام شهرهای ایران
و در شهرهای خارج از کشور:
لندن ـ پاریس ـ نیویورک ـ مونیخ ـ هامبورگ ـ
ابوظبی ـ جده ـ شارجه ـ دبی ـ بحرین ـ مسقط ـ
میتوانید از دفترچه حساب پس انداز
در گردش استفاده نمائید
دفترچه حساب درگردش
بانک ملی ایران
صندوق پس انداز بانک ملی ایران

در این شماره

مقالات اساسی

جشن مهرگان، جشن مهرشاه صفحه ٤
روابط مستقیم دانش فنی و درآمد کار صفحه ٤
یادداشتهای ماه صفحه ٥

خبرهای حزبی

انتخابات درجه اول کنگره بزرگ حزب رستاخیز ملت ایران صفحه ۱۰۲
خلاصه خبرها و فعالیتهای حزبی صفحه ۱۰۲

رویدادهای کار کارگری

کنفرانس وزیران کار کشورهای آسیائی:
پیام شاهنشاه: پیشرفت دانش فنی و حرفه‌ای کارگران تاثیر قاطعی در افزایش بهره‌وری دارد صفحه ٦
آقای هویدا نخست وزیر: کارگر ایرانی بعنوان سرمایه گذار در توسعه صنعتی کشور سهیم است صفحه ۸
توزیع عادلانه ثروت و برخورداری از همه امکانات برای تمام افراد جامعه باید فراهم شود صفحه ۹
سمینار تعاونی: صفحه
خبرهای کارگری: صفحه
بازار کار: صفحه ۱۰٦

میزگرد

پیشنهاد کارگران میادین تهران:
با تشکیل یك کمیته کارگری در میدان، مشکلات ما حل میشود صفحه ١٦

حوادث کار

به کاری که با آن آشنا نیستید نپردازید.
باز هم آسانسور و بی دقتی حادثه آفرید. صفحه ١٨

پزشک کارگر

زنان حامله... دستوراتی برای بهداشت زنان کارگر صفحه ۲۸
استفاده خودسرانه از داروها، عوارض خطرناکی بدنبال دارد صفحه ۲۹

مقررات و قوانین کارگری

مقررات مربوط به تعیین مزد صفحه ۳٤
کمك عائله‌مندی در مقررات تامین اجتماعی صفحه ۳٥

سندیکاهای کارگری

میزگرد سندیکائی. شناخت مسئولیت و متعهد بودن از وظایف اصلی سندیکاست صفحه ٥٤
سندیکا بمنظور تامین نیازهای قانونی کارگران بوجود آمد صفحه ٥٦
تفاهم و حسن نیت کارگران و کارفرما محیط مناسبی رابوجود آورده است صفحه ٥٦
چگونه سندیکا تشکیل دهیم صفحه ٥٧

خانواده کارگر

ساعتی در کنار خانواده یك کارگر صفحه ٤٤
زن + مرد = زندگی: از محبت... صفحه ٦٧
دردنل خصوصی خوانندگان کارگر:
چگونه خوشبختی از دستم رفت صفحه ٦٨
گل ماهور: گیاهان شفابخش صفحه ٦٦

حفاظت و بهداشت محیط کار

خستگی ناشی از کار، چگونه بر طرف میشود صفحه ٤٩
در برابر هر مرگ طبیعی، ۱۰۰ نفر براثر حوادث صنعتی و حرفه‌ای دچار آسیب میشوند صفحه ٥٠
گزارش کمیته‌های حفاظت کارگاه‌های تهران صفحه ٥١

گزارشها

یك گزارش کامل و خواندنی از کارگران راه آهن تحت عنوان:
راه آهن و کارگرانی که قطارها را بحرکت در می‌آورند صفحه ۳۰

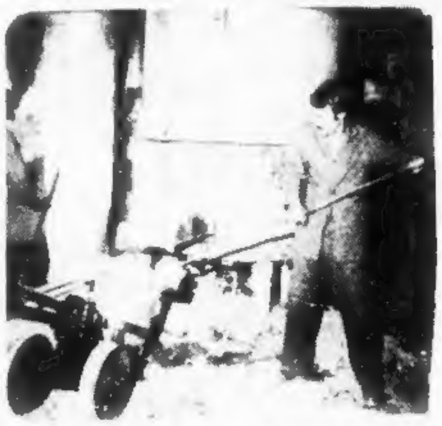

کارگران رویگری تهران صفحه ۲٥
هشت ساعت گپ خودمانی:
خبرنگاران ما ۸ ساعت در یك کارگاه صفحه ۲٦ یك گزارش خواندنی و جالب از عکاسی و کارگران عکاس صفحه ۳۰

گفت و شنود

گفتگوئی با یك چهره قدیمی کارگری، «عباسمیرزائی»:
پیش از انقلاب نزولخواران، حقوق کارگران را تا یك سوم پیش خرید میکردند صفحه ۱۰

گفتگو با رئیس کل بانك مرکزی ایران:
بهره‌وری کار، تمام گروه‌ها و طبقات جامعه را در بر میگیرد صفحه ۱۲

گفتگو با دکتر محمد علی زرنگار مسئول کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران صفحه ١٤

حرفه و فن

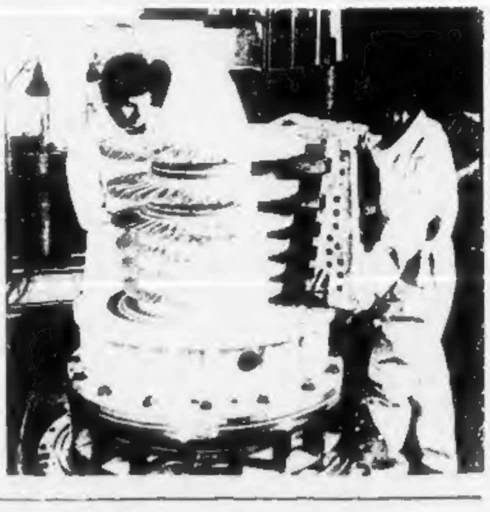

تزریق دوغاب در طرحهای بزرگ ساختمانی چگونه است صفحه ۳٦
شیوه‌های تولید «آلیاژهای سخت» صفحه ۳۸
سئوالات آزمایش پایه یکم رانندگی صفحه ٤٠
یك ماشین مخصوص برای ساختن کیسه‌های پلاستیکی صفحه ٤٠
یك وسیله مدرن برای پر کردن و مهر زدن صفحه ٤١
مفهوم خاص حادثه در صنعت صفحه ٤۲
مسابقه دانش صنعتی صفحه ٤۳
دستگاهی برای حفاظت رادیو اکتیو صفحه ٤۳

کارگران برجسته و ممتاز

از شاگردی تا استادی. زندگینامه امیل زولا نویسنده معروف فرانسه صفحه ٧٦

معرفی یك کارگر موفق. کارگران امروز با سطح فکر برتر در راه ترقی بیشتر صفحه ٥٨

صفحه خودمون

داستانها و مطالب خواندنی که کارگران برای مجله فرستاده‌اند صفحه ٤٦

داستانهای کارگری

«اکبر آقا» در استودیوی فیلمبرداری صفحه ۷۸
قربانگاه عشق صفحه ۸۰

داستانهای تاریخی و حماسی

داستانهای شاهنامه صفحه ۸٤
سرداران استقلال: نقابدار نخشب. صفحه ۹۲

نامه‌های خوانندگان

نامه به سردبیر صفحه ۸۸
پاسخ‌های قضائی- پاسخ‌های تامین اجتماعی صفحه ۹۰
در کریدورهای دادگستری- پاسخ‌های مربوط به قانون کار صفحه ۹۱

مسابقات و سرگرمیها

جدول ماه- فال ماه- سرگرمی‌های متنوع و مسابقه‌ها صفحه ۹٦
کارگاه خنده صفحه ۹۸

هنری

خبرهای هنری ماه صفحه۸٦

در شهر کارگری

از اینجا و آنجا در شهرکارگران صفحه ٥۲

ورزش

سهل و ممتنع صفحه ۱۱۰
جام جوانان به گسترش ورزش در شهرستانها کمك می‌کند صفحه ۱۱۰
فوتبال ایران ناسیونال، یاد تیم خوب پیکان را زنده کرد صفحه ۱۱۰
ورزشگاه متروك بروی جوانان گشوده شد صفحه ۱۱۱
قهرمانان وزنه‌برداری باشگاههای کارگری تهران صفحه ۱۱۱
قهرمانان کشتی آزاد و فرنگی باشگاههای کارگری پایتخت صفحه ۱۱۱
این دانشجو برای کارگران همشهری خود باشگاه تاسیس کرد صفحه ۱۱۲
دیداری از باشگاه کارگران رستاخیز قم صفحه ۱۱۲
از باشگاههای کارگران تهرانی دیدن کنیم صفحه ۱۱۳
زمین ورزشی این باشگاه کارگری هم گوشت قربانی شد صفحه ۱۱۳
۲۱۱ نفر کارگر در اردو صفحه ۱۱٥
دو نسل برای قهرمانی در کار هم تاختند صفحه ۱۱٥

رپرتاژ آگهی‌ها

از کجاوه تا مرغانی آهنین بال تیزپرواز.
گزارشی از اوقاف ایران و سفر حج صفحه ۷۰
کارنامه ٥٠ سال افتخار:
موسسه دخانیات از نظر درآمد دربخش دولتی مقام سوم را دارد صفحه ٦٠
جشن بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی در دخانیات صفحه ٦٤

جشن مهرگان
جشن مهرشاه

رستاخیز کارگران

نشریه حزب رستاخیز ملت ایران
مدیرمسئول، محمدحسین کردبچه
شماره بیست‌و دوم، مهرماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی
نشانی: خیابان وصال شیرازی، چهارراه بزرگمهر پلاک ۱/۱٤۸
تلفن مدیرمسئول و سردبیر ٦٤٠٤٢٢ هیئت تحریریه ٦٦٣٧٥٥
تلفنخانه ٦٤٠٧٩٩- ٦٦٧١٥٩- ٦٦٦٠٤٤

مقاله‌های اساسی

در این مهر ماهی که هم اکنون بسر میبریم، به روزهای خوب و خاطره انگیزی بر میخوریم، که از آنجمله است روز«خانه انصاف» که فردا ۲۱ مهر ماه برای آن تخصیص داده شده است.زیرا در چنین روزی فرمان تشکیل خانه‌های انصاف در مناطق روستائی ایران از سوی رهبر بزرگ وطنمان صادر شد.

«خانه انصاف» که امروز بهمین سادگی از آن یاد میکنیم و برایمان یك سازمان عادی و معمولی شده است، یکی از بنیادهای نیك و کارآ در میان صدها دستاورد انقلاب اجتماعی و سیاسی وطنمان میباشد که توانسته است براستی ابزار عدالت را به روستاهای ما برده و اجرای دادگستری را در میان روستائیان آزاد شده ممکن و میسر سازد...و این به آسانی صورت نگرفته است...! بلکه اول انقلاب عظیم و عمیق اصلاحات ارضی و الغاء رژیم ارباب و رعیتی با هزاران خون دل و شهامت و کاردانی انجام گرفته و دهقان آزاد شده و مسائل زندگی روستائی شکل تازه بخود گرفته و روابط انسانها تغییر شکل داده و حالت انسانی و آزادگی(نه بردگی)یافته است، و آنگاه پدیده‌ای و یا بنیادی بنام«خانه انصاف»پدیدار گشته و بمشگل گشائی نشسته است..... و این خود یك سر گذشت بزرگ و یك تاریخ راستین است....

سر گذشتی که در هر جمله و عبارتش یکبار بنام شاهنشاه بر میخوریم، سر گذشتی که تمام آن با سر انگشت قدرت و حسن نیت و واقع بینی شاهنشاه نوشته شده است، سر گذشتی که در واقع سر گذشت ایران و شاهنشاه ایران است.

سه روز پیش نیز آغاز جشن مهرگان ایران زمین بود، که آن نیز چون یك گوهر درخشان دیگری بر تارك تاریخ ما میدرخشد و ایرانیان امروز را بیاد پدران سر بلند خود می‌اندازد....

اما درست که به امروز، همین امروز، سه شنبه بیستم مهرماه، مینگریم می‌بینیم که سالروز جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران است...

آری امروز هم سالروز و سالگرد و یادآور یك جشن دیگر است، اما جشنی، بنظر ما بزرگتر و پرشکوه‌تر، و در واقع اساسی‌تر.....

اساسی‌تر از این نظر که جشن تداوم و بهم پیوستگی تاریخ ملت ایران است.... تداوم تاریخ یك ملت حائز اهمیت فراوانی است، و یا بهتر بگوئیم، در واقع امکان تداوم تاریخ ملت نشانهٔ یك عظمت و نشانه یك اصالت و حقانیت است که شاید بجرات بتوان گفت که هر ملتی از چنین عظمت و اصالتی برخوردار نتواند بود...

اینکه ملتی میتواند افتخار بدین کند که تاریخ حیات خود و پدرانش را بدون هیچ وقفه و بریدگی و فراموش شدگی بازگو کند، این بدان معنی است که آن ملت خود را مانند یك موجود زندهٔ ازلی و ابدی (و یا چیزی برخوردار از منشاء قدرت ازلی و ابدی) میشناسد و بدان ارج مینهد..... این احساس و این شناسائی بدان معنی است که آن ملت یك ملت قدیمی و اصیل است که در طول سالیان سال و در طی قرون اعصار بوته حوادث و پیشامدها زنده بدر آمده و مانند یك عضو ضعیف و کاذب از میان نرفته است....

و ما، در این سرزمین وقتی که سخن از تاریخ مداوم و پیوسته خود میکنیم بی‌درنگ یك رشته طلائی در پیش چشمانمان مجسم میشود که ضامن این تداوم و پیوستگی بوده و هست و آن «نظام شاهنشاهی» و یا رشته پیوسته (شاهنشاهی) ایران است....

بلی، همین امروز که کارگران عزیز این شمارهٔ مجله خودشان را ورق میزنند سالروز جشن‌های شاهنشاهی است، جشن‌هائی که نه در تخت‌جمشید تنها، بلکه در تمام دنیا بعنوان یك جشن انسانها پذیرفته شد و رؤسای ملتها از هر مسلك و مرام و از هر سلیقه و عقیده که بودند آنرا جشن تداوم انسانیت و جشن پیوستگی تمدن انسانی تلقی کردند و گرامی داشتند. و بیهوده نیست که میبینیم جشن مهرگان در کنار و در سایهٔ تداوم شاهنشاهی ایران جشن گرفتنی بوده است، جشن سالروز خانه انصاف در پرتو رهبری قاطع و انسانی یك شاهنشاه امکان‌پذیر شده است، و یا جشن دهقان و یا روز سروش آریامهر.....و.... و دهها و صدها نشانه‌های دیگر از بهزیستی و شادمانی و عشق ورزیدن با زندگی... و آیا ما و شما و همه ملت ایران حق نداریم که همه زندگی‌مان را جلوه‌ای از مهرورزی شاه و ملت دانسته و از خداوند بزرگ‌ماه و مهر بخواهیم که دولت این مهر و عشق را تا ابد پایند بدارد؟

رابطه مستقیم
دانش فنی ودرآمد کار

در این ماه یکبار دیگر، پایتخت سرزنده و سرشناس وطن ما محل تلاقی و برخورد افکار و آراء صاحبنظرانی قرار گرفت که بحث درباره زندگی و مسائل زندگی انسانها را ضروری میدانند.... کنفرانس وزرای کار کشورهای آسیائی که در تهران تشکیل گردید نشان دهنده این حقیقت بود که وطن ما در موضعی است که رسیدگی به سرنوشت انسانها و تنظیم مسائل زندگی انسانها در انجا به آسانی و در شرایطی مناسب انجام پذیر است.... و این بسیار مهم است.... و چرا که بویژه بخاطرها نیاوریم که احراز این موضع ناشی از آن است که از بعد از انقلاب شاه و ملت وطن ما در شرایطی قرار گرفته است که توجه به بهبود زندگی انسانها و حل عادلانه و صلحجویانه مسائل جهانی در وطن ما بصورت یکی از وظایف و رسالتهای انقلاب ما درآمده است....

مگر نه اینست که در این مدت بطور منظم مشغول حل و فصل مشکلات زندگی گروههای فعال و زحمتکش وطنمان هستیم؟.... و چرا که این کنکاش و کارگشائی‌ها و کارسازیها را در حق دیگر مردم زحمتکش و انسانهای دیگر سرزمین‌های جهان مبذول نداریم؟ همچنان که در واقع هم شاهنشاه بزرگ و انساندوست ما همیشه در چنین مرحله‌ای همواره در اندیشه انسانها بوده و هستند و پیوسته نیز یکی از پرچمداران بهبود وضع زندگی همه انسانها بوده و هستند، و این از سربلندیهای ماست.....

در این کنفرانس بود که یکبار دیگر شاهنشاه در زمینه همین گونه راهگشائی‌های خیرخواهانه و بشر دوستانه پیامی فرستادند که مورد کمال سپاس و قدردانی وزیران کار شرکت کننده در کنفرانس قرار گرفت.....

شاهنشاه ایران زمین درآن پیام به بسیاری مسائل مربوط به کار و روابط کار و انسانها اشاره فرموده بودند که از آن جمله توجه ب، مسئله پیشرفت دانش فنی و حرفه‌ای کارگران یکی از جالبترین و حساس‌ترین نکات فرمایشات معظم‌له بود......

شاهنشاه ایران، مرد آزادیبخش واقعی کلیه انسانهای این ناحیه از اسیا، در پیام خود فرموده بودند:

«پیشرفت دانش فنی و حرفه‌ای کارگران تأثیر قاطعی از لحاظ افزایش بهره‌وری کار و درامد کارگران دارد........ و بدین جهت کاملاً منطقی و بجا خواهد بود که بهره‌وری کار بعنوان یکی از ضوابط مهم برای ترقی فرد و درآمد کارگران تلقی گردد.....»

همچنین اشاره رهبر وطن ما به نقش اساسی مدیریت در تنظیم رابطه کار و کارگر و کارفرما یکی دیگر از نکات حساس و تعیین کننده پیام مهم معظم‌له بود که مورد توجه کامل کنفرانس وزرای کار کشورهای اسیائی قرار گرفت. و اما مسئله‌ای که در این گفتار باید باختصار و قاطعیت به آن اشاره شود، این نکته است که مسئله لزوم پیشرفت دانش فنی و حرفه‌ای کارگران از مهمترین رهنمودهای شاهنشاه در زمینه رهبری نهضت صنعتی شدن کشور ما بوده است......

تصادفی نیست که در این مجله نیز از بدو انتشار تا کنون سعی شده است که به مسئله افزایش و پیشرفت سطح دانش فنی و حرفه‌یی کارگران همواره توجه مستمر و همیشگی شده و در حقیقت این رهنمود بزرگ شاهنشاه را سرمشق خود و خوانندگان کارگر خود قرار دهیم.....

طبیعی است که با پیشرفت مستمر و پویای تکنولوژی در جهان صنعت اگر کشوری بخواهد که دارای صنعت پیشرفته و پیشرو و سودبخش و پایدار باشد، باید که از کم و کیف این پیشرفتها با خبر بوده و انرا بوسیله کارگران و مدیران در اداره و پیشبرد برنامه‌های صنعتی خود بکار برد.....

و خصوصاً بسیار طبیعی است که همانگونه که اصولاً یك ملت در سودهای ناشی از فعالیتهای ملی شریك بوده و میزان درآمد و امکانات مادیِ و افراد آن رابطه مستقیم با محصول فعالیتهای ملی دارد، طبعاً در زمینه محصولات کار و صنعت نیز که کارگران مستقیماً درآن محیط قرار دارند، مستقیماً از حاصل کار و صنعت برخوردار خواهند شد.... و بسیار عادلانه و منطقی است که این سخن اینطور گفته شود که: وقتی که کارگران قادر هستند با پیشرفت دانش فنی و حرفه‌ای خود سطح تولیدات صنعتی و ارزش کالاهای ساخت خود را بالا ببرند، طبعاً باید بهمان میزان از حاصل دسترنج خود بهره ببرند و من جمله دستمزد و حقوقشان رابطه مستقیم با آن داشته باشد.... یعنی درآخرین تحلیل، بهمان گونه که رهبر بزرگ وطنمان فرمودند باید گفته شود: «باید ترقی مزد و درآمد کارگران و تولید کنندگان کالاهای صنعتی رابطه مستقیم با افزایش منظم سطح دانش فنی و حرفه‌ای خودشان داشته باشند و پیشرفت سطح دانش فنی و حرفه‌ای ضابطه میزان بهره‌وری ازمزد و از درآمد بیشتر باشد.» که خوشبختانه در جامعه کارگری ما باین حقیقت ارزنده توجه شده و کارگران ما روزبروز باین نکته مهم ؛ حیاتی میپردازند که سطح اطلاعات فنی و حرفه‌ای خود را بالا و بالاتر ببرند......

والبته همان گونه که دستگاههای مسئول همواره اعلام کرده‌اند تامین این نیاز و فراهم ساختن وسایل پیشرفت سطح دانش فنی کارگران بصورت یکی از تکالیف و برنامه‌ها درآمده و امید قاطع وجود دارد که با اجرای این برنامه‌ها این توصیه مهم و حیاتی شاهنشاه ما مانند سایر رهنمودهای گرانبهای ایشان کاملاً عملی شود.

یادداشت‌های ماه

۱

چرا اینطور شده‌اند؟

در خیابان باو برخوردم. برخلاف همیشه خیلی نارحت و عصبانی بنظر میرسید. علت را پرسیدم، بدون مقدمه گفت:

– نمیدانم کارگران ما چرا اینطور شده‌اند، و اینقدر بدقولی میکنند؟

– مگر چه شده است؟

– سه هفته قبل بود که زیپ یکی از شلوارهای من از جای خود در رفت و پاره شد. آن را به یك مغازه رفوگری و لباسشوئی بردم. هر چه اجرت تعیین کردند، بدون چون و چرا قبول کردم. قرار شد سه روز دیگر آنرا درست کرده و بدهند، ولی این وعده چند بار بتأخیر افتاد و سه روز، سه هفته شد و حالا که بعد از سه هفته سراغ آن رفته‌ام میگویند کارگر تعمیرکار به زیارت مشهد رفته و باید صبر کنید تا برگردد و شلوار را درست کند. پرسیدم کی برمیگردد؟ جواب دادند یکماه دیگر و وقتی اعتراض کردم گفتند اصلاً شلوارت را بردار و برو.... موضوع شلوار نیست، هر چیزی را که برای تعمیر بدهید بهمین درد مبتلا میشوید.... در جواب او گفتم:

– خوب، بالاخره کارگران هم باید مرخصی وزیارت بروند. آنها هم حق دارند.

– بله، باید مرخصی بروند، ولی تکلیف مردم چیست، وقتی نمیتوانند کاری را انجام دهند چرا قبول میکنند؟

چون جوابی نداشتم بدهم، حرف توی حرف آوردم و گفتم:

– راستش را بخواهی، با این کمبود کارگر بهتر است که هر کسی کارهای ساده را خودش بکند و برای اینکه گرفتار نظیر این بدقولی‌ها نشود و کارهای ساده و کوچك خانگی را یاد بگیرد، آموزشگاه‌های مخصوص هم که از طرف وزارت کار برای آموزش عموم مردم درست شده است.....

نکته بین

نیازشناسی و آموزش طبقه کارگر

در سالهای اخیر دامنه بحث وفحص در مورد اموزش طبقه کارگر گسترده‌تر شده وبموازات تقویت واشاعه نهادها وفرایندهای اقتصادی وصنعتی دامنه این بحث وسیع‌تر ولزوم این امر محسوس‌تر میشود.

تردیدی نیست که اموزش طبقه کارگر - که بزرگترین زیر ساخت انسانی طبقاتی جوامع صنعتی بشمار میرود- حائز اهمیت ویژه‌ای است ولی نکته‌ای که دراین بین فی‌نفسه ولزوماً مهم‌تر از امر اموزش است- وتا حدی زیادی نیز از نظرها بدور مانده- اینکه اموزش این طبقه صرفاً در فراگیری «خواندن ونوشتن» ویا بمفهوم اعم «سواد اموزی» خلاصه نمیشود بلکه آموزش طبقه کارگر در شکلی قابل پذیرش است که بطور مستقیم با نیازها، کمبودها ومشکلات این طبقه مرتبط باشد وقبل از هر مساله به رفع مشکلات ومعضلات انها بپردازد وبدین ترتیب است که اموزش کارگران ابعاد وساختهای مختلفی را در برمیگیرد. اموزش خواندن ونوشتن بعنوان یکی از مواد خام الزامی این اموزش بی‌گمان باید در مد نظر قرار گیرد ولی تکیه صرف براین بعد اموزش بی‌گمان پیروی از یك شیوه تك ساحتی است واموزش تك ساحتی- بویژه در مورد طبقه کارگر، که اکثریت قریب باتفاق جامعه امروز را تشکیل میدهد- اموزشی است ایستا وغیرپویا. با توجه به نیازهای متعدد وگونه‌گون طبقه کارگر یکی از مهم‌ترین ابعاد این اموزش باید به گزینش مطالب اساسی درسی واموزشی این طبقه مختص باشد وانتخاب این مطالب الزاما وضرورتا باید رابطه استوار ومستقیمی با نیازهای عاطفی، روحی وانسانی وبویژه طبقاتی این طبقه بزرگ وحساس داشته باشد وبهمین سبب قبل از هرگونه سوادآموزی واموزش باید یك مکتب اموزشی بعنوان نیازشناسی واسیب‌شناسی این طبقه بوجود اید چرا که انباشتن ذهن وحافظه کارگر از مشتی محفوظات وارداتی بسان کوبیدن اب است در هاون ونه تنها هیچ معضلی را حل نمیکند، که باعث بوجود امدن یك فرهنگ بی هویت وخودکامه- بویژه در مورد کارگران جوانسال- خواهد شد. لزوم تحول ودگرگونی اساسی در امر اموزش کارگران -مخصوصاً در انتخاب مطالب درسی این طبقه -بیش از پیش محسوس است وبی گمان دست اندرکاران این زمینه نیك واقفند که نیازشناسی طبقه کارگر میتواند به حیات هرگونه فرهنگ تحمیلی وتوتالیتر (خودکامه) پایان بخشد.

«دیروز»

آقاتقی... وقولش

آقا تقی شاگرد دکان تعمیر کولر محلمان لواخر تابستان، در یکی از روزهای ماه رمضان بخانه ما آمده بود. به اصرار افطار هم نگاهش داشتیم، و حرفمان که گل انداخت گفت: این ماه مبارك خیلی حسن داره یکیش اینکه ادمرو از مشروب خوری وامیداره، من سراسر سال با رفقا عرق میخورم و فقط این یکماهه که روزه میگیرم الکل نمیخورم. الحمدالله وضعم خوبه. خوبم پول در میارم و گوش شیطون کر، ناراحتی ندارم، اما همسایه‌های مغازه ما، که خدا اعلشون کنه، ادمهای سربراهی نیستند. کج میرن، راست میرن، راه و بیراه میان، دخیل ما میشن که پاشو بریم عرق بخوریم. ما هم حقیقتش هفته‌ای مزد میگیریم. یه هفته که کار کنیم هفتصد، هشتصد تومان داریم که البته شب جمعه که صاحب کار پول میده، تازه دویست‌سیصدتومن هم قرض و قوله میکنیم که خرج زن و بچه‌رو بدیم

گفتم پولی که تو در میاری مال خودت تنها که نیست. درسته که فقط شما کار میکنی، ولی زن و بچه ادم هم شریك هستند، حق و حقوق دارن. دین هم انرا حرام دانسته. سلامتی خودت رو هم از بین میبری. .یا دست از این کار بردار. آخه شما الان بنیه کار کردن داری، فردا چی میشه؟.... پس فردا چی میشه؟ آقا تقی گفت: خدا از برادری کمت نکنه. خیلی حرفهات تو دلم اثر گذاشت. میرم و بحق این ماه مبارك رمضون قسم میخورم که دیگه گول رفقای ناباب رو نخورم. آقا تقی رفت و امروز که داشتم شیر اب کولر را میبستم ، یاد آقا تقی افتادم و یاد قولش، تو دلم دعا کردم که آقا تقی توانسته باشد به قولش عمل کند. من هم از ته دل برای آقا تقی و آقا تقی‌های دیگر دعا میکنم که

نسرین نادرشاهی

شتاب مقابله با غیر ممکن

در مراسم شروع بهره‌برداری از ۱۲۲ آپارتمان شرکت تعاونی مسکن نویسندگان وخبرنگاران مطبوعات، آقای نخست وزیر با اشاره به مسئله مسکن ونیازهای فراوان نیروی انسانی ومصالح ساختمانی براین تاکید کرده است که دولت برنامه‌های مسکن خود را بعنوان همانوعی توسعه خواهد داد. از همین رو، چه در برنامه پنجم وچه در برنامه ششم بودجه کافی برای رفع کمبود مسکن منظور شده است.

البته تردید نیست، جهش شگرف اقتصادی کشور وافزایش بیسابقه درآمد افراد مملکت موجب افزایش توقعات شد. وهمانطور که نخست وزیر اشاره کردند اگر ۲۰ سال پیش افراد معمولا یك خانواده در یك واحد مسکونی زندگی میکردند، عروس وداماد شوهر، داماد ومادرزن، در یك حیاط بسر میبردند، وبرای خانواده‌ها برای ولوازمهای زندگی فرهنگ ومدرسه وبهداشت وانواع غذائی بود، امروز مساله اول مسکن است وهر خانواده میخواهد خانه مستقلی داشته باشد. واین جهش اقتصادی، ویکی از مظاهر آن خواستن مسکن مستقل، تنها تهران را در برنمیگیرد، بلکه در سطح مملکت این توقع گسترده است و لاجرم مشکل کمبود مسکن را هم در سطح کشور حتی در روستاها باید حل کرد. واین نکته که امکانات مالی خانواده‌ها همپای توقعات به بطور سریع افزایش یافته که میخواهند وفوراً خانه یا آپارتمانی برای خود تهیه کنند. احداث مجموعه‌های مسکونی، بدین سرعت مقدور نیست.

همانطور که تب وبیماری با سرعت بالا میگیرد، به همان سرعت آنرا نمیتوان از بدن دور ساخت. مسائل اجتماعی در کشورهائی که پیشرفتشان تا این حد سریع است اینگونه مطرح میشود. اما حل این مسائل با چنین سرعتی ممکن نیست. وبه زمان نیاز دارد. چه اینکه ما در زمینه صنعت به اشکار مشاهده میکنیم با کمبود کارگر، بویژه کارگر ماهر ونیمه ماهر روبرو هستیم. وهمین تنگناها در کار ساختمان نیز وجود دارد. ما در هر گوشه وکنار شهر وروستا، در هر زمینه، چه خانه سازی وآپارتمان سازی، وچه احداث سدها وپلها ومجتمع‌های بزرگ صنعتی، نیاز به کارگر ومهندس وتکنسین داریم. در حالیکه کمبود مصالح ساختمانی - که نیز به کمبود نیروی انسانی مرتبط میشود- هم به موازات همین کمبود محسوس است، وساختمان بادکنك نیست، که با چند «فوت» باد شود و بهوا برود.

پس باید واقع بین بود، ودر عین حال از دولت خواست تسهیلات لازم برای رفع کمبود مسکن - که گریبانگیر همه طبقات، بویژه کارگران است- را فراهم آورد، شتاب مقابله با غیر ممکن را نیز دانست.

هاشم محجوب

دوستی خاله خرسه

پسرخاله نازنین ما بعد از شش - هفت سال دوری از وطن، چند روزی است که از فرنگ برگشته و چشم ما را بجمال خودش روشن کرده است. در چند روز گذشته هرگاه فرصتی پیش میآمد بسراغ او میرفتم و باهم شروع به گپ زدن میکردیم، و از هردری سخن میگفتیم.

دریکی از این دیدارها او می‌گفت: من در آنجا از طریق دوستانی که از ایران میآمدند و باهم تماس داشتیم از پیشرفتهای سریع کشورمان آگاه می‌شدم، ولی جملگی ضمن تائید پیشرفتهای چشمگیر تاکید داشتند که کشور ما با کمبود نیروی انسانی کار آمد مواجه است. او اضافه کرد یکی از دلایلی که مرا مجبور کرد به وطنم بازگردم، همان حس وطن‌پرستی و ایران دوستی بود که من همیشه دارم. در آنجا با خودم می‌گفتم شاید با بازگشت خود دینی را که به کشورم دارم بتوانم ادا کنم و در رشته‌ای که تخصص یافته‌ام گوشه‌ای از کمبود نیروی انسانی این رشته را پر کنم من پرسیدم«سعید جان، تو در کشوری که بودی ضمن ادامه تحصیلات کار هم میکردی؟» گفت نه، گفتم چرا؟ گفت راستش را بخواهی میدانی چرا؟ برای اینکه هر جا که میرفتم بمن میگفتن سابقه کار داری، قبلاً جای دیگری کار کردی؟... با کمال تاسف جواب میدادم نه. و هر وقت با این سئوالها روبرو میشدم فوراً دوستی و محبت غیر اصولی پدرم را بیاد میآوردم که همیشه با دلسوزی پدرانه به من میگفت تو فقط به فکر درست باش، تمام مخارج زندگی و تحصیل تو را من تأمین می‌کنم. و من هم با این پشتیبانی بی‌دریغ در راهی که قدم گذاشته بودم پیش رفتم و همچنان که می‌بینید هم اکنون در یکی از رشته‌های مورد نیاز تخصص گرفته‌ام ولی مطمئن باش من این محبت و دوستی«خاله خرسه» را درحق فرزندانم هرگز روا نخواهم داشت، چرا که در دنیا و بخصوص کشور ما که ارزش نیروی انسانی روزبروز بالا میرود، من صحیح نمیدانم که بچه‌هایم تا سن سی ودوسالگی فقط درس بخوانند و هیچ کار سازندگی نداشته باشند

هر فردی باید بعد از پایان تحصیلات متوسطه ضمن ادامه تحصیلات دانشگاهی کار مورد علاقه و یا تخصصش را انجام دهد تا هم با فوت وفن کارهای اداری و اجتماعی آشنا شود و هم بسهم خود مبارزه‌ای را برای کمبود نیروی انسانی انجام داده باشد.

شاهرخ تویسرکانی

بی‌تفاوتی، ترمز پیشرفت

گاه به آدم‌هائی برمیخورم که صفای دلشان و وفای کارشان با هم یکیست. درویشند ونه از قافله درویشان کوه نشین، روحاً درویش هستند وبین جماعت هزار ویك چهره‌ای شهر چنان خضوع وخشوعی دارند وچنان کار راه‌انداز هستند که گویی از بهشت به زمین آمده‌اند. در عوض درمیان همین گروه به افرادی بر میخوریم که کار می‌کنند وکارگر هستند، شرافتمدانه پول در میاورند، ولی دارای آن روحیه سازندگی نیستند.

چندی قبل پس از مدتها نوبت گرفتن اتومبیلی را که برای رفع حوائج روزانه زیرپایم هست به یك تعمیرگاه مجاز بردم. صبح زود رئیس قسمت تعمیرات، تمام معایبی را که ذکر کردم روی کارت نوشت وقرار شد بعداز ظهر برای گرفتن اتومبیل به تعمیرگاه مراجعه کنم. کارگری را هم مامور انجام کارها کرد. بعداز ظهر که برای گرفتن اتومبیل رفتم چشمتان روز بد نبیند، دیدم پروانه پلاستیکی را روی زمین انداخته‌اند ودوشاخه پروانه زیر لاستیك اتومبیل‌ها شکسته، کارگر مامور انجام کار، پروانه شکسته را میخواست سوار کند، گفتم: برادر، این پروانه برای خنك کردن آب رادیاتور است، وقتی دوشاخه‌اش شکسته باشد به چه درد میخورد؟

گفت: حالا ببرین، نوبت بعدی برایت عوض می‌کنم.

گفتم: پروانه من سالم بوده اینجا شکسته، یعنی بر اثر بی‌مبالاتی شما روی زمین مانده وشکسته.

کارگر محترم بعداز نیم نگاهی که به من انداخت گفت: بهرحال کاریست که شده، ساعت کار منهم تمام شده.

دیدم حرف وبحث فایده‌ای ندارد. رفتم نزد رئیس تعمیرگاه وماجرا را برایش گفتم وحرف او تکانم داد.

– آقا متاسفانه در هر تعمیرگاهی چند تائی ازاین نوع آدم‌ها داریم که باین مسایل بی توجه هستند. بلند شدیم رفتیم نزد کارگر مذکور وعاقبت با کلی ناز وبی اعتنائی این کار را کرد ومنهم تصمیم گرفتم دیگر به آن تعمیرگاه مراجعه نکنم. بعد با خودم فکر کردم چطور ممکن است ما به یکدیگر انقدر بی‌تفاوت باشیم که رنج وخوشحالی هم برایمان بی ارزش باشد! وچطور میشود این معادله را بین جماعت خودمان حل کنیم که همه ما بهم احتیاج داریم واگر دست محبت بهم بدهیم دیگر مسئله بغرنجی برایمان نمی‌ماند.

م.عرفی نژاد

پیام شاهنشاه آریامهر به ششمین کنفرانس وزرای کار کشورهای آسیائی

پیشرفت دانش فنی و حرفه‌ای کارگران

تاثیر قاطعی از لحاظ افزایش بهره‌وری کار و درآمد کارگران دارد

شاهنشاه در این پیام فرمودند:

ششمین کنفرانس وزرای کار کشورهای آسیائی که امروز ۲۹ شهریور کار خود را در تهران آغاز میکند بررسی مسائل مهمی نظیر بهره‌وری کار و آموزش و تحرك نیروی انسانی را که با مجموعه رشد اقتصادی و اجتماعی کشورها مربوط است برنامهٔ کار خود قرار داده است. مسلم است که درجه ترقی بهره‌وری و سطح دانش فنی نیروی کار از عوامل اساسی برای استفاده از دست‌آوردهای دانش و تکنولوژی و از مهمترین وجوه امتیاز و ملاك پیشرفت جوامع است. پیشرفت دانش فنی و حرفه‌ای کارگران تاثیر قاطعی از لحاظ افزایش بهره‌وری کار و درآمد کارگران دارد، بدین جهت کاملا منطقی و بجا خواهد بود که بهره‌وری کار بعنوان یکی از ضوابط مهم برای ترقی مزد و درآمد کارگران تلقی گردد، و همچنین به نقش اساسی مدیریت در بهره‌وری و منطقی ساختن رابطه کارفرما و کارگر توجه شود و برای افزایش مهارت نیروی کار بایجاد مراکز آموزش حرفه‌ای بویژه مراکز جوار کارخانه و آموزش ضمن کار بذل توجه کامل گردد، و در برقراری ارتباط و هماهنگی لازم بین آموزش عمومی و راهنمائیهای آموزشی و شغلی و کارآموزی حرفه‌ای اهتمام کافی مبذول شود. این موضوع از مبانی و عوامل اساسی اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های آموزشی و کارآموزی حرفه‌ای است و از این طریق است که میتوان ابتکار و استعداد فردی کارگران را پرورش داد و موجبات رشد شخصیت و دانش اجتماعی و باز اموزی و تجدید مهارت انان و توسعهٔ مستمر برنامه‌های اموزشی را بموازات پیشرفت تکنولوژی فراهم ساخت.

بیان این واقعیت برای ما مایه خوشوقتی است که تاکنون جلسات کنفرانس وزرای کار کشورهای منطقه آسیا وسیله سودمند و شایان توجهی برای تبادل نظر در زمینه مسائل مربوط به کار بوده است، و این نشانه‌ای از درك واقع بینانهٔ دول منطقه از ضرورتها و تحولات اجتماعی است.

از انجا که بهبود وضع کارگران در مناطق مختلف بستگی بمساعی مجدانه در سطح بین‌المللی دارد ضروری است که کشورهای منطقه با همکاری یکدیگر برای ترقی اقتصاد خود تلاش کنند. همانطور که در فرصتهای عدیده‌ای خاطرنشان ساخته‌ایم کشور ما حاضر است تجاربی را که بویژه طی سالیان اخیر در این زمینه بدست اورده است با کشورهای منطقه در میان بگذارد.

ارزومندیم که کنفرانس وزرای کار کشورهای منطقه آسیا در انجام وظیفه سنگینی که بر عهده دارد توفیق یابد و سهم خود را در تحقق ارمانهای ملل آسیائی و تسریع رشد اقتصادی و اجتماعی منطقه ایفا نماید.

آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی پیام شاهنشاه آریامهر را قرائت کرد.

وزرای کار کشورهای آسیائی در شرفیابی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر دیده میشوند. آقای امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی افتخار حضور دارد.

شاهنشاه آریامهر، در شرفیابی وزرای کار کشورهای آسیائی فرمودند:

اگر قرار باشد ما دنیائی سرشار از صلح، ثبات و دنیای متعادل ومتوازنی داشته باشیم

بایدبه مبارزه با مشکلات موجودبر خیزیم

شاهنشاه آریامهر در دومین روز بریانی ششمین کنفرانس وزرای کار کشورهای آسیائی، وزیران کار کشورهای آسیائی را بخصور پذیرفتند و از تشکیل این کنفرانس ابراز خرسندی فرمودند.

شاهنشاه آریامهر در این شرفیابی که در کاخ سعداباد صورت گرفت، ضمن بیانات کوتاهی خاطرنشان ساختند ایران برای مسکلات کار اهمیت زیادی قائل بوده و بسیاری از آنها را حل کرده است، اما تنگناهائی از قبیل افزایش جمعیت، روابط کار و کارفرما، ساعت کار و شرایط زندگی کارگران وجود دارد که امید است کنفرانس بتواند پیشنهادهای سازنده‌ای درباره هر یك از انها ارائه کند.

شاهنشاه خاطرنشان ساختند که چگونه می‌توان در دنیائی که نابسامانی‌های اقتصادی وجود دارد این مشکلات را حل کرد و برای همه کار و مشاغل کافی پدید اورد.

شاهنشاه اضافه فرمودند:

شاید گفتگوهای این کنفرانس و همکاری با کنفرانس پاریس یا به عبارت دیگر گفت‌وگوهای شمال و جنوب بتواند تا حدی راه حل‌های مناسبی را پیدا کنند، اما مسلماً تنها در چنین کنفرانس‌هائی است که می‌توان به نتایج مطلوب رسید و راه حل‌هائی برای مسائلی که من هم اکنون بدان اشاره کردم پیدا کرد. شاید صلاح باشد نتیجه تحقیقات و راه حلهای این کنفرانس به کنفرانس پاریس نیز فرستاده شود.

شاهنشاه فرمودند اگر قرار باشد ما دنیائی سرشار از صلح، ثبات و دنیای متعادل و متوازنی داشته باشیم باید به مبارزه با مشکلات موجود برخیزیم و نابرابریهائی را که در برخی نقاط دنیا از لحاظ شرایط کار وجود دارد از میان برداریم. در واقع تلاش برای حل این مشکلات به همان اندازه مبارزه با فقر و بینوائی اهمیت دارد. شاهنشاه در پایان فرمودند من امیدوارم این کنفرانس و فرد فرد اعضای آن در کار خود پیروز شوند و در اینده نیز منشأ آثار مثبتی باشند.

در آغاز این شرفیابی امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی وزیران کار کشورهای آسیائی را به پیشگاه شاهنشاه معرفی کرد و آقای گوردون وزیر کار نیوزیلند به نمایندگی از طرف وزرای کار کشورهای آسیائی از میهمان‌نوازی‌های دولت و ملت ایران سپاسگزاری کرد و گفت خوشبختانه این کنفرانس مصادف با پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی است و من پیشرفت‌هائی را که ایران تحت رهبریهای شاهنشاه اریامهر به دست آورده است با مقایسه ۲۲ سال قبل که در ایران بوده‌ام بوضوح دیدم.

آقای هویدا نخست‌وزیر:

کارگر ایرانی بعنوان سرمایه گذار در توسعه صنعتی کشور سهیم است

آقای هویدا نخست وزیر در ششمین کنفرانس وزیران کار کشورهای اسیائی فعالیتهای کارگری کشورمان را تشریح کرد.

ششمین کنفرانس وزرای کار کشورهای اسیائی روز دوشنبه بیست و نهم شهریورماه با پیام شاهنشاه اریامهر و با حضور اقای هویدا نخست‌وزیر در تهران گشایش یافت و در روز سی و یکم شهریور با صدور اعلامیه‌ای بکار خود پایان داد.

در این کنفرانس که هیات نمایندگی سیزده کشور اسیائی و چند سازمان بین‌المللی شرکت داشتند. اقای علم وزیر دربار شاهنشاهی پیام شاهنشاه اریامهر را قرائت کرد و سپس اقای هویدا نخست‌وزیر طی سخنانی با اشاره به کوششهای سازمان بین‌المللی کار به نقش حیاتی نیروی کار، بعنوان زیربنای سیستم اقتصادی و اجتماعی که بسرعت در حال تغییر است پرداختند و گفتند:

در ایران شاهنشاه ما طی یك رشته تصمیماتی دور نگرانه روابط کارگری را از بنیان دگرگون ساختند. بنحوی که نیروی کارگر ما اکنون از ثمره توسعه اجتماعی و اقتصادی کشور بهره فراوان میبرد. ما تا کنون تلاشهای وسیعی را برای همکاری با اجتماع خود که همواره در حال گسترش است بعمل اورده‌ایم. بمنظور توزیع بهتر و مناسبتر درامدها و استقرار عدالت اجتماعی علاوه بر برنامه سهیم شدن کارگران در سود واحدهای تولیدی که در حدود ۱۵ سال پیش تحت عنوان اصل چهارم انقلاب شاه و ملت به اجرا در امد از طرف دولت برنامه‌ای برای مشارکت کارکنان صنایع در مالکیت تأسیسات صنعتی که در آن سرگرم کار هستند پیاده شده است.

آقای هویدا اضافه کردند:

در این زمینه لازم به یاداوریست که کارگران ایران اکنون دیگر فقط تولید کننده و مصرف کننده کالا نیستند بلکه به عنوان سرمایه‌گذار در توسعه صنعتی کشور سهیم میباشند بر اساس این برنامه تا ٤۹ درصد از سهام مؤسسات خصوصی صنعتی و ۹۹ درصد از سهام شرکتهای دولتی برای فروش به انان عرضه شده است که بترتیب اولویت کارگران واحدهای صنعتی و سپس کشاورزان و سرانجام مردم از ان برخوردار هستند.

اطمینان دارم که تجارب ما با توجیه گسترده‌تر و تفصیل بیشتر از طرف هیئت نمایندگی ایران به کنفرانس ارائه خواهد شد و ما نیز به نوبه خود انتظار داریم که از تجارب ویژه دوستان آسیائی خویش بهره فراوان ببریم..

انگاه آقای امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی و رئیس اجلاس ششمین کنفرانس وزرای کار کشورهای آسیائی طی سخنانی گفت:

همانطور که اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در پیام خود خطاب به کنفرانس خاطرنشان فرمودند، کنفرانس وزرای کار کشورهای منطقه آسیا وسیله سودمند و شایان توجهی برای تبادل نظر در زمینه مسائل مربوط به کار بوده و نشانه‌ای از فهم واقع بینانه دول منطقه از ضرورتها و تحولات اجتماعی است. کنفرانس مسائلی را در دستور خود قرار داده است که با مجموعه رشد اقتصادی، و اجتماعی کشورها مربوط است. وجود ۳۰۰ میلیون نفر بیکار و کم کار در کشورهای جهان سوم و افزایش ۸۰۰ میلیون نفر به نیروی کار این کشورها تا پایان قرن حاضر مسئله عظیم ایجاد شغل برای بیش از ۱/۱ میلیارد نفر را (که قسمت اعظم آن مربوط به منطقه آسیاست) در برابر جوامع بشری قرار داده است.

وزیر کار سپس با تاکید بر کمکی که کنفرانس به حل این مشکل خواهد کرد .

در زمینه بهره‌وری ما استفاده از شاخص‌های بهره‌وری را در تعیین حدود افزایش مزدها در سطح صنعت مورد نظر قرار داده‌ایم و در سطح واحدهای تولیدی نیز سیستمهای پرداخت حسب نتایج کار (payment by-results)را ترویج میکنیم. ما دو انگیزه بزرگ دیگر یعنی سهیم کردن کارگران در سود کار گاهها و اعطا سهام کارخانه‌ها به کارگران را بصورت ابتکاری یعنی بعنوان یك الزام قانونی در سیاست مزد خود وارد کرده‌ایم. بسیاری از ضوابط قانون سهیم کردن از جمله تقلیل ضایعات، بهبود کیفیت و افزایش استحصال همان ضوابط بهره‌وری هستندو کوشش ما اینستکه این قانون را هر چه بیشتر در جهت بهبود و ارتقاء بهره‌وری پیش ببریم.

یکی دیگر از تدابیر ما برای ایجاد انگیزه در کارگران انعقاد قراردادهای بهره‌وری میان کارفرمایان و کارگران و نیز ایجاد سازمانی بنام «سازمان توسعه و بخش بهره‌وری» با ترکیب سه جانبه است که یکی از توصیه‌های هشتمین کنفرانس ملی کار میباشد و از جمله وظایف آن ترتیب دادن امارگیری بهره‌وری در سطح ماکرو-تعیین یك سیاست ملی بهره‌وری - نظارت و تامین هماهنگی در فعالیت دپارتمان‌ها و کمیته‌های بهره‌وری و اموزش اصول و مفاهیم و روشهای بهره‌وری بمدیران و کارگران خواهد بود.

وزیر کار آنگاه به افزایش کارائی منابع نیروی انسانی پرداخت و گفت:

اصولاً در کشور ما تنوع سرمایه‌گزاریها عملاً زمینه اقتصادی برای استفاده از افراد متخصص و ماهر را فراهم و امکانات تحصیل در آمد کافی برای افراد متخصص مهیا نموده است. بدین ترتیب کوشش ما معطوف بر اینست که برنامه‌ها و فعالیتهای اموزشی (اعم از آموزش عمومی فنی و حرفه‌ای) جوابگوی رشد اقتصادی کشور باشد.

وی سپس به سیستمmodules of employable skills که هم اکنون با همکاری سازمان بین‌المللی کار اجرای آنرا در ایران آغاز کرده‌ایم و در صورت توفیق میتواند مورد استفاده کشورهای منطقه‌ای قرار گرفته و زمینه دیگری از لحاظ اجرا و همکاری فنی در منطقه در زمینه مسائل مربوط به کار ایجاد کند، پرداخت و اظهار داشت:

از محاسن اساسی سیستم مورد نظر اینست که از طریق آن میتوان یك سیستم کلی(universal) برای آموزش حرفه‌ای ایجاد کرد و مواد و مطالبی را که کارگری باید در سطوح مختلف مهارت و از جمله در صورت تغییر شغل یا ضرورت ارتقاء سطح مهارت خود با توجه به نیازهای متغیر نیروی انسانی فرا گیرد دقیقاً معین ساخت وزیر کار سپس با اشاره به تحرك نیروی انسانی گفت:

تحرك نیروی انسانی بین بخشهای مختلف تولیدی و مناطق گوناگون کشور

توزیع عادلانه ثروت

و برخورداری منصفانه از همه امکانات برای تمام مردم جامعه باید فراهم شود

ششمین کنفرانس وزرای کار کشورهای اسیائی که از ۲۹ شهریور ماه در تهران تشکیل شده بود، پس از سه روز بحث و بررسی با صدور اعلامیه‌ای به اجلاس خود پایان داد.

اعلامیه این کنفرانس با تاکید بر اهمیت پیام شاهنشاه یاد اور شده است که معظم له در پیام جامع خود به توسعه و گسترش اموزش فنی و حرفه‌ای و ارتقاء سطح مهارت و تخصص کارگران اشاره فرمودند و با تاکید خاص در مورد لزوم بهره‌وری کار از طریق ارتقاء سطح مهارت کارگران و ایجاد انگیزه‌ای مناسب در این زمینه بمنظور ارتقاء رفاه مادی کارگران بصراحت کنفرانس را ارشاد فرمودند. بعلاوه شاهنشاه آریامهر در این پیام اعلام داشتند که ایران اماده است خود را در زمینه توسعه تعلیم و تربیت در کلیه سطوح بویژه تعلیمات فنی و حرفه‌ای و همچنین اقدامات موثری که در زمینه افزایش بهره‌وری نیروی کار بعمل اورده است در اختیار سایر کشورها قرار دهد. و این تجارب را بطور دقیق در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح سازد.

کنفرانس مراتب حق شناسی خود را از پیام خردمندانه و راه گشای شاهنشاه اعلام داشت و از اینکه روسای هیئتهای نمایندگی افتخار شرفیابی بحضور ملوکانه را یافتند سپاسگزاری کرد.

شاهنشاه در شرفیابی وزرای کار کشورهای اسیائی و روسای هیأتهای نمایندگی کشورهای منطقه خاطرنشان فرمودند که این کنفرانس فرصت مناسبی است برای بحث و تبادل نظر در باره موضوعاتی که در کنفرانس شمال و جنوب مطرح شده.

کنفرانس با اشاره به این بیانات حکیمانه شاهنشاه در مورد اینکه کاهش اختلاف بین کشورهای فقیر و غنی مهمترین و نخستین شرط استقرار صلح جهانی است معتقد است که افزایش بهره‌وری نیروی کار و توسعه برنامه‌های تعلیمات فنی و حرفه‌ای از بهترین تدابیری است که میتواند عدالت و صلح را در جهان مستقر و پا برجا سازد.

اعلامیه همچنین یاد آور شده است اقای هویدا نخست وزیر طی سخنانی موقعیتهای ایران را در زمینه‌ی نیل به هدفهای توسعه اقتصادی و اجتماعی مورد اشاره قرار دادند و تجارب و موقعیتهای ایران را در تامین نیازها و احتیاجات کارگران و مشارکت انان در منافع و مالکیت واحدهای صنعتی برشمردند و سیاستهای دولت ایران را در زمینه‌ی توسعه برنامه‌های اموزشی پرورش نیروی انسانی برای کنفرانس تشریح کردند.

در اعلامیه اضافه شده است آقای معینی رئیس کنفرانس و وزیر کار و امور اجتماعی کشورمان به تفصیل تجارب ایران را در زمینه‌ی اتخاذ تدابیر موثر برای افزایش بهره‌وری و بر انگیختن میل و تمایل کارگران به تولید بیشتر و همچنین برنامه‌هائی را که در زمینه‌ی تجهیز و تربیت منابع انسانی در ایران به مرحله اجرا در امده است به کنفرانس ارائه کرد.

در اعلامیة یاد اوری شده که کنفرانس اصل تامین احتیاجات اولیه جوامع بشری را در زمینه حل مشکلات مربوط به اشتغال و توزیع عادلانه‌تر نتایج حاصل از اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی را که توسط کنفرانس جهانی اشتغال در ژوئن ۱۹۷۶ پذیرفته شده بود مورد تایید و حمایت قرار داد.

کنفرانس لزوم استفاده از تکنولوژی افزایش و بهره‌وری کار را در جهت نیل به هدفهای ملی از جمله استقرار عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت و برخورداری منصفانه از امکانات اقتصادی را برای همه احاد مردم هر جامعه مورد تاکید قرار داد.

اعلامیه متذکر شده است: نکات مذکور در دو کمیته فنی که برای بررسی مسائل دستور جلسه تشکیل شده بود، مفصلا مورد بحث و تاکید قرار گرفت.

کمیته شماره یك در مورد بهره‌وری و تدابیر و انگیزه‌های موثر در افزایش ان را مورد توجه قرار داد و پیشنهاد کرد:

۱- دفتر بین المللی کار مطالعاتی در زمینه انتخاب ضوابط اندازه‌گیری بهره‌وری انجام دهد زیرا در حال حاضر یك روش خاص و مشترك برای تعیین میزان بهره‌وری در کشورهای منطقه وجود ندارد.

۲- در صورتیکه لازم باشد باید یك برنامه اموزش بمنظور بالا بردن سطح دانش کارگران و کارفرمایان در زمینه مزایای افزایش بهره‌وری به مرحله اجرا در آید.

۳- همچنین پیشنهاد شد تا در صورت تمایل دفتر بین المللی کار پس از انجام بررسی‌های لازم، ضوابطی را پیشنهاد کند که با توجه به احتیاجات اولیه منابع انسانی چه سهمی از افزایش بهره‌وری به کارگران و چه سهمی به کارفرمایان تعلق گیرد.

٤- کمیته نقشی را که موسسات و سازمانهای روستائی میتوانند در این زمینه ایفا نمایند مورد تاکید قرار داد و موسسات مذکور را به دو گروه تقسیم کرد. موسسات گروه اول که رابطه میان دولتها و جوامع را با اعضاء ان موسسات مورد نظر قرار میدهد و گروه دوم روشهای تولیدی غیر اقتصادی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

٥- با توجه به اهمیت کشاورزی در بین اکثر کشورهای منطقه کنفرانس پیشنهاد کرد که برای استفاده از روشهای مناسب پیشرفته در جهت افزایش بهره‌وری در این بخش برای فعالیت اقتصادی بخش کشاورزی اولویت ویژه‌ای در نظر گرفته شود.

٦- لزوم ایجاد هماهنگی بین کشاورزی و صنعت بویژه در زمینه توسعه صنایع وابسته به کشاورزی، بمنظور توسعه امکانات اشتغال در بخشهای صنعت و روستائی مورد تاکید قرار گرفت.

کمیته دوم که موضوع اموزش و تحرك نیروی انسانی را مورد بحث قرار داده با تاکید بر همکاری موسسات مسئول اموزش فنی و حرفه‌ای یاد اور شد که لازم است بین هدفهای بخشهای مختلف اقتصادی از نظر سرمایه گذاری و نیازهای این بخشها به نیروی انسانی ماهر و متخصص هماهنگی لازم برقرار گردد تا مؤسسات اموزشی بتوانند همگام با گرایش‌های سرمایه‌گذاری منابع انسانی مورد نیاز جامعه را تربیت نمایند.

کنفرانس با اشاره باین واقعیت که توسعه برنامه‌های اموزش و پرورش بویژه گسترش برنامه‌های تعلیمات فنی و حرفه‌ای نخست احتیاج به مربیان کاراه و ماهر دارد. بنابراین لازم است تدابیری اتخاذ شود تا ضمن توسعه تربیت مربیان تعلیمات حرفه‌ای و ارتقاء مقام اجتماعی این گروه و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای این نیاز اساسی، مرتفع گردد.

اعلامیه با تاکیدبر توسعه اموزش فنی و حرفه‌ای یاداور شده است. باید به آموزش کشاورزان ماهر و متخصص درجهت افزایش تولید کشاورزی توجه خاص مبذول گردد و ترتیبی اتخاذ شود که کارگران کم‌کار و یا بیکار بخش کشاورزی که مورد نیاز نیستند، قبل از انتقال به شهرها، مهارت و دانش لازم را برای جذب در قطبهای صنعت فرا گیرند.

کنفرانس با بررسی کلیه جنبه‌های نقل و انتقالات کارگری از جمله جنبه‌های بین‌المللی ان باین نکته اشاره کرد که پیوسته باید در زمینه این قبیل نقل و انتقالات تعادل لازم بین نیازهای کشاورزی و صنعتی جوامع بوجود اید و کارگران مهاجر مورد حمایت کافی قرار گیرند.

دراعلامیه اضافه شده است: نمایندگان سازمان بین‌المللی کار نکات اصلی مندرج در گزارش کارشناسان همکاریهای فنی در زمینه‌های مسائل مربوط به امور کارگری در منطقه اسیا را که بدنبال توصیه‌های پنجمین کنفرانس وزرای کار کشورهای اسیا در ملبورن تدوین شده است بطور خلاصه باستحضار کنفرانس رسانیدند.

کنفرانس توصیه‌های گروه کار کارشناسان را مورد توجه قرار داد و اظهار امیدواری کرد که سازمان بین‌المللی کار گزارش کاملی حاوی نظرات ان سازمان درمورد نحوه اجرای نکات اساسی توصیه‌های مذکور تهیه کند.

گزارش مذکور باید برای کشورهای منطقه ارسال گردد تا توسط سازمانهای مسئول مسایل روابط کار و سایر مقامات دولتی ذیربط مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. بدین‌ترتیب دولتها برمبنای پیشنهاداتی که رسماً از طریق سازمان بین‌المللی کار دریافت کرده‌اند، میتوانند نظرات خود به سازمان مذکور اعلام نمایند.

ضمن اینکه برای نیل بهدفهای تجهیز منابع نیروی انسانی و استفاده منطقی و صحیح از انها ضروری است در عین حال این تحرك باید تحت نظم صحیح در اید. بطوریکه هدفهای سایر بخشهای تولیدی و برنامه‌های عمرانی بعضی از مناطق کشور را مختل و متوقف نسازد و از مشکلات ناشی از حرکت‌های خود بخودی اجتناب شود. کما اینکه تحرکهای غیر منطقی بین بخشهای روستائی و شهری و فعالیتهای کشاورزی و صنعتی از نمونه‌های بارزی در این زمینه میباشد.

نا گفته نگذارم که جابجائی نیروی انسانی از یك فعالیت اقتصادی به فعالیت اقتصادی دیگر نیز باید تحت نظم صحیح در اید و طبعاً همکاری سازمانهای کارفرمائی و کارگری از مبانی لازم برای توفیق در این امر است.

وزیر کار اضافه کرد:

مطلب دیگری که میخواهم توجه کنفرانس را بآن معطوف دارم گزارش گروه کارشناسان در مورد گسترش همکاریهای فنی در منطقه در زمینه مسائل مربوط به کار است همانطور که ملاحظه نموده‌اید، گروه کارشناسان بویژه در بند ۳٤۸ گزارش خود خاطر نشان ساخته‌اند:

«روش و عکس‌العمل کشورهای مورد بازدید در خصوص تقویت همکاری بین کشورهای منطقه اسیا در امور کارگری و موضوعات وابسته بآن مثبت و بسیار امیدوار کننده بود».

گروه همچنین خاطر نشان ساخته است که:

«در کشورهای مختلف زمینه‌هائی وجود دارند که دارای ظرفیت کافی از نظر کمك به کشورها بوده و یا آنکه تجربیات حاصل در خصوص آن زمینه‌ها میتواند بصورت مطلوب بتوسعه برنامه‌های کلیه کشورهای ذیر بط در سطح منطقه کمك نماید و امادگی کشورهای منطقه و حسن نیت آنها از لحاظ سهیم ساختن سایر کشورها در این اطلاعات و تجارب، گروه کارشناسان را تحت تاثیر فراوان قرار داد».

این مایه کمال خوشوقتی است و یکبار دیگر موید روح همکاری صمیمانه و عمیق بین کشورهای منطقه است و من لازم میدانم بسهم خود از گروه کارشناسان بخاطر انجام دقیق و موفقیت آمیز کاری که بر عهده داشته‌اند تشکر کنم.

همچنین میخواهم موافقت خود را با نظری که در بند ۳٤۹ گزارش از لحاظ تدابیراتی مربوط بتوسعه همکاریهای فنی بین کشورهای منطقه ابراز شده است اعلام دارم. من نیز معتقدم که تقویت همکاری و گسترش همکاریهای فنی بین کشورهای منطقه در زمینه مسائل مربوط به کار باید بصورت یك روال مستمر در آید و تجربه حاصل از ماموریت گروه کارشناسان توسعه داده شود بدون تردید کنفرانس حاضر فرصت مناسبی از لحاظ ترسیم خطوط اصلی برنامه آینده در این زمینه میباشد.

[illegible]

برای کسانی که آن روزهای سیا

پیش از انقلاب، نزولخواران، حقوق کارگر را تا یک سوم پیش

«محمد حسین عباس میرزائی» نماینده کارگران در مجلس شورای ملی - با آن چشمهای نافذ و چهره مصمم جلوی من - روی یك صندلی فلزی - نشسته است و من همانطور که به پکهای ممتد سیگارم ادامه میدهم، در صورتش خیره شده‌ام و فکر میکنم در پشت چهره مردی که چهل سال از زندگی خود را به کار کردن گذرانیده چه تجربه‌ها و خاطراتی نهفته است. حاصل چهل سال کارگری مداوم و بی‌وقفه بی‌گمان بدست آوردن یك دید خاص و تجربه‌ها و خاطرات تلخ و شیرینی است که بازگوی آنها میتواند بسیار روشنگر باشد. هدف من نیز همین است. میخواهم عباس میرزائی از گذشته‌های دور، از سالهای توفانی گذشته، از سایه‌ها و رنگها و پست وبلندی‌های زندگی‌اش حرف بزند. میخواهم برای کارگران جوان امروز حرف بزند، از نیش‌ها و نوش‌ها بگوید، از دیروز و امروز و وقتی حرفهایم را میشنود، آه بی‌وقفه‌ای میکشد و با همان چهره مصمم و لحن قاطع میگوید:

● سایه‌های گذشته

-«تشکر میکنم از اینکه مسئله کار و کارگری را مطرح کردید، تا کارگران جوان امروز مملکت ما از گذشته‌های بسیار تلخی که ما کارگران قدیم داشتیم آگاه شوند و بدانند و بفهمند که این همه رفاه و آسایشی که کارگر امروز از آن بهره‌مند است، آسان و رایگان بدست نیامده است، و این همه مواهب و نعمتهای امروز بر اثر رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر نصیب کارگران و تمام ملت ایران شده است.

اما اینکه من چگونه کارگر شدم: بطور کلی باید بگویم زمانی که من در لباس کارگری شروع بکار کردم، در این مملکت بیش از چند کارخانه انگشت شمار وجود نداشت و البته این دوره همزمان با سالهای اواخر سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر، یعنی سال ۱۳۱۵ بود. خوب بیاد دارم که در آن زمان اکثریت مردم ایران ثروتمند نبودند و از طرفی هیچ قانون بیمه کارگری و بهداشت و یا بازنشستگی کارگری هم وجود نداشت و من هم که طفل صغیر و یتیمی بودم مادرم مجبور شد مرا که تازه تصدیق ششم ابتدائی‌ام را گرفته بودم، در کارخانه دخانیات بگذارد تا بکارگری ساده مشغول شوم. حقوق من در آن زمان روزانه ٤/٥ ریال بود و من مجبوربودم با همین ٤/٥ ریال هم کرایه اتوبوس و هم کرایه منزل بدهم و با مابقی آن خانواده چندنفری خود را اداره کنم. چند سال این وضع سخت و طاقتفرسا را گذراندم تا اینکه حادثه شوم شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و در آن زمان من بخدمت سربازی رفتم و پس از پایان دوره سربازی مجدداً به دخانیات برگشتم و بکار سابق خود مشغول شدم. چون در دوران خدمت نظام توانسته بودم مقداری کار صنعتی مکانیکی را یاد

در باره محمدحسین عباسمیرزائی

محمدحسین عباسمیرزائی در سال ۱۳۰۰ در تهران متولد شد و پس از دریافت گواهینامه ششم ابتدائی در سن ۱۵ سالگی بعنوان کارگر ساده در دخانیات آغاز بکار کرد و بیش از سی سال بطور مداوم به کار پرداخت.

*** در سال ۱۳٤٦ عباسمیرزائی از طرف کارگران ایران به نمایندگی مجلس شورای ملی از تهران انتخاب شد و در حال حاضر نیز نماینده کارگران در مجلس شورای ملی است.**

*** عباسمیرزائی طی سالهای گذشته نماینده کارگر کارخانه، نماینده کارگر در شورای عالی کار، نماینده شورای عالی سازمان تامین خدمات اجتماعی، نماینده کارگران ایران در کنفرانس بین‌المللی کار و نماینده کارگران در هیأت منصفه بوده است. عباس میرزائی از نمایندگان فعال و پر تحرك مجلس شورای ملی است و همواره در دفاع از حقوق کارگران و حمایت از این طبقه تلاشهای چشمگیری داشته است.**

درباره نظرات و خاطرات تلخ وشیرین گذشته و امروز عباس میرزائی با وی به گفتگو پرداخته‌ایم که در این صفحات می‌خوانید:

بگیرم. بهمین جهت وقتی مجدداً باستخدام دخانیات درآمدم، پس از یك سلسله امتحانات و اقدامات اداری این بار در قسمت مکانیکی و صنعتی کارخانه مشغول بکار شدم.

همانطوریکه همه اطلاع دارند هجوم بیگانه باین مملکت سبب شد تا افکار وعقاید سیاه وخائنانه‌ای به ارمغان **آورده شودو وجودهمین فریب‌خوردگان باعث شده بود که گروه وطن‌پرستان و شاهدوستان با تمام قدرت با افکار بیگانگان مبارزه کنند.**

البته فراموش نکنیم که بعضی از کارفرمایان و متنفذین اجنبی‌پرست هم به این آتش دامن میزدند. خوب بخاطر دارم وقتی انوقتها مریض می‌شدم اصولاً پزشکی نبود که من کارگر را معالجه کند. آب بهداشتی نبود. بیمارستان نبود و خلاصه هیچ چیزی اجنبی برای ما باقی نگذاشته بود. در صورتیکه امروز کارگران ما از بسیاری از امکانات رفاهی که در گذشته فقط اسم آنرا در کتابها میخواندیم استفاده میکنند. کارگر امروز هر پزشکی را که خودش صلاح بداند برای معالجه خود انتخاب میکند، درصورتیکه در آن زمان اصولا پزشکی نبود که بخواهیم انتخاب یا ردش کنیم. چون مملکت در سراشیبی تندی رو به تنزل بود.

بخوبی بخاطر دارم که در سال ۱۳۲۰ کارگران این مملکت اصولاً نمی‌دانستند که مسئله بازنشستگی چیه "یعنی اگر کارگری در حین کار فوت میشد، بهیچوجه معلوم نبود که وضع و سرنوشت خانواده‌اش بکجا خواهد کشید. چون هیچ مرجعی مسئول تامین زندگی خانواده کارگران پس از مرگ آنها نبود.

همینطور وضع تحصیل فرزندان کارگران روشن نبود و اصولا اکثریت کارگران بخاطر فقر مادی ومالی قادر نبودند که فرزندان خود را برای سوادآموزی به مدرسه بگذارند و وقتی هم که بمدرسه می‌گذاشتند سالهای مدیدی طول میکشید تا کاری برای بچه خود پیدا میکردند، چون در مملکت ما اصولا کار پیدا نمیشد.

درست بخاطرم هست که همیشه پشت در کارخانه‌های موجود آن زمان به چند برابر تعداد کارکنانش عده‌ای بیکار منتظر ایستاده بودند که شاید اگر کارخانه بکارگری اضافه نیازمند باشد از وجود آنان استفاده کنند. اگر کارگری در آن زمان پس از چند سال کار چند روز مریض میشد و بر سر کار خود حاضر نمیشد، کارفرما بدون هیچگونه دلیل و یا مزایائی او را اخراج میکرد. در آن دوره کارگر ایرانی نه از سهیم شدن کارگر در سود ویژه اطلاع داشت و نه از قانون کار و اصولاً حق نداشت در مقابل کارفرمای خود از حق خود دفاع و یا درباره قانون کار اظهار نظر بکند.

● :- واقعاً عباس میرزائی بد نیست که در اینجا خاطرات بسیار جالب و عبرت‌آموز شما را که در طول آن سالهای سیاه و توفانی برای شما بجا مانده از زبان خودتان بشنویم چون این خاطرات عبرت‌آموز میتوانند به کارگران جوان امروز ما بیاموزد که این همه مزایائی که از آن برخوردارند بهیچوجه آسان و ارزان بدست نیامده است....»

● چهره کریه مزدوران سیاستهای خارجی

عباس میرزائی:- **البته خاطرات بسیار است و متاسفانه اکثر این خاطرات انبوهی از نامرادی‌ها و رنجها و تبعیضات کارگری است. مثلاً بخاطر دارم در سال ۱۳۲۷ قرار شد**

ه‌رادیده‌اند بیشتر به خیال شبیه است

خرید میکردند

مسابقه‌ای بین کارگران فنی برقرار شود و با امتحاناتی که بعمل می‌آوردند وعده دادند که به بهترین کارگران اضافه حقوق و ترفیع سمت خواهند داد. درست در همان روزهای بحرانی که احزاب غیرقانونی با کمال قدرت سعی در تضعیف مملکت داشتند، من نیز در این مسابقات شرکت کردم. سرپرست آن روز من یکی از اعضاء فعال حزب منحله و منفور توده بود. او بمن گفت اگر تو عضویت حزب توده را قبول کنی هم به تو ترفیع خواهیم داد. و هم اضافه حقوق. من اعتراض کردم که شما از من کار بخواهید، بمرام و مسلك من چکار دارید و اصولاً من در دوره خدمت مقدس سربازی قسم یاد کرده بودم که همیشه نسبت به وطن و شاه خودم وفادار بمانم، اما او قبول نمیکرد و ناچار شکایت را پیش رئیس کارخانه بردم و او هم بخاطر موقعیت خطرناك و وخیم آن روز بمن گفت این مسایل مربوط به خارج از کارخانه است و اصولاً در این جا ما از حزب و مرامی صحبت نمی‌کنیم. بهرحال بخاطر عدم قبول پیشنهاد او مورد غضب قرار گرفتم و بجای ترقی، مدتی کارهای سخت و طاقت‌فرسا را بمن محول کرد. زمان بجلو میرفت تا اینکه واقعه ننگین سوءقصد بجان گرامی شاهنشاه آریامهر در ۱۵ بهمن سال ۱۳۲۷ رخ داد- بدون اغراق باید بگویم کارگران داوطلبانه در سال ۱۳۲۷ بمناسبت رفع خطر از جان گرامی شاهنشاه مبلغ قابل توجهی جمع کردند و با برگزاری مراسم شکر و نیایش بازگشت مجدد و سلامت این موهبت الهی را با شکوه هرچه تمامتر جشن گرفتند و علاوه بر این با اطعام بچه‌های پرورشگاه این رفع خطر را جشن گرفتند و مراسم نیایش بجا آوردند و این مراسم نیایش خوشبختانه تاکنون برقرار است در سالهای توفانی گذشته کارگران در کارگاهها بخاطر تضاد عقیده و مرام و مسلك به نزاع و زد و خورد خونین می‌پرداختند و اغلب دامنه این زد و خوردها در خیابانها ادامه پیدا میکرد. البته فراموش نباید کرد که عامل این دسته‌بندی‌ها و زد و خوردها کارفرماها و یا سیاستهای خارجی بودند. در آنزمان هر دسته‌ای علیه دسته دیگر بکار نفاق‌افکنی و تشتت افکار می‌پرداخت. اصولاً هیچ کس در این اندیشه نبود که بدنبال منافع کارگر برود و بطور کلی در آن زمان با فقر و عسرت مطلق زندگی میکردیم. فی‌المثل اغلب اتفاق می‌افتاد که حقوق خود را به نزول‌خواران پیش‌فروش میکردیم و دلیل این کار هم این بود که در آن زمان شرکت تعاونی و بانك رفاه و سندیکا و

بطور کلی هیچ دستگاه و مرجعی برای احقاق حق کارگران وجود نداشت و بهمین جهت چون نیاز شدید پول برای امرار معاش در بین کارگران مشاهده میشد عده‌ای نزول‌خوار با کسر مبلغ زیادی گاه تا یك سوم حقوق هر کارگر مزد ماهیانه او را میخریدند و با گرفتن اسناد اعتباری لازم در پایان ماه کلیه حقوق و مزایای کارگر را (البته اگر مزایائی وجود داشت!) از صندوق حسابداری کارخانه دریافت میکردند و چون در آنزمان ما فاقد امکانات رفاهی بودیم اکثراً در محل سکونت خود به بقال و قصاب و نانوا بدهکار بودیم و روز پانزدهم هر ماه طلبکاران جلوی در کارخانه کمین میکردند تا اگر حقوق گرفته باشیم (که اکثراً زمان پرداخت حقوق هم معلوم نبود) طلب خود را از ما وصول کنند.

ماحصل کلام اینکه کارفرما و دولتهای وقت در اندیشه وضع کارگران نبودند وهمه در راه هدفها و منافع شخصی خود قدم برمی‌داشتند و وجود کارگر اصولاً قابل بحث برای بالاترها نبود و تنها شاهنشاه عزیز رهبر اندیشمند ما بودند که در تمام شبانه روز بفکر تامین آسایش یك یك کارگران و سایر افراد ملت بودند.

نکته مهم دیگر اینکه: اصولا در آن زمان بقدری بیکاری وجود داشت که نمیتوان درباره کیفیت وکمیت آن صحبت کرد. بطور مثال وقتی کارگری مریض میشد واین موضوع را اعلام میکرد، فوراً کارفرمایان میگفتند «بنویسید معاف شود» و یا اگر میگفتیم که همسرم یا بچه‌ام مریض است و احتیاج به معالجه و مواظبت دارد، جواب میدادند «بما مربوط نیست. اگر نمی‌خواهی از همین حالا برو و دیگر هم به اینجا قدم نگذار.» البته توجه داشته باشید که دراین گونه مسایل سابقه کار و ارشدیت کار و تخصص و مهارت کار هیچ کدام عامل تخفیف دراین کار ظالمانه نبود و مثل اسب عصاری فقط باید کار میکردیم و غروب کار فرما بدلخواه خود مزدی را که مناسب تشخیص داده بود، بما میداد فقط همین بود و بس. نه مدارس شبانه بود، نه آموزشگاههای صنعتی و حرفه‌ای و نه وسایل رفاهی. بطور کلی روزگار بسیار تلخ و تاریکی را گذراندیم. اما در این میان تمام چشم امید کارگران ایران بطرف شاهنشاه آریامهر دوخته شده بود، چون کارگران بخوبی دریافته بودند که تنها براثر رهبری و تلاشهای انسانی شاهنشاه میتوانند به رفاه و ترقی دسترسی پیدا کنند. حالا اگر فردی وضع گذشته را با وضع فعلی کارگران مقایسه کند و آنرا شرح دهد، دیگران می‌پندارند که او افسانه می‌گوید ولی اینها افسانه نیست حقیقت است. امروزه اگر یك کارگر نخواهد کار کندکارفرما با مهربانی او را احضار میکند و حتی چای جلوی کارگر میگذارد و علت انصراف او را از کار سئوال میکند و اگر دلیل موجهی وجود داشته باشد دردرجه اول سعی میکند که مشکل کارگر را حل کند و آن کارگر در واحد بکار خودش ادامه دهد و از طرفی وزارت کار و امور اجتماعی طبق قانون حقوق کارگران را بررسی میکند و همه ساله حداقل دستمزد یك کارگر را تعیین میکند. در صورتیکه در گذشته ما کارگران هرگز جرات نداشتیم در مورد کمبود حقوق خودمان با کارفرما صحبت بکنیم، در صورتیکه کارگران امروز ایرانی نه تنها درباره سرنوشت و حقوق خود تصمیم میگیرند، بلکه آنچنان مرفه و قدرتمند شده‌اند که حتی سهام کارخانه‌ای را که در آن بکار مشغول هستند، خریداری میکنند»

فراموش نمیکنم روزیکه از طرف رهبر محبوب ما طرح شش ماده‌ای اعلام شد، همه مردم این مملکت به جنب و جوش بی‌سابقه‌ای افتادند من شخصا در کنار صندوق آراء نشسته بودم و با صدای بلند بکارگران میگفتم اگر میخواهید از زندگی مرفه و آسایش خود و خانواده‌تان برخوردار باشید، به این لوایح انقلابی رای مثبت بدهید و اگر هم مخالف آن هستید رای منفی بدهید. چون این انتخابات کاملا آزاد است و این اولین همه پرسی مستقل و آزادانه ایست که مردم ایران برای انتخاب سرنوشت خود در آن شرکت میکنند. هر کدام را مایل هستید انتخاب کنید.

بشهادت خداوند فریاد میزدم که از هیچ کس ادرس نمی‌خواهیم و در این جا سالن خلوت است و ۲ صندوق در گوشه‌ای قرار گرفته، هرکدام از این آراء مورد نظرتان هست در صندوق بیاندازید. باور کنید من برای نمونه حتی یك نفر را ندیدم که در صندوق مخالفین رای بیاندازد. بااینکه امکانات و آزادی دراین همه پرسی کاملا رعایت شده بود همه مراجعه کنندگان در حوزه ما که اکثرا از کارگران بودند رای مثبت دادند و از همان لحظه به بعد هرروز از روز پیش وضع کارگران ما بهبود یافت. کارخانه‌ها یکی پس از دیگری در گوشه و کنار مملکت افتتاح شدند و نیروی عظیمی از کارگر بیکار آنروز را بخود جذب کردند تا حدی که بطوریکه اطلاع پیدا کردم در سال گذشته ۳۶۰ کارخانه درایران آغاز بکار کرده است، یعنی بطور

بقیه درصفحه ۱۳

حسنعلی مهران - رئیس کل بانك مرکزی ایران- از شخصیت‌های صاحب نظر و معروف اقتصادی کشور است. مهران پس از اتمام تحصیلات متوسطه خود در تهران برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و پس از گذراندن دوره کلاسهای کالج فنی کمبریج، وارد دانشگاه نایتینگهام شد و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اقتصادی در آن دانشگاه بپایان رسانید.

*** حسنعلی مهران از سال ۱۳٤٤ تا ۱۳٤۷ در دانشگاه بریستول انگلستان در زمینه مسائل اقتصادی و آماری تدریس میکرد و از سال ۱۳٤۷ تا ۱۳٤۸ کارمند صندوق بین‌المللی پول در اداره روابط ارزی و بازرگانی در شهر واشنگتن بود.**

*** در سال ۱۳۵۰ حسنعلی مهران به سمت معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارائی منصوب شد و از روز چهارم آبان سال ۱۳۵٤ تا کنون بعنوان رئیس کل بانك مرکزی ایران به خدمت اشتغال دارد.**

*** حسنعلی مهران چند کتاب در زمینه مسائل اقتصادی تالیف کرده است که عبارتند از:**

۱ - «اصول فنی برنامه ریزی مالی» (سال ۱۹٦۹)

۲ - «اصول و روشهای حسابداری اجتماعی» با همکاری پروفسور آلن برون (بریستول سال ۱۹٦۸).

۳ - «میعان بین‌المللی و استفاده از منابع صندوق» (بریستول سال ۱۹٦۸)

٤ - «سیاست پولی و توسعه اقتصادی» (بریستول سال ۱۹٦۷)

*** حسنعلی مهران، علاوه بر تبحر و تسلط در زمینه مسائل و علوم اقتصادی و ارزی، در زمینه ادبیات و نویسندگی نیز مطالعات عمیق و گسترده‌ای دارد و صاحب قلم شیوائی است و تا کنون مقالات متعددی در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی منتشر کرده است.**

*** در کنگره اخیر سازمان کارگران ایران، شورایعالی سازمان کارگران مسئولیت کمیته بهره‌وری کار را بعهده حسنعلی مهران محول ساخت و بهمین مناسبت (در دنباله گفت و شنود با مسئولان کمیته‌ها) در این ماه در باره هدفها و وظائف کمیته بهره‌وری کار و کم و کیف این مسائل گفتگوئی با مهران بعمل آورده‌ایم که در این صفحات می‌خوانید.**

—«آقای مهران خیلی ممنون از اینکه پذیرفتید گفتگوئی داشته باشیم در زمینه مساله بهره‌وری کار و کم و کیف این مساله. در وهله اول این سئوال عنوان می‌شود که اصولاً و بطور اعم بهره‌وری کار چه تعریف و سطوحی را شامل می‌شود و اصولاً بهره‌وری کار در تعریف شمولی آن کدام است؟»

حسنعلی مهران:—«یکی از مسائلی که درحال حاضر در کمیته بهره‌وری در مورد آن بحث می‌شود همین تعریف بهره‌وری ونحوه محاسبه بهره‌وری کار است، زیرا عوامل تولید صرفاً محدود به کارگر نیست، بلکه کارگر یکی از عوامل مهم تولید است وسرمایه ومدیریت وهمچنین تکنولوژی- بی‌گمان- از عوامل اساسی تولید بشمار میروند. حال باید دید دراین تابع تولید سهم هر کدام ازاین عوامل تولید چیست؟

هنگامی که از افزایش بهره‌وری بحث میشود، منظور ما این است که با همان عوامل تولید میتوانیم موفق شویم که میزان تولید را افزایش دهیم.

نکته مهم دراین بین این است که باید دید دربین این عوامل، کدامیك درمورد افزایش بهره‌وری عامل تعیین کننده است؟

همانطور که میدانید یکی از طرقی که معمولا برای محاسبه بهره‌وری بکار برده می‌شود، این است که سهم سایر عوامل را ثابت میگیرند و افزایش بهره‌وری را به کارگر میدهند. باین معنی که اگر تولید با همان نیروی کار، ۱۵ درصد افزایش یابد، می‌گوئیم بهره‌وری کارگر پانزده درصد افزایش یافته است بااینکه ممکن است این افزایش بهره‌وری احیاناً ناشی از بهبود مدیریت و یا براثر استفاده از ماشین آلات جدید و تکنولوژی مدرن در امر تولید بوده باشد، ولی بهرحال- همانطور که اشاره کردم- می‌گوئیم بهره‌وری کارگر پانزده درصد بالا رفته است. بطور کلی بررسی مساله بهره‌وری این فرصت را در اختیار ما می‌گذارد که شناخت دقیق و صحیحی از روابط

گفت و شنود از: «دیروز»

بهره‌وری کار، تمام گروهها و طبقات جامعه را در برمیگیرد

عوامل مختلف تولید داشته باشیم.»

●:- «دراینجا این مساله مطرح می‌شود که اصولاً رابطه کار با بهره‌وری یك رابطه مستقیم است، یا عوامل جنبی دیگر دراین زمینه موثرند؟»

مهران:- «وقتی ما از «کار» حرف میزنیم منظورمان کار در سطح کل کشور است و بی‌گمان شامل تمام طبقات و گروههای جامعه می‌شود و وقتی هم از مساله بهره‌وری بحث می‌کنیم هدفمان فقط افزایش بهره‌وری در صنایع کشور نیست

وقتی شاهنشاه آریامهر به مساله کاهش ضایعات و کم کاری اشاره می‌فرمایند، روی سخن معظم‌له با تمام گروههای کارگری کشور- اعم از کشاورزی و صنعتی و معدنی و کارمندان بخش دولتی و بخش خصوصی- است.

وقتی شاهنشاه میفرمایند که از کار دزدیدن خودش دزدی است و کسی که بتواند بیشتر کار کند ولی آن کار را نکند و بالاخره در حدود استعداد و توانائی خودکار نکند، عملاً به وطنش خیانت کرده است، استنباط من از فرمایشات شاهنشاه این است که فرمایشات رهبر گرانقدر ایران شامل تمام گروههای جامعه و مردم ایران می‌شود.

مثلا اگر کشاورزی را در مد نظر قرار دهیم، دراین زمینه این سئوال به ذهن متبادر خواهد شد که حداکثر برداشت محصول از یك هکتار زمین چگونه باید انجام شود و انچه درحال حاضر از این یك هکتار برداشت می‌کنیم، چقدر است و به چه نحوی میتوانیم وضع موجود را به وضع ایده‌آل مبدل کنیم؟

این، یعنی افزایش بهره‌وری در کشاورزی و تنها بوسیله افزایش بهره‌وری است که میتوان سطح درآمد کشاورز را در بخش کشاورزی افزایش داد.

البته این امر مستلزم این است که بسیاری از عوامل مؤثر دیگر (مانند: شبکه آبیاری صحیح، کود بیشتر و غیره) نیز دراین امر بکار گرفته شوند و در مجموع نتیجه چنین وضعی بهبود و افزایش درآمد زارع است. یا در سیستم اداری مساله این است که بهره‌وری کارمندان را باید به چه صورت افزایش داد؟

دراین مورد احیاناً باید در سیستمها و روشهای کار تجدید نظر بشود، ولی ما حصل تمام این تحولات و تغییرات این است که بتوانیم خدمات بیشتری در مقابل همان ساعت کار به مردم عرضه کنیم. پس مساله بهره‌وری کار محدود به صنایع یا کشاورزی نیست، بلکه افزایش آن یك هدف همه جانبه و شمولی د سطح کشور است.»

●:- «کمیته بهره‌وری که مسئولیت آن را شما بعهده دارید چه هدفهائی را دنبال می‌کند ووظایف آن در کدام سطوح تبیین می‌شود؟»

مهران:- «این کمیته بدستور شورایعالی کارگران که ریاست آن بعهده جناب اقای هویدا نخست وزیر است تشکیل شد و فکر می‌کنم علت اینکه این مسئولیت را آقای نخست وزیر و شورایعالی سازمان کارگران بعهده بنده محول کردند این بود که قصد داشتند چون بانك مرکزی ایران (علاوه براینکه بانك دولتی است) یك دستگاه مستقل پژوهشی و آماری درزمینه اقتصاد کشور نیز است بتواند مطالعات و تحقیقات مستقلی از دستگاه کارفرما و دستگاه کارگری و همچنین سازمان‌های دولتی درامر بهره‌وری کار انجام دهد و حاصل و نتیجه مطالعات و تحقیقات را از طریق این کمیته دراختیار سازمانهای مربوطه (سازمانهای کارگری و کارفرمائی و دولت) قرار بدهد تا بطور کلی همکاری این دستگاهها از طریق کمیته بهره‌وری جلب شود

لازم است ما نظام جدیدی برای ارتباط دادن افزایش بهره‌وری به افزایش مزد و حقوق بوجود اوریم (یعنی بصورتی که همه در جهت افزایش سطح بهره‌وری و کاهش ضایعات همکاری کنند) تا منافع و سودهای حاصله از این افزایش بهره‌وری بشکل عادلانه‌ای بین عوامل تولید (به کارگر بصورت افزایش مزد و به کارفرما بصورت سود معقول) تقسیم شود.

●:- «برای پیشرفت و گسترش هرچه بیشتر امور کمیته بهره‌وری چه اقداماتی را لازم می‌دانید و چه توصیه‌هائی دارید؟»

مهران:- «مهمترین مساله دراین مورد این است که جلب همکاری و همفکری افراد مؤثر با کمیته بهره‌وری ضرورت تام دارد و مادر کمیته بهره‌وری از افراد دعوت بعمل آورده‌ایم که واقعاً بتوانند کمك فکری بکنند. مثلا از جامعه کارگری و کارفرمائی واز صاحب نظران وزارت کار و امور اجتماعی هم دعوت شده که در مورد تحقیقات و مطالعات انجام شده اظهار نظر کنند.

البته مطالعات و تحقیقات کمیته بهره‌وری هنوز درمراحل مقدماتی قرار دارد و پس از اینکه به نتایج کافی رسیدیم گزارش آنرا خدمت جناب آقای نخست وزیر بعنوان رئیس شورایعالی سازمان کارگران، تقدیم خواهیم کرد.

●:- «متشکریم.»

اینهمه پیشرفت زندگی کارگر

بقیه از صفحه ۱۱

دقیق هرروز یك واحد صنعتی دراین مملکت بوجود آمده و تا به انجا که امروزه ما با کمبود نیروی کارگر روبرو شده‌ایم. تفاوت دوران سیاه با سالهای انقلاب شاه و ملت دراین است که در ان زمان چندین برابر کارگران شاغل کارخانه‌ها در پشت در کارخانه‌ها کارگران بیکار بانتظار ایستاده بودند و امروز همه کارخانه‌های مملکت از کمبود نیروی انسانی کارگر شکوه دارند. البته من علت کمبود کارگر را در این میبینم که آنچه ما کارگر بیکار داشتم جذب کارخانه‌ها شدند و از انجائیکه این کارخانه‌ها ظرفیت پذیرش کارگران بیشتری را دارند، در ساختن و آماده کردن نیروی کارگری جدید از خود اهمال و سستی نشان داده‌اند، چون این دسته از کار فرمایان و صاحبان صنایع کارخانه را تأسیس کرده‌اند، اما در کنار آن آموزشگاه حرفه‌ای و کارآموزی فراهم نکرده‌اند و با اینکه دولت آموزشگاههای حرفه‌ای و هنرستانهای صنعتی زیادی در سطح مملکت تأسیس کرده است، ولی کارفرمایان چندان اقدامی نکرده‌اند اما از آنجائیکه زمان لازم است تا این نیروی عظیم آموخته شده به کارخانه‌ها و کارگاهها جذب شوند، لذا همین زمان لازم باعث میشود که آنها در کار خود احساس رکود و کمبود و نیروی انسانی بکنند. از طرفی دیگر همین کارخانه‌ها به افزایش معلومات و هنر صنعتی کارگران چندان توجهی نکرده‌اند و همین مسئله باعث شده که با کمبود کارگر مواجه شوند. امروزه فرزند هیچ کارگری وجود ندارد که نواند از کلاس اول ابتدائی تا مراحل آخر دانشگاهی درس بخواند. این امکانات برای همه کارگران آماده است و بطورکلی میتوانیم ادعا کنیم که زندگی کارگر ایرانی در طی ۱۵ سال اخیر از صفر به صد رسیده و اصولاً قابل مقایسه با دوران قبل از انقلاب نیست. خوب دقت کنید، در گذشته، که البته منظورم همان قبل از دوره انقلاب است، در خانه کدام کارگر یخچال بود؟ دیدن یخچال و احیاناً خوردن یك تکه یخ از یخچال از آرزوهای ما کارگران فقیر بود. در کدام منزل ما میتوانستیم تلویزیون و اجاق گاز و رادیو و مبل و فرش و حمام گرم و سایر لوازم لوکس امروزی را داشته باشیم؟ ما هرگز از کولر خبر نداشتیم و حتی قادر نبودیم بادبزن حصیری هم خریداری کنیم. در صورتیکه در خانه کارگران کولر و یخچال و تلویزیون و اجاق گاز و خلاصه تمام وسایل رفاهی که یك اعیان و ثروتمند از آن برخوردار است یافت میشود. زندگی امروز مردم ما با زندگی آن روز مثل افسانه است و جوانان امروز فکر میکنند که ما با گفتن این مسایل برای آنها افسانه پردازی و خیالبافی می‌کنیم. درست مانند کسانیکه که در قرنها پیش زندگی میکردند اگر امروز بیدار شوند و ترقی و پیشرفت امروزی بشر را ببینند برایشان غیر قابل باور است. عباس میرزائی درباره کمبود کارگر نظریات دیگری هم دارد:

-«من با توجه به تجربیات ٤٠ ساله خودم در کارگاهها و همچنین تجربیاتی که در لباس نمایندگی کارگران در مجلس قانونگزاری بدست اوده‌ام فکر میکنیم هر کارفرمائی که کارگاهی ایجاد میکند باید در همان مدت زمانی که مشغول ساختن بنای آن کارخانه و یا کارگاه است در کنار آن ابتدا یك واحد یك مدرسه کوتاه مدت زمانی برای تعلیم و تربیت کارگران مورد نیاز خود بوجود اورد تا پس از اینکه آن واحد صنعتی آماده بهره‌برداری شد این کارگران دوره دیده در آنجا مشغول بکار شوند و طبعاً مقدار زیادی از نیازمندی‌های آن کارخانه با این عمل مرتفع خواهد شد و اگر مسئولین آن واحد صنعتی بتوانند مدرسه خود را بازهم برای تربیت کادر بیشتری دایر نگهدارند مسئله بسیار جالب توجه خواهد بود.

البته این طرحی است که از زمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای ما بیادگار مانده است، چون وقتی رضاشاه کبیر کارخانه پارچه بافی شاهی و حریربافی چالوس را به این مملکت وارد کردند، در کنار آن مؤسسه آموزشی تهیه فرمودند تا کارگران مورد نیاز کارخانه تأمین شود. متأسفانه صاحبان صنایع که اخیراً در سایه رشد اقتصادی دست بکار ایجاد کارخانه و واحدهای صنعتی زده‌اند از چنین رویه منطقی پیروی نکرده‌اند و بهمین سبب امروز میبینیم از لحاظ کارگر متخصص در مضیقه هستیم، در صورتیکه از لحاظ کارگر ساده چندان در مضیقه نیستیم امروز کارگر ساده زیاد مورد احتیاج نیست، بلکه کارگر ماهر و متخصص مورد نیاز است. بطورکلی هر کارگر ساده هم باید اطلاعات اولیه‌ای از وضع ماشین آلاتی که در کنار آن کار خواهد کرد داشته باشد امروز ما نیروی انسانی برای تربیت داریم باید صاحبان کار و مسئولان امر در اندیشه تربیت این نیروی متخصص باشند. بنظر من هنرستانهای حرفه‌ای خود سرمایه‌ای است برای اینده مملکت، چون هر سال چندین هزار نفر از جوانان مملکت را برای جذب در واحدهای صنعتی و تولیدی تربیت میکنند ولی این کافی نیست و وزارت صنایع و معادن باید هر کسی که تقاضای امتیاز تأسیس یك واحد صنعتی را می‌کند وی را قبلاً وادار کند که در ابتدا یك آموزشگاه کوچك درحد احتیاجات خود برای تربیت کارگر مورد نیاز خود تأسیس کند و پس از آن اجازه بهره‌برداری از واحد صنعتی داده شود.

این طرح باید در تمام رشته‌های تولیدی اجرا شود تا وقتی کارگاه از لحاظ ساختمان و نصب دستگاه تکمیل شد کارخانه جدید معطل کارگر و یا تکنیسین نشود. این مسئله در تمام رشته‌ها صادق است من معتقدم باید اصولاً مسئله دستمزدین هر رشته صنعتی در تمام کارخانه‌های مشابه یك سان شود و اگر چنین طرحی پیاده شود دیگر مسئله فرار یك کارگر از این کارخانه به آن کارخانه بخاطر مزد بیشتر، منتفی خواهد شد. صاحبان صنایع باید از دولت و وزارت کار پیروی بکنند و با تشکیل کلاسهای ۳ ماهه و شش ماهه نیروی کارگر مورد نیاز خود را راساً تأمین کنند و بعد هم همین کلاسهای آموزشی را بسایر کسانیکه قصد تأسیس کارخانه دارند واگذار کنند. بنظر من یکی از مواد قراردادی که مسئولان امر باید با درخواست کننده تأسیس کارخانه امضاء میکنند باید این باشد که تا شروع بهره‌برداری باید تعداد کارگرانی که ان واحد صنعتی نیازمند ان است بهمان اندازه و دران مدرسه صنعتی موقتی ان کارگاه تعلیم ببینند و در این صورت ما هم تولید خوب خواهیم داشت و هم بازده خوب.

● آقای عباسمیرزائی حال این مساله مطرح است که کارگران در مقابل این همه مزایا و مواهب که نصیبشان شده چه کرده‌اند و باصطلاح ساده‌تر در مقابل این همه که گرفته‌اند چقدر بازده داشته‌اند؟

«البته اگر بخواهم سئوال شما را نفی بکنم و بگویم کارگران همه وظایفی را که بعهده داشته‌اند بطور کامل انجام داده‌اند خالی از حقیقت است، ولی باید بگویم که در اینجا باز هم قصور از کارگر نبوده چون به همان اندازه که ما در جامعه خود بکارگر ورزیده احتیاج داریم بهمان حد هم به مدیران با تجربه و کاردان نیازمندیم و متأسفانه امروز در کارگاهها تعداد اینگونه مدیران زیاد نیست که بتوانند آموزش و بهره‌وری کار کارگران را بالا ببرند و آنان را با بهره‌وری کار و وظایف خود آشنا بکنند و همین مسئله خود یکی از کمبودها و مشکلات تشکیلات کاری ما است

گفتگــو بادکتر محمدعلی زرنگــار، مسئـول کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران

سیمای کارگردرعصررستاخیز

هرروزدرخشان وشاداب‌ترمیشود

گفتوگو از: عباس پزشکی

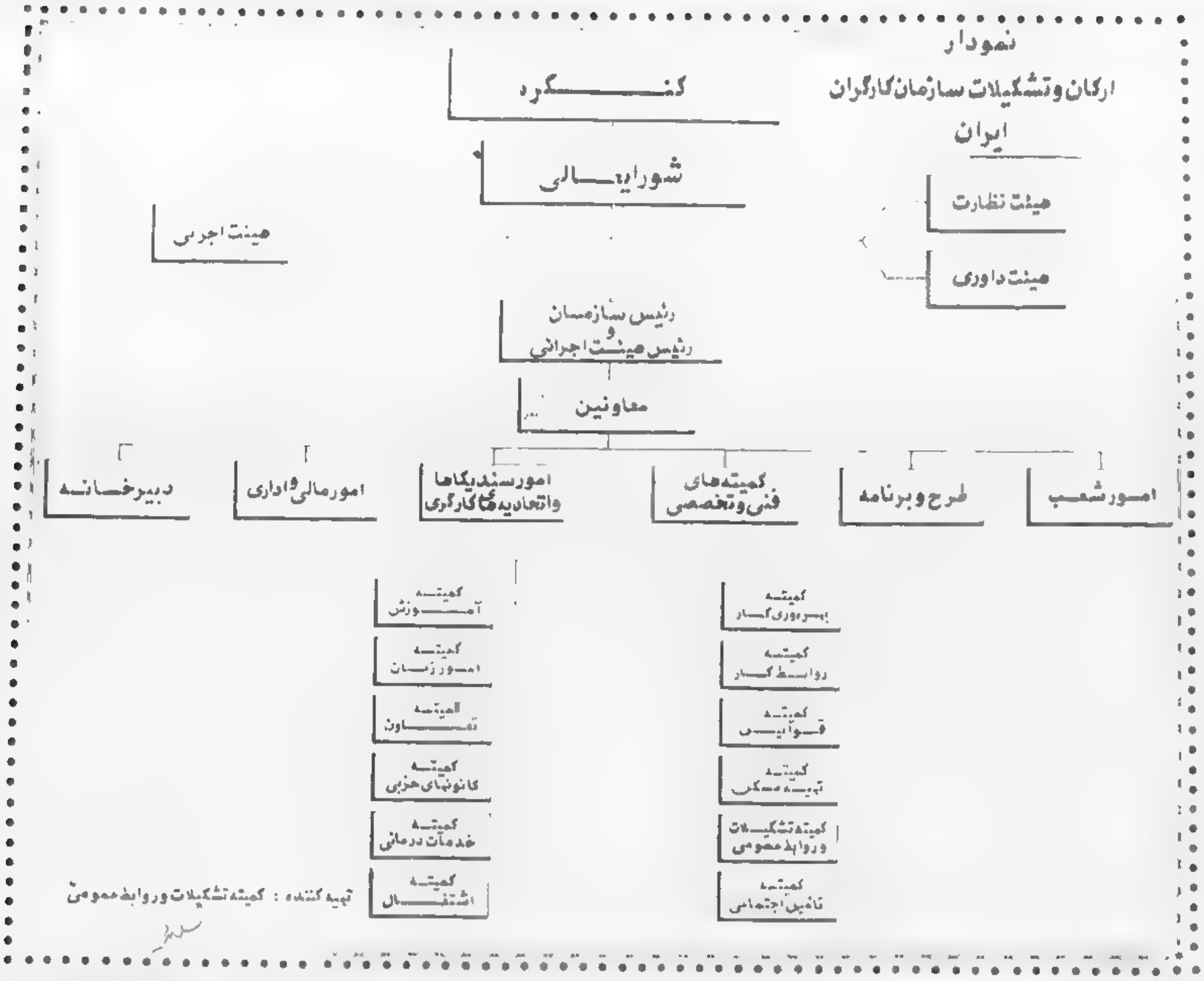

رستاخیز کارگران:

-در اغاز بد نیست از هدفهای کمیته تشکیلات و روابط عمومی سئوال کنم. ممکن است در این مورد توضیحاتی بدهید و هدفهای کمیته را تشریح کنید؟

دکتر زرنگار:

-کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران دراجرای ماده ٤ اساسنامه سازمان کارگران ایران تشکیل شده و درچهارچوب هدفهای سازمان کارگران ایران و درنتیجه تامین و حفظ حقوق صنفی و منافع حرفه‌ای و اجتماعی کارگران و بهزیستی و رفاه روزافزون آنان و نیز توسعه و گسترش سازمانهای کارگری برنامه‌های خود را پیاده می‌کند. وظیفه این کمیته درحقیقت نظارت برکار کلیه ارکان و تشکیلات سازمان کارگران ایران و گسترش مبانی روابط عمومی و انسانی و توسعه تشکیلات این سازمان است. باتوجه به این وظیفه خطیر و حساس، کمیته تشکیلات و روابط عمومی، بطورکلی دو هدف مهم و اساسی را دنبال می‌کند که هدف اول بررسی و تحقیق درامر نیازهای امروز و احتیاجات فردای جامعه کارگری ایران و برنامه‌ریزی در زمینه تشکیلات نوین سازمان کارگران است. زیرا باتحولات اقتصادی و صنعتی مملکت درچند سال اخیر، که ببرکت انقلاب شاه‌وملت و تحت‌رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر حاصل شده است، طبیعی است که بایستی تشکیلات سازمان کارگران ایران بااهداف حزب رستاخیز ملت ایران و باپیشرفتهای امروز و تحولات فردا هماهنگ گردد.

هدف دوم، بررسی و تحقیق درافکار جامعه کارگری، درك مشکلات کارگران و کوشش در راه انعکاس نظرات و خواسته‌های کارگران بمنظور تامین آن است و درکنار آن نسبت به ایجاد و گسترش روابط حسنه بین کارگر و کارفرما، و میان جامعه کارگری و سایر جوامع متحول مملکت و آشنانمودن طبقات مختلف مردم بازندگی امروز کارگران مملکت کوشش بعمل می‌اید.»

رستاخیز کارگران:

اشاره‌ای داشتید به تشکیلات سازمان کارگران ایران و برنامه‌ریزی در زمینه تشکیلات نوین این سازمان. خواهش می‌کنم در باره انگیزه‌ها و عواملی که چنین تغییراتی را ضروری می‌نماید توضیح بیشتری دهید.

دکترزرنگار:

مهمترین عواملی که ضرورت دگرگونی عمیقی را درتشکیلات فعلی سازمان کارگران ایجاب کرده است، پیشرفت جامعه کارگری ایران چه ازنظر کیفیت و چه ازلحاظ کمیت است که می‌توان ازآن بعنوان یکی از مهمترین معیارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مملکت در ١٤ سال اخیر یاد کرد. امروز تعداد کارگران در کارگاهها و در سرویسهای خدمات از مرز سه‌میلیون نفر گذشته است و افزایش تعداد کارگران که ناشی از عوامل چند و ازجمله رشد سریع صنایع ایران می‌باشد، طبعا موجب افزایش تعداد سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری میگردد چنانکه امروز تعداد سندیکاهای کارگری که به ثبت رسیده‌اند، از مرز ١٠٠٠ سندیکا متجاوز است و نیز تعداد اتحادیه‌های کارگری که از سندیکای هم‌شکل تشکیل یافته‌اند، به ١٧ اتحادیه بالغ گردیده است. این اتحادیه‌هاو سندیکاها، برای اداره خود و برای چند منافع حرفه‌ای و حقوق صنفی و رفع مسائل مختلف کارگری، بررسی مسائل گوناگون انسانی، آگاهی از چگونگی شرکت اعضاء خود در برنامه‌های مملکتی و میهنی و آشنا ساختن آنها به قوانین کار و تامین اجتماعی-انعقاد قراردادهای کار- سهیم‌کردن- خرید سهام کارخانجات- تعاونیهای گوناگون کارگری، نیاز به همفکری و دردست داشتن طرحها و برنامه‌های جامع و پیشرفته دارند. و باید این طرحها و برنامه‌ها پس از بررسی‌های لازم و تحقیق‌های پی‌گیر، درهر زمینه بصورت طرحهای بنیادی، تهیه گردد.

چون دامنه نیازمندیهای جامعه کارگری ایران باتوجه به روند فعالیتهای صنعتی کشور و گسترش کارخانه‌ها و درنتیجه افزایش روزافزون کارگران، هرروز گسترده‌تر میشود و لزوم تهیه و تدوین طرحهائی که بتواند نیازهای امروز و احتیاجات فردای جامعه کارگری ایران را مرتفع سازد، بیشتر احساس میشود طبعا تشکیلات فعلی سازمان کارگران ایران که باتوجه به نیازهای دیروز پاگرفته است، باید جوابگو باشد. از همین رو کمیته تشکیلات و روابط عمومی ضمن تدوین نمودار تشکیلاتی سازمان کارگران، بررسی‌های مقدماتی درباره تشکیلات این سازمان بعمل آورده و پس از اخذ نظرات کارشناسان و صاحبنظران مسائل کارگری و تحقیق درافکار جامعه کارگری ایران و کسب نظرات کارگران، طرح لازم را دراین زمینه تهیه و تسلیم خواهد داشت. لازم بیادآوری است که دراین زمینه تاکنون از همکاری

و همفکری مقامات وزارت کار و امور اجتماعی نهایت استفاده را نموده‌ایم. و بعنوان نخستین گام برای ایجاد تشکیلات جدید، برابر اساسنامه مصوب هیات اجرائی، انتخابات هیات مدیره شعب سازمان کارگران درسراسر کشور تجدید میشود و برای اجرای این امر هیئتهائی برای نظارت درامر انتخابات مرکب از نمایندگان سازمان کارگران ایران به کلیه استانها و شهرستانها اعزام میشوند.»

رستاخیز کارگران:

-«از آنچه گفتند بنظر میرسد، کمیته تشکیلات و روابط عمومی در صدد تدارك اطلاعات لازم در زمینه مسائل کارگری، تهیه آمار و ارقام دقیق ازنیروی کار درایران و پراکندگی آن در صنایع مختلف است؟ هدفتان ازاین کار که برنامه‌ای سنگین ولی اقدامی اساسی و بنیادی خواهد بود، چیست؟

دکترزرنگار:

-«کمیته تشکیلات و روابط عمومی تهیه اطلاعات لازم در زمینه مسائل کارگری، تهیه آمار مربوط به تعداد کارگران و بررسی چگونگی اشتغال گروههای سنی نیروی کار را به دلائلی که به آن اشاره خواهیم کرد و درنهایت موجب بهبود هرچه بیشتر شرائط کیفی و کمی کار و نیروی کار خواهد شد، لازم میداند و باهمه مشکلاتی که درکار تهیه این آمار و اطلاعات و انجام بررسی و تحقیق دراین زمینه وجود دارد، این برنامه اساسی را باهمکاری اداره کل آمار و نیروی انسانی وزارت کار و اموراجتماعی دنبال خواهد کرد.

شاید بسیاری از کارگان ما و کسانی که قصد دارند در زمینه نیروی کار تحقیق کنند و یا برنامه‌ریزی نمایند از تاریخچه تشکیلات کارگری درایران و سیر تحول آن آگاه نباشند و اصولا ندانند فعالیتهای سندیکائی درایران از چه زمان شکل گرفت و سازمان کارگران چه مراحلی را گذرانیده تااینکه امروز بصورت یکی از سازمانهای متشکل و پیشرفته کشور ما درآمده است. ازاین‌رو کمیته تشکیلات و روابط عمومی برآن است که اطلاعات جامع و دقیقی از چگونگی فعالیتهای سندیکائی درایران تهیه و انتشار دهد و نیز آئین نامه‌های کارگری، قوانین کار و تامین اجتماعی، مسائل مربوط به تعاونی‌های کارگری، اساسنامه و چگونگی وظائف سازمان کارگران ایران و مصوبات هئیت اجرائی سازمان و اقداماتی که بهرنحو از طریق وزارت کار و امور اجتماعی و دیگر سازمانهای مسئول درجهت بهبود وضع کارگران بعمل می‌آید بصورت نشریات مختلف انتشار دهد تاهم کوششی وسیع برای اموزش کارگران و آشنانمودن آنان با ویژگیهای قوانین و آئین نامه‌های مختلف و آگاهی از فلسفه تدوین و تصویب این قوانین بعمل آمده باشد، و هم کارگران بابرخورداری از اطلاعاتی که در اختیارشان گذارده میشود، بدانند به چه نحو از مزایائی که قانون برایشان درنظر گرفته استفاده کنند.

بعنوان شروع کار، کمیته دریکماه اخیر، آئین‌نامه دریافت حق عضویت، آئین‌نامه مالی سازمان کارگران ایران، آئین‌نامه نحوه شرکت نمایندگان کارگران درسازمانهای کارگری و آئین‌نامه اداری سازمان کارگران ایران که به تصویب هیئت اجرائی رسیده است وسیله سازمان کارگران ایران تکثیر و برای کلیه سندیکاها و اتحادیه‌ها و شعب سازمان کارگران فرستاده است و مقدمات انتشار بولتن و نشریه خبری سازمان کارگران را فراهم آورده است.»

رستاخیز کارگران:

«هرچند آنچه که تاکنون گفتید به فعالیت‌های

اشاره:

«بازشناسی و شناساندن سیمای درخشان و چهره شاداب کارگر عصر رستاخیز، که امروز از برکت انقلاب شاه و ملت و درائر توجهات رهبر عالیقدر ملت ایران شاهنشاه آریامهر، خود مالك کارخانه‌ایست که درآن کار می‌کند و ازسود کارخانه بهره می‌برد، ازجمله وظائف کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران ایران است.»

روابط حسنه بین کارگران و کارفرمایان را در کارگاهها بسط خواهیم داد و سعی خواهیم کرد باتلفیق کوششهای کارگران روح همکاری و علائق متقابل را درجامعه کارگری تقویت کنیم»

«برای بهبود کیفیت کار و بالابردن سطح کا آئی کارگران، زمینه‌های مختلف مسائل کارگری بررسی می‌شود و آمار دقیقی از نیروی کار ومشخصات سنی، آموزشی و نیازهای کارگران تهیه میگردد.»

این نکات، رئوس مطالبی است که دکتر زرنگار، رئیس روابط عمومی حزب رستاخیز ملت ایران و مسئول کمیته تشکیلات و روابط عمومی سازمان کارگران، در گفتگو باعباس پزشکی نویسنده رستاخیز کارگران به آن اشاره کرد. بهتر است این گفتگو را ازآغاز بخوانیم.

پیشرفت جامعه کارگری ایران بهترین معیار توسعه اقتصادی، اجتماعی وسیاسی مملکت است

تشکیلات سازمان کارگران ایران باپیشرفتهای امروز وتحولات فردای جامعه کارگری همآهنگ میشود.

کمیته، درزمینه روابط انسانی و مسائل روابط عمومی هم مربوط میشد، ولی میخواستم جدا از برنامه‌هائی که برای دگرگونی تشکیلات سازمان کارگران دارید، به فعالیتهائی که در زمینه روابط عمومی از سوی این کمیته بعمل می‌آید نیز اشاره کنید.»

دکترزرنگار:

«بهتر است ابتدا به تعریفی که دانشمندان از روابط انسانی میکنند، اشاره کنم» به اعتقاد بسیاری، روابط انسانی یعنی جمع‌کردن افراد دریك محیط مناسب کار و تلفیق کوششهایشان بصورتیکه باجدیت و روح همکاری و علائق متقابل، تشویق بکار شوند و از روابط خود درمحیط کار، رضایت خاطر حاصل کنند.

بنابراین ملاحظه میکنید که اساس برنامه‌های کمیته تشکیلات و روابط عمومی برپایه همین تعریف استوار است. گذشته ازاین، ما سعی خواهیم کرد رابطه‌ای منطقی بین جامعه کارگری و سایر گروههای اجتماعی بوجود آوریم. از طریق ترتیب برنامه‌های بازدید و به یاری وزارت اطلاعات و جهانگردی، طبقات مختلف مردم را نه تنها به کارگاهها و واحدهای مختلف صنعتی ببریم، بلکه به سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری برده و ضمن آشناساختن آنها با پیشرفتهای صنعتی کشور، آنان را باتفاهم و روابط دوستانه‌ای که بین کارگر و کارفرما وجود دارد موجب دلپذیرشدن محیط کار و در نهایت توسعه اقتصاد مملکت و بهبود زندگی کارگران و بالاخص باتحولات جامعه کارگری آشنا سازیم. همچنین باتوجه به طرحهای انتشاراتی کشور، تسهیلات لازم برای شرکت کارگران دربرنامه‌های ملی و میهنی فراهم آوریم و در بازشناسی و شناساندن سیمای درخشان کارگر عصر رستاخیز که امروز از برکت انقلاب شاه‌وملت و درائر توجهات رهبر عالیقدر ملت ایران شاهنشاه آریامهر، خود مالك کارخانه‌ایست که دران کار میکند، گام‌های مؤثری برداریم.

مطلب دیگر آنکه درنظر است باهمکاری اداره کل سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار و امور اجتماعی، آن تعداد از سندیکاهای کارگری که به عللی فعالیت آنها متوقف مانده بصورت سندیکاهای فعال درآوریم و دراین مورد از کارشناسان سازمان کارگران ایران و بخصوص نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی که باروحیه کارگران آشنائی کامل دارند بهره خواهیم گرفت. مسائل دیگری که درچهارچوب روابط عمومی سازمان کارگران مطرح است، فعالیت‌هائی در زمینه خدمات رفاهی برای کارگران است. مسلما اطلاع دارید که هم‌اکنون اتحادیه تعاونیهای مصرف کارگران ایران باعضویت نزدیك به ۵۰۰ شرکت تعاونی کارگری فعالیت میکند و مایحتاج اعضای این شرکتها را ازدست اول تهیه و دراختیار کارگران قرار میدهد. این اتحادیه در اولیل کار فقط درحدود ۳۲ هزارتومان سرمایه داشت و چون آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر همواره به مسائل رفاهی کارگران توجه خاص دارند مبلغ ده میلیون‌ریال به سرمایه این شرکت کمك کردند و هم‌اکنون سرمایه این شرکت به میلیونها ریال میرسد و معاملات این شرکت باکارگران در ظرف مدت کوتاهی از مرز یك میلیارد ریال گذشته است.

ما سعی خواهیم کرد که باهمکاری وزارت کار نه‌تنها در تقویت این اتحادیه بکوشیم، بلکه میخواهیم عموم کارگران ایران مانند کارگران صنوف که متشکل نیستند باتشکیل شرکتهای تعاونی صنفی دراین اتحادیه متمرکز تا ازاین طریق رفاه بیشتر کارگران تامین شود.»

آقای دکترزرنگار درپایان گفتند: «کمیته تشکیلات و روابط عمومی درهرماه جلسه دارد و در نتیجه مطالعات و اقدامات خود را برای بررسی و اقدام به رئیس سازمان کارگران ایران تسلیم میکند و مسلما چون سازمان کارگران ایران هدفش پیشرفت امور اجتماعی، اقتصادی و صنفی کارگران است ازهرگونه اقدامی که موجبات پیشرفت امور را فراهم سازد، دریغ نخواهد نمود.»

آقای دکترزرنگار گفتند: «درچارچوب مسائل تشکیلاتی و روابط عمومی مادر آموزش کارگران غافل نیستیم. دراین زمینه باکمیته آموزش سازمان کارگران ایران همکاری لازم بعمل می‌آوریم. باین کمیته توصیه خواهد شد که برای باسواد کردن کلیه کارگران در اجرای برنامه جهاد ملی حزب رستاخیز ملت ایران طرحهائی ارائه دهد. ازطرفی چون همه‌ساله نمایندگان کارگران ایران در مجامع بین‌المللی شرکت مینمایند. سعی خواهد شد که یك کلاس زبان برای کارگران علاقمند تشکیل شود تا نمایندگان کارگران بتوانند دراین کلاس شرکت نمایند.

رستاخیز کارگران:

-متشکریم آقای دکتر زرنگار

میزگرد رستاخیز کارگران باشرکت کارگران میادین

کارگران میادین تهران

باتشکیل یک کمیته

از: قیصری

شرکت کنندگان در میز گرد کارگران میادین

۱ – حاجی بابا هاشم پور	بازرس سندیکای کارگران میادین
۲ – غلامرضا توکلی	دبیر سندیکا
۳ – حسن قبادیان	رئیس هیات مدیره
٤ – محسن معصومی	عضو
۵ – مرتضی نورالله	عضو

رستاخیزکارگران: این اولین بار است که با شما دوستان عزیز کارگر از میادین تهران، دیدار داریم و بیقین آخرین بار نخواهد بود. خوشوقتیم که دعوت مجله مارا پذیرفته‌اید و در این گردهمائی شرکت کرده‌اید. خواهشمندیم مطالب خودتان را در چهارچوب مسائل کارگری بیان کنید.

غلامرضا توکلی دبیرسندیکا: با تشکر متقابل از مجله رستاخیز کارگران که امکان این گردهمائی را فراهم کرده اظهار اطمینان میکنم که خواستهای ما منعکس خواهد شد و مسلما تاثیری هم خواهد داشت.

به پیشگاه رهبر انقلاب مان واقعا سپاس داریم و حقشناسی ما در مورد معظم‌له بحدی نیست که در قالب کلمات و اصطلاحات قابل بیان باشد.

مسائلی را که بیان میکنم ، با این برداشت تا کنون مطرح نشده است و شاید برای دیگران هم آموزنده باشد. امروز عصر انقلاب و رستاخیز است. انقلاب از ما بخاطر برخورداریمان از مواهب آن متوقع است، این وسائل، این گردهمائی‌ها و گفتوشنودها وسیله‌ای است تا کارگران اندیشه خودرا ارتقاء دهند.

مرتضی نورالله: به من هم اجازه بدهید تا از مجله رستاخیز کارگران تشکر و اظهار امیدواری کنم که این مجله در راه پیشبرد هدفهای کارگران، همانطور که پیشقدم شده، همواره پیشرو باشد. چون در مقدمه حل مسائل هستیم، لازم میدانم عرض کنم خواست ما خواست قانونی همه کارگران است و چیزی است که حق برخورداری از آن را قانون به ما داده است.و همانطور که دوست من گفت، هرکجا که منع قانونی وجود داشته باشد، حتما، درخواست ما مورد قبول واقع نخواهد شد. ماتقاضا داریم قانون را چنانکه از نفس قانون باید متوقع بود، بنفع ذیحق تفسیر و تعبیر کنند.

سندیکای ما

اگر بخواهیم بر روی کار سندیکای خودمان قضاوت کنیم، باید به عرض برسانم که از سه سال قبل که عهده دار وظائف سندیکائی شده‌ایم تا کنون موفقیت‌هائی بدست آورده‌ایم و واقعا سندیکا را در مسیر سازندگی خود بحرکت واداشته‌ایم. وزارت کار هم – در حد امکان – به ما کمك کرده است. اتاق اصناف نیز تا آنجا که مقدور بوده توجه لازم را بما داشته است.

روزی که فعالیت خودرا آغاز کردیم، کارگران میادین چیزی نداشتند و دستمزد قابل ملاحظه‌ای که متناسب با وضع شغلی آنها باشد، دریافت نمیکردند. دستمزد به اینصورت پرداخت میشد که کارآما یك کارگر را در کارگاه خود بکار میگماشت و کارها را بدست او می‌سپرد. این کارگر وظیفه داشت تعداد دیگری کارگر استخدام کند و به مدد آنها به امور محوله رسیدگی نماید

در این بین هیچکدام از این کارگران مورد شناسائی کارآما واقع نمیشدند و دستمزدشان از محل پولهائی که به عنوان «زیرچوبی» از خریدار میگرفتند تامین میشد (زیرچوبی عبارت از گرفتن ۲ ریال از هرلنگه بار است که بعداز مدتی شهرداری این پولهارا وصول نمود)

البته این وضع مربوط به قبل از زمان انقلاب است و در گذشته کارگر هرگز نمی‌توانست در مورد ساعات کارش ادعائی

کند و کارآما هم با ارزانترین شکل ممکن، حداکثر استفاده را از نیروی انسانی کارگران می‌برد.

با این وضع بدیهی است که کارگر میدان ساعت کار نداشت، بیمه نداشت و از مزایای دیگری که کارگران بهره‌مند بودند، سودی عایدش نمیگردید. مرخصی سالانه به او داده نمیشدو بالاخره آنچه در قوانین کار برای کارگران پیش‌بینی شده است، کارگران میادین از آن محروم بودند.

در دوران سازندگی سندیکا، اولین اقدامی که صورت گرفت این بود که در تاریخ (۲۵۳۲/۹/۵) بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان پیمانی منعقد گردید که در انعقاد آن وزارت کار و اتاق اصناف هم دخالت داشته و کمکهای موثری کردند. در این پیمان دستمزد کارگران میدان مشخص شد و سیستم سابق بکلی در هم ریخت و در همین دوران کوشش برای بیمه کردن کارگران آغاز شد و دفترچه بیمه بتدریج در دسترس‌شان قرار گرفت. به مرور کارگران بحقوق خود آشنائی حاصل کردند و بعداز آن هم صورتجلساتی بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان به امضاء رسید که در آن بعضی از شرایط بنفع کارگران تغییر یافت و مورد توافق اتحادیه بارفروشان نیز قرارگرفت.

درتاریخ ٥٤/٩/٢٣ (٢٥٣٤ شاهنشاهی) نیز قرار دادی بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان منعقد شد که اتاق اصناف و وزارت کار نیز در این خصوص کمکهای موثری بعمل آوردند.

در حال حاضر که کارگران دفترچه بیمه دارند و با قانون کار نیز آشنائی پیدا کرده و قراردادهائی نیز با کارآما منعقد ساخته‌اند، مشکلات دیگری نیز دارند که بستگی بنوع اجرای قراردادها و قوانین در محیط میدان دارد.

اولین بن‌بست، عدم تنظیم لیست است که سازمان تامین اجتماعی بر اساس آن امکان استفاده از مزایای بیمه را بکارگران میدهد و این لیست هرگز وسیله کارآمایان تنظیم نشده است. در این جا یك سئوال دارم، اگر تنظیم لیست با بهرمجوئی کارگران از مزایای بیمه ملازمه دارد چرا سازمان تامین اجتماعی کارآمایان را ملزم به تنظیم لیست نمیکند؟

البته در این خصوص به سازمان تامین اجتماعی مراجعاتی داشته‌ایم . سازمان پاسخ میدهد که کارگر بدون اینکه لیستی تنظیم شود میتواند براساس گزارشهای بازرسان از بیمه استفاده کنددر صورتیکه در عمل چنین چیزی نیست. مثلا همین امروز آقای ستاری یکی از کارگران بارفروش به سندیکا آمده و گفته است برای دریافت حق ولادت به بیمه مراجعه کرده‌ام، بمن میگویند چون لیستی برای این منظور تنظیم نشده، از پرداخت این حق معذوریم همینطور است در مورد کارگری که از کار افتاده میشود. تا لیست نباشد، حقوق کاملی که سازمان تامین اجتماعی قانونا بایستی به او پرداخت کند نمیکند، یا مثلاً اگر کارگری مریض شود، یا موارد دیگری پیش آید که ذکر یکایك آنها باعث اطاله کلام میشود.

ناگفته نمیگذارم که قسمت بازرسی سازمان تامین اجتماعی شعبه ۳ تا حدود امکان مساعدتهائی بکارگران میکند، اما شعبه شماره ۲ که قسمت اعظم کارگران

میادین به آنجا مراجعه میکنند، آنگونه که باید احساس مسئولیت نمیکنند. حال آنکه کمك این بازرسی جز گرفتن یك دفترچه بیمه به طبیب چیز دیگری نیست.

در اینجا لازم میدانیم یك سئوال از سازمان تامین اجتماعی بکنم. گاه پاره‌ای از ماموران میگویند بوظائف خود عمل میکنند سئوال این است که اگر چنین ادعائی صحت دارد، خیلی سپاسگزار میشویم بما بگویند از مجموع کارگران میادین، بخصوص در شعبه شماره ۲، چه تعدادی بازرسی شده‌اند و چند درصد حق بیمه آنها را کارآما در لیست منظور کرده و به سخن دیگر، در مورد چند درصد

پیشـنهادمی کنند:

کارگری در میدان، مشکلات ما حل میشود

لیست داده شده است؟ موضوع دیگری که مربوط بسازمان خدمات درمانی است، اینکه کارگرانی که میخواهند دفترچه بیمه خودرا تبدیل به دفترچه خدمات درمانی کنند، سازمان مدارکی بدین شرح از آنها میخواهد:

۱ – نامه‌ای از محل کار به امضای کارفرما بعنوان سازمان تامین خدمات درمانی نوشته شود تا اداره کل بیمه‌گری در خصوص انتخاب روش درمانی تصمیم بگیرد.

در مورد تهیه این مدرك سؤالی از سازمان خدمات درمانی میکنم که چرا باید بیمه شده خودش برای انتخاب روش درمانی خویش اتخاذ تصمیم نکند. اگر کارگر بایستی درمان شود، چرا روش درمانی او را کارفرما انتخاب کند. بعلاوه ممکن است کارگر روش درمانی مستقیم را بپسندد و کارفرما غیر مستقیم را. به چه دلیل بایستی کارگر مجبور به قبول نظرات کارفرما گردد و حال آنکه مورد بخود او مربوط است؟ مهمتر اینکه اگر کارفرما این نامه را بنویسد پس کارگر چه بایستی بکند؟

۲– سازمان خواسته است فتوکپی لیست آخرین پرداخت بیمه ماه قبل و فتوکپی اظهارنامه لیست مربوط فرستاده شود. در اینجا هم باز برمیگردیم به عدم تنظیم لیست وسیله کارفرما و سؤال میکنیم چرا کارفرما لیست تنظیم نکرده است؟ آیا بهتر نبود بجای خواستن فتوکپی لیست و فتوکپی اظهارنامه، شعبه محل تائیدنامه‌ای بدست کارگر بدهد که راساً بسازمان خدمات درمانی ارائه نماید؟ این نوعی سرگردانی برای کارگران است که متاسفانه تاکنون راه حلی در مورد آن نتوانسته‌ایم بدست آوریم.

و اما آنچه به وزارت کار مربوط میشود، اینکه وزارت کار تلاش بسیاری برای اجرای قوانین کار بخصوص در میادین بعمل میآورد، اما گاه در پاره‌یی موارد این تلاشها را رفتار کارفرمایان خنثی میکند و این معلول چند علت است.

۱– در میادین بعضی کارفرمایان، قوانین را کاملاً اجرا نمی‌کنند.

۲– خوبست اگر کارفرمائی قانون را اجرا نکرد، تحت تعقیب قرار گیرد.

۳– آیا وزارت کار و امور اجتماعی از یك شبکه نظارت قوی برخوردار است که این شبکه بر حسن اجرای صحیح قانون نظارت کند و حداقل از تخلف آنها جلوگیری کند؟

این روش صحیح نیست که هر کارگری در مورد وی قانون اجرا نشد، بطور فردی مبادرت به تقدیم شکایت کند. چه بطور قطع این اقدام انفرادی حس اعتماد و تفاهم فیمابین را خدشه‌دار میسازد.

وقتی شکایت کارگر در اداره کار متوقف شود، کارفرما طوری جسور میشود که دست به اخراج او خواهد زد. در این صورت هم وزارت کار فقط میتواند خسارات اخراج را تعیین کند.

سندیکای ما نمیخواهد کارنامه درخشان خدمتگزاریش را با تحویل یك عده کارگر اخراجی به جامعه مخدوش سازد. در یك کارگاه تولیدی و صنعتی فقط یك مدیر وجود دارد و چندین کارگر که اتخاذ تصمیم آنها میتواند عموم کارگران شاغل در کارگاه را تحت مشمول درآورد، اما در مورد صنوف و کارگران میادین این درست برعکس است، زیرا وقتی یك قرارداد و یا موافقتنامه بین سندیکا و اتحادیه بارفروشان بامضا رسید و اتحادیه از اجرای مندرجات موافقتنامه خودداری کرد، تازه مشکل کارگران از این نوع چهره مینماید و بعبارت دیگر کار تقدیم شکایات یکنفری شروع میشود.

در مورد کارگران میادین بخصوص پیشنهاد میکنم با توجه بمسئولیت اتحادیه بارفروشان در قبال کارگران میادین یك کمیته امور کارگری در محدوده میدان بوجود آید که مسائل مربوط به استخدام، پرداخت دستمزد، حق اولاد، مرخصی سالیانه، لباس کار و حق بیمه کارگران را تحت نظر بگیرد و لیست لازم را بنمایندگی از طرف کارفرمایان در برابر کارگران اجرا کند. این امکان هست که وزارت کار بگوید، این پیشنهاد عملی نیست. در پاسخ آن باید عرض کنم اولاً در مورد کارگران خباز نمونه این اقدام هست و در مجله رستاخیز کارگران هم شرح آن منعکس شده است. ثانیاً در قوانین کار هم اشاره‌هائی وجود دارد که وزارت کار میتواند از آنها در جهت منافع کارگران میادین استفاده کند. مثلاً تبصره ۳ ماده ٦ قانون کار و یا ماده ۴۵.

بقیه در صفحه ۱۳

اسماعیل اسماعیلی، در حادثه‌یی که پیش آمده خود را مقصر می‌داند.

خدابخش رحمتی، من با این کار آشنا نبودم، و دچار حادثه شدم

قطع انگشت

کارگر ۴۲ ساله‌ای بنام محمد دهقان طراز جانی که در کارخانه سعادت نساجان کار میکرد، چندی پیش دو انگشت دست راست خود را از دست داد. این کارگر که کار ساده‌ای را انجام میداد، فقط بر اثر بی احتیاطی دچار حادثه شد.

شرح وقوع حادثه

کارگر حادثه دیده محمد دهقان طرازجانی در قسمت حلاجی مشغول بکار بود. در این هنگام برای تمیز کردن کرکهای چرخ دنده، در دستگاه قسمت چرخ دنده دستگاه حلاجی را باز می‌کند. «لازم به توضیح است که دستگاه هر چند یکبار ایستاده و مجدداً شروع به حرکت مینماید.» کارگر حادثه دیده بخیال اینکه این دستگاه ایستاده است دستش را به چرخ دنده نزدیك میکند که ناگهان چرخ دنده بحرکت درآمده و دستش درگیر میشود و در نتیجه منجر به قطع انگشتان وی میگردد.

علت وقوع حادثه:

۱- کارگر حادثه دیده میبایستی قبل ر ،ر کردن حمه دنده دستگاه حلاجی ر حاموش نموده و پس ر ،وقف کامل سست به تمیر سودن ں اقدام نماید

مرگ کمك راننده

ٔقی کرامت شهریاری، ن‌گرد حو ں که فقط ۲۲ سال ٰر عمرش میگذشت در ماه گذشته دچر حدثه شد

چگونگی حادثه

طی بررسی‌هائی که در ین ،مه بحـم شد عـب وقوع حادثه ،ین شرح گر رش شده ست در رو، حـدیه هنگـمیکه کرگرن مشـغول ،رگیری وبه نر ،وی کامیون بودند، کرگر حدثه دیده در همں هنگم در ک

و حں حود ر ٰر دسـت داد و طی گرارش حرںگـ،ر مه کارگر حو ں بهنگام حـدثه در ںگـاه بهر ں، واقـع نر حیں، ورم ر ، مشـغول نظارت بر کر ،رگیری کامیون بود که اس حدثه ںگو، برایش پیش مد

کامیون ایستاده بوده است که قلاب از یکطرف لوله خارج شده، و لوله‌ها برروی وی سقوط میکند. طریقه بارگیری باین ترتیب میباشد که دو قلاب که بیك زنجیر متصل است بدو طرف داخل لوله وصل کرده و سپس وسط زنجیر را که دارای حلقه‌یی است، به قلاب لیفترك بسته و آنرا بلند میکنند که داخل کامیون بارگیری نمایند.

بازهم آسانسور، و بی دقتی حادثه آفرید...

به کاری که با آن آشنا نیستید نپردازید...

علت حادثه

طبق نظر کارشناسان وزارت کار علت وقوع این حادثه را میتوان عدم اجرای مقررات زیر دانست:

۱- طبق ماده ۲٤ آئین نامه حفاظتی، وسائل حمل و نقل و جابجا کردن مواد و اشیاء در کارگاهها قبل از علامت دادن برای بالا بردن بار، علامت دهندگان باید مطمئن باشند۲- باید تمام طنابها، کابلها تسمه‌ها زنجیرها چنگکها و سایر وسائل انتقال دهنده بطور صحیح بار را در بر داشته و محکم بیکدیگر وصل شده باشد

۳-طبق ماده ۲۷ آئین نامه فوق رانندگان دستگاههای بالا بر باید توجه داشته باشند حتی‌الامکان از حمل بار از بالای سر اشخاص اجتناب ورزند

مرگ در آسانسور

خبرنگار ما گزارش میدهد: احمد چاوشی در تونل آسانسور ساختمان الوند، واقع در خیابان شاهرضا فوت کرده است. طبق بررسی‌هائی که بعمل آمده، از محل بروز حادثه بازدید و نحوه وقوع حادثه بشرح زیر اعلام شده است.

شرح حادثه

یکی از روزهای ماه گذشته، برق منطقه ساختمان الوند، خاموش میکردد. از این رو تمام کارگاههای فعال در این ساختمان، از جمله کارگاه خیاطی متعلق به آقای حسینی، تعطیل میشود و اقای احمد چاوشی نیز کارخود را تعطیل کرده، از خیاطخانه خارج میشود. قبلاً آقای حسن حاجی باقری، سرایدار ساختمان که متوجه خاموشی برق میگردد، در تمام طبقات از پائین تا به بالا، درهای ورودی آسانسور را باز و کنترل می‌کند که آسانسور در بین طبقات گیر نکرده باشد و درنتیجه در آسانسور طبقه سوم نیز باز می‌ماند و کارگر حادثه‌دیده در همین طبقه ناخوداگاه، بداخل تونل آسانسور قدم میگذارد و درنتیجه به کف تونل آسانسور واقع در طبقه هم‌کف سقوط می‌کند.

علت حادثه

۱- حادثه بعلت بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی آقای حسن حاجی باقری، سرایدار ساختمان که درهای آسانسور طبقات را باز گذاشته بود، اتفاق افتاده است. ضمناً با توجه بماده ۵قانون کار مبنی‌بر تعریف کارگاه، حادثه بعلت عدم رعایت ماده۱۵٤آئین‌نامه و مقررات حفاظتی ساختمان کارگاهها از آقای حاج ابوالقاسم فواکتی صاحب ساختمان الوند که میبایستی نسبت به تامین نور امدادی در ساختمان خود اقدام میکرد و کلیه معابر مهم- پلکانها و نقاط خروجی- ساختمان را درموقع قطع جریان برق روشن میکرده، اتفاق افتاده است.

بی‌احتیاطی حادثه آفرید

اطلاع حاصل شد که کارگری بنام علی عسگرپرموزه درکارگاه ساختمانی شهرك اکباتان سقوط و فوت کرده است. گزارشگر ما جهت بررسی پیرامون حادثه، به آن محل مراجعه و طی گزارشی پیرامون این حادثه مینویسد: آقای علی عسگرپرموزه، کارگر جوانی که در شهرك اکباتان بکار بتون‌ریزی اشتغال داشت و روزانه۳۰۰ریال دستمزد میگرفته است، از ارتفاع ۱۰متری سقوط می‌کند و جان می‌سپارد.

شرح وقوع حادثه

در روز حادثه تعدادی از کارگران با کارگر فوت شده، درطبقه سوم ساختمان یکی از بلوکهای این شهرك که ارتفاع تقریبی آن ۹/۵ متر میباشد، مشغول کار بودند و برای خارج‌کردن قالب دیوارهای بتونی، تعدادی ازکارگران به اتاق مجاور ساختمان در طبقه سوم میروند. بطوریکه یکی از همکاران نامبرده اظهار داشت، علی عسگر بجای اینکه از داخل ساختمان بوسیله نردبان باتاق مجاور برود از جلوی ساختمان که پرتگاه بوده، عبور نموده و بعلت لغزش پا سقوط کرده است.

علت وقوع حادثه

همانطور که در شرح حادثه ذکر شد، کارگر مزبور میبایستی از راه اصلی که کارگران دیگر از آن عبور کرده و به اتاق مجاور رفته‌اند، بگذرد، و این حادثه بعلت بی‌احتیاطی کارگر بوقوع پیوسته است.

درکاری که تخصص ندارید، دخالت نکنید

اقای علی محمدتقی‌زاده، کارگر جوانی که درکارگاه راهسازی شرکت پارادیس کار میکرد در اوایل ماه گذشته براثر بی‌احتیاطی و انجام کاری که باو مربوط نبود، جان خود را از دست داد. شرح حادثه و علت وقوع آن بدین‌ترتیب گزارش شده است:

شرح حادثه

شرکت پارادیس، پیمانکار قطعه۲راه سیرجن شیراز میباشد و تاسیسات اسفالت‌سازی آن در نزدیکی دوراهی فسا- اصطهبان مستقر و بکار مشغول میباشد. دستگاه اسفالت‌سازی مخزن قیفی شکلی دارد، بارتفاع ۲/۵متر و سطح بالای آن حدود ٤مترمربع میباشد. یکطرف آن از سطح زمین تا سطح بالای این مخزن خاکریزی شده و راه کامیون‌رو میباشد و ماسه مورد نیاز وسیله لودر درون آن ریخته میشود. در زیر مخزن تسمه نقاله‌ای کار میکند که ماسه را از زیر مخزن به کوره پخت منتقل میسازد. در روز حادثه احتمالاً بعلت ورود سنگ بداخل مخزن دستگاه که همراه ماسه بوده، مانع خروج ماسه از مخزن بروی تسمه نقاله میشود و علی محمدتقی‌زاده بمنظور کمك و همکاری با کارگرانیکه پای تسمه نقاله کار میکنند، میخواسته از بالا، یعنی از محلی که لودر ماسه درون مخزن میریزد، سنگ را از دهانه مخزن خارج سازد که ناگهان بدرون آن کشیده میشود و در لای ماسه مدفون میگردد. دراین موقع دونفر از کارگرانیکه درزیر مخزن مامور تسمه نقاله بودواند، ضمن مشاهده بسته‌شدن راه مخزن، پای شخصی را از پائین در راه خروجی مخزن میبینند. بیدرنگ از بالا، حادثه دیده را بیرون می‌آورند و به بیمارستان کورش کبیر در فسا منتقل میسازند ولی متاسفانه کوشش پزشکان برای نجات وی از مرگ نتیجه‌یی نمی‌بخشد و کارگر مزبور فوت می‌کند.

علت بروز حادثه و نظریه بازرس کار

با توجه به بررسی محل و تحقیقات انجام شده، بروز حادثه بعلت بی‌احتیاطی کارگر حادثه‌دیده بوده، که نمی‌بایست در هنگامیکه مخزن پر و دستگاه کار میکرده، مبادرت به بیرون‌آوردن زائدات از بالای مخزن از درون آن کند. ضمناً وظیفه نامبرده هم انجام این کار نبوده و میبایست به مسئول مربوطه اطلاع میداده است که او اگر لازم باشد این کار را انجام بدهد.

حادثه درکارخانه قند

تیمور کتابیان و سیف‌اله مسکین، دونفر از کارگران کارخانه قند کورش، واقع در شهرستان کرمانشاه، چندی پیش براثروقوع حادثه‌ای دچار شکستگی پا شدند.

شرح حادثه

در مجاورت ساختمان کارخانه قند کورش، دو سالن بزرگ و سرپوشیده جهت انبار شکر و بارگیری [illegible] گردیده، برای بتون ارمه کردن کف [illegible] فوق از کلافهای میله گرد ارماتور استفاده میکردند در روز حادثه، هنگامیکه کارگران در صدد بارکردن کلاف میله گرد بوده‌اند و وانت بار مذکور به انتهای جاده نزدیك میشده، بعلت [illegible] جاده میله گرد که از حالت کلافی در امده و باز شده، به جدول کنار جاده گیر کرده، با جلو رفتن وانت بار میله گرد مذکور با سرعت از جدول جدا و ضربه شدیدی بدو کارگر حادثه دیده که از مجاورت جدول و در منطقه خاکی عبور مینموده‌اند، وارد میسازد. بر اثر این ضربه، کارگران فوق مصدوم میگردند و بلافاصله به بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی اعزام و بستری میشوند.

نوع آسیب

الف - آسیب وارده به تیمور کتابیان، کوفتگی و درد شدید در ناحیه کمر و گردن می‌باشد.

ب - آسیب وارده به سیف‌اله مسکین شکستگی پا و دست گزارش شده است.

علت وقوع حادثه

اصولاً باز کردن کلافهای مذکور به روش فوق، غیر اصولی و خالی از خطر نمی‌باشد و در صورت انجام بایستی کلیه پیش‌بینی‌های حفاظتی لازم از قبیل قطع عبور و مرور و نظارت بر این امر و جلوگیری از آمد و شد کارگران و افراد را به شعاع معینی بنمایند و عدم رعایت موارد حفاظتی فوق و بی احتیاطی کارگران مجروح، موجب بروز این حادثه گردیده است.

گفتگو با کارگران حادثه دیده

گزارشگر سرویس حوادث «رستاخیزکارگران»، پرویز میلانی، چند روز قبل به مرکز درمانی شماره ۲ سازمان درمانی رفت و با چند تن از کارگران حادثه دیده که در این مرکز بستری شده‌اند، ضمن عیادت از آنها به گفتگو پرداخت. اولین کارگری که مورد عیادت گزارشگر ما قرار گرفت، آقای اسماعیل اسماعیلی بوده او در مورد حادثه‌ایکه برایش پیش آمده، به گزارشگر ما گفت: «من یك کارگر نجار هستم ودر شرکت اپادانا با روزی ۱۰۰۰ ریال دستمزد مشغولم و از مزایای بیمه استفاده میکنم. روزیکه حادثه برای من پیش آمد، من مشغول نصب قالب چوبی در یکی از کارگاهها بودم، و درنقل همین قالبهای چوبی را بالا میکشید و مبهم در روی [illegible] مشغول کار بودم. که یکمرتبه [illegible] کسده شد و مبهم که روی قالبها ایستاده بودم، برمین پرتاب شدم و همچنانکه می‌بینید [illegible] وضع افتاده‌ام.»

از پزشك معالج این کارگر که در همین [illegible] سرگرم ویزیت بیماران بود، در مورد وضع این کارگر پرسشهائی بعمل آوردیم. او در جواب اظهار داشت «اقای اسماعیل اسماعیلی، از ناحیه مچ دستها و بینی دچار شکستگی شده است و [illegible] دستهای او جراحی شود تا بتواند بعد از مدتی بکار خود ادامه دهد.»

کارگر مذکور سپس در جواب این پرسش که از وضع بیمارستان و رسیدگی‌های لازم راضی هستید یانه، گفت: «از مدتی که من در اینجا بستری شده‌ام، مراقبتهای مداوم از من بعمل می‌آید و امیدوارم با این توجهات هرچه زودتر به منزل و به کنار خانواده‌ام برگردم.» وی تاکید کرد در مورد حادثه‌ایکه برایش پیش امده، مقصر اصلی خود وی بوده است و بی‌احتیاطی او سبب این حادثه شده است.

خدابخش رحمتی، کارگر کارخانه پارس پلاس، حادثه دیده دیگری بود که با او گفتگو کردیم. او علت حادثه را چنین شرح داد: «من در سیاب این کارخانه مشغول جمع اوری مشمع بودم که تمام تکه‌های مشمع را در توی اسیاب میریختم تا خرد شود و از او موادی تولید گردد که مورد استفاده قرار گیرد.

من دست راستم را لای دستگاه پرس اسیاب بردم که یکی از آن تکه‌های مشمع را بیرون بیاورم، در همین لحظه دستم از بالای مچ بطور کلی قطع شد که ملاحظه می‌کنید.»

این کارگر حادثه دیده گفت: «کارفرمای کارخانه، کارگران را بجای ثابتی نمی‌گذارد و در تمام قسمتها مرتباً از انها کار میکشد و ما هم در بعضی از قسمتها ناوارد هستیم و این ناواردی باعث این حوادث میگردد.»

پزشك معالج این کارگر در مورد دست او گفت: «دست راست این کارگر از مچ قطع گردید و در حال حاضر از نقاط دیگر دست ایشان پوست برداشته میشود و به قسمت قطع شده دست پیوند میزنند تا بعد از مدتی مداوا، جای بریده شده ترمیم گردد.» از کارگر حادثه دیده سئوال شد ایا این بی‌احتیاطی در اثر اشتباه شما بوده است یا خیر؟... جواب داد «بی‌احتیاطی از طرف من بوده، ولی کارفرما هم مقصر است چون یکعده کارگر ناشی را باین قسمتها که کار نکرده‌اند بکار می‌گمارد، در صورتیکه کارما اگر ثابت باشد خیلی راحت خواهیم بود و اگر من درکارم وارد بودم فکر نمی‌کنم دستم قطع میشد.»

راه آهن...
وکارگرانی که قطارهارا بحرکت درمیآورند...

غفلت و بی دقتی یك مانورچـی، بی‌تردید مرگ یا نقص عضـو را برایش در پی دارد.

گزارش از: محموداحیائی
اسلایدها از: علی‌اکبر رهبر

بیابان‌ها، دشت‌ها و کوهها در رویاروئی با تلاش کارگران، هر روز رام‌تر می‌شوند. قلمرو انها بوسیله ریل‌ها تسخیر می‌شود، ریل‌هائی که چون زنجیری بر دست و پای هیولائی وحشی، بیابان‌ها را اسیر می‌کنند و حیطه وحشی ان‌ها را بزیر خدمت بشر می‌گیرند

هر روز که می‌گذرد، صدای لکوموتیوها، این غول‌های آهنین، دل کوههای دست‌نخورده را بلرزه درمی‌اورد و طبیعت وحشی با حیرت باین «مزاحمین» آهنی که با خیره‌سری از سر و رویش بالا می‌روند، می‌نگرد.

حماسه کارگران هر روز شکلی تازه و نیروئی بیشتر می‌گیرد تا باز هم چند کیلومتر دیگر بر طول خطوط راه‌آهن، این شریان حیاتی کشور، افزوده شود.

راه‌آهن بی‌تردید یکی از مهمترین راههای ارتباطی و مهمترین وسائل حمل و نقل امروز جهان است

بسیاری از اقتصاددانان بر این عقیده‌اند که گسترش شبکه راه‌آهن، یکی از اولین پایه‌های اقتصاد و مهمترین عامل پیشرفت اقتصادی هر کشوری است

در ایران بعلت وجود فواصل طولانی بین شهرها و لزوم ارتباط سریع و مداوم بین این شهرها، وجود و گسترش شبکه راه‌اهن همواره مورد توجه بوده است.

در حال حاضر طول راه‌اهن ایران به حدود ٤٥٢٥ کیلومتر بالغ می‌شود، در این مسیر حدود ٣٨٤ وسیله کشش، (لکوموتیو و دیزل) به طور شبانه‌روزی در رفت‌وامد هستند. این وسائل کشش حدود ٢٨٨ واگن مسافری و ٩٢١٠ واگن باری را در طول خطوط راه‌اهن ایران جابجا می‌کنند. هم‌اکنون راه‌آهن سراسری چهارگوشه کشور را بهم متصل کرده است. کرمان، بندر شاهپور و اهواز، تبریز و مشهد در این چهار نقطه قرار دارند و تهران مرکز تقاطع خطوط بشمار می‌رود.

راه‌آهن ایران در مسیرهای گوناگون خود از تونل‌ها، کوهها، دره‌ها و پل‌های بسیاری می‌گذرد. در واقع وضع جغرافیائی ایران، ایجاد راه‌اهن را در کشور ما با دشواری روبرو کرده است.

تونل‌ها

● در خط شمال ٩٣ تونل وجود دارد. طول این تونل‌ها بر رویهم حدود ٢٤٠٠١ متر است. تونل «گدوك» با ٢٨٨٧/٢٧ متر بزرگترین تونل خط شمال بشمار می‌رود. این تونل بین ایستگاههای «گدوك» و «دوگل» قرار دار

● در خط جنوب، مسیر راه‌اهن ایران ، ١٢٦ تونل به طول ٦٠٠٩٧ متر عبور می‌کند

● تونل شاهی با ٢٥٦٦ متر طول، طولانی‌ترین این تونل‌هاست. تونل شاهی بین ایستگاههای «تلەزنگ» و «تنگ‌پیچ» قرار گرفته است

● در خط شمال غرب هم حدود ١٠٨ تونل به طول ٣٠٥٣٤ متر وجود دارد. تونل «ضحاك» که در بین ایستگاههای خراسانك و بابك قرار گرفته و طول آن حدود ١٧٠٦ متر است طولانی‌ترین تونل این مسیر می‌باشد

● در خط «جنوب شرقی» ٣ تونل به طول ١١٥٢ متر وجود دارد که بزرگترین ان‌ها ٦٧٩ متر می‌باشد. در خط شمال شرقی تونلی وجود ندارد.

پل‌ها

● پل «ورسك» در ناحیه راه‌اهن شمال، گذشته از اینکه یکی از بزرگترین پل‌های راه‌اهن سراسری ایران است، پیشینه‌ای تاریخی هم دارد.

● در زمان جنگ دوم جهانی متفقین با استفاده از این پل حداکثر اسلحه و مهمات را به کشور شوروی رساندند و باین جهت پل مزبور به پل پیروزی مشهور شد

این پل که بر روی دره ورسك زده شده، در نزدیکی عباس‌اباد و در کیلومتر (٩٠٦+٢٤٠) قرار دارد.

این پل دارای یك دهانه ٦٦ متری است و ارتفاع آن از ته دره به حدود ١١٠ متر می‌رسد طول ان‌ها هم حدود ٧٣/٢٠ متر است

● در ناحیه جنوب پل کارون در کیلومتر (٣٣١+ ٨٨١) بین ایستگاههای اهواز کارون بزرگترین پل فلزی راه‌اهن ... پل کارون دارای ٥١ دهانه است که طول هریك ... به ١٨٩٤ متر می‌رسد

● در خط جنوب شرقی ومابین ایستگاههای «سگزی» وکارخانه ذوب‌اهن دو پل که هر کدام دارای ٦ دهانه ١٨ متری و یك دهانه ٤٠متری است قرار دارد

طول هر کدام ازاین پل‌ها به حدود ١٤٨ متر می‌رسد ومحل این پل‌ها کیلومتر ٥٤٣ و٥٨٩ می‌باشد.

● در ناحیه شمال غربی ودر کیلومتر (١٩+ ٤٨٢) بین ایستگاههای شیخ‌صفی وبابك پل معروف به (اس) بنا شده است. این پل دارای دو دهانه ٣متری وسه دهانه ٣٦ متری، ٧دهانه ٨متری است وحدود ٢٤٧/٥ متر طول دارد

● در ناحیه اذربایجان پل فلزی قطوری بین ... شرف خانه ومرز ترکیه به طول ٤٨٨ متر ساخته شده است، که در کیلومتر (٢٥٠+ ٩٠٩) قرار دارد

● دراستان خراسان هم پلی در کیلومتر (٩٨٥+ ٩٣) بین ایستگاههای نادرشاه ومشهد درست شده است. این پل دارای ٨٦/٦ متر طول و١١ دهانه ٦متری است

بلندترین نقاط

● در خط شمال بین ایستگاههای «گدوك» و «دوگل» ارتفاع راه‌اهن ایران از سطح دریا به حدود ٢١٠٩ متر می‌رسد. در خط جنوب، نقطه‌ای بین ایستگاههای نورآباد وهوریه با ارتفاعی معادل ٢١٧٧ متر از سطح دریا بلندترین نقطه این قسمت است

● ایستگاه «سراجو» در خط شمال غرب با ارتفاع ١٨٤٤ متر از سطح دریا بلندترین منطقه دراین قسمت است. بلندترین نقطه در خط شمال شرقی بین ایستگاههای «هفت خوان» و «لارستان» قرار دارد که ارتفاع این منطقه از سطح دریا حدود ١٦٧١ متر است

● در ناحیه جنوب ایستگاه «جاریه» با ٢٠٦ متر از سطح دریا بلندترین منطقه بشمار می‌رود

آمار سال

● درسال گذشته طبق امار وارقام راه‌اهن ایران بر رویهم حدود چهار میلیون وهشتصد وشصت وهشت هزار وچهار صد ویازده نفر مسافر را در داخل کشور جابجا کرده است واین تعداد در مقایسه با مسافرین سال ١٣١٨ که حدود (٣٨٢٨٨٠) سیصد وهشتاد ودو هزار وهشتصد وهشتاد نفر است، افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد

● میزان کالاهای حمل شده در سال گذشته حدود هشت میلیون وپانصد وسی وهفت هزار وهفتصد و... میلیون تن براورده شده، در حالیکه این میزان در سال ١٣١٨ از هشتصد وچهل وسه هزار وصدوپنجاه ودو تن تجاوز نکرده است.

● تعداد واگن‌های مسافری هم در سال ١٣١٨ حدود ٥٤ دستگاه وتعداد واگن‌های باری ١٨٩٧ دستگاه بوده است

● افزایش مسافر در مقایسه آماری درسال ٢٥٣٤ نسبت به ٢٥٣٣ حدود ٦/٧٪ ودر مقایسه با سال ٢٥٣٢ ١٣/٧٪ ونسبت به سال ٢٥٣١ ١٥/٨٪ است. بیشتر کالاهائی که بوسیله راه‌اهن حمل می‌شود از بنادر جنوب وهمچنین ایستگاه حلفا بارگیری می‌گردد یا بالعکس از تهران بسوی این نقاط حمل می‌شود

● بیشتر کالاهای حمل شده را «جنرال کارگو» (انبارهای عمومی) ماشین آلات واتومبیل تشکیل می‌دهد

● مشهد وبعداز ان شهرهای جنوبی، مهمترین مقصد مسافرین راه‌اهن ایران است

ارتباط با خارج از کشور

خطوط راه‌اهن کشور در حال حاضر در دو نقطه به خطوط راه اهن شوروی وترکیه وصل می‌شود. خط اهن دیگری هم در مسیر جاده وجود دارد که به راه‌اهن پاکستان می‌پیوندد، ولی در حال حاضر این خط چندان مورد استفاده نیست.

نقش کارگران در فعالیت راه‌آهن

بی تردید تلاش کارگران در توسعه شبکه راه‌اهن ودگرگونی‌های مداوم آن نقش اصلی را داشته است

به طور کلی کارگران راه آهن را به دو گروه عمده میتوان تقسیم کرد. دسته اول کارگرانی هستند که در شبکه حمل و نقل کار می‌کنند و گروه دوم چرخ کارخانه‌های تولید وسائل راه آهن را می‌گردانند

گروه اول را راهبان‌ها، رانندگان لکوموتیو، مانورچی‌ها و سوزن‌بان‌ها تشکیل می‌دهند. در واقع همکاری نزدیك این چهاردسته است که حرکت شبانه روزی قطارها و فعالیت اصلی راه اهن ایران را باعث می‌شود

هرکدام از این کارگران دربدو استخدام باطی دوره‌های یك ساله به کار اموزی دررشته‌های مربوط پرداخته‌اند و بعد از شروع کار، انچه را که در هنرستان راه آهن آموخته‌اند، تجربه کرده‌اند.

سیدمصطفی دهقان، راننده یك قطار باری است مسیر او بیشتر خطوط بین تهران قم و تهران سمنان می‌باشد

هر ماه ٨٤٠٠ ریال حقوق و ٥٠٠٠ ریال اضافه کار می‌گیرد. او در زمینه چگونگی کار خود و شرایط موجود انچنین می‌گوید: «در واقع در کار من و دیگر رانندگان قطار شب و روز معنی ندارد، شرایط کار ما به نحوی است که در بسیاری از مواقع مجبوریم ٤٠ ساعت تمام چشم به ریل‌ها داشته باشیم. بیدار ماندن در شب و مبارزه با خستگی از مهمترین ویژگی‌های لازم برای یك راننده قطار است.»

٤٠ ساعت چشم دوختن به ریل کار ساده‌ای نیست. تنها تجربه‌ای طولانی در کار می‌تواند چنین توانائی را برای یك لکوموتیوران بارمغان بیاورد

سید مصطفی دهقانی در حالیکه کنار ریل

برای یک لکوموتیوران، روز و شب تفاوت خود را از دست میدهد، زیرا که نیمی از شبهای سال را هم پهلو، قر لکوموتیو چشمهای تیزبین خود را به جلو دوخته است.

بسیاری از افراد، راه آهن را راحت‌ترین و مطمئن‌ترین وسیله سفر میدانند.

ایستاده و انتهای خطوط راه آهن، انجا که ریل‌ها در دوردستها ناپدید می‌شود، نشان می‌دهد، می‌گوید: «هدف بسیاری از کارگران راه آهن رسیدن به مرحله‌ایست که میتوانند رانندگی لکومیتو را به عهده بگیرند. من هم در شروع کار مانورچی بودم و کارم وصل یا جداکردن واگن‌ها از یکدیگر یا از لکومیتو بود. شش سال تمام بادقت دراین رشته کارکردم اما همیشه به فکر این بودم که روزی این غول‌های آهنین را رام خودم کنم و سرانجام هم در کارم موفق شدم. البته این نکته مهم را باید بگویم که این موفقیت به راحتی بدست نیامد، بلکه در عرض شش سالی که بعنوان مانورچی کار می‌کردم، چندبار به علل گوناگون زخمی شدم. مهمترین حادثه‌ای که در اینمدت برایم پیش امد شکستگی کمرم بود. این واقعه هنگامی اتفاق افتاد که مشغول اتصال دوواگون بودم و بعلت یك بی‌احتیاطی کوچک بین این دو واگون قرار گرفتم و کمرم شکست.»

موسی نخاری، راننده یك دیزل ویژه مانور است. این گونه دیزل‌ها هرگز از محیط ایستگاههای راه آهن خارج نمی‌شوند، بلکه کار اصلی انها پرداختن به مانورهای پی‌درپی و جابجا کردن واگون‌ها است.

موسی نخاری اکنون ماهانه ۱٦۸۰۰ ریال حقوق می‌گیرد.

صورتی آفتاب سوخته دارد. سوختگی چهره او نشانی از یك تلاش دیرینه است، تلاش در مسیر ریل‌ها، دردل بیابان‌ها وروی تپه‌هائی که خطوط آهنین آن‌ها را به هم وصل کرده است.

اما اکنون ایستگاه راه آهن تهران مکان اصلی جولان اوست. همانطور که سرش را از پنجره دیزل مانور بیرون آورده است، دستی به دیواره دیزل می‌زند و با صدای مردانه‌یی می‌گوید «این غول را می‌بینی؟.. با آن همه سروصدا و این هیکل بزرگ، اسیر پنجه من است. یادش بخیر آن زمان که لکومیتوهای المانی توی خطها کار می‌کرد. من از همان موقع با این غول‌ها سروکله می‌زدم و حالا هم هنوز همین کار ر می‌کنم.»

بعد سری تکان می‌دهد و باز می‌گوید: «من

لطفاً ورق بزنید

چشم اندازی از گوشه‌یی از ایستگاه راه آهن تهران

طول راه آهن ایران حدود ٤٥٢٥ کیلومتر است و در این مسیر ٣٨٤ لکوموتیو و دیزل شبانه‌روز در حرکتند.

هم اکنون حدود ٧٠ درصد از وسایل مورد نیاز راه اهن در داخل کشور تهیه میشود.

فلز مذاب در قالبها ریخته میشود.

راهبانان کار دقیقی به عهده دارند

سال گذشته ٤٨٦٨٤١١

[illegible]

غفلت، مرگ میافریند

[illegible]

دستهائی سخت، پولاد!

[illegible]

نفربوسیله قطار درداخل مملکت سفرکردند

مانورچی‌ها، لکوموتیو را از یك قطار جدا میکنند و به قطار دیگر متصل میسازند.

هم فوری برطرف می‌کند.

... بوست مسافر و قطار

... موهای ... بوده ... صدای گرفته‌ای می‌گوید «تنها یك بی‌دقتی مختصر، یك لحظه فراموش شدن یا نادیده گرفتن یك نقص کوچك ... کافیست ... گروه زیادی را ... در این میان تنها راهبرها مسئولیت ... بعهده دارند. کار ما بدین ترتیب است که فعلا ... شش صبح ده کیلومتر از خط را تحویل

می‌گیریم ... طول این مسیر ... راهبیم. نیست که چشمهای ... کوچکترین وضع غیر عادی ریل ... دوخته نشود. پاك کردن ... سنگ‌ریزه‌ها و تعمیر شکستگی‌ها و محکم کردن پیچ‌ها و هر گونه رفع نقص دیگر به عهده ... اگر نقصی قابل تعمیر فوری نباشد ... شروع می‌شود و در چنین موقعی ... که ... استفاده ... خطر گاه ... خواهد شد.

... گمنام

محمد تقی محمدی ... خودش هرگز ... همکاران ... قطار ... فراموش خواهد کرد.

... یك راهبر دیگر ... و که چند سال ... همکارش ... می‌گوید ... گذشته از اینکه قسمت عمده ... در برف و ... ریل‌های ... می‌گیرد، خطرات دیگری هم ... تهدید می‌کند ... در موقع زمستان و هنگام ... وظیفه، گرگ به ... حمله کرده است. اما هر ... به نحوی ... راهبان‌ها با ... مسافرین و قطارها را حراست می‌کنیم. ... ۱۸ درجه زیر صفر. گرمای ۵۰ درجه بالای صفر

... ۲۰ سال ...

... ۱۰ ...

... دستگاههای ... قسمتهای مخصوص ... ساعت ... دیگ‌های ... می‌گردد ... ساعت ... که معمولا حدود ۲٦ ساعت طول می‌کشد. قالب ... می‌شود. در این مرحله ... دستگاههای ... میرسد و بصورت قابل ... مهندس ... در مورد ... وضع و ... می‌گوید «در اینجا هم ... دیگر ... متخصص ... می‌رود.

... قدیمی ... مرور ... متخصص ... وجود ... بلاتش بیشتری برای ... متخصصی ... »

... کارگران ... قسمت ... ۲۸ سال پیش ... به حرفه ... ۱۲ ... و ... ٤۰,۰۰۰ ... حقوق می‌گیرد ... می‌گوید ... هرچند مرور وجود ... دستگاهها و ... هنوز ... ۲۸ ... کرده بودم ... می‌دهم ... موجود ...

محمدعلی ... ۱۸۰۰۰ ... می‌گیرد ... مخصوص ... می‌گوید ... که ... هر ...

لطفاً ورق بزنید

راه آهن... وکارگرانی که قطارها رابحرکت در میآ ورند...

جهت تنها یك ذره کم و بیش کردن یك فلز در این ترکیب کافیست تا بعداً حادثه‌ای را بوجود آورد.»

تولید لکوموتیو

در کارخانه‌های راه‌آهن بتدریج ساختن وسائل کامل‌تر و پیچیده‌تری رواج می‌یابد. گذشته از کمبود کارگر متخصص، محدود بودن ابزار و ماشین‌های تکنیکی هم از دشواریهای موجود در این کارخانه‌هاست

بی‌تردید با پیشرفت بیشتر تکنولوژی، کارخانه‌های راه‌آهن هم به نوبه خود دست به تولید وسائل تازه‌ای خواهد زد و دور نیست که تا چند سال دیگر لکوموتیو هم در داخل کشور تولید شود

تعمیرگاه لکوموتیو و دیزل یکی دیگر از قسمتهای مهم کارخانه‌های راه‌آهن است. در این قسمت موتور، ترمز و سایر قسمتهای لکوموتیو بدست مکانیك‌های کارآزموده تعمیر می‌شود.

ریل‌هائی که تا درون تعمیرگاه کشیده شده، امکان ورود لکوموتیوها را باین مکان میسر می‌کند.

«داود اربابی» از دو سال پیش تاکنون در این تعمیرگاه به کار مشغول است. او متخصص تعمیر موتور می‌باشد در زمینه کارش می‌گوید: «تعمیر موتور لکوموتیو، کاری به مراتب پیچیده‌تر و مشکل‌تر از تعمیر موتور اتومبیل است. دستگاههای موجود در شکم لکوموتیو به اندازه‌ای پیچیده است که واقعاً در برخی از مواقع انسان را سرگردان می‌کند.»

«رسول جدید» برسابقه‌ترین کارگر این تعمیرگاه است و بیست و دوسال سابقه کار دارد. او که متخصص تعمیر ترمز است، می‌گوید: «کسانی که قبلاً در کار تعمیر اتومبیل سابقه‌ای داشته باشند، بهتر می‌توانند اینجا کار کنند. خودمن قبل از استخدام درراه آهن، تعمیرکار اتومبیل بودم، اما بهر حال کارکردن برروی لکوموتیو کاری نیست که از عهده هر تعمیر کار اتومبیل براید.»

وضع استخدام

تمامی کارگران راه آهن مشمول قانون استخدام رسمی کشور هستند و از نظر خدمات رفاهی و درمانی هم تابع این قوانین می‌باشند و از مزایای آن بهره می‌گیرند

پیش از اجرای این قوانین درمورد کارگران راه آهن، این گروه از طریق سندیکائی که داشتند چگونگی وضع درمانی و رفاهی خود را مشخص می‌کردند ولی بعد از اجرای آن، سندیکای کارگران راه آهن منحل شد و شرایط و قوانین کار انها با کیفیت قوانین استخدام رسمی هماهنگ گردید.

هنرستان راه آهن

هنرستان راه آهن، اموزش کارگران و متخصصین راه اهن را برعهده دارد. دراین هنرستان مربیان و متخصصین کارازموده، انواع کارها را از سوزن بافی گرفته تا تعمیر موتور و سرپرستی ایستگاه، به هنرجویان می‌آموزند.

کارگران ساده، دارندگان سیکل و دیپلمه‌ها دراین هنرستان دوره‌های متناسب با میزان تحصیلات خود را می‌گذرانند و بعدا مشغول کار می‌شوند.

این هنرستان هرسال با ایجاد دوره‌های جدید و آموزش آخرین تکنیك‌های مربوط به راه آهن، دگرگونی مداومی را در کار خود بوجود می‌اورد.

مسکن

کمبود و دشواری وضع مسکن از مهمترین مسائل زندگی کارگران راه آهن است.

«جعفر ذکائی»، سرمانورچی دراینمورد می‌گوید: «من ماهانه حدود یك ثلث دستمزدم را به عنوان کرایه مسکن می‌پردازم. شرکت تعاونی مسکن از چند سال پیش در تدارك تامین مسکن برای ماست، اما هنوز در اینمورد اقدام مهمی صورت نگرفته است.»

«ثارالله پورنگ» هم در مورد وضع مسکن حرفهائی دارد. او هم اظهار میدارد که قریب نیمی از حقوقش بابت کرایه مسکن صرف می‌شود، و حدود یکصدتومان هم برای اب و برق می‌پردازد. بهمین جهت لازم است مسئولان راه آهن درمورد تامین مسکن کارگران اقدام عاجل بعمل آورند.

«سعدالله یوسف نیا» درمورد چگونگی وضع مسکن می‌گوید: «من دارای چهارفرزند هستم، که یکی از آن‌ها دانشجوی سال چهارم دانشکده داروسازی است. در حال حاضر ۸۰۰۰ ریال کرایه خانه می‌دهم. هرچند هنوز اقدامی درمورد تامین مسکن ما صورت نگرفته است، اما فکر می‌کنم با مستقل شدن سازمان راه آهن وضع دراین مورد کاملا روشن شود.»

کارگران راه‌اهن هم کم و بیش از وضع مسکن خود گله داشتند، که مسلماً با تصمیماتی که برای رفع این مشکل در سطح کشور گرفته شده، انتظار می‌رود بزودی این مساله حل شود.

هرچند راه آهن ایران نسبت به سازمان‌های مشابه دردیگر کشورها، تاکنون کمترین حوادث را داشته است، با اینهمه گاه حوادث ناگواری در طول شبکه راه آهن اتفاق افتاده است.

اولین حادثه مهم از این دست، درزمان جنگ جهانی دوم رخ داد. درآن زمان ایران تحت اشغال نیروهای متفقین بوده و آنها از راه‌آهن کشور هم برای حمل آذوقه و مهمات استفاده می‌کردند.

دریکی از این روزها قطاری که از بندر شاهپور به طرف تهران راه افتاده بود، بعلت مستی، بیش از اندازه راننده امریکائی لکوموتیو به موقع مسیر خودش را تغییر دهد و در نتیجه بشدت با قطاری که از روبرو می‌آمد، تصادف کرد. در این حادثه گروهی قربانی شدند و مقدار زیادی کالا و تعداد زیادی واگن از بین رفت.

مهمترین حادثه‌ای که در سال‌های اخیر در طول مسیر راه اهن ایران اتفاق افتاده، حادثه راه اهن اصفهان– یزد است. در این حادثه عده‌ای کارگر که در حال کار بر روی ریل‌ها بودند، بعلت بی‌احتیاطی گرفتار حادثه شدند.

گذشته از این حوادث، هر سال عده‌ای بعلت بی‌احتیاطی و عدم رعایت مقررات مربوط به گذشتن از روی ریل، قربانی می‌شوند.

بر طبق قوانین راه اهن تا حدود ۱۷ متر از هر طرف ریل جزء مناطق ممنوعه بشمار می‌رود و در نقاطی که ریل از میان نقاط مسکونی می‌گذرد، عبور و مرور از روی پل‌های هوائی، انجام می‌گیرد

در حال حاضر، ایستگاه راه آهن تهران بوسیله سه رشته ٦ کیلومتری از شهر خارج می‌شود. باین ترتیب که ٥ کیلومتر از راه آهن جنوب از مناطق جنوبی تهران می‌گذرد. ٦ کیلومتر از راه آهن مشهد هم در منطقه شهر ری قرار دارد و بهمین ترتیب ٦ کیلومتر از مسیر راه اهن تبریز هم از منطقه امام زاده حسن عبور می‌کند. در طول هرکدام از این ٦ کیلومتر که از شلوغ‌ترین مناطق تهران می‌گذرد، حوادثی رخ می‌دهد، که عامل اصلی، بی‌احتیاطی رهگذران است.

ایجاد راه آهن در ایران از زمان قاجاریه مورد نظر بود. در زمان ناصرالدین شاه اولین خط اهن ایران بوسیله یك فرانسوی بنام «بواتال» بین تهران و شهر ری کشیده شد. این خط که تا همین بیست سال پیش مورد استفاده بود، مقدمه‌ای برای گسترش شبکه راه آهن شد.

بعد از این اقدام بود که چند خط کوچك دیگر مانند خط محمود اباد– آمل و خط زاهدان– میرجاوه کشیده شد، اما این خطوط بعلت موقعیت مکانی و همچنین محدودیت کشش، چندان در وضع اقتصاد کشور تاثیر نکرد.

در سال ۱۳۰٤ ایجاد شبکه راه اهن سراسری مورد توجه قرار گرفت و برای تامین هزینه این کار، قانون انحصار قند و شکر و چای از تصویب مجلس گذشت. به موجب این قانون قرار شد از هر سه کیلو قند و شکر که به ایران وارد می‌شود، ۲ ریال و از هر سه کیلو چای، ٦٠ ریال مالیات دریافت گردد.

پس از دو سال که مقدمات کار فراهم شد، کار ساختمان راه آهن سراسری از شمال و جنوب شروع گردید، اما این کار چندان راحت نبود. از سوئی وسائل آن روز هم از نظر تکنیکی، مانند ابزار امروزی مجهز نبود. باین علت نیروی انسانی در این میان اهمیت زیادی یافت.

شکافتن دل کوهها، پل زدن بر روی دره‌ها، ایجاد تونل‌ها و تسطیح و هموار کردن بیابان‌ها، کار اصلی کارگران را تشکیل می‌داد.

بهر حال ایجاد شاهرگ حیاتی اقتصاد کشور ضروری بود. در اینجا بود که نیروها در هم آمیخت و حماسه شروع شد. غرش وسائل مکانیکی آن روز، و صدای کلنك‌ها لحظه‌ای قطع نمی‌شد. این تلاش یازده سال تمام ادامه یافت، تا اینکه در سال ۱۳۱۷ دو قسمت راه آهن سراسری در ایستگاه سفید چشمه بهم متصل شد.

راه آهن سراسری ایران از بندر شاه، واقع در جنوب شرقی دریای خزر، شروع می‌شود و پس از عبور از شهرهای ساری و شاهی وارد مناطق کوهستانی البرز می‌گردد. در اینجا از گردنه مرتفع فیروز کوه می‌گذرد و از راه جلگه ورامین به تهران می‌رسد.

دنباله راه‌آهن سراسری از زمین‌های هموار قم و اراك گذشته و از ایستگاه درود به بعد وارد مناطق کوهستانی لرستان می‌شود. در اینجا پس از عبور از تونل‌ها و پل‌های متعدد در اندیمشك به جلگه هموار خوزستان می‌پیوندد و از کنار دزفول و شهر اهواز و از روی پل بزرگ کارون گذشته، به بندرشاهپور در کنار خلیج فارس می‌رسد.

طول راه‌اهن

طول راه‌اهن سراسری ۱۳۹٤ کیلومتر و عرض آن ۱٤۳٥ میلیمتر است. در طول این خط حدود ۹٠ ایستگاه ایجاد شده است.

هزینه

هزینه اولیه ساختمان راه‌اهن دولتی ایران حدود ۱۸۸/٤٤٤/۷٦۲ گرم طلا که تقریباً معادل ۲۲٠ میلیون تومان در سال‌های پیش از جنگ بوده براورده شده است

انشعاب‌های راه‌اهن

- در روز ۲٤ اسفند ۲۲۹٦ اولین کلنگ ایجاد راه‌اهن تهران – مشهد بدست رضاشاه کبیر به زمین زده شد.
- در ۹ آذرماه ۲٤۹۷ عملیات ایجاد خط اهن تهران – یزد و در ۱۸ آبان همان سال کار ساختمانی راه‌اهن تهران– میانه اغاز شد.
- جنگ جهانی دوم و هجوم متفقین به ایران، بزرگترین مانع را در راه ادامه گسترش راه‌اهن ایران بوجود آورد. متفقین با بهره‌برداری از خط سراسری بیشترین استفاده را در جهت دست یافتن به پیروزی کردند.
- بعد از پایان جنگ و رفتن متفقین از ایران بار دیگر کارهای ساختمانی راه‌اهن شروع شد
- در ۲۲ اردیبهشت ۲٥۱٦ راه اهن تهران‌مشهد افتتاح و بهره‌برداری از ان اغاز گردید طول این خط حدود ۹۲٦ کیلومتر است و شهرهای بزرگ خراسان را بهم متصل می‌کند
- در ۹ آبان ۲٥٠۹ کار ساختمان راه‌اهن بندرشاه – گرگان آغاز گردید
- در ٤ آبان ۲٥۲۷ راه‌آهن عجب‌شیر- رحمانلو اغاز به کار کرد. و در حدود آذر ۲٥۲۷ راه‌اهن تهران- یزد افتتاح شد و مدتی بعد، این راه‌اهن تا کرمان ادامه یافت.
- درمهرماه ۲٥۳٠ هم راه‌اهن ایران بخطوط ترکیه وصل گردید و باین ترتیب راه‌اهن تهران- اروپا ایجاد شد
- از سوئی بعد از پایان جنگ راه‌اهن تهران– میانه تا تبریز کشیده شد. در هرکدام از شهرهای بزرگ و مراکز استانها که خطوط راه‌اهن از ان می‌گذرد، ایستگاههای مجهز و سالن‌های مخصوص مسافر و سکوهای تخلیه و بارگیری ایجاد شده است.

توربوترن

درسال ۲٥۳٤ با ورود «توربوترن» به ایران، گام مهم دیگری در راه توسعه راه‌اهن ایران برداشته شد. «توربوترن» گذشته از برخوردار بودن از پیشرفته‌ترین تکنیك‌های موجود، دارای سرعتی معادل چند برابر سرعت لکومیتو معمولی است.

اخرین گامی که راه‌اهن ایران در جهت پیشرفت شبکه برداشته است، ورود واگن‌های «اکسپرس» است. این واگن‌ها در ایران به نام واگن‌های «خواب» نامیده میشود و در طول راه مسافرین براحتی می‌توانند در این واگن‌ها بخوابند.

وسائل راه‌آهن درسالهای اول شروع کار بیشتر از کشور بلژیك خریداری می‌شد، درحالیکه اکنون کشورهائی مثل امریکا، آلمان و رومانی نیازهای این سازمان را تامین می‌کنند. هم‌اکنون روزانه به طور متوسط ٦ قطار مسافری از تهران خارج میشود و گذشته از این هر هفته چند قطار عادی و سریع‌السیر بسوی شهرهای گوناگون میرود.

در ایستگاه راه‌اهن تهران ۷ انبار توشه برای حمل بار وجود دارد. از این گذشته باید از قطار تهران- اروپا نام برد که هفته‌ای یك روز مسافرین را بسوی کشورهای اروپا می‌برد.

اختراع لوکوموتیو

در اوائل قرن نوزدهم شخصی به نام «جورج استیونس» در ایالت گال انگلستان موفق به اختراع لوکوموتیو شد.

در اوائل، هیچکس تصور نمی‌کرد روزی این وسیله به عنوان مهمترین وسیله نقلیه در سراسر جهان مورد توجه قرار بگیرد، چرا که «آهن‌بندی» بیابانها و دشتها را برای حرکت لوکوموتیو کاری غیر ممکن میدانستند.

اما بتدریج این اندیشه صورت حقیقت بخود گرفت، به اندازه‌ای که در اواخر قرن نوزدهم نه تنها در انگلستان، بلکه در مسیر کشورهای پیشرفته راه‌اهن از وسائل اصلی حمل و نقل بشمار میرفت. درحال حاضر طول راه‌اهن بلژیك نسبت به مساحت این کشور در ردیف اول کشورهای جهان قرار دارد و انگلستان در اینمورد دومین کشور است. اولین لوکوموتیوی که به ایران وارد شد، در خط تهران– شهر ری بکار افتاد. این لوکوموتیو که بین مردم به «ماشین دودی» معروف شد، هنوز هم به عنوان یك نمونه قدیمی لوکوموتیو در همان محل که به پارك تبدیل شده نگهداری میشود.

گذشته از این تا ٦٠ سال پیش واگن‌هائی در خیابان‌های تهران حرکت می‌کرد که بوسیله اسب کشیده میشد.

رویگری شغل بی رونق امروز

رویگرهای مغازه‌دار می‌گویند: رویگرهای دوره گرد به کار ما لطمه می‌زنند

از آنهمه مغازه‌های رویگری در تهران، تنها ۳۳۰ مغازه مانده است با ۷۰۰ نفر رویگر

رویگری و سفیدگری از زمانهای دور، یعنی از همان موقعی که ساختن اشیاء و ظروف مس رواج یافت بعنوان یك حرفه وجود داشت.

درواقع رویگری حرفه مکمل مسگری بشمار می‌رفت. یعقوب لیث صفاری معروفترین رویگریست که در تاریخ از او نام برده شده است و همه کم و بیش سرگذشت این میهن‌پرست را می‌دانند. زندگی حماسه‌یی این مرد تاریخ ایران، از رویگری شروع و به قیامی میهن‌پرستانه پایان گرفت. هرچند امروز این حرفه رونق گذشته را ندارد، اما هنوز هم بعنوان یك شغل، اهمیت خودش را حفظ کرده است

۳۳۰ مغازه

از نظر چگونگی کار و ابزار ویژه رویگری دگرگونی زیادی دراین حرفه ایجاد شده است. هم اکنون حدود ۳۳۰ مغازه رویگری و سفیدگری در تهران وجود دارد. که حدود یکصد رویگر دوره گرد را هم باید به آنها اضافه کرد.

تعداد رویگران هم از ۷۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند و دربسیاری از مغازه‌ها بیش از یك کارگر کار نمی‌کند.

سفیدگران در کارخود استفاده زیادی از مواد شیمیائی می‌کنند. اسیدسولفوریك و نشادر از مواد اصلی کار آن‌هاست.

رویگران ابتدا ظروف مسی و وسائلی را که برای سفیدکردن در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شود، با استفاده از ریگ و شن‌های ریز می‌سایند.

در گذشته این کار بوسیله پا انجام می‌گرفت به این ترتیب کارگر سفیدگر توی طشت یا سینی مسی می‌ایستاد و با چرخاندن پاهایش مس را می‌سائید.

باین ترتیب لکه‌های روی مس بتدریج پاك می‌شد و رنگ اصلی آن نمودار می‌گردید

درحال حاضر کار سائیدن مس بوسیله سیم‌های مخصوص انجام می‌گیرد. این وسیله گذشته از آن که به نحو بهتری مس را صیقل می‌دهد، از صدمه دیدن پای کارگران هم جلوگیری می‌کند. رویگرها دراین کار از اسیدسولفوریك بهره می‌گیرند، تا لکه‌های مس به نحوی بهتری از بین برود.

بعد از این مرحله است که سفیدگر با استفاده از نشادر سطح مس را لغزنده می‌کند. علت ایجاد این لغزندگی بوجود آوردن محیط مناسب برای جریان یافتن قلع مذاب بر روی سطح ظروف مسی می‌باشد.

قلع در واقع ماده مهم کار رویگران و سفیدگران است. این ماده بعد از ذوب شدن، بر روی سطح مس که بوسیله نشادر لغزنده شده است، ریخته می‌شود، و سپس رویگر با استفاده از پارچه‌های مخصوص قلع را به تمام مس می‌مالد و آن را کاملا سفید می‌کند.

درحال حاضر هزینه سفیدکردن هرکیلو مس حدود ۴۰ ریال است.

دشواری‌ها

«محمد قدر» یکی از رویگران با سابقه تهران است. او درزمینه چگونگی کارش می‌گوید: «با وجود اینکه هنوز هم کار ما رونق نسبی دارد، ما هم اکنون با دو مشکل عمده روبرو هستیم.

دشواری اول ناشی از طرز کارمان است، چرا که کار کردن با وسائل مخصوص سفیدگری همواره سروصدای زیادی ایجاد می‌کند. ما در واقع مقداری هم کار مسگری انجام می‌دهیم، چون بسیاری از وسائل مسی را که مردم می‌آورند، قبل از سفیدکردن باید تعمیر شود و شکستگی‌های آن ترمیم گردد.

اینست که همیشه ساکنان خانه‌های اطراف مغازه‌های رویگری از این گونه سر و صداها شکایت دارند و در بسیاری از مواقع با مراجعه به مسئولین امر دشواری‌هائی در کار ما ایجاد می‌کنند.»

کمبود کارگر

این رویگر ادامه می دهد: «مشکل دوم، کمبود کارگر است. الان کمتر جوانی حاضر می‌شود به این کار بپردازد چرا که گذشته از «ضعیف» بودن این شغل زحمتش هم زیاد است و مهمتر از همه محیط مغازه‌های رویگری همیشه کثیف است. کارگران جوان به شغل‌هائی روی میبرند که با زمان هماهنگ باشد و در آمد بیشتری هم داشته باشد.

دوره‌گردها

از سالیان دور تا کنون کار رویگرهای دوره‌گرد هم رواجی چشمگیر دارد، اما طرز کار این گروه با آنچه در مغازه‌ها انجام می‌شود تفاوت زیادی دارد.

رویگران دوره‌گرد در واقع کار را به نحو ساده‌تری انجام می‌دهند. پودرهای ویژه صیقل دادن مس کار این گروه را آسان کرده است. آن‌ها با استفاده از این پودرها در عرض چند لحظه مس را سفید می‌کنند، بدون اینکه نیازی به چیز دیگری داشته باشند.

سفید گران مغازه‌دار با این کار دوره‌گردها ،بشدت مخالف هستند و عقیده دارند این گروه درست کار نمی‌کنند و گذشته از اینکه کارشان قلابی است، به حیثیت رویگرهای واقعی هم لطمه می‌زنند.

«مصطفی پاك رو» در اینمورد می‌گوید: -برای ما هم بسیار آسان است که درست مثل رویگران دوره گرد کار انجام دهیم. این کار به مراتب برایمان راحت‌تر از چیزیست که الان انجام میدهیم، اما موضوع اصلی اینست که ما نمی‌خواهیم مردم را فریب دهیم و نان حرام بخوریم.

۸ ساعت «گپ خودمانی»

با کارگران سازند[ه]

این کارگر سماور رستم را می‌سازد.... و به این دختر جوان ...

خبرنگاران ما، ۸ ساعت در کنار کارگران یک کارگاه

اول رنگ و لعاب میزنند و بدنبال آن پختن در کوره مخصوص انجام میدهند

* [illegible] دفتری یکی [illegible] می‌خوانیم خلاصه [illegible] دفتری این بود که عشرت‌الملوک همسر حاج محمد [illegible] سرکه فروش [illegible] دخترش [illegible] خانم [illegible] سرگذر «فرنی» کرده بود و در هوای سرد زمستان حوض بزرگی در وسط حیاط [illegible] دیگ بزرگ آش [illegible] هم بر روی [illegible] قرار داده بودند خلاصه [illegible] دود ودم و هیاهوئی براه انداخته بودند.

نویسنده دراین مطلب دفتری، شرح وبسط زیادی داده بود درباره زیرکی‌های خانم عشرت‌الملوک وسایر زنان قصر، که در تهیه آش رشته وکار گذاشتن دیگ کذائی در وسط حیاط ودود غلیظی که به علت سوزانیدن «کنده هیزم» درحیاط منزل براه انداخته بودند، بطوریکه چشم چند قدمی خود را نمی‌دید وهمینطور بعلت سیاه شدن پشت دیگ والوده شدن دست زنان آشپز به سیاهی، وسوختن چشمانشان بعلت دود رفتگی ومالیدن دستهاشان به سر وصورتشان بطوریکه قیافه آشپزها شکل جادوگران قبیله آدمخواران درآمده بود ضمناً بعلت سردی هوا وسوز زمستانی، منقل کرسی اتاق پنج دری را با آتش زیادی گرم کرده بودند وخاله خانم هم مرتب بسایرین توصیه میکرد که کرسی واتاق را گرم نگه دارند، وگرنه «زنو وبچه» که از حمام بیرون میآیند، بعلت سردی هوا سینه پهلو می‌کنند. خلاصه کلام بعداز یک سلسله حوادث وماجرا منقل کرسی توسط اصغر آقا، پسر کوچک خانواده در زیر کرسی واژگون میشود وزمانی اهل منزل متوجه میشوند که نیمی از کرسی ولحاف وتشک سوخته بود ودرهمین موقع هم «زائو وبچه» از حمام بیرون آمده وبخانه میرسند، والخ...

بهرحال منظورم از ذکر خالی قسمتی از دفتری این بود که وقتی ما وسایل ولوازم زندگی گذشته را با لوازم زندگی امروزی مقایسه می‌کنیم، باین حقیقت پی میبریم که تا چه اندازه وسایل ولوازم زندگی امروز ما به نسبت گذشته کم خطرتر وراحت‌تر شده. تا قبل از دوران شکوفائی صنعت کشورمان همه ساله در فصل زمستان ما وارقام وحشتناکی از سوختگی وخفگی بچه‌ها وبزرگسالان در زیر کرسی منتشر می‌شد وچه تعدادی از زنان خانه‌دار بعلت بی‌صافی اجاق خانه، دیگ آب جوش وغذا به روی آنها واژگون شده که موجب سوختگی بدن وی هلاک آنها شده وهمینطور مقدار زیادی آمار مشاهده میکردیم از ابتلای مردم به بیماری مختلف واگیر که از حمام‌های عمومی به افراد منتقل می‌شد وبهر حال وقتی انسان اینگونه مسائل را مورد بررسی قرار میدهد، حقیقتاً به ارزش واقعی وسایل رفاهی که امروز جایگزین وسایل سخت گذشته شده پی میبرد وچقدر باعث افتخار ومسرت است وقتی که میبینیم مردم این مملکت که روزگاری

«دستهای نیرومند یکی از کارگران بدنه اجاق گاز را با کمک ماشین پرس میکند

...ه لوازم خانه

...کارخانه می‌گویند: ننه جان!

[illegible] معمولی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] لوازمی [illegible] [illegible] [illegible] گفتگو [illegible] [illegible] کارگران [illegible] [illegible] پیشرفت [illegible] زندگی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شکسته [illegible] وقتی [illegible] گذشته می‌شود وانرا با [illegible] امروز مقایسه می‌کنیم [illegible] پیشرفت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ۹۵ درصد [illegible] [illegible] استفاده می‌کرد [illegible] امروز [illegible] [illegible] کردن [illegible] انواع و اقسام [illegible] مصنوعی استفاده می‌کند ویا اگر بخواهد [illegible] وسیله [illegible] گرم کردن را داشته باشد [illegible] برقی [illegible] [illegible] [illegible] است که ما گاهی از اوقات قدر این همه رفاه و پیشرفت و امثالش را نمی‌شناسیم.

خلاصه [illegible] که [illegible] اشاره شد، هرچند که [illegible] خیلی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که رای [illegible] [illegible] کارگران [illegible] [illegible] درمیان آنها که لوازم خانگی می‌سازند سر کنیم.

امروز یکی از کارخانجات سازنده بخاری و [illegible] [illegible] یکی [illegible] واحدهای بزرگ صنعتی کشور است، که در پرتو انقلاب شاه و ملت هر روز بر تعداد آن افزوده می‌شود و در حال توسعه و گسترش می‌باشد. در این کارخانه مانند سایر واحدهای تولیدی و صنعتی کشور، نیروی عظیمی از تحرک و تلاش دیده میشود. زن و مرد، پیر و جوان در کنار هم سرگرم سازندگی هستند.

محیط کارخانه کاملا دوستانه و گرم است. کارگران [illegible] نسبت بیکدیگر مهربان و دلسوز می‌باشند و کوشش و تلاش یکدیگر را هماهنگ می‌کنند. در محیط کارگاه قدم میزنم و گاهی هم در کنار کارگری می‌ایستم و با او از هر دری صحبت می‌کنم. صحبت ما گاهی بقدری گرم و دوستانه می‌شود که متوجه گذشت زمان نمی‌شویم. نکته جالب توجهی که در این کارخانه برایم تازگی دارد، اینست که اکثر کارگران در این واحد صنعتی اهل گیلان و مازندران هستند و بقول «همت رحیمی»، کارگر صافکار، کارخانه توسط گیلانی‌ها و ما مازندرانی‌ها فتح شده!

سماور رستم!

[illegible] کارگری که [illegible] ۱۶ [illegible] کارخانه مشغول کار [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] می‌دهد احساط [illegible] گوناگون حس می‌کنم. [illegible] می‌آورد، او در حالیکه [illegible] اصلی آن وصل می‌کند، [illegible] می‌دهد: «این سماور رستم است [illegible]!»

البته کنایه او به این خاطر است، که اصولا هر چیزی که [illegible] متعارف و معمول خود بزرگتر شود، عوام [illegible] رستم [illegible] می‌دهند.

در یکی از قسمتها گروهی از کارگران سرگرم ساختن اجاق گاز هستند وقتی با دقت [illegible] ساخته این خواهران و برادران کارگر نگاه می‌کنم دردل از زیبائی و ظرافت صنایعی که تولید می‌کنند، به شگفتی و تحسین می‌افتم.

از «سلیمه عباس‌خواه» می‌پرسم، چه میکنی، در حالیکه یکی از قطعات [illegible] بخش‌کن اجاق گاز را بمن نشان میدهد، می‌گوید: «اینها را می‌بندم»، از او سؤال میکنم همکارت چه میکند؟ می‌گوید «کدام؟» با دست همکار روبرویش را نشان میدهم، سلیمه [illegible] می‌گوید: «اهان، ننه جان رومیگوئی؟» دچار شگفتی می‌شوم، زیرا او دختر جوانی است [illegible] را با سلیمه عباس خواه در میان می‌گذارم، پاسخ میدهد:

– چون اسم کوچک او ننه جان است.

از ننه جان سالاریه سؤال می‌کنم: «تو با این سن و سال کم ناراحت نمیشی که به تو میگویند ننه جان؟» او با خنده جواب میدهد «نه» میگوییم ولی معمولا در خانواده‌ها به مادربزرگها و زنهای مسن میگویند ننه جان. او با کمی خجالت می‌گوید که امیدوار است روزی هم در کسوت مادر بزرگها درآید. نحوه پرسش و پاسخ من با ننه جان سالاریه وسلیمه عباس خواه، کمی جالب شده است و چند نفر از کارگران که در نزدیکی ما هستند، کم کم بجمع ما اضافه می‌شوند. با خانم سالاریه این مطلب را در میان می‌گذارم که بنظر او تاثیر اجاق گاز در زندگی مردم تا چه حد بوده است؟ او جواب میدهد «من فکر میکنم تا حد خیلی زیادی در راحتی پخت و پز خانواده‌ها تاثیر داشته است.» «دولت‌افزی»، یکی دیگر از کارگران، حاضر در جمع ما می‌گوید: «بنظر من حسن این وسیله در اینست که در هر خانه که از اجاق گاز استفاده میشود از دود و سیاهی خبری نیست.» عشق علی رضائی در دنباله سخنان همکارش اضافه می‌کند: «بطور کلی امروزه با بودن اجاق گاز لازم نیست که در آشپزخانه‌های منازل اجاق و دودکش و «کته» تهیه کنند و آن قسمت از زمین را که اختصاص به این کار میدادند، حالا برای مصارف دیگری استفاده می‌کنند.»

کریم نوریان مسئول کنترل محصولات کارخانه پیرامون همین مساله عقیده دارد: «علم امروزی [illegible] می‌کند که روزبروز کشش و [illegible] در زندگی [illegible] [illegible] و اختراع اجاق [illegible] [illegible] [illegible] حرف این همکارم را کاملا تصدیق می‌کنم [illegible] [illegible] [illegible] اجاق گازی که [illegible] [illegible] [illegible] روشن می‌شود [illegible] دیگر سوی [illegible] پیشرفت [illegible]

سطح دانش و معلومات.

از اظهار نظرهای کارگران خیلی خوشحال می‌شوم، خوشحال بخاطر اینکه در اثر توجهی که به وضع کارگران ابراز شده، سطح دانش و دانستنی‌های آنها تا این اندازه بالا رفته و قوه درک و فهم آنان تقویت شده است.

تا نزدیکهای ظهر، با بچه‌ها صحبت می‌کنم.

آغاز کار کارگران [illegible] پوشیدن لباس کار، «بسم‌الله» گویان بطرف کارگاه میروند

عقربه ساعت ۱۲ ظهر را نشان میدهد و سوت کارخانه، با صدای بلند وقت غذاخوردن را اعلام می‌کند. کارگران هر چند نفر با هم، در حالیکه سرگرم گفتگو هستند، بطرف سالن غذاخوری [illegible] [illegible] [illegible] می‌کند [illegible] و تشکر می‌کنم، [illegible] که از سالن غذاخوری [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] گفتگو [illegible] [illegible] [illegible] «شاپور افتخاری» عقیده دارد بخاری گازی در زمستان برای استفاده [illegible] صبح در اتاق مناسب نیست. و «مرتضی سیدحسینی» معتقد است اگر رعایت کلیه اصول شود، بخاری

بقیه در صفحه ۸۳

زنان حامله باید این نکات مهم را رعایت کنند...

رژیم غذائی یکی از مهمترین عوامل سلامتی یک زن باردار بشمار میرود

در دوره بارداری میتوان با اقدامات لازم از سست شدن استخوانها وریزش مو و پوسیدگی دندان ها جلوگیری کرد.

بی‌تردید دوران بارداری برای هر زنی مشکل است.

مادرانی که رنج این دوره را تحمل کرده‌اند، اگر بخاطر عشق به فرزند نبود، هرگز تن به توالد و تناسل نمی‌داد، زیرا در این دوران دستگاه‌های مختلف بدن زن فعالیت و تحرک شگفت‌انگیزی می‌یابند.

بعضی از غدد مترشحه داخلی (غدد مترشحه داخلی غددی هستند که ترشحات خود را که «هورمون» نام دارد، مستقیماً وارد خون می‌کنند. هورمون‌ها نقش مهمی را در اعمال داخلی بدن بعهده‌دارند.) ترشحات فراوان‌تری دارند و سوخت و ساز بدن بیشتر و سریعتر میشود، ولی اغلب بعلت بی‌میلی‌های کاذب یا تهوع‌های بیمورد، زن می‌تواند غذا بخورد و خود را سالم نگهدارد.

عده‌ای از زنان برای حفظ سلامتی خود و جلوگیری از چاقی و یا بزرگ شدن جنین در شکمشان رژیم‌های مخصوص و سختی میگیرند و می‌کوشند در این دوره از خوردن غذاهای لازم بپرهیزند تا حتی‌الامکان وزنشان زیاد نشود و یا نوزاد رشد بیشتر نکند، زیرا وقتی حجم نوزاد افزایش یابد، پوست شکم آنها خراب می‌شود و چین می‌خورد و یا بهنگام بارداری، ناراحتی‌ها را دو چندان می‌سازد، در صورتیکه زن حامله باید در نظر بگیرد که از شروع حاملگی تنها یك تن نیست، بلکه دو نفر است و در تمام دوران حمل لازم است رژیمی را رعایت کند که سلامتی خود و فرزندش را تامین سازد.

رژیم غذائی

برای اینکه دوران حمل براحتی سپری بشود، وزن نباید بحدی چاق شود که منجر به بیماری وی شود، و نباید آنقدر لاغر بماند که نتواند بار حمل و رشد کودك را تحمل کند. باید مقدار غذای روزانه او را با دستور صحیح تعیین کرد و انرژی مورد نیاز روزانه او را بنحو احسن تامین کرد.

غذاهای مصرف شده روزانه پس از تغییر و تبدیل در بدن بصورت انرژی حرارتی در می‌آیند و به مصرف دستگاههای مختلف بدن و یا کار و فعالیت روزانه میرسند و این انرژی روزانه را با کالری حرارتی اندازه می‌گیرند.

بنابر این اگر یك زن سالم در حالت عادی که برنامه معینی دارد روزانه به ۲۸۰۰ کالری حرارت نیاز دارد، همان زن اگر حامله شود، در چهار ماه اول حاملگی (که هنوز رشد جنین زیاد نیست و احتیاج حرارتی و غذائی چندانی ندارد) رژیم غذائی روزانه‌اش باید طوری باشد که ۲۹۵۰- ۳۰۰۰ کالری حرارت ایجاد کند، تا علاوه بر اینکه جنین در شکمش بخوبی تغذیه کند، خودش نیز دچار ضعف و ناتوانی نشده و زیاده از حد چاق نشود.

در زنان حامله بعلت ازدیاد ترشحات غدد مترشحه داخلی، سوخت و ساز بدن سریعتر میشود و بهمین سبب خود بخود غذاهای مصرف شده بهتر و زودتر جذب میشود و بنابر این اگر جنین وجود نداشت، زن بسرعت چاق می‌شد، ولی ازدیاد فعالیت (ترشحات غدد مترشحه) فقط بعلت وجود جنین است و فقط برای رشد سریع جنین صورت می‌گیرد و در صورت کمبود تغذیه، بدن مجبور است از ذخائر خود که در کبد و مغز استخوان و سایر نقاط بدن مادر است کمبود انرا جبران و به رشد جنین کمك کند

بطور کلی اگر یك زن عادی روزانه به ۷۰ گرم مواد پروتئینی (که بیشتر در گوشت و حبوب وجود دارد) و سیصد گرم مواد قندی نیازمند است، همان زن اگر حامله شود، در چهار ماهگی به ۱۰۰ گرم مواد پروتئینی و ۵۰۰ گرم مواد قندی نیاز خواهد داشت. البته باید درنظر داشت که جنین به چربی اضافی نیازمند نیست و خود از مواد قندی، چربی لازم را خواهد ساخت و به مصرف خواهد رسانید.

ساختمان بدن نوزاد چه ترکیباتی دارد؟

کودك برای تشکیلات مختلف بدن خود احتیاج به مواد آهکی و آهنی دارد و بنابر مثل معروف نوزاد خود را از آهن و کلسیم می‌سازد!

آهن برای ساختمان خون نوزاد مورد نیاز است و بدون آن هموگلوبین که هسته اولیه گلبولهای خون است ساخته نخواهد شد و نوزاد مجبور است از آهن ذخیره مادر مصرف کند و بر اثر این امر مادر بتدریج کم خون میشود و مسلماً نوزاد هم پس از تولد کم‌خون خواهد بود.

برای اینکه مادر بتواند بخوبی آهن مورد نیاز بدن خود و نوزادش را تامین کند، باید روزانه مقدار لازم حبوب مانند: لوبیا- باقلا- عدس و یا سایر اغذیه آهن‌دار مانند: جگر سیاه- گوشت و یا میوه‌های آهن‌دار مثل سیب- انگور- خرما و امثال آنها را مصرف کند.

مواد آهکی اولین سنگ بنای ساختمان بدن نوزاد بشمار میرود، زیرا نوزاد برای تشکیلات استخوانی خود در دوران زندگی

بقیه در صفحه ۱۰۰

استفاده خودسرانه از داروها عوارض خطرناکی بدنبال دارد

از: دکتر مرتضی روحانی

معروف است که میگویند دو چیز باعث زحمت انسان میشود: یکی خرده قرض و دیگری خرده معلومات!

درسالهای اخیر متاسفانه عده زیادی از افراد تحصیل کرده با مختصر معلوماتی که درمورد مسائل پزشکی پیدا کرده‌اند، بدون اینکه از زیانهای داروها باخبر باشند، خود و اطرافیانشان را به خوردن دارو عادت داده‌اند.

مصرف بیش از حد داروها، اصولاً در شرق، و مخصوصاً در کشور ما، و نایاب شدن بعضی اقلام داروئی درسالهای اخیر را باید معلول بیماری «دواخوری» دانست. درگذشته، اگر زنان مسن و قدیمی به بیماران، جوشانده‌های مختلف و داروهای گیاهی تجویز میکردند، که اگر این جوشانده‌ها مفید واقع نمیشدند، حداقل زیان زیادی هم نداشتند، ولی امروز تحصیل کرده‌ها، و مخصوصاً مادران باسواد، دهها داروی آنتی‌بیوتیک و مسکن را از بدو تولد طفل بدون مشورت پزشک به کودکان خود می‌خورانند.

زیانهای متعدد

این موضوع نه تنها در مورد کودکان، بلکه در افراد بزرگ نیز صادق است. کافیست شما چند ساعتی دریکی از داروخانه‌ها بنشینید و به بینید که مردم خودسرانه چقدر دارو میخرند. از انواع آنتی‌بیوتیک‌ها حتی پنی‌سیلین تزریقی تا اشکال مختلف داروهای مسکن اعصاب و از انواع ویتامین‌ها تا داروهای مسکن، همه و همه از طرف خریداران پیشنهاد می‌شود و متاسفانه متصدیان بعضی داروخانه‌ها نیز (با اینکه از طرف سازمان نظام پزشکی به آنها ابلاغ شده بدون نسخه پزشک دارو ندهند) داروها را در اختیار مردم میگذارند. باید توجه داشت زیان‌های حاصله از مصرف بیجای داروها. بحدی زیاد است که باید اذعان کرد یك سوم بیماریهای مردم کشور ما، مربوط به عوارض حاصله از مصرف بیحد داروها است. بعنوان مثال همین کلسیم که بیهوده به کودکان خورانده میشود، ممکن است باعث ایجاد سنگ کلیه و مجاری ادرار شود و یا مصرف بیهوده مسکن‌ها، سبب خونریزی معده و یا آنتی‌بیوتیکها باعث ضعف و کم خونی و کمبود ویتامین‌ها دربدن شوند. بهمین دلیل در کشورهای پیشرفته، دارو بدون تجویز و نسخه پزشك در اختیار مردم

بقیه در صفحه ۸۳

رپرتاژی از:

عکاسی... وکارگر

اختراع دوربین‌های مدرن موجب شده، هنر عکاسی یک

عکاسی را هنوز هم می‌توان یکی از جدیدترین حرفه‌ها بشمار آورد. هر چند هم اکنون حدود ۸۰ سال از ایجاد اولین عکاسی در ایران می‌گذرد، اما این پیشینه کوتاه، در مقایسه با تاریخچه حرفه‌های سنتی چندان زیاد نیست.

هم اکنون حدود ۸۰۰ مغازه و آتلیه عکاسی در تهران وجود داردو در این عکاسخانه‌ها ۵۰۰۰ نفر به کارهای گوناگون عکاسی اشتغال دارند.

دستمزد کارگران عکاسی بنا به پیشینه و همچنین نوع کاری که انجام می‌دهند، بسیار گوناگون است و به طور کلی بین ۳۰۰ الی ۱۲۰۰ ریال در نوسان می‌باشد. ساعت کار عکاسان بنا به دلخواه خود آنها تنظیم می‌شود، و باین ترتیب بسیاری از عکاس‌خانه‌ها از ساعت ۸ صبح تا ۹ بعداز ظهر باز است و بعد از این ساعت هم معمولا برنامه‌های مربوط به عکسبرداری از مجالس عمومی و عروسی‌ها و مهمانی‌ها شروع می‌کنند.

عکاسی بدون تردید یکی از متنوع‌ترین و در عین حال هنرمندانه‌ترین حرفه‌هاست. کسی که به این کار می‌پردازد باید بیش از هر چیز از ذوق و استعداد هنری برخودار باشد. یك عکاس از لحظه‌ای که فلاش دوربین را می‌زند، تا وقتیکه عکاس را به مشتری تحویل می‌دهد، مراحل گوناگونی را روی فیلم انجام می‌دهد.

در واقع پرداختن به این مراحل به عهده عکاس‌های با تجربه و کسانیست که سال‌ها در این حرفه کار کرده‌اند.

ترتیب ظهور عکس باین نحوه است که کارگر عکاس پس از بیرون آوردن فیلم از دوربین آن را به تاریکخانه برده، در ظرف پر از دوای ظهور قرار می‌دهند. در این مرحله است که تابش نور بر فیلم بزرگترین لطمه را بر آن وارد می‌کند باین جهت تاریکخانه همواره محل اصلی کار عکاسان می‌باشد.

دوای ظهور از مواد شیمیائی گوناگون

در آتلیه، عکاس برای گرفتن یك عکس دقایق زیادی را صرف میکند، و گاه ده،

می‌شود. البته کارگران عکاس برای ساعت‌های اضافی دستمزد جداگانه‌ای می‌گیرند. آن گروه از کارگران عکاس که عضو اتحادیه عکاسان هستند، از مزایای قانونی کارو خدمات درمانی هم استفاده

مانند ،متول،سولفید، و سود، کربنات دوسود،و لابرمورد و پتاس تشکیل شده است. در واقع خوبی یا بدی این مواد بیشترین تاثیر را بر چگونگی ظهور عکس و همچنین زمان ظهور دارد، باین ترتیب که هر

ان عکاس

سرگرمی و تفریح برای مردم شود

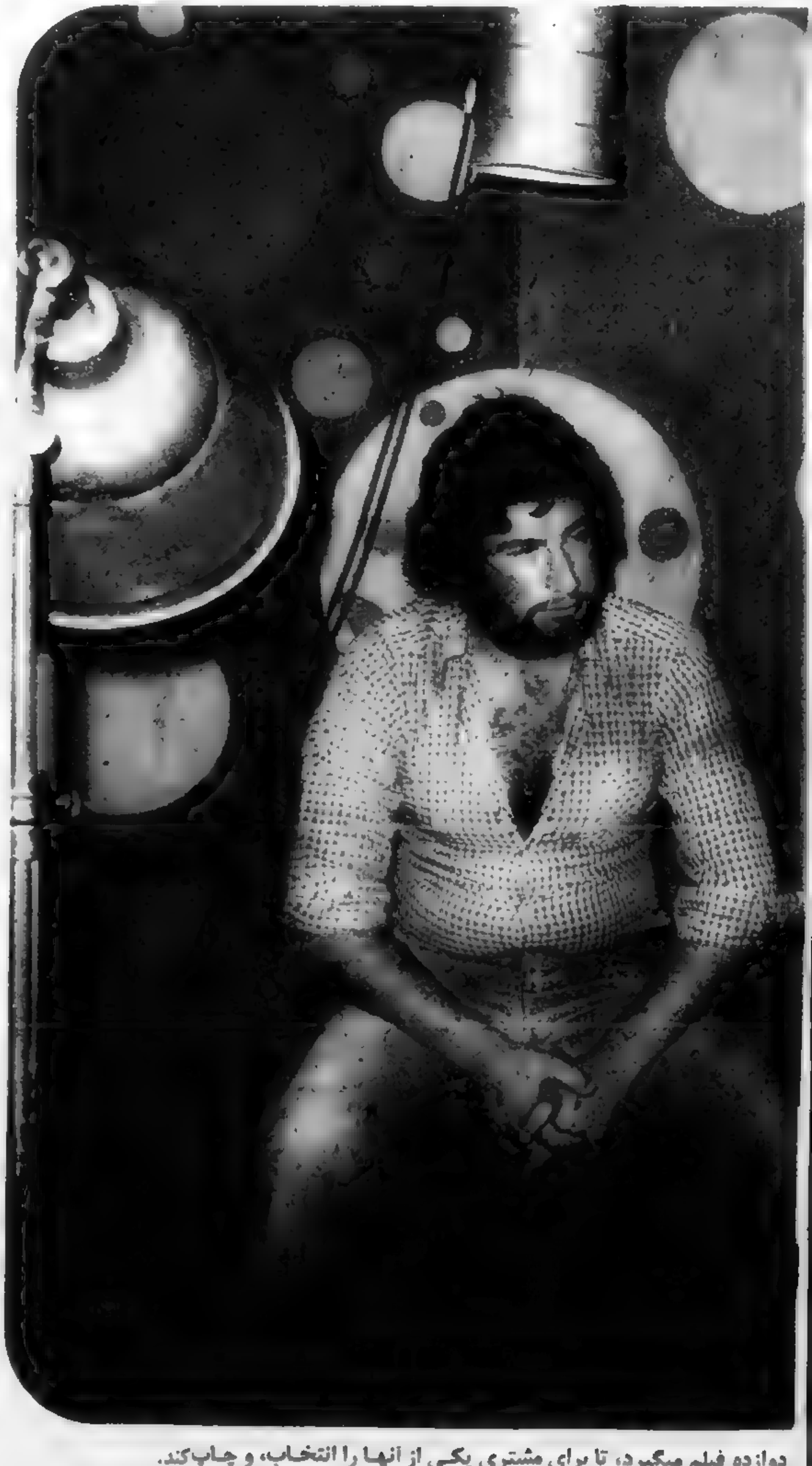

دوازده فیلم میگیرد، تا برای مشتری یکی از آنها را انتخاب، و چاپ کند.

یک عکاس آماتور، یک عکس را به ۲۰ هزار تومان فروخت

چه دوای این ظهور مرغوب‌تر باشد، عکس بهتر از کار در خواهد آمد و مدت کمتری هم صرف ظهور خواهد شد.

بعد از ظهور عکس مرحله ثبوت آن پیش می‌اید. محلول «هیپوسولفیت» ماده

اما ظهور فیلم رنگی به مراتب دشوارتر از کار بروی فیلم‌های سیاه و سفید می‌باشد. محمود رزاق کارگر عکاس در این باره می‌گوید: تنها عکاسان ماهر و پر سابقه توانائی ظهور فیلم‌های رنگی را دارند. برای

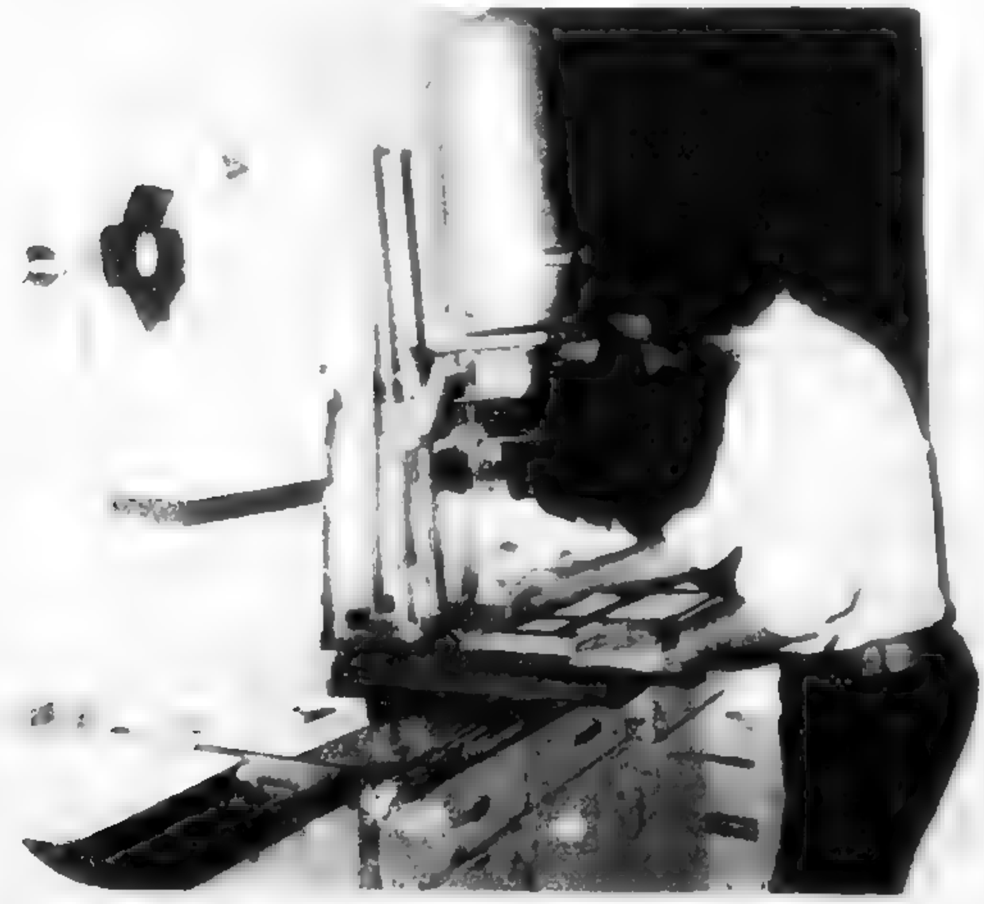

عکاسی سرگرم چاپ عکس بوسیله دستگاه آگراندیسمان است. با این دستگاه عکس را به هر اندازه که بخواهند چاپ میکنند.

عکس صاحب آتلیه سرگرم رتوش فیلم است.

شیمیائی مورد نیاز در این مرحله است.

بعد از ثبوت فیلم خشک می‌شود و برای چاپ بر روی کاغذ عکس و همچنین کوچک و بزرگ کردن آن به زیر دستگاه مخصوص آگراندیسمان برده می‌شود.

این کار شرایط بسیاری از جمله میزان حرارت تاریکخانه و میزان دقیق دوای ظهور مورد نظر است. از سوئی داروی ویژه ظهور فیلم رنگی کاملا با داروی ظهور فیلم سیاه و

لطفاً ورق بزنید

عکاسان دوره گرد، بعضی روزها تا ۲۵۰۰ ریال درآمد دارند...

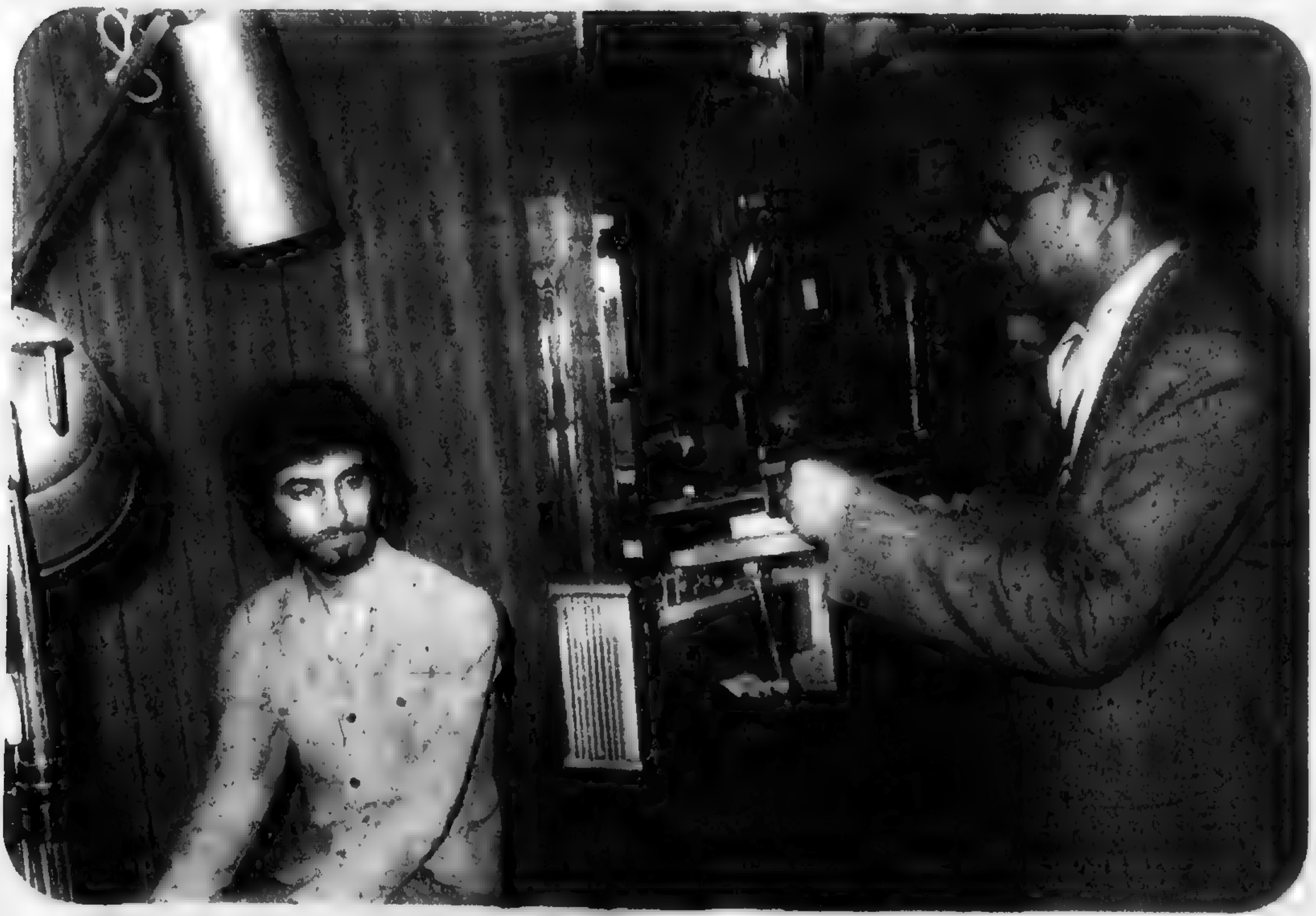

یك عکاس صاحب آتلیه در حال گرفتن یك عکس پرسنلی

سفید فرق دارد. این نوع دارو معمولا بصورت ساخته شده به ایران می‌رسد و عکاس فقط باید آن را در آب حل کند.» این کارگر در مورد تحول ساختمان دوربین و دیگر وسائل عکاسی در سال‌های اخیر می‌گوید: «فکر نمیکنم هیچ دستگاه و وسیله کاری به انداز عکاس با گذشت زمان تکامل یافته باشد، باندازه‌ای که با وارد شدن هر «پارتی» دوربین جدید تکامل بیشتری در ساختمان آنها مشاهده می‌گردد. این تکامل در واقع بیش از هر کس به سود عکاسان آماتور است، چرا که آن‌ها به علت نداشتن مهارت کافی نیاز به دوربین‌هائی دارند که تا حد زیادی خود کار باشد.»

تا چندی پیش بیشتر دوربین‌های عکاسی از آلمان و آمریکا به ایران وارد می‌شد در حالیکه با پیشرفت سریع تکنولوژی ژاپن، اکنون هر ماه تعداد زیادی دوربین، مقدار زیادی فیلم و دیگر وسائل عکاسی از این کشور به ایران می‌رسد و در کنار دوربین‌های آلمانی و آمریکائی به معرض فروش گذاشته می‌شود.

عکاسان دوره گرد که معمولا در مناطق زیبای شهرها و یا در کنار آثار باستانی و تاریخی مشغول فعالیت هستند از همان اولین سالهای ورود دوربین به ایران و ایجاد عکاسخانه، در تهران و دیگر شهرها وجود داشتند، اما طرز کار آنها با عکاسان دوره گرد امروزی به کلی تفاوت داشت.

عکاسان دوره گرد قدیمی از دور بین‌های بزرگ پایه دار استفاده می‌کردند و معمولا محل مخصوصی را در یکی از خیابان‌ها به عنوان مرکز کار خود انتخاب می‌کردند. باینجهت می‌توان آنها را عکاسان خیابان هم نامید.

مشتریان اینگونه عکاسان معمولا افرادی بودند که بعلت نیاز فوری به عکس‌های پرسنلی جلو دوربین می‌نشستند، و گرفتن عکس‌های تفریحی بصورت امروز کمتر مورد نظر آن‌ها بود.

موضوع جالب در مورد عکاسان دوره گرد قدیمی این بود که کمتر عکسی با زدن اولین فلاش درست از آب در می‌آمد. باین جهت در برخی مواقع عکاس مجبور می‌شد سه یا چهار بار گرفتن عکس را تکرار کند تا خوب از آب در بیاید.

رمضان احمد یك عکاس دوره گرد امروزی است. او در باره چگونگی کارش می‌گوید:

«راحتی و سبکی این کار در مرحله اول و در آمد خوب آن در مرحله بعد از علل اصلی روی آوردن من باین کار است. در حالیکه من هم تا چندی پیش کارگر عکاسخانه بودم. در حال حاضر من در روزهای تعطیل گاه تا ۲۵۰۰ ریال در آمد دارم ولی زمانی که در عکاسخانه کار میکردم هیچگاه بیش از ۵۰۰ ریال در روز دستمزد نمیگرفتم از طرف دیگر این کار اصلا نیازی به آگاهی از فنون عکاسی و چگونگی ظهور عکس ندارد.»

اختراع دوربین‌های سبك ویژه گرفتن عکس فوری مانند «پولاروید» باعث شد تا در کار عکاسان دوره گرد تحولی ایجاد شود و گذشته از آسان شدن کار آنها در آمدشان هم تا اندازه زیادی افزایش یابد.

هم‌اکنون حدود ۲۰۰۰ نفر عکاس دوره‌گرد با استفاده از چنین دوربین‌هائی در تهران و حومه فعالیت میکنند و گذشته از آن، عده زیادی از آنها در جاده‌ها و مراکز ییلاقی و تفریحی اطراف شهر هم دیده می‌شوند

دوربین‌های تکامل یافته این عکاسان باعث شده تا آن‌ها با زدن همان اولین فلاش عکس دلخواه خود را بگیرند و باین ترتیب تا اندازه زیادی از دشواری‌های گذشته کار آنها کاسته شده است.

درآمد این عکاسها به مراتب از درآمد کارگران عکاسخانه‌ها بیشتر است و معمولاً بین ۸۰۰ الی ۲۵۰۰ ریال در هر روز در نوسان می‌باشد.

پارك‌ها، میدان‌های سرسبز خیابان‌هائی که محل تفریح و گردش مردم است، باغ وحش و محل‌هائی مانند آن از مراکز اصلی فعالیت اینگونه عکاسان است. طرز کار عکاسان دوره‌گرد در هر کدام از این مراکز تابع مقررات ویژه‌ای میباشد. هر عکاس برای فعالیت در اینگونه مراکز پیش از هر چیز باید از مسئولین پارك پروانه کار بگیرد. البته اگر پارك نیازی به عکاس جدید داشته باشد این پروانه صادر می‌شود، وگرنه او مجبور است به پارك یا میدان دیگری مراجعه و درخواست کار کند. فصل کار در تابستان، زمان اوج و رونق کار عکاس‌های دوره‌گرد است. کمترین میزان درآمد این گونه

آیا عکاسان دوره گرد موجب کسر درآمد عکاسان صاحب آتلیه شده‌اند؟

عکاس‌ها در این دو فصل از ۱۲۰۰ ریال در روز کمتر نیست. چرا که پرداختن مردم به گردش و تفریح در این دو فصل و رفتن آن‌ها به پارکها کار عکاسان دوره‌گرد را رونقی تازه می‌دهد. عکاسان دوره‌گرد معمولاً یك حلقه فیلم ویژه عکس فوری را به قیمت ۴۵۰ ریال می‌خرند. هر حلقه معمولاً برای گرفتن هشت قطعه عکس مصرف میشود و عکس هم به قیمت ۱۲۰ ریال به مشتری فروخته می‌شود، بی‌آنکه هزینه‌ای برای چاپ و ظهور آن مصرف شود.

باین ترتیب تنها هر حلقه فیلم ویژه عکس فوری، حدود ۵۱۰ ریال برای عکاسان دوره‌گرد درآمد دارد، در حالیکه آن‌ها وقت چندانی صرف نمی‌کنند. البته با توجه به اینکه این عکاسان در روزهای تعطیل به طور متوسط سه الی چهار فیلم مصرف می‌کنند، میزان سود آن بخوبی معلوم می‌شود.

کارگران عکاس، و آن‌ها که سابقه‌ای در حرفه خود دارند، عکاسان دوره‌گرد را عامل مهمی در جهت رکود هنر عکاسی می‌دانند.

پرویز حسن‌پور، صاحب یك عکاسخانه در این‌مورد می‌گوید:

«تقریباً تمام عکاس‌های دوره‌گرد قبلاً کارهای ساده دیگری داشتند، و در واقع کمترین آگاهی از هنر عکاسی ندارند، بلکه تنها «زدن فلاش» را یاد گرفته‌اند، اما از نظر درآمد به مراتب بر عکاسان با سابقه برتری دارند. باین ترتیب هنر عکاسی خود بخود در معرض نابودی قرار گرفته است. نکته مهم دیگر اینکه تمام سرمایه عکاسهای دوره‌گرد فقط یك دوربین است، در حالیکه نه نیازی به فیلم، مواد شیمیائی و محل کار دارند و نه احتیاجی به یاد گرفتن فنون گوناگون عکاسی در خود احساس می‌کنند.»

گرانی وسائل کار

گرانی لوازم و مواد شیمیائی ویژه عکاسی، ازموارد مهمی است که باعث شده تا کار صاحبان آتلیه‌ها در چند سال اخیر دچار رکود شود،و عده زیادی از آن‌ها به جمع عکاسان دوره‌گرد به پیوندند، یا به شغل‌های دیگر روی آورند. تنها در عرض یك سال بهای هر حلقه فیلم رنگی از ۸۰ ریال به ۱۳۰ ریال و بهای یك حلقه فیلم سیاه و سفید از ۲۱ ریال به ۳۶ ریال افزایش یافته است. همچنین قیمت مواد شیمیائی مورد نیاز مانند «متول» از کیلوئی ۳۵۰ ریال به ۳۰۰۰ ریال و هیپوسولفیت از ۱۷ ریال به ۴۵ ریال ترقی کرده است.

گذشته از این عامل، دشواری‌های دیگری هم در کار عکاسان امروز وجود دارد که بتدریج رکود حرفه آن‌ها را بیشتر میکند.

پیشرفت سریع تکنیك عکاسی و اختراع دوربین‌های مدرن باعث شده تا هنر عکاسی به تدریج جنبه‌های حرفه‌ای خود را از دست بدهد و تا اندازه‌ای به صورت یك سرگرمی و یك کار آموزی درآید. هم‌اکنون دوربین‌های ارزان قیمت ویژه عکس فوریی وجود دارد و در واقع گروه عظیمی از مردم به صورت عکاسان آماتور درآمده‌اند. هرچند این گونه دوربین‌ها قادر به گرفتن هر نوع عکسی از جمله عکس‌های «پرسنلی» نیست، اما در گذشته، یعنی تا پیش از اختراع دوربین‌های ویژه عکس‌های فوری، بیشتر عکس‌های خانوادگی و همچنین عکس‌هائی که جنبه سرگرمی داشت، بوسیله عکاسان حرفه‌ای گرفته می‌شد. در حالیکه امروزه کار عکاس‌ها تنها به گرفتن عکس‌های «پرسنلی» محدود شده است. نکته دیگر اینکه در گذشته، عکاسان آماتور، بعد از گرفتن عکس، فیلم آن را برای ظهور و چاپ به آتلیه‌ها می‌دادند و این امر به نوبه خود درآمد مهمی برای صاحبان اتلیه‌ها محسوب می‌شد، اما امروز دوربین‌های ویژه عکس فوری، عکاسان آماتور را از مراجعه به آتلیه‌ها بی‌نیاز کرده است و باین ترتیب لطمه دیگری بر کار عکاسان حرفه‌ای وارد شده است.

این دشواری‌ها و همچنین کمبود محل‌های مناسب برای ایجاد آتلیه، باعث شده تا تنها در عرض دو سال حدود ۱۰۰ باب از عکاسخانه‌های تهران تعطیل شود.

محمود پناهنده، رئیس اتحادیه عکاسان در باره رکود کار در چند سال اخیر می‌گوید: «در طی دوسه سال گذشته، حدود ۱۰۰ باب از عکاسخانه‌های تهران به علت گرانی بیش از اندازه لوازم کار و در واقع به سبب با صرفه نبودن این حرفه، تعطیل شده است و فکر می‌کنم باز هم تعداد دیگری از عکاسخانه‌ها به این سرنوشت دچار شود.»

رئیس اتحادیه عکاسان می‌افزاید: «بسیاری از همکاران من بعد از سی سال که باین کار اشتغال داشته‌اند، مجبور به رها کردن آن و روی آوردن به کار پردرآمد دیگری شده‌اند. من عقیده دارم عکاسی بیش از هر چیز یك نوع هنر است. هم اکنون فن عکاسی در کشورهای خارجی، بنام «هنر هشتم» مشهور شده و این خود بهترین دلیل برتر بودن جنبه‌های هنری این حرفه است، با توجه به این امر بسیاری از عکاسها تنها بخاطر علاقه‌ای که به هنرشان دارند، تا کنون در این حرفه دوام آورده‌اند».

عکس گرفتن از اشیاء قیمتی

عکس از همان زمان اختراع دوربین، نقش مهمی در زندگی مردم داشته است. هر چندبه گفته بسیاری از عکاسان با سابقه، ایرانی‌ها هنوز به میزان ارزش عکس پی نبرده‌اند، اما در کشورهای خارجی عکس مصارف گوناگون دارد.

مصطفی کیانی که چند سال در کشورهای اروپائی دوره عکاسی دیده است، می‌گوید: «من فکر نمی‌کنم مدرکی بهتر و روشن‌تر از عکس وجود داشته باشد. اگر ایرانی‌ها واقعاً ارزش عکس را بخوبی می‌شناختند علاوه بر مصارف تفننی یا اداری، استفاده‌های دیگری هم از آن می‌کردند مثلاً اگر یك قالی یا مقداری اشیاء نقره و طلا می‌خرند، چه بهتر که عکس هم از این وسائل بگیرند، چرا که با در دست داشتن چنین عکسی، در مواقع لزوم، بهتر می‌توانند مالکیت خود را برآن ثابت کنند.»

این عکاس می‌افزاید: «فرش و اشیاء گران قیمت می‌توانند هر لحظه در خطر ربوده شدن قرار داشته باشند، و داشتن عکس از این وسائل و چیزهای شبیه آن، حتما لازم است حال اگر این عکس رنگی باشد، بار هم بهتر است.»

عکاسی در واقع حرفه‌ای همگانی است. گذشته از عکاسان حرفه‌ای و آماتور، در هر وزارتخانه، شرکت و مؤسسه خصوصی و همچنین در ارتش وجود عکاس همواره لازم بوده است. در واقع همان«مدرك بودن» عکس باعث شده که از زمان اختراع دوربین تا کنون، پرونده‌های سری و مدارك مهم بوسیله عکسبرداری«بیمه» شود. اما همانطور که این کار جنبه‌های مثبت و سازنده‌ای داشته، در بسیاری از مواقع هم ضربه‌های غیر قابل جبران بر پیکر اقتصاد و همچنین بنیه نظامی بسیاری از کشورها زده است، چرا که بسیاری از جاسوسان زبردست با عکسبرداری و گرفتن «میکروفیلم» از اسناد مهم، به بهترین وجهی کار خود را انجام داده‌اند.

از این‌ها گذشته عکس همواره بهترین مدرك برای پیشرفت کار بسیاری از تبهکاران بوده است، چرا که آن‌ها با در دست داشتن عکسی از محل یا شخص مورد نظر، کار خود را بهتر انجام داده‌اند.

ارتباط جهانی

جنبه‌های ارتباطی و خبری عکس را هم نباید از نظر دورداشت. هم اکنون دستگاههای«رادیو فتو» در عرض چند لحظه عکس مربوط به یك شخص یا یك حادثه را به سراسر جهان مخابره می‌کنند و مردم کشورهای گوناگون را در جریان واقعه قرار می‌دهند.

گوناگونی فیلم‌ها و دوربین‌ها قادر است عکس‌هائی در اندازه‌ها و ابعاد دلخواه تحویل دهد.

عکس‌های بزرگی است که می‌تواند دیوار یك اتاق بزرگ را بپوشاند و همچنین عکس‌های بسیار کوچکی هم وجود دارد.

مهمترین اندازه‌های استاندارد و بین‌المللی عکس‌ها عبارتست از عکس دو در سه، سه در چهار، شش در چهار، شش در شش و دوازده در هیجده، البته این میزان همچنان ادامه می‌یابد و ابعاد دیگری هم از چند سال پیش بمنظور تشکیل نمایشگاههای عکس در ایران رواج چشمگیر یافته، اما کسانی که به برپائی چنین نمایشگاههائی اقدام می‌کنند، تنها به عنوان نوعی هنر به این کار می‌پردازند، بدین جهت می‌توان آنها را عکاسان هنری نامید.

این گونه عکاسان در موقع گرفتن عکس زاویه‌هائی را در نظر می‌گیرند که بهیچوجه مورد توجه عکاس‌های حرفه‌ای و آماتور نیست، و شاید هم آنها اصولاً اطلاعی از چنین زاویه‌هائی نداشته باشند. تشکیل چنین نمایشگاههائی درواقع کمك زیادی به پیشرفت هنر و فن عکاسی می‌کند.

تفریح بزرگان

از این گذشته هم‌اکنون شخصیت‌های مشهوری وجود دارند که عکاسی مهمترین سرگرمی و تفریح آن‌ها در ساعت‌های بیکاری بشمار می‌رود.

عکسبرداری از طبیعت و مناظر زیبا معمولا هدف اصلی چنین عکاس‌هائی میباشد. هم‌اکنون عکاس‌هائی در ایران فعالیت می‌کنند که دارای مدرك ویژه هنر عکاسی از مؤسسه‌های اروپائی و آمریکائی هستند.

نکته مهم اینکه در سال‌های اخیر بدنبال افزایش تعداد عکاسان دوره‌گرد، این گروه به بسیاری از مجالس عروسی هم راه یافته‌اند و باین ترتیب لطمه دیگری برکار اتلیه‌داران وارد امده است.

تاریخچه عکاسی درایران

[illegible] ناصرالدین شاه برای اولین بار دوربین عکاسی بوسیله یك نفر اتریشی به ایران آورده شد. عکس‌هائی که از این دوره بیادگار مانده است، همگی بوسیله اولین دوربین‌هائی که به ایران وارد شد، گرفته شده است.

بعدها در اواخر سلطنت مظفرالدینشاه، عکاسی بصورت حرفه مستقلی درامد و اولین عکاسخانه در خیابان لاله‌زار تأسیس شد. بعد از مدتی بتدریج بر تعداد عکاسخانه‌ها افزوده گردید و بصورت شغلی پرسود درامد. با گسترش اداره‌ها و نیاز روزافزون مردم به عکس‌های «پرسنلی» وضع عکاسخانه‌ها باز هم بهتر شد تا صورت امروزی را بخود گرفت.

● در این رپرتاژ لازم است اشاره کنیم که عکاسان اماتور، که به انگیزه شوق شدیدشان به هنر عکاسی، بیشتر مواقع دوربین خود را همراه دارند، و با مشاهده صحنه‌های جالب و مناظر بدیع، به ثبت این صحنه‌ها و منظره‌ها بر روی فیلم می‌پردازند، بسیار پیش امده است که با فروش عکسهائی که بطور اتفاقی از یك صحنه حادثه گرفته‌اند، پول قابل‌توجهی دریافت کرده‌اند. مثلاً همین هشت سال پیش بود که یك عکاس آماتور، از صحنه خودکشی مردی که در آمریکا خود را از طبقه چهاردهم ساختمانی به پائین پرتاب کرد، عکسی گرفت، و این عکس را به مطبوعات به بهای گرانی فروخت.

● معمولاً در مسابقات گوناگون، علاقه‌مندان تماشای این مسابقات که علاقه‌یی هم به هنر عکاسی دارند، دوربین خود را همراه می‌برند تا چنانچه صحنهٔ جالبی پیش آمد، از آن صحنه عکس بگیرند. و گاه عکسهای جالب مطبوعات را، همین عکاسان اماتور تامین می‌کنند، که در یك لحظهٔ حساس، مثلاً سقوط یك سوارکار، یا واژگون شدن یك اتومبیل در مسابقه اتومبیلرانی، عکس گرفته‌اند. این عکسها گاه بقیمت بیست‌هزار تومان هم بفروش رفته است. همانطور که چند سال پیش، وقتی در یك مسابقه اتومبیلرانی در فرانسه حادثه‌یی پیش آمد که چندین نفر در آن جان سپردند، عکس تهیه شده بوسیله یك عکاس اماتور به بهای ۲۰ هزارتومان از طرف یکی از مجلات خریداری شد.

از: دکتر علی‌الله همدانی

مزد و حقوق

تعیین مزد چگونه صورت می گیرد؟

از نظر اقتصادی و اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هر گونه تغییری در آن، اعم از افزایش و یا کاهش آن میتواند تاثیر بسزائی در وضع اقتصاد کشور داشته باشد و بدین لحاظ انجام هر گونه تغییر در آن مستلزم بررسی‌های قبلی است و بویژه دولتها و سازمانهای کارگری و کارفرمائی، در بسیاری از کشورها، در محاسبه و بررسی مذکور دخالت مینمایند.

اولین دخالت دولت، در امر مزد، ازطریق قانون و حداقل مزد انجام می‌یابد بدین ترتیب که دولت‌ها در قوانین کار و یا سایر قوانین نظاماتی بدین منظور پیش بینی میکنند، چنانکه ماده ۲۲ قانون کار چنین مقرر میدارد: «حداقل مزد کارگر عادی با توجه به حوائج ضروری و هزینه زندگی در نقاط مختلف کشور باید طوری باشد که تأمین زندگی یك مرد و یك زن و دو فرزند را بنماید. حداقل مزد در نقاط مختلف کشور و یا برای صنایع مختلف هر دو سال یکبار توسط هیئتی مرکب از نمایندگان دولت و کارفرما و کارگر طبق آئین نامه خاصی پیشنهاد میشود و پس از تایید وزارت کار و تصویب شورای عالی کار بموقع اجرا گذارده خواهد شد. مادام که حداقل مزد جدید تعیین نشده، حداقل مزد سابق باعتبار خود باقی است.»

تعیین حداقل مزد از طرف مقامات دولتی و همکاری سازمانهای کارگری و کارفرمائی معلول علل بسیاری است که مهمترین آن:

اولا: حفظ و حمایت از زندگی کارگر و خانواده اوست، زیرا با توجه به قانون عرضه و تقاضای کار و این مساله در مواردی ممکن است بیکاری شدید سبب گردد کارگران به مزدی بسیار ناچیز رضایت داده و برای فرار از بیکاری بهر مزدی تن در دهد. لذا قانونگزار چنین مقرر داشته است که حداقل مزد در هر حال از مبلغ معینی که تعیین میگردد پائین‌تر نباشد و این مبلغ نیز با توجه به وضع اجتماعی- اقتصادی کشور باید بمیزانی باشد که رفع نیاز خانواده چهار نفری را بنماید.

ثانیاً اثر تعیین حداقل مزد بر روی دیگر مزدهاست، زیرا در همه کشورها میزان مزدی که بکارگران در سطوح مختلف داده میشود، تحت تاثیر حداقل مزد قرار گرفته و همزمان با افزایش حداقل مزد، مزدهای دیگر نیز افزایش می‌یابد.

دومین اقدام دولت در مورد مزدها، طبقه بندی مشاغل است بدین ترتیب که با اجرای طبقه بندی مشاغل دستمزدهای [illegible] دیگر مزدها تعیین میگردد [illegible] با توجه باینکه اولین گروه و پایه شغلی در هر واحد صنعتی حقوقش حداقل مزد تعیین شده [illegible] کارگری کمتر نخواهد بود، لذا مزدهای بالاتر از حداقل که با توجه به یك رشته ضوابط از جمله مهارت و تخصص [illegible] و تحصیلات، سابقه کار و شرایط و محیط کار و غیره به کارگران پرداخت خواهد [illegible] نیز تحت نظم در خواهد آمد و در مقاله‌های دیگر در مورد چگونگی و ضوابط حداقل مزد و نیز طبقه بندی مشاغل در مزد سخن خواهیم گفت و بدین لحاظ اکنون به چگونگی تعیین مزد میپردازیم.

با توجه به آنچه بیان گردید، برای اینکه میزان مزد پرداختی به کارگران مشخص و معین گردد باید به طریقی این مزد تعیین شود. یکی از طرق تعیین و تشخیص مزد، قرارداد کار است.

۱ـ تعیین مزد وسیله قرار داد کار

بطوریکه ضمن بحث در مورد قرارداد کار خاطر نشان ساختیم، یکی از مسائلی که در قرارداد کار معین میگردد مزد است.

معمولاً قرارداد کار بهنگام عقد بکار کارگر نزد کارفرما بین آنها منعقد میگردد. قرارداد کار ممکن است از کتبی و یا شفاهی و بهر تقدیر برای اینکه ضوابط مربوط بکار کارگر معین و مشخص گردد ضرورت ایجاب میکند که بین کارگر و کارفرما قرارداد کار منعقد گردد.

ماده ۳۰ قانون کار قرارداد را بدینشرح تعریف مینماید: «قرارداد کار عبارتست از قرارداد کتبی و یا شفاهی که بموجب آن کارگر متعهد میشود در قبال دریافت مزد، کاری را برای مدت معین یا مدت نا محدود برای کارفرما انجام دهد.»

بدین ترتیب ملاحظه میگردد یکی از مسائل مهمی که در قرارداد کار بین کارگر و کارفرما معین خواهد شد، مزد است.

نکته‌ای را که باید در این رهگذر مورد توجه قرار داد اینست که معمولاً مزد کارگر نیز تابع [illegible] کارگر در بازار کار فراوان باشد و کار کم باشد مسلماً کارگران برای اینکه کاری برای خود بدست آورند با هر مزدی که کارفرما پیشنهاد کند تن در خواهند داد و بکار مشغول خواهند شد و هرگاه تعداد کارگران در بازار کار کمتر از میزان کار باشد، [illegible]

درفصل زمستان که کارهای ساختمانی کاهش می‌یابد و کارهای تزئینی داخل ساختمانها گسترش میپذیرد، دستمزد این قبیل کارگران روبه افزایش مینهد.

ولی از آنجاکه مسائل مربوط به حقوق کار از جمله مسائل حمایتی-اجتماعی است و کاهش و افزایش مزد ممکن است در اقتصاد کشور و بویژه در اقتصاد خانواده کارگر تاثیر منفی بجای گذارد، لذا دولتها هنگامی که تعداد نیروی انسانی دربازار کار افزایش یابد بنحوی که بیم کاهش بیش از حد مزد کارگر برود، دربازار کار دخالت خواهد کرد. دخالت دولت دراین زمینه، به چه نحو امکان پذیر خواهد بود:

۱ـتعیین میزان حداقل مزد، بنحوی که کارفرما از میزان معینی کمتر بکارگر مزد ندهد و بدون تردید حداقل مذکور مبتنی بر ضوابطی است که ما بهنگام خود درهمین سلسله مقالات بیان خواهیم داشت.

۲ـایجاد کار بمنظور جذب و جلب نیروی انسانی و جلوگیری از بیکاری و در نتیجه کاهش مزد کارگران در مورد ایجاد کار، دولتها امکانات فراوانی دراختیار دارند که در بخش صنعتی و یا دربخش خدمات، کار ایجاد کنند. ولی نکته‌ای را که دراین زمینه قابل ملاحظه است بیشتر ایجاد کار در بخش خدمات میباشد، معمولا از طریق توسعه و گسترش کارهای ساختمانی و راه‌سازی دولتها سعی میکنند از میزان بیکاری بکاهند.

بدین سان ملاحظه میگردد که کارگر و کارفرما در زمینه مزد، در قرارداد کار تا آنحد که تصور میشود آزادی اراده ندارند.

این‌جا، بحث دیگری مطرح میگردد و آن اینست که مگر قرارداد کار نیز مانند دیگر قراردادها با ایجاب و قبول دوطرف منعقد کننده قرارداد کار و با رضایت آنها انجام نمی‌یابد و مگر نه اینست که هرگاه دوطرف راضی باشند میتوانند قرارداد را بهرطریقی که خود خواهند منعقد سازند؟ جواب دراینجا منفی است، زیرا اولا قراردادی که بین دوطرف منعقد میگردد، باید منطبق با قانون باشد و این امر در ماده ۱۰ قانون مدنی پیش‌بینی گردیده و در ماده ۳۱ قانون کار نیز تصریح شده است که قراردادها هنگامی صحیح و منطقی و درست شناخته میشوند که منطبق باقانون باشند و از سوی دیگر مزایائی که در آنها پیش‌بینی گردیده است کمتر از قانون نباشد، در چنین صورتی این قراردادها متبع خواهند بود و معتبر و میتوان آن را بمرحله اجرا نهاد. از سوی دیگر همانطور که دراین سلسله مقالات خاطرنشان شده است، حقوق کار تاسیسی است جدید و از آنجا که کارگر و کارفرما بهنگام انعقاد قرارداد کار در وضعی برابر و مشابه نیستند، بلکه کار متعلق به یك طرف است و طرف دیگر کارگری است که نیاز بکار دارد و اگر کاری نیابد بدون تردید گرسنه خواهد ماند، لذا برای اینکه این عدم تعادل در انعقاد قرارداد کار ازمیان برود، دولتها دخالت مینمایند و این دخالت از طریق قانون کار و تعیین ضوابطی دراین زمینه، انجام میپذیرد.

بدین‌سان هنگامی که قرارداد کار منعقد میگردد و درآن مسائل متعدد از جمله مزد کارگر پیش‌بینی میشود، قانون کار برآن نظارت خواهد داشت و مجریان قانون نیز برآن نظارت خواهند داشت که در این قرارداد چیزی کمتر از آنچه در قانون پیش‌بینی گردیده، گنجانده نشود.

۲ـتعیین مزد بوسیله پیمانهای دسته‌جمعی

معمولا قرارداد کار، بطور انفرادی منعقد میگردد، بدین معنی هنگامی که کارگر نزد کارفرمائی مشغول بکار میشود، قراردادی دوجانبه- اعم از کتبی یا شفاهی- بین آنها منعقد میشود که درآن میزان مزد کارگر، نوع کار و مدت کار و محل کار و غیره تعیین میشود، ولی از آنجا که این امکان وجود دارد که بهنگام بستن قرارداد انفرادی کار، تمامی مسائل مربوط بکار در قرارداد پیش‌بینی نشود و یا اینکه این امکان وجود دارد که حقی از یکی از دوطرف ضایع گردد و بویژه باتوجه به پیشرفتی که در زمینه‌های اقتصادی- اجتماعی کشورها رخ داده است، بتدریج انعقاد قراردادهای انفرادی با پیمان‌های دسته‌جمعی تکمیل میشود و در برخی موارد، پیمان‌های دسته‌جمعی جای پیمان‌های انفرادی را میگیرد، زیرا در پیمان دسته‌جمعی طرفین امضاءکننده، سندیکای کارگران و یا کلیه کارگران از یك طرف و سندیکای کارفرمایان و یا کارفرما، ازطرف دیگر هستند و چون امکان زیادی وجود دارد که کارشناسان و وکلای حقوقی دوطرف نیز دراین زمینه دخالت نمایند، از این لحاظ است که مسائل پیش‌بینی شده در پیمان دسته‌جمعی از استحکام بیشتری برخوردار است زیرا بابحث و گفتگوی بیشتری تنظیم شده و بامضاء رسیده است. باید این نکته را مورد توجه قرار داد که در تنظیم امضای پیمان دسته‌جمعی چون نفع تمامی کارگران یك کارخانه مورد توجه است، بدین لحاظ بادقت و توجه بیشتری تنظیم میگردد.

ماده ۳۵ قانون کار چنین مقرر میدارد: «پیمان دستجمعی کار عبارت است از پیمان کتبی که بمنظور تعیین شرائط کار بین یك یا چند سندیکا یا اتحادیه یا کنفدراسیون کارگری از یکطرف و یك یا چند کارفرما یا سندیکا یا اتحادیه یا کنفدراسیون کارفرمایی از طرف دیگر منعقد میشود. در پیمان دستجمعی نمیتوان مزایائی کمتر از آنچه دراین قانون مقرر است، منظور نمود.»

بطوریکه ملاحظه میگردد پیمان دستجمعی «بمنظور تعیین شرائط کار» تنظیم میگردد و یکی از مسائل مربوط به شرائط کار، مزد میباشد که در قرارداد یا پیمان دستجمعی مورد توجه قرار میگیرد

کمک عائله مندی

> مادر اداره مملکت و حکومت بر مردم روشی را پیش گرفته‌ایم که همیشه منافع اکثریت مردم که بالطبع کارمندان و کارگران و کشاورزان هستند در درجه اول اهمیت و توجه قرار گیرد.
>
> «از سخنان شاهنشاه آریامهر در پنجاه و هفتمین اجلاسیه کنفرانس بین‌المللی کار»

به منظور آگاهی کارگران شریف کشور و سایر بیمه‌شدگان از مزایای «قانون تامین اجتماعی» رستاخیز کارگران، هر شماره ضمن گفت و گو با آقای حیدرقلی عمرانی معاون امور بهزیستی و گروههای ویژه وزارت بهداری و بهزیستی، و یکی از صاحبنظران تامین اجتماعی مواد قانون مزبور را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و فلسفه وجودی هر یك از مواد را ضمن مقایسه با وضع گذشته و موارد مشابه در قانون بیمه‌های اجتماعی بازگو می‌کند. لازم به تذکر است که خوانندگان عزیز می‌توانند نظریات و حتی انتقادات خود را طی نامه برای دفتر مجله ارسال دارند تا با آقای دکتر عمرانی مطرح شود، و پاسخ خود را در همین صفحه ملاحظه کنند.

از: دکتر حیدرقلی عمرانی،
معاون امور بهزیستی
وزارت بهداری و بهزیستی

کمک‌های تعاونی چیست و جنبه‌های مثبت و منفی آن کدام است؟...

موارد بیمه‌های اجتماعی موضوع قانون تامین اجتماعی در ماده ۳ این قانون تصریح شده است که بترتیب عبارتست از حوادث و بیماریها - بارداری - غرامت دستمزد - از کار افتادگی - بازنشستگی و مرگ. در واقع نقطه نظرهای اصلی نظام تامین اجتماعی در حال حاضر شش مورد مذکور میباشد که بترتیب در مباحث گذشته بتوضیح انها پرداخته است لکن موارد دیگری از انواع کمکها نیز از زمان قانونی شدن بیمه‌های اجتماعی در ایران در کنار شش مورد یاد شده وجود داشته است که در مسیر تحولات قانونی بیمه‌های اجتماعی و تکامل آن همچنان در زمره کمکهای قانونی موضوع بیمه‌های اجتماعی بنفع بیمه‌شدگان باقی مانده است. از جمله این کمکها که در عرف بیمه‌های اجتماعی بعنوان کمکهای تعاونی قلمداد شده است «کمك عائلمندی» و «کمك ازدواج» میباشد که مجوز پرداخت این هر دو کمك بصورت تبصره ماده ۳ قانون تامین اجتماعی انشاء شده است. شاید لازم بتوضیح نباشد که خودداری قانونگزار از ذکر این دو کمك در ردیف موارد بیمه‌های اجتماعی مانند بیمه‌بیماری و مستمریها، ناشی از اینست که علی‌الاصول اینگونه کمکها را از مصادیق انواع بیمه‌های اجتماعی نمیدانند، هر چند در مقاوله نامه شماره ۱۰۲ بین‌المللی کار که حداقلهای مربوط بموارد تامین اجتماعی را معین نموده «کمك عائلمندی» را نیز در زمره حمایتهای موضوع تامین اجتماعی قلمداد کرده است معهدا انگیزه اینگونه پرداختها را در وهله اول باید در عواملی غیر از فلسفه وجودی و نقطه‌نظرهای اصلی نظام تامین اجتماعی دانست. کما اینکه در جوامعی که رشد جمعیت از نظر کمیت (نرخ افزایش جمعیت) در حد مطلوب نباشد و توزیع سنی جمعیت بشکلی در آید که در گروههای سنی نسبت پیران بحد غیر متعارف افزایش یابد و به بیان علمای جمعیت‌شناسی جمعیت به پیری گرایش داشته باشد و نسبت جمعیت فعال جامعه کاستی گیرد بانحاء گوناگون و با توسل بانواع روشها سعی میکنند که انگیزه‌های مشوق برای ازدواج و تولید مثل و تکثیر اولاد جامعه بوجود آورند و از جمله اینگونه تشویق‌ها عبارتست از دادن جوائزی بافراد پر اولاد و یا اعطاء کمکهای نقدی و غیر نقدی به خانواده‌های صاحب اولاد و نیز فراهم کردن موجبات تشویق افراد بازدواج و بچه‌دار شدن.

یکی از کشورهائی که همیشه در این زمینه اقدام کرده است کشور فرانسه میباشد که در مقایسه با سایر کشورها مردمی بالنسبه کمزاد و ولد داشته است و نیز در اکثر کشورهای کمونیست از جمله اتحاد جماهیر شوروی تا کنون بنا بانگیزه‌های خاصی در مورد افزایش جمعیت خود نه تنها مانعی ایجاد نمیکنند بلکه موجبات تشویق انرا نیز فراهم ساخته‌اند در حالیکه بسیاری از کشورهای پر جمعیت عالم با در نظر گرفتن امکانات اقتصادی خود از ازدیاد نامتناسب جمعیت رنج میبرند و با توسل بوسائل گوناگون در صدد تقلیل نرخ رشد جمعیت و جلوگیری از افزایش شدید آن میباشد. در بعضی از کشورهای پیشرفته صنعتی نرخ رشد سالیانه جمعیت رقمی اطراف یك درصد میباشد در حالیکه در اکثر کشورهای از نظر اقتصادی فقیر و از لحاظ صنعت و تکنولوژی امروزی کمتر پیشرفته، نرخ رشد سالیانه جمعیت از سه درصد تجاوز میکند و در واقع در اینگونه کشورها افزایش تعداد مصرف‌کنندگان مواد غذائی و مسکن و پوشاك و نیازمند به تعلیم و تربیت و کسب و کار به مراتب بیشتر از افزایش امکاناتی است که در دسترس آنها میباشد و در نتیجه چون بین امکانات اقتصادی و اجتماعی و نیازمندیهای مردم در این قبیل جوامع بهیچوجه تناسب و هم‌آهنگی و همانندی وجود ندارد، روز بروز فقر مادی و عوارض و آثار معنوی ناشی از عقب ماندگی اقتصادی اینگونه ملتها افزون‌تر و خطرناکتر میشود. لازم به توضیح نیست که در شرائط کنونی این حالت بصورت فاجعه‌ای بزرگ برای بشریت به حساب می‌آید.

در کشور ما با وجود اینکه نرخ افزایش جمعیت بیشتر از حدّ مطلوب است و باید کنترل شود و حتی‌المقدور تقلیل یابد معذالك خوشبختانه هنوز مساله بغرنجی قلمداد نشده است ولی قطعاً مخاطراتی را که در آینده در بر خواهد داشت نمی‌توان نادیده گرفت و لزوماً بایستی در کلیه برنامه‌های اجتماعی از ایجاد انگیزه‌های مشوق تکثیر اولاد دو افزایش نامتناسب جمعیت اجتناب و پرهیز شود و اگر در گذشته بدون توجه به این قبیل نکات حساس و احتمالا تحت تاثیر بعض ملاحظات اجتماعی موضوع کثرت اولاد را در جامعه ما بر سبیل کمك به هزینه خانواده‌های پراولاد بعنوان یك مساله اجتماعی قلمداد نکرده‌اند و به موجب قوانین و آئین‌نامه‌های استخدامی مزایائی برای خانواده‌ها در نظر گرفته‌اند بیشتر نقطه نظر انها نوعی سیاست تعدیل ثروت و توزیع عادلانه درآمدها و بالا بردن سطح زندگی خانواده‌های کم درآمد بوده است. وجود مقررات مربوط به کمك عائلمندی و کمك ازدواج در قوانین بیمه‌های اجتماعی سابق و قانون تامین اجتماعی موجود را نیز میتوان ناشی از همین ملاحظات دانست.

از دید صاحب نظران تامین اجتماعی خطمشی و سیاستهای تامین اجتماعی باید بر اساس تنظیم گردد که در هر شرایطی به افراد اجتماع امکان دهد که خود و خانواده آنها از سطح زندگی مطابق با شان و منزلت انسانی برخوردار باشند. کما اینکه در اعلامیه حقوق بشر (مواد ۲۳ و ۲۴ و ۲۵) نیز بر این حق مسلم افراد بشر تاکید خاص شده است و در کلیه جوامع متمدن امروزی چنین حقی از ضمانت اجرائی قانون برخوردار است.

در قوانین سابق استخدامی کشور و مقررات استخدامی برخی از مؤسسات نیمه دولتی یا وابسته به دولت و بعضی از مؤسسات غیر دولتی علاوه بر حقوق و مزایای شغلی و فوق‌العاده اضافه‌کار کمکهائی نیز بصورت نقدی یا غیرنقدی بعنوان کمك اولاد یاکمك همسر پیش‌بینی شده و پرداخت میشد و بعضاً هنوز هم پرداخت میشود که این قبیل کمکها را میتوان نوعی «کمك عائلمندی» بمفهوم قانون تامین اجتماعی بشمار اورد. البته اخیراً بنا به سیاستهای مربوط به ضرورت کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در مورد برقراری اینگونه مزایا در کنار حقوق و مزایای شغلی کمتر اصرار میشود و چه بسا ضرورتاً نسبت به حذف آنها اقدام می‌کنند و در عوض تحت عناوین دیگری به مستخدمین و طبقه حقوق‌بگیر در برخورد با آثار افزایش هزینه زندگی کمك میشود. در قانون سابق بیمه‌های اجتماعی ایران کمك عائلمندی به بیمه شدگانی که بیش از یك فرزند تحت تکفل داشتند برای هر فرزند مبلغی ماهیانه نقداً پرداخت میشد. در ابتدا پرداخت آن به عهده سازمان بیمه‌های اجتماعی بود ولی در تغییرات بعدی که در قانون بیمه‌های اجتماعی صورت گرفت پرداخت کمك عائلمندی بترتیب مذکور کاملا بعهده کارفرما محول گردید (ماده ۷۳ قانون بیمه‌های اجتماعی سابق) و دلیل احاله این تعهد بعهده کافرما عبارت بود از اینکه چون بنابر محاسبات فنی، تعهدات قانونی سازمان بیمه‌های اجتماعی در قبال کارگران بیمه شده با حق بیمه دریافتی تناسب نداشت و افزایش حق بیمه نیز از نظر اقتصادی در آن زمان میسر نبود ناگزیر با توافق نمایندگان کارفرمایان کشور بجای افزایش حق بیمه پرداخت این قسمت از تعهدات سازمان بیمه‌های اجتماعی بعهده کارفرما محول گردید.

در قانون تامین اجتماعی مورد بحث ما نیز کماکان این تعهد بعهده کارفرما باقی مانده است منتهی بنابر ملاحظات مربوط به سیاست جمعیت و ضرورت کنترل موالید و جلوگیری از افزایش نا متناسب جمعیت پرداخت کمك عائلمندی به بیمه شدگان محدود به دو فرزند شده است ولی در عین حال بنفع کارگران بیمه شده مبلغ کمك عائلمندی به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است به اینصورت که به موجب ماده ۸۶ قانون تامین اجتماعی چنانچه بیمه شده حداقل سابقه پرداخت حق بیمه هفتصد و بیست روز کار را داشته باشد به دو فرزند او مشروط براینکه سن فرزندان از هیجده سال کمتر باشد و یا منحصراً به تحصیل اشتغال داشته باشند تا پایان تحصیل یا در اثر بیماری یا نقص عضو قادر بکار نباشند ماهیانه برای هر فرزند معادل سه برابر حداقل مزد روزانه کارگر ساده در مناطق مختلف کشور پرداخت میشود.

توضیح اینکه در موارد بیماری یا نقص عضو گواهی کمیسیونهای پزشکی پیش‌بینی شده در قانون تامین اجتماعی (ماده ۹۱) لازم است دال براینکه فرزند بیمه شده که سن او هیجده سال یا بیشتر است و تحصیل نمی‌کند بعلت بیماری یا نقص عضو قادر بکار نمی‌باشد و در نتیجه تحت تکفل شخص بیمه شده قلمداد می‌گردد. در اینصورت چنین فرزندی تا زمانیکه بر این وضع باقی باشد طبق قانون استحقاق دریافت کمك عائلمندی را بترتیب مذکور دارد. در اینجا با توجه به اینکه مواد ۸۶ و ۸۷ قانون تامین اجتماعی (موضوع کمك عائلمندی) صراحت کافی ندارد ممکنست این سئوال مطرح شود که ایا منظور قانونگزار فرزندانی است که بعلت بیماریهای لاعلاج یا نقص‌عضو ترمیم ناپذیر قادر بکار نیستند و در واقع افراد معلول غیر قابل علاج هستند که اضطراراً بعد از رسیدن به سن هیجده سال همچنان به این علت تحت حمایت و تکفل بیمه شده (پدر یا مادر) باقی مانده‌اند و یا اینکه مورد نظر قانونگزار بطور کلی این است که هر فردی در هر مرحله‌ای از عمر خود که بعلت بیماری یا نقص‌عضو طبق تشخیص کمیسیونهای پزشکی قادر بکار نیست و احیاناً پدر یا مادر بیمه شده‌ای دارد میتواند مستمسك و مجوزی باشد براینکه پدر یا مادر بیمه شده او در مقام مطالبه کمك عائلمندی برایند؟ بدون تردید بسیار بعید بنظر میرسد که جواب چنین سئوالی مثبت باشد و استنباط بر اینست که نقطه نظر قانونگزار مواردی است که فرزند بیمه شده بلافاصله با رسیدن بسن هیجده سال تمام به تحصیل اشتغال نداشته باشد و بتصدیق کمیسیون پزشکی مربوط بعلت بیماری یا نقص عضو قادر بکار نباشد که البته در این حالت مادام که این وضع جسمی یا روحی ادامه یابد و در واقع موجب یا موجبات ناتوانی و عدم قدرت کار فرزند بیمه شده از بین نرفته باشد به اعتبار بیمه بودن پدر یا مادر (یا هردو) کمك عائلمندی بابت چنین فرزندانی قابل پرداخت خواهد بود.

تزریق دوغاب
در طرحهای بزرگ ساختمانی چگونه است؟

ایزوله کردن و غیر قابل نفوذ ساختن مخازن و منابع آب، نفت و هر سیال دیگر را می‌توان یکی از دشوارترین عملیاتی ساختمان سازی و بنایی بشمار آورد.

امروزه استفاده از مصالح ساختمانی مدرن، و وسایل گوناگون سیمان‌سازی و تهیه بتون فعالیتهای سدسازی، پل سازی، مخزن و منبع‌سازی پیشرفت و جهش چشمگیری کرده است.

اطلاع از چگونگی کار طرح‌های بزرگ ساختمانی در این زمینه، می‌تواند کارگران، تکنیسینها و سایر دست اندرکاران امور ساختمانی را راهنما و کارساز باشد. به همین سبب در این شماره ویژگی‌های یکی از بزرگترین سدهای جهان- سدآسوان که در مصر احداث شده است- را بچاپ می‌رسانیم تا تجارب حاصل بتواند مورد استفاده شما قرار گیرد.

سد بزرگ آسوان در مصر با ۵۷ میلیون یارد مکعب مصالح خاکی که با دقت خاصی انتخاب و گردآوری شده‌اند، بطول دو میل در عرض دره نیل، روی یك بستر قابل نفوذ ساخته شده است. در زیر سد و در طول یك چهارم میل از بستر رودخانه، یك طبقه شن و ماسه وجود دارد که عمق آن حدود دو برابر ارتفاع سد است. برای طراحان و سازندگان این سد بزرگ کار جلوگیری از نفوذ آب در زیر سد، به تنهائی باندازه ساختن خاکریز سد اهمیت داشت.

انتخاب سه روش مهم

سازندگان سد بزرگ آسوان (سدی بارتفاع ۳٦۵ پا) تصمیم گرفتند سه روش اصلی و قابل قبول زیر را بمنظور پیش‌گیری از نفوذ آب در نظر بگیرند:

۱ - الحاق یك لایه افقی خاك رس متراکم و غیر قابل نفوذ، بمنظور جلوگیری از نفوذ قسمتی از آب.

۲ - حفر دو ردیف چاه زهکش در قسمت پایاب سد که از فشار و سرعت نفوذ آب بمیزان قابل ملاحظه‌ای کاسته و بدون هیچ زیانی آن را تخلیه کند.

۳ - طراحان بعنوان حفاظت اساسی بایجاد بزرگترین حجاب تزریق با اندازه‌های کاملاً بی‌سابقه یعنی ۲/۵ برابر بزرگتر و ۱/۵ برابر عمیق‌تر از آنچه که تا بحال بوجود آمده بود مبادرت ورزیدند، زیرا موفقیت و استحکام سد بزرگ ۵۰۰ میلیون دلاری آسوان بستگی مستقیم به این حجاب تزریق دارد

سوراخ‌های ابتدائی که طبق پروژه حفر شده نشان داد که برای غیر قابل نفوذ کردن بستر نیل، وجود یك حجاب تزریق بسیار وسیع و عمیق ضروری است.

سدهای مشابه

نزدیك‌ترین اندازه به حجاب تزریق سد آسوان حجاب سد «ماتمارك» در سوئیس است که ۲۱۵۰۰۰ [illegible] مساحت [illegible] ٤۹۲ پا عمق دارد. یکی دیگر از حجابهای تزریق که در زمین‌های رسوبی تعبیه شده، سد «سرپونس» فرانسه است که مساحتی برابر ٤۳۰۰۰ پای مربع و عمقی معادل ۳۳۰ پا دارد. در سال ۱۰٦۰ ایجاد یك حجاب تزریق بمساحت ٦۷۰۰۰ پای مربع در سد میشن کانادا و حجاب دیگری بمساحت ۱٤۰۰۰۰ پای مربع در سد «ارتوتوکوی» انجام شد.

سد بزرگ آسوان در عمق ۱۰۰ پائی دریاچه سد کنونی آسوان و بفاصله ٤ میلی آن ساخته شده است. قسمت اعظم این سد از ماسه بادی (رمل) که از بیابان به محل سد حمل شده و توسط لرزاننده‌های شناور در زیر آب متراکم شده‌اند، ساخته شده است. پوشش تزریق از داخل بدنه سد واز روی یك قشر ماسه زیر بمنظور نگهداری خاك رس میانی سد آغاز میشود. مقطع عرضی حاصله از نمونه‌برداری سوراخ‌های حفر شده دره نیل شان میدهد. که عمیق‌ترین قسمت آن از ٦۵ پا ماسه نرم ٦۵ پا ماسه متوسط ۱۰۰ پا شن و ماسه ۱٦۰ پا ماسه زبر ۳۳۰ پا لای و نرم دانه‌های ماسه سنگ ترکیب شده است.

کارشناسان خاك سازمان سد بزرگ آسوان پس از انجام آزمایش‌های نفوذپذیری مصالح بستر رودخانه، طرح حجاب تزریق را در آزمایشگاه تهیه کردند. این کار به طریق

مقایسه با مدل‌های برقی و در محل کار بوسیله مقاطع کامل حجاب از طریق سوراخ‌های تزریق که بوسیله ماشین‌الات ساور حفر شده بود، انجام گرفت.

ضریب متوسط نفوذپذیری برای ماسه زبر ۰/۰۲۵ سانتی‌متر در ثانیه است که تزریق دوغاب، آن را به ۰/۰۰۰۲۳ سانتی‌متر در ثانیه کاهش داد و ضریب متوسط برای ماسه نرم ۰/۰۰۶۱ سانتی‌متر در ثانیه بود که بر اثر این تزریق به ۰/۰۰۰۳۶ کاهش یافت.

نظر بنرمی مواد بستر رودخانه، برای تزریق ماسه زبر، محلول خاك رس محلی آسوان و سیمان و برای ماسه نرم، محلول ژلاتینی سیلیکات و آلومینات بکار رفته است. در مواردی که ماسه خیلی نرم وجود داشت بنتونیت (مواد نرم و متخلخل) تزریق کردند. درون خاك رس میانی سد مرتفع آسوان، بموازات محور طولی آن سه دهلیز (راهرو) تزریق و بازدید ساخته شده است که در عین حال دستگاه‌های اندازه‌گیری فشارهای وارد بر سد را نیز در داخل آنها نصب کرده‌اند

گروه‌های سد اسوان برای حفر سوراخ‌هائی بقطر ۵ اینچ، وسایل چرخان ضربه‌ای را مورد استفاده قرار دادند و برای اینکه بتوانند تمام طول سوراخ‌ها را بدون استفاده از نصب جداره، سوراخ کنند آنها را با دوغاب بنتونیت پر می‌کردند. عمل تزریق در سد آسوان از پائین به بالا و مطابق روش پیشنهادی شرکت فرانسوی «سولتانش» انجام پذیرفت. روش قدیمی و متعارف عبارت است از حفر سوراخ تا عمق معینی و تزریق آن، سپس حفر مجدد و باز هم تزریق تا شکه به عمق لازم برسد.

متوسط فشار تزریق در حدود ٤٤٠ پوند بر اینچ مربع و بالاترین آن ۸۸۰ پوند بر اینچ مربع معادل ظرفیت تلمبه است. فشارهای وارد شده به سبب فضای خالی زمین، نوع دوغاب مصرفی و مقدار دوغاب لازم متفاوت است.

عملیات تزریق ابتدا روی ٦ ردیف سوراخ‌های خارجی عمل شد و سپس در چهار ردیف از ارتفاع ۵۰۰ و در دو ردیف از داخل دهلیزهای ارتفاع ٤۱۷ و بدنبال آن در ردیف سوراخ‌های داخلی طرفین محور حجاب انجام شد. در ابتدا تزریق سوراخ‌های ردیف‌ها یك در میان انجام شد و عمل تزریق بقیه سوراخ‌ها در مرحله بعدی صورت گرفت. عملیات تکمیل بدنه اصلی روی سوراخ‌های ردیف واقع بر محور، تا عمق ۱٦ پا در داخل بستر سنگی و ٦۷۵ پا زیر بستر رودخانه نیل انجام شد، بطوریکه بزرگترین عمق حجاب زیر قشر خاك رس بالغ بر ۷٦۵ پا است

برای اطمینان از نفوذ ناپذیری حجاب تزریق، سازندگان سد آسوان تزریق دیگری را بین ارتفاع ۱۹۷ و ۲۷۸ در قشر ماسه نرم انجام دادند. گروه تزریق ۸ ردیف سوراخ اضافی بین ردیف‌های آماده حفر کردند و دوغاب سیلیکات خالص را بداخل قشر ماسه نرم مذکور تزریق کردند.

پس از چند ماه، گزارش قرائت‌های حاصله از فشار سنج‌ها نشان داد که تزریق بطور رضایت بخش مطابق آنچه که پیش‌بینی میشده انجام یافته است.

● تهیه دوغاب

تهیه انواع گوناگون دوغابهای تزریق (که حجم خشك آنها به میزان ۲/۳ میلیون یارد مکعب رسیده، به دو دستگاه بزرگ احتیاج داشت: یکی برای مخلوط کردن دوغاب و انبار کردن آن دستگاه دیگر برای ترکیب نهائی و تلمبه زدن دستگاه اصلی در ارتفاع روی جبهه سمت راست، در محلی که بتواند از طریق خط آهن تغذیه شود، قرار داشت. دستگاه دوم نیز در همان جبهه سمت راست و در پائین دست سد نصب شده بود. دو دستگاه بوسیله خطوط لوله با هم مرتبط بودند و خطوط لوله دیگری از دستگاه دوم ترکیب کننده به سمت دهانه‌های تزریق موجود در سد متصل شده بودند.

دستگاه اصلی تهیه دوغاب اساساً بصورت یك کارخانه اداره میشد. این دستگاه دارای ٦ خط تولید بود. دو خط برای خاك رس آسوان، دو خط برای بنتیونیت (یکی برای سدیم سیلیکات و یکی هم برای سدیم ومیان خاك رس) که مصالح اصلی تزریق ماسه زبر و شن را تشکیل میدهد. از فاصله ۱۰ میلی و بوسیله خطوط آهن به محل کار حمل میشد. سیمانها چه از نوع معمولی و چه از نوع نرم که میبایستی به نسبت‌های مختلف با خاك رس مخلوط شوند محصولات محلی بودند. سایر مصالح دیگر مورد نیاز که برای تزریق در مواد نرم‌تر مواد بکار می‌رفت از کشور شوروی وارد میشدند. این مصالح عبارت بودند از بنتیونیت- قطعات سیلیکات- سدیم آلومینات و هگزامتافسفات، که این ترکیب آجری بعنوان عامل جداکننده به خاك رس افزوده میشد. همچنین برای سختی بیشتر دوغاب سیلیکات به‌آن سدیم آلومینیات اضافه مینمودند.

شیوه‌های تولید «آلیاژهای سخت»

کرم، تنگستن، کربن و آهن مهمترین عناصر تشکیل دهنده آلیاژهای سخت بشمار میروند

مقدمه

فلزکاری بعنوان رکن اساسی صنایع فلزی، همواره مورد توجه دست‌اندرکاران ساخت وسائل فلزی بوده است.

تهیه فلز که مربوط به ذوب آهن و گداز فلزات است، نخستین مرحله در صنعت فلزکاری بشمار میرود.

شکل دادن و قالب‌بندی نیز به کار ریخته‌گری و تراشکاری وابسته است.

ساختن آلیاژهای گوناگون برای تولید ابزارها، وسایل گرم کننده و سرد کننده، لوله‌های ویژه و بدنه‌های وسایل نقلیه نیز یکی دیگر از شاخه‌های فلزکاری بشمار می‌اید.

سخت کردن فلزی.

[illegible] بعضی موارد [illegible] که جهت سخت کردن سطح بکار میروند، میتوان با استفاده از طریقه‌های جوشکاری قوس الکتریکی یا اکسی استیلن برای سخت کردن نوك سطح یا لبه قطعات فلزی به کار برد. سطح سایش ابزارها، متهها سرمته‌ها، تیغه‌ها و سایر قطعات فولادی معمولی موقعی که با این آلیاژهای مخصوص همسایه میشوند، وابسته به نوع آلیاژها که جهت سخت کردن سطح استعمال شود وبه نوع کاری که قطعه با آن مواجه است، در برابر سایش ۲ تا ۲۵ بار مقاومتر می‌شوند.

آلیاژهایی که برای سخت کردن سطح به کار میروند.

هیچ ماده‌ای به تنهایی برای کارهای «سخت کردن» سطح، مناسب نیست! برای نیازهای متفاوت صنعتی از قبیل: سختی، مقاومت در برابر سایش و ضربه و سایر خواص فیزیکی انواع متعدد آلیاژهای مخصوص سخت کردن سطوح ساخته شده است. این آلیاژها را بطور کلی میتوان به پنج دسته تقسیم کرد:

۱ - آلیاژهای این دسته اساسا از آهن تشکیل شده‌اند و کمتر از ۲۰ درصد عناصر آلیاژ کننده دارند عناصر آلیاژ کننده معمولا عبارتند از:

کرم، تنگستن، منگنز، سیلیسیم و کربن. آلیاژهای این طبقه از هر فولادی در برابر سایش مقاومترند هیچیك از آلیاژهای دسته‌های دیگر از نظر مقاومت در برابر ضربه، به این دسته از آلیاژها نمی‌رسند. این آلیاژها برای ساختن سطح قطعاتی که خیلی بدفرسوده و ساییده می‌شوند، بکار می‌رود.

۲ - آلیاژهای این دسته عبارتنداز: آلیاژهائی با مبنای آهن، با ۵۰ تا ۸۰ درصد آهن و بیش از ۲۰ درصد عناصر آلیاژکننده این عناصر آلیاژ کننده بطور عمده از کرم، تنگستن، منگنز، سیلیسیم و کربن تشکیل‌اند. بعضی از آلیاژهای این طبقه دارای خواص «سختی قرمز» هستند، بدین معنی که سختی خود را حفظ می‌کنند. این آلیاژ ها برای ساختن سطوح مقاوم سایش نهایی، پس از اینکه قطعه فلزی با مقاومت زیاد ساخته شد، به کار میروند.

۳ - این دسته از آلیاژهای عیراهنی سخت کننده تشکیل شده است. بعضی از این آلیاژها دارای خاصیت سختی قرمز هستند. این آلیاژها به درجات در درجه‌های گوناگونی تهیه شده و دردسترس مصرف کنندگان قرار گرفته است.

٤ - آلیاژهای این دسته از مواد کار بیدی و یا موادی که جانشین الماسند تشکیل شده است. این آلیاژها از کلیه مواد سخت کننده سطوح سخت‌تر ودر برابر سایش مقاومترند بعضی از این آلیاژها دارای ۹۰ تا ۹۵ درصد کاربید تنگستن و بقیه کبالت، نیکل، آهن و بافلزات نظیر آن هستند. فلزات نام برده برای ایجاد مقاومت در برابر گرما و ضربه به کاربید تنگستن افرود میشوند. بعضی از این آلیاژها تقریبا کاربیدتنگستن ها خالص دوده و فاقد عناصر مقاومت در برابر گرما و ضربه به کاربیدتنگستن افزوده می‌شوند. بعضی از این آلیاژها تقریبا کاربید تنگستن خالص دوده و فاقد عناصر آلیاژ کننده اند. مواد یا آلیاژهای این دسته به شکل قطعات ریختگی، کوچك، روی سطح ساییده شد به کمك سایر فلزات جوش داده می‌شوند.

٥ - این دسته از کاربیدهای تنگستن خرد شده به اندازهای گوناگون تقسیم شده است. این مواد را می‌توان به نوارهای فولاد ملایم یا فولاد کم آلیاژ چسباند و در مواد سخت کننده سطح یا در میله‌های با استحکام عالی داخل کرد و یا در لوله‌های ملایم به قطرهای مختلف بسته بندی کرد.

انواع دیگر را می‌توان روی سطوح فرسوده و ساییده شده مانند میله‌های جوش، مورد استفاده قرارداد. کاربیدتنگستن خردشده نیز به طور آزاد به شکل دانه‌ها یا پودر وجود دارد که ممکن است روی سطوح ساییده شده پاشید که در داخل با آن ذوب شود. مواد این دسته بااینکه خیلی گرانتر از اکثر آلیاژهای سخت کننده سطح هستند، اما به علت دوام زیادی که دارند در موارد زیادی بکار می‌روند.

روش بکارگیری آلیاژهای سخت کننده

بطور کلی مواد یا آلیاژهای سخت کننده سطح را می‌توان با هر دو طریقه جوشکاری اکسی استیلن وقوس الکتریکی بکار برد. آلیاژهای دسته (۱) و(۲) را به فلز «مبنا» ویا سطح «مبنا» جوش می‌دهند. باید دقت ومراقبت کرد که از محلوط شدن فلز مبنا با مواد سخت کننده سطح جلو گیری شود، زیرا این امر مقاومت سطح مورد نظر را در برابر سایش کاهش می‌دهد.

فلزاتی که میتوان سطح آنها را سخت کرد.

۱- فولادهای کم کربن وکربن متوسط سطح کلیه فولادهائی با کربن ساده را که کربن آنها ۵دهم درصد باشد میتوان به هر دو طریقه اکسی استیلن وقوس الکتریکی سخت کرد.

۲- فولادهای پر کربن. سطح فولادهای پر کربن را که دارای بیش از ۵دهم درصد کربن باشند نیز میتوان به هر دو طریقه اکسی استیلن وقوس الکتریکی سخت کرد. در بعضی موارد با مراقبت ودقت باید فلز مبنا را، هم قبل از سخت کردن سطح وهم بعداز آن با گرما پرورانید بطوری که سختی وشکنندگی آنرا برطرف ساخت، از ترك خوردن آن جلوگیری کرد

۳- فولادهای کم الیاژ- مواد ویا آلیاژهای سخت کننده سطح را می‌توان روی این فولادها به همان ترتیبی که در مورد فولادهای با کربن ساده ذکر شد بکار برد. در بعضی موارد با توجه به ترکیبات فلز مبنا پس از سخت کردن سطح عملیات حرارتی لازم است.

٤- فولادهای تند برسخت کردن سطح این فولادها بطور کلی توصیه نمی‌شود! زیرا بدون توجه به پرورش حرارتی، شکنندگی و ترکهای انقباض در فلز مبنا پس از سخت کردن سطح ظاهر شده وباین ترتیب عمل سخت کردن سطح را بی‌ارزش میکند.

٥- فولادهای منگنزدار- فقط طریقه جوشکاری قوس الکتریکی جهت به کار بردن مواد سخت کننده سطح روی فولادهای منگنزدار توصیه می‌شود مواد ریخته شده را

باید حکس کاری کرد ... بهای د ... نسد
مواقع ... نس ... معرف سو
۶ فولادهای ... سد ک ...
فولادهای ... رکرد ... و کرد ...
می‌توان به سهولت به هر نوع طریقه‌ای
مسلی و قوس الکتریکی سخت کرد ...
این کار باید مراقبت کرد که با حرارت داد
آنها بطور یکنواخت سرد کردن آنها بطور
هسته‌ای هرگونه پیچیدگی و ... خودداری
... است ... فولادهای
... حاوگیری شود
۷ [illegible]
[illegible]

۸ ... چکس ... هزی ...
... سطح ... می‌شود ...
... روی ...
... گرفته ...
... سخت می‌شود ...
... می‌توان ...
... ۱۵۰ ...
... سخت
۹ [illegible]
[illegible]

سئوالات آزمایش

● دراین شماره مابقی پرسشهای آزمایش فنی رانندگی را با پاسخ سئوالات می‌خوانید

پرسش: علل زدن کمپرس در کاربراتور چیست؟
پاسخ: برکندگی سوپاپ سر [illegible] بودن دلکو، اشتباه بودن واترجی
پرسش: از علل گیر کردن سوپاپ نام ببرید
پاسخ: سفت بودن سوپاپ در گید [illegible] کاری سیلندر [illegible] فنر سوپاپ و یا خارج شدن [illegible] از محل خود
پرسش: علائم برکندگی سوپاپ چیست؟
پاسخ: زدن کمپرس در کاربراتور اگزوز، کم شدن قدرت موتور [illegible] روشن شدن موتور
پرسش: علل برکندگی سوپاپ چیست؟
پاسخ: گرمای زیاد [illegible] گیت سوپاپ برکندگی نشیمن گاه سوپاپ
پرسش: [illegible] سوپاپ چیست؟
پاسخ: [illegible] که بطور کلی باعث اسقاط می‌شود
پرسش: علل برش سوپاپ کدامند؟
پاسخ: لقی گیت سوپاپ [illegible] فشار زیاد به موتور

پرسش: طرز تنظیم سوپاپ چگونه است؟
پاسخ: در سر انگشتی یک پیچ وجود دارد که [illegible] پیچ گوشتی گرفته و مهره را که [illegible] پیچ است شل می‌کنیم موتور را بوسیله هندل [illegible] با گردش تسمه پروانه حرکت میدهیم تا انگشتی از سوپاپ جدا شود بعد با فیلر معمولی اندازه‌گیری کرده و مهره را [illegible] سفت می‌کنیم در سوپاپهائی که در سر سیلندر قرار ندارند این عمل با دو آچار انجام میگیرد
پرسش: [illegible] سوپاپ (چهار سیلندر) بطور کلی چگونه است؟
پاسخ: دود [illegible] دود [illegible] بنزین - دود یا برعکس
پرسش: علت حرارتی [illegible] سوپاپ چیست؟
پاسخ: کار زیاد ورسیدن حرارت فوق‌العاده به آن
پرسش: طرز جاگذاری دنده میل سوپاپ با میل لنگ چگونه است؟
پاسخ: بوسیله تسمه نشان. اگر تسمه نشان پاك شده باشد بوسیله گردش میل‌لنگ، پیستون [illegible] را در بالا قرار میدهیم و بعد میل سوپاپ را [illegible] خود قرار داده و دنده‌ها را در می‌آوریم اگر [illegible] سوپاپ با میل لنگ دنده به دنده [illegible] برعکس [illegible] میل‌لنگ [illegible] سوپاپ [illegible] میچرخانیم که سوپاپ ۱۲ در ٦ سیلندر (که سوپاپ دود است) بلند شده وبنشیند وسوپاپ ۱۱ که سوپاپ بنزین است بخواهد از جای خود حرکت کند. دنده میل سوپاپ را جا گذارده و با میل لنگ درگیر می‌کنیم باید دانست که در اتومبیلهای چهار سیلندر از روی سوپاپ ۸ و۷ودر ۸سیلندر روی سوپاپ

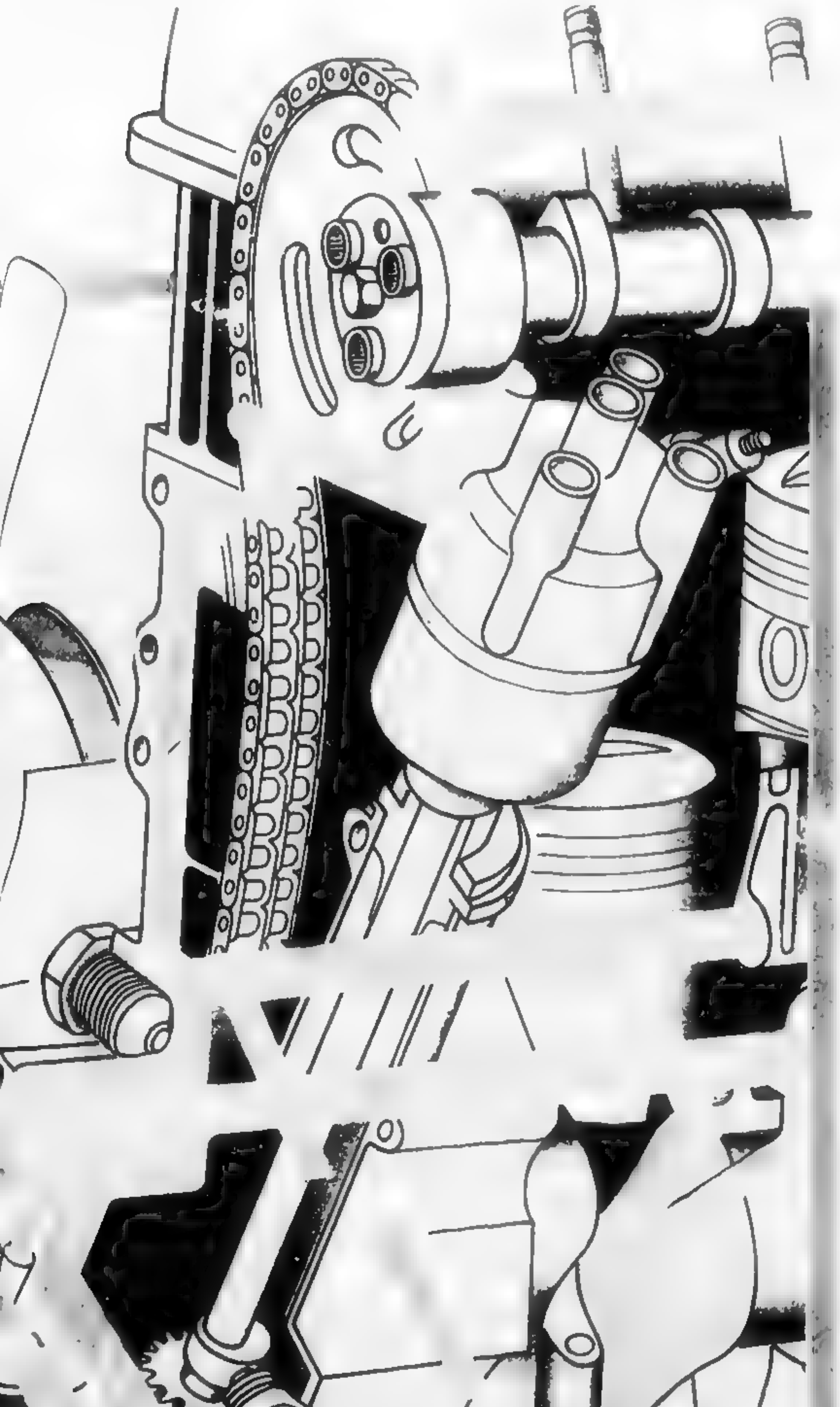

تازه‌های دانش وصنعت

یك‌ماشین‌مخصوص‌برای ساختن کیسه‌های پلاستیکی

ماشینی را که برای تولید کیسه‌های پلاستیکی سه گوش وچهار گوش ساخته شده میتوان با هر نوع محصولی از جمله مایعات پر کرد. این ماشین، از طرف شرکت بسته‌بندی «می‌فلاور با مسئولیت محدود» بنمایش گذاشته شده است.

این ماشین که بنام «ك- ام ۳» نامیده میشود دارای موتوری با قدرت ۲/۱ اسب بخار (۰/۵ کیلو وات) است ودستگاه مهر کردن آن مکانیکی با فشار کافی وبسیار دقیق است.

● جدا کردن کیسه‌ها

روشهای مختلف جدا کردن کیسه‌ها از هم پس از مهر کردن آن برحسب جنس کیسه‌ها صورت میگیرد. مثلا اگر کیسه‌ها دارای پوشش داخلی باشند قطع آنها بوسیله دستگاه گوتین ویا کاردی که برای برش مواد سلولزی است، انجام میشود.

تمام قسمتهائی که با محصول مربوط میشوند از پولاد ضد زنگ وپلاستیك غیرسمی ساخته شده‌اند.

ماشینها در اندازه‌های استاندارد از ۱۱/۲ اینچ عرض (۴۰ میلیمتر) و ۲اینچ طول (۵۲ میلیمتر) تا ۷اینچ عرض (۱۷۵ میلیمتر) و۹ اینچ طول (۲۲۵ میلیمتر) قرار دارند. اندازه‌های بزرگتر غیر استاندارد است. میزان سرعت در هر یك از کانالها بین ۳۰-۸۰ کیسه در دقیقه است وبطور همزمان ۲کانال یا بیشتر میتوانند بکار گرفته شوند.

روشهای پرکردن شامل پمپهائی برای مایعات وپرکردن باد وغیره است.

ازاین ماشین با استفاده از دستگاههای وزن کردن، پرکردن شکر ودستگاه شمارش نیز میتوان استفاده کرد. باضافه میتوان از دستگاههای دیگری مانند وسائل چاپ وبرچسب زدن نیز بطور اختیاری استفاده کرد.

ویژگی‌های چشمگیر

وزن دستگاه ك ام ۳بدون دستگاه پرکردن ۴۰۰ کیلو وابعاد زمینی آن ۳۰اینچ (۷٦۰ میلیمتر)×۳٦ اینچ (۹۲۰ میلیمتر) است. برق استاندارد آن ۳۸۰/۴۴۰ سه‌فاز، ۵۰ سیکل است. سایر ولتاژها را نیز برحسب احتیاجات مشتری میتوان بکار برد.

پایه یکم رانندگی

۱۵ و۱۶باید در نظر گرفته شود.
پرسش: علائم خرابی بوش میل سوپاپ چیست؟
پاسخ: ایجاد صدا- کم شدن فشار روغن
پرسش: علل بریدن میل سوپاپ چیست؟
پاسخ: لقی زیاد بوشهای سوپاپ، سفت بودن بیش از حدّ بوشهای میل سوپاپ، فشار آوردن زیاد از حدّ به موتور در دنده قوی
پرسش: علائم نامیزانی دنده میل لنگ میل سوپاپ چیست؟
پاسخ: دیر روشن شدن (اگر نامیزانی کم باشد)، زدن کمپرس در کاربراتور یا اگزوز، کم شدن کشش وقدرت موتور
پرسش: گردش یک دور میل لنگ مساوی با گردش چند دور میل سوپاپ است؟
پاسخ: نیم دور
پرسش: معایب شل بودن موتور بر کدام عوامل است؟
پاسخ: ایجاد صدا، جعبه کردن موتور
«در این باره باز هم بحث می‌کنیم»

برای انجام آزمای...

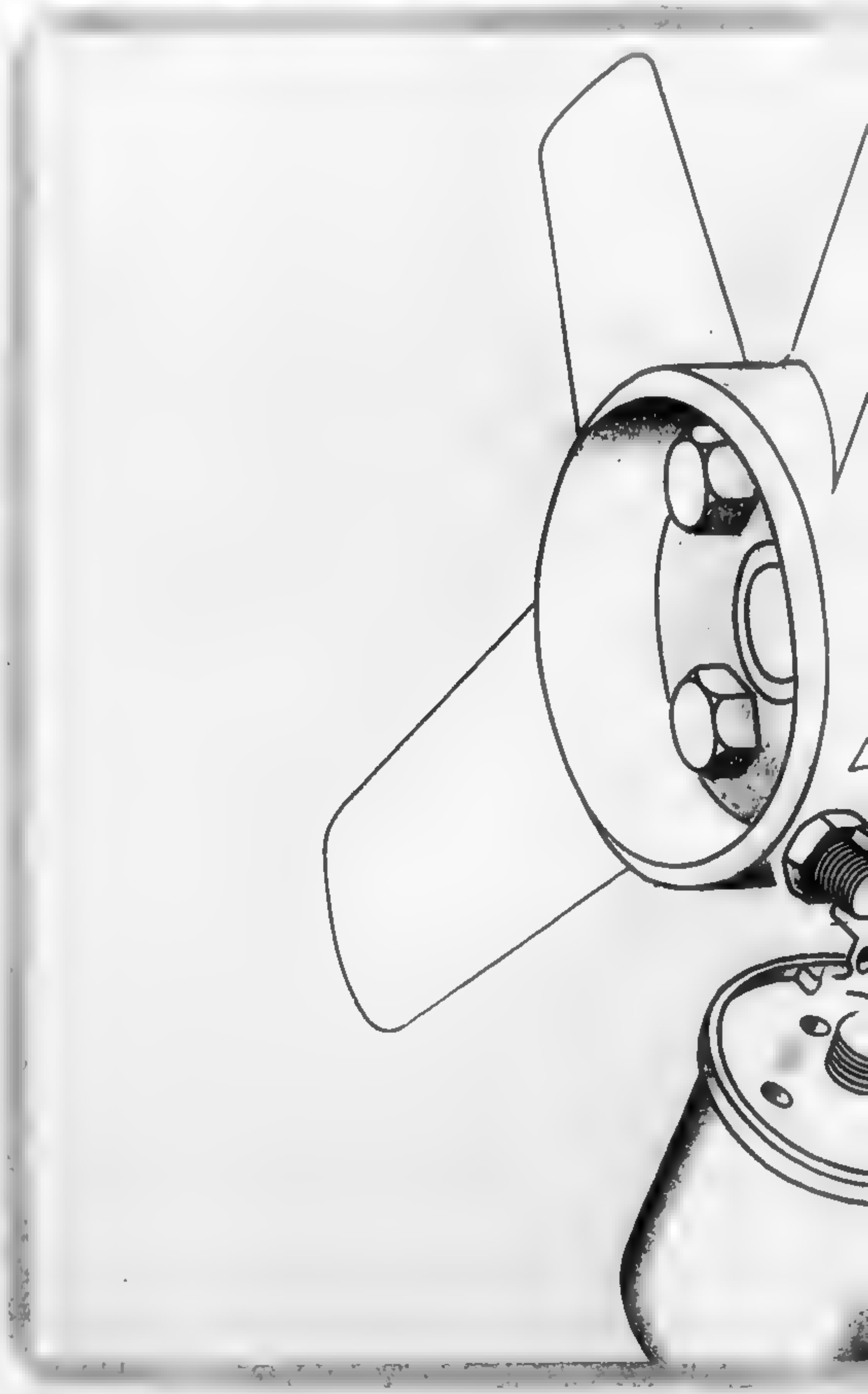

تازه‌های دانش وصنعت

یک وسیله مدرن برای پرکردن ومهرزدن

یك ماشین ساده پرکردن ومهر زدن که میتوان هر نوع محصول از شیرینی جات گرفته تا قطعات فلزی را با آن بسته‌بندی کرد، بنمایش گذاشته شده است.

این ماشین که «می‌فلاور یونیورسال» نامیده میشود یك قاب عمودی است که در انتهای آن یك تانك هیدورلیك قرار گرفته است. ستونی که در پشت قاب تعبیه شده از طریق یك جعبه دنده به بالا وپائین حرکت میکند ودر کنار ستون یك زنجیر قرار دارد که قسمت مهر کردن وبسته‌بندی را بصورت افقی نگهداشته است.

نیروی این ماشین ۲اسب بخار (۱/۵ کیلو وات) است وپخش بسته‌بندی وبافشار هیدرولیکی بمیزان ۵۰۰پوند در هر اینچ مربع است (۳۵ کیلوگرم /سانتی مترمربع) که با یك پمپ ولوله که در کف ماشین قرار گرفته کار میکند. حرارت دستگاه بهنگام مهر کردن کیسه‌ها کاملا کنترل میشود ویك مدار ساده کنترل الکتریکی کلیه کارهای ماشین را زیر نظر دارد، دستگاه کنترل مجهز به وسائل مختلف پرکردن، تاریخ گذاری وغیره است.

در مدل دیگر واحد بسته‌بندی ومقدار حرارت لازم را برای بسته‌بندی از طریق یك نوار مخصوص کنترل میکند. دستگاههای کنترل جداگانه‌ای برای مهر کردن پشت بسته وروی آن وجود دارد.

با دستگاه می‌فلاور یونیورسال میتوان هر نوع وسیله جداگانه‌ای را برای پر کردن، وزن کردن، اضافه کردن شکر وپرکردن با دست اضافه کرد.

●

مفهوم خاص حادثه در صنعت

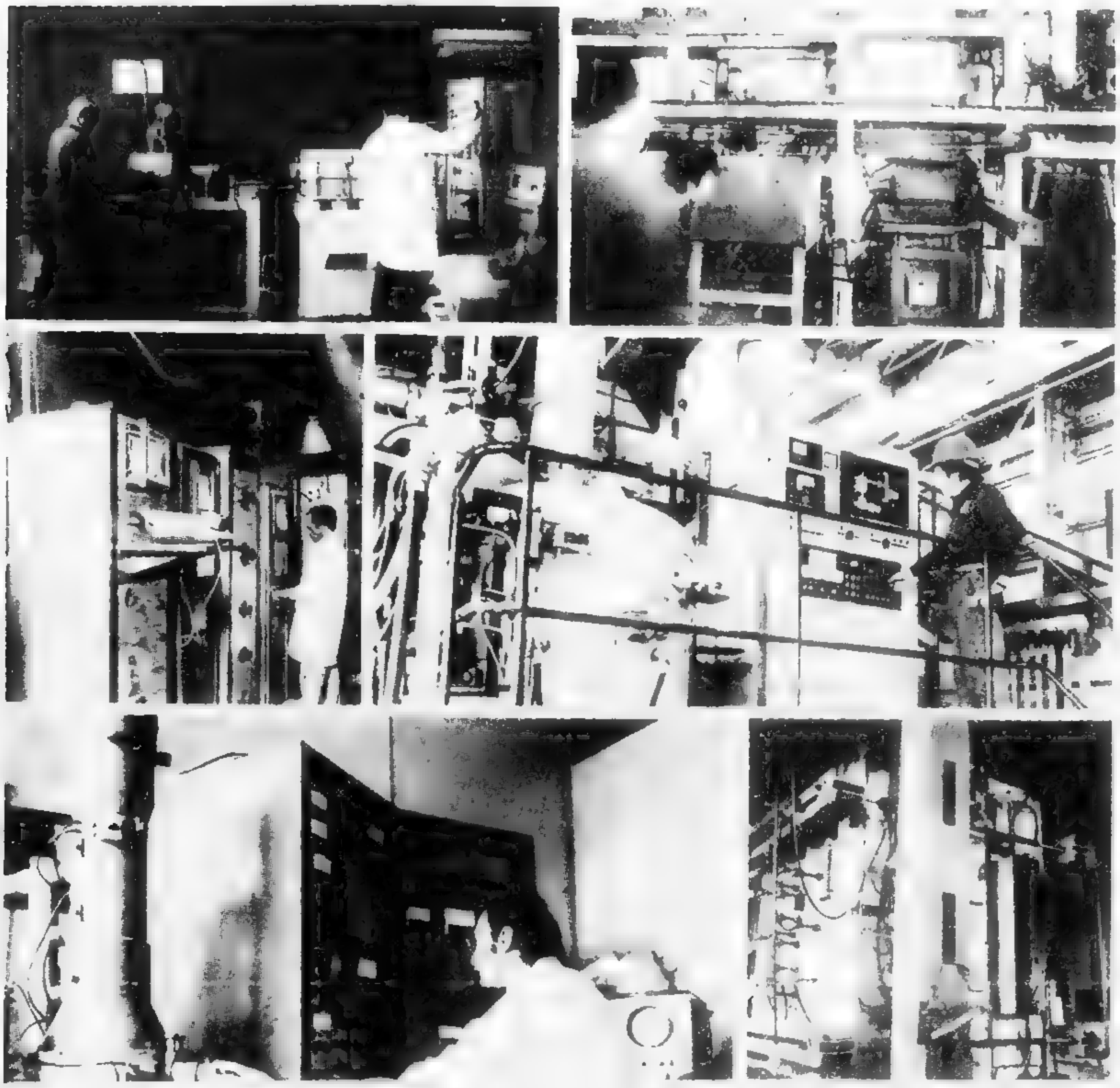

[illegible]

● اهمیت حادثه

[illegible]

● آمار چشمگیر

[illegible]

«نودری سازمان نادر»

آزمایش اتومبیل برقی

[illegible]

مسابقه دانش صنعتی

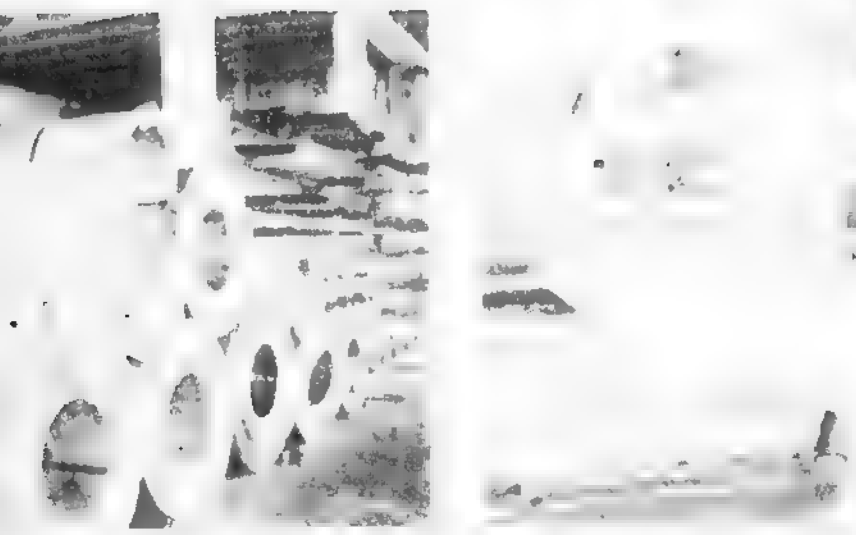

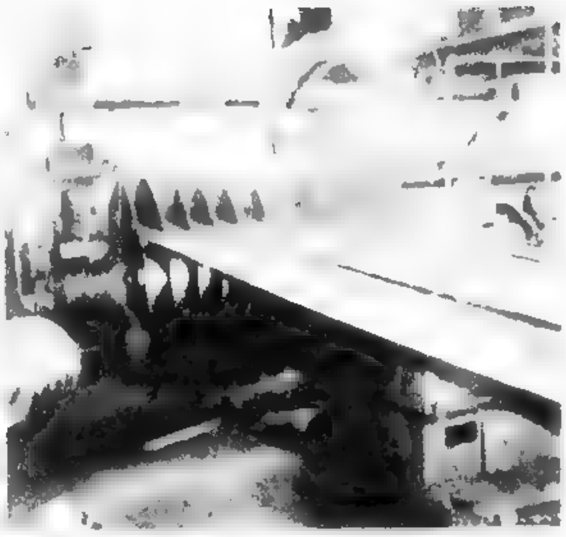

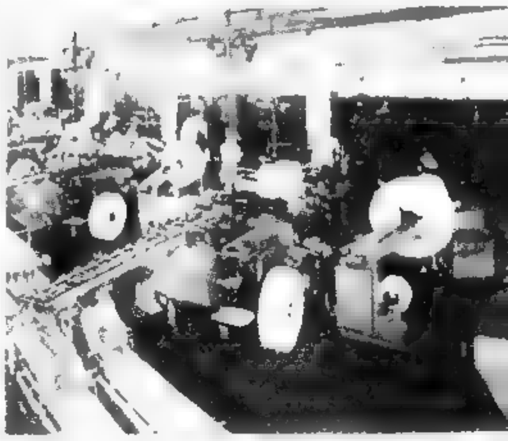

پاسخهای سئوالات رشته ریسندگی و بافندگی و معرفی برنده مسابقات این رشته

دوستان ارجمند ریسنده و بافنده

همچنانکه در شماره گذشته وعده دادیم، اسامی شرکت کنندگان در مسابقه دانش صنعتی رشته بافندگی مورد بررسی قرار گرفت. پس از این بررسی دقیق، از میان نامه‌های رسیده آقای محمد تقی بارفروش، کارگر کارگاه ریسندگی شماره یك کاشان کاملترین پاسخها را برای ما فرستاده بودند.

بدین ترتیب آقای بارفروش، به عنوان برنده این رشته از مسابقات دانش صنعتی معرفی می‌شوند. از ایشان خواهشمندم برای دریافت جایزه خود (یك جعبه ابزار) بدفتر مجله کارگران مراجعه کنند.

پاسخ سئوالات

در این رشته برای کارگران و تکنیسین‌های ریسنده و بافنده دو پرسش مطرح شده بود که در این شماره ما پاسخهای این سئوالات را به اطلاع علاقمندان می‌رسانیم:

پرسش:

۱ ـ الیاف طبیعی بهتر بافته میشود یا الیاف مصنوعی؟ چرا؟ دلیل آنرا کامل شرح دهید.

پاسخ: بطور کلی الیاف مصنوعی نسبت به الیاف طبیعی بهتر بافته میشود. [illegible] الیاف مصنوعی یکنواخت است و در نتیجه نخ صافتر و بهتری تولید می‌کند.

البته آندسته از الیاف مصنوعی که الکتریسیته ساکن کمتری تولید می‌کنند، بافت بهتری نیز دارند.

پرسش:

۲ ـ برای آنکه نخ دوك که بر روی دستگاه یا ماشین ریسندگی یا بافندگی قرار گرفته است، پاره نشود، چکار باید کرد؟

پاسخ:

در این مورد باید پیش‌بینی‌های زیر را در مدّ نظر قرار داد:

۱ ـ تعادل و تعمیری دستگاه کشش نخ
۲ ـ کنترل تسمه‌ها
۳ ـ [illegible]
٤ ـ برابر بودن دوك ماشین در [illegible] و [illegible]
۵ ـ [illegible]
٦ ـ کنترل [illegible]
۷ ـ [illegible] بودن تلکه‌ها
۸ ـ تنظیم هوا و [illegible] رطوبت کارگاه
۹ ـ مرطوب [illegible]

[illegible]

من به آرزوهای بزرگ خود رسیده‌ام

محمدحفظی، کارگر چاپخانه میگوید:
زمانی من به یك خانه ۳۰ اتاقه، که هراتاقش دراختیار مستأجری باشد و یك غذای «بخور و نمیر» فکر میکردم، اما امروز با پیشرفتهائی که نصیب کشورمان شده، سطح توقعاتم بالا رفته است... من در طول زندگی کارگری‌ام، با مردانی چون مرحوم عباس اقبال آشتیانی، علی دشتی، مرحوم سید ضیاءالدین طباطبائی، مرحوم جواد فاضل و حسینقلی مستعان سروکار داشته‌ام و از هرکدام چیزی یاد گرفته‌ام.

اینبار به خانه محمدحفظی، کارگری که سی‌وپنج‌سال سابقه کار دارد میرویم. حفظی کارگر مؤسسه اطلاعات است و خانه‌اش هم درتهران نو، کوچه اطلاعات غربی قرار گرفته است. خانه‌ای کوچك، خانه‌ای با پیچك‌های سبز روی دیوار، و گلهای رنگارنگ توی باغچه، و گلدانهای سبز و تازه و شاداب که به اتاق پذیرائی لطف خاصی میبخشد [illegible] که در اعماق فصل پائیز، بهار را بیادمان می‌آورد. مدال، کاپ، تقدیرنامه، پیرایه‌های اتاقی هستند که به آن وارد میشویم. [illegible] کواریوم کوچکی در گوشه اتاق است که زندگی دریائی [illegible] چشمهایمان مجسم میکند. زن‌وشوهر میزبان من هستند و وقتی از فرزندانشان [illegible] حفظی میگوید: «هیچوقت [illegible] آنها را توی خانه پیدا کرد، مخصوصا صبحها!» خانم و آقای حفظی سه پسر [illegible] مسعود و مهرداد و فرشید دارند، که مسعود [illegible] گذشته [illegible] دانشگاه‌های [illegible] و مهرداد قهرمان «[illegible]» [illegible] و فرشید هم در مدرسه موسیقی درس میخواند و [illegible] میدهد.

اولین سوالی که مطرح [illegible] کاری آقای حفظی [illegible] [illegible]

[illegible]ست. جواب این است: «من درحدود چهل‌ویك سال پیش بدنیا آمدم و تا چهارده، پانزده سالگی زندگی آرامی داشتم و درضمن تحصیل هم میکردم. بعد از حمله متفقین به ایران و اثرات آن که ناخوشایند بود ازجمله بیماری «تیفوس» که گسترش یافت، درخانه ماهم رخنه کرد و درنتیجه پدرمان را از دست دادیم. من بعنوان پسر بزرگ خانواده، بار مسئولیت مادر و خواهر را بدوش گرفتم. ناچار می‌بایست کار میکردم.

[illegible]ین بود که در مؤسسه اطلاعات با حقوقی معادل سی‌تومان درماه به کار مشغول شدم. درآن روزها به سبب «جنگ»، هزینه زندگی بگونه سرسام‌آوری بالا رفته بود و پولی که من درمی‌آوردم، مبلغی ناچیز بود، ولی از آنجائی که [illegible] کم بود. من با همین حقوق جزو آدمهای خوشبختی محسوب میشدم که توانسته بودم کاری پیدا کنم.

[illegible]

[illegible] آقای حفظی می‌خواهم که بازهم [illegible] گذشته بگوید و اینکه چگونه توانسته است از حروفچینی به [illegible] اتحادیه‌های صنعت چاپ و نمایندگی کارگران روزنامه اطلاعات برسد: میگوید «من از ابتدا در مؤسسه اطلاعات به حروفچینی مشغول شدم و هنوز هم حروفچینی میکنم، منتهی با شرائط مدرن صنعت چاپ.

بله، من کار خودم را شروع کردم، اما با دشواریهای زیاد، ولی همانطور که میدانید هر زمانی، هرکسی دنیا را از دریچه چشم خودش میبیند، منهم فکر میکردم زندگی یعنی یك خانه ۳۰ اتاقه که هر یك از اتاقها در اختیار مستاجری باشد و یك غذای بخور و نمیر، [illegible] دلخوش میکرد. وقتی [illegible] گاهی [illegible]. دیگر نمی‌توانستم [illegible] برای [illegible] که نصیب کشور عزیزمان می‌شد، سطح توقعاتم را بالا میبردم.

[illegible] گذشته [illegible] حرف [illegible]

[illegible] روزها در مؤسسه اطلاعات [illegible] کوچکی داشتیم که چند میز و صندلی شکسته [illegible] می‌کرد... و ما [illegible] خود را در [illegible] می‌خوردیم. مسئله هشت ساعت کار در بین نبود [illegible] پیش می‌آمد که چهارده، پانزده تا هیجده ساعت کار میکردیم و بقیه وقت [illegible] خود را در همانجا چرت میزدیم، لازم است بگویم که در آن زمان روزنامه‌های متعددی وجود داشت و روزنامه اطلاعات برای آنکه موفق سرپای خود بماند، مجبور به فداکاری بود و ما که خودمان را از خانواده اطلاعات میدانستیم، به اهمیت این فداکاری واقف بودیم.»

[illegible]

[illegible] که هر کسی [illegible] سختی‌ها را تحمل کند، بشرط آنکه دلخوشی در کار باشد. این [illegible] مسئله [illegible] آقای حفظی در میان میگذارم و این جواب را میشنوم: «بله. در قبال ناراحتی‌ها و دشواریهائی که متحمل میشدم، خوشبختانه [illegible] پیدا کرده بودم که درکنار [illegible] را بگذرانم و با آنها مانوس [illegible]، برای [illegible] بودم. خیلی خوشحال کننده بود که با افراد معروف و دانشمندی چون مرحوم «عباس اقبال اشتیانی»، «علی دشتی»، مرحوم «سید ضیاءالدین طباطبائی» و «جواد فاضل» و دیگران مثل سیف آزاد، حسینقلی مستعان و خیلی‌های دیگر سروکار داشته باشم و این برخوردها تا حدی پیشروی کند که بین ما عاقلانه‌یی بوجود بیاید و من از آنها خیلی چیزها یاد بگیرم، و از این راه بتوانم کمبود تحصیلاتم را تا حدودی جبران کنم.

[illegible]

میبینم که آقای حفظی از آن گروه افراد عاطفی است که برای دوستی‌ها و یادهای گذشته احترام و اعتبار فوق‌العاده‌ای قائل است. حرف را به خاطرات خوشی که از نخستین کارفرمای خود شادروان عباس مسعودی بنیانگذار مؤسسه اطلاعات دارد، میکشانم و این حرفها را میشنوم: «خاطرات خوش من و دیگر کارگرانی که با شادروان عباس مسعودی کار میکردند، بسیار [illegible]ست. ایشان اولین کارفرمائی بودند که قبل از تاسیس بیمه‌های اجتماعی، کارگران خود را در بیمه ایران با وضع بسیار خوبی بیمه کردند، دیگر توجه ایشان به مسئله مسکن که امروز بزرگترین مشکل همه شده است در حدود بیست و چند سال پیش مؤسسه ما، در تهران نو، همین محلی که خانه ما در آن بنا شده، زمین خرید و پانزده دستگاه ساختمان ساخت که در اختیار کارمندان و کارگران قرار گرفت و بقیه زمین را بین کارگران تقسیم کردند تا آنجا که بطور یقین دویست، سیصد کارگر مؤسسه‌مان در حال حاضر صاحب خانه شخصی شده‌اند و کارگرانی که بعدها آمدند، توانستند با تلاش مدیرمان و گرفتن وام از بانك پارس شعبه اطلاعات، با بهره بسیار ناچیز برای خود خانه‌ای دست و پا کنند.

خودمانی بگویم، اگر کارگر با ایشان روراست بود، از جهات مادی و معنوی مورد تشویق قرار میگرفت. و از حق نگذریم، پس از درگذشت بنیانگذار مؤسسه‌مان، فرزندان آن مرحوم، کارها را به همان روال ادامه میدهند، با همان صمیمیت و علاقه و دوستی.

اینها را نه به این خاطر میگویم که در آنجا کار می‌کنم، به جان بچه‌هایم غیر از حقیقت حرفی نمی‌زنم.»

داماد روز عروسی به کوهنوردی رفته بود!

از آقای حفظی میخواهم که ماجرای آشنائی و ازدواج خود را باهمسرش برای ما تعریف کند. باتمام وجودش می‌خندد و خوشحالی‌اش از فکر کردن به آن ایام، چیزی نیست که از نظر من پنهان بماند. نگاه ستایشگرش را به چهره همسرش میدوزد و میگوید: «من پدر خانمم را گول زدم! گرچه گول هم نزدم، خودش گول خورد! پدر خانم من، سرهنگ شهربانی بود و دریك خانه بزرگ در بازارچه «آقاشیخ‌هادی» زندگی میکرد. اگر یادتان باشد، بعضی خانه‌های آنموقع بیرونی و اندرونی داشت، خانه پدر خانم مهم هم همینطور بود. قسمت بیرونی را به همشیره من اجاره داده بودند و من هم به این مناسبت به خانه آنها رفت‌وآمد میکردم. جوان بودم، (حفظی در این موقع دست بروی شکمش می‌گذارد و ادامه می‌دهد) هنوز شکمم اینطور بیرون نزده بود، خوب لباس میپوشیدم و خلاصه از سرووضع ظاهریم کسی نمی‌توانست بفهمد که کارگر هستم، زیرچشمی تمام جریانات رفت‌وآمد همسر فعلیم را در نظر داشتم. البته این مال آن

ساعتی در کنار خانواده یك کارگر

ناهار را از ابگوشت اصغر ... خوردیم و من ... دوستم ... آقای موسوی که همراهم بود گفتم نکند این دفعه راستی گفته باشند ... دیشب هم بسراغم نیامدند. کارت عروسی را هم بین مردم پخش کرده‌اند، ناگهان از جا پریدم و با همان لباس خاکی روانه خانه پدر همسرم شدم، از دور دیدم که بله درست گفته‌اند، دو نفر اینور و اونور در منزل ایستاده‌اند چراغ زنبوری روشن است و خلاصه بوی جشن عروسی به مشام می‌رسد عده‌ئی هم دنبال من میگشتند، که ... چشمشان به من افتاد، گفتند کجائی بابا.

آبروی ما را داشتی میبردی و من ... مهمانی که خواب میبیند، با همان لباس ... کنار سفره عقد «بله» را از همسرم گرفتند، فهمیدم که حقیقتاً این بار راست گفته‌اند. چند ماه هم در منزل ... زندگی کردیم و بعد همانطور که قبلا گفتم به یکی از خانه‌هائی که مرحوم عباس مسعودی در تهران نو ساخته بودند، نقل مکان کردیم.

... مشترك میگوید «هیچگاه ... که ... کم کاش بحرف پدرم گوش میدادم و ... ازدواج چشم پوشی میکردم» نمیتوانم بگویم که در زندگی به ناملایمات بر نخوردم، ولی بخاطر خوبی بیش از اندازه حفظی، مشکلی نبود که ... شود.»

۵ دقیقه انتظار در کنار سینما

[illegible]

موقعی ... که میشد توی صورتش نگاه نکنی!

آقای حفظی ... این شوخی که با همسرش کرده ... و عاشقانه به ... نگاه میکند و ... میگوید شوخی کردم، هنوز هم ... بهترین زن روی زمین برای من هستی

بله، ولی خودم از زندگیم اطلاع کافی داشتم و میدانستم که اصلا صلاح نیست بخودم جرأت بدهم و از دختر جناب سرهنگ خواستگاری کنم، ولی شانس از اینجا سراغ من آمد که جناب هم گوئی از من بدش نیامده بود، چرا که با همشیره‌ام حرفهائی ردوبدل کرده بودند که بوی خوش از آنها بمشام میرسید، روزی همشیره‌ام گفت برادر، بیا ... برویم خواستگاری دختر سرهنگ.

... روز ... بود من بهمراهی چند نفر از رفقا به ... برویم. فکر کردم خوب، بجای اینکه با بچه‌ها رفته باشم و پولی هم خرج کرده باشم، چه عیبی دارد به خواستگاری بروم، رفتیم و از قضا ایشان سر حال هم بنظر میرسیدند این بود که موافقت کردند و قرار شد ما حلقه‌ای تهیه ببینیم و باصطلاح مراسم نامزدی صورت بگیرد. چند روز بعد تحقیقاتی راجع به من کردند و پشیمان شدند اینطرف و انطرف زدیم فایده نکرد. چندی به همین منوال گذشت تا اینکه یکروز صبح مرا به دفتر کارشان بردند و حتی نصیحت کردند. و گفتند پسر جان این حقوقی که تو میگیری پول «کوکو مالت» دختر من نمیشود ... خبر میدانید که آن روزها ... خانواده‌هائی که از نظر مالی وضع خوبی داشتند صبحها کوکو مالت میخوردند. بهرحال ... گفت ... و بگذر ... من هم دیدم چاره‌ای ندارم این بود که حرفی نزدم ... شب که شد فرستادند دنبال من که پسر جان ... صبح عصبانی بودم عیبی ندارد ازدواج کنید، خودم از نظر مالی کمکتان میکنم.

... خانم، دردسرتان ندهم ... موافقت و مخالفت یکسال طول کشید و کم‌کم برای من ... شوخی شده کرده بود تا اینکه در بر ... خانم و خود من، قرار شد ازدواج کنیم، مشروط بر اینکه هیچ چیزی بعنوان جهیزیه، عروس خانم به خانه من نیاورد، ولی در عوض عروسی مفصلی پدرش بگیرد تا بقول خودشان پیش دوست و دشمن سر افکنده نباشند....روز عید غدیر، ساعت دیدند و قرارهای لازم را گذاشتند، اما من که باورم نمیشد، با چند نفر از رفقا به کوه رفتم.

اصغر آقائی بود که در پس قلعه ابگوشت‌های خوشمزه تهیه میکرد و همه کوهنوردان از مشتریان پرو پا قرصش بودند

آقای حفظی در زمینه عشق و عاشقی صاحب نظر است، چرا که خود و همسرش برای شروع و تامین سعادت زندگی مشترك سخت ایستادگی کرده‌اند و در آن روزها که اختلاف طبقاتی هنوز مطرح بود، با تلاشی پیگیر و با عشق با شکوهشان، مثل کوهی استوار در مقابل مشکل مخالفت خانواده عروس مقاومت کردند. این است که بی مناسبت نمیدانم سئوالی در این زمینه مطرح کنم... و میپرسم:

از زندگی مشترك بیست و پنج ساله خود تا چه حد راضی هستید و آیا هیچگاه شده که یکدامتان احساس پشیمانی کرده باشید؟

میگوید: «همسرم تا الان که پشیمان نشده و فکر نمی‌کنم در آینده هم پشیمان شود. حتما اگر یکروز مرا نبیند از غصه دق میکند! من هم در عوض مرد خوبی برای او بوده‌ام. بمناسبت کارم خیلی اوقات شده که به میهمانی، کاباره، مسافرت دعوت شوم، ولی بجان خودش، همه دعوت‌ها را رد کرده‌ام، منتی هم سرش نمی‌گذارم، چرا که بدون وجود او جائی بمن خوش نمی‌گذرد...

البته خانم مثل من فکر نمیکند، همین سال گذشته بود که با دوستان زنش به پابوس حضرت رضا رفتند.... ولی من نمیتوانم بدون او بروم.»

و خانم حفظی در باره این بیست و پنج سال ... دو ... ملاقات داشت که ... «... مهر» ... خودش وضع ... و پنج دقیقه تأخیر هم ... بهر حال من پنج دقیقه دیر رسیدم، حفظی خیلی اوقاتش تلخ ... بود و من احساس کردم که در جلسه ... مشکلی بر سر پیش آمده باشد ... بود که به اعتراضش دربرابر دیرآمدنم، خوبی ... و سعی کردم ... ملایمت اوضاع و احوال را عادی کنم ... در موارد دیگر ... من ... و ... زندگی ... همسرش و ... خوشحال و اوقات تلخی میگذرد.»

... فرزندان ... همسرم و ... که به چه‌کاری مشغول هستند ... آقای حفظی میگوید: «پسر بزرگم مسعود، سال سوم مدرسه عالی ... است و در ضمن ورزشکار هم هست.».

سال گذشته لقب «آقای گل» دانشگاهها را به خودش اختصاص داد و حالا در تیم فوتبال بانك ملی توپ میزند. پسر دومم مهرداد، ... است که قهرمان پینگ‌پنگ تهران شده بود، و

بقیه درصفحه ۸۳

صفحه خودمون

زیرنظر: شاهرخ تویسرکانی

همه مطالب این صفحه را خواهران و برادران عزیز کارگر فرستاده‌اند.

زن از نظر یك شیمیست

حالت طبیعی: زن در طبیعت بصورت‌های مختلف غرور و خودپسندی، غمزه و عشوه‌گری درتمام منازل و خیابانها یافت میشود که کاشف آن پروفسور «آدم» بود. این دانشمند درباره آن ازمایشات فراوانی نمود تا املاحی بنام «هابیل» و «قابیل» بدست آورد.

طرز تهیه: برای تهیه آن کافی است اندکی ژست را با دلفریبی و کلمه ازدواج مخلوط کرده وزن خالص را بدست آورد.

خواص فیزیکی: صرف نظر از پوشش خارجی، برنگهای سفید، سیاه، سرخ، سبز، زرد و هفت رنگ«!» یافت میشود. وزن مخصوص آن از مرد کمتر است و دیگر از خواص فیزیکی زن، لطافت او می‌باشد.

خواص شیمیائی: جسمی است شدیدالتاثیر، زودرنج، بطوریکه اگر در مقابل برودت روحی قرار گیرد، سوزدل را تبخیر نموده، از چشم بصورت اشك خارج کرده واین مایع میتواند «اسید سولفوریك» را حل کند!

این جسم میل ترکیبی شدیدی با اسکناس، طلا و نقره و سایر جواهرات قیمتی دارد، بطوریکه هرگاه درمحاورت یك یاد و یا همه این اجسام قرار گیرد، فوراً همه را می‌قاپد!

از اینها بگذریم، زن دارای خاصیت بازی است و چون بامرد که‌خاصیت اسیدی دارد ترکیب گردد، املاحی اغلب یك ظرفیتی و بندرت دووسه ظرفیتی میدهد.

موارد استعمال: خوب آن مانند اکسیژن برای مرد لازم است و مانند نمك طعام برای هر منزلی ضروری است.

سیروس گروسیان- تکنسین برق تهران

جملات‌زرین

* فقیرترین مرد کسی است که دوستان خود را از دست داده باشد.
* فرق مرد بخیل با مرد سخی آنست که همه ازززندگی سخی خوشحالند واز مرگ بخیل!
* کسی که هدفش مبارزه درراه زندگی نباشد، باید در حاشیه آن بسربرده بدون مبارزه و فداکاری مشکل است شخص بتواند در اجتماع به موفقیتهائی نائل گردد.
* قلبی که مملو از خشم و غضب باشد، مانند کوه آتش فشانی است که در قله آن هرگز گل و گیاه نمیروید.

عبدالرضا کشاورز - تهران

نماینده کارگران کارخانه گچ تهران

با خبر شدیم دوست کارگر ما، اقای سید محمود میرسعید حسینی، برای مدت دوسال بعنوان نماینده اصلی کارگران کارخانه گچ تهران انتخاب شده و اعتبار نامهٔ خود را دریافت کرده است.

ما ضمن تبریك به این دوست عزیز، امیدواریم در مدتی که بعنوان نمایندهٔ کارگران فعالیت می‌کند، بتواند منشاء خدمات مؤثری برای دوستان کارگری باشد که او را بعنوان نماینده خود انتخاب کرده‌اند.

دختری که روزه میگرفت، پس از افطار، نماز شام را خواند و دست بدعا بلند کرد و گفت:

خدایا من خودخواه نیستم وبرای خودتقاضائی ندارم، فقط خواهش من درباره دیگران است... الهی هرچه زودتر به مادر من داماد خوبی عطا کن.

حسین مردای- کارگر مکانیك اهواز

* هراندازه که براضطراب و هیجانات مردم افزوده شود، بهمان نسبت از اضطراب و نگرانی دکترهای امراض روحی کاسته میشود!
* **کمتر اتفاق میافتد که زنی باین آسانی‌ها به سن سی‌سالگی برسد!**
* مهمان مانند ماهی است، اگر بیش از سه روز در منزلی بماند، فاسد میشود!

احمد یاوری- کارگر نساجی اصفهان

آیا در عصر فضا دیده‌اید...

* ... مردم همانقدر که بفکر خودش هستند، بفکر دیگران هم باشند؟
* **بانوانی دست بینوانی را بگیرد و زندگی او را نجات دهد؟**
* ... راننده تاکسی شما را سوار کند و با جمله «اقا اجازه میفرمائید» چندین مسافر دیگر نیز پهلوی شما ننشاند؟

حسین باقری کارگر ایران ناسیونال

مردی با دوستش وارد رستورانی شد و به مدیر رستوران گفت:

اقای مدیر خوراك مغزی که هفته قبل دراین رستوران خوردم، بقدری خوشمزه بود که امروز دوستم را آوردم تا غذای رستوران شما را باو معرفی کنم.

مدیر رستوران با خوشحالی جواب داد:

اتفاقاً از همان خوراك باز مقداری مانده، الان میگویم گارسن برای شما بیاورد!

محمد توفیقی- کارگر نجاررشت

انگار قطره‌ای بود که ت دریا افتاده بود، ولی با وجود این توی وجودش ترس و وحشت خانه کرده بود. بهر صدای ناآشنا دلش میریخت و توی هر چهره‌ای که بصورتش زل میزد طناب دار را مشاهده میکرد. صفیر اتومبیلها، چشمك زدن نئونها و هیاهوی شهر برایش بیگانه و حیرت‌آور بود، خودش را وصله ناجوری در میان مردم احساس میکرد: و هرگاه که از کنار خانم معطری میگذشت، یاد «نرگس» توی قلب کوچك و دردمندش زنده میشد، و نگاه معصومانه‌ای که از زیبائی، صفا و پاکی حکایت میکرد.

لباسهای مردم شهر با مردم ابادیش قابل مقایسه نبود. از رنگهای الوانی که روی لباسها میدید، چندشش میشد و توی دلش میگفت: «مردیکه سبیل کلفت، خجالت نمیکشه این لباس زنانه را پوشیده»

و همچنان میرفت که در انبوه جمعیت خودش را گم کند و زندگی تازه‌ای را اغاز نماید. با اینکه کیلومترها بین او و زادگاهش فاصله افتاده بود، اما گاهی خودش را توی جنگل، توی دشت سبز و خرم و کنار چشمه‌سارها میدید.

*

وقتی آخرین کیسه سیمان تریلر را روی زمین میگذاشت، درد شدیدی توی کتف و تمام بدنش احساس میکرد. صدای اذان آسمانی‌تر از همیشه بگوش میرسید. روی خاکها دراز کشید و سرش را روی پاکت سیمان گذاشت و چشمانش را همچنانکه بسته و رویهم گذاشته بود، نرگس را بخاطر آورد با آن گیسوان بلند که گاهی بصورت ۲ رشته میبافت و به پشتش میانداخت. دلش میخواست گریه کند، ولی شرم داشت.

توی رؤیای شیرینی غرق شد. اگر پولی بهم میزد، اگر لباس تر و تمیزی می‌پوشید، اگر یکی از این اتومبیلها را میخرید و عینك دودی شیشه پهنی بچشم میزد، آنوقت میتوانست بدون آنکه شناخته شود، بسرزمین سبز و خرم زادگاهش برود و دورادور روی آن تخته سنگ بزرگ که گلهای لاله وحشی زیبائی در کنارش روئیده بود، بنشیند و نرگس را که خرامان خرامان بطرف ده سرازیر میشد، تماشا کند.

صدای یکی از همکارانش، او را از عالم رؤیا و خیال واهی بیرون کشید و او سر از بالش سیمانی برداشت و گفت:

- باشه، منهم نون و انگور میخورم.

و لحظه‌ای بعد، چند نفر با سر و روی خاکآلود و لباسهای مندرس سر سفره نشستند و با اشتها شروع بخوردن غذا کردند و در حال خوردن شوخی میکردند. میگفتند و میخندیدند و پیدا بود که خوشحالند و گله و شکایتی ندارند.... غروب که دست از کار میکشیدند، آنها که زن و کاشانه‌ای داشتند، محل کار را ترك میکردند و او میماند که شب را نیز در کنار سیمانها بصبح برساند. شب وقتی توی محوطه «بنگاه» جا میانداخت و باسمانها چشم میدوخت، از آنهمه ستاره‌ای که قبلا در آسمان آبادیش میدید، اثری نبود و اگر بود فقط

طناب دار...

سوسوی دو ستاره را احساس میکرد، دو ستاره چشمان زیبای نرگس بود. و حالا که دیگر کسی صدای او را نمی‌شنید زیر لب نجوا میکرد و با خدا براز و نیاز میپرداخت: «ای خدای بزرگ، چرا منو اواره غربت کردی، چرا نرگس منو از من گرفتی؟ چرا برای من این سرنوشت را مقدور گردانیدی؟ مگر من بدرگاهت چه گناهی مرتکب شده بودم؟ منکه روزه میگیرم، منکه نماز میخوانم و جز تو خدای دیگری نمیشناسم. پس چرا نرگس رو از من گرفتی؟ منکه از تو توقعی نداشتم. آرزوی داشتن باغهای پر از سیب را نداشتم. فقط گاهگاهی آرزو میکردم موتور آبی داشتم و زمینی که بدست خودم شخم بزنم و بدست خودم بکارم و تامین زندگی کنم...» در این حال بود که قطرات اشك از گوشه چشمش سرازیر شد و ادامه داد: «بزرگترین آرزویم این بود که با نرگس ازدواج کنم و او برایم پسری بدنیا بیاورد که در کار مزرعه بمن کمك کند...» همچنانکه ناله میکرد، بخواب شیرینی فرو رفت و در خواب بود که با یك ماشین آخرین سیستم در حالیکه لباس بسیار شیکی پوشیده و عینك دودی شیشه پهنی بچشم زده بود، جاده‌های پر از گرد و خاك اطراف تهران را پشت سر میگذاشت، بامید آنکه در کنار آن تخته سنگ نرگس را در آغوش بگیرد...

صبح نقره‌فامی بود که بصدای یکی از دوستانش از خواب پرید و با خوشحالی برخاست. دیگر آن ترس و وحشتی که در ابتدای فرارش احساس میکرد، از وجودش رخت بربسته بود و چهره‌ها برایش مانوس شده بودند. رفیقش گفت:

- دیشب باز خواب نرگس رو دیدی؟

و او لبخندی زد و گفت: «تصمیم دارم هفته دیگه بطرف آبادی حرکت کنم و خود نرگس و ببینم. دیگه از بس خوابشو دیدم، خسته شدم. دیگه طاقت ندارم. دلم برایش یك ذره شده نمیدونم وقتی منو ببینه چه حالی بهش دست میده. میدونی، وقتی منو ببینه، فریاد میکشه علی علی جون آمدی!»

صحبت دو دوست گل انداخته بود و حتی در همان حال که کیسه‌های ۵۰ کیلوئی سیمان را جابجا میکردند، حرف میزدند. و در پاسخ سئوال «صفر» که پرسید «علی تو اینمدت که تهران بودی، چی فهمیدی، چی دیدی؟» علی در حالیکه از خستگی به هن و هن افتاده بود، جوابداد: «چیز زیادی نفهمیدم. همینقدر فهمیدم که زندگی توی تهران بدرد ع.ه بخصوصی میخوره. برای امثال من و تو که صبح تا شب فکر در آوردن یك لقمه نان هستیم، همون دهات خوبه. اونجا وقتی آدم توی سبزه‌ها نگاه میکنه و هوای آزاد استنشاق میکنه...» آهی کشید و پس از لحظه‌ای سکوت گفت: «خیلی چیزا دیدم. خلاصه اینجا شلوغه. فقط زرق و برق داره. نمیشه گفت چه خبره!»

سکوتی برای چند لحظه بر فضای کار انها حاکم شد و بارها تند تند خالی میشد و در گوشه‌ی انبار جمع میگردید.

صفر داد زد: »علی، باز چه خبره، رفتی تو فکر؟«

علی با قیافه‌ای افسرده جوابداد: «دارم به نرگس فکر میکنم. اگه راضی بشه با من بیاد تهران و با من ازدواج بکنه، هر روز بعد از کار میبرمش پارك. همین پارکی که نزدیك میدونه. براش چادر مشکی میخرم. کفش پاشنه بلند میخرم. براش یك اتاق اجاره میکنم. نصف حقوقم رو میدم کرایه خونه با نصف بقیه....» و اینبار اخمهایش در هم رفت. انگار بیاد قیمت کفش و چادر و درآمدش افتاده بود. با عصبانیت کیسه‌ها را بدوش میکشید و عرق از سرو رویش میریخت.

ظهر در موقع ناهار کارفرما بانها خبر داد که چون آهسته بارها را خالی کرده‌اند، شب با یکی از آنها تسویه حساب خواهد کرد و علی در حالیکه میخندید، گفت: «یقین دارم که من اضافه نیستم. چون بیشتر از همه کار میکنم» و صفر خنده موذیانه‌ای روی لبهایش میرقصید. بعد از ظهر گرمی بود. هوا دم داشت. کارگرها وارفته بودند و هر بار که کیسه‌ای را بلند میکردند، یا علی یا قمر بنی‌هاشم را روی لبهایشان زمزمه میکردند و مدد میخواستند. نگاه صفر روی در بنگاه گریزان و هراسان بود و علی غرق در رؤیای اندام هوس‌انگیز نرگس و خیالاتی که او را بامیدی واهی دلخوش میداشت. دیگر ترس و وحشتی نداشت. انگار قطره‌ای بود که توی دریا افتاده بود. با خودش میگفت: «تو این شلوغی کی به کیه. کی میدونه کی کیه. ابها که از آسیاب افتاد، یه جوری با نرگس ازدواج میکنم.» توی همین فکرهای شیرین بود که دستی بسیار قوی مچش را گرفت و تا آمد حرفی بزند، دو دستش بهم قفل شد و صدای امرانه‌ای گفت: «بنام قانون شما را باتهام کشتن دختری بنام نرگس دستگیر میکنم.» رنگ از روی علی پرید. چهره نرگس در مقابل دیدگانش رفته رفته تار شد و حلقه طناب دار در ذهنش شکل گرفت....

اصغر علیزاده- راننده راه‌آهن دولتی ایران- تهران

دردنیای کار مبارزه با خستگی یکی از مسائل اساسی بشمار میرود و دراین مورد مطالعات چشمگیری در کلیه مراکز فیزیولوژی کار در کشورهای مختلف انجام شده است دراین مقاله از نتیجه مطالعاتی که در سویس و المان بعمل امده استفاده میکنیم.

مطالبی که شرح داده میشود، درمورد طرز قرار گرفتن غلط بدن، وضعیت غلط بعضی قسمتهای بدن و بالاخره طرز بکار بردن وسائلی مناسب برای کم کردن خستگی کارمندان نشسته است

● وجود دود سیگار و گرد و غبار زیاد در محیط کار باعث بروز بیماریهای ریوی می‌شود.

● استفاده از زیر پائی‌های چوبی برای افرادی که بطور نشسته کار می‌کنند بسیار مفید است.

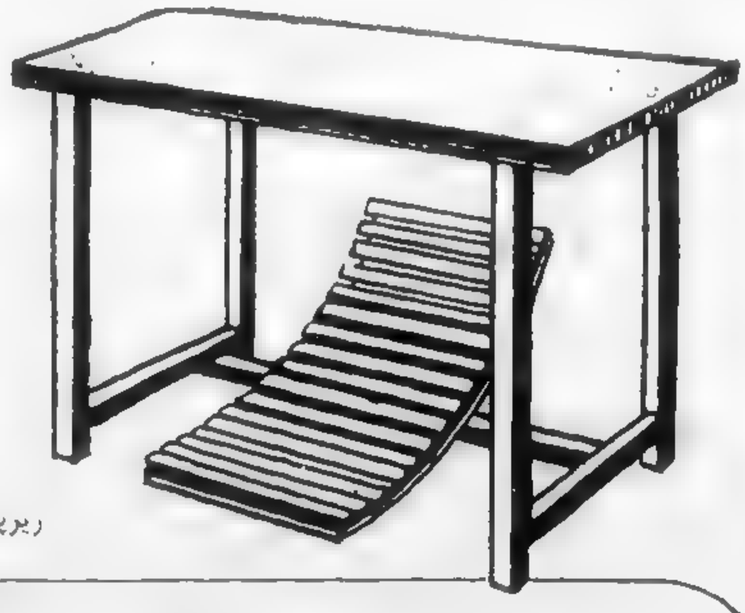

زیرپائی برای کفش‌های پاشنه بلند و زیرپائی برای کفشهای پاشنه تخت

خستگی ناشی از کار،

مسلماً خستگی یك قسمت از بدن (چشم، یا پا) روی تمام بدن اثر میگذارد. این خستگی نه تنها لذت کار را از بین می‌برد بلکه باعث تقلیل نتیجه (راندمان) کار نیز میشود.

این خستگی ممکن است ناشی از قرار گرفتن دریك مکان نامناسب و یا ارتفاع محل نشستن باشد در بسیاری از موسسات دیده میشود که کارمندان مخصوصاً زنان از صندوق یا از جعبه‌های محکم و یا حتی چوب برای زیرپائی استفاده می‌کنند.

البته این وسائل زیر پائی راحتی نیستند ولی تا حدودی باعث تسکین می‌شوند. از زیرپائی به دلائل زیر باید استفاده کرد.

قرارداشتن پاها در بالا سبب کاهش فشارران‌ها شده و هم چنین جریان خون را در پاها سریع‌تر می‌کند. در بعضی کارها عادت براین است که کارگران وسیله کار را روی زانوهایشان قرار داده و نشسته کار میکنند. دراین صورت بااستفاده از زیر پائی و بالا رفتن زانوها فاصله چشم تا محل کار که درروی زانوها قرار دارد کمتر میشود و باین ترتیب از خم شدن زیادی بالا تنه جلوگیری می‌شود.

به هنگام ساختن جعبه که درروی زانو انجام می‌گیرد بالا نگهداشتن پاها نه تنها فاصله چشم را تا محل کار کم می‌کند بلکه به نگهداشتن قطعات جعبه هم کمك می‌کند. متاسفانه غالباً کارگران برای نشستن از چهارپایه یا صندلیهای بدون پشتی استفاده می‌کنند دراینصورت گذاشتن زیرپائی مخصوصاً برای افراد کوتاه قد برای تنظیم ارتفاع و راحتی پا لازم است.

اگر میزها دارای چندین صندلی باشند، میتوان از تخته‌ای که دارای ارتفاع معینی باشد استفاده کرد. این تخته ضمن داشتن عرض کافی باید حدود ۳۰ درجه شیب داشته باشد و در فاصله مناسبی از صندلیها قرار گیرد.

برای کارکنان، محصوصا افراد بلند یا کوتاه باید تخته را در وضع مناسب آنها قرار داد.

درهر حال اگر از میله باریکی برای این کار استفاده شود درست نیست زیرا پا نمی‌تواند باندازه کافی تکیه‌گاه داشته باشد و از انواع زیرپائی‌ها نوع زیرپائی مفصلی (شکل ۱) کاملا مناسب است زیرا با جابجا شدن بطرف جلو و یا عقب درهر حالت باطول ساق پاها منطبق است و همچنین از قسمت جانبی هم میتواند جابجا شود زیرا تکیه زیرپائی به پرده زیر میز ثابت نیست و قابل حرکت به هر دو طرف است.

زیرپائی یك نفری بهترین نوع زیرپائی بشمار میرود زیرا میتوان آنرا به شکل‌های مختلف و مناسب هر فرد درست کرد و بهتر است که از جنس چوب باشد.

میتوان جعبه‌ای به طول و عرض ۳۰ و ۲۰ سانتی متر ساخت که بلندی آن در قسمت جلو ۵ و در قسمت عقب ۱۰ سانتی متر باشد و با اختلاف ۵ سانتی متر در جلو و عقب شیب آن درست میشود. اندازه‌های بالا برحسب نوع کار قابل تعییر و تنظیمند این پیشنهادات کار را بمقدار زیادی آسان می‌کند و تمام این نظریات را میتوان در مورد ماشین نویسها بکار برد.

ابتدا باید صندلیهای معمولی را کنار گذاشت از یك نوع صندلی که دارای سطح نسبتا گودی بوده و لبه جلوئی آن بطرف پائین خم شده استفاده کرد، زیرا به این ترتیب وزن بدن روی ان تقسیم شده و جریان خون درپاها راحت‌تر انجام می‌شود و میتوان حتی در تابستان از بالشك‌هائی که از مواد پلاستیکی یا کائوچو نرم پرشده است استفاده کرد ولی باید از تمام سطح محل نشستن استفاده شود بطوریکه رانها براحتی روی آن تکیه کند و هم چنین درارتفاعی تنظیم شود که پاها راحت باشند.

● هرگز پاها را زیر صدلی جمع نکنید و انها را بطور ضربدری قرار ندهید.

● مستقیم بنشینید و قسمت فوقانی بدن

چگونه برطرف میشود؟

را به پشت نرم صندلی که متحرك است، تکیه دهید. بطوریکه لبه فوقانی صندلی با استخوان کتف شما تماس نداشته باشد.

* اگر بازوها را آزاد و شل نگهداشته‌اید و آرنج را تقریبا افقی نگهدارید انتهای انگشتان شما درست به دکمه‌های ماشین خواهند رسید، هرگز نگذارید که‌مفاصل دست شما آویزان شوند.

* میز ماشین تحریر شما باید دارای حدود ٦٨ سانتی‌متر ارتفاع باشد.

* اگر ماشین در بلندی زیادی قرار گرفته است باید پایه‌های میز را کوتاه کنید و یا محل نشستن را بالاتر ببرید و از چهار پایه‌ای بمنزله تکیه‌گاه پاها استفاده کنید.

* هرگز به اهمیت درست نشستن در طی کار و ارتفاع محل نشستن و ارتفاع ماشین بی‌توجه نباشید و توجه کنید که میز بدون لرزش و تکان باشد.

* از وسائلی که موجب صرفه‌جوئی نیرو و وقت می‌شوند استفاده کنید.

متاسفانه هنوز هم بسیاری از ماسین‌نویس‌ها کاغذی را که می‌خوانند بطور افقی و خیلی دور از منطقه دید در کنار ماشین تحریر قرار میدهند.

در این حالت برای خواندن موضوع باید خود را بطرف جلو خم کرده و به آرامی قسمت بالائی بدن را برگردانده و سر را خم کرد. در این صورت هیچگونه نقطه اتکاء به پشت صندلی وجود ندارد و بزودی علائم خستگی و درد ظاهر خواهد شد.

* بهتر است از مدادهائی که خیلی نرم و چرب هستند بجای مدادهای سفت و شکننده استفاده کنید.

* برای راحت بودن در ضمن کار متن نوشته را روی تکیه‌گاه قرار دهید و آنرا طوری تنظیم کنید که در حین خواندن سر زیاد خم نشود.

* این تکیه‌گاه باید طوری ساخته شود که لرزشهایی که به میز وارد میشود آنرا نلرزاند.

میتوان تکیه‌گاه را روی میز و یا روی زمین قرار داد و یا روی دیوار مقابل نصب کرد.

متنی که باید خوانده شود بهتر است کمی پائین‌تر از سطح چشم و کمی بالای ماشین تحریر قرار گیرد، در این صورت از حرکت دائم بالاتنه و سر جلوگیری میشود. روشنائی روز باید محل کار را روشن کند بهترین وضع به فاصله یك متر از پنجره بودن است که در صورت امکان بهتر است نور از طرف چپ بتابد از تولید سایه در محل دید جلوگیری کند.

اگر روشنائی روز از دو طرف بتابد چشم‌ها بسرعت خسته میشوند زیرا اختلاف روشنائی بین متن و ماشین با محیط کار زیاد است.

● روشنائی الکتریکی نباید روی ماشین تحریر محل کار سایه یا انعکاس تولید کند. و نور لامپ نباید مستقیما با چشم برخورد کند چون باعث خستگی چشم‌ها میشود اگر می‌خواهید در فاصله کار لحظه‌ای استراحت کنید گاهی از کار ماشین‌نویسی دست بکشید و ماهیچه‌های خود را شل و ازاد کنید و تا حد امکان بازوها و دستها و انگشتهایتان را استراحت بدهید.

بافندگی و پرده‌دوزی و کارهای مشابه خستگی شماها را بیشتر می‌کند.

[illegible]

با صرف مبلغ هنگفتی گروهی از دانشمندان آلمانی روی ریه‌های ۱۳/۰۰۰ نفر کارگران و افراد بازنشسته تحقیقات کاملی بعمل آورده‌اند.

هدف اصلی این تحقیق تعیین اثر گرد و غبار صنعتی ـ دود سیگار ـ آلودگی هوای شهرها در بروز بیماری برونشیت مزمن است (تورم ریه‌ها که بیمار مدت طولانی خلط دفع می‌کند و سرفه می‌کند) و این بیماری شماره یك کارگران بشمار میرود.

نتیجه این تحقیقات این بود که دود سیگار خطرناکتر از گرد و غبار است که ضمن کار استنشاق میشود برای انجام این تحقیقات افرادی را انتخاب کردند که در محلهای پرگرد و غبار مانند کارگاه‌های ریخته‌گری، سفال‌سازی، کارخانه سیمان و معادن ذغال سنگ کار میکردند هر یك از زنان و مردان این گروه ۱۳۰۰۰ نفری بدقت مورد آزمایش قرار گرفته و از آنها پیرامون ناراحتی‌هایشان سئوال شده است.

گرد و غبار هنگام کار در واحدهای صنعتی ضمن تنفس به داخل ریه میرود مخصوصا اگر ذرات آن کوچکتر از ٥ صدم میلی‌متر باشد، فورا جذب ریه میشود.

کشیدن سیگار حتی تاثیر بدتر از این دارد و ترکیب ایندو خطرمرگ دارد. کسانیکه حین انجام کار در کارگاههای پرگرد و غبار سیگار هم دود می‌کنند به برونشیت ریه بطور مزمن و یا از کارافتادگی ریه‌ها دچار میشوند.

●

براساس آمار موجود، برابر هر مورد مرگ طبیعی، یکصد نفر براثر حوادث شغلی و حرفه‌ای دچار آسیب و خسارت میشوند

برای جلوگیری ازبروز حوادث ناگوار و رویدادهای زیانبار لازم است کارگران با محیط کار و روشهای ایمنی بیش از بیش آشنا شوند در این شماره نکات مهمی از موارد ایمنی را بنظر می‌رسانیم.

۱ - پوشیدن لباس کار در کارخانه موقع کار اجباری است.

۲ - مرتب و تمیز نگهداشتن لباس کار از نظر بهداشت ضروری است.

۳ - در پاکیزه نگهداشتن محیط کار خود و بالاخره کارخانه همواره بکوشید.

٤ - با سایر همکاران خود نهایت صمیمیت و همکاری را داشته باشید.

٥ - شایستگی خود را نشان دهید و نسبت بانجام دستورات مافوق علاقه نشان دهید.

٦ - در انجام دادن کارهای روزانه شتابزده وبی‌حوصله نباشید.

۷ - کارهائی که بشما محول میشود با علاقه و صمیمیت انجام دهید و اگر به نکته مبهمی برخورد کردید در دانستن و سئوال کردن از مافوق خود کوتاهی نکنید و اطمینان داشته باشید که راهنمائی خواهید شد.

۸ - اگر از عهده کارهای محوله بر نمیآئید و یا بنحوی علاقه‌ای نسبت بانجام آن کار ندارید با کمال صداقت این موضوع را با رئیس قسمت در میان بگذارید.

● اجرای مقررات و آئین‌نامه‌های حفاظتی، ضامن حفظ جان شما است

۹ - در محیط کار آرام و با حوصله و صبور باشید و چنانچه احساس ناراحتی می‌کنید و یا فکر میکنید که بیمارید بهتر است به پزشك مراجعه نمائید.

۱۰ - مشکلات کاری خود را با رئیس قسمت در میان بگذارید.

۱۱ - هرفردی وظیفه‌ای را که باو محول شده انجام دهد و بدیگران اجازه دهد که وظیفه خودرا انجام دهند.

۱۲ - لازم است خانمهائی که کار تولیدی انجام میدهند از پوشیدن کفشهای پاشنه بلند پرهیز کنند.

۱۳ - خانمهائی که با ماشین‌های تولیدی کار میکنند چنانچه موی بلند دارند بهتر است از سر بند استفاده کنند و اگر لباس آستین بلند دارند بهنگام کار کردن آستین‌های خود را بالا بزنند تا حادثه‌ای رخ ندهد.

١٤ - در نگهداشتن و حفظ ماشین آلات و ابزارهائی که در اختیار شما است و با آن کار میکنید کوشا باشید.

۱٥ - در انبارهای بازرگانی مواد اولیه انبارهای مواد شیمیائی قسمتهائی که با مواد شیمیائی کار میکنند و قسمتهائی که از طرف کارخانه کشیدن سیگار ممنوعه اعلام شده سیگار کشیدن مطلقاً و اکیداً ممنوع است.

١٦ - سعی کنید در تمام اوقات حافظ جان خود و دیگران باشید و از بروز سوانح جلوگیری کنید.

۱۷ - استفاده از وسائل ایمنی و استحفاظی که در اختیارتان قرار میدهند حتمی است عدم استفاده از وسائل ایمنی و استحفاظی برای اولین بار اخطار کتبی و سپس تنبیه انظباتی در برخواهد داشت.

۱۸ - بی‌توجهی نسبت به خطرات و سوانح احتمالی ممکن است باعث بروز حوادث و سوانح برای خودودیگران بشود.

۱۹ - چنانچه در محیط کار و کارگاه نواقصی مشاهده کردید(بطور مثال ناقص بودن وسائل برقی از قبیل شکستگی دوشاخه پریز کلید برق برهنه‌بودن سیم و یا کابلهای برق و بالاخره هرنقصی که امکان خطر برای خود و سایر همکارانتان ایجاد کند) فوراً به رئیس قسمت گزارش دهید.

۲۰ - بدون آگاهی و اطلاع قبلی کلیدهای اصلی برق را که در حالت خاموشی هستند روشن نکنید.

۲۱ - با ماشین آلات بدون حفاظ کار نکنید و حفاظ دستگاه را که برای حفظ جان شماروی آن نصب و تعبیه شده است از آن دور نکنید.

۲۲ - چنانچه در هرقسمت از کارخانه آتش‌سوزی مشاهده کردید فوراً خود را بیکی از نزدیکترین کلید مخصوص بصدا در آوردن آژیرهای خبر برسانید و با فشار دادن کلید برق آژیرهارا بصدا در آورید و باین ترتیب خطر حریق را اعلام کنید.

گزارش‌هائی از کمیته های حفاظت و ایمنی کارگاهها

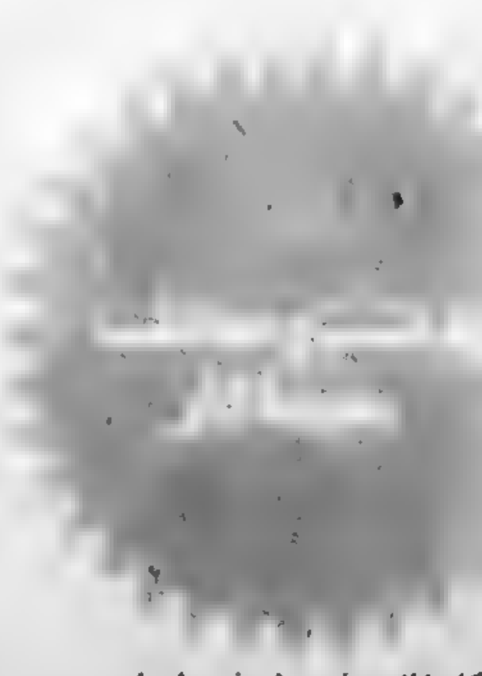

کارخانه پشم شیشه ایران

جلسه کمیته حفاظت و ایمنی کارخانه پشم شیشه ایران با حضور اعضاء در محل کارخانه تشکیل و تصمیمات لازم در مورد نواقص کارخانه گرفته شد. در این جلسه ابتدا مسئول ایمنی و حفاظت کارخانه طی سخنانی لزوم توجه بمقررات ایمنی و حفاظتی را یادآور شد و پس از بحث و بررسی مسائل موجود تصمیماتی بشرح زیر گرفته شد:

[illegible] میدانی کارخانه، استاندارد کردن لوله‌های آتش نشانی، تهیه مشاعلی که بایستی بکارکنان اثاث وسایل استحفاظی فردی داده شود. رسیدگی به وضع کارگران کارخانه، رسیدگی بوضع مخزن قیر که دارای نواقص فنی است. تهیه مقررات ایمنی - تشکیل کلاسهای ایمنی و [illegible]

در مورد [illegible] کارگران کارخانه مقرر گردید [illegible] کارخانه تشخیص بررسیهای لازم را انجام دهد و در صورت لزوم یکعدد صافی در [illegible] نصب گردد. مسئول حفاظت ایمنی کارخانه موظف شد ماهیانه آب را برای آزمایش لازم به آزمایشگاه انستیتو پاستور فرستاده و نتیجه را به کمیته و امور اداری اعلام دارد.

مسئول ایمنی لوله‌های آتش نشانی را بررسی نموده و ترتیبی دهد که لوله‌های مذکور با لوله‌های ماشین آتش نشانی شهرداری تطبیق و کلیه وسایل اطفاء حریق استاندارد شود تا در موقع لزوم دچار اشکال نگردد.

مسئول ایمنی بررسیهای لازم را در مورد روش صحیح برای دادن وسایل استحفاظی بکارگران کارخانه با توجه به نوع شغلشان اقدام کند.

در مورد کمی فشار آب قرار شد [illegible] کارخانه در این مورد مطالعه نموده و [illegible] گزارش کند.

[illegible] کردن و [illegible] کردن و [illegible] مقرر گردید از داروی مکنده پس از مطالعه و انتخاب نوع مورد نیاز استفاده شود.

● جلسه کمیته حفاظت و ایمنی شرکت سهامی الکتریک ایران در شهرستان [illegible] با حضور اعضاء کمیته حفاظت و بهداشت [illegible] شرکت تشکیل گردید. در این جلسه ابتدا اهمیت حفاظت و ایمنی محیط کار تشریح شد و پیشنهاداتی توسط هریک از اعضاء کمیته که ضمن بازرسی دقیق از قسمتهای مختلف کارگاه و [illegible] لازم بعمل آورده بودند، بشرح زیر مطرح گردید که بموقع اجرا گذارده شود.

۱- پیشنهاد شد که در قسمت [illegible] کپسول گاز بوتان جهت حفاظت بیشتر و [illegible] صحیح به قسمت کارگاه انتقال داده شد.

۲- تهیه تعدادی سطل شنی برای اطفاء حریق برای مواقع لازم و پیش آمدهای آتش سوزی

۳- بازدید مستمر از کپسولهای آتش نشانی

۴- درمورد استفاده از وسایل حفاظتی کارگران در موقع کار توصیه شده که سر کارگران آموزش لازم بکارگران داده و از [illegible] وسایل حفاظتی مانند عینك [illegible] و دستکش نظارت مستمر نمایند

۵- توصیه شد که آموزش حفاظت محیط کار بکارگران جدید الاستخدام قبل از شروع بکار داده شود که بهمین نحو عمل گردد

۶- برای پیشبرد حفاظت و بهداشت مقرر شد اعضاء کمیته حفاظت این شرکت [illegible] لازم را در تمام قسمتهای کارگاه [illegible] و مسائل حفاظتی را مورد بررسی دقیق قرار دهند

معدن سرب نخلك

جلسه کمیته حفاظت کارگاه معدن سرب نخلك با حضور اعضاء و مدیر معدن در محل این کارخانه تشکیل شد.

در شروع جلسه آئین‌نامه حفاظت در کارگاه توسط یکی از اعضاء تشریح گردید. سپس اقداماتیکه برای حفاظت انجام شده و همچنین پیرامون حوادثی که در ماه گذشته برای کارگران کارخانه اتفاق افتاده بحث و گفتگو شد.

۱- بعلت اینکه سالن سنگجوری سابق کارگاه کاملا ایمن نبوده و در نتیجه یك سالن سنگجوری [illegible] ۳٦۰۸ [illegible] تصمیم گرفته [illegible]

۲- [illegible] کارگران کوهر [illegible] [illegible] جهت [illegible] گرد و خاك در داخل معدن

۳- [illegible] حوادث کارگاه در ماه گذشته [illegible] [illegible] که منجر بفوت گردد اتفاق نیفتاده. [illegible] کارگری بنام فرج‌اله [illegible] در قسمت داخل معدن صفحه ۱٦۵ بر اثر سقوط سنگ [illegible] [illegible] مختصر جراحتی برداشت که بلافاصله برگ حادثه تنظیم و به بیمه معرفی گردید.

٤- [illegible] معدن و نگهبانان [illegible] به آئین‌نامه و دستورالعملهای مربوط و اجرای کامل دستورالعمل در ضمن از طرف اعضاء کمیته برای بهداشت محیط کارگاه پیشنهاداتی شد و تصویب رسید

۱- لوله‌کشی آب برای کنترلگاه [illegible]

۲- نظافت محوطه معدن و گذاردن تعدادی [illegible] خالی در محوطه جهت ریختن زباله‌های [illegible]

۳- تعمیرگاه [illegible] حمام

٤- تغییر مسیر وسائل نقلیه در محیط که باعث آلودگی هوا میشود. تمام تصویب رسید و مورد اجرا گذارده شد.

کارخانجات تولیدی تهران

هشتمین اجلاسیه کمیته حفاظت و ایمنی کارخانجات تولیدی تهران در ماه گذشته با حضور اعضاء این کمیته تشکیل گردید. در این جلسه [illegible] صنوف مختلف کارگران، بخصوص در مورد کارگران معلول و مسن و نیز زنان کارگر، مطالبی بشرح زیر مطرح گردید:

بطوریکه همکاران محترم اطلاع دارند، مورد [illegible] از افراد ناتوان و معلول که [illegible] جنگ معلول شده‌اند، در ممالك جنگ زده در صنایع بکار [illegible] اگر کاری مناسب استعداد و توانائی بانها داده شود بنظر میرسد که دیگر به احتیاطهای خاصی در مورد آنها از نظر حفاظتی نیازی نباشد، و باید ترتیبی اتخاذ کرد که از وجود افراد معلول هم برای انجام کارهای مناسب استفاده شود

بنظر کارشناسان و متخصصین بر این است که قوای بدنی از قبیل بینائی و شنوائی، چالاکی و سرعت عمل از سن ۳۰ سالگی ببعد بطور مداوم رو به نقصان میرود، ولی از طرف دیگر کارگران مسن [illegible] دقیق‌تر و با تجربه و [illegible] از کارگران جوان هستند [illegible] حوادث [illegible] در مورد کارگران مسن و کارگران جوان [illegible] است [illegible] [illegible] حوادث [illegible] معلوم [illegible] که [illegible] نوع حوادث از قبیل زمین خوردن و سقوط در مورد [illegible] [illegible] می‌افتد [illegible] [illegible] متوسط حوادث [illegible] اضافه میگردد [illegible] در این مورد [illegible] اطلاعات دقیق و معتبری که تاکنون جمع آوری گردیده، برای نتیجه‌گیری کافی نیست

آئین‌نامه‌های حفاظتی بطور کلی در مورد زن کارگر نیز مانند مردان لازم الاجرا است در بعضی موارد نیز تدابیر خاصی باید اتخاذ گردد [illegible] کارگر در مقابل بارهای مخصوص [illegible] که ممکن است از لحاظ ایمنی برای آنها مضر باشد. حمایت [illegible] زن کارگر [illegible] در کارگاهی [illegible] هستند اطفال خود را نیز بمحل کار [illegible] بطور مستقیم موجب حوادث میگردد. [illegible] وجود دارد که بچه‌ها بین ماشینهائیکه کار میکنند بازی مشغول شوند و [illegible] مورد خطر [illegible] [illegible] در بعضی از کارخانه‌های ریسندگی که زنان با ماشینهای [illegible] کار میکنند و ضمن کار نیز کودکان خود نگهداری مینمایند، دیده میشود. همین وضع در مورد کارگاههای طبقه‌بندی پشم که زنها کودکان خردسال خود را همراه میآورند و اطفال بزرگترشان به آنها کمك میکنند نیز صادق است و کلیه این اطفال در معرض خطر و ابتلا به [illegible] واقع میشوند. در چنین موقعیتی [illegible] [illegible] کارگاه نه تنها موجب [illegible] کودکان را فراهم میکند، بلکه وسیله در امان داشتن آنها از حوادث است

بعضی اوقات زنها پوشش مخصوص دیده و لباس مناسبی بپوشند تا میزان خطر حوادث تعیین [illegible]

لباس گشاد و موهای باز و مواج آنها ممکن است در قسمتهای متحرك ماشین گیر کرده و احتمالا قسمتی از پوست سر با موها کنده شود. بنابراین برای جلوگیری از این حوادث اتخاذ تدابیر مخصوص ضرورت دارد. در این جلسه همچنین گفته شد مقایسه تعداد حوادث در مورد زنان و مردان شاغل در کارخانجات یکسان، قابل توجه است ولی تاکنون آمار و اطلاعات دقیقی در این باره وجود ندارد.

ازاینجاوآنجا

عشق است...

دری به تخته خورد و ما هم راه پیدا کردیم و یك شب رفتیم به یکی از کاباره‌های وطنی. ما حصل اینکه دو تا خواننده ترانه‌هائی خواندند و یك مردك ریز اندام هم خوش ادائی میکرد و لطیفه میگفت. غذاها که همه نصف شده بود یکطرف، میزهای بیخ در بیخ چیده شده از سوی دیگر آزارمان میداد و بدتر از همه بشقابهای ملامین. اینها را نوشتم برای خبر شدن از کاباره‌های تهران، که لابد میگوئید به ما چه ربطی دارد؟!... ولی ربط دارد. دو سه میز آنطرف‌تر. یك گروه دوازده نفری گوش تا گوش نشسته بودند و چه سر و صدائی و چه ولخرجی که نمی‌کردند. هر خواننده که روی سن میرفت. برایش گل میفرستادند. فضولی‌مان گل کرد که نکند اینها از تجار و پولداران هستند.... سر کی کشیدم و رفتم نزدیکشان.... و بهر حال سر صحبت را با آنها باز کردم و یکی‌شان که از دیگران شادتر بود. نظرم را جلب کرد. اسم کوچکش رحیم بود.

گفتم: رحیم آقا. خیلی گرم ولخرجی هستید. خوش بحالتان!

رحیم آقا خندید و در حالیکه سیگاری دود میکرد گفت:

– ای آقا!... روزها کار میکنم. شبهام عشقمون اینه دیگه.

گفتم:

– که چی؟

گفت:

– سوروسات روبراه می‌کنیم.

گفتم:

– پس تجارتخانه‌هایتان خوب سود میدهند..؟

خندید و گفت:

– تجارتخانه چیه آقا. ما همه‌مون کارگریم.

با تعجب گفتم:

– کارگری؟! شکر خدا که همه پول دارین. ولی چرا افراط میکنید؟..

گفت:

– چه افراطی؟ در میاریم. خوبم خرج میکنیم.

گفتم:

– رحیم آقا. الان چقدر حقوق میگیرید؟

گفت:

و به، مخصص هستیم [illegible] مدمون هم ماهی هشت به هر [illegible] بومبه [illegible] نیه با اضافه کار

گفتم:

– چند سال پیش چقدر میگرفتید؟

گفت:

ی بابا. وصع خوبی نداشتیم [illegible] تفریحمون سینما رفتن جمعه‌ها بعد از ظهر بود.

گفتم:

– خوب حالا چه تغییری پیدا کرده. چقدر پس‌انداز دارید؟

گفت:

– شکر خدا میرسه چه حاجیه به پس‌انداز، عیالمون هم راضیه.

گفتم:

– خوب، فکر نمیکنی بجای ولخرجی زیاده از حد، کمی هم پس‌انداز کنی که زندگی بهتری داشته باشی؟

گفت:

– نمیدونم واله؟ آخه احتیاجی نمیبینم در ثانی، عشق است، خوب خوش میگذرونیم

دستش را فشردم و گفتم:

– دوست عزیز.... با این درآمد ماهیانه میتونی تا چند سال دیگه هم یه خونه خوب داشته باشی. هم یه ویلای کوچك تو یه ییلاق یا کنار دریا یه ماشین جمع و جور و یك زندگی عالی چه عیبی داره شبها اینقدر خرج نکنی، خواننده رو هم میشه با دست زدن تشویق کرد و برای تفریح و سرگرمی هم میشه رفت به رستوران غذا خورد و رفت پارك شاهنشاهی و دهها پارك دیگر گشت نه بو میده به دود سیگر داره و نه بیهمه ولخرجی بیهوده.

گفت:

– جدا راست میگی‌ها.

وقتی رفتم سر میز خودمان. خواننده ترانه‌ای را تمام کرده بود رحیم آقا برگشت بمن نگاه کرد و سپس برای تشویق دست زد و خندید... و بعد گفت: عشق است نگاهش و خنده‌اش معصومانه بود و بر پرکت، خدا کند همه رحیم‌های کارگر حالا که به وضعیت اقتصادی خوبی رسیده‌اند، بیشتر بفکر زندگی بهتر و زن و بچه و اینده بهتر باشند عشق همین است.

ماهیگیران، کارگران دریا...

زندگی ماهیگران و قصه [illegible] قصه‌های شیرین [illegible] یکی [illegible] عکس [illegible] فرستاده و [illegible] گروه [illegible] میکند و [illegible] هوائی [illegible] زندگی [illegible] و تلاش و کوشش [illegible] فکر

[illegible] که [illegible] کارگری در کشور [illegible] متنوع [illegible] ماهیگیر شمال و جنوب کشور [illegible] کارگران کارخانجات بزرگ و [illegible] عظیم صنعتی، حرف [illegible] صنعتی [illegible] و [illegible] صنعتی و اقتصادی [illegible]

کارگر کم داریم

با مسئول امور اداری یکی از کارخانجات بزرگ مواد غذائی صحبت میکردیم. داشتیم از قسمتهای گوناگون کارخانه بازدید میکردیم و با کارگران حرف میزدیم. حرف برسر این بود که وضع کارخانه و کارگرها چطور است. بهتر است حرفهایمان را همانطور که زدم و شنیدم برایتان بازگو کنم.

جمع حقوقی که ماهیانه پرداخت می‌کنید. چقدر است؟

والله، درست خاطرم نیست، ولی حدود سه‌میلیون و دویست هزارتومان میشود.

کمترین رقم دستمزد چقدر است؟

–کارگرها در بدو ورود که کاری هم بلد نیستند. ماهیانه ۱۲۰۰/ تومان حقوق می‌گیرند و سود ویژه هم نصیبشان می‌شود، باضافه، اضافه کار که معمولا بعلت کمبود کارگر همه انجام میدهند و ازاین بابت نیز حدود هیجده تا بیست تومان میگیرند

غذا چطور، به انها داده میشود؟

والله مااینجا چهار رستوران بزرگ داریم که کارگرها با پرداخت ده ریال یك وعده غذای کامل با سالاد و دسر دریافت می‌کنند، درحالیکه هر وعده غذای انها برای ما ۹۰ ریال تمام میشود

باکمبود کارگر چه میکنید!

وضع ما طوریست که الان شدیدا به کارگر احتیاج داریم و بهمین خاطر بیشتر کارگرها برای جبران کمبود نیروی انسانی اضافه کار می‌کنند درحال حاضر هرکس بما مراجعه کند طبق شرایط استخدامش می‌کنیم چون درمقابل تقاضای زیاد، عرضه‌مان کم است.

روابط کارفرمایان و کارگران چگونه است؟

والله گذشت آنروزی که کارگر یك جیره خواری بیش نبود. حالا کارگر و کارفرما درکنار هم کار می‌کنند شبها باهم میهمانی میروند و روزها با صمیمیت و فداکاری درکنارهم تلاش می‌کنند و این همان چیری است که آرزویش را داشتیم.

... خواندن این سرمقاله دچار بحث شوید، ولی حقیقت همین است و اصل مطلب که ضرورت [illegible] پیش آورد، اینستکه:

چندی قبل در [illegible] یکی از دوستان کارگر که در کار تأتر و هنردستی دارد مطلب نوشتم، با عکسی از یك نمایشنامه‌اش و تشویق از او جزو وظایفمان بود، این مورد چند بار تکرار شد تا اینکه یك روز این دوست عزیز آمد، کنارم نشست و کمی [illegible] گفت:

فلانی، من حس میکنم باید فعالیت هنریم را بیشتر کنم، بنابر این اگر صلاح میدانی [illegible] کارم در کارخانه را [illegible] و بروم هنرپیشگی کنم، کمکم میکنی؟

راستش را میخواهید چنان عصبی شدم که به سختی خودم را کنترل کردم و [illegible] گفتم

دوست عزیز، چون کارگر هستی دوستت دارم و برایت مطلب مینویسیم، وگرنه اگر قرار باشد تشویق ما باعث شود تو زندگیت را رها کنی و بچسبی به رؤیای هنرپیشگی و بازیگری، آنوقت از جمع ما نیستی، من هیچ کمکی که نمیتوانم بکنم جدا، راهنمائیت هم میکنم که خودت تصمیم بگیری، فکر کردی در سینما و تأتر چه گلی بسرت میزنند که تصمیم گرفتی کارگری را با حقوق ماهی سه هزار تومان و کلی مزایا ول کنی و بروی هنرپیشه شوی؟! هیچوقت گول ظاهر را نخور. کارت را بچسب و در کلاس هنری خودتان هم کار کن.

سینما، تأتر و موسیقی کارگران

تلفن کردیم تا با فیروزابادی درمرکزاموزش هنری کارگران تماس بگیریم، نبود. پهلوان پور جوابمان را داد. از فعالیتهای این مرکز سئوال کردیم، خبر این بود:

دوره جدید فعالیتهای مرکز اموزش هنری کارگران از اول شهریورماه آغاز شده و هنرجویان دررشته‌های مختلف موسیقی، تاتر و نقاشی اموزش می‌بینند ریز فعالیتهای این دوره از این قرار است:

تاتر- نقاشی- ویلن- سنتور- جاز- ضرب اواز- پیانو- ارگ- آکاردئون. غیر از این هرسال یك‌سری مسابقات هنری مختلف نیز برگزار میشود که زمینه ان نقاشی و مقاله‌نویسی است. این دومسابقه همزمان با جشن‌های فرهنگ و هنر در ابانماه برگزار میشود و همچنین در این تاریخ چهارمین نمایشگاه سراسری کارگران تشکیل خواهد شد.

در زمینه سینمای رایگان و ارزان قیمت نیز این مرکز فعالیت خود را اغاز کرده و از اول مهرماه که فصل سینمائی است فیلم‌های رایگان در استادیوم کارگران و فیلم‌های ارزان در سینماهای پایتخت برای کارگران به نمایش گذارده خواهد شد.

خداقوت........

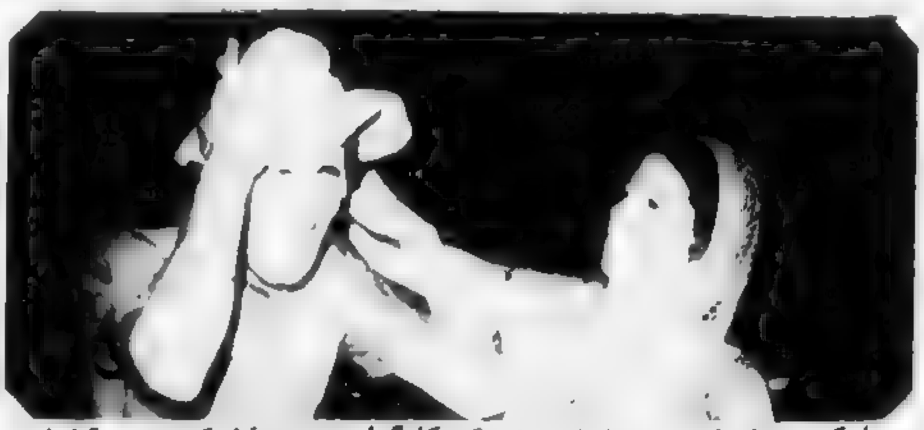

عکسی برایمان رسید از استراحتگاه کارگران محمودآباد که چندی قبل از ان دیدن کردیم، پشت عکس نوشته بودند صحنه‌ای از یك نمایشنامه کمدی که توسط یك خانم و آقای کارگر در استراحتگاه اجرا شد، نگاه کردیم و دیدیم دوستان چه روزهای خوب و چه شبهای گرمی دارند، شب که میشود همه میروند روی چمن مینشینند و برای هم برنامه ترتیب میدهند، با دیدن عکس بیادم افتاد زندگی گذشته کارگران را که اگر میخواستند تنی به آب بزنند، با چه زحمت و حرارتی به کنار دریا میرفتند و در پلاژهای حصیری زندگی میکردند و حالا برای خود اردوگاهی دارند و اب دریا و ویلا و غذای خوب و تنها توانستم بگویم خوش باشید، شما که دستهایتان یاور اقتصاد و پیشرفت و صنعت ایران است.

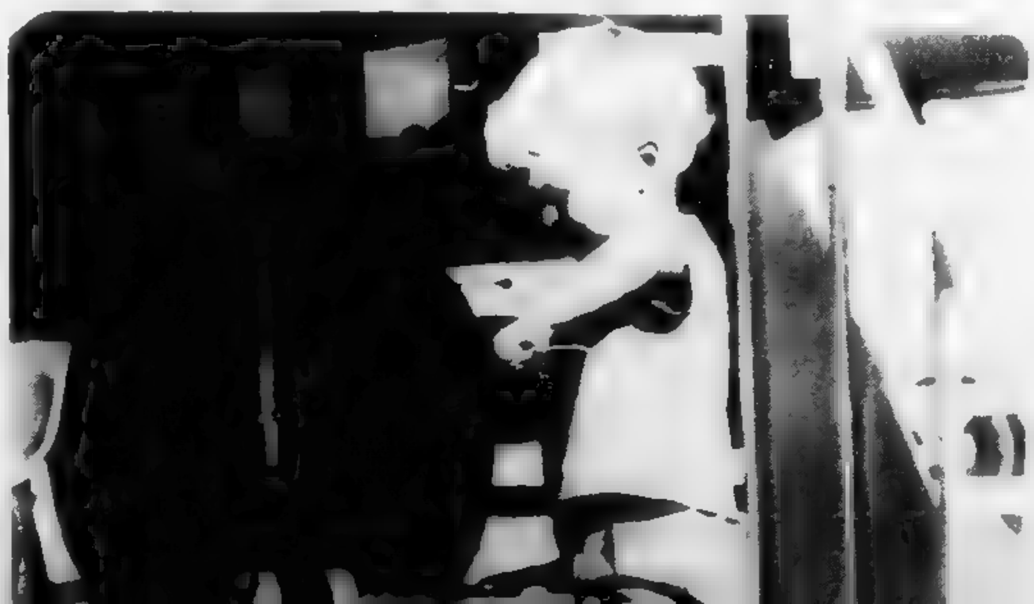

تابود، قبل ازاین سفره خاك و لب جوی و کناردیوارهای کاهگلی جای بازی‌مان بود. بابچه‌های دیگر می‌نشستیم ولم به خاك میدادیم. خوردنیمان نامیه‌های کثیف بود، و وسایل بازی‌مان ماشین‌های حلبی و شکسته که تصویری بود از خواستنی‌ها و دلگیری‌های زندگی کودکانه‌مان.... و حالا چهره‌ها عوض شده، سفره بچه‌های امروزی دویدن درپارکها است و تماشای انواع حیوانات درباغ‌وحش، دیدن و شنیدن قصه‌های تصویری درتلویزیون و دست‌یابی به بهترین وسایل بازی که اینها هم صنعتی شده، هواپیمابازی، ماشین سواری و عروسك‌های قشنگ و... اینست که بچه‌های امروزی یك حرکت صعودی نسبت به بچه‌های دیروزی پیدا کرده‌اند. ما اگر درکودکی یك اتومبیل را به تماشا می‌نشستیم، غرق در نشاط و شادی میشدیم و حالا بچه‌ها در نمایشگاههای بزرگ ماشین‌های غول پیکری را می‌بینند، و اصلا تعجبی هم برایشان ندارد. فصل، فصل زندگی مردان و زنان فردا است باشادی‌هائی که دارند. به تصویر پسرك خوب‌تر نگاه کنیم. باچه هیبتی میله را خم می‌کند. شاید میخواهد یك نمونه وسیله صنعتی بسازد. و چرا که نسازد، هرچه هست اطرافش پراست ازماشینهای صنعتی، پراست ازحرکت و صدا و اعجاب. گذشت آنروزهای کاهگلی رنگ و پریدن ازجوی و حرف ازقصه‌های نابراورده، بچه‌ها امروز اگر قصه‌ای دارند ازمرد شش میلیون دلاری است و یا انسان ماشینی، اگر حقیقتی را می‌بینند، حرکت جمبوجتها است که فضای آسمان را تسخیر کرده‌اند. حرفشان با صنعت و تکنیك همراه است و اگر هم بخواهند، پارکها و جنگلها و دریا را درآغوش دارند. چشم‌انداز طبیعت و صنعت از بچه‌های امروز مردان کارکشته فردا را خواهد ساخت و فردا چه شکوهمند خواهد بود.

شناخت مسئولیت و متعهد بودن از وظایف اصلی سندیکا است

هر روز بیشتر میشویم که سندیکائی تشکیل شده و کارگران یک واحد تولیدی سندیکا تشکیل داده‌اند.

اما هدف از سندیکا چیست و آیا تشکیل آن تامین کننده هدف است؟ یا اینکه پس از تاسیس سندیکا وظیفه سنگین‌تری بر عهده‌اش قرار میگیرد.

در بررسیهائی که تاکنون از فعالیت سندیکاها داشته‌ایم این نکته مشخص شده که بعضی از سندیکاها نمی‌توانند و یا نمیخواهند در جریان هدفهای خود موفق شوند. البته باید یادآوری کنیم که برای بدست آوردن موفقیت بایستی فداکاری کرد و تلاش بدون وقفه را در راه آن بکار بست.

با بسیاری از سندیکاهائی که تا کنون به گفتگو نشسته‌ایم، بودند سندیکاهائی که اعضای ان با اتحاد و اتفاق و کوشش دسته‌جمعی خواسته‌های قانونی کارگران را تامین کرده‌اند و در این راه مسئولیت خود را شناخته‌اند و صادقانه عمل میکنند.

در بررسی و نگاه بفعالیت سندیکاهای کارگران این بار با کارگران عضو سندیکای واحد تولیدی «انیورسال» به گفتگو نشستیم.

این سندیکا در تاریخ ۳۳/۱۰/۱۸ با شماره ۹۷۹ در سازمانهای کارگری و کارفرمائی وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت رسید و تا کنون تعداد ۵۷۰ نفر یعنی مجموع کارگران این واحد تولیدی عضویت سندیکا را پذیرفته‌اند

نمایندگی فردی و کوشش‌های جمعی

در نشستی با مسئولان این سندیکای کارگری با یکایک اعضای هیات مدیره و نیز با مجموع اقداماتی که توسط این افراد انجام شده آشنا شدیم. همچنین در باره سهمی که هر یک از اعضاء در انجام مسئولیت‌های محوله بعهده دارند بحث و تبادل نظر بعمل آمد. حسین صفوی نماینده کارگران و دبیر سندیکا ظهار داشت این واحد تولیدی دارای ۷ دوره نمایندگی میباشد که مسئولیت ۶ دوره آن یعنی مدت ۱۲ سال بعهده من بوده است

اما تشویق کارگران به مشارکت فعالیت گروهی و نیز [illegible] کوشش‌های دستجمعی برای تامین رفاه بیشتر بحث میکرد که هر چه زودتر به تشکیل سندیکا مبادرت کنیم.

دبیر سندیکا آنگاه به مسئولیتهای سایر اعضاء پرداخت و همکاران سندیکائی را چنین معرفی کرد

صالاری رئیس هیئت مدیره سرپرست [illegible] حسین صفوی دبیر [illegible] اصغر منوچهری خزانه‌دار [illegible] تکنیسین قسمت پرسکاری، سید رحیم طباطبائی عضو اصلی و عیسی [illegible] کارگر [illegible]، سید حسین [illegible] عضو اصلی، کارگر ترجیص [illegible] عضو [illegible] عضو علی‌البدل [illegible] بازرس منصدی [illegible]

تفکيك وظايف

با شناختی از مسئولیت‌های سندیکا بحث خود را [illegible] مورد بررسی قرار میدهیم بدین منظور دبیر سندیکا میگوید اولا جلسات عادی سندیکا هر ۱۵ روز یکبار با حضور اعضای هیات مدیره تشکیل میشود و رئوس برنامه‌های لازم الاجرا مورد بحث و بررسی قرار میگیرد

صفوائی افزود دو اصل اساسی در نحوه تصمیم گیری‌های این سندیکا قاطعیت موثر دارد.

یکی آنکه اعضـای هیات مدیره از قسمت‌های مختلف کارگاههـای این واحد تولیدی انتخـاب شـده‌اند و این امر باعث میشود تا کارگران قسمتهای مختلف سادگی بتوانند خواسته‌های خود را با یکی از اعضای سندیکا مطرح کنند و نتیجه این کار این است که هر عضو بایستی نیازهای کارگران حوزه خود را در جلسات عمومی عنوان کرده، موظف است راسا جزئیات کار را دنبال کند

دومین اصلی که در این سندیکا رعایت میشود این است که هر عضو متعهد است در جلسات عمومی سندیکا ماموریتی را بعهده بگیرد و در جلسات بعدی گزارش فعالیت انجام شده را به اطلاع اعضای سندیکا برساند

دبیر سندیکا افزود علاوه بر این هر [illegible] یکبار جلسه عمومی با توجیهی سندیکا با حضور کلیه کارگران عضو سندیکا در سالن [illegible] کارخانه تشکیل میشود

جلسات عمومی بدو منظور برگزار میشود

اول اینکه خواسته‌های عمومی و حتی دردهای خصوصی تك تك کارگران را بررسی نمائیم و دوم اینکه تمام خبرها و گزارشات کارگری و نیز مملکتی روزمره که کارگران بدلایل گرفتاریهای شخصی از آنها بی‌خبر مانده‌اند به اطلاع همه رسانده شود و این مهم قبلاً بوسیله تشکیل نوشته‌های [illegible] انجام میشود و اکنون خوشبختانه مجله [illegible] کارگران در این مورد سهم مهمی [illegible] میکند که [illegible] توضیح این است

[illegible] و [illegible] در [illegible] توجه به [illegible] کشیهای فردی و جمعی [illegible] میدهد [illegible] و [illegible] رفع [illegible] و [illegible] کمک [illegible]

[illegible] در این قسمت [illegible] توجه [illegible] و همه کارگران تلاشهای [illegible] که از طرف موسسه کار و تامین اجتماعی [illegible] میشود در این کلاسها [illegible] آگاهی‌های حتی کافی [illegible]

طرح زمان سنجی

در قسمت از گفتگو رئیس هیات مدیره سندیکا به اقداماتی که تاکنون و در این مدت کوتاه توسط سندیکا انجام شده اشاره کرد و گفت.

تا کنون در باره سرویس‌های ایاب و ذهاب، شرکتهای تعاونی کارگران، حفاظت و بهداشت کارخانه، مسئله دستمردها و اضافه دستمردها، انعقاد پیمانهای دسته جمعی، اجرای روش زمان سنجی (پاداش تشویقی در برابر ازدیاد تولید)، وضع ناهارخوری، مسافرتهای دسته‌جمعی، وضع بیماران در بیمارستان و عیادت از آنها انجام، مراسم جشن و سوگواری، تشکیل کلاسهای ارشادی، تشکیل کانونهای حزبی و مسئله کمك هزینه مسکن و دیگر مسائل رفاهی کارگران کوشش شده است که نتایج بدست آمده بسیار سودمند و نیکو بوده است

دستمرد

وی در مورد اقداماتی که در خصوص دستمردها، حقوق کارگران از طرف سندیکا انجام شده است گفت

در مورد ترفیع حقوقی کارگران علاوه بر مصوبه‌ای که از طرف شورای عالی وزارت کار اعلام شده است هر سه ماه یکبار نیز ترفیع به کارگران تعلق میگیرد و به آنها پرداخت میشود

وی اضافه کرد در حال حاضر میزان حداقل حقوق کارگران این واحد تولیدی روزانه ۲۴۰ ریال میباشد و هر کارگر با توجه به تخصص و سوابق خدمتی خود دستمردی متناسب با آن میگیرد

بطوریکه یك کارگر ماهر تا ۱۴۰۰ ریال در روز مزد دریافت میکند

با کوشش سندیکا توانسته‌ایم با توجه به تشخص هزینه زندگی میزان دریافتی دستمردها را بیش از این افزایش دهد

گذشته از اینها بر اساس طـرح زمان سنجی هر ۱۵ روز بطور دقیق اضـافه تولید کارگران محاسبه و اضافه دستمزد و پاداش بعنوان پاداش تشویقی) متناسب با میزان تولید توسط پرداخت میشود

وی در این مورد توضیح داد که قسمت کنترل دقیق اضافه کار کارگران را چه از جهت اضافه تولید و چـه از نظر سـاعت کار محاسبه کرده و مزد آنرا به کارگران پرداخت میکند.

در اینجا مسئله طبقه‌بندی مشاغل مورد اشاره قرار گرفـت و گفته شـد این طـرح در سـال ۱۳٤۸ توسـط سـازمان مدیریت صنعتی در این واحد تولیدی پیاده شد و در سال ۱۳۵۲ نیز در آن تجدید نظر بعمل آمد که بموجب آن به هر کارگر طبقه و گروه خاصی تعلق گرفت و بر اسـاس آن مسئله دستمزد و اضـافه حقـوق نیز در جـدول مربوط منظور گردیده است

صندوق اعتبار و تعاون

دبیر سندیکا در این مورد اظهـار داشـت صـندوق تعـاونی اعتبار کارگران از سـال ۱۳٤۵ تاسیس شد و حدود دو سال فعـالیت داشت. اما بدلایل مختلف از جمله مشکلات عملکـرد این صـندوق و محـدودیت دامنه فعالیت‌هایش از جهت پرداخت وامهـای لازم و همچنین عدم استقبال کارگران منحل شد و بجای آن صندوق تعاون کارکنان از سـال ۱۳٤۹ فعـالیت خـود را آغاز کرد و در حـال حـاضر با ده میلیون ریال سرمایه در گردش مشغول فعالیت میباشد

سرمایه این شرکت تعـاونی از طـریق برداشت یك روز حقوق کارگران وکارفـرما در هر ماه تامین شده و روز بروز تقویت میشود. رئیس هیات مدیره اضافه کرد با وجـود این، کارگران میتوانند ضـمن برخـورداری از تسـهیلات بیشـتر و بدون انجـام هیچگـونه تشریفات قانونی از وامهای ضروری و دیگـر مزایای این شرکت استفاده کنند.

وی اضـافه کرد: بموجـب مقــررات این شرکت هرکارگر میتواند در ازای هر یکسـال کار میزان ۱۵ روز آخـرین حقـوق خـود را بصورت وام برداشت کند و نحوه بازپرداخـت آن بستگی به وضـع مالی کارگر دارد و برای آن معمولاً حداقل ۱۰ ماه و حـداکثر ٦۰ ماه مدت در نظر گرفته شده است.

ضمناً بهره وامهای دریافتی ۱۲٪ میباشد که ۹٪ آن به پس‌انداز خـود کارگر واریز

مسئولان یك سندیکای کارگری

● اجرای روش زمان‌سنجی راه دیگری برای بهبود وضع کارگران بشمار میآید

اعضای سندیکا در گفتگوئی با خبرنگار مجله رستاخیز کارگران فعالیتهای خود را تشریح کردند.

میشود. حداکثر مبلغی که تا کنون بعنوان وام از این طریق در اختیار کارگران قرار گرفته بیش از ۴۰۰ هزار ریال بوده و علاوه بر این وامها تا کنون بیش از ۱۵۰ نفر از طریق سندیکا از بانك رفاه کارگران وامهای مختلف دریافت داشته و صاحب مسکن شده‌اند.

رئیس هیات مدیره افزود، شرکت تعاونی مصرف کارگران در سال ۲۵۳۲ با سرمایه اولیه ۵۰۰ هزار ریال فعالیت خود را آغاز کرد و سرمایه فعلی آن به حدود ۲ میلیون ریال رسیده است.

فروشگاه این شرکت که در جوار کارخانه تاسیس شده لوازم منزل و مواد مصرفی را با بهره اندك در اختیار کارگران قرار میدهد

پیمان دسته جمعی بر اساس بهره‌وری

دبیر سندیکا در این مورد گفت این پیمان در سال جاری و در اواخر مرداد ماه به امضاء رسیده و مراتب آن به اداره کل سهیم کردن کارگران اطلاع داده شده است.

بموجب این قرارداد حداقل سود ویژه کارگران ۳ ماه و حداکثر ۵ ماه در نظر گرفته شده است.

مبلغ سود ویژه پرداختی در سال گذشته ۱۵ میلیون ریال بود. و در سال آتی برای این منظور رقمی در حدود ۲۰ میلیون ریال پیش‌بینی شده است.

دعاوی حقوقی

در اینجا بحث با اعضای هیات مدیره سندیکا متوجه مسائل حقوقی و اختلافاتی که احیاناً در محیط کارگاه بوجود می‌آید کشیده شد و دبیر سندیکا درین زمینه اظهار داشت:

مشکلات مربوط به اختلافات کارگران را در کارخانه کمتر ملاحظه کرده‌ایم، ولی با این وصف درحدود یکسال است که شورای سازش این واحد تولیدی فعالیت خود را آغاز کرده است این شورا علاوه‌بر وظایف اصلی خود درمحیط کار، تاحال موفق شده است در زمینه ایجاد تفاهم کامل بین کلیه کارگران و کارفرما نقش سازنده داشته باشد و کوشش اولیه ان اینستکه گذشته‌از دلپذیرکردن محیط کار نگذارد هیچ کارگری به هر دلیلی که ممکن است ناراضی بشود و محیط کار خود را ترك کند و یا از محیط کار خارج شود.

گذشته از تمام این مسائل شورا وبالاخص سندیکا بطور اعم تاکنون درمورد دعاوی و مسائل حقوقی کارگران حتی خارج از کارگاه (چه درداخل خانواده‌ها و چه خارج از آن) صمیمانه و مجدانه دخالت داشته و تاکنون در زمینه‌های گوناگون چه دعاوی مربوط به دادگستری و کلانتریها و چه شوراهای داوری و دیگر مراجع حقوقی فعالیتهای چشمگیری درجهت رفاه کارگران و کمك به آنها بعمل آورده است و این یکی از مهمترین اقداماتی است که کارگران به اعتماد کامل بران تکیه دارند

اموزش

دراین قسمت از بحث گفته شد، یکی از ضمنا این واحد تولیدی به کمك صندوق کارآموزی توانسته است سطح مهارت کارگران را افزایش دهد

تفریحات کارگران

مسئله استفاده کارگران از اردوهای تابستانی و زمستانی و تقاضای توسعه این اردوها بمنظور استفاده بیشتر کارگران مورد بحث قرار گرفت و دبیر سندیکا دراین‌خصوص گفت:

این امر با کمك سرمایه‌گذاریهای مشترك کارفرما و مسئولان امر امکان‌پذیر میگردد.

بنابراین با توجه به نیاز کارگران به تفریحات بیشتر و نیز گرایش انها و خانواده‌هایشان به زیارت حرم مطهر حضرت رضا علیه‌السلام که هرساله متداول است ایجاب میکند که اردوهای مختلف و زائرسرای مشهد از توسعه بیشتری برخوردار شود

ورزش

سپس بحث درباره ورزش کارگران ادامه یافت و گفته شد:

متاسفانه کارگران این واحد تولیدی بدلیل از متیازات مربوط به وجود باشگاههای ورزشی محروم بوده‌اند و علت اصلی آن نیز محدودیت جا و مکان است که احداث ان در ساختمان جدید کارخانه در شهرك کورش (جاده ساوه) موکول شده است. ولی با این‌حال تجهیزات اولیه ورزشی از جمله لباس، و وسایل دیگر دراختیار

[illegible] وضعی که [illegible] بیشترین [illegible] در اختیار کارگران قرار میدهد [illegible] هم [illegible] آموزش [illegible] است

در این مورد کوششهائی نیز صورت گرفته است دبیر سندیکا گفت [illegible] تحصیل [illegible] ۱۰دوره کلاس پیکار با بیسوادی در این واحد تولیدی تشکیل شده و ضمنی [illegible] کارگران [illegible] سواد شده [illegible] و درمورد آموزشهای حرفه‌ای و فنی نیز تاکنون چند دوره تحصیلی دراختیار کارگران این واحد تولیدی قرار گرفته است و اکنون کارگران [illegible] مسافرتهای داخل و خارج کشور اعزام [illegible] شده‌اند

کارگران قرار گرفته است

اصول حفاظتی را رعایت کنید

دبیر سندیکا درمورد حفظ ایمنی کارگران گفت: تاکنون از طریق [illegible] بررسی [illegible] کارگران بررسی‌های متعددی از این واحد تولیدی بعمل آمده و توصیه‌های لازم [illegible] شده است.

وی درمورد بهداشت عمومی کارخانه گفت: تاحائیکه ممکن است اصول بهداشت [illegible] کارگران رعایت میگردد چون این امر بستگی کامل به سلامت جسمی و فکری [illegible] دارد. دراینجا بی‌مناسبت نبود که [illegible] به کارگران نیز بحث شود. دبیر سندیکا

در این مورد گفت: کارگران از سالن ناهارخوری نسبتا مرتبی استفاده میکنند. امور عمومی و بهداشت رستوران کارگران تهیه و غذای سالم آنان زیرنظر سندیکا و کارخانه اداره میشود.

کانون‌های حزبی

درپایان گفتگو مسئله ایاب و ذهاب کارگران، محل اورژانس، کمکهای اولیه و نیز تشکیل کانونهای حزبی مورداشاره قرار گرفت.

دبیر سندیکا گفت: بدلیل قرار داشتن محل کارخانه درمحدوده تهران، تاکنون برای برقراری سرویس ایاب و ذهاب کارگران اقداماتی صورت نگرفته که این مسئله هم مسلما در طرح اینده کارخانه انجام خواهد شد.

وی پس به نقص مرکز کمکهای اولیه کارخانه اشاره کرد و گفت این نقیصه نیز نیاز به تجدید نظر دارد زیرا وسایل موجود هرگز جوابگوی سوانح پیش‌بینی نشده نمیباشد.

وی آنگاه اظهار داشت: اخیرا دوکانون حزبی با شرکت ۴۰۰نفر از کارگران این واحد تولیدی تشکیل شده که به شماره‌های ۳۲۹۲ و ۳۹۹۳ درحزب رستاخیز ملت ایران به ثبت رسیده است و جلسات این کانونها هرماه یکبار تشکیل میگردد و طی انها مسایل اجتماعی و آنچه که کارگران بخواهند بحث و گفتگو میشود

سندیکا بمنظور تامین
سازمانهای قانونی کارگران بوجود آمد

سندیکای کارگران شرکت ملی گاز ایران منطقه آغاجاری (بید بلند) در سال ۲۵۳۰ شاهنشاهی تاسیس شد و در سازمان کارگری اداره کار شماره ۶۹۹ به ثبت رسید و جمعاً دارای ۳۷٤ نفر عضو میباشد.

این سندیکا بمنظور تامین خواستهای منطقی کارگران کار خود را آغاز و اولین گام را در جهت تهیه مایحتاج روزمره کارگران برداشت.

تاسیس شورای سازش در کارگاه قدم

بعدی بود که با استقبال بسیاری روبرو شد. زیرا کارگران و کارفرما از این طریق امکان رفع اختلاف و حصول نتیجه مطلوب را بدست آوردند و اطمینان خاطر و روح همکاری متقابل در کارگاه بوجود آمد.

همچنین سندیکا با همکاری و امکانات همه‌جانبه کارفرما به تشکیل شرکت تعاونی مصرف اقدام کرد و کارگران گاز بید بلند برای تهیه لوازم مورد نیاز با تسهیلات بوجود آمده از آن استفاده میکنند. بطوریکه هر کارگر میتواند تا مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال مواد و لوازم مورد نیاز خود را از فروشگاههای تعاونی صنعت نفت با بهره خیلی کم خریداری و برای بازپرداخت آن نیز در هر نیمه از ماه (۱۵ روز) ۲۵۰ ریال از حقوق وی کسر و بحساب سازمان تعاون صنعت نفت واریز میشود.

این سندیکا برای تامین و تهیه مسکن کارگران نیز برنامه‌های وسیعی تدارك دیده و اجرا میکند. بطوریکه چندی پیش ۳۹ نفر از کارگران گاز بیدبلند از طریق شرکت تعاون مسکن اهواز صاحب زمین شدند و بزودی کار ساختمان را اغاز خواهند کرد.

همچنین گروهی دیگر از طریق وام دریافتی از شرکت ملی نفت ایران بمبلغ ۷۵۰۰۰۰ ریال امکان تهیه مسکن در هر نقطه از کشور را که مایل باشند بدست

سندیکای کارگران شرکت تولید کفش شادانپور در تاریخ چهاردهم اسفندماه ۲۵۳۳ با همکاری کارگران این مؤسسه تولیدی تاسیس شد و پس از طی تشریفات قانونی در وزارت کار و امور اجتماعی، به شماره ۷۲۶ به ثبت رسید و رسمیت یافت.

اعضای هیئت مدیره فعلی این سندیکا عبارتند از: قربانعلی انصاری دبیر سندیکا- سید اسماعیل دلیجانی رئیس هیئت مدیره- ولی سلیمانزاده نایب رئیس و منشی هیئت مدیره- حسین فدائی‌فر خزانه‌دار- حسن فلاح‌نژاد- محمدرضا خضری عضو اصلی هیئت مدیره- حسینعلی قاسمی بازرس- علی‌اکبر ... عضو علی‌البدل ... و محمد هاشمزاده بازرس سندیکا.

کارگران و کارکنان این مؤسسه در طی جلسات مجمع عمومی عادی کلیه خواسته‌های قانونی و پیشنهادات و نظرات خود را دقیقاً مشخص و بیان کردند و هیئت مدیره سندیکا کوشش ... نظرات و خواسته‌ها را ... که امکان داشت بمرحله عمل درآورده و تعدادی از تقاضاها را در برنامه ... قرار داده است.

... گفت که فعالیت گذشته

این سندیکا در راه ایفاء نقش خویش توام با موفقیت بوده و کارگران کفش شادانپو اطمینان خاطر دارند که بقیه خواستهای ... در آینده جامه عمل خواهد پوشید.

در نخستین مرحله باید از انعقاد قرارداد دسته جمعی که مشخص کننده خطوط اصلی وظایف و توافق‌های طرفین در گذشته و آینده میباشد و همچنین تضمین کننده همکاری‌های بعدی انها هم محسوب میشود، نامبرد.

بموجب این قرارداد سود ویژه کارگران در سال ۲۵۳۳ بمیزان صد روز دستمزد کارگران تعیین و پرداخت شده است و علاوه بر ان کارگران در ایام عید نوروز بمیزان دستمزد ده روز خود عیدی دریافت میدارند که بدین ترتیب سود ویژه و عیدی کارگران جمعاً بمیزان یکصد و ده روز دستمزد محاسبه و پرداخت میشود که این توافق در اثر تمایل و رضایت همه کارگران بدست آمده است.

علاوه بر این یك سالن بزرگ و مجهز عداخوری برای کارگران احداث شده و کارگران از غذای ارزان قیمت استفاده میکنند. همچنین اضافه کار و شب‌کاری طبق ضوابط قانونی پرداخت میشود.

بموجب قرارداد سال ۲۵۳٤ سود ویژه به میزان صد و ده روز دستمزد کارگران پرداخت میشود و علاوه برآن بابت حق اولاد مطابق قانون کار و قرارداد دسته جمعی بابت هر فرزند، کارگران مبلغ چهارصد و پنجاه و شش ریال دریافت میدارند در مورد حفاظت فنی و وسائل استحفاظی نیز وسائل کافی فراهم آمده وامور بهداشتی هم تامین شده

است و بخصوص خود کارگران هم در حفظ نظافت و پاك سازی محیط کار و تامین بهداشت کارگاه کاملاً کوشا هستند.

کارگران برای واحد تولیدی، همچنین از مزایای بیمه درمانی واز سیستم آزاد نیز برخوردار هستند.

از سال ۲۵۳۲ طرح طبقه‌بندی مشاغل برای این کارگران اجرا شده و توام با

اوردند، که این مبلغ بدون بهره در مدت ۳۰ سال از حقوق کارگران مستهلك میگردد.

سندیکای کارگران شرکت ملی گاز ایران (بید بلند) برای اینده برنامه‌های گسترده‌ای را در پیش دارد که ایجاد هم‌بستگی کامل بین اعضاء هیئت‌مدیره سندیکا، تشکیل کلاسهای پیکار با بیسوادی، پیگیری کردن طرح خانه‌سازی از طریق شرکت تعاونی و مسکن برای اندسته از کارگران که فاقد خانه میباشند بخصوص کارگران جوان را باید نام برد.

هیات‌مدیره جدید این سندیکا در خردادماه جاری با عزمی راسخ برای خدمت به اعضای خود برگزیده شدند و تاکنون نیز موفقیتهائی بدست اورده‌اند

اعضای هیات مدیره عبارتند از

۱ اقای محمدعلی فتاح‌پور رئیس سندیکا
۲ اقای براتعلی محمدی دبیر سندیکا
۳ اقای عباس حدار،چهرد نائب‌رئیس سندیکا
٤ اقای بهرام چلجله خزانه‌دار سندیکا
٥ اقای موچهر کیایی- عضو اصلی هیئت‌مدیره
٦- اقای موسی امیربان بازرس سندیکا و نماینده کارگاهی و حل اختلاف
۷ اقای احمدزنگنه بازرس سندیکا و نماینده کارگاهی و حل اختلاف
۸- اقای افراسیاب لیگلری بازرس سندیکا و نماینده کارگاهی و حل اختلاف
۹- اقای حسین دارابور هیئت داوری و رئیس هیئت داوری
۱۰ اقای ابراهیم حافظی هیئت داوری و نائب رئیس
۱۱ اقای یحیی شریفی هیئت داوری
۱۲ اقای الحاق اژدری- هیئت داوری
۱۳ اقای حمید مهدیان هیئت داوری
۱٤ اقای مصطفی عدالی‌زاده هیئت داوری

موفقیت بوده واز بابت عقب افتادگی آن تا کنون بهر کارگر حداقل ده هزار ریال و حداکثر پنجاه هزار ریال پرداخت شده است.

در مورد تامین مسکن باید گفت که تا کنون موفقیتی بدست نیامده و هیئت مدیره سندیکا در نظر دارد در این خصوص مذاکرات خود را با کارفرما آغاز کند.

براساس حسن تفاهمی که بین کارگران و کارفرما بوجود امده طرفین مشکلات و امکانات همدیگر را بخوبی درك و بهمان نسبت هم خواستها و انتظارات خود را مطرح میکنند و این درك وضعیت همدیگر و کمك متقابل مسئله‌ای است که همواره مورد توجه بوده و در آینده هم همچنان خواهد بود. بطوریکه در گذشته کارخانه کفش شادابپور در یك سانحه اتش سوزی سوخت و از لحاظ سرمایه تولیدی صدمه بزرگی به موسسه وارد شد. برای احیای مجدد این مؤسسه تولیدی، علاوه بر کمك مؤثری که از طرف مقامات بعمل آمد، کارگران با جانفشانی بیدریغ در راه احیاء کارخانه زحمت کشیده و میزان تولید را به هر طریقی بود بمیزان اولیه گسترش دادند و با یك فداکاری کم‌سابقه توانستند کارخانه را بکار اندازند و صدمات گذشته را جبران کنند. همچنین شرکت تعاونی مصرف و توسعه و گسترش آن و تشویق کارگران بی‌سواد و یا کم‌سواد به سواد آموزی و کوشش در راه بالا بردن سطح مهارت فنی از برنامه‌های دیگر هیأت مدیره است که در اجرای آن نیز کوشش و فعالیت خود را متمرکز کرده است.

تعلیمات سندیکائی برای کارگران

خواهران و برادران عزیز کارگر بخوبی آگاهند در سالهای اخیر که کشورمان در پرتو انقلاب شاه و ملت، پیشرفت شگرفی در جهت صنعتی شدن داشته و این امر موجب افزایش تعداد کارگران گردیده است. لزوم تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری بمنظور دستیابی بحقوق قانونی، و تامین رفاه بیشتر، که از طریق تشکل در سندیکاها و تشکیل شرکتهای تعاونی امکان پذیر است. بیش از پیش حس میشود. خوشبختانه در این سالها، به برکت انقلاب شاه و ملت، بسیاری از کارگران به تشکیل سندیکا اقدام کرده‌اند، و دیگران نیز در جریان تشکیل آن هستند... و ما برای آنکه خوانندگان عزیز بیشتر به لزوم تشکیل سندیکا دستیابی به حقوق صنفی خویش، و چگونگی تشکیل آن آگاهی یابند، مطالعه این سلسله مقاله را توصیه می‌کنیم...

[illegible] بهان انقلاب صنعتی تغییر شکل ساختمان اجتماع و بالطبع سازمانهای اجتماعی و پیدایش و ایجاد سازمانهای نوینی است که بتواند جوابگوی نیازهای ناشی از این تحول باشد. بهمراه این تحول نسبت جمعیت شهرنشین تغییر یافته و بسرعت افزایش می‌یابد، در حالیکه بهمین نسبت از جمعیت روستاها کاسته میشود، بطوریکه در یك کشور صنعتی بیش از هشتاد درصد جمعیت در شهرها زندگی میکنند.

این جمعیت اکثراً در کارگاهها، کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی فعالیت مینمایند و خواسته‌ها و نیازهای گوناگون و متضاد داشته و از طرفی در تحت تاثیر زندگی شهری، دامنه انتظارات و توقعات آنها دائماً افزایش می‌یابد. تامین نیاز این افراد بدون وجود نیرویی متشکل بسیار مشکل و حتی در بعضی موارد غیر مقدور است و یا اینکه لااقل در کوتاه مدت عملی نخواهد شد و در نتیجه این امر موجب گردید که پیشینیان و متفکران بویژه آنهائیکه دارای نیاز و خواست مشترکی بودند در صدد چاره‌جوئی بر امده و با تحمل مرارت و رنجهائی فراوان پس از سالها مطالعه و تبادل نظر وسیله مناسب و مفیدی جهت حل و رفع این مشکلات ارائه نمایند، بطوریکه از طریق این وسیله نه تنها بتامین خواستهائی بیش از حد انتظار خویش دست یافته، بلکه بر شخصیت و اعتبار اجتماعی خود نیز افزوده‌اند. این پدیده مناسب سازمان اجتماعی متشکلی است که سندیکا و اتحادیه نامیده شده است. چنین سازمانی چه از نظر مادی و چه از لحاظ معنوی قدرت و اعتباری بیش از فردفرد و مجموع اعضاء خود دارد و بهمین دلیل بهترین وسیله برای تامین نیازمندیهای مشترك گروهها بوده و بر تعدادش روزبروز افزوده میشود، بطوریکه امروز بویژه در کشورهای پیشرفته کمتر فردی را میتوان یافت که در چنین سازمانهائی عضویت نداشته باشد.

این سازمانها بمعنا و مفهوم حقیقی خود تا قبل از انقلاب ششم بهمن در کشور ما وجود نداشت و از آنجائیکه انقلاب سفید تحولات بنیانی در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران پدید آورد، بالطبع شالوده صحیحی برای تشکیل چنین سازمانهائی پی‌ریزی کرد، بطوریکه در پایان سیزدهمین سالگرد انقلاب ایران تعداد سندیکاهای [illegible] ۱۰٤۰ سندیکا و ۱۸ [illegible] کمال را میپیماید و این امید است که در آینده نزدیك با ایجاد اتحادیه‌ها بر قدرت این پدیده بیش از پیش افزوده شده واز اینطریق ضمن ایجاد یك محیط سالم بتوان بر اساس اعمال اصول روابط صنعتی و انسانی صحیح بر میزان درامد ملی و متلاً درامد طبقه کارگر افزود.

سازمانهای سندیکائی تا کنون توانسته‌اند نقش مؤثری در تامین نیازمندیها و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی افراد عضو، بویژه طبقه مزدبگیر ایفاء نموده و بر اعتبار آنها بیافزایند که بعنوان مثال بچند مورد آن اشاره میکنیم.

این موضوع برای فردفرد ما عملا به ثبوت رسیده که هر قدر از لحاظ مادی و معنوی نیرومند باشیم باز قادر نخواهیم بود که احتیاجات خود را شخصاً مرتفع نموده و از کمك دیگران بی‌نیاز باشیم. یك فرد با امکانات مالی محدود زمان محدود و محدودیت فکری بسختی قادر است تمام یا اکثر خواستهای خود را تامین کند. دید و آگاهی فرد نسبت بمسائل گوناگون تا آن حد نیست که بتواند بدون مشاوره و کمك دیگران بطرز صحیح اتخاذ تصمیم نموده، طرح‌ریزی کرده و بهدف خویش نائل آید. و [illegible] اگر این مسائل [illegible] گروه [illegible] حرفه و صنف بخصوصی باشد [illegible] منتسب خواهد بود و [illegible] کسانیکه دارای احتیاجات مشترکی میباشند دست بدست هم داده و امکانات خود را از هر لحاظ در یکجا متمرکز نموده و بطرز صحیحی هدایت و اداره شوند، قدرتی عظیم تشکیل داده و باسانی میتوانند از این طریق بر مشکلات و معضلات خویش فائق آیند

هر یك از ما شاید در زندگی روزمره بارها با مصداق گفته بالا برخورد نموده باشیم. بعنوان شاهد در کارخانه‌ای دو نفر کارگر قصد حمل میز نسبتاً بزرگی را داشتند قدرت و نیروی آنها برای حمل میز کافی نبود. میز را بروی زمین کشیده و حمل میکردند. در سر راه آنها پله‌هائی قرار داشت که میبایست از آنها عبور کنند. موقعیکه میخواستند میز را از روی پله‌ها عبور دهند، یکی از آنها بزمین افتاد و پایش آسیب دید و کارگر دیگر که توانائی حمل میز را نداشت از [illegible] دست کشید و بهلوی همکار اسیب دیده خود در گوشه‌یی نشست، ولی پس از مدتی، بدستور سرپرست کارخانه پنج نفر امدند و میز را براحتی و بدون دردسر نقل مکان داده و بمقصد رسانیدند

بررسی این صحنه چه چیز به ما می‌اموزد؟ برای روشن شدن مطلب اگر حاصل کار ایندو گروه را ارزیابی نمائید، گروه اول هر دو وقت خود را صرف نموده و حاصلش جز اسیب و ناراحتی چیزی نبوده است. گروه دوم بلحاظ برخورداری از امکانات بیشتر توانست با صرف نیرو و وقت کمتری براحتی بمنظور خویش دست یابد. عین این موضوع در مورد کار گروهی شما در تشکیلاتی نظیر سندیکا یا اتحادیه صادق است که با برخورداری از تجمع قدرت خویش میتوانید سخت‌ترین مشکلات و مسائل را با حداقل نیرو و زمان حل نموده و بمنظور خویش نایل آئید و این یکی از مهمترین مزایای سازمانهای اجتماعی متشکل از جمله سندیکا و اتحادیه میباشد.

تشکل کارگران و کارفرمایان با نیازهای مشابه در سازمانهائی نظیر سندیکا و اتحادیه علاوه بر خودیاری جمعی و رفع مشکلات و استفاده از نیروی گروهی، مزایای دیگری را نیز در بردارد که بهره‌مندی از حمایت دولت و توجه دولت بنظرات آنان را میتوان از مهمترین آنها برشمرد. از آنجائیکه سازمانهای متشکل کارگری و کارفرمائی صورت سازمانی مجتمع و دارای منافع مشابه و نظرات یکسان میباشند و سازمانهائی هستند که نماینده گروههای عمده جامعه بوده واز مصالح و مقاصد شکل گرفته آنها دفاع و پشتیبانی میکند و نظرات آنها اغلب با منافع طبقه یا گروه خاص ارتباط پیدا میکند در صورتیکه این نظرات مخالف منافع و مصالح عمومی نباشد مورد حمایت دولت قرار گرفته و دولت در تنظیم برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی اعم از محلی، منطقه‌یی و مملکتی از نظرات مشورتی آنها استفاده خواهد کرد و از این طریق نیز قسمت دیگری از نیازهای آنان بوسیله بخش دولتی تامین خواهد شد. کما اینکه در حال حاضر سازمان کارگران ایران که مرکز تشکیلات کارگری ایران است و کلیه سندیکاها عضویت این سازمان را پذیرفته‌اند، به نمایندگی از طرف کارگران ایران در کمیسیونهای سه جانبه دولت، کارفرما، کارگر شرکت نموده و نظرات خود را از طرف کارگران ابراز میدارد.

«ادامه دارد»

ابوالفضل جواهری کارگر موفق:

از: ایزد مهدیان

کارگران امروز باسطح فکر برتر، در راه ترقی بیشتر...

موفقیت بدست نمی‌آید. برای دستیابی به آن بایستی کوشش کرد و برای این کوشش نیز روش و طریقی لازم است که بدون توجه به آن موفقیت ممکن نمیشود.

در میان دوستان کارگر کسانی که راه ترقی و تعالی را طی کرده‌اند بسیارند و شناخت و برگزیدن روش آنها در زندگی، لازم و ضروری است.

در بازگویی این حقایق این بار نیز از زندگی یکی دیگر از کارگران موفق سخن میگوییم: شخصی که با دستمزد روزی ۵ شاهی قدم به کار گذارد و امروز میتواند ۵ شاهی را بخدمت گرفته و سرمایه‌گذاری کرده است.

تلاش، تکاپو، خواستن، واقع بین بودن و حقیقت زندگی را لمس کردن: تمام این عوامل به اتفاق یکدیگر شرایطی را بوجود آوردند تا مردی را به مرزهای موفقیت برسانند. اگر چه خود معترف به این حقیقت است، لیکن لحظه‌ای نمی‌ایستد و تلاش و کوشش را سرلوحه زندگی خود قرار داده است.

برای گفتگو و شناخت وضعیت زندگی جواهری، بکارگاه بزرگ کبریت‌سازی و میرویم. کارگاهی با همه تجهیزات و همه مشکلات صنعتی و با فرآورده‌های بسیار زیبا که حاصل کار آن را در پوسترها، روزنامه‌ها، مجلات و کتابها می‌بینیم..... و این کارگاه بزرگ متعلق به یک کارگر موفق برای ماست که شگفتی و حیرت ما را که چگونه کارگری توانسته است از هیچ، همه چیز بسازد بر می‌انگیزد، و در سکوت می‌رویم.

اما «جواهری» یکی از کارگران سرافراز و صنعتی با نسخه‌ای منطقی این سکوت را میشکند و صفحه‌ای از کوشش و زندگی فردی خود ساخته و موفق می‌گشاید، که ما هم در بحث می‌جوییم.

در اولین سئوال از جواهری میخواهیم که در کلامی کوتاه شمه‌ای از سرگذشت زندگی خود را بازگو کند و اینکه محیط کار اولیه چه تاثیری در روحیه او بجای نهاد و چگونه راه برای حرفه و فن او هموار شد.

وی در پاسخ میگوید:

«اولین کاری را که شروع کردم در سن ده سالگی و در یك کارگاه کوچك کبریت سازی در تهران بود. در ابتدا روزی ۵ شاهی بعنوان دستمزد دریافت میکردم و این حداکثر مزد یك کارگر ساده بود. اما اگر کارگری میتوانست راندمان کار بیشتری داشته باشد، بالطبع از مزایای بالاتری برخوردار میشد. بنابراین پس از چند هفته کارکردن، علیرغم سن و سال کم، تلاش کردم که بطور زمانی هم شده اداره دستگاه بزرگ کبریت سازی را بعهده بگیرم.

سرانجام موفق شدم تصدی دستگاهی را که در فرمان استاد کار من بود بعهده بگیرم و قابل توجه است که در عرض مدت خیلی کوتاه و بطور سریع، میزان دستمزدم به روزی ۲۵ ریال افزایش یافت...»

جواهری در اینجا پس از مکثی کوتاه، با لحندی غرورآمیز اضافه می‌کند:

«گرچه شور و شوقی که از همان ابتدا در وجودم می‌جوشید، سبب شد گرایش بیش از حد تصور نسبت به کار، و تمام کارهای فنی پید کنم، اما بهر حال حیرتی که در وجود همردیفانم از سرعت کار من بوجود میآمد خود دلیل دیگری شد تا بیشتر به کار دل بندم و در همین حال بود که حس کردم میتوانم در محیط کار برای خود پیروزی بیافرینم...»

در این قسمت از گفت و شنودمان فرصتی پیش میاید تا از جواهری راجع به درس و تحصیلاتش بپرسیم.

او گفت: «ضمن اینکه در آن کارگاه کار میکردم، گرچه بعد از کار روزانه، شبها را نیز بعنوان اضافه کار سرگرم بودم، اما یکشب در میان، فرصتی بدست می‌آمد، و من از این فرصت استفاده میکردم و در کلاس درس حاضر میشدم..... و بدین ترتیب درس خود را ادامه دادم.»

در آنموقع ساعت کار مشخصی وجود نداشت و از ساعتی که هوا روشن میشد تا هنگامی که آفتاب غروب میکرد، کار میکردیم و براساس

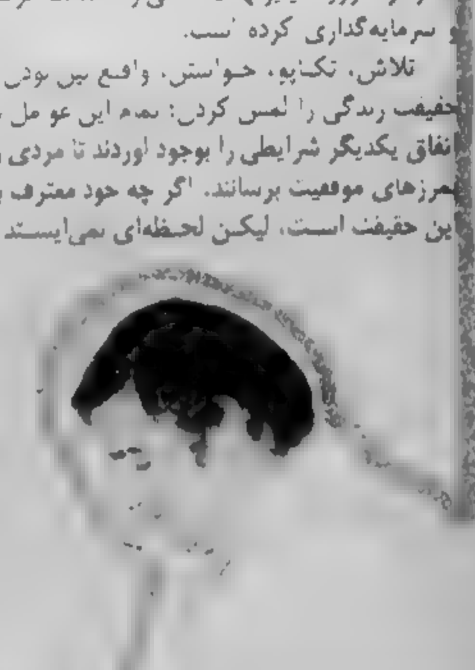

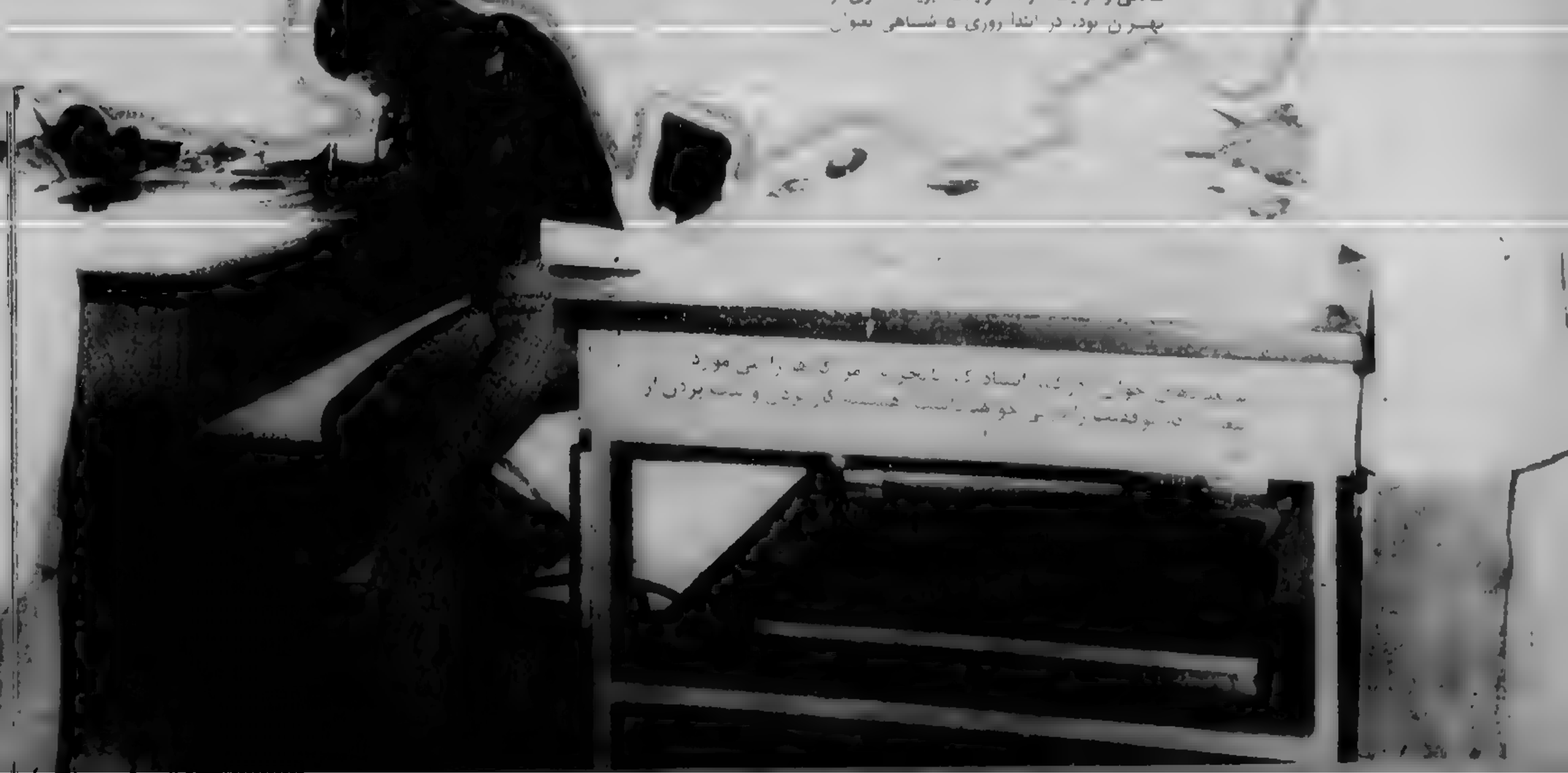

[illegible]

*** شیک‌پوشی و توجه به تجملات کارگران را از موفقیت‌های واقعی باز می‌دارد.**

*** کارفرمایان باید گره کراوات خود را باز کنند، و در جریانِ کار قرار گیرند.**

*** میلیون‌ها ریال سرمایه، با ۵ شاهی دستمزد روزانه.**

ابوالفضل جواهری در سال ۱۳۱۱ در اراک و در خانواده متوسطی بدنیا آمد.
کار خود را در سن ۱۰ سالگی آغاز کرد و دربدو کار، روزی ۵ شاهی دستمزد دریافت میکرد. وی تحصیلات خود را بطور شبانه و تا دوره اول دبیرستان ادامه داد.
نخست در یک کارخانه کبریت سازی کار خود را شروع کرد و پس از مدتی در یک گراورسازی به کار مشغول شد و سپس به موسسه کیهان راه یافت.
وی ضمن تغییرات شغلی خود، به مؤسسه اطلاعات رفت و مدت ۱۷ سال مسئولیت گراورسازی آن مؤسسه را بعهده داشت. آنگاه این مؤسسه را ترک کرد، و شخصاً بکار پرداخت.
او اکنون صاحب یك مؤسسه بزرگ گراورسازی است که در سال ٤۱ شخصاً بنیان گذاشته است و تعدادی کارگر را دوشادوش خود به کار گمارده است.
جواهری متاهل است. در سن ۲۳ سالگی ازدواج کرده و دارای ٥ دختر و یك پسر میباشد که بزرگترین آنها سال سوم دانشکده را میگذراند و کوچکترینشان ٤ ساله است.

همین عادت گذشته است که هنوز سحرگاه بیدار میشوم و خود را برای کار آماده می‌کنم و تا شامگاه مشغول به کار هستم.»

وی اضافه میکند: «اما مسئله‌ای که در آنزمان برای من پیش آمده بود مشکل ادامه تحصیل ضمن کار سخت و طاقت فرسائی بود که متعهد شده بودم. بخصوص آنکه تحمل رفت و برگشت به محل کار - نبودن سرویس ایاب وذهاب - و عدم امکانات تحصیلی برای بچه‌ای در سن و سال من شدیداً مطرح بود، اما برخلاف همه خستگی‌های تن آزار از مطالعه و مدرسه گریزی نداشتم و با اینکه اکثر شبها از فرط خستگی پای درس و کتب خود به خواب می‌رفتم، ولی همیشه با شاگردهای ممتاز کلاس رقابتی سخت را دنبال میکردم.»

با توجه به این گفتگو، از جواهری سئوال می‌کنم: «این انگیزه او برای کار کردن در آن سن چه بود، با میل و علاقه شخصی... و اصولا چه الزامی وجود داشت که از کودکی راه درس و مدرسه را فراموش کرده و تحصیلات را فدای کار کند؟ ...»

او در پاسخ می‌گوید «البته نیاز مادی را نمیتوان کتمان کرد. از طرفی اصولاً در آن زمان پدرومادرها نسبت به تحصیل فرزندانشان توجهی نداشتند، اما بهر صورت آنچه مدار اصلی هدفهای مرا می‌ساخت، کشش باطنی به کار بود و بخصوص آنکه همه وقت میخواستم متکی به خودم باشم و در نتیجه از همان ابتدای کار مسئولیتهای اجتماعی را به جان و دل پذیرا شدم. همیشه حس می‌کردم حالا که میتوانم در حد کمال کار کنم و کارگر موفقی باشم چرا چنین فرصتی را از دست بدهم و از همه مهمتر اینکه نسبت به کارهای فنی شوقی وافر داشتم.

سئوال دیگرمان به این اختصاص می‌یابد که اصولا کار فنی بمعنای واقعی را از کجا و چگونه شروع کرده و به چه نحوی رشته مورد علاقه خود را یافته است؟....

جواهری در پاسخ این پرسش می‌گوید: در حقیقت از زمان کودکی، و در موقعی که چندان شناختی از دنیای تکنولوژی نداشتم، همچون سرگشته‌ای بدنبال گمشده‌ای بودم که بعدها دریافتم همان کار فنی است. در ... این ادعا ... بگویم که در همان ... شدیدی به ... کتابها و نوشته‌های فنی داشتم و بدنبال همین ... پس از دو سال کار در همان کارگاه کوچک کبریت سازی و مدتی ... در فن ... حرفه ... در ... به کار در گراورسازی سوق داد.

قبول مسئولیت کار ... یك کودك ۱۳ ساله ... پرخطر و زحمت‌آور چندان معمول ... نمی ... وی ... قطعی و ... من ... را در هم می‌شکست ... خود ... هر کار شاقی ... کرده بودم ... به هدف مطلوب ... و من در گراورسازی «کیسی» در لاله‌زار ... بعنوان مسئول به کار ...

جواهری می‌افزاید «پس از دو سال کار در این کارگاه در مؤسسه کیهان در قسمت گراورسازی ... مؤسسه ... حرفه خود را ادامه دادم. همیشه می‌دانستم که باید محیطهای بزرگتری را برای کار انتخاب کنم و اگر باید کاری انجام دهم، بهتر است در یك محیط کوچك نباشد و در این صورت حس می‌کردم محیط قبلی نمی‌تواند به نیرویم ... جذب کند. علاوه همیشه از ... و ... قرار می‌کردم و می‌خواستم ... هم آشنا شوم و به نوآوری بیشتری دست یابم. از این رو پس از مدتی کار در این مؤسسه، به مؤسسه اطلاعات رفتم و در آنجا با سرعت، علاقه و عشق خود را نسبت به کار ثابت کردم و براساس همین کارائی‌ها خیلی سریع راه ترقی برایم هموار شد.

جواهری در مورد اینکه ترقی و پیشرفت برای او چه معنی دارد و در زمینه چگونگی کار در این مؤسسه، می‌گوید:

«مگر هدف از پیشرفت این نیست که نحوه کار کارگر شدیداً مورد توجه همگان قرار گیرد و از حاصل کار، هم خود و هم مسئولان مربوطه کمال رضایت را داشته باشند؟.... بنابراین من نیز کار خود را در این شرایط موفقیت‌آمیز میدانستم، زیرا آنچه را که میخواستم بدست آوردم و همه چیز بر وفق مراد بود من در این مؤسسه مدت ۱۷ سال کار کردم و بطور مثال باید بگویم در این مدت بارها تقاضای استعفا کردم تا بدلیل تنوع در کار، راه دیگری را برگزینم، اما از آنجا که سخت مورد توجه بودم، با استعفای من موافقت نمیشد، بطوریکه ناگزیر به دلایل گوناگونی متوسل شدم تا توانستم آن مؤسسه را ترک کنم زیرا در آن روزها طرح ایجاد مؤسسه‌ای مستقل را ترسیم میکردم.

با اشاره‌ای که جواهری در خلال این گفتگو دارد، مشخص شد که او همیشه رمز پیروزی را در محیط کار کشف کرده است، گذشته ... از فرصتهای پیش آمده برای مطالعه روشهای جدید سود برده است.

او در این مورد توضیح میدهد که ضمن ... که به زبانهای انگلیسی والمانی دست ... بودم، حتی کتب خارجی را هم مطالعه میکردم و ... هر ... شخصی به چند سفر خارج رفتم ... روشهای جدید در زمینه مورد علاقه ... اینکه ... سوم که حرفه ... چنان مرا در خود غرق کرده بود ... وقار ... تکنیك مدرن ... هیچ ... گذرا ... بدین منظور ... زندگی ... به تخصص فوق ... گرامی، وی مؤسسه ... ۱۵ ساله ... من ... در ... تنهایی ... بودم ... در نتیجه ... مطالعات ... به ... رسانم.

جواهری اضافه میکند ... به این مؤسسه علاقه شدیدی ... فراهم آوردن فرصتهای بهتر در ... زندگی‌های ... بطور مستقل ... مؤسسه را ترك کرده ومقدمات تهیه وتدارك مؤسسه مستقل گراورسازی را شخصاً فراهم آوردم.

درا‌ینجا مسئله دیگری مطرح میشود ... برنیست که کار مستقل میتواند بتوسعه قدرت مالی بیشتر تلقی شود و از دیدگاه دیگر هدفهای عینی‌تر واجتماعی‌تری را در بر داشته باشد؟

از جواهری می‌خواهم که این مقصود را از نظرگاه خود توجیه وتعبیر کند. وی اظهار میدارد: در حقیقت اندیشه من در این راه توسعه وگسترش این حرفه بود ومقصود نهائی آنکه با فراغت وفرصت مناسبتری بتوانم به این سازندگی گسترش ببخشم. بهمین جهت در عین طرح ایجاد یك مؤسسه بزرگ ومجهز مطلوب نظر من بود وامید داشتم که با این پروژه شاید بتوانم به اندازه یك آجر در بنای اقتصادی مملکت سهیم باشم وبدین ترتیب دین خود را نسبت به اقتصاد جامعه خود ادا کنم البته تقویت وتامین زندگی شخصی در خلال این ایده‌ها هرگز فراموش نمیشود. ولی پس از ترك محل کار قبلی (حدود ١٤ سال پیش) عدم امکانات اولیه وضعف بنیه مالی پاسخگوی طرحهای وسیع من نبود. اما بهرحال با استفاده از ماشینهای ساده ومستعمل کار را شروع کردم وعلیرغم ناملایمات ابتدائی وضمن بهره‌گیری از تلاشهای شبانه روزی، به کارها رونقی تازه بخشیده شد وخیلی زود توانستم با خرید دستگاههای مدرن وبدون یاری گرفتن از هرگونه تبلیغات، ۳۰ نفر از برادران کارگر را در مؤسسه خودم بکار بگیرم وبا کوشش پیگیر مقدمات ایجاد

بقیه درصفحه ۱۰۰

دستهای باتجربه و ماشینهای مدرن، درخدمت تولید بهتربکار گرفته شده است.

از سیگارهای دست‌پیچ،

تا مدرن‌ترین ماش

یکی از تجار که مخالف انحصار دخانیات بود، دوازده هزار کیسه «تنباکو» را به آتش کشید

... شرکت دخانیات ایران یکی از بزرگترین واحدهای کارگری میهن ما محسوب میشود. در تاسیسات مختلف دخانیات در حال حاضر در حدود پنجهزار کارگر بکار مشغولند که با خانواده‌های خود، جمعیتی بیش از ۲۰هزار نفر را تشکیل میدهند.

دستهای نیرومند کارگران دخانیات با کمك ماشین‌های مدرن و مجهز که هر روز بسوی وسعت و گسترش پیش میرود، باعث شده تا از نظر درآمد در بخش دولتی، پس از نفت و گمرك، مقام سوم را بخود اختصاص دهد. فرآورده‌های دخانیات حاصل تلاش چهل هزار کشاورز است که بدین ترتیب در مجموع ۴۰ هزار کشاورز و ۵۰۰۰ هزار کارگر با خانواده‌های خود، در حدود ۲۰۰/۰۰۰ هزار تن بالغ میشوند، که با شرکت دخانیات ایران پیوند دارند.

«توتون و تنباکو» در حدود پانصد سال پیش توسط سربازان پرتغالی به ایران آمد و کم‌کم استعمال و کشت ان در کشور ما مرسوم گردید

توتون و تنباکو در ایران سرگذشتی شیرین و پی‌آمدهائی دارد که از نظرگاه مورخین به استوار شدن زیربنای مشروطیت انجامید، و در واقع پایه‌های مشروطیت ایران استحکام یافت.

ملت ایران که در تمامی طول تاریخ روحیه استقلال‌طلبی و وطن‌پرستی خود را حفظ کرده است و هیچگاه تن به یوغ اجانب و بیگانگان

داده، این‌بار نیر یکی از بارزترین تجلیات اخلاقی خود را به ظهور رساند و در صفوفی متشکل به مخالفت با قرار داد انحصار دخانیات پرداخت.

«عبدالله مستوفی» نویسنده تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجاریه می‌نویسد: «... در مسافرت اخیر ناصرالدین شاه بفرنگ، در لندن، دادن امتیاز انحصاری معامله‌ی «توتون» و «تنباکو» در ایران به کمپانی انگلیسی خواسته شده و ناصرالدین شاه مذاکرات مقدماتی آنرا تمام کرده بود. این دو ساله را صرف چگونگی نوشتن امتیاز نامه و تدارك مقدماتی این کار و دادن تشکیلات برای اداره آن کرده بودند...» در رجب سال ۱۳۰۸ هیئت کمپانی مزبور وارد تهران شدند. گرچه اصل این معامله را بعد از آمدن شاه از فرنگ رئیس الوزراء در انگلستان تمام کرده بود، ولی چون قرار داد هنوز به امضاء شاه نرسیده بود، صاحبان کمپانی پس از ورود بتهران چهارصد هزار تومان به عنوان تعارف به مسئولین امر دادند، تا سایر رجال دولت را بدین وسیله همراه ساخته و امتیاز نامه را به امضاء ناصرالدین شاه و سایر وزراء برسانند. پس از پرداخت چنین پول کلان و قابل ملاحظه بود که فرمان ناصرالدین شاه به این شرح انتشار یافت:

«... تنباکو» و «توتون»، مینوپل (مونوپول) خرید و فروش و ساختن یا خارج، کل تنباکو و توتون که در ممالك محروسه بعمل آورده میشود، تا انقضاء مدت پنجاه سال از تاریخ امضاء این انحصار نامه به ماژور دربالیت» و بشرکای خودشان ...رحمت فرمودیم...»

پس از امضاء قرار داد، مردم در صفوفی متشکل به مخالفت با آن و عاملین اجرای آن پرداختند، تا جائی که بسیاری از مردم غیرتمند که تن بزیر بار گران این‌گونه اعمال زور نمی‌دادند، ثروت خود را پنهانی به فقرا تقسیم کردند و عده‌ای از آنها اموال خود را به آتش کشاندند.

چنانچه یکی از ثروتمندان فارس که صاحب املاك و مزارع بسیار بود، در این واقعه دوازده‌هزار کیسه تنباکوی موجودی خود را که در انبار داشت به آتش کشید. ماجرا از اینقرار بود، که در خصوص فروش باکمپانی کنار نیامد و چون دید که خریدار انگلیسی بینهایت فشار می‌آورد، از او یکروز مهلت خواست تا معامله را انجام دهد، لذا

بن های تولید سیگارت

همانشب تمامی دوازده هزار کیسه تنباکو را انبار به زمین وسیعی منتقل نمود و نفت زیادی روی آنها ریخت و تمامی را به دست آتش داد. فردای آنروز وقتی مرد انگلیسی به او مراجعه کرد، تاجر گفت همه را فروختم. نماینده کمپانی ـ صورتی افروخته می‌گوید

ـ با ممنوع بودن فروش تنباکو، چگونه آنها را فروختی و به چه کسی فروختی، تا هر چه زودتر بها را از او پس بگیریم؟!... از این گذشته تو و خریدار را به زندان خواهم انداخت

تاجر در کمال خونسردی، مرد انگلیسی را به کنار تل خاکستری برده و می‌گوید.

ـ این تمامی دوازده هزار کیسه «تنباکو» ست که به خدای خود فروختم. اینك آنرا از خدا باز ستان و مرا به زندان انداز

آزار مردم روزبروز توسط عمال کمپانی افزون میگشت، تا این که از حد تصور خارج گردید: در همین زمان بود که حکمی به این شرح از طرف میرزای شیرازی، مرجع تقلید شیعیان انتشار یافت:

. الیوم

استعمال تنباکو و توتون بای نحوکان در حکم محاربه با امام زمان است... »

بن حکم در یك بیمرور به سراسر کشور رسید و پس از آن در تمامی ایران از هیچ نقطه و محلی، دود چپق ـ قلیان و سیگار و سایر دخانیات دیده میشد.. حتی از حرمسرای شاه و مجالس و دارات دولتی و سربازخانه‌ها... تا جائی که زنان حرمسرا تمام غلیان‌ها را در جلوی عمارت شاه جمع کرده و یکباره آتش زدند

مقاومت مردم آنقدر ادامه یافت تا شاه چاره‌ای در لغو امتیاز ندید. عبدالله مستوفی می‌نویسد

« لغای این قرارداد اولین قرض دولت ...ن را به خارجه تشکیل داد، زیرا قـرار بر این ...سد که دولت انگلیس خرج و خسارت کمپانی را بپردازد و در عوض دولت ایران به آن دولت سندی بدهد و اصل و فرع آنرا چند ساله بپردازد و در عوض دولت ایران به ... دولت سندی بدهد و ...ص و فرع ...را چند ... بپردازند »

در سال ۱۲۹٤ ... قانون انحصار ...دخانیات در مجلس شورای ملی بتصویب رسید ... این قانون در ۲۷ ...سفند ۲٤۸۳ شاهنشاهی و در ۲۹ ...سفند ۲٤۸۷ و ۱۳ آبان ۲٤۸۹ تغییراتی پیدا کرد و اخیراً در ۲٦ اسفند ۲٤۹۰ شاهنشاهی ... قانون انحصار دخانیات تصویب شد و بعضی ... ۲٤۹۱ روی ... عمل شد

این قانون ... همه کشورهای دیگر به دولت اجازه داده بود که روی کالاهای دخانیه ... یك

تحریم «تنباکو» زمینه پیدایش مشروطیت شد

[illegible]

در هرحال ایجاد این کارخانه نیز یکی از اقدامات و آثار بزرگ این عصر درخشـان اسـت و از هر جهت شایسته تقدیر و سپاسگزاری است

افتتاح اولین کارخانه دخانیات

روز ٦ مهر سال ١٣١٦(٢٤٩٦ شاهنشاهی) مقارن ساعت چهارونیم بعد از ظهر، اتومبیل ملوکانه در برابر عمارت کارخانه ایستاد و سلام شاهنشاهی نواخته شد و مراسم احترامات لازمه از طرف گارد مخصوص بعمل آمد.

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والاحضرت ولایتعهد بعد از تشریف فرمائی به اتاق پذیرائی طبقه دوم نزول اجلال فرمودند، مدعوین در طبقه اول عمارت در جاهائی که برای آنها تعیین شده بود قرار گرفتند.

اعلیحضرت همایون و ولایتعهد پس از مختصر استراحت بمحل مذکور تشریف فرما شدند و آقای وزیر مالیه پس از کسب اجازه گزارش کارخانه را بعرض پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه رسانید و استدعای گشایش کارخانه را نمود. در این موقع ذات ملوکانه نوار سه رنگ را قطع فرمودند و با فشار دکمه خودکار، کارخانه بکار افتاد. تا ساعت شش وربع بعد از ظهر بازدید کارخانه بطول انجامید و در ساعت مذکور موکب ملوکانه پس از ابراز خورسندی و مسرت و تفقد به مهندسین و

[illegible]

... این کارخانه می‌باید تمام تشکیلاتی ... بخش خصوصی اداره می‌کردند، خود اداره کند ... بهمین جهت منظور جهت ایجاد کارخانه دخانیات زمینی به مساحت ٩٥٣٥٩ مترمربع در اوایل خیابان قزوین خریداری ... کارخانه ... مهر ماه ٢٤٩٦ ... افتتاح ...

[illegible]

متصدیان امور کارخانه، بکاخ شاهنشاهی مراجعه فرمودند.

گرچه این کارخانه با وسایل مدرن تر، مجهز بود و برای احتیاجات بروز کافی مینمود ولی بتدریج که جمعیت و مصرف بالا رفت این کارخانه دیگر کفایت نکرد و تصمیم گرفته شد که تأسیسات مربوط به تهیه توتون چپق و بسته بندی آن، به شهر منتقل شود و تأسیسات تهیه تنباکو و بسته بندی آن به اصفهان منتقل شد. بدین ترتیب جا برای احداث کارخانه جدیدتر و مجهزتر ... شد و ... موازات ... ۲۰ هکتاری هم ... دریافت شد.

دومین کارخانه بزرگ سیگارت سازی ... ۲۵۲۱ شاهنشاهی ... شاهنشاه ... مهر افتتاح شد.

... و ... تأسیس مؤسسه تحقیقات ... کشاورزی «توتون» ... در شمال ایران (گیلان) ... کشاورزان موفق ... کشور ... آگاهی کامل داشته باشند که ... چگونه در جرایه شده کاشت و بعد ... کشت ... کرده و ... همه مهمتر ... که چه موقع ... چه و چه ... برگ ... مخصوص ... بگیرد ... نوع بهتر عرضه شود ... گاهی ... توسط ... کشور ... داده شد و بعدها مؤسسه تحقیقات ... مرکز ... و تحقیقی ... مرکز ... سال ۲۴۹۸ در ... تأسیس ... و ... همین کارشناسان توتونی ... و رئیس ... مؤسسه هم ...

چند سال پیش مؤسسه دخانیات یك مرکز تحقیقاتی بسیار مجهز در رضائیه ایجاد کرد و ... چند از مهندسین خود را به کشورهای فرانسه ... و ایتالیا فرستاد، تا در بازگشت ... مسئولیت مهم این مرکز تحقیقاتی را در دست گیرند.

در گذشته تهیه «تنباکو» و «توتون» چپق ... وسیله دست انجام میگرفت در این روش وقتی برگ «تنباکو» و یا توتون چپق خرد میشد، برای این که حرمن مخصوص درست کنند «بوجاری» میکردند، در اثر «بوجاری» کردن مقدار ... گرد و غبار ایجاد میشد که حتی ... های قوی هم نمیتوانستند گرد و غبار ... در حال حاضر تمام کار بوجاری ... ماشین انجام میگیرد ماشینهای قدیمی هر دقیقه ۸۵۰ سیگار تولید میکردند که امروزه تعداد ماشینهای مدرن ... در هر دقیقه به ۲۵۰ دانه رسیده است.

مراکز کشت

مراکز عمده کشت توتون سیگار ... گرگان و ... در ... گیلان ... خوی، رضائیه و ... است.

مراکز کشت توتون در کردستان ... مهاباد ... بسته ... سطح ... بوکان ... شهر میباشد.

... در شمال ... جهرم ... کشت ... خوانسار ... شهرها ... مشهد و ... کشت میشود.

هم اکنون بیش از ۴۰۰۰۰ کشاورز ... «توتون» کار میکنند و ... ۱۸۰۰۰ هکتار زمین زیر کشت «توتون» سالانه ... ۲۰۰۰۰ تن محصول خام به کارخانه می ...

شرکت دخانیات ایران

پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی

[illegible] مهرماه ۲۵۳۵ [illegible] بهره‌برداری [illegible]

نثار تاج گل

[illegible] ۸۳۰ [illegible] مهندس [illegible] شرکت [illegible] اعلیحضرت [illegible] ایران [illegible]

در [illegible] ۹ [illegible] شهریورماه [illegible] کارگران شرکت دخانیات ایران [illegible]

مصاحبه مطبوعاتی

[illegible] ۲۵۳۵ [illegible] مهندس [illegible] مدیرعامل شرکت دخانیات ایران در یک مصاحبه [illegible] رسانه‌های گروهی [illegible] تحولات شرکت دخانیات ایران [illegible] شرح [illegible]

پیش از عصر شاهنشاهی پرافتخار و شکوهمند دودمان پهلوی صنعت دخانیات هم مانند سایر صنایع کشور وضع [illegible] داشت. مقداری توتون سیگارت و چپق و تنباکو بدون بهره‌وری از اصول فنی روز و بدون برنامه کشت می‌شد و محصول در دست عده‌ای [illegible] کسبه و بازرگانان با استفاده از وسایل بسیار [illegible] به نحوی صورت [illegible] در دسترس مردم قرار میگرفت.

[illegible] فنی کشت و [illegible] محصولات [illegible] موثر بوده [illegible] پهلوی [illegible] ۲۴۹۳ شاهنشاهی [illegible]

[illegible] صنعتی و [illegible] ۲۴۹۶ شاهنشاهی [illegible] فرمودند.

[illegible] صنعتی [illegible] توسعه کشت توتون و [illegible] کشاورزان گروه [illegible] استخدام شدند و [illegible] مناطق [illegible] کشاورزان [illegible] اصول صحیح و فنی [illegible] کشت و برداشت توتون [illegible] و عدل‌بندی توتون [illegible]

همچنین برای تحقیقات علمی و فنی [illegible] شاهنشاه بزرگ مزرعه پژوهشی [illegible] تأسیس شد و در سال ۲۴۹۷ شاهنشاهی بدست مبارک اعلیحضرت [illegible] گشایش یافت.

در سال ۲۴۹۵ شاهنشاهی در کلیه مناطق کشت بترتیب در حدود ۴۴۰۰ تن توتون سیگارت و ۷۵۰۰ تن توتون چپق و ۱۶۰۰ تن تنباکو کشت و برداشت میشد [illegible] تکنولوژی [illegible] موثر [illegible] کشاورزی و توسعه [illegible] سطح کشت و کیفیت محصول [illegible] توجهی بهبود [illegible] گرایش بمصرف سیگارت کشت توتون چپق کم شده است.

[illegible] سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی محصولات کشاورزی [illegible] ۱۴۰۰۰ تن توتون سیگارت، ۱۶۰۰ تن توتون چپق و ۲۳۰۰ تن تنباکو [illegible] میشود [illegible] بهای [illegible] محصولات ۱۳۲۲۷۰۰۰۰۰ ریال به تعداد ۲۸۵۹۳ نفر کشاورز پرداخت خواهد شد.

شرکت دخانیات ایران علاوه [illegible] و [illegible] بهره و [illegible] محصول راهنمائیهای فنی و ترویجی و [illegible] کودهای شیمیائی و سموم دفع آفات و [illegible] قابل توجهی [illegible] سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی [illegible] حدود ۲۳۰۰۰۰۰۰ ریال به کشاورزان کمک میشود و [illegible] توتون [illegible] کشاورزان [illegible]

[illegible] علمی و عملی [illegible] تکنولوژی [illegible] مرکز پژوهشی [illegible]

[illegible] توتون [illegible] و [illegible] فنی [illegible] کشاورزان و بهبود [illegible] توتون [illegible]

[illegible] سیگارت [illegible] توتون چپق و تنباکو و [illegible] چاپخانه [illegible] مرکز [illegible] دود [illegible] مرکز [illegible] سیگارت [illegible] ۶۰۰ میلیون عدد در سال [illegible] مصرف سیگارت [illegible] شرکت دخانیات ایران [illegible]

...را باشکوه هر چه تمامتر جشن گرفت

کارخانه‌ی جهت تبدیل کردن و خشک کردن توتون ... که هماکنون توسعه و ...

... کاملاً مکانیزه شد

کارخانه‌ی جهت ساخت فیلتر سیگار در تهران ایجاد شد

کارخانه‌ی جهت ساخت سیگارت ... که توسعه آن در دست اقدام است.

کارخانه‌ی جهت تبدیل ضایعات و خورده‌برگهای توتون به توتون هموژنیزه خریداری گردیده و قریباً نصب خواهد شد

انبارها و ساختمانهای اداری مجهزی در شهرهای تهران، اصفهان، ساری، مشهد، شبستر، رشت، ارومیه ... ساخته شد

واحدهای مسکونی جهت کارمندان و کارگران در شهرهای خوی ... ساخته شد ... ۴۴۴۱ نفر کارمند و ۳۹۸۹ نفر کارگر ... ۱۹۰۲ نفر ... ۱۴۱۹ نفر ...

... ۳۵۰ ...

... ۹۹۷ ...

... ۴۶۷ ...

... ۸۱ ...

مراسم جشن

... و ... مراسم ... تهران و ...

... برگزار شد ...

هر ... که ... مجموعه ...

تنظیم از: شمع

با گمشدن بی‌دلیل برادر بزرگم که یگانه نان‌آور خانواده بود، من ناچار شدم دست از تحصیل بشویم و در گاراژی به عنوان شاگرد مکانیک سرگرم کار شوم. سرپرست کارگاه که مرد مسیحی خوش قلبی بنام «موازگن» بود، به مجرد پی بردن به استعداد نهفته من، صمیمانه به تشویقم پرداخت و تمامی امکانات را برای پیشرفت من در اختیارم قرار داد، تا بدانجا که من پس از شش سال کار مداوم گرداننده مطلق سرویس مکانیکی و دارنده بهترین حقوق و دستمزد شدم. «میسیو موازگن» به قدری بمن اطمینان داشت که گاه هفته‌یی دو یا سه روز بیشتر به گاراژ نمی‌آمد و من با کاردانی و زیرکی تمام همه امور را بخوبی برگزار می‌کردم.

همین وضع باعث شده بود که مدیر و دیگر کارکنان گاراژ برای من ارزش و اهمیت زیادی قائل شوند و مرا وزنه در خور توجهی به حساب آورند.

همه چیز به خوشی و مطابق با خواست من می‌گذشت. نه تنها من، بلکه مادر و دیگر اعضای خانواده‌ام نیز مرارتهای سالهای فقر و نداری را فراموش کرده بودند. چنین بنظر می‌آمد که ما از پی زندگی مرفه و بی نیاز بوده‌ایم و داشتن زندگی خوب و ایده‌آل همواره حق طبیعی و مشروع ما بوده است. از این رو مادرم که بی‌امان مرا به تشکیل زندگی زناشوئی تشویق و تحریک میکرد، همیشه برای گزینش همسر آینده‌ام چشم به

چگونه خ

خانواده‌های سطح بالا و اعیان‌ منش داشت. لیکن با تمامی تلاشی که در این باره بکار برده، هرگز موجبی پیش نیامد که من و او در مورد دخترانی که او در نظر می‌گرفت به توافق برسیم. بارها اتفاق می‌افتاد که وی در این باره نزد مدیر گاراژ که بی‌نهایت مورد علاقه‌اش بود، لب به شکوه و شکایت می‌گشود. مدیر گاراژ که همزبان با من او را مادر خطاب میکرد، همواره بدوی اطمینان میداد که سرانجام این مشکل را با دست خودش خواهد گشود و دختر نمونه‌یی برای من خواهد یافت. اتفاقاً این مدعا به حقیقت پیوست و یک شب که من بدعوت وی در مجلس عروسی یکی از بستگانش شرکت کرده بودم با دختر بسیار زیبا و دلربایی آشنا شدم. وی دختری بود سیه چهره، با اندامی متناسب و ساقهایی بی‌نهایت خوش ترکیب و گوشت آلود. با اینکه بعضی از اعضای بدنش، مثل ساق پا و بازوها کمی چاق بنظر می‌آمد، معهذا تناسب چشمگیر اندامش مانع از این بود که چاقی توجه برانگیزش ناخوشایند جلوه کند. بینی کشیده و خوش حالتش در پناه چشمان درشت و سیاهش فرم بسیار دلچسبی به چهره‌اش داده بود. با وجود این آنچه که در وجودش بیش از هر چیز خودنمائی میکرد، موهای سیاه و انبوه گونش بود که چتر زلفی از پیشانی آغاز و با زلفهای شرابه مانند بروی گردش خم میشد. او با اینکه حتی یک لحظه آرام نمی‌گرفت و تلخوداکه در جوش وخروش

وشبختی از دستم رفت

مسرت بار غرق بود، با وجود این همواره در حول وحوش من به سر می‌برد و هر چند یکبار نگاه جادوئیش را به رویم می‌ریخت، آنچنانکه من خوشباورانه حس می‌کردم که وی توجه ویژه‌یی بمن دارد. از این رو هنگامی که مدیر گاراژ با گامهایی شتاب آلوده بسوی من آمد و لیوانی آشامیدنی را بدستم داد، بالحنی احتیاط آمیز به او گفتم:

– جمشید، مث اینکه طرف بد تکه‌یی نیست!

او خنده مرموز و معنی داری زد و گفت:

– قایت را دزدیده؟!

من با ژست و لحنی انکارآمیز سرم را تکان دادم و گفتم:

– نه،نه، فقط خواستم چیزی گفته باشم.

جمشید باز هم خندید و گفت:

– اسمش فریده است و همسایه دیوار به دیوار ماست که با زن من سری از هم جدا هستند. او به دنبال این حرف، دستم را گرفت و مرا بسوی او کشید. من از این رفتار غیر مترقبه و پیش بینی نشده بطوری جا خوردم که مطلقاً نتوانستم کوچکترین واکنشی نشان دهم. روی همین اصل، موقعی که جمشید ما را به یکدیگر معرفی کرد، من بجای ابراز تعارف و اظهار خوشوقتی، ابلهانه ایستادم و به او چشم دوختم. آنها که بهمین زودی به حیرت ناگهانی من پی برده بودند، بمنظور فراهم ساختن زمینه مناسب و رهایی بخشیدن من از اینهمه گیجی و سردرگمی، به شوخی پرداختند و سرانجام وضعی پیش آوردند که من کم کم توانستم بر اعصابم مسلط شوم و به موقعیتی مناسب دست یابم، تا بدانجا که وقتی جمشید به قصد پیوستن بیکی از بستگانش از ما دور شد، من و او به راحتی سرگرم گفت و شنود شدیم. صحبتمان آنچنان گل انداخت که من در کوتاه زمانی وضع و موقع خودم را برایش تشریح کردم. او را نیز واداشتم که حتی‌المقدور از خودش چیزهایی بگوید. از حاصل این گفت و شنود نسبتاً طولانی، دریافتم که وی برخلاف انتظار مادرم، نه تنها به خانواده پولداری بستگی ندارد، بلکه عضو خانواده‌یی است که حتی از داشتن یک خانه شخصی نیز محروم است. گذشته از این تحصیلاتش نیز از کلاس دوم متوسطه تجاوز نمی‌کند. اما این نکات برای من مطلقاً مطرح نبود و آنچه از نظرم جالب مینمود، وجود او با تمامی زیبایی‌هایش بود. افزون بر اینکه چون خودم دارای تحصیلات کافی نبودم، هرگز نمی‌خواستم که همسرم سوادی بیش از من داشته باشد. منتها تنها چیزی که تا حدی باعث نارضایی خاطرم شده بود، تجدد و معاشرتی بودن بیش از حد او بود، از این رو هنگامی که پیشنهاد کرد باهم برقصیم، من با لحنی سرشار از نارضایی و اکراه گفتم، گذشته از اینکه رقص بلد نیستم، اصولا از این نوع کارها خوشم نمیاید، توقع داشتم که او از شنیدن این حرف مکدر و آزرده خاطر شود، لیکن بر خلاف انتظارم، بهیچوجه واکنش نامطلوبی نشان نداد و همین رفتار امیدوارم کرد که در صورت دست‌یابی به او به آسانی بتوانم با خود هماهنگش سازم. وقتی این فکر از خاطرم گذشت، ناخودآگاه به خنده افتادم، زیرا احمقانه و نسنجیده خویش را مالك و صاحب او انگاشته بودم. حال آنکه بعید نبود که وی نه تنها به ازدواج با من، بلکه به دیدار بعدی نیز نیندیشیده باشد. بهر حال، آنشب تمامی وقت من با او گذشت و سرانجام قرار شد که در فرصتی متاسب یکدیگر را ملاقات کنیم: من نه تنها حاصل گفت و شنود آنشب، بلکه نتیجه تمامی دیدارها و مکالمات بعدی را هم برای جمشید شرح دادم. حدود دوماه من و او اکثراً با هم بودیم و یکی دوبار نیز موجبات ملاقات وی را با مادرم فراهم کردم. خوشبختانه او توانست در اولین دیدار رضایت کامل مادر را جلب کند.تمامی این رویدادها موجب شد که کار ما به ازدواج انجامد و هیچگونه اختلافی درباره شرایط این پیوند بوجود نیاید.

خوشبختی با تمامی عظمت و دستاوردهایش به من رو کرده بود تا اینکه شب زفاف و لحظات شیرین وصال پیش آمد. اما پیش از چند دقیقه از بی‌خبری توصیف‌ناپذیر ما نگذشته بود که من با حقیقت تلخی روبرو شدم. حقیقتی که کاخ آمال و آرزوهایم را از ریشه سرنگون کرد. چرا که یکباره دریافتم اسیر نیرنگ و فریبی بنیاد برانداز شده‌ام و همسر بظاهر ایده‌آلم سرمایه عفت و پاکدامنی‌اش را از دست داده است. با اینکه برای یك لحظه بکلی از خود بیخود و بی‌خبر شده بودم، معذالك خیلی زود توانستم بر اعصابم مسلط شوم و انگیزه این واقعه شرم‌آور را از او بپرسم. پاسخش مانند همه خود باختمها اشك و التماس بود و ابراز ندامت و پشیمانی! من که با توجه به موقع خانوادگی خود، و وجود دامها و گرگهای فریبکار اجتماع بر سر راه دختران سرزمینم، آماده شده بود، باد فن آن راز حیثیت برانداز و بخشش او از انعکاس واقعه خودداری کنم، از او خواستم که عامل ایجاد این فاجعه را معرفی کند.

لیکن اصرارم بیهوده بود، زیرا او جز گریه و التماس جوابی برای پرسشم نداشت. هنگامی که دیدم سماجت و اصرارم بدون نتیجه است، رضا دادم که دست از پیگیری بشویم، افزون بر اینکه فکر کردم شناختن او چه گرهی می‌تواند از مشکل من باز کند؟ بهمین علت ترجیح دادم این نکته را نیز بدست فراموشی سپارم و از همه چیز بگذرم. اینك که همسرم را برای گناهی بدان عظمت بخشیده بودم، چه لزومی داشت که بقصد پی‌بردن بیك مساله فرعی مورد شکنجه قرار دهم.

مطمئن بودم که اگر آن راز هولناك فاش شود، من گذشته از اینکه نزد تمام بستگان و آشنایان سر افکنده من شوم. تا صبح قیامت نیز نمی‌توانستم چشم در چشم مادرم بدوزم. گذشت زمان و بروز مهربانی‌های بیش از حد فریده باعث شد که من گناهش را به بخشم و او را صرفاً دختری فریب خورده انگارم. هر روزی که از زندگی ما سپری می‌شد، دلبستگی من به کانون خانواده‌ام بیشتر و علاقه مادرم نسبت به فریده زیادتر می‌شد، آنچنان که تمامی افراد فامیل و آشنایان، او را زیباترین زن و شایسته‌ترین همسر شناخته بودند. چند ماهی از آغاز دومین سال ازدواج ما گذشته بود که من احساس کردم مادرم روزبروز افسرده‌تر و شکسته‌تر می‌شود.

چنین مینمود که در چشمان تار و کم فروغش رمزی آشکار موج میزند. رازی که منشاء آن سینهٔ متلاطم اوست. چندین بار زانو به زانویش نشستم و ملتمسانه ازش خواستم که دلیل پریشانی‌اش را باز گوید.

لیکن او هر بار می‌کوشید که رفتارش را عادی جلوه دهد. تا اینکه یك شب در برابر سماجت من تسلیم شد و با لحنی لبریز از های‌های گریه خطاب به من گفت که فریده به تو خیانت می‌کند!

هر کلمه از لبانش مانند پتکی گران بر فرقم فرود آمد. در یك لحظه صحنه شب زفاف در خاطرم جان گرفت و چونان کابوس جانکاه و هولناك تار و پود وجودم را به لرزش در آورد. با اینکه در صداقت گفتارش کوچکترین تردیدی نداشتم، معهذا پس از آنکه بخود آمدم، لازم دیدم با حقیقت روبرو شوم. روی همین اصل یکی دو روز بعد مردی را در ازاء دریافت پنجاه هزار ریال اجیر کردم که کم و کیف قضیه را روشن کند.

پنج روز از شروع کار وی گذشته بود که حدود ساعت ۱۲ ظهر بمن تلفن زد و اخطار کرد که تا یکی از باغ‌های حومه شهر آنان را تعقیب کرده است. بنابر این لازمست که من هر چه زودتر برای رفتن به باغ به او بپیوندم. بلا درنگ به ملاقاتش رفتم و به اتفاق عازم آن نقطه شدیم. لیکن هنگامی که به باغ مورد نظر رسیدیم، آنها رفته بودند.

آن مرد، که به حاصل کوشش خویش اعتماد داشت، بمن اطمینان داد که در دیدار بعدی مرا به کنار آنان خواهد رساند. ضمناً افزود که دو ساعت قبل از داخل اتومبیل خود از آنان چند عکس گرفته است که فردا آماده خواهد شد. من ناگزیر به شهر باز گشتم و بعد از ظهر همان روز تمامی ماجری را به جمشید گفتم. او ناباورانه به حرفهای من گوش داد و هنگامی که موضوع عکسها را شنید، لحظاتی بفکر فرو رفت و بعد با لحنی تاسف بار به تسلای من پرداخت. متعاقباً تاکید کرد که بهتر است در برخورد احتمالی او هم حضور داشته باشد. غروب هنگام که من به قصد ترك گاراژ بطرف اتومبیلم رفتم، جمشید خودش را به من رساند و خواهش کرد که اتومبیلم را برای انجام کاری در اختیارش بگذارم.

از آنجایی که بارها من و او از اتومبیل یکدیگر استفاده کرده بودیم، من بی‌هیچ اکراهی پیشنهادش را پذیرفتم و سویچ را به وی دادم. وقتی از هم جدا می‌شدیم او بار دیگر ناباوری خود را در مورد مطالبی که من بر زبان رانده بودم، اعلام کرد و افزود که سرانجام به اشتباه خود پی‌خواهم برد.

این بار در کلامش قاطعیتی دیدم که ناچار شدم در این باره بیشتر فکر کنم، اما هنگامی که او حدود ساعت ۱۱ شب به قصد دادن سویچ اتومبیل به منزل ما آمد و ماجرا را در حضور مادرم مطرح کرد، مادر با دلایلی غیر قابل تردید به رد نظر او پرداخت و مرا دیگر بار دستخوش دلهره و وسواس کشنده ساخت، بطوری که تصور دیدن صحنه‌های عکسها و شناخت احتمالی مرد خیانت پیشه، خواب را از چشمانم ربود، از این رو صبح روز بعد، ساعتی زودتر از حد متعارف و معمول از خانه خارج شدم و بطرف اتومبیلم رفتم، به مجرد اینکه سویچ را در قفل گرداندم و در را گشودم، یکباره صدای گرفته و آمرانه مردی توجهم را بخود جلب کرد. وقتی بطرف صاحب صدا برگشتم، با سه مرد روبرو شدم که نگاه سردشان را برویم دوخته بودند.

یکی از آنها که به نظر میرسید نسبت بدیگران ارشدیت دارد، طی جملاتی قاطع گفت:

فکر فرار را از سرت بیرون کن

در اولین وهله بنظرم رسید که با معشوق فریده یا مردانی وابسته به او در گیر شده‌ام اما هنگامی که مرد ناشناس کارت شناسایی‌اش را نشان داد، متوجه شدم که سرو کارم با پلیس است. هنوز فرصت تفکر در باره این غافلگیری را نیافته بودم که دو عضو کمتر پلیس با اشاره رئیس خود، ضامن قفل درهای عقب اتومبیل را گشودندو شتابان به جست و جو پرداختند. من که دستخوش گیجی و سر درگمی شگرفی شده بودم و به قصد کسب توضیح دهان باز کردم که یکباره یکی از مأموران زیر سیگاری عقب اتومبیل را از جا خارج ساخت و متعاقبش بسته نایلونی را بیرون آورد و به دست رئیس داد. رئیس گروه در حینی که با ژستی تمسخر آمیز و ملامت بار مرا مینگریست، بسته را گشود و گرد سفید‌رنگ موجود در آن را بمن نشان داد و گفت:

این چیست؟

نمی‌دانم قربان!

و پس از بررسی آن گرد سفید گفت:

من بتو میگویم. این گرد هروئین است!

همه چیز تمام شد و من قربانی توطئه‌یی ناجوانمردانه شدم. بیش از دو هفته از اقامتم در زندانی که میبایست سالها مسکنم شود نگذشته بود که کاشف بعمل آمد آن مرد خیانتکار جانی و رباینده گوهر عفت فریده کسی جز جمشید نبوده است. دسیسه پنهان کردن هروئین در داخل اتومبیل من کار او بود که از بیم چاپ عکسها و باز شدن مشتش، دست به این عمل جنایتکارانه زده بود. زیرا با داشتن آنهمه وقاحت ذاتی، معهذا نمیتوانست پس از رو شدن مساله، رو در روی من قرار گیرد. اما بهر تقدیر عمل جنایتکارانه او بقیمت واژگون شدن اساس خانواده و نابودی ابدی من تمام شد.

رستاخیز کارگران: در مورد صحت و سقم مطلب بالا و ادعائی که نویسنده این نامه کرده است نظر مثبت یا منفی نداریم.

سفر به خانه خدا

از «کجاوه» تا مرغان آهنی

*** «سازمان اوقاف» بر میلیاردها ثروت ملی این مملکت نظارت کامل دارد.**

ایرانیان از گذشته‌های بسیار دور، به «خیرات و مبرات» و گرفتن دست ناتوان، بقول شیخ اجل «....بشکرانه بازوی توانا....» از راه وقف علاقه و شوق بسیار داشتند... و گاهی آنچنان در این راه پیشرفت داشتند که بصورت رقابت در می‌آمد.

طبق نوشته‌هائی که هم اکنون در دست است، بیشتر املاک اصفهان و اطراف آن «موقوفه» بود، تا جائی که می‌نویسند: «دیگر ملکی وجود نداشت. تاخیراندیشان بتوانند در این امر زنده اجتماعی شرکت نمایند.....»

در ایران باستان «وقف» بصورت امروز، وجود نداشت. بلکه امور «خیر» بعنوان «نیاز» و پاره‌ای از آنها بدون توجه به اجر و پاداش، چه در این دنیا و چه در آن دنیا انجام میگرفت... ولی آنچه از کتب و نوشته‌های «زرتشتیان» بر می‌آید، «خیرات و مبرات» بنحو احسن و شایسته‌ای مرسوم بوده و هنوز هم رواج دارد. اولین نکته‌ای که در اینمورد بچشم میخورد، دستور «زرتشت» است، که «پندار نیك... کردار نیك... گفتار نیك» است که «اندیشیدن» را یکنوع پیشکش می‌دانستند.

در ایران باستان «نذر و نیاز» بدوگونه انجام میگرفت، نخست آن که انسان باید برای ستایش پروردگار خود، دارای اندیشه‌ی نیك... گفتار نیك... کردار نیك... باشد. دوم آن که پیشکشی‌ها و بخشیدنی‌ها شامل محصولات کشاورزی و دامداری میشد....

زرتشت می‌گوید: **«.... از جانوران سودمند نگهداری نمائید و آنها را به نیکی بپرورانید و به کسانی که نیازمند هستند بدهید وبه بخشید... تا همه مردم از سود این جانوران برخوردار گردند.....»**

در فرهنگ ایران قبل از اسلام، درباره «بخشش و گشاده دستی» به نکاتی از قبیل یاری دادن به بینوایان، برای کفاره گناه، بخاطر نگهداری آتش، برای شادی درگذشتگان و نگهداری حیوانات برمیخوریم و در همه جا به مفهوم واقعی داد و دهش پی می‌بریم. «ثواب خیرات» را آنقدر بزرگ دانسته‌اند که اگر کسی دیگران را تشویق به «دهش» نماید، او هم اجر و پاداشی در برابر خدای یکتا و بی‌همتا دارد.

پس از ظهور دین مبین اسلام «خیرات و مبرات» به اشکال بسیار گسترده، با قوانین مترقی، به جامعه بشری ارائه گردید... اسلام برای انسان‌ها «نیکی و خیر» را به ارمغان آورد، تا جائی که برای اجرای عدالت اجتماعی و توزیع ثروت و برانداختن فقر و تنگدستی، که خود عامل اولیه بسیاری از انحرافات اخلاقی و فساد اجتماعی است، قوانین عالی چون «خمس و زکوة» وضع نمود و در عین حال ثروتمندان را در راه «خیرات و مبرات» تشویق نمود، که از این راه به بینوایان کمك و یاری شود، تا ریشه‌ی فساد قطع گردد. دیگر این که مالداران را از جمع نمودن ثروت و بکار نینداختن آن شدیداً برحذر داشت.

در قرآن کریم، در مورد «خیرات و مبرات» و دستگیری از فقرا و مسکینان آیات بسیاری آمده، از آنجمله:

«... و ما انفقتم من نفقه اونذرتم من نذرو فان‌الله یعلمه...»

«... هر چه انفاق کنید، یا به نذر بدهید، خدا می‌داند...»

پس از ظهور اسلام «خیرات و مبرات» از طریق صحیح، خصوصاً با قوانین مترقی، در بین ایرانیان رواج پیدا کرد.... «وقف» و نگهداری موقوفات و نحوه بمصرف رسانئن درآمد حاصله ازآن، صورت علمی و فقهی گرفت..«وقف» را در فقه اسلام و قانون مدنی ایران که منبعث از شرایع اسلامی است، چنین تعریف کرده‌اند:

لطفاً ورق بزنید

آقای نصیر عصار اولین سرپرست سازمان اوقاف

دکتر منوچهر آزمون

محمد حسین احمدی معاون نخست وزیر وسرپرست سازمان اوقاف

زائران سالهای گذشته پیاده راهی منا و عرفات میشدند.

ایران تنها کشور اسلامی است که موقوفات را برای خدمات اجتماعی مانند ساختن پل - آب‌انبار - مدارس - بیمارستان - یتیم‌خانه بکار می‌برد.

ن بال تیز پرواز

حضرت علی (ع) اولین واقف بود

«... وقف، در لغت بمعنی نگهداشتن و ایستادن است و در اصطلاح فقه منظور از آن «متوقف» ساختن عین مال است، از هرگونه خرید و فروش، بطوری که اصل مال همیشه باقی بماند و منافع حاصل از آن در راه خدا مصرف شود.

چنانچه اشاره رفت، وقف به کیفیت موجود از آغاز اسلام بوجود آمد و میگویند که حضرت علی «ع» در مدینه چاه آبی را که بدست خود حفر نموده بود، بدین نحو «وقف» کرد، که اصل مالکیت چاه ملی شده به حساب آید و از منافع آن که همانا آب باشد، همگی استفاده کنند.

نکته قابل ذکر آن که «وقف» در دیگر ممالك اسلامی تنها برای مساجد منظور میگردد، در حالی که در کشور ما اکثرا برای خدمات دیگر اجتماعی مانند ساختن پل، آب انبار، مدارس، بیمارستان، یتیم‌خانه و غیره بکار میرود.

گرچه «خیرات و مبرات» جای بزرگی در بین ایرانیان داشت، اما مسئله «وقف» روزبروز در ایران رواج بیشتری یافت، تا این که در زمان صفویه به اوج خود رسید، تا جائی که مقام والای صدرالصدور، در آنزمان صیانت و نظارت و مدیریت موقوفات ایرانرا بر عهده داشت.

از نوشته‌ها و سفرنامه‌هائی که در دست است، چنین برمی‌آید که «موقوفه» در داخل کویر خراسان و نواحی جنوبی ایران مانند لار و اطراف آن هم بوجود آمد و هم اکنون کاروانسراهائی بچشم میخورد که معروف به «رباط» شاه‌عباس است. زیرا در این گونه نقاط آب و آبادی نبود و در کنار هر «رباط» برکه آبی نیز بوجود می‌آوردند، تا آب باران در آنها جمع شود و مسافران در موقع عبور از آن آب، استفاده کنند.

در زمان حاضر مردم به پیروی از نیات خیر خویش، در نوع مصارف موقوفات تغییراتی داده‌اند. بطور مثال مصارف وقفنامه حاج شفیع ابریشمی زنجانی را میتوان نام برد که اختصاص به اقدامات لوله‌کشی آب برای شهر و ایجاد و تاسیس بیمارستان، ساختمان و تاسیس دبستان، ایجاد حمام، ساختن پل بر روی نهر روستای «دولین» دارد.

بطور کلی «موقوفات» خدمات بزرگ و ارزنده‌ای در سرزمین ما انجام داده، زیرا از محل درآمد آن مدارس، و دارالعلم‌های بزرگی بوجود آمد و علما و دانشمندان و نوابغی چون سعدی، ابوعلی سینا، امام زکریای رازی، حکیم ابوالقاسم فردوسی، حکیم توسی، ملاصدرا، امام‌فخر رازی و بیرونی‌ها را تحویل اجتماع داد.

قصه‌ای به لطافت شعر

.... می‌گویند یك کشاورز «سبزواری» در کنار چشمه‌ای بزرگ باغی داشت، که آنرا با این عبارات «وقف» نمود:

«.... این باغ را «وقف» کردم، تا از درآمد آن برای دختران معصومی که می‌آیند از چشمه‌ی کنار آن آب بردارند و پایشان میلغزد و خدای ناکرده کوزه‌شان می‌شکند، کوزه خریداری کنند تا شرمنده کسی نشوند....»

تشکیلات اوقاف

تشکیلات رسمی «اوقاف ایران» به شکل فعلی با تصویب قانون اساسی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۳۲۸ قمری - ۱۲۸۹ خورشیدی و ۲٤٦۹ شاهنشاهی بوجود آمد و قانون‌گذار وقت دولت را از طریق این سازمان موظف به نگهداری این سرمایه اجتماعی کرده و مقرراتی برای آن وضع و تصویب نمود.

قانون ۱۳۲۸ قمری چون با پیشرفت زمان انطباق نداشت در سال ۱۳۱۳ خورشیدی با وضع ده ماده دیگر تکمیل گردید و بعد از ثلث قرن، یعنی در سال ۲۵۳٤ شاهنشاهی نیز قانون جدید اوقاف جانشین قوانین سابق شد.

تشکیلات اوقاف تا سال ۱۳٤۳ خورشیدی بصورت اداره کل از ادارات «وزارت فرهنگ» سابق بود. در آن سال هنگامی که وزارت فرهنگ سابق به وزارت

لولین دسته زائران ایرانی که در فرودگاه جده بوسیله پیشـاهنگان ایرانی مورد استقبال قرار می‌گیرند.

> در گذشته افراد سودجوئی که [illegible] مساجد و دیگر اموال موقوفه [illegible] داشتند، با تمام قوا دست به [illegible] ملی می‌زدند.

نمونه‌ای از وسایل نقلیه ابتدائـی قبل از سال ۱۳۵۰

نمونه‌ای کوچک از وضع زائـران کشورهای دیگر

علوم و آموزش عالی و وزارت فرهنگ و هنر و وزارت آموزش و پرورش تجزیه میشـد، اوقاف نیز بصورت سازمان مستقلی زیر نظر مستقیم شخص نخست‌وزیر درآمد.

و چون در سال ۲۴۳۰ شاهنشاهی امر «حـج» و زیارت نیز به آن واگذار شـد، «سازمان اوقاف» گسترش و فعـالیت بیشتری یافت. نکته قابل ذکر آن که تا سال ۱۳۳۸ خـورشیدی، امر اوقـاف را ادارات فرهنگ در سطح کشور برعهـده داشـتند و چون کوشش مسئولان ادارات مذکور برای کارهای تبلیغاتی مجالی در جهت حفظ و نگهداری موقوفات نمیداد، از آن سـال

لطفاً ورق بزنید

سفر به خانه خدا

تأسیس ادارات اوقاف درولایات آغاز گردید پیش ازآغاز سلطنت پرافتخار خاندان‌پهلوی، قانون اوقاف از دو ماده تشکیل میشد و تشکیلات آن فقط بصورت یك اداره کوچك در وزارت معارف بود، ولی در این مدت پنجاه سال قانون و مقررات آن بینهایت وسعت یافت، و وظایف و تشکیلات آن نیز بموازات تحولات اجتماعی دگرگون گردید و امروز در ردیف یکی از سازمانهای مهم و گسترده مملکتی است.

دیروز و امروز

در گذشته بعضی افراد سودجو که بقاع متبرکه و مساجد و دیگر اموال موقوفه را در اختیار داشتند، با تمام قوا دست به چپاول این ثروت ملی می‌زدند و تمام عواید این گونه اماکن و یا موقوفات که بوسیله افراد نیکوکار به اجتماع اهدا شده بود، خصوصاً نذوراتی که می‌پرداختند، به غارت میرفت، تا این که در سال ۲۵۲۴ شاهنشاهی سازمان اوقاف در صدد بر آمد تا به وضع آشفته و نابه سامان این گونه اماکن سرو سامان بخشد، و همچنین بخاطر گرد آوری صحیح در آمدها، خصوصاً نحوه خرج آن در راه عمران و آبادی اماکن مقدسه، اقدامات موثرو فوری بعمل آورد و آئین‌نامه‌ای تحت عنوان «آئین‌نامه طرز انتخاب و نحوه هیات امناء» تدوین نمود به این صورت که چند نفر از افراد خیراندیش و نیکوکار که دارای حسن شهرت بودند، با نظر مسئولین امر انتخاب نمود، تا آنها نظارت کامل بر امور اماکن مقدسه داشته باشند. هم اکنون اکثر امامزاده‌ها، مساجد، مدارس قدیمه و غیره زیر نظر هیئتی که کمتر از ۳ نفر نیستند اداره میگردد، و در آمد موقوفات و نذورات را این افراد جمع‌آوری نموده و طبق آئین‌نامه‌ی خاصی بمصرف میرسانند.

وقفنامه بنیاد پهلوی

شاهنشاهان ایران که در کارهای خیر، در همه جا و همه حال پیشقدم و سرمشق افراد ملت خود بوده‌اند، در امر «وقف» هم در بسیاری از زمانها، گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند و موقوفاتی بوجود آورده‌اند که در نوع خود بی‌نظیر بوده است

دور اندیشی و روشن‌بینی و ملت دوستی «شاهنشاه آریامهر» در وقفنامه بنیاد پهلوی کاملا آشکار است. این «وقفنامه» میرساند که نظر شاهنشاه آریامهر، تنها ایجاد «وقف» به روش گذشته نبوده، بلکه در آن نکته سنجی و باریك بینی خاصی مشاهده می‌شود. چنانچه در موردی از موارد مصرف به علتی منتفی گردد، صرف در آمد آن در موارد دیگر میسراست. وقفنامه شاهنشاه آریامهر شامل ده ماده - دو تبصره - یك مقدمه و پنج فصل است.

شش ماده و دوتبصره مربوط به مقدمه استکه در آن علت «وقف» متولیان بعدی، نظارت و طرز انتخاب آنان گنجانیده شده. ماده شش این وقفنامه مربوط به مصارف است، که در آن رفع نواقص ساختمانهای بنیاد و تکمیل «رقبات» و همچنین در آمد «وقف» را به مصارف پنجگانه ذیل اختصاص داده است.

۱ - بهداشت
۲ - توسعه فرهنگ
۳ - کمك به مستمندان
٤ - امور مذهبی
٥ - امور اجتماعی

امور حج

نزدیك به هزارو چهار صدسال است که ایرانیان با خلوص نیت و اعتقاد راستین به احکام الهی و آسمانی قرآن کریم، راهی زیارت خانه خدا میشوند.

در گذشته این سفر مقدس و دیگر سفرهابه گوشه و کنار جهان شیوه‌ی امروزی نداشت، مخصوصاً این که وضع بصورتی بود که نمی‌توانستند تغییرش دهند. قرنها بود که زائران خانه خدا با انواع وسایل نقلیه کندرو همراه کاروانها و کاروانداران به مکه معظمه می‌رفتند. این سفرماه‌ها طول می‌کشید، و مسافران در راه پر خطر، حج «وصیتنامه‌های» خود را می‌نوشتند و بعد حرکت می‌کردند. زیرا کمتر کسی امید به باز گشت داشت. در واقع جان سالم بدر بردن، مهمترین واقعه زندگانی هر حاجی بود... اما زمانی فرا رسید که ابزارهای کار، از جمله وسایل سفر وامکانات مادی با تحولاتی نسبتاً شایسته بوجود آمد، بی‌آنکه شکل کار چندان تفاوتی بکند. سفر به خانه خدا، از شکل ابتدائی به گونه‌ی امروزی خود تغییر پیدا کرد.

زائران ایرانی خانه خدا، هرچند که بجای «کجاوه» و «قطارشتر» از مدرنترین هواپیماها استفاده میکردند، باز تحت شرایط سخت و ناراحت‌کننده‌ای که عده‌یی از مباشران نادرست امور «حج» تنها بخاطر مال اندوزی بوجود می‌آوردند، شرایطی می‌یافتند که به میل آنان بهرکجا کشانده

می‌شدند.

و هرکجا که بنفع آنان بود، رهایشان می‌کردند... چه بسیار کسانی که براثر تغذیه ناصحیح و عدم مراقبتهای بهداشتی، جان خود را دراین سفرها از دست می‌دادند.

درواقع «حمله‌داران» درسال حداکثر یکماه حاجی به مکه می‌بردند و آنگاه یازده ماه بقیه سال را به راحتی زندگی میکردند، زیرا درآمد یکماه حاجی بردن برای نهایت آسایش و دررفاه زندگی کردن آنان کافی بود.

درسال ۲۵۳۱ شاهنشاهی بفرمان مطاع مبارك شاهنشاه آریامهر و براساس تصویبنامه هیئت وزیران، سازمان اوقاف عهده‌دار تنظیم و اجرای امور حج گردید. درهمانسال نخست، که در واقع بطور آزمایش امور حج توسط «سازمان اوقاف» به مرحله اجرا درآمد، آنچنان توفیقی بدست آمد که در داخل و خارج کشور انعکاسی بس شایسته داشت و به آن انجامید که بسیاری از کشورهای اسلامی، خواستار کمك دولت شاهنشاهی برای تنظیم امر حج به آنان شد. و سازمان اوقاف طرحهای اجرائی خود را در اختیار خواستاران قرار داد، تاالگوی کارخویش سازند.

از نخستین و مهمترین نکاتی که در کار حج مورد کمال دقت و توجه قرار گرفت، مسائل بهداشتی و درمانی مربوط به زائران است، زیرا مهمترین شرط برای ادای فریضه مقدس حج داشتن استعداد جسمانی و بدنی است. این موضوع در متون دینی و منهبی به صراحت ذکر و یادآوری شده است..... جدا از جنبه‌ی دینی و منهبی مسئله از این نظر نیز مورد کمال توجه‌است که «سازمان اوقاف» درکنار تمام مسئولیتهای سنگین سربوط به امر حج، مسئولیت حفظ سلامت و بهداشت زائران را نیز عهده‌دار است. مرحله بهداشتی قبل از آغاز سفر شامل معاینه داوطلبان و تائید صلاحیت جسمی و روحی آنها و نیز مایه کوبی برضد بیماریهای واگیر، براساس یك قرارداد رسمی که اجرای این کار را وزارت بهداری و بهزیستی برعهده دارد می‌شود. همچنین پزشکانی بعنوان پزشك کاروان حج، همراه زائران خواهند بود. این پزشکان برای معاینه دقیق زائران و مداوای آنان از بیمارستانها و آزمایشگاههای مجهز استفاده می‌کنند.

همچنین به منظور رفاه هرچه بیشتر مسافران خانه خدا «سازمان اوقاف» در سال ۲۵۳۳ شاهنشاهی قرار داد بیمه دسته جمعی عمر، حوادث و معالجه باشرکت سهامی بیمه ایران منعقد نمود.

قبل از سال ۲۵۳۱ شاهنشاهی «حج» مسئله‌ای بظاهر لاینحل مینمود، اما مشکلات و معضلات عمده این مسئله، درهمان سال نخست تا حدامکان حل شد و هم چنان که مطلوب بود و انتظار میرفت، محتوای باطن و هیئت ظاهر این کار با مقتضیات جامعه پیشتاز امروزی وطن ما و با شرایط دوران انقلاب که چهره همه چیز را دگرگون ساخته است، به شایستگی هماهنگ شد.

بطور خلاصه «سازمان اوقاف» باداشتن میلیونها «موقوفه» گرانبها که در سطح مملکت گسترده است و با توجه به نیات واقفین که در متن «وقفنامه»ها گنجانیده شده است، برنامه ریزی احیاء واداره و بهره‌برداری از آنها از وظایف اولیه و مسلم این سازمان است. مسئله بسیار مهم «حج»، و نظارت بر مساجد و مدارس و بقاع متبرکه نیز یکی از وظایف گسترده این سازمان است.

کمك به مستمندان، محصلان، طلاب علوم دینی، تخصیص مبالغی مکفی جهت کمك به فرهنگ براساس نظر «واقفان» نقش دیگری است که اجرای آن به عهده این سازمان است.

هم اکنون «سازمان اوقاف» یکی از غنی‌ترین سازمانهای مملکتی است که برمیلیاردها ثروت ملی این مملکت نظارت دارد.

در زمانی که به عنوان مصحح در یک بنگاه انتشاراتی کار میکرد، هیچکس نمی توانست پیش بینی کند که او یک روز از بزرگترین نویسندگان اروپا خواهد شد.

حد میانه عمر آدمی پیوسته شصت سال بوده است و چه بسیار کسانی که این شصت سال را با بیهودگی می‌گذرانند: با چشمان بسته به دنیا میایند و بعد از انجام مشتی اعمال غریزی با چشم بسته از دنیا میروند، بدون آنکه در این فاصله، کار مثبت و مفیدی انجام دهند.

ولی هستند کسانی هم که در این فاصله به نام سازی میپردازند و نه تنها نسبت به جامعه انسانی خدمات مهم و ارزنده‌ای انجام میدهند، بلکه خود را نیز از فنا نجات داده و به جاودانگی دست مییابند. در این زمینه میتوانیم به انسانهائی مانند مولوی، سعدی، حافظ، خیام، گوته(فیلسوف و شاعر آلمانی)، افلاطون(فیلسوف یونان قدیم)، رامبراند(نقاش)، فارابی(دانشمند ایرانی)، ابوعلی سینا و گروه گروه از مشاهیر ایران و جهان اشاره کنیم و امروز از میان این جملگی به ذکر سرگذشت مردی میپردازیم که نه تنها در شمار معروفترین نویسندگان فرانسه جای دارد، بلکه به علت مبارزه‌ای که با زندگی انجام داده و مشقاتی که در آرزوی رسیدن به پیروزی تحمل کرده است از مشاهیر خودساخته بشمار میرود. نویسنده مورد بحث«امیل زولا» ست که با نام«امیل ادوارد شارل آنتوان زولا»، در تاریخ دوم آوریل سال ۱۸٤۰ از پدری ایتالیایی و مادری فرانسوی در پاریس پای به عرصه زندگی گذاشت. در آن روزگار خانواده«زولا» وضع مالی متوسطی داشت و خانه کوچك آنها همانند بسیاری از خانه‌های کوچك پاریس، گاه از روشنائی و گاه از تیرگی آکنده بود و صدای قهقهه خنده و هق هق گریه یك جا از آن به گوش میرسید. «امیل» کوچك در چنین محیطی سالهای اولیه زندگی را گذراند. او کودکی خجول، کم رو، و در خود فرورفته بود و با کودکان عادی که محله را از فریادهای بازی گوشانه خود پر میکردند، فاصله فراوانی داشت. و با مرگ پدر که در هفت سالگی او اتفاق افتاد، درون گرائیش به مراتب بیشتر شد و از همان زمان بود که چشمان خرمایی رنگش از اضطراب نوظهوری پر شد. با مرگ مهندس«زولا»، فقر و تهی دستی یك جا به آن خانه هجوم آورد و موج اندوه مادر و پسر را یك جا در کام خود فرو برد. ادامه تحصیل«امیل» در آن شرایط رفته رفته سختتر و ناگوارتر میشد، اگرچه مادر که زنی فداکار و از خود گذشته بود، این جا و آن جا به دوستان خود میگفت مرگ را به ترك تحصیل«امیل» ترجیح میدهد و در این راه به مشاغل پستی روی آورد و هر چند ماه یك بار به کار تازه‌ای از این قبیل تن در داد. در آن زمان آن‌ها در«پیرووانس»، زندگی میکردند، اما وقتی که سرانجام«امیل» به سن بلوغ رسید، مادر که رفته رفته به ضعف پیری و فرسودگی دچار میشد همراه با پسر راهی پاریس شد، شهری که در آن زمان هم همانند امروز شهر اضداد بود و شهرستانی‌ها را پیوسته برای بخت آزمایی به سوی خود جلب میکرد. در پاریس، مادر مثل همیشه کار محقری یافت و نام پسر را در دبیرستان«سن لویی» ثبت کرد، اگرچه«امیل» هم به علت ضعف زبان و هم به علت لکنت مختصری که داشت، در دو امتحان ورودی رد شد. این ضربه هم بر مادر و هم بر پسر آنچنان گران آمد که مادر

از شاگردی تا استادی

دیگر از خدا طلب مرگ کرد و پسر در صدد ترك تحصیل برآمد با اینکه به آموختن عشق میورزید و پیوسته به دنبال مطالعه بود. بهر صورت مادام«زولا» از فرط اندوه در بستر بیماری افتاد و بیماریش که نخست رماتیسم مختصری تشخیص داده شده بود رفته رفته صورت مهلکی به خود گرفت تا به جایی که قدرت کار را از دست داد و یك بار دیگر دیو گرسنگی با پنجه‌هایش به دیواره‌های سرنوشت مادر و پسر پنجه کشید. امیل سرسخت و پریشان به فکر یافتن کاری افتاد و برای نیل به این منظور زمان درازی با شکم گرسنه و پاهای بی‌حس و ناتوان خود دوندگی کرد تا سرانجام با شغل حقیری در اداره گمرك با حقوق ماهانه شصت فرانك استخدام شد. اما بیشتر از دو ماه در آن کار دوام نیاورد و به زودی از دنیای مأمورین مقرراتی و خش خش رنج‌آور و خسته کننده اسناد گریخت و باز بدنیای بی‌رحم گرسنگی و بیکاری روی آورد و مقارن با همین زمان بود که مادرش را نیز از دست داد. زنی که تا آخرین لحظه نگران زندگی و آینده پسرش بود. «امیل» که رفته رفته در کوره زندگی آب دیده میشد با سماجت بی‌نظیری آن ضربات را تحمل کرد و چند روزی پس از سوك مادر یك بار دیگر به جستجوی کار برآمد و این بار پس از دو هفته پر تلاش در بنگاه انتشاراتی«هاشت» به عنوان مصحح انتخاب شد. اگرچه زندگی تا آن زمان خیلی کم به روی«امیل» خندیده بود اما از آن به بعد دوران محنت بارتری برایش آغاز شد که بعدها همیشه در ضمیرش زنده بود و حتی از به یاد آوردن آن آزار میکشید. در خلال روزهایی که یکی از بزرگ‌ترین نویسندگان آینده فرانسه در انتشاراتی«هاشت» در قالب یك مصحح کار میکرد، هیچکس نمیتوانست آینده درخشانی را برای او پیش بینی کند. او در چشم همه یك کارگر عادی بود، بدون فردا و بدون آینده. حال آن که خود او در حالیکه در یك اتاق زیر شیروانی زندگی میکرد و بیشتر روزها جز قرصی نان چیز دیگری برای سد جوع نداشت، پیوسته با چشمان روشن به آینده مینگریست، و باین مسئله که در وجود خود چیزی دارد که او را از سایرین متفاوت میسازد ایمان داشت و تمامی تلاشش بر این بود تا آن تفاوت پنهانی را آشکار ساخته و از خود موجودی مافوق دیگران بسازد. او شبها در اتاق زیر شیروانی به نوشتن اشتغال داشت و سوداهای پنهانی خود را در غالب شخصیت‌های رمانی میریخت که سرانجام در دسامبر سال ۱۸۵۹ با نام«دختران کرباسی پوش شهرستانی» انتشار یافت اما برای نویسنده‌اش نه تنها شهرتی ببار نیاورد، بلکه مدتها طول کشید تا توانست پول چاپ آنرا بپردازد. «امیل زولا» بعد از این شکست با عنوان کارگر بسته بند در یك شرکت تبلیغاتی مشغول کار شد و از این مؤسسه تبلیغاتی بود که سرنوشت او در مسیر دیگری به جریان درآمد. چه آن شرکت پاتوق عده‌ای از معروف‌ترین و سرشناسترین نویسندگان و نقاشان بود و آگاهی از روحیه آنان نکته‌های بسیاری را بر«زولا» فاش ساخت که بعدها در کتابهایش مورد استفاده قرار گرفت. «امیل زولا» در این مؤسسه تبلیغاتی مدت زیادی نقش کوچك بسته بند را ایفا نکرد و به علت ذکاوت و لیاقتی که در اینکار نشان داد، رفته رفته زمام امور شرکت تبلیغاتی را بدست گرفت و توجه دیگران را به خود جلب کرد. او در حالی که برای کتاب نویسندگان دیگر دست به تبلیغات میزد، نوشتن رمان دوم خود را هم که«نیزن» نام داشت آغاز کرد و با وجود شکست قبلی به موفقیت کتابش اطمینان فراوان داشت. حال آنکه تنها کتاب سوم او بنام«اعتراف کلود» توانست توجه عموم را جلب کند و اقبال ادبا را برانگیزاند. «امیل زولا» در نوشتن این کتاب (اعتراف کلود) از سبك رئالیسم پیروی کرد و با گستاخی فراوان زیر و بم روحیات قهرمان داستان و اجتماع آن روز فرانسه را کاویده بود و شهامت او مانند زنگ خطری بود که در گوش هیئت قضات نواخته شد و باعث گردید تا از طرف دولت بازرسی دقیقی در مورد کار او انجام بگیرد. «امیل زولا» در کتاب دیگر خود بنام«ترز راکن» که از شاهکارهای مسلم ادبیات دنیاست، واقع گرایی خود را به نحو بارزتری نشان داد و با انتشار این کتاب بود که مصحح سابق بنگاه انتشاراتی«هاشت» عنوان بزرگترین نویسنده رئالیست اروپا را گرفت و شهرت و ثروت یك جا به او روی آورد. او نویسنده زندگی بود و آنچه را که در عینیات به انجام میرسید، در قالب داستان فرو میریخت، اگر چه در نقاشی ذهنیات قهرمانان خود نیز استادی بی‌نظیری بکار میبرد. امیل برای نوشتن کتاب دیگر خود«اسرار مارسی» از محتویات یك پرونده جایی استفاده کرد و داستانی واقعی را به لباس رمان عرضه کرد. و برای نوشتن رمان«سروگن ماکار» نیز باز به یك ماجرای صد درصد واقعی که در فرانسه آن روز اتفاق افتاده بود، استناد جست. او بر این عقیده بود که نویسندگان رسالت بسیار بزرگی بر عهده دارند که عبارت است از نشان دادن تباهی‌ها و فساد اجتماع به دیگران، حال آنکه پیدا کردن دارو به عهده سیاستمداران است. بعد از انتشار رمان معروف«سروگن ماکار» دیگر نشانه‌ای از آن«امیل» سرخورده و ناامید سابق که بیشتر اوقات نمی‌دانست پول خرید شام شب خود را از کجا تهیه کند، در وجودش دیده نمی‌شد و با اقبالی که مردم فرانسه از آثارش به عمل آورده بودند، صاحب زندگی آسوده‌ای شد. تا آن زمان«امیل زولا» تنها به نوشتن رمان اکتفا ورزیده بود، اما هنگامیکه به سال ۱۸۷۸ نمایشنامه معروف او بنام«نانا» انتشار یافت، این نکته نیز به ثبوت رسید که او در نوشتن نمایشنامه ذوق و استعداد فراوانی دارد. چرا که نویسنده در نمایشنامه «نانا» از چهره روشنفکران آنروز نقاب برمیداشت و حقایق زیر پیشانی آنان را برملا میکرد. قلم«زولا» قلمی عمیق و موشکاف بود و با نیشی که در قلبها فرو میبرد، خون حقیقت را جاری میساخت. فعالیت‌های این نویسنده از سی سالگی تا پنجاه سالگی بود و او طی این مدت در حدود بیست جلد کتاب نوشت که حاصل زندگانی او محسوب میشود. تا این که سرانجام در جاده زندگی به واقعه دریفوس رسید که از وقایع معروف دنیاست.

«امیل زولا» در آن زمان تازه از رم به پاریس بازگشته بود و پاریس در هیجان محاکمه دریفوس، یهودی‌ایکه به اتهام فروش اسناد نظامی دولت فرانسه به آلمانها زندانی شده بود بسر میبرد. بر اثر این محاکمه افکار عمومی فرانسه علیه دریفوس بشدت تحریك شده بود و هیچکس به بی‌گناهی اوایمان نداشت اگرچه رفته رفته از گوشه و کنار زمزمه‌هایی برمیخاست که حاکی از بی‌گناهی آن یهودی بود و سرانجام نیز پای افسری از فرماندهان قشون بمیان آمد و او ثابت کرد در آن واقعه مقصر کسان دیگری بوده‌اند، اما با این همه چون پای آبروی قشون در میان بود اظهارات آن افسر را بایگانی کردند و خود او را به سفر فرستادند تا موضوع باین ترتیب لوث شود.

ولی زولا به محض آن که از بی‌گناهی دریفوس آگاه شد، در صدد دفاع از او برآمد، و با مقاله‌ای با عنوان«من متهم می‌کنم» دفاع از دریفوس را آغاز کرد، گرچه با این عمل گور خود را کند چون از طرف دولت فرانسه به یکسال زندان و پرداخت سه هزار فرانك جریمه محکوم شد.

«امیل زولا» بناچار بار سفر را بست و بانگلستان گریخت. او یکسال در انگلستان باقی ماند تا زمان محاکمه مجدد دریفوس فرا رسید. «امیل زولا» با شهامت فراوان به پاریس بازگشت و باز نقش دفاعی خود را از سر گرفت، اما باز دریفوس مقصر شناخته شد. اگرچه بعدها سرانجام حق به حق‌دار رسید و بی‌گناهی دریفوس مسلم شد و از زندان آزاد گردید.

این واقعه به شهرت و افتخار«زولا» افزود و محبوبیت او را در میان مردم صد چندان کرد. او بعد از رسیدن به اوج شهرت و انتشار رمانهای«مجموعه سه شهر» و«مجموعه انجیل»، با همکاری گی دوموپاسان، هوسیان و چند نفر دیگر از نویسندگان فرانسوی یك انجمن ادبی تشکیل داد و بدنبال آن نیز مجله هنر آزاد را انتشار داد. آخرین اثر او کتابی بود بنام«اثر» که در توصیف زندگانی«سزان» نوشته شده بود. «امیل زولا» همانطور که در آغاز گفتیم، شصت سال عمر کرد و مرگش در یکی از شبهای ماه اکتبر سال ۱۹۰۲ اتفاق افتاد. او در حین خواب از دودبخاری ذغال سنگی اتاقش خفه شد. خاکستر«امیل زولا» در حال حاضر در عمارت پانتئون مدفون است و نامش در شمار جاودانه‌ها قرار دارد.

...اکبرآقا، در اب...

روزی که اکبرآقا جهانگرد شد

اگر قبلا نخوانده‌اید این مقدمه را بخوانید:

اکبر آقا یك کارگر است و در یك تعمیرگاه کار میکند و از صبح تا غروب سرش توی موتور و گیربکس و دیفرانسیال است. یك مادر دارد که از جـان عزیزترش میدارد و یك خان دائی که برای خودش ناپلئون زمانه است. لطف زندگی اکبر آقای ما، در اینست که هرگز از پای نمی‌افتد، هر چیز را به نوبهٔ خود تجربه میکند و هر بار بقول خودش «خیطی» بالا میآورد، اما بهرحال او میخواهد همه چیز را یاد بگیرد و همه چیز داشته باشد. مشکل دیگر اکبر آقا انتخاب همسر است. دربدر دنبال دختری میگردد که زندگی او را بشناسد، بروحیه‌اش وارد باشد و بعبارت دیگر درکش کند.

چند بار تا پای سفرهٔ عقد رفته و ناکام برگشته، یا دخترها اورا - میخواسته‌اند و او نخواسته و یا او خواسته ولی مـقدوراتی وجود داشته است که ازدواج نکرده. در این رفت و برگشتهای زندگی، اکبر آقا در جریان تازه‌ای افتاد و یکدفعه زد به کله‌اش که برود یك سفری خارج از ایران بکند. دیدن آثار باستانی، دخترهای لندن و پاریس، تعمیرگاهها و کارخانه‌ها... و... و...

این بود که راه افتاد بطرف لندن، آنهم قسطی باریك تور مسافرتی. با کلی ترس و لرز سوار هواپیما شد و رفت روی هوا و بقول خودش با کبوتر آهنین بال بطرف کشورهای خارجه براه افتاد، اما از بحت خوش یا ناخوش، از همان آغاز راه دخترکی چشم سیاه بنام «بنفشه» کنار دستش نشست و حال اکبر آقا را گرفت... در فرانکفورت یك توقف کوتاه کردند و دوباره بطرف لندن پرواز کردند و عاقبت در فرودگاه لندن از هواپیما پیاده شدند. مشکل تازه در اینجا آغاز شد که اکبرآقا همراه خودش یك غلیان برده بود که در فرودگاه توقیف شد و عاقبت، بهنگام خروج تازه غم عشق «بنفشه» و دوری از او، روی دلش نشست. بهرحال در هتل اتاق گرفت و با اصغرآقا هم اتاق شد.

سپس هنگام، همراه بنفشه، به یك بوتیك و سپس به رستوران «بندله کحس» رفتند و یك کارگردان از اکبرآقا خواست تا در فیلمش شرکت کند.

اکبرآقا هنوز در رؤیای دیگری غرق بود که صدای نتراشیده و نخراشیدهٔ اصغرآقا، مثل سیل ریخت توی سرزمین رؤیاهایش و همه را ویران کرد.

- خوب دل دادین و قلوه گرفتین! اصلاً فکر میکنی اصغرآقای بیچاره‌تون چه سرش اومده؟

اکبرآقا از جا پرید و بعد با ناراحتی گفت:

- بابا بلندگو قورت دادی؟.. یه خورده یواش‌تر.

بعد از جا بلند شد و به «لاله» تعارف کرد:

- بفرمائین خانم، قدمتون بر روی تخم چشم ما.....

چهارتائی نشسته بودند که گارسن با چهار بشقاب باقلا پلو جلو آمد و اکبرآقا که چشمش به باقلا پلو افتاد در حالیکه دلش مالش میرفت گفت:

- به! کی از ما پرسید چی میخواهیم؟

گارسن بی‌تفاوت گفت:

- شام امشبمون همینه.....

و گذاشت و رفت. اکبر آقا و اصغرآقا و بنفشه و لاله به گارسن خیره شدند... سپس اکبرآقا در حالیکه سعی میکرد خودش را کنترل کند، گفت:

- اینها فکر کردن با کی طرفن، با یه عوضی انگلیسی؟ این فیلم اومدن‌ها واسه

...تودیوی فیلمبرداری

چیه؟

بنفشه آرام گفت:

- گارسنش ایرونیه.

همه زدند زیر خنده، و بنفشه برای عوض کردن حرف با خوشحالی به اصغر آقا گفت:

- شما هیچ میدونین اکبرآقا دیگه اکبرآقای سابق نیست. واسه خودش کلی کیا و بیا داره؟ همین چند لحظه قبل از اومدن شما، یك کارگردان بزرگ انگلیسی ازش دعوت کرد تا نقش اول فیلمش رو بازی کنه. اکبرآقا از فردا یك هنرپیشه بزرگ بین‌المللیه!

اصغرآقا لحظه‌ای بهت‌زده به بنفشه و اکبرآقا نگاه کرد. بعد یك هورای بلند کشید، بطوریکه همه برگشتند و به او نگاه کردند. سپس با شادی گفت:

- وقتی میگن ایرونی با استعداده، واسه همینه دیگه، من رفیق یك هنرپیشه بزرگم. حالا کار اونهمه هنرپیشه وطنی، اکبرآقای ما هم یه هنرپیشه‌ست. بعد، اسم چند نفر از هنرپیشه‌های سینمای ایران را برد...

لاله که متحیر به اصغر آقا نگاه میکرد گفت:

- اینها که گفتی کی هستند؟... تا حالا اسمشون رونشنیده بودم.

اصغرآقا با مشت کوبید روی میز و گفت:

- پس تو چه ایرونی هستی که هنرمندان وطنترو که همه دنیا اونها رو می‌شناس، بجا نمیاری؟

لاله که خودش را باخته بود گفت:

- خوب تقصیر من چیه که اینجا فیلم‌هاشون رو نمیارن؟

اکبرآقا در حالیکه سیگاری روشن میکرد گفت:

- آوردن، حتماً شما ندیدین.

اصغر گارسن را صدا زد و گفت:

- یه بطر شامپاین بازکن برای اکبرآقا، اونو یه طوری باز کن که صداٰ بده!

گارسن بسرعت رفت و با یك بطری شامپاین برگشت و با کلی دبدبه و کبکبه در بطری را باز کرد. شامپاین فواره زد و اکبر آقا که از شادی در پوست خود نمی‌گنجید، اولین گیلاس شامپاین را برداشت و در حالیکه ایستاده بود، خطاب به بقیه گفت:

- میخواهم به سلامتی هر چی ایرونیه، بسلامتی اسم ایرون، و به سلامتی موفقیتی که برام گندس...

بنفشه زیر میز زد بپای اکبرآقا و آهسته گفت:

- موفقیتی بزرگ.

اکبرآقا هم بسرعت گفت:

- بله، موفقیتی که برام بزرگ و گندس بخورم. میخواهم نشون بدم ما هنرمندای ایرونی در صحنه بین‌المللی چه سهم بزرگ و گنده‌ای داریم......

همه دست زدند. اکبرآقا شامپانش را لاجرعه سرکشید و یکدفعه زد زیر سرفه.. لاله آهسته به اصغرآقا گفت:

- پس اکبرآقا یه هنرمند ایرونیه..

و اصغر آقا که خودش هم دچار تردید شده بود، مغرورانه گفت:

- به، این اکبرآقای ما از هر انگشتش هزار تا هنر میریزه، از بس تو ایرون سرشناس و معروفه، اومده انگلیس که مردم مزاحمش نشن... ولی اینجام کارگردان انگلیسی عاقبت به دامش انداخت. آن شب را به خوشی گذراندند و اکبرآقا دم کرده از باقلاپلو و شامپاین صورتحساب خواست. حساب را آوردند و اکبرآقا همه‌اش منتظر بود که اصغر آقا لااقل پول شامپاین را که سفارش داده بپردازد، ولی اصغر آقا آنقدر با لاله گرم گوفته بود که ناگزیر اکبرآقا صورتحساب نودپوندی را پرداخت و دلخور و ناراحت بلند شد. بنفشه با ناراحتی گفت:

- اکبر جون! این دفعه آخر بود که اردهای اصغر آقا رو تحمل کردم. هر کی ارد میده، خودش هم باید پولشو بپردازه.

اکبر آقا با خنده گفت:

- ای بابا، پول من ایرونیه، پول اصغرم ایرونیه، اینجام صاحبش ایرونیه. چه فرقی میکنه. جیب من یا اصغر آقا یا اسدالله کچل!

بهرترتیبی بود اصغر آقا را راضی کردند و از کاباره آمدند بیرون ...

●●●

دمدمه‌های صبح بود که اکبر آقا با صدای زنگ گوشخراش تلفن از خواب پرید. از پشت تلفن صدای راهنمای آژانس را شنید که:

- اکبر آقا امروز از موزه‌های لندن بازدید می‌کنیم. ساعت حرکت ۹ صبح.

- حالا ساعت چنده؟

- شش صبح.

- پس چرا حالا منو از خواب بیدار کردین؟

- خواستم خبر داشته باشین.

اکبر آقا دهن دره‌ای کرد و گفت.

- باشد.

و خوابید. تازه داشت خوابش میبرد که دوباره زنگ تلفن بصدا درآمد. این‌بار اصغر آقا که کفری شده بود گوشی را برداشت و بی‌مقدمه فریاد کرد:

- بابا چرا ول نمی‌کنی. یه دفعه گفتین دیگه، چرا مزاحم اکبر آقا میشین؟

و پس از لحظه‌ای مکث گفت:

- اوه ببخشین بنفشه خانم شما هستین؟ من اصغر آقا هستم.

اکبر آقا باشنیدن اسم بنفشه یك دفعه مثل فنر از جا پرید و گوشی را از دست اصغر آقا قاپید:

- الو، بنفشه جان سلام. دیشب خوب خوابیدی؟

- آره اکبر جون .... بهت زنگ زدم که یادت نره زود بلند شی.

- واسه دیدن موزه؟

- موزه چیه مگه با کارگردانه قرار نداری؟

اکبر آقا دوبامبی زد توی کله‌اش و گفت:

- ای خدات رو شکر، یادم رفته بود. مگه این اصغری برای آدم حواس میذاره.

اصغر آقا با دلخوری گفت:

- بابا متو ستەنه....؟

- بخواب بابا با تو نبودم.

اصغر گفت:

- بگو تو تارزان میشی منم چیمی.

اکبر آقا گفت:

- چرا چیتا نمیشی؟!

اصغر آقا که دلخور شده بود سرش را کرد زیر ملحفه و شروع کرد به غرغر کردن.

بنفشه گفت:

- بابا شماها چی می‌گین؟

- هیچی بابا، این اصغر که ول نمی‌کنه، مثل کنیز ملاباقر غر میزنه.

- خیلی خوب بلند شو یه دوش بگیر و آماده شو. ساعت هشت من میام دنبالت که بریم استودیو فیلم برداری.

اکبر آقا با خوشحالی گفت:

- باشه، هنرپیشگی هم چه دردسرهائی داره‌ها!... پس منتظرتم، زودتر بیا صبحونەرو اینجا باهم بخوریم.

- باشه.

اکبر آقا گوشی را گذاشت. از جا بلند شد رفت طرف حمام که دید دربسته است و صدای آب دوش می‌آید ... با تعجب برگشت به تختخواب اصغر آقا نگاهد. او نبود. با عصبانیت فریاد کرد:

- اصغری

- بله؟..

- تو مگه خواب نبودی؟!

- حالا بیدارم.

- ناکس من کار دارم تو واسه چی رفتی حموم؟

- دیدم بده که من حموم نکرده دنبالت بیام!

- کی گفته که تو دنبال من بیای؟

- هیچکس نگفته ولی مردونگی و لوطی‌گری چی‌میشه؟ مگه میشه من تو رو تو مملکت غریب تنها بذارم که سرت رو کلاه بذارن.

اکبر آقا با عصبانیت گفت:

- آخه بتوچه مرد حسابی. خودم بلدم برم استودیو. با بنفشه میرم. حالام زود باش از غسالخونت بیا بیرون.

- به خودت صبر کن. میام

اکبر آقا در حالیکه با عصبانیت قدم میزد، فریاد کرد: اصلا لباسامو عوض می‌کنم

و اصغر آقا که داشت خودش را خشك می‌کرد با خنده گفت.

کی میداره؟ .

بعد در را باز کرد و با حوله سفیدی که به بدنش پیچیده بود آمد بیرون. اکبر آقا که از قیافه او خنده‌اش گرفته بود گفت:

- تو باید بری رل نعش‌رو بازی کنی. خوب بشتر بهت میاد

و رفت تو حمام..

●●●

ساعتی بعد اکبر آقا در حالیکه یك لباس جین بسبك کابوی‌ها پوشیده بود آماده رفتن به سرسرای هتل شد و اصغر آقا نیز به تبعیت از او با لباس شکارچی‌های آمازون به او ملحق شد و اکبر آقا با عصبانیت گفت:

- اصغر خودترو لوس نکن من تو رو با خودم نمی‌برم.

- ولی من میام...

- آخه واسه چی؟!

- واسه این که شانس یه دفعه به آدم رو میباره منم آرزوی هنرپیشگی دارم.

- آخه مگه کسی از تو دعوت کرده؟

- تو ...

اکبر آقا با عصبانیت از اتاق خارج شد و همراه با اصغر آقا سوار آسانسور شدند. اصغر رویش را بسمت دیگر کرده بود که اکبر آقا سرش داد نزند و بعد دوتائی وارد سرسرا شدند و بنفشه را دیدند که منتظر آنهاست.

بنفشه با حیرت گفت:

- اصغر آقا کجا میری؟

- جائی نمیرم، با شما میام.

- ده ..... ده... تو رو که دعوت نکردن؟

- باشه من یه گوشه می‌ایستم، اکبر آقا رو تشویق می‌کنم.

بنفشه که دید از پس او بر نمی‌یاد گفت:

- خیلی خوب بریم، دیر شده، صبحونه باشه بعد.

●●●

تاکسی جلو استودیو بزرگ ایستاد و بنفشه بسرعت بطرف دربان رفت. با او حرف‌هائی زد و بعد سه نفری وارد استودیو شدند، و پس از ده دقیقه پیاده روی وارد سالن شدند و یك خانم به آنها گفت: «بنشینید تا کارگردان بیاد...» اکبر آقا قلبش به شدت میزد. از پشت پنجره سالن‌های بزرگ را تماشا می‌کرد. پروژکتورها، دوربین‌ها و کارگرانی که بسرعت در رفت و آمد بودند. بر دلهره او افزوده بود. آهسته گفت:

بنفشه، من می‌ترسم........

ادامه دارد

قربانگاه عشق

نوشته: «شاخه نبات»

«فردا شب، شب عروسی من است. از حالا تمام خانه را سیم کشی کرده‌اند. مادرم خیلی به چراغانی اهمیت میدهد. قرار است روی حوض خانه فرش بیاندازند تا رقاصه‌ها آنجا برقصند. گویا سیاه بازی هم دارند. برادرم دسته «حسنخان» را دعوت کرده است. این‌ها مجلس را درست وحسابی حال می‌آورند. عروسی دختر آسیه خانم رو که یادت می‌یاد؟ هنوز که هنوز است همه از اون عروسی حرف میزنند. برای عروسی تو هم همون دسته رو دعوت کردم. حتم دارم عروسیت خیلی میگیره. مادر از صبح برای خرید میوه به میدان رفته. شوخی که نیست، عروسی هزار دفعه که نیست فقط یك دفعه است. مردم رو هم که میشناسی، همه‌اش دنبال ایراد وبهانه میگردن. اما من بهانه‌ای دستشون نمیدم. از شیر مرغ وجون آدم، هرچی باشه فراهم میکنم تا زبون همه‌شون قفل بشه. همه مشغول بدو بدو هستند. وهمه شاد وخندان به نظر می‌آیند، بغیراز من که فردا شب باید با شیرین به حجله بروم. چه دختر خوبی است این شیرین چه مهربان وچه فداکاره. اما چه کار میشود کرد، عشق بطور معمول از هیچ کدام ازاین بهانه‌ها به وجود نمیاد ومن با همه محبتی که به شیرین دارم هرگز او را دوست نداشته‌ام.

از خانه که فضایش، خفقان‌آور شده بیرون میدوم. کوچه دراز وباریك زیرآفتاب تابستان تب کرده است. آدمها می‌آیند ومیروند وبا خونسردی از کنار من میگذرند. خدای من، کدام یك از آنها میتوانند حدس بزنند که من دارم به طرف مرگ میروم؟ شقیقه‌هایم تیر می‌کشد. شاید تب دارم. شاید هم از هیجان داغ شده‌ام. من دارم به کجا میروم؟ چرا نمیتوانم جلوی خودم را بگیرم؟ کاش اختیار زندگی بدست ما بود... دراین صورت هرگز هم چه حادثه‌ای پیش نمی‌آمد. زرینه حالا کجاست؟... از حالا تا ساعت شش عصر که با او وعده دارم باید چه کنم؟ چرا سرنوشت تا این حدّ بی‌رحم است وچرا این طور با آرزوها وامیال انسانها بازی میکند؟ از کوچه به خیابان میرسم وبه چپ وراستم نگاه میکنم. از کدام راه بروم بهتر است؟ مغزم اصلاً کار نمیکند. حالت آدمهای گیج وگنگ را دارم. از تمام وجودم فقط یك صدا بلند میشود. صدای مرگ «وقتی نمیتوانی تصمیم بگیری بهتر است بمیری» چه حکمتی! چون بدون شك مرگ بهتر از زندگی با شك وتردید است یك ماشین کنار گوشم بوق میزند. بی‌اراده در سمت راست به راه می‌افتم ودستم را به میله‌های آهنی پارك بزرگی که در مسیر من امتداد یافته می‌کشم. هوای این قسمت از بوی درخت وگل وسبزه پراست. برای ما شهری‌ها هوای ناشناسی است. مثل خود من که مدتی است برای خودم ناشناس شده‌ام راستی باید چه طور خودم را پیدا کنم؟ چند نفر دور بساط پیرمردی که مقداری کتاب کهنه را کف خیابان پهن کرده است جمع شده‌اند. کتابهای بساط پیرمرد اکثراً کتابهای قصه‌اند، داستانهای غم‌آلودی که از زندگی مایه میگیرند، مثل داستان زندگی خود من، که بی‌گمان پایانش از آغازش درد بارتر است. داستان چه طور شروع شد؟ چه طور؟ به آغاز داستان فکر میکنم. به روزی که به انبار کاه آتش افتاد:

من تعمیر کار کولر ویخچال هستم. قدیم‌ها مردم به ما زیاد احترام نمی‌گذاشتند. چون کارگر هنوز، در اجتماع احترامی نداشت، اما از وقتی که وضع عوض شد، کارگرها هم جای خودشان را پیدا کردند. به همین دلیل هم روزی که کیف در دست زنگ درآن خانه را فشار دادم، با قیافه منتظر وخندان آن دختر روبرو شدم. بقول خودش من یك فرشته نجات بودم چون از یك هفته پیش که یخچالشان خراب شده بود، یك آب خنك از گلویشان پایین نرفته بود چشم‌های زنده درخشانی داشت. اما لبهایش از چشم‌هایش زنده‌تر ودرخشان‌تر بود. تند تند حرف میزد و با آن که اندامش را در چادر نماز نازکی پوشانده بود اما در واقع چیزی از بدن زنده و جوانش پوشیده نبود. هیچ کس در خانه نبود و تنها دختر بزرگ خانه به انتظار رسیدن تعمیرکار در خانه مانده بود. هر چه بیشتر با هم حرف میزدیم، از او بیشتر خوشم می‌آمد. درنگاهش چیزی بود که انسان را میکشید و جذب میکرد.

اسمش زرینه بود و این اسم با موهای بلندش که به رنگ شبق بود، هیچ تناسبی نداشت. آن روز با آنکه شاید میتوانستم کار را تمام کنم اما چون از صبح کار کرده و خیلی خسته بودم، آن را نیمه کاره گذاشتم و خوشحال بودم که باز هم میتوانم زرینه را به‌بینم. جلوی در وقتی از او خداحافظی میکردم، چشم‌هایش از برق عجیبی پر شده بود، همان برقی که در قلب خودم زده بود. بازتابش را آن شب در خواب دیدم. شب آغاز عشق، و یا شب آغاز سرنوشت. مرد میانه سال لاغر اندامی با موهای جوگندمی از کنارم میگذرد. با پاکت میوه‌ای که در دست

دارد، حتماً به خانه‌اش میرود. او نمونه یك مرد خانه است مثل پدر شیرین که روز بعد دیدمش. آنها خانواده متوسطی بودند. و پدر خانواده یك کارمند بود با کراوات رنگ و رو رفته و حقوقی که به زحمت کفاف مخارج یك ماه را میداد.

اتومبیل‌هائی که با سرعت از کنارم میگذرند حکم گلوله‌های رنگارنگی را دارند که در فضا رها شده‌اند. همه‌اش دور خودم میچرخم و میچرخم و هر چه میکنم در جایی قرار نمیگیرم. فردا شب، شب عروسی من است و من دارم با سرعت به طرف قبرستان میروم. تعمیر یخچال در واقع نقشه‌ای بود که سرنوشت برای نزدیك کردن من و زرینه به هم کشیده بود. چون ما بعد از آن روز باز یك دیگر را میدیدیم و با سرعت به طرف عشقی پیش میرفتیم که بی‌گمان هم میتوانست آینده ساز باشد و هم مخرب من میخواستم با زرینه عروسی کنم. این تصمیم را سه چهار ماه پس از آشنائی گرفتم ولی یك دفعه حس کردم زرینه عوض میشود. انگار چیزی را از من پنهان میکرد در چند جلسه آخر به نظرم خیلی اسرار آمیز می‌آمد. برق چشمهایش خاموش شده بود. خیلی کم حرف میزد و اصلا نمی‌خندید.

* * *

در کافه‌ای را باز میکنم و وارد میشوم، تشنگی سخت اذیتم میکند. دستور بستنی میدهم. وقتی هم که بالاخره با هم حرف زدیم در یك کافه نشسته بودیم و زرینه مثل چند هفته آخر خاموش بود. باید آن شب همه چیز را به او میگفتم و باید از او خواستگاری میکردم. موضوع را با مادرم در میان گذاشته بودم و او گفته بود « هر کسی را تو بخواهی من هم میپسندم. برو حرفهایت را با خودش بزن. وقتی تمام شد، خواستگاری رسمی با من» و حالا میخواستم حرفهایم را با او بزنم.

گفتم– یك حرفی بزن زرینه.

گفت– چی بگم؟... حوصله ندارم.

کمی اخم‌هایم درهم رفت. چه شده بود که بکلی عوض شده بود؟ پرسیدم:

– چی شده، مدتیه پاك عوض شدی. دیگه دوستم نداری؟

در حالی که با سر ناخن‌هایش بازی میکرد گفت:

– حق با توئه.... فکرم این روزا خیلی خرابه.

– چرا؟ مگه چی شده؟

گفت– میخواستی چی بشه؟ واسم خواستگار اومده، به قول پدرم یك خواستگار عالی.

هیچ حرفی نزدم اما حس کردم تپش قلبم یك دفعه زیادتر شد. نگاهم را با تمام قدرت به روی او دوختم. سرش را بلند کرد و گفت:

– «نمی‌دونی توی خونه چه وضعی دارم. دلم میخواهد بمیرم تا از شر این حرفها راحت بشوم.»

این حرف‌ها را میزد، اما از حالتی که در چشمها و دست‌هایش بود پیدا بود که آنچه میگوید از ته دل نمیگوید. انگار داشت بازی میکرد. اما با چه کسی؟.... با من یا با خودش.

آب دهانم را به زحمت فرو دادم و گفتم:

– «ولی این که زیاد مهم نیست. من امشب میخواستم از تو خواستگاری کنم. این کار را همین فردا میکنم. حتم دارم پدرت بمحض اینکه منو ببینه عقیده‌اش را عوض میکنه» پوزخندی زد. حالتش عجیب و غریب بود. شاید هم از فاش کردن حقیقت وحشت داشت. چون باز مدتی ساکت ماند و با ناخنهایش ور رفت.

گفتم– «چرا حرف نمیزنی؟ بگو ببینم این یارو چه جور آدمیه؟

بدون اینکه به چشم‌های من نگاه کند گفت:

«گفتم که خیلی پولداره، کلفت و نوکر و شوفر و باغ شمیرانش چشم‌های پدرم را گرفته. مخصوصاً که قول داده واسه بابا هم یك خونه بخره. دیشب یك انگشتر واسه من فرستاد که قیمت نگینش همه زندگی ما رو میخره...»

چنان حرف میزد که انگار دیگر کار تمام بود. تا آن لحظه خودم را به زحمت نگاه داشته بودم ولی یك دفعه با مشت روی میز کوبیدم و گفتم –«ولی من اجازه نمیدم کسی تو رو از چنگ من بیرون بیاره. مگه یادت رفته باهم چه قول و قرارهایی گذاشتیم؟ همه چیز دست توئه و اگر تو نخوای هیچ کس نمیتونه تورو بزور شوهر بده.»

و او باز همان طور پوز خند زد و در همان حال گفت:

– بیخود جوش نزن. دیگه کار تمومه و هیچ کاری نمیشه کرد.

و باز سرش را پائین انداخت و پس از چند لحظه اضافه کرد:

–«اون‌ها دیشب واسه من انگشتر آوردن.»

لیوان بستنی را در دستم فشار میدهم. آن شب هم آن قدر به این کار ادامه دادم تا دیگر زرینه را جلوی روی خودم ندیدم. او رفته بود شاید هم از وحشت از من فرار کرده بود. از آنشب تا به امروز چقدر راهه و من در طول این فاصله چه کرده‌ام؟ فرداشب، شب عروسی من است. با دختری که شیفته محبت‌هایش هستم، اما هرگز قلبم برایش نه تپیده است. با او کجا آشنا شدم؟ شیرین را میگویم. یك روز آمد در مغازه، آب گرم کن خانه‌اش خراب شده بود و دنبال کارگر تعمیرکار میگشت. ساده و مهربان و بی شیله پیله به نظر می‌آمد. بمن گفت حاضره یك مقدار مزد اضافه بدهد تا زودتر کارش را راه بیاندازم. آنروزها داشتم روزهای بدی را میگذراندم. هر چه میکردم نمیتوانستم زرینه را فراموش کنم و برای این که لااقل خودم

لطفاً ورق بزنید

قربانگاه عشق

را فراموش کنم، با آنکه از این آب لعنتی سخت بیزارم و نفرت دارم هر شب با بطری ودکا خلوت میکردم و هر صبح کسل‌تر و پوچ‌تر از همیشه از خواب بلند میشدم. زخمی که به قلبم خورده بود، خیلی دردناك بود و من دنبال پادزهر میگشتم. شاید اگر آن روز شیرین با آن سادگی به روی من نمی‌خندید، کارش را قبول نمیکردم، چون به جایی رسیده بودم که از هیچ اضافه مزدی راضی نمیشدم بجز محبت، و این محبت در لبخند شیرین بود. او بیست و پنج ساله و دیپلمه بود. با مادر پیر و برادر کوچکش در یکی از خانه‌های کوچك محله ما زندگی میکرد، تعمیر آب گرم کن باز یك بهانه شد و باز من را با دختر دیگری آشنا کرد اما این بار خود شیرین بود که مرتب به مغازه من می‌آمد و میرفت و سرانجام هم باز خود او بود که از عشق با من حرف زد. وقتی صحبت عشق به میان آمد باز دیوانه شدم. مخصوصاً که آن شب مثل هر شب دیگر مست هم بودم. همان طور که شیرین از آنچه در قلبش میگذشت حرف میزد با قهقهه به میان حرفش دویدم. شنیدن حرف عشق، آن هم از دهان یك دختر، برای من واقعاً مسخره بود آه، مگه شما زن‌ها از عشق هم چیزی میفهمید؟

یك دفعه چشمهایش از اشك پر شد. سرش را تکانی داد و گفت -«نمیخوای بگی در گذشته تو چه اتفاقی افتاده؟... فکر میکنم از یك زن ضربه بدی خورده باشی، این طور نیست؟»

و آن وقت بود که زخم دیرین سر باز کرد و من بی‌آنکه بدانم دارم چه کار میکنم، مثل صفحه‌ای که خط رویش افتاده باشد، مشغول حرف زدن شدم و همه چیز را به او گفتم، حتی این را هم گفتم که هنوز زرینه را دوست دارم و هنوز از خاطره او عذاب میکشم. مدتی د از با چشمان درشت و غمگینش به من نگاه کرد. بعد آه بلندی کشید و گفت -«کمك منو قبول میکنی؟ تو به یك کسی که بتونه زخمت رو علاج کنه احتیاج داری، و آن کس هم منم که راست راستی دوستت دارم و از تمام دنیا جز تو چیزی نمیخوام.»

حالا فهمیدید من و شیرین چه طور باهم نامزد شدیم؟ او واقعاً مهربان بود. از دست‌هایش و چشم‌هایش و زبانش محبت میریخت و من مثل کودك وحشت زده‌ای که به دامان مادر پناه میبرد، به او آویخته بودم. روزها میگذشتند...

همان طور که خودم را برای عروسی با شیرین آماده میکردم، از عادت مشروب خواری هم به خواهش او دست برداشتم تا آن شب که زرینه و پدرش را در خیابان دیدم. ماسریك چهارراه بزرگ باهم مصادف شدیم و یك دفعه نگاهمان به هم افتاد. سایه‌ای از روی چشم‌های زرینه گذشت و لبخندی به روی لبهایش افتاد و دل من که مثل روزگار گذشته از عشق او لبالب بود، آن چنان به تپیدن درآمد که گویی داشت منفجر میشد. وقتی از کنار هم گذشتیم برگشتم و به او نگاه کردم. اوهم برگشته بود تا به من نگاه کند و به محض این که نگاه مرا گرفت، اشاره کرد که معنایش را نفهمیدم. شب در منزل شیرین مهمان بودم، اما نرفتم و بجای آن خودم را به یك عرق فروشی رساندم و انقدر لیوان‌ها را پرو خالی کردم تا سیاه مست شدم. یادم می‌آید تمام راه را تا خانه پیاده برگشتم و در طول راه با صدای بلند آواز خواندم و گریه کردم. در خیابان جز مستهایی، مثل خودمن، روسپی‌ها، وسگهای ولگرد، موجود زنده دیگری به چشم نمیخورد و چراغ‌هایی که از کنارم رد میشدند، حالت چشمهای گرگ‌ها را داشتند. صبح زود شیرین به مغازه‌ام آمد. چشم‌هایش پف کرده و رنگش پریده بود. هرچه نگاهش میکردم، نمی‌شناختمش. حتی حلقه‌ای را هم که به دستش کرده بودم، نمی‌شناختم. بغض کرده، آمده بود. وقتی حالت مرا دید، بغض کرده هم رفت. ولی عکس‌العمل او در من واکنشی ایجاد نکرد. انگار باز بادیدن زرینه به گذشته برگشته بودم. نزدیك ساعت یك بعد از ظهر تلفن زنگ زد. یکی از کارگرها گوشی را برداشت و فریاد کشید، «بیا داودی، تورومیخوان.»

وآن که تلفن میکرد، مادر شیرین بود. سراسیمه حرف میزد و میگفت که برای شیرین خیلی نگران است، چون از وقتی که به خانه برگشته، خودش را در اتاقش حبس کرده و باصدای بلند گریه می‌کند.

گفتم: «صبر کنین، الان خودم میام اونجا.»

وبعد ارتباط را قطع کردم. خدای من، سرنوشت ما انسانها چه طور ودر کجا ساخته و پرداخته میشود! من همان روز برای این که شیرین را آرام کنم، درحالی که تمام وجودم از عشق زرینه پربود، قرار عروسی را گذاشتم با خودش و مادرش، و قرار هم خیلی نزدیك بود. واز آن روز تا روز مقرر فقط ده روز فاصله بود... پول بستنی را روی میز می‌اندازم و از کافه بیرون میروم. امشب ساعت شش با زرینه قرار دارم.

ولی آیا واقعا او را خواهم دید؟... باز اگر فردا شب، شب عروسیم نبود، شاید می‌توانستم مسیر سرنوشت را عوض کنم، ولی لباس عروسی شیرین روی دسته صندلی اتاقش افتاده است ولامپهایی که برادرم از سیم‌های میان درختها آویزان کرده، انتظار فرداشب را می‌کشند.

دو روز بعد از قرار عروسی که برادرم دنبال چاپ کردن کارتها رفته بود، یك دفعه باز نزدیك ظهر تلفن مغازه زنگ زد واین بار خودم گوشی را برداشتم وبدنبال آن آتش گرفتم. چون دریك آن صدای زرینه را شناختم. صدای عزیزی که بهترین روزهای جوانی من را پر کرده بود. هر دو اول نمیدانستیم به هم چه بگوئیم. اما او بالاخره شروع کرد وگفت:

– غلط کردم داود، نمیدونی مرتیکه چه جانوری از آب دراومده. پول که نداشت هیچی، بالاخره فهمیدم قاچاقچی هم هست... خدا را شکر از دستش راحت شدم»

بسادگی واسانی کسی که مرتکب هیچ گناهی نشده است، وبا اطمینان زنی که میداند بر وجود واراده وافکاری مردی مسلط است، حرف می‌زد ومن که از عشق میسوختم پا بپای او پیش می‌امدم آن چنان که باز وجود شیرین را فراموش کرده بودم. شب بعد همدیگر را در یك رستوران دیدیم. چه زیبا بود زرینه وچقدر دوستش میداشتم. بازبان لال روبرویش نشسته بودم واز حقیقت با او هیچ نمیگفتم واو از آینده حرف میزد. از آینده مشترك با من واز عشق واز رویا وهنوز هم در همان رویاست. وحتماً از حالا دارد انتظار ساعت شش را میکشد ومن... خیابان خفه وشبزده با موجی از حرکت جلوی چشمانم پهن شده است. من هم جزیی از اجزای این حرکت بی‌پایان هستم. اما دارم به کجا میروم؟

طرف حقیقت... یك دفعه جرقه‌ای در مغزم خاموش وروشن میشود. زرینه را دوست میدارم. اما باید ازاو که با حقیقت بیگانه است خداحافظی کنم. کسی که یك بار مرا به پول فروخت، باز هم میتواند این کار را بکند. در صورتی که شیرین مرا به همه پولهای دنیا هم نمیفروشد این را نه تنها خودش بارها گفته، بلکه من نیز به آن ایمان دارم. ایا این ایمان را میتوان شکست؟ نه... فردا شب ، شب عروسی من است. خانه را چراغان کرده‌اند... دسته «حسنخان» را هم دعوت کرده‌اند مادرم هم حتماً حالا دیگر با بارهای میوه ار میدان برگشته است. آه عقربه‌های ساعت میدان با سرعت به طرف ساعت شش نزدیك میشود ومن با قلبی پر از اندوه وآهسته آهسته بسوی قربان گاه عشق میروم.

...از محبت بقیه از صفحه ۶۷

که از حلیمه دختر آقای «ش...» خیلی خوشش میاد، گویا دختره هم همینطور قراره فردا عصر بریم خواستگاریش تو دعا کن، همه چیز روبراه بشه، منم یه سفره ابوالفضل نذر می‌کنم.»...

همه چیز روبراه شد و عروسی آقا مرتضی و حلیمه سرگرفت...

یادم میاید آن روزها بی‌بی‌ناز مثل یك پرنده سبکبال این طرف و انطرف می‌پرید و انقدر خوشحال بود که باقیمانده اندوخته‌اش را در اختیار پسرش گذاشت تا برای همسرش یك انگشتری الماس بخرد. بی‌بی‌ناز دیگر توان خیاطی کردن نداشت توی خانه می‌پلکید و با آن چشمهای کم نورش برنج پاك می‌کرد. از نوه‌اش، «گوهر» مراقبت می‌کرد. غذا می‌پخت.

و خلاصه مثل اینکه با کار پیوند جاودانی بسته بود. دیگر سراغی از ماهم نمی‌گرفت. این بود که ما گهگاه به دیدنش می‌رفتیم و هر بار بیش از دفعه قبل غمگینش می‌دیدیم. هرچه از او می‌پرسیدیم چرا اینطور دل مرده شده می‌گفت: «پیر شدم و دیگه همین روزها باید بار سفر ببندم و برم.»

از این شوخی همیشه دلمان می‌گرفت، ولی «بی‌بی‌ناز» همچنان شیفته پسر و عروس و نوه‌اش بود ... و هیچ گلایه‌ای از آنها نداشت، تا امروز که زنگ خانه ما بصدا درآمد. وقتی در را باز کردم. هیکل نحیف بی‌بی‌ناز را دیدم که چمدانی کوچك بدست دارد. با عجله به داخل خانه دعوتش کردم. جرات نمی‌کردم سئوالی بکنم، که خودش شروع به حرف زدن کرد و گفت: «نمی‌خوام ار کسی گله‌ای بکنم. از بخت خودم گله دارم دوسال دم نزدم. دوسال خودم رو به نفهمی زدم و یك کلام به آقامرتضی نگفتم که زنش با من چی می‌کنه کار خونه شونو می‌کردم، با این چشمهای مریضم، دائم تو اشپزخانه بچه‌شونو نگهمیداشتم، ولی به محض اینکه آقا مرتضی پاشو از خونه بیرون میذاشت حلیمه با من بدرفتاری و تغیر می‌کرد، متلك می‌گفت. یه دفعه به گوش خودم شنیدم که به اختر دوستش می‌گفت وقتی این پیر زن گوهرو ماچ می‌کنه، چندشم میشه. می‌ترسم میکروب داشته باشه. از اونوقت به بعد دیگه با همه علاقه‌ئی که به گوهر داشتم، ماچش نکردم. یکی دو دفعه هم شنیدم که با آقا مرتضی سرمن حرفش شده بود. آخه به زنش می‌گفت : دفعه آخرت باشه که از بی‌بی‌ناز حرف می‌زنی من صدتارتو به یك موی گندیده مادرم نمیدم...

منم دلم به این خوش بود که پسرم دوستم داره هرچی به سرم میومد بروی خودم نمی‌آوردم. ولی میدونی امروز صبح وقتی آقا مرتضی از خونه بیرون رفت حلیمه چی‌گفت؟

در این جا بود که بی‌بی‌ناز گریه را سر داد و هق هق کنان افزود: آره گفت آقا مرتضی روش نشده به خودتون بگه، بمن گفت بهتون بگم از این خونه برین. از قدیم گفتن دوری و دوستی... واستون دوهزارتومنم پول گذاشته. بمن گفت مادرم میتونه بره اراك با خاله فاطی زندگی کنه. سر هرماه هم واسش پول می‌فرستم.

من که از ماجرا سر در نمی‌آوردم باورم نمی‌شد پسری تا این حد قدر ناشناس باشد. راستش چنان بهت زده شده بودم که نمی‌توانستم کلامی حرف بزنم که صدای جیغ حلیمه توی کوچه پیچید. فریاد میزد: «کمك... کمك... پای پسرم سوخت، کباب شد... بدادم برسین.» که بی‌بی‌ناز باز جوان شد و با سرعتی غیر قابل تصور، به کوچه دوید و نوه‌اش را در آغوش گرفت....

یکساعت بعد که در بیمارستان بودم پای بچه را پانسمان کرده بودند، و حلیمه توی بغل «بی‌بی‌ناز» اشك می‌ریخت و می‌گفت: «بی‌بی‌ناز» خواهش می‌کنم منو ببخشین به آقا مرتضی نگین که من این حرف‌رو بشما زدم این حرف خودم بود. آقا مرتضی آنقدر شمارو دوست داره که من حسودیم شده بود.... من مادرم رو هیچوقت به چشم ندیدم. خودتون میدونین دوساله بودم که مرد و من تموم کودکی و جوونیمرو زیر دست زن‌بابا بودم. وقتی می‌دیدم شما و مرتضی این همه بهم بستگی دارین، لجم می‌گرفت. مخصوصاً که مرتضی گفته بود اگه پای انتخاب کردن به میون بیاد شمارو انتخاب می‌کنه همیشه منو تحقیر می‌کرد. همیشه علاقه شمارو به رخ من می‌کشید. هرکاری واسش می‌کردم، بنظرش نمیومد. می‌گفت بی‌بی‌ناز بود که...بی‌بی‌ناز بود من به شما عقده پیدا کرده بودم. تصمیم داشتم به مرتضی بگم شما خودتون رفتین، و حالا اگه قضیه رو بدونه مطمئنم دیگه تو روی من نگاه نمی‌کنه. امروز وقتی آبجوش روی پای گوهر ریخت، وقتی انطوری دستم آتیش گرفته بود... فهمیدم که رابطه مادر و فرزند چیه. خواهش می‌کنم بزرگی کنین و به مرتضی نگین، خواهش می‌کنم.» و بی‌بی‌ناز آنقدر بزرگوار بود که حلیمه را دلداری میداد و می‌گفت:

دخترم من بجای مادرت. خدا شاهده خیلی دوستت دارم، واقعاً دوستت دارم. ترو خدا گریه نکن جگر منو آتیش نزن.

نزدیکیهای ظهر بود که دکتر اجازه داد بچه را به خونه بیاوریم، سوار تاکسی شدیم. من جلو نشسته بودم، گوهر توی بغل بی‌بی‌ناز خوابیده بود. حلیمه روی شانه بی‌بی‌ناز بود و موهایش را با مهربانی نوازش می‌کرد.

من به‌آرزوی بزرگ خود رسیدم

بقیه از صفحه ٤٥

پسر سومم فرشید، یازده سال دارد و درمدرسه عالی تحصیل میکند.»

تفریحات خانواده

از آقای حفظی میپرسم که چه نوع تفریحاتی برای خانواده‌اش تدارك میبیند؟... و میگوید:«دوره‌هائی داریم که هفته‌ای یکبار تشکیل میشود و در خانه دوستی گردهم جمع می‌شویم. هفته‌ای یکبار هم حتما به سینما میرویم، دوماهی یکبار هم به یکی از کاباره سر میزنیم. بعضی روزهای تعطیل هم با ماشین پسر بزرگم به اطراف تهران میرویم و خلاصه... این انواع تفریحات ماست.»

کی خودتان را بازنشسته میکنید؟

آقای حفظی، سی‌وپنج سال سابقه کار دارد. این است که از او میپرسم تاکی به کارکردن ادامه میدهید و چه زمانی خودتان را بازنشسته میکنید. جواب این است: متاسفانه قانون بازنشستگی کارگران تاحدودی نارساست. برای مثال، کارگری که روزی چند ساعت کار سخت انجام میدهد، باید سی‌وپنج سال حق بیمه بدهد و شصت‌ساله هم باشد تا بتواند خود را بازنشسته کند،

خوشبختانه ما در مؤسسه‌مان توانسته‌ایم تا حدودی این مشکلات را رفع کنیم، ولی خوب، این یك مسئله شخصی است و باید قانون کار که فراگیرنده تمام کارگران ایران است، همه جا یکسان باشد و مسلماً دست اندرکاران بفکر رفع نارسائی‌های آن هستند.»

کارگری که به آرزوهای خودش رسیده است.

از آقای حفظی میپرسم که چه آرزوئی دارد و برای دستیابی به آن، چه تلاشی میکند؟ میگوید: ـ من به آرزوهای بزرگ خود رسیده‌ام. دلم میخواست پسرهایم بتوانند تحصیل کنند که خوشبختانه اینگونه شد. دلم میخواست ورزشکار بار بیایند، که بازهم خواسته‌ام انجام شد. دلم میخواست مردم مرا قابل احترام بدانند، که این آرزو هم خوشبختانه برآورده شد. چنانچه فعلا نماینده کارگران روزنامه اطلاعات هستم واین خودنشان دهنده اعتماد و احترام دوستان کارگرم بمن است. تنها آرزوهائی که برای من مانده، یکی توفیق کامل همه کارگران عزیز است و حل مسائل موجود آنها، و دیگری ازدواج پسرهایم و دیدن اولادشان.

ارزیابی ثمرات پر شکوه انقلاب شاه و ملت

آقای حفظی میگوید: «بعنوان کارگری که سی و پنج سال از عمرش را بکار مشغول بوده، میخواهم با فکر کوچکم که حقیقتاً در برابر انقلاب پر شکوه شاه و ملت حقیر است، حرفی بزنم. انقلاب شاه و ملت برای جامعه کارگری ایران دست‌آوردهای معنوی و مادی فراوان به همراه داشته است. از نقطه نظر معنوی در بدو امر لقب «شریف» بود که از سوی رهبر انقلاب به این طبقه اطلاق شد و آنان را از ذلت کامل به اوج عزت رسانید، و پس از آن راه‌یابی و کامیابی کارگران و فرزندان آنها از جهت تحصیلات عالیه و مدارج علمی و فنی و تکنیکی و تنویر افکارشان و قراردادن آنان در صف مقدم حزب رستاخیز و دیگر نهادهای اجتماعی است.

از جنبه مادی میتوانیم بهبود زندگی کارگران را از طریق افزایش تولید و در نتیجه افزایش درآمد و برخورداری از سود ویژه کارگاهها و مهمتر از آن، احساس تملکی است که به موجب اصل سیزدهم انقلاب، گسترش مالکیت صنعتی، به کارگران دست داده و بهره‌مندی از شرکتهای تعاونی کارگری اعم از مصرف، مسکن و اعتباری و همچنین قرار گرفتن زیر پوشش کامل درمان از طریق بیمه‌های اجتماعی و مزایای دیگری که در بطن کار از آنها برخوردار شده‌اند، اشاره کنیم......

بهر حال دعای خیر ما کارگران ایرانی بدرقه راهی است که شاهنشاه آریامهر تا رسیدن به اوج قله موفقیت پیش‌رو دارند.»

۸ساعت گپ خودمانی...

بقیه از صفحه ۲۷

گاری خیلی بهتر از بخاری نفتی است. به آنها می‌گویم«من فکر می‌کنم بخاری برقی از همه انها بهتر است.» اسماعیل صفری، نگاه تعجب باری بصورت من می‌اندازد و جواب میدهد:«... کدام برق؟!» متوجه میشوم او«گوشه» بخاموشی‌های مکرر برق در دو سه ماه اخیر می‌زند. جواب میدهم اگر برق نباشد از باطری استفاده می‌کنیم. «عزیز عسگری» می‌گوید حتم از نوع باطریهای خورشیدی! جواب من ایست

– بهرحال بخاری که با نیروی الکتریسته کار کند

قسمت دیگری از همین سالن چند نفر از کارگران زن بدور هم جمع شده‌اند. دو دوشیزه ... شوخی باهم یکی بدو می‌کند.

«خدیجه چلبی» می‌گوید:«من کوچکترین کارگر زن در این کارخانه هستم.»

و«محترم شیرازی» اعتراض دارد که او کوچکترین کارگر زن در آن واحد صنفی است وقتی ازآنها می‌پرسم دلیل ادعای آنان چیست؟ می‌گویند چون ما هر دو ۱۷ سال بیشتر نداریم. از خدیجه سئوال می‌کنم در چه ماهی از سال ... آمده؟ او از پاسخگوئی احتراز دارد و میگوید اول باید محترم بگوید در چه ماهی از سال بدنیا آمده محترم شیرازی اعتراض دارد به اینکه اگر او هر کدام از ماههای سال را بگوید خدیجه ماه بعد را تاریخ تولد خودش خواهد گفت!

«خانم سارا جنانی» که در جمع انهاست، با شادی به مناظره این دو کارگر جوان نگاه می‌کند او بمن می‌گوید:«من وقتی اینگونه شوخی‌های دختران جوان را می‌بینم، به‌یاد بگومگوهای بچه‌های خودم در منزل می‌افتم.»

و این خانم، در پاسخ سئوال من درباره تعداد فرزندانش می‌گوید:«۳ اولاد دارم و چون به وضع تربیت و تحصیل و اخلاق انها شدیداً رسیدگی می‌کنم، فکر می‌کنم که بچه‌های من در بین بچه‌های فامیل و محل از بچه‌های نمونه باشند.»

شما که روزها در کارخانه هستید، از کجا میدانید وضعیت اخلاقی و رفتار فرزندانتان در غیاب شما چگونه است؟ خانم جنانی جواب میدهد «بچه‌های من هرگز عادت به دروغ گوئی ندارند هر کاری را که در غیاب من انجام دهند، وقتی بخانه میروم خیلی صادقانه برای من بازگو می‌کنند، بطوریکه هنوز برای یکبار ندیده و یا شنیده‌ام انها حتی کوچکترین خلاف خود را از من پنهان کنند و همین مسئله بمن می‌فهماند که بچه‌های من فرزندان نمونه‌ای هستند و از یك تربیت اصولی برخوردارند.» افکار این خواهر کارگر را ستایش می‌کنم بخاطر اینکه با تمام مسائلی که در زندگی با آنها روبروست، توانسته است صداقت وتربیت صحیح را در بین افراد خانواده خود برقرار کند، بطوریکه از بچه‌های خود بنام «فرزندان نمونه» یاد می‌کند.

سوت پایان کار طنین می‌افکند. کارگران برای شستن دست وصورت خود وتعویض لباس وبازگشت دربین خانواده، خود را آماده می‌کنند. همگی خوشحال وشادند، شادمان ازاینکه یك روز دیگر از عمر خود را با تلاش پرثمر بسر برده‌اند. تلاشی که فقط وفقط برای رفاه حال همه مردم این سرزمین است. وجا دارد که یکبار دیگر به کارگر شریف ایرانی بگویم: «آری، خواهر وبرادر کارگر، ما مردم ایران زمین، نیروی بازوان خستگی ناپذیر تو را ستایش می‌کنیم.»

تأمین اجتماعی

از صفحه ۹۰

مواهب فرمان میتوانند بطور رایگان تحصیلات خود را تا هر سطحی بخواهند ادامه دهند. ضمناً همانطور که اطلاع دارید، بدانشجویان کشور از طریق برنامه‌هائیکه توسط وزارت علوم و آموزش عالی طرح‌ریزی شده است، کمکهای خاصی صورت میپذیرد. در صورت لزوم میتوانید با وزارتخانه مذکور تماس حاصل فرمائید.

از داروها

بقیه از صفحه ۲۹

قرار نمیگیرد و پزشکان نیز سعی می‌کنند از حداقل دارو استفاده کنند.

بارها شاهد بودیم که نسخه همسایه‌ای بطور مکرر برای همسایه دیگر پیچیده شده و یا مادری از بدو تولد به کودك خود در حالیکه طفل به هیچ عارضه کمبود ویتامین و یا کلسیم مبتلا نبوده، مدتهای مدید به او دارو خورانده است.

عده زیادی از مردم درسالهای اخیر مبتلا به خوردن داروهای مسکن اعصاب شده‌اند و این داروها را انچنان بی‌پروا مصرف میکنند که میتوان گفت واقعا معتاد شده‌اند.

کسانی که مبتلا به بیماریهای مزمن هستند و چون روزی نسخه پزشکی برایشان مفید واقع شده ماهها و گاهی سالها خودسرانه آنرا مصرف می‌کنند، باید بدانند دیر یا زود عوارض خطرناکی برایشان پیش خواهد آمد.

بجای مصرف قرص ملین که یبوست شما را مزمن میکند، چرا از عسل که یك غذای مقوی و سودمند است یا از میوه‌های گوارا و ملین که در فصل تابستان نیز زیاد است استفاده نمیکنید؟

و اگر به بیخوابی و عصبانیت دچار هستید، بجای مصرف قرص خواب‌آور، سعی کنید شب کمتر غذا خورده و ورزش کنید و اگر امکان دارد، قبل از خواب دوش آب سرد بگیرید.

به کودکان خود بجای قطره ویتامین، آب میوه و بجای شربت کلسیم، شیرو فرآورده‌های شیر را بمقدار کافی بخورانید.

با تشکیل یك کمیته

بقیه از صفحه ۱۷

مهمتر اینکه در این عصر رستاخیز، با توجه به دگرگونی‌های عمیق و پیشرفتهای وسیعی که در همه شرایط اجتماعی ما، از جمله شرایط کار و وضع کارگر بوجود آمده، تجدید نظر در قا... ر لازم بنظر میرسد، و یا لا ... در بارهی مواد قانون کار تجدید نظر شود.

مثلاً در مورد کارگری که ممکنست اخراج شود، و اخراج او هم صرفاً بخاطر کوشش در راه اجرای قانون صورت میگیرد، وزارت کار با آنکه میل شدیدی بحفظ حقوق این کارگر دارد، اما در این گونه مواقع فقط میتواند معادل سالی یکماه خسارت اخراجی تعیین کند. البته اینجا باید بین کارگر اخراجی که بعلت برخورد با کارفرما از ادامه کارش عذر خواسته‌اند با کارگری که در فوق‌ذکر شده فرق گذاشت.

مساله دیگر که موجب استمداد ما از وزارت کار و اتاق اصناف می‌باشد، اینستکه ماده ۱۱ قانون نظام صنفی با صراحت میگوید، افراد صنفی مکلفند مقررات مربوط بکار و بیمه‌های اجتماعی را رعایت کنند و نیز در بند ۵ ماده ۲۰ قانون نظام صنفی در مورد تدوین آئین‌نامه‌های استخدامی، مالی، اداری و آموزشی پیش‌بینی‌هائی شده است که اتحادیه صنف بارفروش، نسبت به اجزای آن کمتر احساس مسئولیت می‌کند. در بند ۵ ماده ۳۰ قانون نظام صنفی نیز آمده است که تصویب آئین‌نامه‌های اداری، آموزشی و تشکیلاتی اتحادیه‌های صنفی از وظائف اتاق اصناف است. در این مورد پیشنهادهائی به اتاق اصناف تقدیم کرده‌ایم که اتاق اصناف عیناً آنها را به اتحادیه بارفروشها فرستاده است و هنوز تصمیمی درباره آن گرفته نشده است، حال آنکه اگر این پیشنهادها مورد توجه اتاق اصناف قرار گیرد، بسیاری از مشکلات فعلی ما کارگران حل خواهد شد.

همچنین در بند ۱۱ ماده ۳۰ قانون نظام صنفی، لزوم نظارت بر اجرای مقررات صنفی، بهداشتی، ایمنی، حفاظتی، بیمه‌گذاری و سایر مقررات از جمله وظائف اتاق اصناف اعلام شده است و در بسیاری دیگر از موارد که در قانون نظام صنفی هست، ضرورت اعمال نظارت از سوی اتاق اصناف بر کار اتحادیه بارفروشها توصیه شده است، در حالیکه متاسفانه، این نظارت آنگونه که میبایست اعمال نمی‌شود و امیدواریم بزودی این مهم مورد توجه قرار گیرد. مسلماً نیت از تدوین و تصویب این قانون حفظ حقوق افراد جامعه بوده است. بسیار بجاست که اتاق اصناف اجرای قوانین یاد شده را بیشتر مورد توجه قرار دهد، بخصوص در مورد کارگران میادین که در وضع موجود مورد محبت و لطف فراوان رئیس فعلی اتاق اصناف هستند.

مشکل بهداشت میدان نیز مساله‌ای است که نمیتوان بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. میخواهم از تمام کسانیکه بنحوی در این خصوص خود را مسئول میدانند استدعا کنم از نزدیك وضع بهداشت میدانها را مطالعه کنند و برای بهبود آن اقدامی فوری و ضروری بعمل آورند. چه در این باره نه وزارت کار، نه شهرداری و نه اداره بهداشت، هیچکدام خود را مسئول نمیدانند و یا اینکه حداقل ما نتوانسته‌ایم مسئول مستقیم آنرا پیدا کنیم. بهر حال حزب رستاخیز ملت ایران مرجعی است که ما میتوانیم مطالبمان را در آن مطرح کنیم، و مطمئن هستیم با حسن نیتی که در مسؤلان امور وجود دارد به نارسائی‌ها رسیدگی خواهد شد.

جنگ شاهان

به روایت: ن. ه . مغانی

در آن روزها که رستم نخستین گامها را به سوی پهلوانی و افتخار آفرینی برمی‌داشت، منوچهر، شاهنشاه روشن روان ایران زمین، پس از صدوبیست سال پادشاهی، مرگ را پذیره میشد و چون بر این واقعیت آگاهی یافت که وقت رفتن و به ابدیت پیوستن فراز آمده است، یك روز پسرش نوذر را در بر خود نشاند و راز کشورداری، جهانگشائی و دادگری را یك‌بیك بر او باز خواند مرگ منوچهر دلهای بزرگان ایران را پر از غم و اندوه کرد، اما آنها می‌دانستند که هر کس چند گاهی بر مسند است و بعدش باید برود و جای بر دیگری بسپارد و مرگ فرجام‌گزیر ناپذیر زندگی انسانهاست. بنابراین در عین غم و اندوه، آئین تاج‌گذاری جانشین منوچهر را برگزار کردند چون معتقد بودند که حتی یك روز نیز نباید تخت شاهنشاهی خالی بماند.

نوذر که جوان بود و سری پرغرور داشت، هنگامی که بر تخت نشست، کسی را بالاتر از خودش ندید و برجاه و مقام خود غره گشت و رسم و راه شاهنشهان ایران را فرو گذاشت، و به بیداد و ستم و عشق به زر و سیم کمر بست، آنسان که سبب رنجش بزرگان شد و آسایش مردم را سلب کرد. بزودی آشفتگی و طغیان در سراسر کشور بروز کرد و صلح و آرامش از گیتی رخت بربست.

بزرگان کشور چون وضع را بدین متوال دیدند، به سام که در مازندران بود پیغام فرستادند که این جوان جهانی را که به نیروی پهلوانی تو و تدبیر منوچهر در یکپارچگی و صلح بسر میبرد دچار تیرگی و جنگ و آشوب کرده است. بیا و خود چاره‌ای بیندیش.

سام بمحض دریافت این پیام راهی بارگاه شاهنشاهی شد. بزرگان به پیشوازش رفتند و از او خواستند که نوذر را از میان بردارد و خود بر تخت شاهی بنشیند که همه‌ی ایرانیان هواخواه او هستند و بجان و دل اطاعتش خواهند کرد، اما سام این دعوت را نپذیرفت و گفت: شاهنشاه ایران زمین باید از تبار شاهان باشد. وظیفه ما پهلوانان خدمت به شاهنشهان و پاسداری مرز و بوم ایران زمین است. نوذر فرزند منوچهر و از نسل فریدون است و شایسته مقام والای شاهنشاهی است. او جوان است و به بیراهه می‌رود، اما شما نگران نباشید. من او را از این راه بازمیدارم و خواهید دید که بزودی چه شاه دادگستر و مهربانی خواهد شد.

نوذر که از آشفتگی کشور دچار تشویش شده بود، چون از آمدن سام آگاه شد، به پیشبازش شتافت و بگرمی او را پذیرفت و گفت:

ـ از آمدنت بسیار خوشحال شدم. تو همیشه حامی شاهنشهان ایران بوده‌ای و من هرگز خدماتی را که بپدرم منوچهر کردی فراموش نمی‌کنم. من هم بیاری تو نیاز دارم...

سام سر به احترام فرود آورد و گفت:

ـ من همیشه برای خدمتگزاری آماده‌ام شاهنشاه من!

و آنگاه شاه و پهلوان خلوتی ساختند و به مشورت و گفتگو نشستند. سام وقتی شرح گرفتاریها را از زبان نوذر شنید، دلیل این گرفتاریها را یك‌بیك برشمرد و از آنچه فریدون و منوچهر در جهت آسایش و راحتی مردم انجام میدادند یاد کرد و پندها به او داد که نوذر جوان همه را بجان و دل شنید و راهنمایی‌های سام را پذیرا شد و قول داد که خطاهای خود را جبران کند و پس از آن سعی کند از راه دادگستری و مردم داری خارج نشود و براه و رسم شاهنشاهان ایران زمین وفادار بماند.

بزودی همانگونه که سام وعده داده بود، با تغییر روش نوذر، صلح و آرامش به گیتی بازگشت و مردم دوباره به رفاه و آسایش و امنیت دست یافتند.

سام چند صباحی نزد نوذر ماند و آنگاه دوباره به مازندران و کرکساران رفت.

در این هنگام، سالاری سرزمین توران را پشنگ بعهده داشت. پشنگ کینه‌ی دیرینه با ایران و ایرانیان داشت، اما از ترس منوچهر جرات نمی‌کرد حتی فکر حمله به ایران زمین را به مغز خود راه دهد.

پشنگ وقتی ازمرگ منوچهر آگاه شد و شنید که پسر جوان او نوذر به تخت نشسته که درکشورداری نیز چندان موفق نیست، موقع را برای ابراز کینه و دشمنی دیرپای خود مناسب دید و بی‌درنگ پهلوانان خود: ویسه، بارمان، گرسیوز، کلباد و پسرانش افراسیاب و اغریرث را نزد خود خواند و ازانچه فریدون و منوچهر باسلم و تور کرده بودند داستانها خواند و گفت:

ـاکنون هنگام آن فرا رسیده که انتقام پدرانمان سلم و تور را ازایرانیان بگیریم.

افراسیاب که پهلوانی ورزیده و نیرومند بود، از شنیدن داستانهای پدرش به جوش و خروش آمد، اما درعین حال گفت:

ـپدر، پاسدار سرزمین ایران سام پهلوان است که هرکسی یارای روبرو شدن بااو نیست. فکر می‌کنی بابودن چون او سپهداری، جنگ ما با ایرانیان خوش‌فرجام باشد؟

پشنگ با خشم گفت:

ـاگر دیگران این سخن را برزبان می‌راندند شگفت نبود، اما ازتو فرزند برومند خود چنین انتظاری نداشتم. سام‌پیر دربرابر پهلوان جوانی چون تو چه می‌تواند بکند؟ حس غرور و نام‌آوری تو کجا رفته که بامن ازپهلوانی سام حرف میزنی؟ برو و آماده جنگ شو! افراسیاب شرمنده از سخنی که گفته بود از پیش پدر رفت، در حالیکه دلی سرشار از کینه داشت و آرزو می‌کرد با چیره‌شدن بر ایرانیان قدرت پهلوانی خود را به پدر و همه‌ی تورانیان نشان بدهد.

او بی‌درنگ به تربیت سپاه پرداخت و باچهارصد هزار مرد جنگی راهی ایران شد.

نوذر چون ازاین خبر آگاه شد، قارن پهلوان نامی خود را فرا خواند تا به مقابله دشمن بشتابد. دراین موقع، از بختبد نوذر، سام پهلوان مرده بود و زال نیز سرگرم ترتیب آیین سوگواری پدر بود. زال جسد بیجان پدر را از مازندران به زابلستان میبرد تا برایش به رسم زمان دخمه‌ای بسازد.

افراسیاب درمرز ایران بود که ازمرگ سام آگاه شد و فوری دوتن از سران سپاه خود، «شماساس» و «خزروان» را باسپاهی انبوه راهی زابلستان کرد تا بااستفاده از اندوهگین بودن و سرگرمی زال آن سرزمین را فتح کنند.

سپاه توران و سپاه ایران در سرزمینی بنام دهستان باهم روبرو شدند. از توران بارمان پسر ویسه اجازه خواست تا به میدان برود، اما اغریرث به او گفت:

ـتو پهلوان نامداری از سرزمین توران هستی و اگر بدست یك پهلوان ایرانی، آنهم در آغاز نبرد کشته شوی، روحیه سپاه ما بکلی خراب خواهد شد. بگذار برای نخستین بار پهلوان گمنامی به میدان برود.

افراسیاب که خود را فرمانروای سپاه میدانست، از این دخالت برادر برآشفت و به بارمان گفت: ـتو به میدان برو و پیروز بازگرد! هیچکس دراینجا حق ندارد از شکست حرف بزند! بارمان به میدان رفت و مبارز خواست، اما از سپاه ایران هیچکس به او پاسخ نداد. قباد برادر قارن که پهلوانی پیروهشتاد ساله بود، چون چنین دید از صف سپاه جدا شد تا به نبرد بارمان برود. قارن که از بیحالی سپاهیانش خشمگین شده بود و برادر پیرش را هماورد بارمان نمیدید، به او گفت:

ـتو وقت زورآزمایی‌ات گذشته و دراینجا بعنوان مربی و سرپرست پهلوانان جوان آمده‌ای، صحیح نیست که تو به نبرد بارمان بروی..... بارمان پهلوان جوان و نیرومندی است و تو حریف او نخواهی شد.

قباد گفت:

ـدل تنگ‌مدار برادر! ما همه طعمه‌های مرگ هستیم و من و تو جز درمیدان نبرد نباید بمیریم و انسان تا هنگام مرگش فرا نرسیده باشد، مرگ بر او رو نخواهد کرد. پس از چه نگران هستی؟ نباید دعوت دشمن را بی‌جواب گذاشت... خدا نگهدار برادر عزیز! و اسب به میدان تاخت. بارمان تا نگاهش به قباد افتاد، قهقهه‌ای سر داد و گفت:

ـ بیا پیر مرد که اجلت بدست من فرا رسیده است!

قباد گرزش را به حرکت درآورد و گفت:

ـ فکر مرگ مرا مکن بچه‌جان، بر جوانی خود دل بسوزان!

دو پهلوان بهم در افتادند، اما همانگونه که قارن گفته بود، قباد حریف بارمان نبود و از همان آغاز معلوم بود که این نبرد با مرگ قباد پایان خواهد یافت... و چنین نیز شد.

بارمان با گرز سنگین خود ضربه‌ای بر کمر قباد زد که خم شد و از اسب بر زمین غلتید، ...

قارن که از مرگ برادر خشمگین شده بود، فرمان حمله داد و دو سپاه بهم درافتادند و جنگ وحشتناکی آغاز شد که تا فرو افتادن پرده‌ی شب ادامه داشت.

در این جنگ گروه زیادی از هر طرف کشته شدند.

سحرگاه روز بعد، دوباره دو سپاه به جنگ ایستادند، اما در این جنگ نیز تورانیان بر ایرانیان برتری داشتند و سپاه ایران تلفات بیشتری داد.

چون شب شد، نوذر دو پسرش طوس و گستهم را نزد خود خواند و به آنها گفت:

ـ پدرم بمن گفته بود که در جنگ با تورانیان زیان فراوانی بمن خواهد رسید.

من احساس می‌کنم که این همان جنگ است که شاید به مرگ من منتهی شود. بنابراین از شما میخواهم که شبانه اردوگاه را ترك کنید و نزد خانواده‌های سپاهیان بروید. درباره هر چه شنیدید درنگ نکنید و بکوشید در نخستین فرصت زن‌ها و بچه‌ها را به شهر و دیار خود برگردانید که در این جنگ آسیبی به آنها نرسد. شما دو نفر نیز باید زنده بمانید، چون از نسل فریدون هستید و باید شاهنشاهی ایران زمین را در این نسل ادامه دهید و حفظ کنید. آنگاه پسرانش را در آغوش کشید و بوسید و آنها را راهی کرد.

داستانهای شاهنامه

از آنسو، افراسیاب که از پناهگاه خانواده‌های سپاهیان ایران آگاه شده بود، گروهی از سپاهیانش را به فرماندهی «کروخان» شبانه به سراغ آنها فرستاد تا زن و بچه‌های ایرانیان را اسیر کنند و بیاورند و گفت:

- من میدانم که ایرانیان به این آسانی تسلیم نخواهند شد، اما اگر زن‌ها و بچه‌هایشان را در اختیار بگیریم، بکلی روحیه‌ی سپاهیان ایران خراب میشود و آنگاه شاید بتوانیم بر آنها پیروز شویم.

سحرگاه روز بعد، سران سپاه از اقدام اهریمنانه‌ی افراسیاب آگاه شدند و سراسیمه نزد قارن آمدند و از او چاره‌جوئی کردند. یکی از آنها به قارن گفت:

ما اینجا با نوذر میمانیم و قول میدهیم که مردانه دربرابر تورانیان مقاومت کنیم. تو گروهی را بردار و خود به پناهگاه خانواده‌ها برو، تا آنها را از گزند تورانیان درامان بداری... این کار فقط از تو ساخته است.

قارن نزد نوذر رفت و جریان را با او درمیان گذاشت، اما نوذر گفت:

- توفرمانده سپاه هستی و نباید کارزار را ترك کنی. من دیشب طوس و گستهم را به اردوگاه خانواده‌ها فرستاده‌ام و آنها بخوبی از زن و بچه‌ها دربرابر تورانیان دفاع خواهند کرد. انروز نیز بار دیگر تورانیان و ایرانیان به نبرد پرداختند و این بار سپاه ایران به محاصره‌ی تورانیان درآمد... و چون شب شد، بزرگان سپاه ایران درسراپرده‌ی قارن جمع شدند و به او گفتند:

- اگر تو برای حمایت از خانواده‌های ما اقدام نکنی، ما همه شبانه اردوگاه را ترك می‌کنیم و برای نجات زن و بچه‌هایمان می‌شتابیم.....

قارن لختی اندیشید و آنگاه گفت:

- بسیار خوب، بگذارید پاسی از شب بگذرد، آنگاه من با گروهی از سپاهیان به قسمتی از حلقه‌ی محاصره‌ی تورانیان می‌زنیم، آنها را غافلگیر می‌کنیم و از حلقه محاصره خارج میشویم و خودمان را به اردوگاه خانواده‌ها می‌رسانیم. آنهایی که میخواهند همراه من بیایند بروند آماده شوند، بقیه نیز باید قول بدهند که مردانه مراقب و پاسدار شاه ایران باشند.

* * *

شب از نیمه گذشته بود که قارن، بدون این اندیشه که نوذر را آگاه کند، با گروهی که آماده شده بودند بحرکت درآمدند و با یك حمله، دیوار محاصره را شکافتند واز دهستان بیرون زدند.

... هنوز از اردوگاه چندان دور نشده بودند که قارن خود را با بارمان روبرو دید و ناگهان حس انتقام خون برادرش قباد بجوش آمد و گرز بر دست بسوی او حمله کرد. بارمان که پاسدار سپاه تورانیان بود و آماده‌ی نبرد، فریاد زد:

- به به! اینهم فرماند سپاه ایران، پهلوان بزرگ شاهنشاه ایران که دارد از میدان جنگ میگریزد.

قارن به سوی او تاخت و فریاد زد:

- نه، از میدان نمی‌گریزم، بلکه آمده‌ام انتقام خون برادرم را از تو بگیرم...

و گرز پهلوانی‌اش را بلند کرد و چنان برمغز بارمان کوبید که دیگر نفسی از او برنیامد و تن بیجانش از اسب به زیر غلتید.

قارن آنگاه روبهمراهانش کرد و گفت:

- نباید معطل شویم.... اسبها را بتازانید!

و همگی تاخت کنان دور شدند.

نوذر که خیلی زود از جریان آگاه شده بود، لباس پوشیده از سراپرده بیرون آمد و فریاد زد:

- ما هم بدنبال قارن میرویم!

و بی درنگ برپشت اسب قرار گرفت و در حالیکه همه‌ی سپاهیان بدنبالش بودند از همان راهی که قارن رفته بود بحرکت درآمد.

تورانیان فوری خبربه افراسیاب بردند که قارن و بدنبالش نوذر با همه‌ی سپاهیان حلقه‌ی محاصره را شکافتند و به سوی پارس حرکت کردند.

افراسیاب گفت:

- به قارن کاری نداشته باشید، اما نوذر را دنبال می‌کنیم و دستگیرش می‌سازیم تا قارن و دیگران خود بسراغ ما بیایند.

و بی درنگ باسی هزار سپاهی به تعقیب نوذر پرداخت. تورانیان خیلی زود خود را به نوذر و همراهانش رساندند و چون تعداد آنها خیلی بیش از همراهان نوذر بود، خیلی زود و آسان توانستند آنها را در میان بگیرند و نوذر را با همه‌ی یارانش دستگیر کنند.

افراسیاب وقتی از این کار فارغ شد، گفت:

- اکنون نوبت قارن است. بارمان را به دنبال او بفرستید تا دستگیرش کند. راستی بارمان کجاست؟ او را میان پهلوانان نمی‌بینم.

به او گفتند که بارمان چگونه بدست قارن کشته شده است. افراسیاب از شنیدن این خبر غمگین شد و پرسید:

- آیا ویسه از جریان کشته شدن پسرش آگاه است؟

- هنوز نه!

- او را نزد من بیاورید....

افراسیاب ویسه را از کشته شدن پسرش بدست قارن آگاه کرد و گفت:

- این فرصتی است برای تو که بروی و به انتقام خون پسر پهلوانت، قارن را زنده یا مرده نزد من بیاوری! قارن باید قصاص پس بدهد! او بهترین پهلوان سپاه مرا کشته است و من از این نمیگذرم.

ویسه با اندوه و خشم گفت:

- من نیز نمیگذرم! «ادامه دارد»

تاتر، سینما، تلویزیون، رادیو، نمایشگاه، موزیک

لیلافروهر وقراردادهای تازه

لیلا فروهر خواننده جوان اخیراً با بازی در چند فیلم سینمائی، دوباره بعنوان بازیگر سینما مطرح شده است.

این خواننده و بازیگر از جمله بازیگرانی است که در یك خانواده هنرمند متولد شده است. پدرش جهانگیر فروهر- مادرش فرنگیس فروهر- خالهاش ژاله فرخزادی، خواننده، و همین طور هر چه جلوتر برویم به بازیگران و خوانندگان فامیلی برمیخوریم.

بهر حال با توجهی که تماشاگران سینما به فیلم رابطه جوانی، آخرین کار لیلا فروهر از خود نشان دادند، چند تن از تهیه کنندگان سینمای فارسی درصدد بستن قراردادهای تازه با این خواننده و بازیگر هستند، ولی خود لیلا فروهر نمیداند از میان سینما و ترانهخوانی، بکدام بیشتر بپردازد؟...

قصه‌گو

از آخرین ترانه‌هائی که عقیلی خوانده «قصه‌گو» است که بد ندیدم شعر آنرا در اینجا برای شما چاپ کنیم.

قصه گو قصه نگو
سعی بیهوده نکن
قصه‌گوی خوب من
قصه‌هائیکه میگفت
صحبت خلق آدم که میشد
میدونست که تشنه محبتم
قدرت عشقو اگه میخواست بگه
صحبت از بازی تقدیر اگه بود
لحظه فاجعه وقتی میرسید
وقتیکه اشکارو تو چشام میدید
خم میشد روی سرم
یادمه خوب یادمه
این کاراشم واسه من یه قصه بود
واسه خوابوندن من
واسه موندن من
حرفاش برام ترانه بود
قصه عاشقانه بود
قصه ادم و حوا را میگفت
قصه مجنون و لیلا را میگفت
قصه شیرین و فرهاد را میگفت
قصه شیرین شهرزاد را میگفت
اشك توی چشمای من حلقه میبست
می‌اومد کنار تختم میشست
بوسه بر لبام میزد
یه کلام حرف نمیزد
رفتش برام یه دنیا غصه بود

نصرت کریمی و میراث

نصرت کریمی، کارگردان و بازیگر با ارزش سینمای ایران، بعد از فعالیتهای مداوم در سینما و بازی در فیلمهائی چون محلل- درشکه‌چی- حسن سیاه- عیالوار و «تختخواب سه نفره» اخیراً طبق قراردادی که با سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران منعقد ساخته، تهیه یك مجموعه تلویزیونی را برای این سازمان بعهده گرفته است. این مجموعه «میراث» نام دارد که خود کریمی تهیه کننده و کارگردان و بازیگر اول آنست و در کنار او بسیاری از بازیگران سینما و تاتر بازی می‌کنند. این مجموعه از دی ماه در تلویزیون به نمایش گذاشته خواهد شد.

مجموعه‌های جدید از مهرماه در تلویزیون...

با آغاز فصل پائیز مجموعه‌های جدید ایرانی در زمینه تولیدات داخلی از برنامه اول و دوم تلویزیون ملی ایران پخش خواهد شد.

در حال حاضر دو مجموعه آماده برای نمایش است. یکی «سمك عیار» بکارگردانی اصلانی و باربد طاهری که در ۲٦ بخش بصورت رنگی تهیه شده و رنگی هم پخش خواهد شد و در حال حاضر نیز تهیه کننده سریال آماده است برای تهیه ۲٦ بخش بعدی این مجموعه در «سمك عیار» بازیگرانی چون مرحوم عصمت صفوی- ولی شیراندامی- فلورا شباویز- والدبیگی- مستانه جزایری و بسیاری از بازیگران دیگر سینما و تلویزیون ایفای نقش کرده‌اند.

«دائی جان ناپلئون» دومین مجموعه رنگی تلویزیون است که ناصر تقوائی آنرا در ۱٦ بخش تهیه و کارگردانی کرده است.

«دائی جان ناپلئون» براساس نوشته خوب ایرج پزشکزاد تهیه شده و در آن هنرپیشگانی چون نقشینه، پرویز صیاد، پرویز فنی زاده، آرام، مینو ابریشمی و نصرت کریمی بازی دارند این مجموعه اولین کار سریال سازی تقوائی بشمار میرود که به سفارش واحد نمایش سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران ساخته شده است.

غیر از این دو مجموعه، پرویز کاردان نیز یك مجموعه را براساس داستانهای ٤۰ سال قبل تهران تهیه کرده و منصور پورمند یار همیشگی وی نیز در حال حاضر مجموعه جدیدش را جلوی دوربین تلویزیون برده است و تا اینجا چهار مجموعه از پانزدهم مهرماه از تلویزیون پخش خواهد شد.

گوگوش و دستمزد ۱۵۰ هزار تومانی

خبر خوش اینکه دستمزد خانم گوگوش خواننده و ستاره سینما به صد و پنجاه هزار تومان رسید و اگر کمتر از این باشد، بازی در فیلم را قبول نخواهد کرد. موقعیت فیلمهائی که در این دو، سه سال از گوگوش به نمایش گذاشته شده، باعث شده تا عده‌یی تهیه کنندگان از وی بخواهند تا در فیلمهایشان بازی کند، ولی با روبروئی با دستمزد گران وی مردد میمانند.

آخرین فیلم گوگوش نازنین نام دارد که در استودیو پیام تهیه شده و در عید فطر به نمایش گذاشته شد.

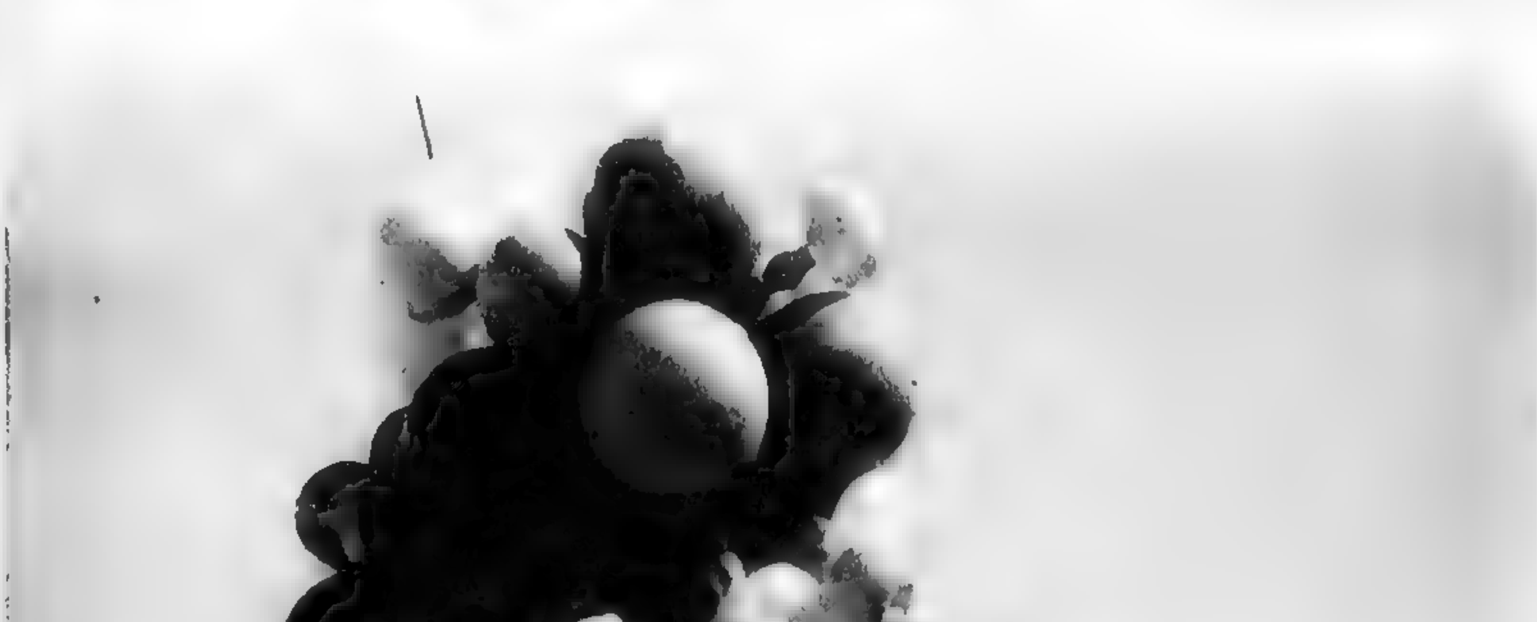

«وفا» از صدا تا بازی...

وفا، برادر جمال وفائی که با تشویق‌های برادرش به دنیای موسیقی روی آورد. و با ترانه‌هائی از جهانبخش پازوکی کارش را آغاز کرد، اخیراً گرفتار فیلمسازان شد و با بازی در فیلم «رابطه جوانی» به سینما راه یافت، در حالیکه وی چند قرار داد دیگر برای بازی در فیلم دارد. اما شنیده شد خود «وفا» برسر دوراهی مانده است، که آیا باز هم به فعالیت در سینما ادامه دهد یا تنها کار خوانندگی را دنبال کند.

نامه به سردبیر

یزد- آقای لطف‌الله حسنیان

متاسفانه هنوز قسمت نشده است که حقیر به زیارت شهر شما نایل آیم. اما خصوصیات و ویژگیهای آن را از طریق سفرنامه‌های دوستان قلم بدست خوانده‌ام و حالا بخوبی می‌دانم که این شهر کویری، معدن بادگیرهای ریز و درشت است که هموطنان عزیز یزدی از برکت این کولرهای ملی و سنتی، لطیف‌ترین هواها را به حنجره و ریه و قصبته‌الریه و امثالهم تحویل می‌دهند. ضمناً هیچگاه نیز مجبور نیستند منت و ناز گردانندگان سازمان‌های آب و برق را بکشند و دست آخر هم از سرو صدای ناهنجار کولرهای مونتاژ مسابقه شبزنده‌داری بدهند. باری، عرض کنم بحضور خورشید ظهور سرکار مستطاب عالی که در دوران شکوفایی مالی و اقتصادی‌ها، همیشه از این نوع عوارض دیده شده است منظورم اینست که جلوه‌های خیره‌کننده پول باعث ایجاد گرایش‌هایی در افراد جامعه می‌شود، و در نتیجه بسیاری از مردم ناگزیر یا نسنجیده تغییر حرفه و پیشه می‌دهند. در وطن ما هم چون صنعت‌گرایی نسبت به سایر حرف اولویت یافته و لاجرم سرمایه‌گذاری در این رشته بمرحله رقابت رسیده است، کمبود کارگر عملا مشهود است که با توجه بر اصل عرضه و تقاضا، دستمزدها افزایش چشمگیری پیدا کرده و می‌کند. بر همین اساس کسانی که پشت اندرپشت به کار کم‌درآمدتری اشتغال داشته‌اند، به قصد تحصیل درآمد بیشتر به بخش صنعتی هجوم می‌آورند و پیشه خود را رها می‌کنند. بنابراین اگر ملاحظه می‌فرمائید که گروهی از هموطنان کشاورز به شهرها روی آورده‌اند، مسالمی نامتعارف و غیرعادی نیست، اما با برنامه‌هایی که دولت دارد، بدون تردید در آینده بسیار نزدیک این بحران استثنائی فروکش می‌کند و در تمامی رشته‌های شغلی نظم و ترتیب مطلوب برقرار خواهد شد. ضمناً بد نیست بدانید که طبق آمارهای تهیه شده، میزان مهاجرت روستائیان یزدی به شهرها نسبت به دیگر استان‌های کشور بی‌نهایت کمتر است. والسلام، نامه تمام

رضائیه- خانم سدیك- الف

هیچم نه! منظورم اینست که نه تنها از نظر حقیر، بلکه نودونه‌نمونه‌دهم درصد مردم این آب و خاك هم با نظر و عقیده سرکار مخالفند و هیچکس مدعی نشده است که لفظ کارگر تنها در مورد کسانی بکار میرود که در کارگاههای ماشینی سرگرم کار بشوند، زیرا هر کس که با دست مبارك کار مشخص و محول شده‌ای را انجام دهد، کارگر است. از این رو به خواهر شما هم که در خانهٔ یکی از مقامات اداری شهرستانی به کشیدن گوش کودك شیطان او مشغول است، کارگر گفته می‌شود که مواد قوانین کار مربوط به این حرفه در مورد ایشان لازم‌الاجراست.

بنابراین بی‌هیچ تردیدی بدانید و آگاه باشید که اهمال در احقاق حق مشارالیها نباید بشود، و هیچکس هم نمی‌بایست تحت تاثیر پدر آن بچه قرار بگیرد.

نه خواهر جان، این جورها هم نیست و گذشت آن دورانی که متنفذان اعمال نفوذ می‌کردند.

بی‌شك اگر امروزه چنین افرادی پیدا شوند، مجریان قوانین کار، حق‌شان را کف دستشان خواهند گذاشت.

آبجی سدیك خانم، از جمله اخرتان که مدعی شده‌اید بعضی از مقامات اداری میان افراد تبعیض قایل می‌شوند، هیچ خوشم نیامد. چرا که طبق قوانین جاری کشور عزیز ما ایران همه افراد ایرانی هستند و تفاوتی میان ما و شما نیست. در پایان آرزومندم خداوند توفیقی عنایت فرماید که بار دیگر به زیارت شهر زیبای رضائیه و تماشای مناظر بدیع «شهر چای» نایل گردم. هر چند که گمان نمی‌کنم از لطف زمینخواران ریز و درشت اثری از شهر چای رضائیه باقی مانده باشد.

قم- آقای مرتضی زیادی‌پناه

وعلیکم‌السلام جناب مرتضی خان زیادی‌پناه که بدون شك هر کس مانند جنابعالی، ماشاءالله و هزارماشاءالله صاحب شش فرزند سالم و چابك و برومند باشد، صاحب چنین نامی هم خواهد شد!

صد البته به شرطی که قبلا به قصد محکم‌کاری حساب مواجب را هم کرده باشد که متاسفانه سرکار نکرده‌اید و حالا لب به شکوه گشوده‌اید که من با داشتن هفت سر عائله با این حقوق کم که هفت درصدش بابت حق بیمه و ده درصدش به عنوان حق تعاون کسر می‌شود، چگونه زندگی کنیم؟ والله برادر جان، بنده در عین حال که قبول دارم دستمزد شما با توجه به تعداد عائله واقعاً کم است، معهذا باید بنالم که اگر جنابعالی ماهانه سه هزار تومان هم حقوق می‌گرفتید، با وجود این کماکان در مضیقه مالی بودید، چرا که بی‌توجه به شعار تنظیم خانواده در تکثیر اولاد کوشیده و موجبات دردسر خود را فراهم کرده‌اید. از این رو به زعمای کارخانه هم نمی‌توان تکلیف کرد که برخلاف اصول و ضوابط بر میزان مواجب سرکار بیفزاید، هرچند که حقوق شما باید طبق ضوابط و مقررات و قوانین کار باشد. اما می‌رسیم به لغت تعاون که تقریباً همکاری و معاونت را معنی می‌دهد. این تعاون در همه جای دنیا به صور و اشکال مختلف موجود است که مهمترین آن تشکیل شرکت یا سازمانی است با عضویت افراد گوناگون. به این معنی که اعضای شرکت، هر یك به فراخور حال در مؤسسه مورد نظر سرمایه‌گذاری می‌کنند و گردانندگان شرکت، سرمایه مورد اشاره را بکار می‌اندازند و سود حاصله را میان اعضای مشخص تقسیم می‌کنند. اما معمولاً در سازمان‌های اداری ما تعاون بصورت شرکتی است که مایحتاج اعضاء را به قیمت ارزان خریداری می‌کند و ضمن افزودن سود ناچیزی به جنس خریداری شده، آن را در اختیار خریداران عضو شرکت تعاونی قرار می‌دهد.

بدیهی است که اگر این شرکت به گسترش لازم و چشمگیر برسد و ضمن دادن وام و تامین دیگر تسهیلات ضروری، اشکالات اعضاء را برطرف می‌سازد.

با توجه به آنچه که گذشت، تعاون کارخانه شما هم باید چنین چیزی باشد. توفیق و بهروزی آنجناب و دیگر همکاران بزرگوار را آرزومندم.

لاهیجان - آقای هرمز شکیباپور

اگر منظور تو گیلکی عزیز از کلمه «سام» همان سلام است، پس فدوی به عرضت می‌رسانم که «علسام!» یعنی علیك‌سلام. بعد از سام و عل! خاطر مبارك عالی را مستحضر دارم که به پیرو پیغمبر باید شناسنامه حضرات را باطل کرد. اصولا غرض و هدف اولیاء امور از استخدام کارشناس خارجی، همان جنبه آموزش کار است که آنها وظیفه دارند در حین کار، رموز و فنون امور را به کارگران ایرانی بیاموزند. والا اگر بنا شود که کارشناسی از یك گوشه دنیا به کشور ما بیاید و ضمن گرفتن مواجبی مناسب و کافی، سرمایه‌یی بیاندوزد و برگردد به وطنش، که واویلا! در ضمن اجازه بده دور از چشم آن کارشناسان و بدون اطلاع دوستان آنان به آگاهی‌ات برسانم که متاسفانه این خصیصه در اکثر مردم دنیا هست.

حتی در همین وطن خودمان بودند هنرمندان و استادکارانی که رموز کار را جز به فرزند خود به دیگری نمی‌آموختند، تا بدانجا که اگر اولاد نداشتند، فورمول قضیه را با خود به گور می‌بردند و دم نمی‌زدند. بنابر این تو و دیگر همکاران شایسته و پاك‌سرشت باید به لطایف‌الحیل کار را از حضرات بقاپید، ولو، زبانم لال، از طریق خدعه و نیرنگ باشد. البته در کنار این «زبلیت!»

بدنیست راهی متعارف و قانونی برای رام کردن آنان پیدا کنید.

امیدوارم در انجام این توصیه برادرانه موفق و مؤید باشی.

پیشنهاد می‌کنم که...

● آقای سردبیر عزیز،

با دلی پاك، از درگاه خداوند توانا برای وجود شریف سرکار و همکارانتان آرزوی سلامتی و توفیق می‌کنم. از اینکه در شماره هشتم اردیبهشت ماه سال جاری به قسمتی از نامه‌ام در این صفحه پاسخ داده شد، بی‌نهایت سپاسگزارم. ضمناً در همین پاسخ اشاره شده بود که به دیگر پرسش‌های من در ستون قانون کار جواب می‌دهند که متاسفانه هنوز از آن خبری نشده است. باری، غرض از ایجاد تصدیع برای خاطر مبارك اینست که می‌خواستم پیشنهاد کنم یکی از صفحات مجله را به فرهنگ لغت، یا لغت‌نامه اختصاص دهید و در صورت امکان در هر شماره چند صفحه از یك فرهنگ معتبر را در مجله چاپ کنید. انگیزه پیشنهاد بنده اینست که من چندی قبل ضمن برقرار کردن تماس با گروهی از همکارانم در کارخانه آزمایش، معنی لغت بصیرت را که بینایی، روشن‌بینی، هوشیاری و امثال اینهاست پرسیدم، متاسفانه هیچکس نمی‌دانست.

حال آنکه هرگاه پیشنهاد من عملی شود، بی‌تردید این اشکالات کارگران کشور برطرف خواهد شد. به این معنی که پس از آن بنده و دوستان ناچار نخواهیم شد برای دست یافتن به معنای کلماتی مانند بصیرت یا پتانسیل وقت خود را تلف سازیم و به این و آن مراجعه کنیم.

تهران – علی اعظیجوست صمغی

● کارگر عزیز،

با ابراز تشکر از عنایت و توجه عمیق شما نسبت به مندرجات مجله، بایستی عرض کنم که نقصان اضطراری کاغذ، ما را ناگزیر از انجام صرفه‌جوئی در چاپ مطالب، و حتی انتشار دو هفته یکبار را به ماهی یکبار کرده است که امید می‌رود هر چه زودتر بحران موجود برطرف گردد. از این رو فعلاً از اجرای پیشنهاد شما معذوریم، لیکن اطمینان می‌دهیم که به مجرد رفع محظور، نظریه سرکار را مورد بررسی قرار دهیم. لطف عالی مستدام.

● جناب آقای سردبیر،

ضمن ستایش از کوشش و تلاش شما و همکارانتان در راه پیشرفت مجله خوب «رستاخیز کارگران»، لازم می‌دانم در مقام همکاری به طرح پیشنهادی مبادرت ورزم. من ضمن اینکه معتقدم صفحه «پزشك کارگر» جزء صفحات بسیار خوب و ارزشمند مجله است، تصور می‌کنم که هرگاه در این صفحه بجای یك بیماری، چند بیماری مسری و خطرناك معرفی شود، بهتر است. زیرا با توجه به کثرت امراض موجود و فاصله انتشار مجله، شناساندن همه بیماری‌ها، نه تنها طی چند ماه، بلکه در طول چند سال نیز مقدور نیست. حال آنکه اگر شرح مطالب مختصر و تعداد امراض بیشتر شود، نتیجه مورد نظر ارزشمندتر خواهد بود. ضمناً بهتر است برای بیماریهای فصلی اولویت قایل شوید و دست به معرفی امراضی بزنید که در فصول مختلف بیشتر گریبانگیر مردم می‌شود

مشهد – مریم زهبافتك

● خانم ارجمند،

از لطف گرانقدر و رهنمود ارزشمند شما سپاسگزارم، پیشنهاد سرکار را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا آن را به بهترین وجه بمرحله اجرا درآوریم.

در انتظار همکاری مداوم شما هستیم.

● سردبیر ارجمند،

امیدوارم کارفرمایان نیز اجازه مطالعه مجله خوب رستاخیز کارگران را داشته باشند. بهر تقدیر، بنده این مجله را مرور کردم و ناگزیرم اعتراف کنم که شما و همکارانتان حقیقتاً در انجام وظیفه‌یی که به عهده گرفته‌اید، موفق و کامیاب شده‌اید. لیکن به نظر من مجله شما از لحاظ مطالب ترجمه‌یی آنچنان که باید غنی نیست، حال آنکه وضع کشور و موقع کارگران ما ایجاب می‌کند که طبقه زحمتکش و شریف کارگران ایران، بیش از این از جهان صنعتی و کارگران آن آگاهی داشته باشند. از این‌رو پیشنهاد می‌کنم که چند صفحه از مجله را به گزارش‌های صنعتی جهان، تازه‌های صنعت و تکنیسین‌های موفق گیتی اختصاص دهید. توفیق بیشتر شما را آرزو می‌کنم.

تهران – مهندس امیرنصرت جیم

● دوست ارجمند،

از عنایت بیکران شما که ناشی از خیرخواهی صادقانه‌ی سرکار است، صمیمانه سپاسگزاریم. دربارهٔ تذکر جنابعالی ناگزیر از توضیح هستیم که از بدو انتشار مجله بهره‌گیری از مطالب خارجی جزو برنامه‌های ما بوده و هست که بی‌تردید به مجرد رفع محظورات فنی در این مورد اقدام خواهیم کرد. دیگر بار از لطف و توجه سرکار تشکر می‌کنیم.

مکتب کارگر

قزوین – آقای جواد ریسمان‌کش

اخوی جان، نکند رودست دانشمندان چینی بلند شده‌ای یا دربارهٔ زلزله بوبین زهرا قصه‌هایی شنیده‌ای که بیاد زلزله احتمالی و زدن خیمه در صحرا افتاده‌ای؟ وگرنه این وقت روز چه موقع پیدا کردن شعری است که در آن سخن از زلزله و صحرا و خیمه بمیان آمده است؟

بهرحال، فدوی تصور می‌کنم شعر مورد نظر تو دوست عزیز بیتی است از یك غزل شیوای استاد سخن سعدی به این مضمون:

وانکه را خیمه به صحرای فراغت زده‌اند
گرجهان زلزله گیرد، غم ویرانی نیست

بهرحال اگر منظورت همین شعر است که از تشکرت، متشکرم. اما اگر این نیست و دنبال بیت دیگری می‌گردی، لطفا شال و کلاه کن و یك توك پا برو به برنامهٔ مشاعرهٔ رادیو تا شاید حضرات شرکت‌کننده در برنامه کمکت کنند. بهر تقدیر، خداوند تمامی بندگان صادق و صالح را از عوارض زمین‌لرزه برکنار فرماید.

گرگان – خانم عفت گوهرشمار

اختیار دارید، سلام زی مایه خواهر جان و باز هم اختیار دارید، الهی دشمنتان خجالت بکشد. ضمناً مگر راجع به جراحی پلاستیك سئوال کردن خجالت دارد که سرکار تا این حد سرخ و سیاه و کبود شده‌اید؟ باری، بحضور مبارك سرکار عرض کنم که از آغاز جراحی پلاستیك بیش از نیم قرن می‌گذرد و، امروزه این کار جزو هنرهای ظریف به حساب می‌آید. اصطلاح «لیفتیک» که در مورد جراحی پلاستیك بکار می‌رود و کار بسیار دقیقی است که اگر خوب انجام شود، صاحب صورت را حداقل بیست سال جوان‌تر نشان میدهد، منتهی طرف ناچار است هر چهار پنج سال یکبار دست به این کار بزند، وگرنه صورت مرمت شده به وضعی درمی‌آید که صد رحمت به رخ زهره‌ترکان مامان فولادزره! صد البته در همین وطن ما هم افرادی هستند که تا بحال هشت نه بار روی مبارك را به دست جراح پلاستیك سپرده‌اند.

با این حساب تردید نیست کسانی میتوانند مشتری ثابت و پروپا قرص و پرو پا امپول این نوع جراحان شوند که پولشان از پارو بالا برود، زیرا بطوری که جان‌نثار شنیده‌ام شمار جراحان متخصص این رشته در سرتاسر دنیا از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند که البته بار نازشان را یك قطار شتر هم نمی‌تواند بکشد. این حضرات برای هر «لیفتیك» نزدیك به صدهزار تومان پول می‌گیرند (خدا بده برکت!) اما خودمانیم، با تمامی تعریفی که از کار این جماعت می‌کنند، صورت مرمت شده توسط این افراد از یك فرسخی داد می‌زند که پوست من عوض است، آنچنان که بنده یك نفر جرات نمی‌کنم شب هنگام با این همنوعان در مکانی تنها بمانم. زیرا آناً فکر میکنم کسی که کنار دستم ایستاده، قاصدی از عالم اموات است که از سرای باقی برگشته است! بهر حال خدا قسمت هیچ تابنده‌یی نکند!

کرمان – آقای احمد علی ریاضت‌کش

داداش، من تا حالا خیال میکردم که ریاضت‌کش‌ها مال خاك پاك هندوستان و «مرتضی!» هندی از صادرات آن سرزمین است. اما با پیدایش جنابعالی معلوم شد که فدوی کور باطن در این مورد در اشتباه بوده‌ام. با وجود این خدا کند که تنها اسم تو ریاضت‌کش باشد، خودت اسیر این کار نباشی، زیرا با توجه به قیمت سرسام‌آور اجیل، حیف است که ادمی گوشت را بگذارد و بادام بخورد!

بهر حال با طلب پوزش از طرح این شوخی نیمه خنك، به عرضت میرسانم که: اولاً: به عقیده کارشناسان و افراد صاحب صلاح زنی که در اروپا خود را دختر تزار معرفی می‌کرد و مدعی ارثیه کلان بود، «اناستازیا» دختر آخرین تزار روسیه نبود، زیرا در اعدام ٦ ژوئیه ۱۹۱۸ که توسط بلشویکها انجام گرفت، از خانواده تزار هیچکس زنده نماند.

انچنانکه حضرات حتی از دکتر بوتکین، پزشك خانواده هم نگذشتند. —

ثانیاً، بیماری واگیرداری که در سال ۱۹۱۸ حدود بیست میلیون تلفات به بار آورد وبا نبود، بلکه نوعی انفلوانزا بود که در سرتاسر گیتی شایع شد.

ثالثاً، لطف مبارك عالی زیاد.

پاسخهای متفرقه

قزوین – آقای حسین غلامی

فی‌الواقع که حق با جنابعالی است، زیرا جان‌نثار هم تا این تاریخ نمیدانستم که شهر صنعتی البرز دارای ۱۷۲ کارخانه و بیش از ۵۲۰۰۰ کارگر فعال دارد. بهمین علت همینطور پیشکی و قبل از کسب اجازه از جناب سردبیر، به حضرتعالی قول میدهم که برای تهیه رپرتاژی از این شهر نوبنیاد، خبرنگار و عکاس خواهیم فرستاد. ضمناً مخلص هر چه به سر و کله و چشم و ابروی خودم فشار آوردم نتوانستم نام کارخانه‌یی را که سرکار در آن کار میکنید بخوانم و دست آخر باین نتیجه رسیدم که انجا کارخانجات «تنبك» ایران است. حالا تنبك و ضرب و دهل چه ارتباطی با صنعت دارد، خدا میداند و بندگان صنعتکار خدا. در پایان سخن، ما هم از زعمای این کارخانه که مجله رستاخیز کارگران را اینگونه بین شما تقسیم می‌کنند، سپاسگزاریم و همتشان را ارج می‌نهیم. الهی لطف عالی پاینده.

اصفهان – آقای مصطفی حاجاتی

با عرض سلام متقابل زحمت‌افزا می‌شوم که بی‌تردید اسلایدها و عکسها و گزارش شما بسبب سابقه‌یی که در تهیه این نوع چیزها دارید، کار خوب و مطلوبی خواهد بود. بنابراین آنچه را که از کارخانه کنسروسازی اصفهان تهیه کرده‌اید، برای ما بفرستید تا در صورتی که واجد شرایط لازم باشد بنام خودتان چاپ شود. بدیهی است ما می‌دانیم که راست و ریس کردن این جور کارها مستلزم هزینه چشمگیری است که بی‌شك شما ناگزیر از تامین آن هستید، چرا که برای رسیدن به هدف بایستی از خیلی چیزها مایه گذاشت. بهمین علت ما پیش از دیدن کار شما، چاپ آنها را نمی‌توانیم تعهد و تضمین کنیم. بهر تقدیر توفیق کامل حضرت عالی را آرزومندیم.

تهران – آقای جهانگیر حسنی

بنده هم سلام عرض میکنم و به استحضار سرکار می‌رسانم که حقیر به قوزك پای چپ سلمانی سرگذر می‌خندم که خدای نخواسته سرورانی را که به مجله نامه می‌نویسند دست بیندازم! اگر ملاحظه می‌فرمائید که طرح بعضی از نامه‌ها همراه با شوخی و مطایبه است به این علت است که فرستندگان این نوع مراسلات خودشان باب شوخی با حقیر را باز می‌کنند، وگرنه محال و «منکر!» است که من بدون مقدمه و بی‌خود و بی‌جهت مرتکب شوخی‌ومزاح شوم. می‌فرمائید خیر؟

لطفاً سرکار مستطاب عالی هم راه شوخی را باز کنید تا دریابید که کار به کجا می‌کشد؟ در ضمن هر گاه می‌بینید که جواب برخی از پرسش‌های جدی، مطایبه‌امیز یا نارساست، بدین سبب است که انگولك کردن آشکار طرف یا سازمان مربوط بطور مستقیم کار صواب و پسندیده‌ای نیست. همینطور است مساله خرابی پلکان و کوچه‌هایی که مربوط به خانه‌های سازمانی در اصفهان بود و جواب بظاهر بی‌ربطی که فدوی داده‌بودم. حال آنکه منظور بنده از ان پاسخ نشان دادن توقع بیش از حد صاحبخانه‌ها بود، چرا که وقتی بنده و جنابعالی در همین تهران هنوز صاحب خانه نشده‌ایم، آیا حضرات باید این توقع را داشته باشند که مسئولان امر پلکان آنها را ترمیم کنند؟ چه آنکه به عقیده مخلص همانقدر که به آنان خانه داده‌اند، باید کلاهشان را بیندازند به هوا! توجیه شدید، قربان؟ بعله، چنین است رسم سرای سپنج!

اصفهان – آقای سعید – ل

عین نامه جنابعالی را به قسمت توزیع مجله فرستادیم تا نسبت به تامین شماره‌های مورد نیاز شما اقدام کنند. بنابراین تصور نمی‌رود که دیگر نیازی به عرض پاسخ خصوصی باشد.

شیراز – آقای منوچهر رزم‌آرا

بنده یکنفر از اینکه می‌بینم خواننده فاضل و بزرگواری مانند جنابعالی بر ما منت نهاده و مندرجات مجله را با دقت مطالعه می‌فرمایند، بی‌نهایت خوشحال و سرفرازم. اما از اینکه نمی‌توانم درانجام خواست سرکار نقشی داشته باشم بی‌نهایت متاسفم. زیرا کتاب «ابزارشناسی» مربوط و جزو انتشارات حزب رستاخیز ملت ایران نیست، بلکه ناشر این کتاب صندوق کار آموزی، وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی است که جنابعالی برای تهیه آن بایستی به اداره کار استان واقع در شیراز مراجعه فرمائید. بهروزی و پیروزی حضرتعالی را آرزومندیم.

پاسخ به پرسش‌های مربوط به قانون کار

از: دکتر علی‌الله همدانی

دوستان عزیز کارگر بازهم از استقبالی که از این صفحه بعمل آورده و از مراتب اظهار لطف شما نسبت به پاسخگوئی خود: شکر می‌کنیم نامه‌های شما، ما را بیش از پیش به راهی که در پیش گرفته‌ایم علاقمند می‌نماید. در اینجا بازهم یادآور میشویم که ضمن پاسخگوئی به پرسش‌های شما، نامه‌هایی که لازم باشد، به مراجع مربوط می‌فرستیم تا در مورد آن اقدام لازم به عمل آید.

*دوست کارگر ما، آقای مرتضی عیاریان در مورد چگونگی بازنشستگی خود پرسش کرده‌اند. دوست عزیز، بموجب ماده ٧٤ قانون تامین اجتماعی، برای اینکه کارگری بتواند بازنشسته شود باید شرایط ذیل را دارا باشد و بعبارت دیگر شرایط زیر برای بازنشسته شدن لازم است:

١– حداقل دهسال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشد.

٢– سن مرد شصت‌سال تمام و سن زن ٥٥ سال تمام باشد.

٣– در صورتیکه ٢٠ سال متوالی یا ٢٥ سال متناوب در نقاط بدآب و هوا کار کرده باشد و یا بکارهای سخت و زیان‌آور مشغول باشد، سن ٦٠ سال به ٥٥ سال کاهش می‌یابد.

٤– کسانی هم که سی‌سال تمام کارکرده و حق بیمه مقرر را پرداخته باشند، در صورتیکه ٥٥ سال داشته باشند، می‌توانند تقاضای بازنشستگی نمایند

بدین ترتیب ملاحظه شد که چه شرایطی برای بازنشستگی لازم است تا کارگر تقاضای بازنشستگی نماید و با توجه به آنچه شما در نامه خود نوشته‌اید که ٣٦ سال سابقه کار دارید و ٥٥ سال سن، و تمامی حق بیمه مقرر را نیز پرداخته‌اید، می‌توانید تقاضای بازنشستگی کنید و مسلماً سازمان تامین اجتماعی در صورتیکه شرایط یاد شده جمع باشد، موافقت خواهد کرد.

اکبر آقا، یکی از کارگران عزیز آذربایجانی طی نامه کوتاهی ضمن اظهار لطف به مجله ما در مورد کمی حقوق خود، گله و شکایت دارند.

کارگر عزیز اکبر آقا، هم از لطف شما متشکریم و هم سلامت شما را خواهانیم، شما خودتان در نامه نوشته‌اید که ظرف ٧ ماه حقوق شما که با ١٣١ ریال استخدام شده‌اید، اکنون به ٢٢٠ ریال بالغ گردیده است، و گله کرده‌اید که دیگر کارگران حقوقی در حدود ٣٥ تا ٣٦ تومان می‌گیرند دوست عزیز، حتماً کارگران مذکور دارای تخصص و مهارتی هستند وگرنه هیچ دلیلی وجود ندارد که به کارگری که مدتی کار کرده است ٢٢٠ ریال بدهند و به دیگران ٣٥٠ ریال و امروز پایه و اساس مزد و حقوق تخصص و مهارت، مسئولیت، سواد و عوامل دیگری از این قبیل می‌باشد، وگرنه کارفرمائی که طی مدت ٧ ماه حقوق و مزد شما را از ١٣١ ریال به ٢٢٠ ریال افزایش داده، درصورتیکه شما نیز دارای شرایط لازم بودید بسهولت مزد شما را نیز به ٣٥٠ ریال می‌رسانید. ما امیدواریم در آینده نزدیکی شما هم از وضع حقوق مزایای خود راضی باشید.

***دوست عزیز کارگر آقای بحرینی، اولا ازدواج شما را تبریک می‌گوئیم و بسیار خوشحال هستیم که با ازدواج خود پایه و اساس یك خانواده را بنا نهاده‌اید. درمورد هزینه و کمك ازدواج باید بگوئیم، برای اینکه کارگری بتواند حق ازدواج بگیرد، لازم است سه شرط زیر را دارا باشد:**

١– در تاریخ ازدواج کارگر همان کارگاه باشد، یعنی رابطه استخدامی او قطع نشده باشد.

٢– طی پنجسال قبل از تاریخ ازدواج، حداقل حق بیمه دوسال کار را داده باشد.

٣– عقد ازدواج دائم و رسمی باشد.

ملاحظه می‌فرمائید که شما دو شرط را دارا می‌باشید و اگر طی مدتی که کار می‌کنید حق بیمه دوسال کار را به سازمان پرداخته باشید، می‌توانید از حق ازدواج استفاده کنید.

البته باید خاطرنشان سازم گرچه شما هفت ماه است که نزد کار آمای فعلی خود کار می‌کنید ولی ممکن است قبلا جای دیگری کار کرده و حق بیمه خود را به سازمان پرداخته باشید. دراینصورت میتوانید تقاضای حق ازدواج بنمائید.

پاسخ‌های قضائی

از: عباس تهرانی

وکیل پایه یک دادگستری

در کریدورهای دادگستری

بازپرس در مقام کشف حقیقت است. اگر او را نمی‌توانیم راهنما و یاور باشیم، بهتر است از اشتغال وقت و زمانی را که باید صرف پی بردن به واقعیات یك جرم کند خودداری ورزیم. یکی از قضات محترم دادگستری که در مقام بازپرس، یکی از سنگین‌ترین مشاغل را عهده‌دار است می‌گفت: شاید این موضوع روانی ناشی از بیماریهای درونی باشد که بمجرد وقوع حادثه جزائی قابل توجهی از قبیل قتل، یا ضرب و جرح منتهی به نقص عضو و از این قبیل ناگهان سروکله اشخاص پیدا می‌شود که خود را ناظر یا شاهد یا مطلع از موضوع قلمداد کرده و ساعتها وقت دادرسی را می‌گیرند و بعد معلوم می‌شود اساساً اظهارات ایشان واهی و بی پایه و اساس است و با اینکه در شروع بازپرسی به ایشان مقررات مربوط بگواهی دورغ تفهیم شده و گفته میشود که شاهدی که اظهارات کذب نماید، خود قابل تعقیب جزائی است، معهذا باز بمواردی از اینگونه برخوردمی‌شود. این قاضی محترم از من خواست که وسیله مجله از همگان تقاضا کنم که از شهادت کذب بپرهیزند و وقت مقامات قضائی را نیز تلف نکنند.

چك و زندان

آقای تهرانی– وکیل محترم– با تشکر از انتشار مجله خواندنی و مخصوص ما «رستاخیز کارگران» و زحماتی که گردانندگان آن برای بهتر نمودن مطالب مجله و روشن کردن ذهن کارگران ایران متحمل میشوند، خواهشمندم بسؤال من پاسخ فرمائید.

چندی قبل شخصی که چکی از من در دست داشت بعلت عدم وصول و بی‌محل بودن آن، علیه من طرح شکایت بعنوان صدور چك بلامحل نمود. من پس از اطلاع از شکایت وی بایشان مراجعه کردم و چك خود را دریافت و وجه آنرا نیز تسلیم نمودم. لیکن اخیراً حکمی از دادگاه صادر شده که مرا بعنوان صدور چك بلامحل محکوم بزندان نموده‌اند. با اینکه بدفتر دادگاه مراجعه و چك خود را نشان دادم ولی در نهایت تعجب شنیدم که تنها پرداخت وجه چك کافی نیست. چون در پریشانی بوده و خود و خانواده‌ام در وضع روحی بسیار بدی بسر میبریم خواهشمندم هر چه زودتر مرا راهنمائی بفرمائید که چه باید بکنم تا حکم دادگاه در مورد من اجرا نشود و ضمناً بفرمائید چرا با اینکه وجه چك را پرداخته‌ام باید زندانی شوم؟

تهران– میرحسین شکاتور

برادر ارجمندم– یکبار دیگر بخاطر دارم در همین ستون راجع به صدور چك بلامحل بتفصیل و بزبان ساده توضیح داده‌ام. اکنون مجدداً جهت شما و دیگر خوانندگان محترم مجله باطلاع میرسانم که پس از طرح شکایت راجع به چك بلامحل از طرف دارنده آن، کشنده چك در صورتیکه قصد پرداخت داشته باشد باید با مراجعه به دارنده چك علاوه بر دریافت لاشه آن و برگ گواهی عدم پرداخت، رضایتنامه کتبی و محضری نیز از وی دریافت دارد که ضمن آن دارنده چك با ذکر شماره پرونده اعلام دارد کلیه طلب خود را دریافت داشته و دعوی خود را نیز در این خصوص مسترد میدارد. تنها وجود چنین سندی موجبات مختومه شدن پرونده را فراهم می‌آورد. بنابراین جنابعالی نیز هر چه زودتر به طلبکار خود مراجعه کنید و از وی تنظیم چنین سندی را مطالبه نمائید و سپس آنرا بدادگاه مربوطه ابراز دارید.

مغازه را بدیگری انتقال داده است

آقای تهرانی وکیل محترم– حدود هشت سال قبل خانه‌ای در جنوب شهر خریدم که یکباب دکان نیز دارد. مستاجری در دکان مزبور بود که با مالك قبلی سند اجاره رسمی دو ساله داشت. پس از پایان مدت دو سال چندین بار بوی مراجعه و تقاضا کردم دکان را تخلیه نموده و تحویل دهد تا بنابر احتیاج آنرا تبدیل باتاق مسکونی خانواده‌ام نمایم. وی نه تنها از تخلیه مغازه خودداری نمود، بلکه آنرا بدیگری واگذار نمود. مستاجر فعلی مغازه معلوم نیست به چه علت دکان را تعطیل و بدر آن قفل زده و مدت مدیدی است که از او خبری نیست. داخل مغازه نیز هیچگونه جنسی برای فروش وجود ندارد. سؤال بنده اینستکه با توجه به غیبت طولانی مستاجر سوم میتوانم ملك خود را تصرف کنم یا خیر یا اینکه باید قانوناً اقدام شود. خواهشمندم در اولین فرصت بنده را راهنمائی فرمائید

بقیه در صفحه ۱۰۰

پاسخ به پرسشهای پزشکی و خدمات درمانی

از: دکتر مرتضی روحانی

سئوال:

یکی از کارگران کارخانه ایران ناسیونال پرسیده است بیمه‌شدگانی که از دفترچه خدمات درمانی استفاده می‌کنند، چنانچه به آنها معذوریت و مرخصی استعلاجی داده شود، آیا کارفرما موظف است آنرا بپذیرد و گواهی همه پزشکان همکار سازمان تامین خدمات درمانی مورد قبول است؟

جواب:

با توجه به دستورالعمل شماره ۲۵ سازمان تامین خدمات درمانی کارگرانی که از دفترچه خدمات درمانی استفاده می‌کنند، چنانچه وسیله پزشکان همکار برای آنها معذوریت داده شود تا ۱۲ روز بلامانع است، ولی بیش از ۱۲ روز باید وسیله شورای پزشکی که از طرف مدیر مرکز پزشکی انتخاب می‌شود و یا پزشك متعهد مورد تائید قرار گیرد تا شعبه تامین اجتماعی بتواند دستمزد ایام مرخصی استعلاجی را پرداخت کند و بیمه‌شدگان باید به درمانگاههائی که قبلا پرونده آنها در آنجا بوده، مراجعه نمایند.

سئوال:

یکی از کارگران کارخانه سیمان تهران سئوال کرده‌اند:

– برای کشیدن هر دندان چه مبلغی باید پرداخت؟

جواب:

بیمه شدگانی که از درمان مستقیم استفاده می‌کنند، مسلماً در درمانگاههای سازمان بطور رایگان تحت درمان قرار خواهند گرفت، ولی آنهائی که دارای دفترچه خدمات درمانی هستند، باید مبلغ ۱۰۰ ریال به دندان پزشك بپردازند.

سازمان نیز مبلغ ٤۰۰ ریال بابت کشیدن دندان به پزشك پرداخت خواهد کرد.

سؤال:

یکی دیگر از کارگران کارخانه سیمان تهران پرسید است:

– برای کارگرانی که دارای دفترچه خدمات درمانی نیستند، اگر حادثه‌ای در نیمه‌های شب پیش آید، میتوانند بهمه بیمارستانها مراجعه کنند؟

جواب:

کلیه بیمارستان‌های کشور، چه خصوصی و چه عمومی، وظیفه دارند بیماران اورژانس و فوری را بلادرنگ بپذیرند و اگر خلاف این موضوع عمل کنند، تحت تعقیب قرار خواهند گرفت. ولی در مورد بیمه‌شدگان مخصوصاً بیمه‌شدگان تهران اولاً میتوانند از تلفن‌های ٦٦٩٩٩١ و ٦٦٩٩٢١ که به بیست شماره تکثیر میشود، کمك بگیرند و از آمبولانس‌های مجهز مرکز اورژانس تهران استفاده کنند و در اسرع وقت در بیمارستان بستری شوند، ولی اگر خود به نزدیکترین بیمارستان مراجعه کردند و بیمارستان طرف همکار نبود در عرض ۲٤ تا ٤۸ ساعت باید اطرافیان بیمار به مرکز اورژانس تهران خیابان شاه اطلاع دهند تا پزشك این مرکز به بیمارستان مراجعه و برگ بستری شدن را صادر و تشخیص اورژانس بودن بیماری را تائید نماید.

آگهی تجدید انتخابات مسئولان سندیکا

بموجب مدارك تسلیمی از سوی سندیکای کارگران شهرداری کاشان اسامی و سمت هر یك از آقایان اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره و بازرسان سندیکای مذکور که برای مدت دو سال لغایت هفدهم اردیبهشت سال دوهزار و پانصد و سی و هفت انتخاب شده‌اند بشرح زیر میباشد.

۱ – دبیر	حسن سرکاری
۲ – رئیس هیات مدیره	احمد شاهمرادی
۳ – نایب رئیس	رحمت‌اله آبسته
٤ – خزانه‌دار	قدرت‌اله دلگرم
۵ – عضو هیات مدیره	علیمحمد منتظر
٦ – بازرسان	حسین خزائی کمجانی– مهرعلی حسین‌زاده ده‌آبادی

ضمناً مطابق بند ۳ ماده ۲۰ اساسنامه اسناد مالی با امضای رئیس هیأت مدیره و خزانه‌دار سندیکا معتبر خواهد بود.

رئیس اداره کار و امور اجتماعی کاشان

اسماعیل عابدی

پاسخ به پرسشهای مربوط به تامین اجتماعی

از ناصر یوسفی‌زاده

«کمك عائله‌مندی در وضعیت بازنشستگی»

آقای پوربهنام، کارگر کارخانه ایران کاوه، نوشته‌اند پرداخت کمك عائله‌مندی کارگران موکول به ۷۲۰ روز کار کرد و سابقه پرداخت حق بیمه میباشد. سؤال کرده‌اند:

۱ – کارگران و کارمندان بازنشسته ادارات که مدت ٤ الی ۵ سال است در کارخانه‌ای کار میکنند حق دریافت کمك عائله‌مندی دارند یا خیر؟

۲ – کسانیکه تا قبل از شهریور ماه ۱۳۵٤ با پرداخت حق بیمه و دریافت یکصد ریال از کمك عائله‌مندی استفاده نموده‌اند، در دوره اجرای قانون جدید چه وضعی دارند؟

۳ – با تغییر نرخ حق بیمه و استفاده بازنشستگان از بیمه درمانی چرا کمك عائله‌مندی بآنها پرداخت نمیشود؟

دوست عزیز

طبق مقررات ماده ۸۷ قانون تامین اجتماعی پرداخت کمك عائله‌مندی به بیمه شده با رعایت شرایطی که در ماده ٨٦ این قانون پیش‌بینی شده است بعهده کارفرماست. با در نظر گرفتن این توضیح علاوه بر شرایط ماده ٨٦ مذکور استفاده کننده از کمك عائله‌مندی باید دو شرط اساسی زیر را باشد:

– نزد سازمان تامین اجتماعی بیمه باشد.

– با شخص دیگری که عنوان کارآما دارد رابطه کارگری داشته و از او مزد دریافت نماید.

با توجه بمراتب فوق پاسخ سئوالات شما بشرح زیراست:

۱ – نظر باینکه کارگران و کارمندان بازنشسته دولت مشمول قانون تامین اجتماعی نیستند و به عبارت دیگر قانوناً بیمه شده تامین اجتماعی نمیباشند، لهذا از کلیه کمك‌های پیش‌بینی شده در این قانون منجمله کمك عائله‌مندی نمیتوانند استفاده کنند.

۲ – کسانیکه تا قبل از شهریور ماه ۱۳۵٤ (۲۵۳٤ شاهنشاهی) طبق قانون بیمه‌های اجتماعی وبماخذ هر فرزند از دوم ببالا ماهانه یکصد ریال کمك عائله‌مندی دریافت میکرده‌اند، در صورتیکه بموجب قانون تامین اجتماعی واجد شرایط لازم باشند، میتوانند برای دو فرزند اول که شرایط لازم را دارند کمك عائله‌مندی بماخذ جدید دریافت کنند.

۳ – تغییر نرخ حق بیمه به بازنشستگان و از کار افتادگان و بازماندگان بیمه شده متوفی ارتباطی ندارد، زیرا این افراد نه تنها ماهانه حق بیمه پرداخت نمیکنند، بلکه مستمری هم دریافت مینمایند و فعلا هم با پرداخت ۲٪ از مستمری ماهانه از خدمات درمانی برخوردار میشوند و چون این افراد فاقد کارآما هستند و مزد بگیر نیستند، لهذا پرداخت کمك عائله‌مندی که توسط کارآما صورت میگیرد، بعلت نبودن شرایط قانونی منتفی است.

«کمك هزینه تحصیلی فرزندان کارگران»

آقای اکبر فرجی‌پور، دانشجوی سال اول انستیتوتکنولوژی اصفهان نوشته‌اند پدرم کارگر کارخانه نساجی است و همانطور که میدانید بدانشجویان غیر بومی انستیتوهای تکنولوژی کمك هزینه مسکن داده نمی‌شود و دانشجویانیکه معدل آنها از ١٤ به بالا باشد، فقط کمك هزینه تحصیلی میگیرند.

چندی قبل اطلاع حاصل کردم که بفرزندان کارگران مبلغی از طرف سازمان تامین اجتماعی پرداخت میشود. پس از مراجعه به اداره تامین اجتماعی مسئولین امر اظهار بی‌اطلاعی کردند.

لطفاً مرا راهنمائی کنید.

دوست گرامی،

پرداخت کمك هزینه تحصیلی بفرزندان کارگران بموجب قانون تامین آموزش فرزندان کارگران صورت میگرفت که این قانون با صدور فرمان آموزش رایگان و عنایات خاصه شاهنشاه آریامهر بکلیه فرزندان این آب و خاك، ضرورت وجودی خود را از دست داد، زیرا با صدور فرمان دیگر کسی مبلغی برای تحصیل و آموزش نمیپردازد. لهذا قانون مذکور از تاریخ دهم تیرماه ۲۵۳٤ شاهنشاهی فسخ شد و فرزندان کارگران مانند سایر مردم ایران با استفاده از

بقیه در صفحه ۸۳

نقابدار نخشب

نوشته: عباس پزشکی

غروب یکی از روزهای سال ۱۶۹ هجری، پای برج و باروی قلعه «سیام» اجساد بسیاری غرقه در خون افتاده بود. اکثر آنان یاران و سپاهیان «هشام بن حکیم» نقابدار نخشب بودند که دلاورانه در برابر سیل سپاه «سعیدالحراشی» امیر هرات پایداری کرده و برای حفظ جان پیشوای خود «هشام» شربت شهادت نوشیده بودند.

بر بالای باروی قلعه «هشام‌بن حکیم»، آزاد مرد بزرگ خراسانی، که سراپا سپید پوشیده و سیمای خود را زیر مقنعه‌ای زرین پنهان داشته بود، ایستاده و بدون آنکه مژه برهم زند، به قتلگاهی که زیر پای او گسترده بود، می‌نگریست. قلبش از اندوه مرگ یاران لبریز بود، مشت‌های گره کرده خود را بطور مرتب و یکنواخت بر لبه دیوار می‌کوبید و گاه از روی خشم می‌غرید و کلمات نامفهومی زیر لب زمزمه میکرد. کم‌کم سیاهی شب میدان کارزار و سراسر دشت را در کام خود فرو برد، و همین سیاهی «هشام» را بخود آورد. به آرامی فریاد برآورد:

– ابوجبار....

مرد سپید جامه‌ای که نزدیك او به دیوار تکیه داده و چشم برهم گذارده بود، به شنیدن آوای «هشام» پیش دوید و گفت:

– بله، مولای من....

هشام دستهای خود را روی شانه‌های ستبر «ابوجبار» نهاد و گفت:

– خوب «ابوجبار»، مثل اینکه پایان کار ما نزدیك است.

– مولای من.....

– «ابوجبار» چه میخواهی بگوئی؟ به چه چیز میخواهی مرا امیدوار سازی؟ قبول کن که ما امروز شکست خوردیم و فردا که آفتاب طلوع میکند، بر بالای باروی قلعه، و همین جا که اکنون من و تو ایستاده‌ایم، پرچم سپید ما به خاك افتاده است، در حالیکه بیرق فرستاده «مهدی» خلیفه عباسی، که سرمن‌در حکم امضای فرمان حکمرانی او در خراسان است، برافراشته خواهد بود...، دریغ، دریغ که آرزوی من برای آزادی ایران زمین جامه تحقق نیافت، ولی من خوشحالم که همه ما، مردانه تلاش کردیم و بر سر این سودا از جان و دل مایه گذاردیم ولی تقدیر در دفتر سرنوشت ما، چیزی جز پیروزی رقم زده بود....

بعد آهی کشید و براه افتاد، لحظه‌ای سکوت کرد، آب دهان را فرو برد و گفت:

– راستی «ابوجبار»، فرمانی که بتو داده بودم، اجابت کردی؟

– بله سرور من.

– زیر زمین قلعه را همانطور که خواسته بودم، آماده ساخته‌ای؟

– آری مولایم، همانطور که فرمان داده بودید.

– مرحبا «ابوجبار»، حال برو و ترتیب چیدن سفره را بده. من ساعتی دیگر با همه زنان و کنیزان، به زیر زمین خواهم آمد. فراموش نکن که میل ندارم از زمانی که وارد زیر زمین میشوم، تا طلوع خورشید، هیچکس حتی تو مزاحمم شود.

– بله سرورم.

«هشام» از «ابوجبار» جدا شد و به تنهائی به قسمتی از قلعه که محل سکونت خانواده‌اش بود، روانه گردید. زنان به استقبال او آمدند. همه مشوش و ناراحت بودند. همهمه آنان حاکی از نومیدی بود. «هشام» همه را به سکوت دعوت کرد و بعد به آنان اطمینان داد که خطری آنان را تهدید نمیکند و افزود:

– امشب شب پیروزی ما، و فردا آغاز رستگاری ماست. از این رو امشب، مجلس بزمی خواهیم داشت که همه در آن به شادمانی و رقص خواهیم نشست. حال مرا راحت گذارید، میخواهم با «روشنك» به تنهائی گفتگو کنم.

آنگاه، روبه زیباترین همسر خود کرد و گفت:

– بیا روشنك، با من بیا....

و دست او را گرفت، با خود به درون حجره خود برد. در را از داخل بست، چفت آنرا انداخت، خسته و فرسوده روی تشکی که از پوست آهو دوخته بودند افتاد و از روشنك خواست کنار او بنشیند.

«روشنك» خرامان خرامان جلو آمد. قلبش به شدت میتپید، همه وجودش از آتش غم و اندوه، میسوخت. روبروی مولا و شوهرش ایستاد. با چشمان اشك آلودش، به مقنعه زرین شوهر که در زیر نور پیه‌سوزها میدرخشید، نظاره کرد. با خود اندیشید: «این چه رازی است که هشام روی در نقاب پوشانده؟ آیا راستی همانگونه که میگویند شوهر من آنقدر زشت و بد سیماست که ترجیح میدهد در تمام عمر، روی خودش را از همه کس، حتی از من که عشق او و همه هستی او هستم بپوشاند!» آهی کشید و در دل گفت:

«حالا وقت چنین اندیشه‌هائی نیست، زیرا برای مولای من فرصت کوتاه‌تر از آن است که به چنین اندیشه‌هائی سپری شود.»

«هشام» که با چشمان درخشان و نافذ خود «روشنك» را می‌نگریست، چنانکه گوئی اندیشه او را از نگاه غمزده و از ژرفای اندوهبار چشمانش خوانده است، گفت:

– «روشنك»، تو هم بفکر مرگ من هستی؟ تو هم میدانی که در پایان این شب سیاه، من و همه کسانی که با من هستند، جان به جان آفرین تسلیم خواهیم کرد و هیچیك از ما که عمری در کنار هم بوده‌ایم، خورشید فردا را نخواهیم دید؟ تو غمگینی که من خواهم مرد؟ آه، روشنك من، غمگین مباش، اینطور اشك مریز، چشمان تو برای اشك ریختن خلق نشده‌اند، لبهای مرجانی تو برای آن بوجود نیامده‌اند که از اندوه مرگ من بلرزد. بگذار از قلب کوچك تو که تا کنون در سینه‌ات به شادمانی می‌تپیده است، امشب هم به نیروی ایمان و از حدبه عشق بتپد. قوی باش که «هشام» هم مانند ابومسلم هرگز نخواهد مرد، زیرا برای من نیز همچون ابومسلم، مرگ آغاز ابدیت است...»

بعد به تلخی خندید، دستهای روشنك را در میان پنجه‌های خود گرفت و او را در کنار خود نشاند. برای لحظه‌ای خرمن مواج گیسوان سیاه زن زیبا با سرو گردن هشام تماس گرفت. «هشام»، که در همین چند لحظه از عطر دلاویز گیسوان زن مست شده بود، با مهر فراوان به روی او نگریست و دستهای او را به زیر مقنعه برد و هر دو را چند بار بوسید. «روشنك» حس کرد که گرمی زندگی و حرارت عشق از لبان «هشام» به دستهایش، و از دستها، به همه وجودش منتقل شده از این احساس آرامش یافت و زیر لب گفت:

– آری هشام، تو هرگز نخواهی مرد.

هشام‌بن حکیم در روستای «کازه» نزدیك شهر مرو به دنیا آمد. پدرش «حکیم» در سپاه امیرخراسان، مقام فرماندهی داشت. وی در پرورش کودك خود که از ظلم طبیعت، روئی بسیار زشت داشت، کوشش بسیار کرد. خودسواری و تیراندازی و شمشیرزنی به او آموخت. معلمان بسیاری استخدام کرد تا علوم متداول آن زمان را به «هشام» بیاموزند. هشام که پاره‌ای نام اورا «هاشم» و گروهی مهم «عطا» نوشته‌اند، با تهور و شجاعت ذاتی، فنون سواری و دلاوری را بزودی فرا گرفت. با کیاست و هوش خارق‌العاده‌ای که داشت، در اندك زمان با همه دانش‌های آن عصر، از فلسفه و منطق تا ریاضی و شیمی و از ادبیات و تاریخ تا نجوم و علم معرفت‌الاشیاء آشنا شد و به این ترتیب هم درعرصه جنگ و هم درمیدان علم، سرآمد معاصران گردید. هشام از جهاتی برای پنهان کردن چهره خود، مقنعه‌ای سبز رنگ برسر می‌کشید، مقنعه سبزرنگ را بعدها که کارش بالا گرفت، به مقنعه‌ای زرین تبدیل کرد از این رو او را «مقنع»، یعنی کسی که مقنعه بر روی دارد، خواندند.

«هشام» ابتدا در سپاهی که پدرش فرماندهی آنرا بعهده داشت، بخدمت مشغول شد. ولی آوازه شهرت ابومسلم که برای آزادی ایران قیام کرده بود، او را برانگیخت تا به این سردار بزرگ به پیوندد. المقنع چند سالی در خدمت ابومسلم بود و وی را در آرمان مقدسی که داشت همراهی کرد و پس از شهادت این سردار نام‌آور، به مرو بازگشت ومجدداً بخدمت «عبدالجباربن‌عبدالرحمن الازدی»، امیر خراسان درآمد. مدتی بعد المقنع موفق شد با نفوذ کلام خود، مریدانی، خصوصاً در جامعه مانویان و مزدکیان که در ماوراًالنهر میزیستند پیدا کند وندای آزادی و آزادخواهی سردهد.

کم‌کم کار هشام بن حکیم بالا گرفت و درست ده سال پس از مرگ ابومسلم، علم طغیان خود را برضدتسلط خلفای عباسی بطور علنی برافراشت. «منصور» خلیفه عباسی که از نفوذ و پیشرفت روزافزون او درخراسان به وحشت افتاده بود، سپاهی را به مقابله هشام فرستاد. المقنع شکست خورد و به اسارت درآمد، ولی چند سال بعد بطور معجزه‌آسا از زندان خلیفه دربغداد گریخت و بسرعت خود را به مرو رساند. مریدان خود را گرد آورد. سازمان وسیعی تشکیل داد، و به گفته بسیار ی از مورخان، دعوی پیامبری و به نوشته گروهی دیگر، دعوی الوهیت و بزعم پاره‌ای دیگر دعوی هردو کار را کرد و به تبلیغ آرمانهای خود که بیشتر رنگ اعتقاد مانویان و مزدکیان را داشت پرداخت و بزودی گروه کثیری از مردم خراسان که هنوز در عزای مرگ ابومسلم اندوهگین بودند، به او پیوستند. دراین زمان المقنع، مریدانش را بسوی جنوب کوچ داد. از جیحون گذشت، قلعه «سیام» را که دژ مستحکمی بود، گرفت و آنرا مقر حکومت خود قرار داد و چنانکه نوشته‌اند «بساط اعجاز گسترد و بیاری دانش خود، از چاهی که در قلعه سیام بود هرشب «ماهواره» ای برمی‌آورد که به ماه نخشب معروف شد.»

«المهدی»، خلیفه عباسی ۱٤ سال تمام با او و پیروانش جنگ کرد، و درهمه این جنگها از سپاه هشام‌بن‌حکیم که به عشق وطن شمشیر

میزد» شکست خورد، ولی عاقبت درسال ۱۶۹ هجری سپاهی عظیم به فرماندهی «سعیدالحراشی» به مقابله هشام و یارانش که به «سپید جامگان» معروف شده بودند فرستاد. المقنع در مقابله با این سپاه شکست خورد و به قلعه سیام عقب‌نشینی کرد. معدود پیروانش که از مهلکه جان بسلامت برده بودند، کوشیدند مولای خود را به پایداری وادار و به پیروزی امیدوار سازند، ولی هشام میدانست که دیگر پایداری سودی ندارد و بیش از چند ساعت از عمر او باقی نیست.

***

روشنک» سربرشانه «هشام» نهاده بود و همچنان تکرار میکرد:

– «آری، سرور من، توهرگز نخواهی مرد...»

«هشام گذاشت تا «روشنک» کاملا آرام شود. آن‌گاه گفت:

– «روشنک، من میخواهم در واپسین لحظات حیات، در پیشگاه خدای احد و واحد و در حضور تو که بنده پاك خدا و آرام جان من هستی، به گناهان خویش اعتراف کنم و نکاتی که زندگی مرا درهاله‌ای از اسرار فرو برده روشن سازم. اگر بتوان وطن‌پرستی را گناه دانست، من گناهکارم. اگر بتوان آزادخواهی را کفر فرض کرد، من کافرم. اگر بتوان ندای آزادی را که از گلوی من غرش‌کنان برمی‌آمد و موج زنان فضای سراسر ایران پهناور را می‌پیمود و درکنار دجله، همچون غرش رعد مهیب و وحشتناك به گوش خلیفه میرسید و پیکر آن بیدادگر را به لرزه در می‌آورد ندائی شیطانی تصور کرد، من ابلیس هستم.

آری روشنك محبوبم، گناه من بزعم عمال خلیفه، وطن‌پرستی من است، دیگر گناهانی که برمی‌شمارند و کفرهائی که بمن نسبت میدهند، بهانه است. میگویند وقتی من از زندان خلیفه گریختم و به مرو بازگشتم، خطاب به مردمی که به دور من گرد آمده بودند، فریاد زدم و می‌دانید که من کیستم؟» و بعد که همه یکصدا پاسخ گفتند « تو هشام بن حکیم هستی» من با وقاحت تمام فریاد را رساتر کردم و غرش‌کنان گفتم «غلط کردید، من خدای شمایم» میگویند نامه‌ها نوشته و بهرولایتی فرستادم و مردم را ندا دادم که «بمن بگروید و بدانید که پادشاهی مراست و عزت کردگاری مرا و جز من خدای دیگری نیست و هرکس بمن بگرود بهشت او راست و هر که نگرود، دوزخ اوراست.» میفهمی روشنك! دامن مرا به ننگین‌ترین تهمتها آلودند تا صدای آزادخواهی را در گلوی من خفه کنند. مرا متهم بدعوی الوهیت کردند تا هشام‌بن‌حکیم نتواند درراهی که ابومسلم رفت و سنباد پیمود گام بردارد. این اتهام کفرامیز را قبل از من به «استادسیس» هم بسته بودند و با این نیرنگ، روح و جان آن آزادمرد سیستانی که تاب تحمل ننگ اسارت سرزمین یزدانی خود را بدست خلیفه عباسی نداشت، به زهر این اتهام ناجوانمردانه مسموم ساختند. ولی هشام شوهر تو، با همه زشت‌روئی، زیرك تراز آن بود که گردن را به زیر تیغ تیز چنین اتهام کفرامیزی از پیکر جدا کند. «هشام» برای این زهر، تریاق مؤثری داشت و آن نیروی اندیشه و غنای تفکر بود. وقتی که دیدم «المهدی» خلیفه عباسی، چنان در برابر من زبون و خوار است که بوسیله عمال خود این شایعه‌های کفرآمیز را همچون آتشی سوزان، در دل مردمان روشن میکند، و مردمان بجای آنکه از آتش بگریزند، از هیبت آن آنقدر برجای می‌مانند تا در خرمن هستی سوز آن گرفتار آیند، بخود گفتم: «هشام، ای پسر حکیم، چه باك که عمال خلیفه بگویند هشام‌بن‌حکیم، آن مردی که خلیفه خون وی را مباح و قتلش را واجب شمرده، اینك دعوی خدائی دارد!»...

کم‌کم آوای هشام اوج گرفت، از هیجان و غرور می‌لرزید... و روشنك دلش با ضربان تند می‌تپید و آوای آن موج زنان در فضای اتاق می‌پیچید. هشام که ساکت شده بود، خیره چشمان زن را که عشق و محبت در اعماق آن موج میزد، می‌نگریست. روشنك در اندیشه‌های خود فرو رفته بود: «آیا هشام راست میگوید؟ آیا او هرگز دعوی خدائی نکرده است؟ اگر این ادعا چنان که هشام میگوید دروغ باشد، بازهم شوهر من یك کافر است. من بارها به گوش خود شنیدم که او خود را پیغمبر میخواند. بارها شنیدم که میگفت من هشام‌بن‌حکیم، پیامبر شما هستم.» از این اندیشه سیمای روشنك از رنگ اندوه تیره شد. اندام خوش‌تراش او به لرزه افتاد. گوئی هشام اندیشه‌های روشنك را از چشمان او میخواند، زیرا دیگربار خنده تلخی کرد و گفت: «روشنك من، وقتی که میدیدم مردم ایرانی نژاد خراسان حتی با سایه‌ای که برضد اعراب سخن می‌گوید هم‌پیمان می‌شوند و سایه لرزان را به امید آنکه شاید مایه نجات کشور از اسارت بیگانگان گردد از هرجهت تقویت می‌کنند، ناچار از توجه به مزدکیان و مانویان شدم. مانند آنان پوشیدن لباس سپید را برای مردمم واجب شمردم» پیروی از پاره‌ای احکام و عقاید آنها را به مردم خویش توصیه کردم. حتی خود را پیامبری ایرانی شمردم و از مردم خواستم که به فرمانم گوش دهند. روشنك عزیزم، من اینهمه را که تو گناهش میپنداری و کفرش میخوانی، به خاطر نجات وطنم مرتکب شدم، ولی خداوند بهتر میداند که من هرگز از روی رضایت فکر و آرامش وجدان چنین دعوتی را به زبان نیاورده‌ام.»

روشنك لحظه‌ای نقاب زرین مولای خود را از نظر گذرانید و به زبان حال پرسید: «درباره این نقاب چه میگوئی؟ استفاده از آن را به چه چیز تعبیر میکنی؟ آیا کسی که مدعی است پیام‌آور آزادی و آزادی‌خواهی است باید بخاطر جلب و جذب زنان زیبا، و کام دل ستاندن از آنها، روی زشت خود را در نقاب زرین بپوشاند؟...»

هشام که اندیشه روشنك را درمی‌یافت، و از این اندیشه نادرست آتش درجانش افتاده بود، با لحنی مکدر گفت:

– روشنك من، آیا تو هم فکر می‌کنی که هشام تسلیم و گرفتار هوی و هوس نفس می‌باشد؟ آیا تو هم می‌اندیشی که من چون روئی زشت و سری کل و سیمائی مجدر دارم، به این نقاب پناه برده‌ام؟ تو هم فکر می‌کنی برای تحقق آرزوهای نفسانی و برای آنکه تو و سایر زنان از زشتی صورت من وحشت‌زده نشوید و از تنفر ترکم نکنید، چهره خود را در پشت این نقاب پنهان ساخته‌ام؟

برای مرد، زشتی صورت عیب نیست، سیرت زشت، قلب زشت و اندیشه زشت ننگ شمرده می‌شود. من میدانم که عقل مردم به چشمان آنهاست و از سوی دیگر بحکم غریزه، آدمی زیباپوست است. هرچیز زیبا او را بخود جذب می‌کند و هرآنچه که زشت است، هرقدر هم صاحب نهادی زیبا باشد، نمی‌تواند او را شیفته سازد و بسوی خود بکشاند. از سوی دیگر این نقاب زرین مرا در نظر مردمان اسرارآمیز جلوه میداد و تو اگر به دانش معرفت‌الروح آگاهی داشتی، میدانستی هرچیز و هرموجود اسرارآمیز اگر ابتدا مایه احترام انسان نشود، باری در دلها تولید هراس می‌کند و ترس هم بعد از مدتی احترام را برمی‌انگیزد. از این رو بود که من برآن شدم روی خود را در نقابی زرین بپوشانم و توخود بهتر میدانی حق با من بود. و بسیاری از آنان که دراین ۱۴ سال همراه و همگام من بودند و در راهم جانسپردند، از جذبه این نقاب که تلالؤ آن در خورشید، چشمها را خیره می‌کند، بمن پیوستند.»

روشنك بار دیگر در اندیشه فرو رفت... بدون آنکه کلمه‌ای برزبان آورد دردل گفت: اگر چنین هم باشد، باز تو بسبب فریفتن مردم و بخاطر آن معجزه دروغین، آن ماه نخشب، انسانی گناهکار هستی.»

هشام که این‌بار هم اندیشه روشنك را خوانده بود، همانطور آرام و شمرده گفت:

– آری روشنك من، اعتراف می‌کنم که ماه نخشب معجزه‌ای عوام‌فریب است. ولی بدان که ساختن و برآوردن آن از عهده هرکس برمی‌آید. منتهی باید از رموز ریاضی و از اسرار معرفت‌الاجسام آگاهی کامل داشت. این ماه در واقع سطح فلزی مدوری بیش نیست که سطح آنرا از جیوه پوشانده‌ام و هرشب که اراده می‌کنم، ماه از چاه برآید. آهن‌ربائی که قدرت ربایندگی آن با توجه به وزن ماه نخشب بدقت سنجیده شده، در فاصله معینی بربالای دهانه چاه قرار میدهم. ماه به قدرت کشش آهن‌ربا از چاه میدمد و با قدرت چند آهن‌ربای دیگر که در اطراف قلعه و درکف چاه نصب شده است، درمحل معینی از فضا که نیروهای آهن‌ربا خنثی میگردد، ماه من ثابت می‌ماند و جیوه سطح آن نور ماه آسمان را میگیرد و منعکس میکند و چنان درخشان است که گوئی ماه آسمان بجای آن که از افق سربرآورده باشد، از چاه قلعه سیام طلوع کرده است. قبول کن که برای پایدار نگهداشتن و وفاداری مردمم، فراهم‌آوردن این معجزه فریب‌کارانه لازم بود. ولی من از این همه ریا و نیرنگ که با مردمم کردم، شرمنده نیستم، مراد من، ایده‌های مقدس و هدفی ارجمند بود. آزادی بخشیدن به ایران، ایرانی که در آن مردمش براستی احساس آزادی کنند، ولی افسوس که همه این آرزوها نقش برآب شدو با همه کوششها و تلاشها راه بجائی نبرد.»

هشام نفس به آسودگی کشید. باردیگر دستهای روشنك را برلب برد و گرم وسوزان برآن بوسه زد و گفت: الا باید چیزی خورد و نوشید. و انگاه از جای بلند شد و روشنك را که هنوز در دنیای تصور و اوهام بود، باخود از جای بلند کرد و او را که دیگر از خود اختیاری نداشت، به دنبال خود از اتاق بیرون برد. درخارج از اتاق، زنها و کنیزان المقنع که بیش از یکصدنفر بودند، به آن دو پیوستند و همه راه زیرزمین بزرگ قلعه را که به دستور هشام در آن سفره گسترده بودند، در پیش گرفتند. روشنك حس میکرد بدنش میسوزد و درهرگام گرم‌تر و سوزان‌تر میشود. در آستانه زیرزمین از وحشت برجای ایستاد. «آه خدای من، هشام چه اندیشه‌ای دارد؟ این همه تنور را برای چه در این زیرزمین ساخته‌اند؟ چرا تنور را آنچنان مشتعل ساخته‌اند که گوئی قصد دارند هزاران تن سرب را بگدازند و آب کنند؟ آیا منظور مولای من از گفتن اینکه هیچیك از ما خورشید فردا را نخواهیم دید، خودسوزی در این تنورهای گداخته نیست؟» سراپای روشنك از وحشت به لرزه افتاد. ولی هشام که بازوی اورا گرفته بود، روشنك را بخود فشرد و با لحنی که دنیائی شور و عشق در آن نهفته بود گفت:

– روشنك، از چه میترسی؟ بمن اعتماد کن...

روشنك از لحن عاشقانه و ملایم هشام آرام گرفت. با او کنار سفره آمد و نشست. سایر زنان نیز درکنار سفره آرام گرفتند. هشام با بیان گرم خود شروع به سخن گفتن کرد. کلامش آنقدر پرشور و پرجذبه و درعین‌حال شیرین و لطف‌آمیز بود که روشنك و سایر زنان کم‌کم خود را فراموش کردند و بعضی چنان مجذوب گفتار شیرین هشام بودند که بیش از حد معمول غذا خوردند و شراب نوشیدند. ولی هنوز آخرین جرعه شراب را در ساغر داشتند که یکی پس از دیگری مدهوش به کناری در غلتیدند. روشنك آخرین کسی بود که از هوش رفت و قبل از آنکه چشم برهم گذارد، نگاهی ملامت‌آمیز ولی عاشقانه، به هشام کرد و با صدائی که به زحمت شنیده میشد گفت:

– خدانگهدار هشام...

و دیده برهم گذارد، نفس کشیدو جان بجان آفرین تسلیم کرد. اشک از چشمان هشام سرازیر شد و لرزان و اندوهبار گفت:

– خدا نگهدار روشنك...

هشام دقایقی بربالای سفره مرگ که خود گسترده بود، ایستاد. سیمای یك یك زنها را که به مدد غذا و شراب زهرآلود مسموم کرده و کشته بود از نظر گذراند. روزهای شیرین و شبهای پرخاطره‌ای را که درکنار هریك گذرانیده بود، بیاد آورد. آنگاه اشک چشمان را پاك کرد، جسدها را به کنار تنورها کشید و یك‌یك درتنور انداخت و آنقدر صبر کرد

که همه اجساد سوختند و خاکستر شدند. آنگاه روشنك را در آغوش کشید و با خود به کنار مشتعل‌ترین تنور آورد. لحظه‌ای به لهیب سوزان آتش نگریست و همچنان که روشنك را تنگ در برگرفته بود، با حرکتی سریع به کام آتش پرید.

***

دریغ است اگر درپایان سرگذشت دردآلود ولی افتخارآمیز هشام‌بن‌حکیم نگوئیم که آخرین آرزوی این آزادمرد بزرگ تاریخ که میخواست حتی جسدش به دست دشمنان ایران نیفتد، رنگ حقیقت بخود نگرفت. زیرا دقایقی بعد سپاهیان خلیفه که ساعتی پیش قلعه را تصرف کرده و همه جا را به دنبال هشام جستجو میکردند، جسد نیمه‌سوخته او را درون تنور مشتعل یافتند و از مقنعه طلائی او که درحال ذوب‌شدن بود، وی را شناختند. پیکر سوخته اورا که دیگر روح در آن نبود، از تنور خارج کردند و سرش را از تن جدا ساختند.

هنوز خورشید در آسمان قلعه درخشیدن نگرفته بود که سواری بادپا در حالیکه سرآن مرد آزاده را درخورجین اسب داشت، با شتاب از دروازه قلعه خارج شد و راه بغداد را در پیش گرفت تا هرچه زودتر سر هشام را که سند پیروزی خلیفه بود، به وی تقدیم دارد.

***

جشن بزرگداشت پنجاهمین سال

مدیران و کارکنان شرکت ساسان در آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر حضور یافتند و تاجهای گل نثار کردند

در جشن شرکت ساسان تولیدکننده، کانادادرای، کوکاکولا و سون‌آپ بیش از ۶/۰۰۰/ نفر کارگران، کارکنان و مدیران این شرکت حضور داشتند.

مراتب جانبازی کارکنان این شرکت طی تلگرافی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر معروض شد.

مدیرعامل شرکت ساسان:

درایران امروز که سازندگی بصورت یك هدف درخشان رو درروی مردم قرار دارد پیشرفت افراد، پیوستگی مستقیم باتلاش آنان دارد و مجالی برای بیکاری و بیکارگی در بین نیست.

دبیرسندیکای کارگران شرکت:

ملت نجیب ایران نام فرزندان لایق وطن را که همیشه باتدبیر و اراده خلل‌ناپذیر نظام شاهنشاهی را در این سرزمین حفظ نموده‌اند مورد احترام قرار داده و خواهند داد.

پیشگاه مبارك اعلیحضرت

همایون محمدرضاپهلوی آریامهر شاهنشاه ایران

اکنون که مدیران، کارمندان و کارگران شرکت سهامی ساسان پنجاه سال شاهنشاهی پرافتخار و غرورآمیز خاندان پهلوی را باسرت جشن گرفته‌اند چاکر به نمایندگی از طرف همه کارکنان این واحد تولیدی مراتب حق‌شناسی و سپاس خود را از رهبریهای داهیانه و مواهبی که در پرتو انقلاب شاه و ملت نصیب ملت ایران گردیده است به پیشگاه شهریار دادگستر تقدیم و دوام سلطنت اعلیحضرت همایون و سعادت و سلامت شهبانوی گرامی و والاحضرت همایون ولایتعهد را از درگاه ایزد یکتا مسئلت مینمایم.

نماینده تام‌الاختیار کارفرما جان‌نثار-آوانس ایوازیان

امروز برای ملت ایران روز بزرگی بود، روزی که همه بالمیدواری به شاهنشاه جوان خود چشم دوخته بودند، روزی که باخواست خدا یکبار دیگر همای خوشبختی و سعادت در آسمان کشور به پرواز در آمد و سایه یکپارچگی و مودت را روی ملت ایران گسترد و نتیجه این یکپارچگی سبب شد تاکشور عزیزمان ایران از سقوط و نیستی رهائی یابد.

ملت ایران که از رویداد شهریور ۲۰ هیجان‌زده و مضطرب شده و به فردای خود امیدی نداشت، باعزم و اراده راسخی که در شاهنشاه باتدبیر خود سراغ داشت برق امید در چشمانشان میدرخشید.

برای ملت ایران اکنون که همزمان با بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی سی‌وششمین سال سلطنت پربرکت و میمنت شاهنشاه اریامهر را جشن میگیرند، اهمیت امروز بزرگ بیش از پیش جلوه‌گر شده است. دوران رهبری شاهنشاه اریامهر برای ملت ایران سراسر پیروزی و سرافرازی بوده و برای همه طبقات این سرزمین نیکبختی و سعادت بارمغان اورده است، ایرانیها بشکرانه چنین روز بزرگی هرسال با ترتیب دادن جشنهائی، این روز بزرگ را گرامی میدارند. بویژه امسال تقارن این روز با عید سعید فطر، بزرگترین عید مسلمانان جهان و همچنین سال بزرگداشت نیم‌قرن شاهنشاهی پهلوی به اهمیت و شکوه این روز افزود.

جشن بزرگ شرکت ساسان

شرکت سهامی عام ساسان تولیدکننده نوشابه‌های کانادادرای، کوکاکولا و سون‌آپ به میمنت عید سعید فطر این جشن بزرگ ملی را تواما در روزی بزرگ و روحانی که در شادی آن همه مسلمین بخصوص برادران و خواهران ایرانی شریکند، باشکوه فراوان برگزار کرد.

ساعت ۹ بامداد روز یکشنبه چهارم مهرماه از طرف اعضای کمیته برگزاری جشنهای پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی در شرکت ساسان همچنین مدیران و کارکنان این شرکت تاج‌گلی بر آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنیانگزار ایران نو نثار شد.

برنامه جشن شرکت نیز از ساعت ۵/۵ بعدازظهر عید سعید فطر در محل کارخانه با شرکت مدیران، کارگران و کلیه کارکنان شرکت ساسان تولید کننده کانادادرای، کوکاکولا و سون‌اپ برگزار گردید.

شرکت صمیمانه بیش از ۶۰۰۰ تن در این جشن، شکوه و عظمت بیشتری به ان بخشیده بود. مراسم ابتدا با نواختن سرود شاهنشاهی رسمیت یافت و پس از خیرمقدم از طرف اقای آیوازیان نماینده تام‌الاختیار «کارما» یکدقیقه سکوت جهت ادای احترام به روان پاك اعلیحضرت رضاشاه کبیر، بزرگ مرد تاریخ ایران اعلام شد. سپس متن تلگرافی که از طرف کارخانجات شرکت سهامی عام ساسان تولیدکننده کانادادرای، کوکاکولا و سون‌اپ به پیشگاه شاهنشاه اریامهر مخابره شده بود قرائت شد.

پس از آن اقای رخشانی مدیرعامل شرکت سهامی ساسان پشت میکروفون قرار گرفت و سخنانی باین شرح ایراد کرد:

حضارارجمند

مفتخرا از سوی هیئت مدیره و کارکنان شرکت سهامی عام ساسان پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار خاندان پهلوی را تبریك عرض نموده و از سروران و یاران پرمهری که با تشریف‌فرمائی خود ما را سرافراز فرموده‌اند سپاسگذاری می‌نماید.

اقای رخشانی مدیر عامل شرکت ساسان

آئین بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی شکوهمند دودمان پهلوی را زمانی جشن می‌گیریم که نهال بارور شده انقلاب شاه و ملت دریچه‌ای تازه در زندگی ملت ایران گشوده و عصر رستاخیز در پناه انقلاب سازنده، کشور را بسوی تمدن بزرگ رهمون گشته است.

سعادت اجتماعی امروز ایران بدلیل بهره‌مندی عامه مردم از ثروتهای کشور و اطاعت از سیاست مستقل ملی است که ملت ایران را حاکم بر سرنوشت خود نموده و موجب توسعه اقتصاد کشور گردیده و ما را پوینده راهی نموده است که تامین کننده مصالح ملی ما باشد.

امروز وحدت ملی ایران تحت تاثیر هیچ عامل مخربی قرار نخواهد گرفت و فردفرد ملت ایران حفاظت مرز و بوم خود را وظیفه ذاتی خود میدانند.

تنها یك معجزه

در ایران امروز که سازندگی بصورت یك هدف درخشان و روشن رودر روی عامه مردم قرار دارد پیشرفت افراد پیوستگی مستقیم به تلاش انان دارد و مجالی برای بیکاری و بیکارگی دربین نیست.

بدون تردید پیشرفتهای شگرف و پیروزیهای درخشان ملت ایران در پنجاه سال اخیر مولود رهبریهای خردمندانه و شهامت و از خودگذشتگی بنیان‌گذار ایران نو پهلوی اول اعلیحضرت رضاشاه کبیر و فرزند برومندشان پهلوی دوم اعلیحضرت، همایون شاهنشاه آریامهر بوده است و این پیشرفتها درحدی مشهود است که افراد اجتماع تاثیر این موفقیتها را در زندگی فردی و اجتماعی خود احساس می‌کنند.

مروری اجمالی به گذشته‌های نه چندان دور تاریخ ایران میتواند گواه بر کامیابیهای چشم‌گیر عصر پهلوی باشد. اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران قبل از اغاز سلطنت پهلوی را پدران و مادران ما که در حیاتند بخوبی بیاد دارند و تنها یك معجزه که همان ظهور پهلوی سردار نامی ایران بوده قادر به نجات این مرزوبوم کهن شده است.

اراده اهنین و عزم استوار اعلیحضرت رضاشاه کبیر پایه‌های مستحکم ایران امروز را بنیاد نهاد و اکنون برماست که بروان تابناك سرسلسله خاندان پهلوی که بادلی اکنده از مهر ایران چشمان پرفروغ خود را در دیاری دور بامهر ایران بجهان فرو بست درود بفرستیم و برای همیشه در برابر عظمت آن رادمرد بزرگ سرتعظیم فرود آوریم.

چهره امروز کشور ایران در پناه پنجاه سال سلطنت پربرکت خاندان پهلوی بصورتی است که با کشورهای مترقی جهان برابری نموده و نوید تمدن بزرگ که وسیله شاهنشاه آریامهر بملت ایران داده شده در سایه تدابیری است که بحث درباره هریك درخور مجالس بسیار است.

اندیشه والای شاهنشاه که با آینده‌نگری عمیق برنامه‌ریزی شده موجب گردیده که درحال حاضر بامشارکت عامه طبقات دموکراسی ایران بصورت ترکیبی از دموکراسی سیاسی و دموکراسی اقتصادی توام با عدالت اجتماعی جلوه نموده و نتیجه این تلاش و ترکیب قرارگرفتن کشور ایران در باشگاه کشورهای صنعتی جهان است.

تشکیل این مراسم و جشنها این فرصت را پیش می‌آورد تا تحولات و دگرگونیهای کشور مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. دراین بررسیها نقش اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نو کاملا مشخص و اهمیت رهبریهای داهیانه شاهنشاه اریامهر در کسب مقام و منزلت فعلی ایران از هرجهت نمایان و آشکار است.

اصول هفده‌گانه انقلاب شاه و ملت تحت رهبریهای شاهنشاه آریامهر موجب پیشرفت ملت ایران در شئون مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی بوده و تاثیر این اصول سازنده برزندگی مردم ایران امری است مسلم.

گروه شرکتهای ما که در پناه برکت و امنیت و ثبات موجود دامنه خدمات و فعالیت خود را گسترش داده‌اند کماکان در راه سازندگی اقتصاد و اجتماع کشور بسهم خود به تلاش پیگیر خود ادامه میدهند و همواره فریضه ذمه خود می‌دانند که باایجاد واحدهای بهتر و مجهزتر و آبرومندتر دینی را که بکشور خود دارند ادا نمایند ثمرات تلاش این سرمایه‌گذاران خدمات بس‌ناچیزی است و جوابگوی ثبات و امنیت موجود هرگز نبوده و نیست و بهمین سبب تلاش خستگی‌ناپذیر ما متوجه این هدف است که سپاس بسیار خود را عملا در برابر این مواهب بزرگ نشان دهیم. باآرزومندی سلامتی و شوکت ذات اقدس شهریاری و علیاحضرت شهبانوفرح و پایندگی والاحضرت ولایتعهد. مجددا درود بی‌پایان هیئت مدیره و کارکنان شرکت سهامی عام ساسان را تقدیم خاندان جلیل سلطنت مینماید.

افراشته باد پرچم شاهنشاهی ایران

جلب احترام ملل

انگاه اقای علی‌ابراهیمی دبیر سندیکای کارگران شرکت ساسان اظهار داشت:

مهمانان عالیقدر، برادران عزیز کارگر، وظیفه خود میدانم شمه‌ای بطور اختصار پیرامون رویدادهای قبل از شاهنشاهی پهلوی و افتخاراتیکه دراین مدت ۵۰ سال اخیر نصیب ملت ایران گردیده بعرض حضار محترم برسانم.

همانطوریکه همگان استحضار دارید ملت کهن سال ایران که دارای ۲۵۰۰ سال تمدن پرافتخار شاهنشاهی میباشد و درطول این سالیان دراز و از نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر که بوسیله یکی از بنیانگذاران این مرزوبوم به جهانیان اعلام شد همیشه درمیان کلیه ممالك جهان یکی از پرقدرت‌ترین کشورها بوده و هست. از انجائیکه تاریخ همیشه دارای نشیب و فرازهای زیادی بوده و بخصوص کشور ما که از نظر جغرافیائی در نقطه حساسی از جهان قرار گرفته که اکثر ایام تحولات بزرگ جهانی نیز در او مؤثر بوده، ملت‌نجیب ایران نام فرزندان لایق وطن را که همیشه باتدبیر و اراده خلل‌ناپذیر خود نظام شاهنشاهی را دراین سرزمین حفظ نموده‌اند مورد احترام قرار داده‌اند و خواهند داد. کشور عزیز ما بارها و بارها مورد حمله اجانب و بیگانه‌پرستان قرار گرفته ولی خداوند بزرگ همیشه پشتیبان ملت نجیب ایران بوده تا ایرانیان بتوانند میراث گرانبهای خود یعنی نظام شاهنشاهی را حفظ نمایند. در بعضی ایام نیز دراثر بی‌لیاقتی حکام وقت میرفت که نام ایران و ایرانی از صفحه روزگار محو شود، خصوصا دردوران سیاه و پراشوب قبل از شاهنشاهی پهلوی هرگوشهٔ از مام میهن عزیز ما جولانگاه گردنکشان و بیگانه‌پرستان بود و حکومت مرکزی در فساد مطلق فرورفته و جز به اخذ قرض از کشورهای بیگانه و صرف آن در راه عیاشی و خوشگذرانی کاری انجام نمیداد. فقر و ناامنی، ضعف حکومت و غارت یاغیان مردم را به تنگ آورده بود صنعت نمودارش در کشور زیر صفر بود و واضح است کارگری به ان شکل که حضار محترم فکر میکنند وجود نداشت چند کارگاه کوچك سنتی یك کارخانه چراغ گاز و یك ماشین‌دودی ۹ کیلومتری مجموعه صنعت کشور را تشکیل میداد ساعت کار برای کارگر مطرح نبود شروع کار باطلوع

شاهنشاهی پهلوی در شرکت ساسان

مدیران و نمایندگان کارگران و کارکنان ساسان تاج گلی نثار آرامگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر بنیانگذار ایران نو نمودند.

آقای ابراهیمی نماینده و دبیر سندیکای کارگران شرکت ساسان

کیک دو هزار کیلوئی پنجاه طبقه که بمناسبت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی از سوی شرکت ساسان تهیه شده بود.

خورشید و ختم آن تاپاسی از شب رفته بطول میانجامید. در چنین دورانی که امیدی به تجدید حیات ایران نمی‌رفت یکی از دانشمندان غربی درآن زمان گفته بود نجات و رستگاری ایران و ایرانیان از جمله محالات است. در دورانی که شوکت و عظمت به فقر و بیچارگی تبدیل شده بود در دورانیکه گمرك شمال و جنوب در گرو قرض روس و انگلیس بود خدای ایران سرداری کبیر و رادمردی بزرگ را برای رهبری ملت برگزید.

رضاخان میرپنج که از این وضع آشفته به رنج آمده بود در سوم اسفند ۲۴۷۹ شاهنشاهی یکباره طومار ناامنی را در هم پیچید. درزمانی کوتاه از ایرانی خموده و عقب‌افتاده کشوری قوی با صنایع نوین و ارتشی نیرومند و فرهنگ پیشرو ساخت، ماشین‌دودی ۹ کیلومتری حضرت عبدالعظیم تبدیل به راه‌آهن سراسری ایران گردید، برای تبدیل کوره راههای مالرو بجاده‌های مدرن قلب کوهها شکافته شد، قراردادهائیکه مایه ننگ ایران و ایرانی بود بدستور آن رادمرد بزرگ لغو گردید، گمرکات از گرو اجانب بیرون آمد صنایع مدرن نساجی و دخانیات در کشور پاگرفت و بالاخره ایران نو در عصر رضاشاه کبیر بنیان نهاده شد و در دوران سلطنت فرزند برومندش شاهنشاه آریامهر رهبر بزرگ انقلاب شاه و مردم به ترقیات شگرف و بزرگی دست یافت، صنایع نفت به مالکیت مطلق ایران درآمد منابع طبیعی آب و جنگل از مالکیت گروهی غارتگر بیرون آمد. ذوب‌آهن آریامهر در صنایع امروز به همت والای آریامهر بنیانگذاری و آماده بهره‌برداری گردید، صنایع ماشین‌سازی و تراکتورسازی و اتومبیل‌سازی پتروشیمی منابع عظیم گاز کشور که سالیان متمادی در نتیجه توطئه اجانب میسوخت و دود میشد و به هوا میرفت مورد بهره‌برداری قرار گرفت و اینك یکی از منابع عظیم کشور را تشکیل میدهد. شبکه برق سراسری از کرانه‌های ارس تا دورترین نقاط خلیج‌فارس را دربر گرفته و رشد اعجازآور اقتصادی ایران باعث حیرت جهانیان شده است. کارگری که روزگاری اجیر بود کارگری که در زندگی فقط زنده‌ماندن را بخاطر استعمار شدن میدانست تا جیب عده‌ای فئودال را پرتر کند.

به‌همت والای شاهنشاه عظیم‌الشان در مالکیت کارخانجات شریك شده برخورداری کارگران از ۲۰٪ سود ویژه کارخانجات قدرت مالی و علاقمندی کارگر را به صنایع و کشور افزون‌تر ساخت و خلاصه اصول ۱۷ گانه انقلاب هریك به تنهائی تحول عظیمی در زندگی تمام قشرهای اجتماعی کشور پدیدار ساخت و مااکنون امیدوار و قوی بدنبال رهبر خویش بسوی دروازه‌های طلائی تمدن بزرگ و تجدید دوران افتخارات کوروش و داریوش گام برمیداریم و اینك ما کارگران باجان‌ودل از منویات رهبر بزرگ انقلاب پیروی نموده و آمادگی خود را در جهت حفظ و حراست وطن‌عزیز اعلام میداریم.

از جناب آقای امیرقاسم معینی وزیر محترم کار و امور اجتماعی و خدمتگزار شاهنشاه آریامهر استدعا میشود سپاس قلبی و بی‌شائبه کلیه کارگران زحمتکش این مملکت خصوصا ما کارگران شرکت سهامی عام ساسان را به پیشگاه رهبر عالیقدر و مبتکر انقلاب شاه و ملت معروض دارند: ضمنا یادآور میشود از همکاری بیدریغ و همه‌جانبه کارفرمایان نیز کمال تشکر را داریم.

زنده و جاوید باد شاهنشاه آریامهر رهبر کبیر انقلاب

پاینده باد وطن عزیز ما ایران

پیروزباد اتحاد و همبستگی کارگر در راه خدمت به شاهنشاه آریامهر و وطن عزیز.

برنامه‌های تفریحی

پس از سخنان دبیر سندیکا کارگران شرکت ساسان گروهی از هنرمندان برجسته رادیو و تلویزیون ملی ایران که دراین جشن شرکت داشتند بااجرای برنامه‌های جالب و متنوع به شوروحال شرکت‌کنندگان افزودند. درجشن بزرگ شرکت ساسان چیزی که از هرنظر جلب توجه میکرد کیك پنجاه طبقه بزرگی بود که از طرف این شرکت بمناسبت این روز بزرگ تهیه شده بود. این کیك در پنجاه طبقه بمناسبت آئین بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی ساخته شده‌بودبر بالای آن تاج بسیار زیبائی جلب توجه میکرد. وزن این کیك ۲۰۰۰ کیلوگرم بود، و اطراف آنرا پنجاه دانش‌آموز شمع بدست احاطه کرده بودند. درپایان باهمین کیك از شرکت‌کنندگان پذیرائی شد.

برنامه‌های سرگرم کننده این جشن که در محیطی صمیمانه برگزار شد تا ساعتها ادامه یافت و در ساعت ۹ شب در حالیکه مجلس غرق در شورواحساسات نسبت به شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل پهلوی بود، پایان آمد.

جدول سرگرمی مسابقات

جدول کلمات متقاطع

از: جهانگیر بارساخو

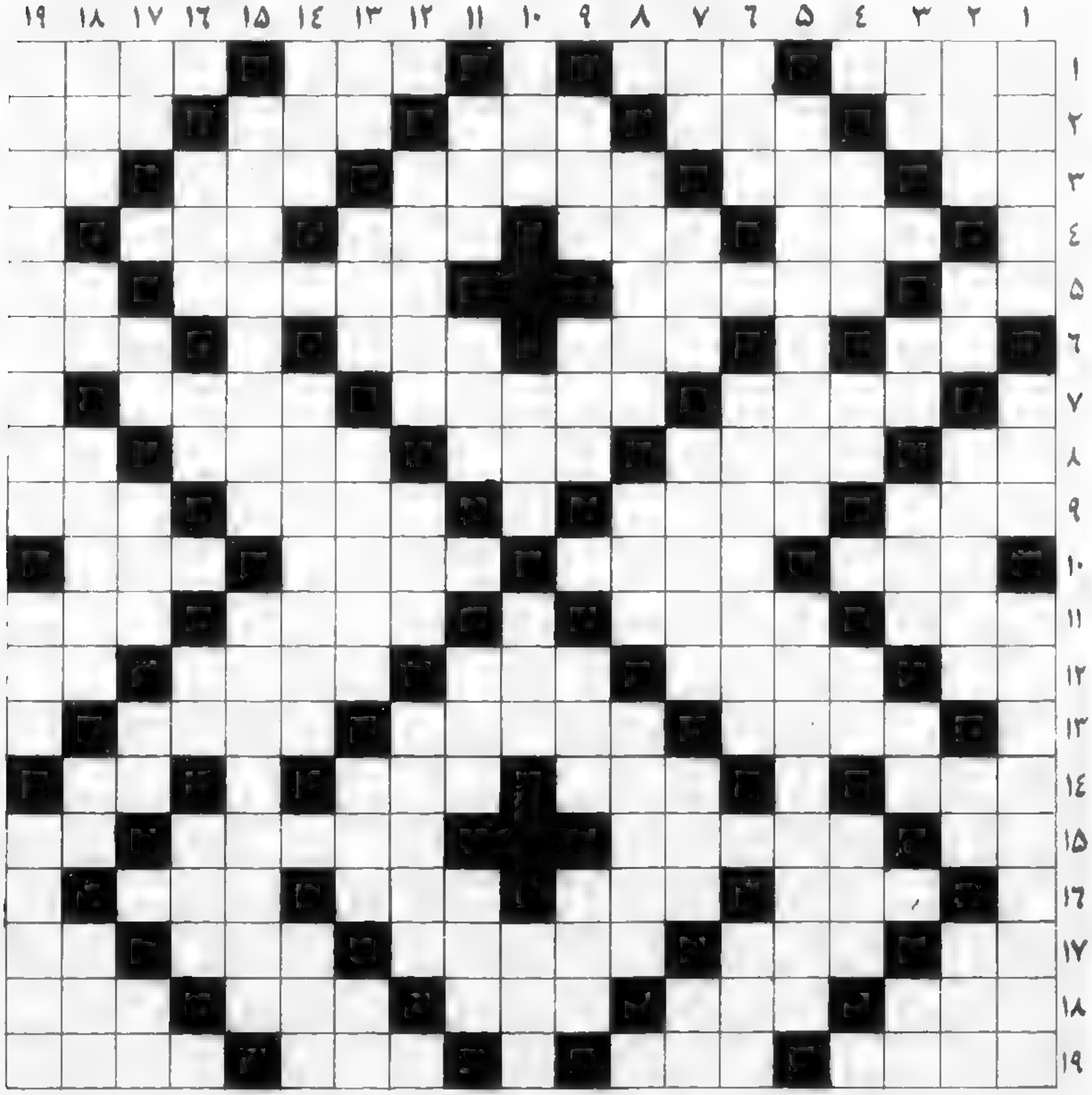

افقی: ۱- فیلسوف مشهور آلمانی- مرتجع فلزی- عهد معروف- شستربی کوهان ۲- کوچکترین ذره یك عنصر که دارای خواص آن عنصر است- شبگرد مشهور آسمان- پرنده آش‌سردکن کوهی در شمال غربی فارس- نوعی رواندار ۳- افتغله- قدم- شهرستانی در مشرق بندرعباس- گناه- ماهدیروز ٤- برکات بی‌بر- مثل ومانند- برگردان وین- برادرحنا ٥- دریا- شهری درپاکستان غربی- پایتخت کشوری درجنوب غربی اروپا- مکان ٦- دست‌عربی- فرومایه- دارائی- کتاب جمع‌شده ۷- اونیز شیاد است- ازکشورهای جنوب اروپا که قسمتی ازآن درآسیا نیز هست. چاق ۸- مادرعرب- وحشت- جوانمرد- اقیانوس فاقد جاروجنجال- خرس تازی- ۹- عارنیست- بازیچه بچه‌ها- چوپان- پیش- ۱۰- برتر ازگوهر آمد پدید- اکنون- وسیله‌ای برای نظافت- امر به رفتن می‌کند ۱۱- ماتم- بلبل‌اعداد- رستنی بدون برگ و ریشه- پاك و پاکیزه- ۱۲- زدنی پرحرف- نیاررا برگردان کردند- مادرباران- سند- سلطان ۱۳- چوب سوزاندن- تولد- باهمت و باسخاوت ۱٤- نامی برای آقاپسرهای خارجی- از ناله کم دارد- یکحرف و سه‌حرف- موافق ۱۵- جنس مذکر- شهری درآذربایجان شرقی- فراموشی- اینهم از مردی کم دارد- ۱٦- خانه کسی را بزور و ستم و خلاف میل و رضای او تصرف کردن- سبز و سیاهش را عطاری‌ها داشتند بی‌ادب بجای بلهمی‌گوید- مال ۱۷- واحد وزن- خشن- جور نیست- جرقه- پایتختی دراروپا ۱۸- کیف سفر گل‌نومیدی- معمولا کشنده است- بعضی اززلفها طبیعی‌اش هست- همنشینی برای گل- ۱۹- از فلاسفه بزرگ آلمان- مقابل شرق- تنورش دمیدم تا فتن مصیبت بود- روزنا یافتن- شهری درخراسان

عمودی: ۱- گیاهی که درطب مورد استفاده قرار می‌گیرد و عرق آنهم تجویز می‌شود ترس اتومبیل- یکی ازبرندگان جایزه نوبل در ادبیات که از شوروی به آمریکا رفت و ماندنی شد. ۲ بزرگترین شهر یونان قدیم- شراب نتها دستگاهی از موسیقی ایرانی- صد مترمربع لوله‌ای در گلو. ۳- اثر رطوبت- گوهر- بعضی‌ها هرلحظه عوض می‌کنند- دوبار زدنش علامت خستگی است- نوعی کشتی ٤- بیماری پوستی ماه‌کوچك- زادگاه رازی- حد فاصل دو کشور ٥ جاسوسه معروفی درزمان جنگ- پادشاهی در بابل قدیم ٦- رنگ- بنیانگذار علم شیمی جدید- مرغزار ۷- عدد خیر- پیش درامد غذا- جزیره‌یی در جنوب هندوستان- لطیف و بدیع- لقبی درانگلستان ۸- بندری در فرانسه و درکنار دریای مدیترانه- سان و مانند- بخشی از کرمان- ۹- حرف شب‌عید- وسیله‌ای برای صید ماهی- طایفه- نوعی موسیقی- ۱۰- معدن- آتش- کوه‌عربی- سعی و کوشش ۱۱- قسمتی ازپا- سلسله تاریخی درقدیم- مطیع- خورشید ۱۲- کارکرد- دشوار- واحد پولی است- ۱۳- پدربزرگ- چاهی درجهنم- اصرار و پافشاری کردن درامری- پاتوی سن گذاشته‌ای که هنرمند نیست- حیوانی دردهان ۱٤- نابرده، گنج میسر نمیشود محصول- حیا- ۱۵- شهری درآذربایجان شرقی- اثری از بالزاك- ۱٦- شهر اعراب- بادمجانش آفت ندارد- ویتامینی است- یاری دادن- ۱۷- غذای بیمار- کوچك- فراوانی- شراب- علامت منفی درزبان عربی ۱۸- امدادکننده- وسیله نقلیه‌ای سریع‌السیر- درگذشته درکوچه‌و بازار مدح علی«ع» را می‌خواند و می‌خرامید- غم- عقیده- ۱۹- پایتخت کشوری درافریقای شرقی- قسمت- خواننده ایرانی در جمع عشاق نامدار.

برندگان مسابقات شماره ۱۸

۱- ضبط‌صوت، اصفهان، آقای فرامرز نهالی ۲- اطو، گرگان، دوشیزه شهناز مدبر ۳- بخاری، تهران، آقای فرهاد فرهنگ ٤- دوربین، تبریز، آقای منوچهر خاکمی ٥- ترموس، تهران، دوشیزه اکرم آزاده ٦- ساعت، مشهد، آقای پرویز هلالی ۷- جعبه ابزار فنی، شیراز، آقای بهمن مهران ۸- رادیو، بابل، دوشیزه مینا باستانی ۹- فلاسك، نهاوند، آقای اردشیر کریمی ۱۰- نوار کاست، کرمانشاه، آقای نادر زاهد.

پاسخ جدول کلمات متقاطع شماره ۱۸

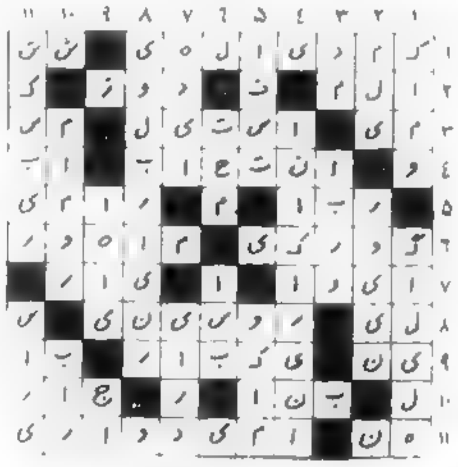

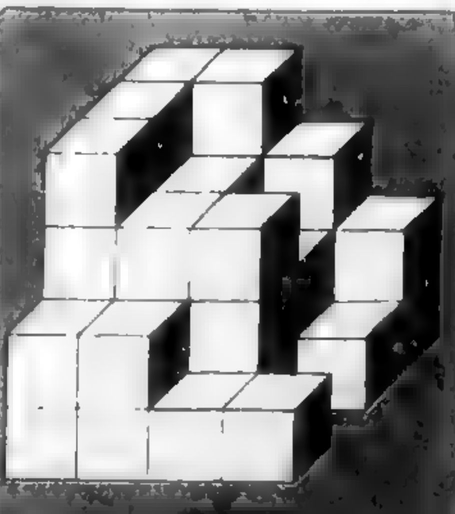

دقت

دراین شکل چند مکعب وجود دارد؟ پاسخ را به دایره جدول، سرگرمی و مسابقه بنویسید و جایزه بگیرید.

۱- ضبط‌صوت ۲- اطو ۳- بخاری ٤- دوربین ٥- ترموس ٦- ساعت ۷- جعبه ابزار فنی ۸- رادیو ۹- فلاسك ۱۰- نوار کاست.

این جوایز بحکم قرعه به ده تن از شرکت کنندگان در مسابقات که پاسخ صحیح بدهند تعلق میگیرد، مشروط براینکه نام، نام خانوادگی، تاریخ تولد، شغل و آدرس دقیق خود را در زیر پاسخ و نام مسابقه و شماره مجله را در بالای پاسخ و روی پاکت قید نمایند.

از ده تا پنج تا

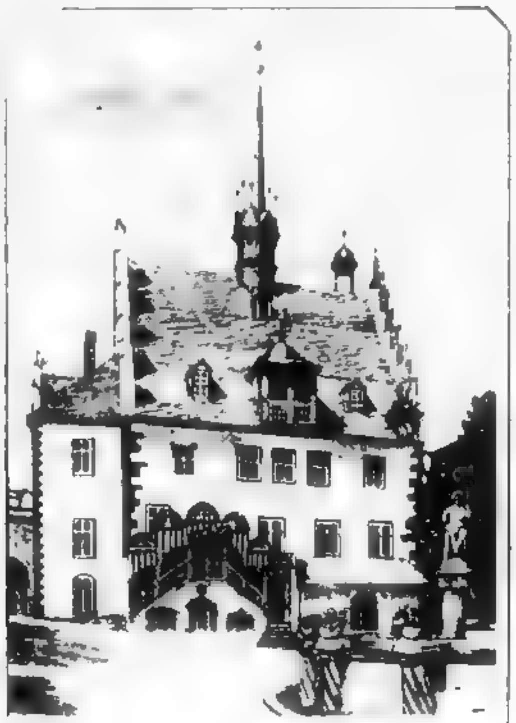

این دو نقاشی که یکی اصل ودیگری بدل آنست در ده مورد با یکدیگر اختلاف دارند. برای شرکت در قرعه‌کشی وبهره‌گیری از جوایز کافی است پنج مورد از اختلافها را به «دایره جدول، سرگرمی ومسابقه» بنویسید وجایزه بگیرید.

... کمی از سینما

درست شناخته‌اید این خانم «ماریاشل» ستاره معروف سینماست واما مسابقه ما.

– یکی از بستگان او که در سینما فعالیتی نظیر اودارد. اسمش چیست؟

۲– یك فیلم نمایش داده شده از او، درایران را نام ببرید.

۳– آیا به ایران سفر کرده است یکی از همسفران او را دراین سفر نام ببرید.

فال

ستارگان درباره حوادثی که در یک ماه آینده در انتظار شماست چه میگویند.

فروردین

چند ملاقات دوستانه و شیرین در پیش دارید. در یك میهمانی با یك شخص بسیار جالب آشنا میشوید که راه موفقیت را تا مقدار زیادی بروی شما میگشاید روزهائی را که در پیش دارید در خانه بخوبی و خوشی بسری خواهید کرد و باتفاق خانواده به یك سفر کوتاه تفریحی میروید

اردیبهشت

از نظر عشقی روزهای بی روح و خشکی در انتظار شماست و اگر ازدواج کرده‌اید، انتظار یك برخورد را داشته باشید و در اینمورد خونسردی خود را حفظ کنید که به نفع شماست از برخوری و هم چنین خوردن غذاهای نا مطمئن پرهیز کنید سه شنبه‌ها برای شما روز خوبی است

خرداد

چند روز پر جوش و خروش را در پیش دارید و برای اینکه سر حوادث شما را بدام خود نیفکند فوق العاده حس احتیاط را رعایت کنید در روزهای بعد سر انجام شانس شما یاری خواهد داد تا ... های ... خود نسبه کند

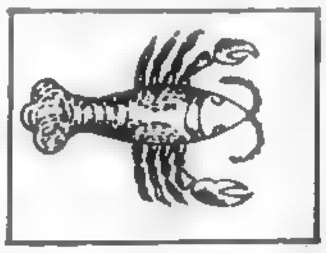

تیر

روزهای آینده در خانه سکوت گذشته برقرار نخواهد بود و برای اینکه غیر از این باشد، باید قدری از تکروی‌های خود بکاهید. برای انجام کار مورد نظر که فکر میکنید وقت آن را فرا رسیده، بهتر است یك هفته دیگر صبر کنید.

مرداد

گاهی در خانه از شما عیب جوئی میکنند و این امر ناراحتتان میسازد، سعی کنید واکنش‌های خود را کنترل کنید، چون اینها خیر و صلاح شما را میخواهند. برای مجردها امکان نامردی در پیش است. بالاخره در این روزها ارزش ایده‌ها و افکار شما معلوم میشود

شهریور

خبر از عزیزی که فرسنگ‌ها دور از شما است، بیش از حد تصور، شما را خوشحال خواهد کرد. برای اینکه با اطرافیان، بخصوص دوستان عزیزتان برخوردهای شدید کمتر داشته باشید، سعی کنید با پزشك متخصص بیماریهای اعصاب تماس بگیرید.

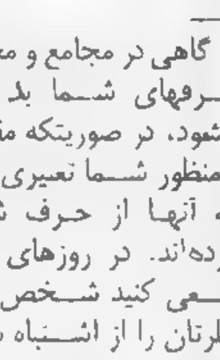

مهر

گاهی در مجامع و محافل حرفهای شما بد تعبیر میشود، در صورتیکه مقصود و منظور شما تعبیری نبوده که آنها از حرف شما کرده‌اند. در روزهای آینده سعی کنید شخص مورد نظرتان را از اشتباه بیرون بیاورید.

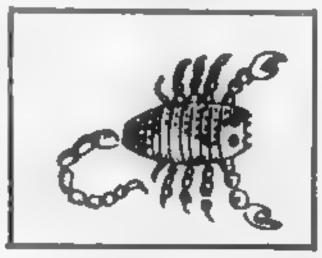

آبان

فقط باید روی شخص خودتان حساب کنید، زیرا دیگران بهتر از شما فکر نمیکنند. مسافرت‌های متعدد در پیش دارید که از آنها نتایج خوبی عاید اطرافیانتان خواهد شد. در میان تنی چند از دوستانتان اختلافات بزرگ و کوچك بروز خواهد کرد

آذر

اعصابتان را آرام کنید. ... خواهید دید که محیط خانواده، خیلی شیرین‌تر از آنست که فکر میکنید و باید توجه داشته باشید که در ... و گرفتاریهای خانوادگی، شما نیز بی تقصیر نیستید برای ... به کسی ... فرصت ندهید

دی

چرا بخاطر اشتباهات خود منتظرید او پیشقدم عذر خواهی بشود؟در روزهای آینده از موقعیت‌هائی که برایتان پیش می‌آید، کمال استفاده را بکنید و نیز مسئولیت جدیدی به شما پیشنهاد میشود که بدون مشورت اقوام و آشنایان آنرا قبول نکنید.

بهمن

سعی کنید استقلال فکری خود را بدست بیاورید، زیرا مسئولیت‌های جدید شما ممکن است روزها را برایتان خسته کننده جلوه بدهند و از یاد نبرید که از چشمان خود نهایت مراقبت را بعمل بیاورید و با کار زیاد سعی به خسته کردن آن نکنید

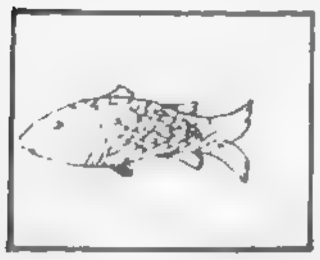

اسفند

نا امیدی عشقی شما را وا میدارد تا تصمیم نهائی خود را بگیرید، تصمیمی که بسیار کودکانه است. در انتخاب دوستان دقت بیشتری بعمل بیاورید، زیرا حسادت یکی از آنها باعث میشود تا از تفریح در تعطیل آخر هفته چشم بپوشید.

کارگاه خنده

بدون شرح

ارتباط ترافیك با آشپزی!

یك زن جوان كه تازه به خانه شوهر رفته بود، صبح زود به مادرش تلفن كرد و از او پرسید:

– مادر، برای آنكه یك تخممرغ نیم‌بند بشود، چه مدت باید آنرا در ابجوش بگذارم؟

مادرش جواب داد:

– آیا از پنجره اتاقت میتوانی چراغ قرمز چهارراه خیابان را ببینی؟

– بله مادر!

– اگر میخواهی تخممرغ نیم‌بند شود، باندازه دو چراغ قرمز و یك چراغ سبز و اگر میخواهی خوب بپزد، سه چراغ قرمز و دو چراغ سبز و یك چراغ زرد در ابجوش بگذار!

بذار این امپول ضدهاری‌رو بهت بزنم!

حساب سرانگشتی

معلم– تو چند سالته؟

شاگرد– والله وقتی مادرم منو زایید ۳۰ سالش بود اما حالا میكه سه ماه داره تا ۲۵ سالش تموم بشه، خودتون حساب كنین...!

مجازات

بچه: بابا «دانوب» كجاست؟

پدر: نمی‌دونم.

بچه– حالا دیدی؟ فردا محض اینكه شما نمیدانی، من باید كتك بخورم....!

از: محمود پرویزی

جواب دندان شكن

پدر: من وقتی هم سن و سال تو بودم، اینقدر وقت و بی وقت سوال نمی‌كردم!

بچه: واسه همینه كه من هرچی می‌پرسم نمی‌تونی جواب بدی!

فرصت‌طلب

خانم فرصت‌طلب به خانمی از اشنایانش تلفن زد و گفت:

دلم خیلی هوای ترا كرده. خواهش می‌كنم شب جمعه بمن و شوهرم افتخار بدهی و با شوهرت بخانه ما بیائی تا شام را با هم باشیم اینرا بگویم كه اگر دعوت مرا نپذیری دلخور میشوم، چون میخواهم یكی از غذاهای مورد علاقه‌ات را تهیه كنم، ولی اینكه میگویند شوهرت بتازگی وزیر شده، راست است؟

نه وزیر نشده، رئیس دفتر او شده!

عجب! پس وزیر نشده؟ مهم نیست، بهرحال اگر شما شب جمعه وقت ندارید بیایید، من و شوهرم می‌ائیم خانه شما یك قهوه با هم میخوریم!

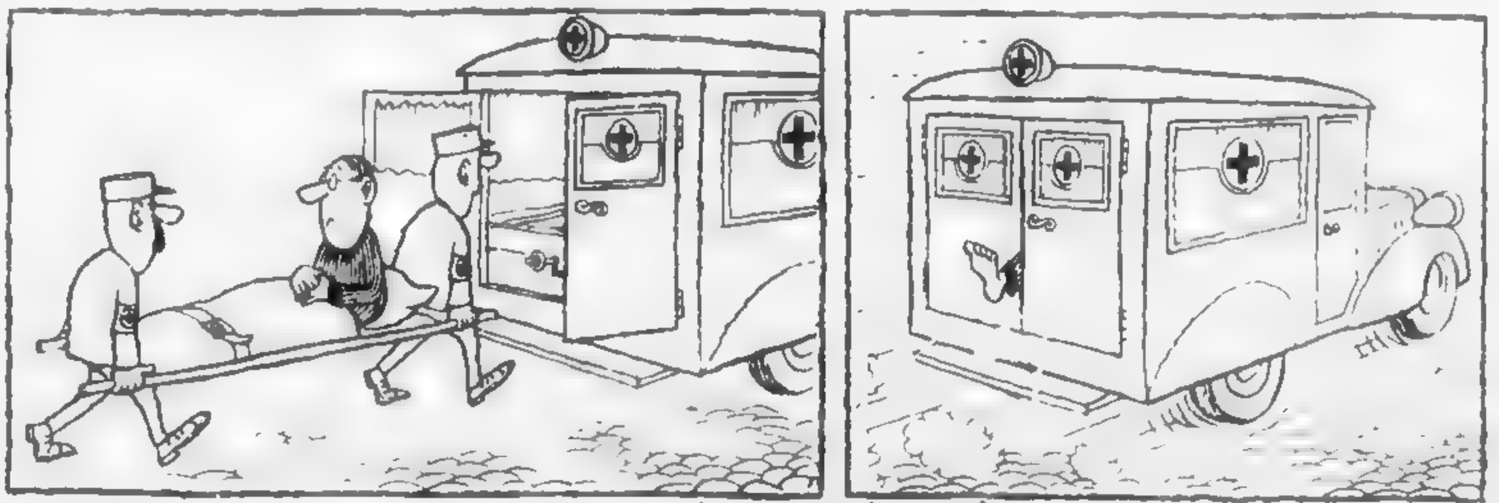

از چپ براست: بدون شرح

سگدست

از مردی كه همیشه سگش را همراه خودش با ماشین به همه جا میبرد، پرسیدند كه علت این كار چیه؟!

درجواب گفت: سگم را واسه این سوار ماشین می‌كنم كه اگه یه وقت تصادفاً سگدست ماشینم شكست، فوراً از دست سگم استفاده كنم!

این اسكاتلندی‌ها

اسكاتلندی وارد گلفروشی شد و به گلفروش گفت:

میخواهم بمناسبت عید برای زنم گل بخرم.

گلفروش گفت:

پنج شاخه گل كافی است؟

اسكاتلندی با حیرت گفت:

چی؟ پنج شاخه؟ نكند شما خیال می‌كنید من پنج زن دارم؟!

صاحبخانه ـ اگر دستم بهت برسه، كرایه چهار برجرو ازت میگیرم!

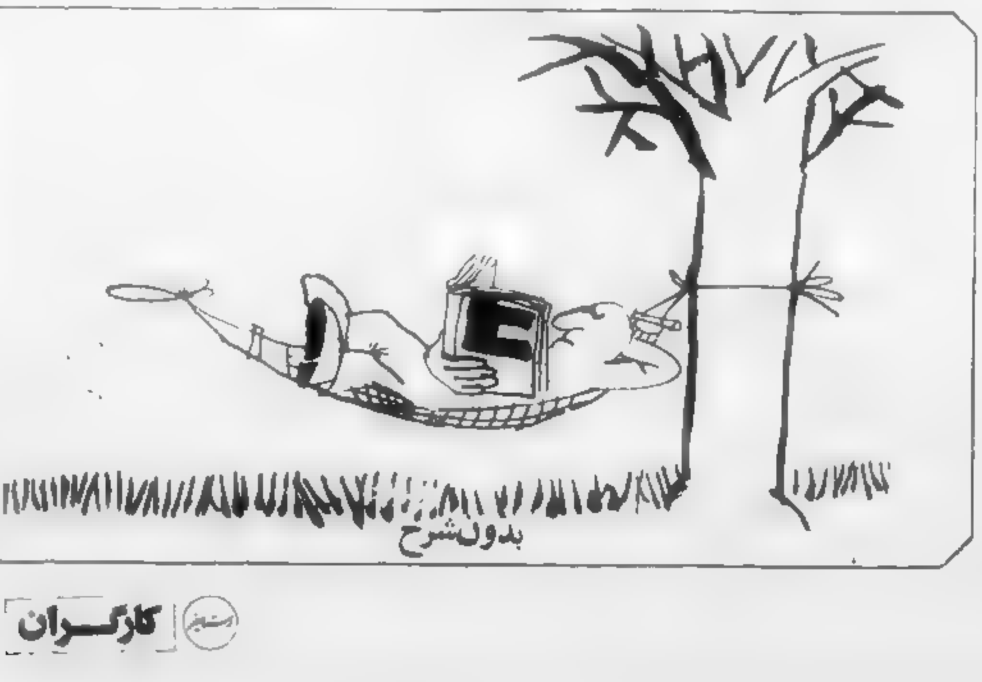

بدون‌شرح

جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی درکارخانه کابل سازی «ایران بایکا» برگزارشد

رئیس هیأت مدیره شرکت گفت:
پیشرفتهای ایران تحت توجهات خردمندانه اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر از همه سوی خصوصا در جهت صنعتی شدن هر روز بیشتر به منصهٔ ظهور میرسد.
نماینده کارگران شرکت:
با طلوع شاهنشاهی پهلوی اقتصاد ایران بطرز اعجاب اوری ترقی کرد وایران وایرانی بعظمت درخور مقام خود رسید.

شاد باش

رشد اقتصادی بی‌سابقه

آقای «گون پرکراس»

آقای محمد رضوی

اظهارات وزیر کار وامور اجتماعی

بقیه در صفحه ۱۰۹

زنان حامله...

داخل رحمی، حداقل به ۴۰- ۵۰ گرم مواد آهکی نیازمند است و مادر باید این مقدار کلسیم را بتدریج همراه غذای روزانه بخورد تا به مصرف استخوان‌بندی جنین برسد و در غیر اینصورت جنینی که برای تشکیلات خود به مواد آهکی نیاز دارد، سعی می‌کند از کلسیم موجود در بدن مادر استفاده کند و مادر بتدریج استخوان‌هایش سست و شکننده و دندانهایش کرم خورده می‌شود. علاوه بر این، موهایش می‌ریزد و روبه ضعف و ناتوانی میرود.

مواد آهکی را بصورت لبنیات و اقسام آن مانند: شیر، پنیر و ماست و سرشیر و یا غلات مثل گندم و جو یا میوه‌هائی مثل گلابی و سیب و امثال آنها میتوان به مادر خورانید و از این راه به تغذیه جنین و رشد او کمك کرد.

اگر زن در دوران حاملگی به بیماری فشار خون و یا ضایعه کلیوی بر اثر حاملگی (اکلامپسی) و یا سایر بیماریها گرفتار نباشد، رعایت رژیم غذای بی‌نمك برایش ضروری نیست و فقط کافی است که با آزمایش ادرار از وضع کلیه‌های خود اطلاع حاصل کند تا در صورت لزوم رژیم مخصوص غذای بی‌نمك بگیرد، ولی در هر حال از بیست روز قبل از زایمان بهتر است رژیم کم نمك را رعایت کند.

مصرف ویتامین‌های مختلف در دوران حاملگی با تجویز پزشك لازم است و مادر باید تا حد امکان به اندازه نیاز روزانه از آنها استفاده کند، زیرا هر یك از آنها در بدن وظیفه‌ای دارند که باید به نحو احسن انجام دهند و بدون آن زندگی مادر و جنین به خطر می‌افتد.

مثلاً کمبود ویتامین «ث» در بدن نه تنها تولید مسمومیت‌های مخصوص و عوارض کم‌خونی مشابه آنرا میکند، بلکه ضعف عمومی و بی‌میلی و گاهی دردهای عضلانی مخصوص ایجاد میکند که بهیچوجه با مزاج ناتوان زن حامله سازگار نیست.

از طرفی مصرف ویتامین «ث» باعث فعالیت اغلب غدد مترشحه داخلی میشود و لذا جنین را از این راه تقویت می‌کند.

مصرف ویتامین «کا» در دوران حاملگی نیز نباید فراموش شود، چرا که اگر بدن به کمبود این ویتامین گرفتار شود، مادر بهنگام زایمان به خونریزی‌های شدید و ناراحت [illegible]

[illegible]

بقیه از صفحه ۲۸

[illegible] به مادر برساند.

آیا میتوان از سست شدن استخوانها یا خرابی دندانها و ریزش مو در دوران حاملگی جلوگیری کرد؟

[illegible]

کارگر موفق

مؤسسه مدرن‌تری را فراهم ورم، بطوریکه آتلیه‌ای که اکنون برپاست، ضمن برخورداری از یك رقم سرمایه بزرگ فرآورده‌های بسیاری را به جامعه مطبوعات ایران عرضه میکند.

کار آما هم باید کار کند!

از جواهری راجع به مدت زمانی که او به یك کارگر ماهر تبدیل شد، سئوال می‌کنم وایکه اصولاً موفقیت‌های بعدی خود را در محیط کار ودر زندگی مرهون چه عواملی میداند؟ وی اظهار میدارد: «حداکثر ۲ تا۳ سال طول کشید تا من به یك کارگر ورزیده وماهر گراور سازی تبدیل شدم بهمین دلیل پس از فراغت از کار در گراور سازی گیتی، بلافاصله جهت کار در مؤسسه اطلاعات فرخوانده شدم. میل ورغبت واقعی که نسبت به حرفه و وظیفه‌ام ابراز میداشتم، سبب میشد که همواره مورد حمایت واعتماد بیش از حد کارفرمایی واقع شوم، بهمین لحاظ از سپردن هرگونه مسئولیتی به من هراسی نداشتند وبالنتیجه بر پشتوانه محکمی تکیه داشتم.»

وی در این زمینه اضافه میکند: «در ابتدای کارم در موسسه اطلاعات، از تخصص و اموخته‌های یك استاد المانی بنام «اهمر» بهره گرفتم و بزودی توانستم نظر وی را نسبت به استعداد خود جلب کنم، بگونه‌ای که بزودی موفق شدم بعنوان دستیار نامبرده وظایفم را انجام دهم و پس از چندی و بعد از مراجعت وی بکشورش مسئولیت نامبرده را بعهده گرفتم.

وی اضافه می‌کند: «عامل دیگری که همیشه برای من ارزنده و ارجمند است همانا ایمان به درستی و راستی است و هیچگاه کار را برای خود سخت تلقی نمیکردم و هرگز از کار نمی‌هراسیدم، بطوریکه در ابتدای کار «گراور سازی» در مؤسسه اطلاعات مسئولیتهای خطیری را پذیرفتم که در حد یك کارگر کهنه‌کار و با تجربه بود و در این میان من حتی برای انجام انها با میل و علاقه روی دستمزدم شرط میبستم و تعهد میسپردم، و به اصطلاح معروف همیشه در کارها به «ریسك» عاقلانه و بی‌باکانه دست میزدم.

در پرسشی دیگر، از جواهری میخواهم با توجه بمدت کارگری خود بطور مقایسه‌ای وضع کارگران دیروز و امروز را مرور کند و ضمن اشاره‌ای به کارگران زیردست خود، بگوید که تاکنون در مورد آموزش این کارگران چه اقدامی انجام داده و اصولاً گذشته از جنبه‌های عمومی، اموخته‌های خود را به چه نحوی در اختیار این کارگران میگذارد....

وی در ابتدای این پاسخ می‌گوید: «درحال حاضر حدود ۱۰ نفر کارگر در مؤسسه من مشغول کار هستند که این تعداد در گذشته ۳۰ نفر بود، ولی بدلیل ماشینی شدن کارها، تعداد انها تقلیل یافت که البته با توسعه محیط کار این عده تا ۲۰ نفر نیز قابل افزایش است.

این کارگران یا با داشتن مهارت وارد کار

بقیه از صفحه ۵۹

شده‌اند و یا طی اموزشهای عمومی در این مؤسسه به کارگران ماهر تبدیل شده‌اند. اما علاوه بر تسهیلات جمعی و اموزشهای همگانی که تاکنون در اختیار کارگران خود گذارده‌ام، سعی شده است تا از طریق تبادل نظر دوستانه و همفکری فردی با یکایك انها، روش موفقیت‌امیزی را که خود داشته‌ام برای آنها تشریح کنم. بدین جهت اکثر اوقات با تشریح، سرگذشت کارگری خود، کوشش کرده‌ام انها را نیز نسبت به سیاستی که همیشه در زندگی برگزیده‌ام، سوق دهم.»

جواهری نظر خود را در مورد مقایسه وضع کارگران گذشته و حال چنین می‌گوید: «این موضوع از دو جنبه قابل بررسی است، یکی وضع شخصی و فردی کارگران و دیگر اوضاع اجتماعی انها. انچه که مربوط به وضع شخصی کارگران مرور میشود، باید گفت شاید عده زیادی از کارگران دیروز بیشتر از کارگران امروز احساس مسئولیت میکردند. فی‌المثل یك کارگر قدیمی اگر حرفه‌ای را می‌اموخت، سعی او بر توسعه و گسترش ان بود و نیز اگر در مدی متوسط د شت، تلاش او بر افزایش ن استوار بود

خودم، اگر دستمزدی برابر با ۵ تا ۱۰ هزار تومان میگرفتم، هرگز حاضر نمیشدم ماحصل زحمت و تلاش روزانه خود را در راه ناصحیح نابود کنم. سعی ما همیشه بر این بود که از درامد خود مقدار زیادی را بعنوان پشتوانه فردا ذخیره و پس‌انداز کنیم. ولی الان من کارگرانی را میبینم که مثلاً ماهیانه ۳ هزار تومان حقوق میگیرند و هیچگونه تعهد و تاهلی هم ندارند، ولی همیشه با کسری حقوق روبرو میشوند.

وی ضمن برشمردن مشکلات فراوانی که در حرفه خود در گذشته شاهد ان بوده است (از جمله نبودن برق، اب، وسایل مدرن الکتریکی و دیگر شرایط مناسب) می‌گوید: «کارگران امروز بطور صد در صد از رفاه گسترده همه جانبه‌ای برخوردار هستند، و این می‌تواند به انها احساس رضایت ببخشد.»

جواهری در پاسخ این پرسش که اگر کارگران امروز همان استعداد شما را داشته و همان روش شما را دنبال کنند، آیا به همین موفقیت خواهند رسید، می‌گوید: «بله، صد در صد و به بهترین وجهی میتوانند به پیروزیهای بزرگتری برسند. بدلیل انکه سطح فکر برتر کارگران امروز و نیز، امکانات و وسایل اموزشی مدرن وجود دارد، از جمله بهترین عوامل پیروزی محسوب میشود، بویژه انکه کارگران امروز میتوانند به اتفاق سرمایه‌گذاری کنند و بنیان شرکتهای صنعتی و اقتصادی عظیمی را در کشور بنا گذارند. علاوه بر این‌ها، باید گفت کارگران گذشته نسبت به یکدیگر چندان اعتمادی نداشتند

ولی کارگران امروز با صمیمیت، دوستی و تفاهم کاملی درکنار هم کار میکنند. بنابراین خواهند توانست باهم سلوك و مشارکت داشته باشند.

پاسخ‌های قضائی

زیرا حقیقتاً به مغازه مزبور احتیاج دارم.
تهران- شادالله رجبی

کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی

کارگر عزیز- قبل از هر چیز لازمست باطلاع شما برسانم که بدون مجوز قانونی نمیتوانید مغازه‌ای را که در اجاره غیر است اگرچه ملك شما باشد تصرف نمائید. اما در اجاره نامه‌های رسمی معمولا قید میشود که

بقیه از صفحه ۹۰

مستاجر حق انتقال مورد اجاره خود را کلاً یا جزئاً بدیگری ندارد چون اشاره نمودهاید که اجاره نامه مستاجر اول رسمی بوده است و قید مورد بالا باحتمال قریب بیقین در آن شده است شما میتوانید با اثبات اینکه مستاجر مورد اجاره را بدیگری انتقال داده حسب شق یك ماده هشت قانون روابط مالك و مستاجر از دادگاه محترم بخش تهران تقاضای تخلیه مغازه را بنمائید.

در عصر پهلوی باید راهی برگزینیم که منافع ملی ما را تامین کند

امروز درحالی آئین بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان بزرگ پهلوی را جشن میگیریم که نهال بارور شده انقلاب شاه و ملت عصر تازه‌ای در زندگی ملت ایران گشوده است.

● اصول ۱۷ گانه انقلاب شاه وملت تحت رهبریهای خردمندانه شاهنشاه آریامهر ملت ایران را در شئون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به پیش برده است.

پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران

اکنون که مدیران، کارمندان وکارگران شرکت سهامی شیشه وگاز پنجاه سال شاهنشاهی پرافتخار وغرورامیز خاندان پهلوی را با مسرت جشن گرفته‌اند چاکر به نمایندگی از طرف همه کارکنان این واحد تولیدی مراتب حق شناسی وسپاس خود را از رهبریهای داهیانه ومواهبی که در پرتو انقلاب شاه وملت نصیب ملت ایران گردیده است به پیشگاه شهریار دادگستر تقدیم ودوام سلطنت اعلیحضرت همایون وسعادت وسلامت شهبانوی گرامی و والاحضرت همایون ولایتعهد را از درگاه ایزد یکتا مسئلت میمایم.

از طرف اعضای کمیته برگزاری جشنهای پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی نماینده تام‌الاختیار کارفرما جان نثار – آوانس ایوازیان

«امرور در سایه پنجاه سال شاهنشاهی خاندان پهلوی کشور باستانی ما چهره دیگری بخود گرفته و گامهای بلند و استوار بسوی برابری با کشورهای بزرگ و مرفی جهان برداشته است تا بدوران تمدن بزرگ که شاهنشاه اریامهر رهبر اندیشمند ملت ایران رسیدن بان را نوید داده‌اند برسد

[illegible]

حشن نمونه

[illegible] پهلوی [illegible] ۱۱ [illegible] در محل کارخانه شیشه و گاز برگزار شد میتوان یکی از بهترین و مجلل‌ترین جشنهائی دانست که در این سال پربرکت و شادی‌بخش تا کنون برگزار شده [illegible]

[illegible] ۷۵ [illegible]

این همه اوازه‌ها از شه بود

[illegible]

[illegible] کشور متعلق به همه [illegible] و استقلال کشور [illegible]

[illegible] دیگری [illegible] که از هر جهت حاکم بر سرنوشت خویش باشیم، اقتصاد مملکت را توسعه دهیم، و در هر مورد راهی را برگزینیم که مصالح ملی ما را بهتر و بیشتر تامین کند

وحدت ملی ما تحت تاثیر هیچ عاملی قرار نخواهد گرفت و تمامی ملت ایران متفقا حافظ و نگهبان مرز و بوم این کشورند

در ایران امروز، فرصت برای اتلاف وقت باقی نمانده و پیشرفت افراد جامعه منوط به تلاش و کار و کوشش و شایستگی انهاست

بدون هیچ شك و تردیدی میتوان گفت پیروزیهای ملت ایران در این پنجاه سال اخیر تحت رهبری خردمندانه و شجاعت و شهامت و از خودگذشتگی بنیان‌گذار ایران نو، پهلوی اول اعلیحضرت رضا شاه کبیر، و فرزند برومندشان پهلوی دوم اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر، چنان بیشمار و مشهود است که هر کدام از ما از هر طبقه و صنفی میتوانیم تاثیر عمیق این موفقیتها را در زندگی شخصی و اجتماعی خود مشاهده کنیم. با برگشت به گذشته‌های نزدیك در تاریخ کشورمان کاملا میتوانیم بر کامیابیها و پیشرفتهای چشمگیر عصر پهلوی گواهی دهیم. پدران و مادران ما دوران قبل از اغاز سلطنت غرورافرین رضاشاه کبیر را در این کشور خوب بخاطر دارند و میدانند که چگونه این ملت بزرگ

بقیه درصفحه ۱۰۹

فعالیتهای حزب در فرصت ما...

●از سوی حزب دستورالعمل اجرائی ائین نامه برگزاری انتخابات کنگره بزرگ حزب به مسئولان حزبی در سراسر کشور ابلاغ شد

●در تهران برای ۳۰ کرسی انجمن شهر ۷۳۵ نفر و برای ۳ کرسی شورای منطقه‌ای اموزش و پرورش ۳٦٥ نفر داوطلب شده‌اند

●به دستور اقای امیرعباس هوید نخست وزیر و دبیر کل حزب کلیه مسئولان حزبی در تهران و سراسر کشور موظف شدند برای آزادی انتخابات کنگره و جلوگیری از دخالت افراد کوشش لازم را بعمل اورند

●مشکلات کشاورزان استان ساحلی در حزب بررسی شد.

●قائم مقام دبیر کل حزب در اجتماع مردم گرمسار چگونگی برگزاری کنگره و انتخابات انجمنهای ملی را تشریح کرد

●نمایندگان ٥/٥ میلیون نفر از اعضاء کانونها در کنگره بزرگ حزب شرکت می‌کند

●کنگره بزرگ حزب در روزهای پنجم و ششم آبانماه تشکیل میشود

●برای نظارت بر امور درمانی و دارائی ۸ کمیته در حزب تشکیل شد

●مشارکت بیشتر دانشجویان و دانشگاهیان در فعالیتهای حزبی بررسی شد

●فعالیت حزبی و سیاسی کارگران افزایش مییابد.

●٤۸ نفر از ناظران حزب برای فراهم اوردن مقدمات تشکیل کمیته‌های مرکزی و نظارت بر انتخابات مرحله اول کنگره حزب به سراسر کشور اعزام شدند.

●تعداد کانونهای حزبی پایتخت به بیش از ۳٦۰۰ واحد رسید

●برای بررسی مسائل عمرانی و نیازهای مناطق مختلف کشور ۸ گروه ویژه در امور نظارت و ارزشیابی حزب تشکیل شد

●۵۵۰۰ نفر اعضاء کمیته‌های تشکیلاتی و ناظران حزب در ۱۱۰۰ منطقه جغرافیائی کشور انتخاب شدند

●شوراهای حزبی بعد از کنگره حزب تشکیل می‌شود

●برنامه اموزش سیاسی ۷ میلیون دانش اموز در حزب تهیه شد.

●در نخستین روز گشایش دفاتر ثبت نام و صدور کارت الکترال بیش از ۱۱ هزار نفر در سراسر کشور برگ انتخابات دریافت کردند و رقم ثبت نام کنندگان تهرانی در اولین روز کار دفاتر ثبت نام از مرز ۲ هزار نفر گذشت.

●ستاد انتخاباتی سازمان کارگران ایران با شرکت نمایندگان کارگران در مجلس شورایملی و نمایندگان شعب سازمان کارگران ایران و اعضای هیات مدیره سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری در محل سازمان کارگران ایران تشکیل شد.

●چهارمین دوره کلاس آموزش سیاسی حزب در تهران با شرکت گروهی از نمایندگان مجلس و گروههای مردم تشکیل شد

●قائم مقام دبیر کل حزب در یك اجتماع انتخاباتی اعلام کرد حزب به هیچ وجه اجازه نخواهد داد در انتخابات انجمنهای ملی اعمال نفوذ و دسته بندی شود و با این کار بشدت مبارزه خواهد شد.

●قائم مقام دبیر کل حزب اعلام کرد ٥ میلیون نفر اعضاء حزب آموزش سیاسی می‌بینند.

●نمایندگان ۳۰ هزار کانون برای انتخابات کنگره حزب تعیین شدند.

●اصناف پایتخت برای شرکت فعالانه در انتخابات انجمن‌های شهر و شهرستان و شورای اموزش و پرورش منطقه‌ای ۳۰ ستاد موضعی در ۳۰ منطقه تهران تشکیل دادند

●۱۲ اجتماع انتخاباتی در مناطق حزبی تهران تشکیل شد.

●اولین مرحله انتخابات کنگره پایان گرفت و ٤۰۰ هزار نفر بعنوان نمایندگان کانونهای حزبی تعیین شدند.

●مرحله دوم انتخابات کنگره روز دهم مهرماه در دوهزار نقطه جغرافیائی کشور انجام شد و ٥ هزارودویست عضو کانونها انتخاب شدند.

●مرامنامه، اساسنامه و گزارش دبیر کل حزب از فعالیت یکسال و نیم حزب برای اظهار نظر کانونهای سراسر کشور فرستاده میشود

هیاتهای حزبی برای نظارت برانتخابات کنگره به شهرستانها رفتند

٤۸ نفر از ناظران حزب برای فراهم‌آوردن مقدامات تشکیل کمیته‌های مرکزی و نظارت برانتخابات مرحله اول حزب به سراسر کشور اعزام شدند.

این گروه پیش از عزیمت در جلسه‌ای با شرکت فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیرکل و وزیر مشاور با نحوه اجرای آئین‌نامه برگزاری کنگره که به تصویب هیات اجرائی حزب رسیده است آشنا شدند و دستورالعمل اجرائی حزب در این زمینه برای آنان تشریح شد.

ناظران حزب در هیأتهای دونفری در بخشها و شهرستانهای مختلف کشور ضمن فراهم‌آوردن مقدمات تشکیل کمیته‌های مرکزی درهربخش و شهر دونفر را بعنوان نمایندگان و مسئولان حزب انتخاب میکنند تا برانتخابات مرحله اول و دوم کنگره نظارت کنند.

درجلسه توجیهی که برای این ناظران تشکیل شد، فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیرکل حزب ضمن تشریح اهمیت کنگره بزرگ حزب و وظایف مهم ناظران حزبی گفت:

«زمان برای انتخابات کنگره بسیار کم است و این کار باید ظرف یك ماه انجامشود، یعنی باید ٥ میلیون نفر رای بدهند تا ٥ هزار نفر به تهران بیایند و درکنگره شرکت جویند و شما افرادی هستید که باید با دقت کامل این انتخابات را بنحو شایسته انجام دهید.»

رستاخیز کارگران:

مرحله اول انتخابات کنگره از روز شنبه ۱۳ شهریور آغاز شد و پس از مهلت تعیین شده ٥ میلیون نفر اعضای کانونها نمایندگان خود را معرفی کردند و انتخابات مرحله دوم نیز ۱۰ مهرماه برگزار شد که طی آن کمی بیش از ٥ هزارنفر از نمایندگان کانونها برای شرکت درکنگره برگزیده شدند. این عده پس از شرکت در مراسم چهارم آبان ولادت فرخنده شاهنشاه اریامهر و ششم آبان ماه در جلسات کنگره شرکت خواهند جست.

یکی از کارگران عضو کانون مقداری از خون خود را اهدا می‌کند.

اعضای یك کانون کارگری کرج مقداری از خون خود را اهدا کردند.

اعضای یك کانون حزبی در شهرستان کرج در یك امر مهم و انسانی شرکت کردند و داوطلبانه مقداری از خون خود را اهدا نمودند.

آقای رحیمی رئیس این کانون در مورد این عمل انسانی اعضای کانون گفت: سازمان ملی انتقال خون وظیفه و هدفی انسانی و اخلاقی دارد و کوشش آن در جهت خدمت به تمام هموطنان عزیز در مواقع بحرانی و خطرناك میباشد. بنابراین هرکس با اهدای مقداری از خون خود به این سازمان میتواند منشاء خدمت موثری باشد.

وی در ادامه سخنان خود اضافه کرد: اعضای کانون حزبی کارخانجات کف با مراجعات مکرر تقاضای اهدا خون داشتند. بنابراین ضمن تماس با این سازمان موجبات این کار فراهم شد و کارگران براحتی و سادگی توانستند در این امر مهم و انسانی شرکت جویند. اقای رحیمی افزود: عمل انسانی اعضای کانون مذکور میتواند سر مشقی برای دیگر کانون‌ها باشد تا در این امر خطیر و انسانی کوشش کنند.

سازمان کارگران ایران برای باسواد کردن کارگران بیسواد و خانواده آنها در سراسر کشور کلاس سوادآموزی دائر میکند.

سازمان کارگران ایران اعلام کرد: در اجرای او امر شاهنشاه اریامهر برای باسواد کردن کارگران و خانواده‌های انان این سازمان به کلیه شعب پنجاه‌گانه خود در سراسر کشور دستور داده که نسبت به تشکیل کلاس با سواد کردن کارگران در محل شعبات سازمان اقدام کنند

ـن کلاسها صبحها برای خانواده کارگران و بعد از ظهرها برای کارگران و اعضای سندیکاها تشکیل خواهد شد. در این خبر همچنین اضافه شده از این پس اعضای هیات مدیره سندیکاهای کارگری و نمایندگان اصلی و علی‌البدل کارگران به شرطی به این عنوان انتخاب خواهند شد که حداقل دارای گواهی‌نامه تحصیلات. پیکار با بیسوادی باشند. ضمنا علاوه بر شعب سازمان کارگران در کلیه سندیکاهای کارگری وابسته به و شعبه کلاس با سواد کردن کارگران تاسیس میشود و کارگران عضو سندیکا که بیسواد هستند در این کلاسها به تحصیل مشغول خواهند شد و برای تدریس از وجود همکاران آنها چه در شعب سازمان و چه در سندیکاها که حداقل دارای تحصیلات سوم متوسطه باشند استفاده میشود.

٤۱۹ واحد مسکونی شهرك کارگری شوش طی مراسمی به انان تحویل داده شد. شهرك کارگری شوش در شهر درفول از طرف شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه ساخته شده و دارای ۱۲۰۰ واحد مسکونی ۲ و ۳ اتاقه میباشد.

این شهرك در زمینی بمساحت ٥۰ هکتار ساخته شده و دارای تمام تاسیسات شهری است

در جلسه کمیته مسائل نظری حزب گفته شد:

آموزش سیاسی با برنامه صحیح در سطح کشور باید [illegible]

شصت و ششمین جلسه کمیته مسائل نظری حزب با بحث و بررسی در زمینه گسترش اموزش سیاسی تشکیل شد

این جلسه که بریاست مصطفی لواسانی و شرکت گروهی از استادان دانشگاه، قضات دانشجویان و نمایندگان مجلس شورای ملی و سایر طبقات ترتیب یافته بود دستور جلسه ان با ادامه بحث در باره آموزش سیاسی اختصاص یافت

در این جلسه دکتر محی‌الدین نبوی گفت: «هدف آموزش سیاسی، آموزش مسائل نظری نیست تا معلومات مجردی را بعده ی بیاموزد، بلکه هدف از آموزش سیاسی تقویت وحدت ملی و مؤمن کردن مردم به ارزشها و نهادهای سیاسی سیستم اداره مملکت است تا مردم با این اگاهی ایمان بیشتری به همبستگی ملی بدست اورند.»

سپس دکتر رضا علومی در این زمینه به بحث پرداخت و گفت آموزش سیاسی به معنی عام وظایفی دارد. در معنی خاص کلمه ۱۲۵ موضوع میتواند اغاز اموزش سیاسی در باره فلسفه شاهنشاهی ایران- قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت در مقایسه انقلاب ایران با انقلابات جهان باشد

آموزش بمعنی عام باتوجه به برنامه علمی و استدلالی و منطقی قلمرو وسیعی در کانونهای حزبی و حتی کشتزارها و کارگاهها و کارخانه‌ها و دیگر مجامع دارد و برای آن برنامه صحیح لازم است

درجلسه کمیته مسائل نظری که در تالار اجتماعات روابط عمومی حزب برپا شده بود، زهره بیرجندی، حمید بهرادی، شاکری، خاکسار، جهانهری، خوشیاران و خطیب سخنرانان پیش از جلسه بودند که هر کدام مطالبی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اموزش سیاسی و امور تربیتی بیان داشتند

درجلسه‌ای با شرکت فریدون مهدوی:

برنامه برگزاری کنگره بزرگ حزب اصلاح شد

ستاد حزبی برگزاری کنگره بزرگ حزب برای انجام اخرین بررسیها درمورد تشکیل این کنگره در روز چهارشنبه۷مهرماه تشکیل جلسه داد

دراین جلسه که با شرکت فریدون مهدوی قائم‌مقام دبیرکل حزب و رؤسای کمیته‌های هفتگانه برگزاری کنگره تشکیل شده بود، برنامه کار کمیته‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با پیشنهادهای جدیدی که درمورد نحوه فعالیت هریك از کمیته‌ها مطرح شد، اصلاحاتی در برنامه برگزاری کنگره انجام گرفت

کمیته‌های هفتگانه برگزار کننده کنگره که برای برنامه‌ریزی درمورد تشکیل کنگره بزرگ حزب ترتیب یافته، زیرنظر یك کمیسیون عالی هماهنگ‌کننده فعالیت میکند

لازم بیادآوری است که هریك از کمیته‌ها درتشکیل کنگره وظیفه خاصی را بعهده دارند و با توجه به تعداد شرکت‌کنندگان درکنگره و برنامه‌هائی که در دستور کارکنگره قرار دارد، برنامه خود را تهیه و ارائه خواهند داد

ستاد انتخاباتی کارگران تشکیل شد

ستاد انتخاباتی سازمان کارگران با شرکت نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی و نمایندگان شعب سازمان کارگران ایران و اعضای هیات مدیره سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری در محل سازمان کارگران ایران تشکیل شد.

رئیس سازمان کارگران ایران ضمن اعلام این خبر گفت: با انتشار لیست نامزدهای انتخابات از جانب حزب رستاخیز ملت ایران در انجمن‌های ملی چون گروه کثیری از نمایندگان کارگران در تهران و شهرستانها کاندیدای عضویت در انجمن‌ها شده‌اند از طرفی وظیفه ملی و اجتماعی کارگران ایجاب میکند که با حداکثر توانائی و قدرت در انتخابات شرکت نمایند، لذا برای اینکه یك هماهنگی کامل در شعب سازمان کارگران ایران و همچنین در سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری بوجود اید و تمام کارگران و خانواده انان بتوانند از حق قانونی مبنی بر انتخاب کردن و انتخاب شدن استفاده کنند و همچنین برای پیروزی کاندیداها فعالیت داشته باشند مقدمات برپائی ستاد مرکزی انتخابات در سازمان کارگران تشکیل شد. در این ستاد نمایندگان کارگران در مجلس شورای ملی و همچنین نمایندگان شعب سازمان کارگران و نمایندگان اعضای هیات مدیره سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری شرکت دارند.

رئیس سازمان کارگران اضافه کرد: در این ستاد تصمیم گرفته شد که در کلیه شعب پنجاهگانه سازمان کارگران در سراسر کشور یك ستاد فرعی انتخابات تشکیل شود و یك گروه ۷ نفری در این ستادها مشغول کار شده و در تمام مدت شبانه روز مرتباً یکنفر در ستاد مذکور مشغول کار خواهد بود و در آخر وقت گزارش کار خود را به تهران و ستاد مرکزی انتخابات ارسال میدارد و همچنین ستادهای فرعی دیگری در سندیکاهای کارگری و کارگاهها و بخصوص محلهای کارگر نشین برای فعالیت در این مورد تشکیل شد.

دراجرای اوامر شاهنشاه

طرح ویژه تامین مسکن درحزب تهیه شد

در اجرای اوامر شاهنشاه اریامهر برای تامین مسکن گروه‌های مختلف مردم گزارش ویژه‌ای که با همکاری گروهی از صاحبنظران و متخصصان تهیه شده در هیات اجرائی حزب بررسی میشود

اعلام شد که کمیته تخصصی هیات اجرائی موقت حزب جلساتی برای بررسی گزارش مسکن تشکیل خواهد داد و با مطالعه این گزارش در زمینه ایجاد واحدهای مسکونی برای گروههای مختلف مردم طرح ویژه‌ای ارائه خواهد کرد

کمیته تخصصی هیات اجرائی حزب همچنین از جاجها خواسته است با همکاری متخصصان و کارشناسانی که وابسته به جاجها هستند، موضوع مسکن را مورد بررسی قرار دهند و نظریات خود را در این زمینه به کمیته تخصصی هیات اجرائی ارائه کنند، تا این کمیته با بررسی کلیه نظریات و وضع موجود در مورد تامین مسکن طرح نهائی خود را تهیه و اعلام دارد.

وزیر کار و امور اجتماعی:

وزارت کار مدیران خاطی و خلافکار را بدست عدالت میسپارد

از نظر اخلاق جامعه

جامعه کارگری ما

سالم و قابل اطمینان است

[illegible] در تعاونیها افراد ناشایست از اعتماد کارگران سوء استفاده کنند

سومین سمینار آموزش تعاونی مدیران شرکتهای تعاونی مصرف کارگران ایران بامداد روز یکشنبه یازدهم مهرماه با سخنان امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی و با شرکت جمعی از مدیران کل وزارتخانه و نمایندگان شرکتهای تعاونی مصرف کارگری سراسر کشور در سالن سینمای بهمن وزارت کار و امور اجتماعی گشایش یافت.

وزیر کار و امور اجتماعی در آغاز سخنان خود ضمن ابراز خوشوقتی از زمان برگزاری سمینار آموزش تعاون که مقارن با جشنهای شکوهمند پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی است، اظهار داشت: «اکنون در عصری زندگی میکنیم که به برکت انقلاب شاه و ملت و با اجرای برنامه‌ی اصولی که محتوای این انقلاب را تشکیل میدهد، تحولات اساسی درکلیه شئون اجتماعی و اقتصادی کشور بوجود آمده است. از جمله برنامه‌هائی که بعنوان یکی از ارکان توسعه ملی در دوران رستاخیز بشمار آمده تعمیم نهضت تعاون میباشد.»

وزیر کار و امور اجتماعی در دنباله سخنان خود خاطرنشان ساخت که تعاونیها در تحقق اصل چهاردهم انقلاب «همگانی کردن آموزش» [illegible] دموکراسی هستند [illegible] سوی دیگر کارگران که به عضویت تعاونیها میپیوندند [illegible] موقعیتهای اقتصادی و اجتماعی [illegible] معقول برای زندگی خود پیدا میکنند که [illegible] بهبود [illegible] و [illegible] بهبود آفرینش کمی و کیفی سطح تولید خواهد بود.

وزیر کار و امور اجتماعی سپس تاکید کرد: یکی از هدفهایی که جنبش تعاونی ایران دنبال میکند تامین کالاهای ضروری کارگران کارگاهها است که باید بصورت مطلوب و قیمت عادلانه تهیه و عرضه شود و بحث شما دراین سمینار آموزشی مربوط و معطوف به این موضوع است که چطور و به چه شکل برای رسیدن به هدفی که گفته شد قدم بردارید و کوتاه‌ترین راه را انتخاب کنید.

وزیر کار و امور اجتماعی آنگاه نظرات خود را در باره گزارش‌های مختلف مسئولان امور تعاونی وزارت کار و امور اجتماعی چنین بیان کرد:

در گزارشی از فعالیت اتحادیه امکان دیده میشود که اتحادیه درسال گذشته مجموعا مبلغ ۸/۶۱۷/۶۴۲ ۱/۷ ریال با شرکتهای عضو خود دادو ستد داشته که این رقم با توجه به رقم ۳/۶۷۱/۹۰۴/۸۸۸ ریال کل معاملات اتحادیه از سال تاسیس تا پایان سال گذشته نمایانگر فعالیت قابل توجه کلیه شرکتهای تعاونی عضو اتحادیه در سال گذشته بوده است.

همچنین مقایسه متوسط معاملات انجام شده یك شرکت تعاونی عضو درسال ۲۵۳۱ که مبلغ ۱/۶۹۴/۷۵۶/ ریال بوده است، متوسط معاملات همان شرکت درسال ۲۵۳۴ به مبلغ ۳/۷۸۸/۵۰۹/ ریال نشان می‌دهد که این شرکت تعاونی مصرف عضو درسال گذشته بیش از دوبرابر از امکانات و اقدامات اتحادیه بهره گرفته است. معذالك باتوجه به دیگر مطالب و گزارشات و نامه‌های رسیده تاکید میشود که اتحادیه در زمینه تهیه و تدارك و خرید مایحتاج ضروری کارگران اعم از خواروبار و لوازم خانگی و پوشاك و نظائر آن باید کوشش بیشتری مبذول دارد. در مورد آموزش تعاونی باید گفته شود در چند سال اخیر با اینکه آموزش خیلی بیشتر از سالهای مشابه صورت گرفته ولی هنوز کافی نبوده و باید مستمراً در تمام سطوح انجام گیرد. نقص تعاونیها فقط کمی سرمایه و یا کمبود منابع تهیه مواد مصرفی و یا مشکلات توزیع نیست، بلکه مشکل بزرگ آنها عدم آشنائی به نحوه استفاده از سرمایه و نداشتن آشنائی لازم به چگونگی ارتباط با بازار تولید و نداشتن سرمایه تداركاتی است که فقط از طریق آموزش تعاونی میتوان این کمبودهای اطلاعاتی را از بین برد.

وزیر کار و امور اجتماعی سپس ضمن تمجید از نحوه کار چند شرکت تعاونی موفق گفت: از اینکه بعضی از مدیران باوجود داشتن سرمایه و امکانات لازم در انتظار کمك کارفرمایان یا دولت به نوبت می‌نشینند، دلیل عدم توجه بوظائفی است که بعهده گرفته‌اند و بی‌اطلاعی از کاری است که انجام آنرا تقبل کرده‌اند. سازمانهای ذیربط باید آنها را متوجه مسئولیت‌های خود بکنند ومسئولین ومدیران تعاونی نیز باید از طریق آموزشهای توجیهی یا موردی وحتی تخصصی خود را آماده خدمت بیشتر نمایند. بهمین جهت تاکید میکنم که آموزش تا [illegible] ودر اموری حتی به اعضاء تعاونیها تعمیم داده شود. بارها تاکید شده است که شرکتهای تعاونی مصرف نباید در فکر سودجوئی وبهره دهی در حد یك کارگاه تولیدی ویا مؤسسه بازرگانی باشند، بهترین خدمت به اعضاء تهیه جنس مرغوب وسالم با قیمت عادلانه است، نه سوددهی پایان سال.»

آقای امیرقاسم معینی وزیرکار وامور اجتماعی در پایان سخنان خود تاکید کرد که

همانطور که وزارت کار وامور اجتماعی همیشه شرکتهای تعاونی بخصوص تعاونیهای مصرف را حمایت وتقویت میکند، بهمان نسبت هم مدیران خاطی وخلافکار را از بین مدیران سالم وخوب بیرون میکشد وبدست عدالت میسپارد تا آنها که با صداقت و صمیمیت کار میکنند با خاطری آسوده بخدمت خود [illegible] کار بپردازند.

جامعه کارگری ما از نظر اخلاق جامعه سالم وقابل اطمینان است ونباید بگذاریم در تعاونیها عده‌ای از افراد [illegible] از اعتماد سوء استفاده کنند.

[illegible] معتقد شد که خیلی زود اتحادیه امکان که اکثر شرکتهای تعاونی مصرف کارگران در آن عضویت دارند وسرمایه قابل توجهی درآن بکار گرفته شده است بتواند با هماهنگ نمودن فعالیتها وتمرکز قوای مالی و اقتصادی براساس اصول تعاون بکلیه خواسته‌های کارگران عضو جامه عمل بپوشاند، امیدوارم تعاونیهای مصرف بخصوص اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف کارگران ایران با تحکیم وتقویت رابطه بازرگانی با شرکتها واتحادیه‌های تعاونی روستائی وشرکتهای سهامی زراعی و واحدهای کشت وصنعت وموسسات تولیدی صنعتی و [illegible] تعاونیهای [illegible] جمعی [illegible] اقتصادی مملکت [illegible] و [illegible] بیرومند بوجود آورد.

شاهنشاه آریامهر [illegible] مسئولان اجرائی مملکتی فرمودند

«از مظاهر [illegible] است که هر مملکت [illegible] رسمی افراطی، چه [illegible] و بالاخره باید روابط بین [illegible] اجتماعی خود را بوسیله ایجاد تعاونیهای گوناگون [illegible] تعاونی صلا درخود کلمه [illegible] زندگی هرفرد در هر رشته اجتماعی ودر هرکاری که انجام میدهد [illegible] تعاون به زندگی [illegible] پیدا میکند [illegible] الهام از این فرمایشات [illegible] نمایندگی تعاونیهای کارگری مسیر هرچه بیشتر نهضت تعاون در جامعه کارگری باشید وعلاوه بر ارزشهای اقتصادی آن جنبه اخلاقی ومعنوی واثرات سازنده آن را مورد توجه قرار دهید وبراساس فلسفه واقعی تعاون یعنی مشارکت بر تعهدات ومسئولیتهای اخلاقی واجتماعی خود آگاهی یابید

پس از پایان سخنان وزیر کاروامور اجتماعی، مدیرکل شرکتهای تعاونی و وزارت کار و امور اجتماعی ضمن عرض خیرمقدم به شرکت کنندگان در سمینار، درباره دستور جلسات سمینار گزارشی در اختیار آنها گذاشت و سپس طی سخنانی مبسوط، فعالیتهای شرکتهای تعاونی در گذشته و برنامه‌های آینده آنها را تشریح کرد.

وی گفت: بدنبال پیام شاهنشاه آریامهر به دومین کنگره کارگران ایران، اتحادیه مرکزی تعاونیهای مصرف کارگران ایران با همکاری وزارت کاروامور اجتماعی، بانك رفاه کارگران و سازمان کارگران در تیرماه ۲۵۳۱ با عضویت ۲۳ شرکت تعاونی ایجاد شد و با ۳۲۰/۰۰۰ ریال سرمایه و ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال کمك دولت فعالیت خود را شروع کرد. با گسترش فعالیت اتحادیه تعداد اعضاء، میزان سرمایه، حجم معاملات اتحادیه افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است، باین ترتیب که تا پایان چهار ماه اول سال جاری تعداد شرکتهای تعاونی عضو به رقم ۴۷۱ شرکت رسیده و مبلغ سرمایه آنها ۳۰۹/۴۷۰/۰۰۰ ریال شده و حجم معاملات شرکتها نیز به ۶۱۸/۰۳۸/۹۵۱ ریال افزایش یافته است.

خبرنگار رستاخیز کارگران در گزارش خود از این سمینار مینویسد: هم اکنون در چهار صد شرکت تعاونی مصرف بررسی شده که ۲/۳ کل شرکتهای تعاونی مصرف کارگری را تشکیل میدهند ۲۱۳/۶۸۵ نفر عضویت دارند و ۶۵۹/۷۵۲/۱۲۲ ریال سرمایه‌گذاری کرده‌اند که متوسط سهم هر یك ۳۰۸۸ ریال میباشد.

خبرنگار ما میافزاید: پس از گزارش مدیرکل شرکتهای تعاونی وزارت کار و امور اجتماعی، جوایز چند تن از مدیران عامل شرکتهای تعاونی مصرف کارگری که در پیشبرد نهضت تعاون گامهای مؤثری برداشته‌اند وسیله امیرقاسم معینی وزیر کارو امور اجتماعی به آنان اهداء شد. در جلسات این سمینار که به مدت دو روز ادامه داشت، آقای دکتر کاظم ودیعی استاد دانشگاه و دبیرکل مرکز هماهنگی مطالعات محیط‌زیست شناسی دانشگاه تهران در مورد تعاونیهای سنتی در ایران به تفصیل سخن گفت و همچنین چند تن از نمایندگان مجلس شورایملی و کارشناسان و محققان در مورد تعاون و اثرات آن در بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مطالبی بیان کردند. و در پایان سمینار آموزش تعاون با استماع گزارش دبیران کمیته‌های بازرگانی، آموزش تعاونی و قرائت توصیه نامه‌ها بکار خود خاتمه داد.

ظرفیت پذیرش مراکز آموزشی گسترش مییابد

بمنظور مقابله با تنگناهای نیروی انسانی متخصص برای صنایع کشور مراکز ثابت و واحدهای سیار و مراکز آموزشی در جوار کارخانهها فعالیت خود را گسترش میدهند.

براساس این برنامه ظرفیت پذیرش مراکز آموزشی گسترش مییابد و کارآموزان مناطق ثابت و سیار و مراکز جوار کارخانهها با گذراندن دورههای آموزشی فشرده و کوتاه مدت در رشتههای نساجی- فلزی- معدن- حمل و نقل- مکانیک- اتومکانیک- سیمکشی برق- جوشکاری و صنایع وابسته به ساختمان، مهارتهای لازم را کسب و در بازار کار و صنایع جذب میشوند.

گزارش خبرنگار ما حاکیست که علاوه بر این برنامه وزارت کار و امور اجتماعی نیز با اعزام واحدهای سیار کارآموزی به بخشها و مراکز غیر صنعتی نسبت به تربیت «روستاصنعتگر» اقدام کرده است تا آموزش دیدگان بتوانند با طرز کار انواع ماشین آلات کشاورزی و پمپها و وسائل سمپاشی و تعمیر و نگهداری آنها آشنا شوند. همچنین بمنظور تجدید مهارتهای حرفهای و تخصصی و کسب تجارب بیشتر در امر آموزشهای صنعتی هم اکنون گروههای متعددی از کارگران در مراکز آموزش فنی بینالمللی تورین و ژاپن بکار ورزی اشتغال دارند.

مراکز آموزش سیار با بهرهگیری از تمام عوامل محیطی کار آموزی جوانان را بعهده دارند

۹۰۰ هزار سهم واحدهای تولیدی توسط کارگران خریداری شد

تاپایان سال ۲۵۳۴شاهنشاهی ۱۰۶واحد تولیدی که از نظر میزان سرمایه و ارزش دارای وضع ثابتی بودهاند، سهام خودرا برای فروش عرضه کردهاند.

یك مقام آگاه در وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرد بعلت استقبال شدید کارگران از خرید سهام واحدهای تولیدی تا پایان سال ۲۵۳۴شاهنشاهی ۱۰۶واحد که از نظر میزان سرمایه و ارزش دارای وضع ثابتی بودهاند، سهام خود را برای فروش عرضه کردند.

از این تعداد ۹۰واحد تولیدی بیست درصد کل سهام خود را و ۱۶واحد تولیدی دیگر نیز ۳۰درصد سهام خود را عرضه کردهاند. براساس همین آمار جمعا۳۱۹۵۰نفر از کارگران حدود۹۰۰/۰۰۰سهم و عدهای نیز مبلغ۱۷میلیارد ریال سهام نقدی خریدهاند. همچنین ۴۷۲۰نفر از کارگران شرکت ملی نفت، سازمان صنایع نظامی، شرکت ملی ذوب آهن و دخانیات مبلغ ۴۶۰میلیون ریال از سرمایه واحدهای مشمول را خریدهاند و ۶۰۸۱کشاورز از ۳۴شرکت تعاونی روستائی تقاضای خرید سهام کارخانجات عرضه شده را کردهاند.

براساس ضوابط جاری، کارگاه مشمول به کارگاهی گفته میشود که حداقل ۵سال سابقه فعالیت داشته و سودآور باشد و همچنین کارگرانی میتوانند از مزایای قانون گسترش مالکیت واحدهای صنعتی و تولیدی استفاده کنند که حداقل سه سال سابقه کار در کارگاه مربوط را داشته باشند.

۱۳۱ هزار نفر از کارگران و کارکنان صنایع مادر که مشمول اجرای برنامه گسترش مالکیت واحدهای تولیدی نمیشود قسمتی از سهام واحدهای تولیدی را خریداری خواهند کرد.

برای این منظور سازمان مالی کمك به گسترش مالکیت، وامهائی را در اختیار این کارگران میگذارد.

از اجرای برنامه گسترش مالکیت و بر پایه تصمیماتی که از سوی شورای گسترش مالکیت اتخاذ شده است چهار بخش عمده صنعتی دولتی مشمول برنامه گسترش مالکیت نخواهند شد این بخشها عبارتند از شرکت ملی نفت ایران- صنایع ذوب آهن شرکت دخانیات و صنایع نظامی که با توجه به سیاست صنعتی ایران این واحدها کماکان در دست دولت باقی خواهند ماند.

برای برخورداری کارکنان این واحدها از مزایای برنامه گسترش مالکیت - سهام سایر واحدهای تولیدی مشمول در اختیار کارگران واحدهای مذکور قرار میگیرد.

بر اساس اماری که از سوی سازمان مالی کمك به گسترش مالکیت تهیه شده است هم اکنون در این بخشها بیش از ۱۳۱ هزار نفر کارگر و کارمند مشغول کار هستند که از میان انها ۶۰ تا ۷۰ هزار نفر مشمول ضوابط اخذ وام برای خرید سهام میباشند و از طریق سازمان مالی، وام مورد نیاز این گروه تا میزانی که تعیین شده است پرداخت خواهد شد.

تا کنون از کل کارکنان چهار بخش مذکور چهار تا پنج هزار نفر با استفاده از وام سازمان مالی سهام مورد علاقه خود را خریداری کردهاند و قرار است بمرور تمام کارکنان این واحدها از مزایای خرید واحدهای تولیدی مشمول برنامه گسترش مالکیت برخوردار شوند.

سازمان کارگران ایران اعلام کرد: طی شش سال گذشته تعداد ۱۱۴۱۰ نفر نمایندگان کارگران و مسئولان سندیکاهای کارگری در دورههای آموزشی موسسه کار و تامین اجتماعی شرکت کرده و در زمینههای طبقه بندی مشاغل، مذاکرات جمعی، بهداشت و طب کار، مسائل سندیکایی، شرایط کار و مدت کار آموزش دیدهاند.

سازمان کارگران اضافه کرد از این پس دورههای آموزشی موسسه کار و تامین اجتماعی در سازمان مرکزی کارگران ایران تشکیل میشود.

صندوق کار آموزی اعلام کرد در مرداد ماه سال جاری آموزش ۸۱۱۸ کار آموز و کارگر آغاز شد و تا کنون دوره آموزش فنی ۲۴۱۰ نفر از آنان پایان یافته است.

همچنین در مرداد ماه گذشته، آموزش فنی ۳۲۵۲ کار آموز واجد شرایط بوسیله مربیان سیار در تهران و شهرستانها ادامه یافت و برنامه آموزش ۱۰۹۳ نفر آنان بپایان رسید. طی این مدت تعداد زنان کار آموز ۳۳۵ نفر بود که دوره کار آموزی ۱۲۱ نفر از آنان پایان گرفت و جذب بازار کار شدند.

بازار کار

مرکز کاریابی
شماره ۱ این عده را به
همکاری دعوت میکند

۱- **تخصص مورد نیاز:** برنامه‌نویس
۲- **تعداد:** ۶ نفر
۳- **جنسیت:** زن
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** سوم متوسطه
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/۲

۱- **تخصص مورد نیاز:** تراشکاری
۲- **تعداد:** ۱۰ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/٤

۱- **تخصص مورد نیاز:** مکانیکی
۲- **تعداد:** ۱۵ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/٤

۱- **تخصص مورد نیاز:** نظافتچی
۲- **تعداد:** ۵۰۰ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** حداقل خواندن و نوشتن
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/۵

۱- **تخصص مورد نیاز:** اطاقداری
۲- **تعداد:** ۳ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/٤

۱- **تخصص مورد نیاز:** انبارداری
۲- **تعداد:** ۱۰ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** سوم متوسطه
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/۵

۱- **تخصص مورد نیاز:** با تجربه
۲- **تعداد:** ۱۰ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** سوم متوسطه
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/٦

۱- **تخصص مورد نیاز:** صندوقداری
۲- **تعداد:** ٦ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** سوم متوسطه
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه سرویس
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/٦

۱- **تخصص مورد نیاز:** فروشنده
۲- **تعداد:** ۱۲ نفر
۳- **جنسیت:** زن
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** خواندن و نوشتن
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه سرویس
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/٤

۱- **تخصص مورد نیاز:** حسابداری
۲- **تعداد** ۱۰ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** دیپلم
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه سرویس
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/۲

۱- **تخصص مورد نیاز:** ماشین نویسی فارسی و لاتین
۲- **تعداد:** ۱۰ نفر
۳- **جنسیت:** زن
٤- **سن:** حداکثر ۳۵ سال
۵- **تحصیلات:** دیپلمه
٦- **شرایط دیگر.** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/۱

مرکز کاریابی
شماره ۲ این عده را
به همکاری
دعوت میکند

۱- **تخصص مورد نیاز:** اپراتوری موتورهای برق
۲- **تعداد:** ۱۰ نفر
۳- **جنسیت:** مرد
٤- **سن:** ۳۳ساله
۵- **تحصیلات:** پنجم ابتدائی
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/۲

۱- **تخصص مورد نیاز: مکانیك ماشین‌آلات**
۲- **تعداد:** ۵ نفر
۳- **جنسیت** مرد
٤- **سن:** ۲٦ سال
۵- **تحصیلات:** ششم ابتدائی
٦- **شرایط دیگر:** داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- **محل خدمت:** تهران
۸- **حداقل حقوق:** با توافق
۹- **مزایای شغلی:** بیمه
۱۰- **آخرین مهلت مراجعه:** ۳۵/۸/۳

۱- **تخصص مورد نیاز:** کاربردازی

۲- تعداد
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: ٤٦ سال
٥- تحصیلات: سوّم متوسطه
٦- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۳

۱- تخصص مورد نیاز: آمارگری
تعداد: ۱۰نفر
جنسیت
٤- سن:۲۷سال
٥- تحصیلات: دیپلم ریاضی
٦- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۲

۱- تخصص مورد نیاز: مکانیکی
۲- تعداد: ۷ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تحصیلات: سوّم متوسطه
٦- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: باتوافق
۹- مزایای شغلی: بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه:۳٥/۸/۲

۱- تخصص مورد نیاز: برقکار
۲- تعداد: ۱۰ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تحصیلات: سوّم متوسطه
٦- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۲

مرکز کاریابی
شماره ۳ این عدد
! به همکاری
دعوت میکند

۱- تخصص مورد نیاز:قالب سازی کفش
۲- تعداد:٥ نفر
۳- جنسیت:مرد
٤- سن:حداکثر ۳٥ سال
٥- تحصیلات:خواندن ونوشتن
٦- شرایط دیگر:داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت

۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه:۳٥/۸/۷

۱- تخصص مورد نیاز: سوهانکاری
۲- تعداد: ۱۰ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تحصیلات: سیکل به بالا
٦- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۷- محل خدمت: تهران
۸- حداقل حقوق: با توافق
۹- مزایای شغلی: بیمه
۱۰- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/٦

۱- تخصص مورد نیاز: لوله‌کشی برق
۲- تعداد: ۱٥ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تجربه: مطرح نیست
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۷

۱- تخصص مورد نیاز: خیاطی زنانه
۲- تعداد: ۲۰ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تجربه: با سابقه
٦- تحصیلات: خواندن ونوشتن
۷- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۹

۱- تخصص مورد نیاز: رانندگی
۲- تعداد: ٥نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تجربه: با سابقه
٦- تحصیلات: خواندن ونوشتن
۷- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۱۰

۱- تخصص موردنیاز:صافکاری
۲- تعداد: ۳ نفر
۳- جنسیت: مرد
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تجربه: با تجربه
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر: داشتن برگ معافیت یا برگ خاتمه خدمت
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۷

۱- تخصص مورد نیاز: بسته بندی
۲- تعداد: ۲۰۰ نفر
۳- جنسیت: زن
٤- سن: حداکثر ۳٥ سال
٥- تجربه: مطرح نیست
٦- تحصیلات: خواندن و نوشتن
۷- شرایط دیگر:
۸- محل خدمت: تهران
۹- حداقل حقوق: با توافق
۱۰- مزایای شغلی: بیمه،سرویس
۱۱- آخرین مهلت مراجعه: ۳٥/۸/۹

بازار کار شهرستان

۱ - جوشکار ۳ نفر
۲ - برشکار ٥ •
۳ - مکانیک نافده ٥ نفر
٤ - فرزکار ۳ نفر
٥ - ماشین‌نویس ٥ نفر
٦ - خدمتگزار ٤ نفر
۷ - ب ٥ نفر
۸ - هتلدار ٤ نفر
۹ - کارگر ساده ۱٥ نفر

۱ - کارگران ۱۰ نفر
۲ - سرکارگر درجه ۱ ۲ نفر
۳ - کارگر لعاب‌کار ۸ نفر
٤ - مکانیک ٥ نفر
٥ - دیپلم فنی ۳ نفر
٦ - تکنیسین برق ۱۰ نفر

۷ - نافده ٦ نفر
۸ - حدص ٤ نفر

۱ - هکر در و سحره‌سر ٥ نفر
۲ - بروکر ٤ نفر
۳ - کارگر ساده ٥ نفر
٤ - نقاس ٦ نفر
٥ - مکانیک ٤ نفر
٦ - جوشکر ٦ نفر
۷ - سیم‌کش ٤ نفر
۸ - مکانیک ٥ نفر
۹ - موتور مکانیک ۱۰ نفر

۱ - جوشکار ۱۰ نفر
۲ - رسد حرفس ٤ نفر
۳ - نجار کار ۱۰ نفر
٤ - نقاش ٦ نفر
٥ - ماشین‌نویس ۱۰ نفر

۱ - درصد دیپلم ۱۰ نفر
۲ - ماشین‌نویس ٤ نفر
۳ - بهیار ٤ نفر
٤ - کارگر زن ٥ نفر
٥ - تلفنچی زن ۱۰ نفر
٦ - کارگر دوزنده ٥ نفر
۷ - لیسانس زبان ۱۰ نفر
۸ - فوق دیپلم ٥ نفر
۹ - نجارکار ٤ نفر
۱۰ - آرماگر ۱۰ نفر
۱۱ - مکانیک ٥ نفر
۱۲ - صافکار ٤ نفر
۱۳ - کارآموز نساج ٥ نفر
۱٤ - چرم‌کار ۱۰ نفر

۱ - کارگر ساده ۱۰۰ نفر
۲ - دیپلم فنی رشته برق ٦ نفر
۳ - دیپلمه اتوماتیک ٤ نفر
٤ - برشکار ٤ نفر
٥ - ماشین‌نویس ٥ نفر
٦ - لیسانس مدیریت ٤ نفر
۷ - دیپلمه بازرگانی ٥ نفر
۸ - کارگر ساده ۱۰ نفر
۹ - کمك لوله‌کش ٥ نفر

قابل توجه جویندگان کار و کارفرمایان

از کلیه جویندگان کار و کارفرمایان تهران و شهرستانها دعوت می‌شود برای راهنمائی شغلی و تامین نیازهای انسانی خود، به مراکز کاریابی و اشتغال زیر،

مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۱ خیابان امیرآباد جنوبی - خیابان رهنما پلاک ۲۳
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۲ میدان شهناز - خیابان مهران پلاک ۱۸٦
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ۳ خیابان شوش غربی - پاساژ کوهی پلاک ۲۱۹
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ٤ خیابان سیمتری باغشاه پلاک ٥٩۰
مرکز کاریابی و اشتغال شماره ٥ چهارراه امیراکرم - ساختمان نخست وزیری

و در شهرستانها بمراکز کاریابی یا ادارات نیروی انسانی مراجعه کنند

جشن شکوهمند پنجاهمین سال شاهنشاهی خاندان پهلوی در کارخانجات تولیدی شیشه ایمنی میرال برگزار شد

ابوالفضل آل طه مدیرعامل کارخانجات تولیدی شیشه ایران درجشن بزرگداشت پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی گفت: میرال آماده است در اجرای اوامر شاهنشاه خانه‌های ارزان‌قیمت کارگری بسازد.

درفاصله برنامه‌های این جشن فرصتی بود تا گفتگوئی داشته باشیم با ابوالفضل آل‌طه مدیرعامل کارخانجات تولیدی شیشه میرال.

او در پاسخ به سئوال ما پیرامون مسئله مسکن گفت:

کارخانجات تولیدی شیشه ایمنی میرال دراجرای اوامر ملوکانه مبنی‌بر توسعه مسکن برای کارگران درنظر دارد۱۰۰۰دستگاه خانه درمحدوده خارج کارخانه درنقاط ارزان‌قیمت خانه‌های ۱۲۰متری با زیربنای ۶۰مترو تاسیسات کامل در زمینی به مساحت ۷۵/۰۰۰متر تاسیس نماید. البته در این زمینه ما احتیاج به همکاری سازمانهای مختلف داریم، چون زمین درحدود کارخانه گران است، ولی همین مقدار زمین در خارج از محدوده ارزان‌تر و با بودجه این کارخانه مناسب است. البته درحال‌حاضر ما کمکهای نقدی برای مسکن به کارگران بطور بلاعوض می‌دهیم و این تازمانی است که مسئله مسکن به صورت شهرك کارگری حل نشود. علاوه‌بر آن مبالغی نیز برای خواربار پرداخت می‌گردد و امیدواریم که با این برنامه‌های رفاهی بتوانیم در راه خدمت به شاه و ملت هرروز مؤثر باشیم.

کارخانجات تولیدی شیشه ایمنی میرال، پنجاهمین سال سلطنت دودمان پهلوی را با شکوه فراوان جشن گرفت

برنامه جشن کارخانجات تولیدی شیشه ایمنی میرال از ساعت ۵/۵ بعد از ظهر روز پنجشنبه ۸ مهر ماه در محل کارخانه واقع در جاده ساوه با شرکت مدیران، کارگران و کلیه کارکنان شرکت سهامی میرال تولید کننده شیشه‌های ایمنی برگزار گردید

مراسم ابتدا با نواختن سرود شاهنشاهی رسمیت یافت و سپس حسین توفیق مدیر امور اداری شرکت، از مدعوین تشکر کرد و خیرمقدم گفت و پس از آن مظفر مروتجو نماینده کارگران این شرکت طی سخنانی گفت:

اینجانب مظفر مروتجو نماینده کارگران کارخانجات میرال، افتخار دارم که پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار دودمان پهلوی را، از صمیم قلب به فردفرد شما و خانواده‌های عزیزتان تبریك عرض نمایم، و از اینکه دعوت کارگری ما را پذیرفته و درین مجلس پرشکوه شرکت فرموده‌اید، با قلبی آکنده از مهر شاه، از همگی شما تشکر مینمایم.

از کسانی که مثل من عمری سپری کرده‌اند، میخواهم لحظه‌ای به گذشته باز گردند و بیاداورند که چه دوران سیاه و تاریکی بود، فقر، جهل و ناامنی بیداد میکرد، کشور مانه امنیت داشت نه آزادی، هرمحله بوسیله چند نفر اوباش و چاقوکش اداره میشد و سیاهی شب سیاهی تلخی زندگی را زنده میکرد، هیچ مردی نمی‌توانست در تاریکی شب با آرامش و خیال آسوده از جائی به جائی رود، تا چه رسد به زنان.

بیماری و بیدرمانی بیداد میکرد، و بیسوادی رنج‌اور بود کودکان معصوم و با استعداد به جرم فقر از سواد محروم بودند صنعتی نبود که افتخار آفرین باشد، دست ما بسوی بیگانه دراز بود، بیگانگان هم از دسیسه و جیات فروگذار نبودند سرنوشت کشور و کشتی بی‌پشتیبان ایران عزیز به موئی بسته بود.

که لطف الهی شامل حال مملکت شاهنشاهی گردید و در موقعیتی حساس و پرخطر، سردار بزرگ تاریخ، رضاشاه کبیر، قد علم کرد و مردانه باتمام عوامل فساد و زور و قلدری به مقابله برخاست و در مدتی کوتاه امنیت و آسایش به سراسر کشور بازگشت، شبکه ارتباطی با خط راه آهن گسترش یافت، چرخهای صنعت و اقتصاد به حرکت باز آمد، دانشگاه تاسیس شد، جلوی دخالتهای بیگانگان گرفته شد، لیکن شهریور ۲۰ پیش آمد و اصلاحات عمیق و دامنه‌دار سردار بزرگ تاریخ، رضاشاه کبیر، متوقف شد، و دیگر بار درد ناامنی و هرج و مرج و رکود اقتصادی سنگینی غم‌افزای خود را بر دوش ملت بی‌پناه ایرانی افکند

خوشبختانه دیری نپائید، شاه جوان بخت ایران زمین، شاهنشاه آریامهر، فرزند برومند رضاشاه کبیر، در عنفوان جوانی زمام امور کشور را بدست گرفتند و با عقل و تدبیر خداداد خود وضعیت ناآرام و بی‌ثبات اقتصادی را، آرام و نظام بخشیدند تا آنجا که با اصول انقلابی خود که منشور انقلاب شاه و ملت عنوان گرفته، و پایه‌های زیرین اقتصاد و صنعت و رفاه کشور ایران را استحکام و پایه‌گزاری فرمودند تا جائی که امروزه کشور ایران در شمار مترقی‌ترین کشورها قرار گرفته است، از جمله افتخار ماست که بازوی پرتوان شما کارگران عزیز میرال، شیشه‌های تولیدی کارخانجات میرال را در بهترین سطح کیفیت تولید و حتی به بازارهای اروپا عرضه میدارد، پیشرفت این صنعت یکی از ثمرات انقلاب است.

کارگران عزیز با تشکر مجدد از تشریف فرمائی شما در این جشن با شکوه، که به مناسبت پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار دودمان پهلوی برگزار شده، به عرض شما میرسانم.

که اگر بهداشت و بیمه رایگان داریم، اگر آموزش رایگان داریم، اگر سود ویژه، و سرمایه بصورت سهام داریم ناشی از منویات ذات شاهنشاه آریامهر است و بدین لحاظ موقع را مغتنم میشمارم از قول همگی شما از جناب آقای آل‌طه مقام مدیریت عامل که چون پدری مهربان برای ما بوده‌اند نهایت سپاسگزاری نمایم و در جرای اوامر پدر تاجدار اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر از ایشان و اعضاء محترم هیات مدیره استدعا کنم که بهر صورت که میتوانند برای ما مسکن تهیه کنند، ما نمیدانیم از چه راه،؟ فقط در اجرای امر شاهنشاه مسکن می‌خواهیم.

زنده باد شاه   پاینده ایران

برقرار باد نظام شاهنشاهی

پس از سخنان نماینده کارگران این شرکت مهندس حسینیون مدیر امور کارخانه رشته سخن را بدست گرفت و گفت:

ضمن تبریك و تشکر از تشریف‌فرمائی میهمانان و همکاران ارجمند اجازه میخواهم شمه‌ای از احساس و نیز اعتقاد خویش را که بر اساس رهنمون‌های هیئت‌مدیره و مقام مدیریت عامل که در طی زمان همکاری با کارکنان صمیمی و صدیق این واحد تولیدی در اینجانب بوجود آمده است را ابراز دارد اما آنچه که احساسش نامیدم: بدون شك شما عزیزان کارگر خواه‌ناخواه بدان مفتخر و مباهی هستید زیرا کمتر وسیله که روزمره در اختیار شما میباشد را مشاهده خواهید کرد که بر روی شیشه‌های آن علامت میرال و مآلاً نشانی، از حاصل دسترنج شما نباشد. اما اعتقادم:

آنچه که در این واحد تولیدی وجود دارد از هر حیث محصول مدیریت و همت و هوش ایرانی است و آنچه که اساس کار این مؤسسه را تشکیل میدهد در همه زمینه‌ها اثری است از طرح و اجرای ایرانی، این صنعت ایرانی علاوه بر جلوگیری از خروج میزان معتنابهی ارز، به پیشرفته‌ترین ممالك غربی نیز صادر شده و لذا جهد و کوشش در این راه طریقی است مطمئن و نزدیك برای نائل آمدن به جمیع آنچه که هدف والای اقتصاد مستقل و پیشرو ایران را تشکیل میدهد پس سزاوار است که همه همکاران عزیز همانطور که در گذشته نشان داده‌اند بکوشند. و بیش از پیش علاقمندی نشان دهند تا این صنعت خاص که در هر جا نشانی از آن مشهود است را با کیفیتی بسیار عالی و متناسب با همه شئون زندگی امروز ایرانی به کشور خود و سایر ممالك تقدیم بداریم.

با تشکر و امید نیل به آنچه که مقصود همه ماست سپس آقای ابوالفضل آل‌طه مدیرعامل کارخانه شروع به سخنرانی کرد و اظهار داشت:

حضار ارجمند، دوستان عزیز، همکاران گرامی

شادی و سرور شما، نشانه امید و ایمان شماست به نظام شاهنشاهی، به همین برکت و میمنت است که پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار دودمان پهلوی را جشن میگیریم. نماینده شما از تاریکی و تیرگی قبل از عصر شاهنشاهی پهلوی با شما سخن گفت و شکوفائی و بارآوری عصر انقلاب و عصر رستاخیز را برشمرد. من اضافه میکنم که:

باش تا صبح دولتت بدمد
کین هنوز از نتایج سحر است

آری ما بزودی به دوران تمدن بزرگ خواهیم رسید و با تولید انبوه، رفاه عامه تامین خواهد شد، عصر رستاخیز، عصر تلاش و پیکار است، اینك که به همت والای شهریار عالیقدر، شاهنشاه آریامهر، فقر و جهل و مرض ریشه‌کن گشته و عصر سلامت و امنیت فرا رسیده است، جا دارد هر روز بر تلاش خود بیافزائیم و سهم خود را، در شکوفائی هرچه بیشتر اقتصاد و صنعت مترقی ایران عزیز، ایفا نمائیم

همکاران عزیز نماینده شما خواست تا در اجرای وامر شاهنشاه به فکر تامین مسکن شما باشیم

اینك با افتخار از طرف شرکت میرال اعلام میدارم در اجرای اوامر شاهنشاه و در راه رفاه شما کارکنان عزیز میرال از هیچ کوششی فروگذار نخواهم بود، با کمال میل نظر هیات‌مدیره را جلب می‌کنم و در اولین فرصت نسبت به خرید زمین اقدام می‌کنیم، خانه‌های کارگری به اعتبار شرکت میسازیم و بدون پیش‌قسط و بدون بهره به شما واگذار میکنیم و شما مالك آن خواهید شد.

در این راه امیدواریم مقامات شهرداری و سایر دستگاهها با ما همکاری کنند تا اوامر شاهنشاه آریامهر و خواسته‌های شما کارگران را در اسرع وقت اجراء نمائیم.

لازم به یاد[illegible]وری میدانم، که شرکت میرال با کمال میل آماده است در اجرای اوامر شاهنشاه، خانه‌های ارزان قیمت کارگری بسازد، خانه‌هائی که حداکثر ۶۰ متر زیر بنا داشته و بین ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان قیمت تمام [illegible] باشد. میدانید در حال حاضر کارکنان میرال، هشتصد نفر میباشد، که اگر قرار باشد برای تمامی این هشتصد نفر خانه بسازیم تقریبا سه سال طول خواهد کشید

[illegible] هم [illegible] میدانم که تمامی هم [illegible] مصروف دارم تا فرمان شاهنشاه و خواسته شما کارگران عزیز [illegible] تامین نمایم لیکن باید تمام دستگاههای دولتی [illegible] شهرداری پایتخت، سازمان مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی [illegible] همکاری کنند [illegible] شرکت میرال، برای خانه سازی، وام نمی‌خواهد، [illegible] نمی‌خواهد، سیمان نمی‌خواهد، پیش قسط نمی‌خواهد، فقط و فقط اجازه ساختمان میخواهد و مجددا اعلام می‌کنم، شرکت میرال در اجرای اوامر شاهنشاه میتواند خانه ارزان قیمت [illegible] و هرگز قادر نیست آپارتمان که حداقل متری ۳۰۰۰ تومان تمام میشود بسازد

از این رو با افتخار و به یمن پنجاهمین سال شاهنشاهی پر افتخار دودمان پهلوی، شرکت میرال از همین لحظه آماده است در راه تامین مسکن شما قدم بر دارد و از همین ماه تا وقتی که خانه نساخته، حق مسکن به کلیه شما کارکنان عزیز میرال، پرداخت خواهیم کرد

بقیه درصفحه ۱۰۹

در عصر پهلوی باید راهی...

بقیه از صفحه ۱۰۱

زیر بار ذلت و درماندگی و هرج و مرج به قهقراء کشیده میشد و تنها یك معجزه میتوانست مردم ما را از ضربه‌های تازیانه فلاکت و بدبختی نجات بخشد.

پیشاپیش حوادث

خوشبختانه بیاری خداوند بزرگ و با اراده آهنین سردار بزرگ اعلیحضرت رضاشاه کبیر این معجزه به وقوع پیوست و پایه‌های مستحکم ایران امروز با دست توانای آن رادمرد تاریخ سردودمان پهلوی پی‌ریزی گردید.

اکنون بر ماست که به روان تابناك ابرمرد تاریخ سرسلسله شاهنشاهی پهلوی درود بفرستیم و در برابر روح آن رادمرد بزرگ سر تعظیم فرود آوریم.

امروز در سایه پنجاه سال شاهنشاهی خاندان پهلوی، کشور باستانی ما چهره دیگری بخود گرفته و گامهای بلند و استوار به سوی برابری با کشورهای بزرگ مترقی جهان برداشته است تا به دوران تمدن بزرگ که شاهنشاه آریامهر رهبر اندیشمند ملت ایران رسیدن بآن را نوید داده‌اند برسیم.

شاهنشاه آریامهر، همواره پیشاپیش حوادث قدم برمیدارند و این امر موجب شد که طرحها و برنامه‌هائی که از فکر بلند رهبر عالیقدر ما سرچشمه میگیرد از برنامه‌های روز جلوتر باشد.

امروز، با مشارکت طبقات مختلف مردم دموکراسی در ایران بصورت ترکیبی از دموکراسی، سیاسی با دموکراسی اقتصادی و عدالت اجتماعی درآمده است و اینکه ما در آستانه عضویت باشگاه کشورهای صنعتی جهان قرار گرفته‌ایم و زمان آن رسیده است که همه با هم بسوی یك اقتصاد سالم و سازنده جهان گام برداریم.

تشکیل این جشنهای فرخنده از جهات مختلف بسیار حائز اهمیت است از جمله در این مراسم باشکوه تحولات و دگرگونیهای همه‌جانبه کشور مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. و در این بررسیها نقش سردار بزرگ ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر، که سرنوشت‌ساز و پایه‌گذار ایران پیشرفته امروز است کاملا مشخص میگردد. و همچنین اهمیت رهبریهای داهیانه شاهنشاه آریامهر را در کسب مقام و موقعیت فعلی ایران بیش از پیش نمایان و آشکار میسازد، اصول ۱۷ گانه انقلاب شاه و ملت ایران را در شئون مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به پیش برده و می‌برد و هر یك از اصول این انقلاب بزرگ طبقه‌ای از طبقات ملت ایران را به اوج خوشبختی رسانیده است.

گروه شرکتهای ما که از برکت امنیت و ثبات کشور دامنه فعالیت و خدمات خود را توسعه داده و در راه سازندگی اقتصادی و اجتماعی کشور کوشش خستگی‌ناپذیر را در دوران انقلاب شاه و ملت شروع نموده با علاقه هر چه بیشتر به فعالیتهای شبانه‌روزی خود ادامه خواهد داد و همه کارکنان و مدیران این کارخانجات همصدا میگویند:

شاهنشاها، همانطوریکه از همه افراد ایران انتظار دارید ما نیز با توجه به نقش روزافزون کشور خویش در صحنه جهان و با هوشیاری کامل به مسئولیتهائی که در برابر نسل آینده این سرزمین باستان داریم تلاش خواهیم کرد تا هر چه بیشتر شایسته این آزادی و دموکراسی که اکنون از آن برخورداریم نشان بدهیم.

جاوید باد شاهنشاه آریامهر، زنده‌باد علیاحضرت شهبانوی محبوب ایران، پاینده باد والاحضرت ولایتعهد نور دیده ملت ایران.

برافراشته باد پرچم شاهنشاهی ایران.

بعد از سخنرانی آقای لوبك ساهاکیان آقای مصطفی هاشمی‌فر رئیس هیئت‌مدیره سندیکای کارگران کارخانه شیشه و گاز طی سخنانی گفت:

بنام خدا، و بنام نامی شاهنشاه آریامهر

ضمن عرض خیرمقدم به مدعوین و شرکت‌کنندگان در این جشن پرشکوه ملی و میهنی موضوع و انگیزه این اجتماع امروز ما کارکنان شرکت سهامی شیشه و گاز جهت برگذاری جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی پرافتخار دودمان پهلوی و اعلام سپاس و درود کارگران به پیشگاه رهبر کبیر انقلاب میباشد

البته پیشرفتهای سریع و غیرقابل تصور این مملکت در طول نیم قرن اخیر بر هیچکس پوشیده نیست که چه دگرگونی‌هایی برای قشرهای مختلف مملکت مخصوصا برای کارگران و دهقانان ایرانی بوجود آمده است

بنده امروز مختصر مروری از گذشته این سه طبقه افراد زحمت‌کش مملکت بعرض میرسانم و این بزرگداشت جشن پرشکوه نیم‌قرن شاهنشاهی پهلوی در سراسر ایران صمیمانه‌ترین قدرشناسی ملتی است که در طول ۲٦ قرن به نظام شاهنشاهی خود عشق ورزیده و در دفاع از تمامیت ارضی خود هرگونه خطری را بجان پذیرفته است قبل از پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی بخوبی نشان میدهد که کشور عزیز ما چگونه جولانگ مشتی مزدور اجنبی و از خدابی‌خبر شده بود. و طرفی از قدرت حکومت مرکزی فرمان کسی هراس نداشت زیرا کسی بفکر این ملت ضعیف و رنج کشیده نبود. تا این که خداوند متعال این سردار بزرگ و سردودمان پهلوی اعلیحضرت رضاشاه کبیر را مامور ساخت که در کوتاه مدت زمانی توانست این کشتی طوفان‌زده در حال غرق را نجات بخشد و ایران را بصورت کشوری آزاد، مستقل و با اعتباری جهانی در آورد. ولی بعلت ناسازگاری زمان آن سردار بزرگ نتوانست بهمه خواستهای خود جامه عمل بپوشاند ناچار این میراث گرانبهای شاهنشاهانی چون کوروش را به فرزند برومندشان اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر سپردند.

قوانین مترقی

شاهنشاه پرتوان و اندیشمند ما در بحرانی‌ترین وضع سیاسی و اقتصادی و بی‌کاری و گرسنگی که قدرتمندترین کشورهای دنیا را بزانو در آورده بود زمام امور کشور را بدست گرفتند و با ایمانی راسخ و اراده‌ای خلل ناپذیر جهت رسیدن به هدفهای عالیه خود شب و روز تلاش نمودند و می‌بینیم بیاری خدای بزرگ در تمام برنامه‌ها موفق شدند و دست بیگانه را از این آب و خاك کوتاه کردند و کشور و ملت خود را از هر لحاظ بی‌نیاز گردانیدند. دهقان قبل از انقلاب ضمن این که از داشتن سواد و بهداشت و سایر نعمتهائی که دهقان امروز از آن برخوردار است محروم بود حتی حق برداشت از محصول و دسترنج خود را بدون اجازه ارباب نداشت ولی خوشبختانه امروز به امر رهبر بزرگ انقلاب سپاهیان دانش و بهداشت و سپاه ترویج و شرکت‌های تعاونی جهت کمك و راهنمائی در سراسر مملکت در خدمت دهقانان میباشند

یکی دیگر از فراموش‌شدگان در کشور ما قبل از شاهنشاهی پهلوی کارگر ایرانی بود. در آنزمان کسی برای طبقه کارگر حقی و یا ارزشی قائل نبود چه رسد به اینکه برای کارگر ساعت کار تعیین کند و یا حداقل دستمزدی در نظر بگیرند.

ساعت کار کارگر ابتدا قبل از طلوع آفتاب و تا قدری بعد از غروب آفتاب بود آنهم با حقوقی ناچیز. ولی خوشبختانه در اثر ثمرهٔ انقلاب شاه و ملت قانون کار و کارگر امروز ایران پابپای

شرکت تهران ایزولاسیون

بارندگی در هر فصلی ممکن است!

عایق کاری مطمئن ـ مقاوم ـ سبک وزن ـ با تضمین

بطور سرد و بدون کندن و برداشتن سطح قبلی بام

تلفن ۲۳۰۳۰۴

جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی

بقیه از صفحه ۹۹

[illegible] علاوه بر اینکه یك کشور صنعتی خود [illegible] در رشته کابل سازی پیشاهنگ بوده و پیشرفتهای جالب توجهی کرده است. و من بهترین تبریکات خود را به [illegible] اعضای هیئت مدیره و تمام همکاران شما که در این توسعه و مرغوبیت کالا سهیم بوده‌اند ابراز میدارم [illegible] محصولاتی در سطح بین‌المللی [illegible] کارگران و مدیریت

[illegible] که این وضع و موقعیت در کمتر کشوری برای کارگران وجود دارد، و این بر همه کارگران فریضه است که جوابگوی رهبر عالیقدر [illegible]

پس از [illegible] سخنرانی [illegible] چند برنامه [illegible] هنری اجرا شد و در پایان [illegible] کیکی را که بمناسبت پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی از طرف کارکنان شرکت تهیه شده بود برید و سپس پذیرائی از مدعوین شروع شد. این جشن [illegible] که از ساعت ۵ بعدازظهر آغاز شده بود در ساعت ۹ بعدازظهر در میان ابراز احساسات کارگران [illegible] و خاندان جلیل پهلوی پایان گرفت

جشن شکوهمند پنجاهمین

بقیه از صفحه ۱۰۸

[illegible]

می ورزیم، موفقیت شما عزیزان و سلامت ذات مقدس شاهنشاه آریامهر را از خداوند متعال مسئلت داریم

برنامه‌های تفریحی

پس از سخنان مدیر عامل [illegible] گروهی از هنرمندان برجسته کشور [illegible]

پیشرفته‌ترین کشورهای دنیا پیش رفته و بزرگترین افتخاری که نصیب ما کارگران شده از رهبر عالیقدر خود لقب شریف گرفته‌ایم. ما کارگران نیز وظیفه خود میدانیم با تلاش و کوشش شبانه‌روزی خود و با بهره‌وری هر چه بیشتر پاسخ مثبتی به ندای رهبر اندیشمند ملت ایران شاهنشاه آریامهر [illegible]

مملکتی دست یافته و در سرنوشت مملکت از ادامه چون دیگر صاحب‌نظران اظهار نظر میکند و این خود نشانهٔ برتری و پیشرفت کارگر امروز ایران است تمام این نعمتها و رفاه و آسایشی که نصیب ما ملت ایران شده همه و همه مدیون رهبریهای خردمندانهٔ شاهنشاه آریامهر است که ۱۷ اصل انقلاب شاه و ملت را طراحی فرمودند.

در پایان ما کارکنان شرکت سهامی شیشه و گاز به پاس حق‌شناسی و سپاسگزاری از رهبر اندیشمند خود شاهنشاه آریامهر سر تعظیم فرود میاوریم و پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی را به عموم ملت ایران تبریك میگوئیم

زنده‌باد طراح بزرگ انقلاب ایران

پاینده باد ایران و ملت ایران

بعد از سخنان نماینده کارگران برنامه‌های هنری اجرا شد، و در همین زمان نیز کیك دوهزار کیلوئی که در پنجاه طبقه ساخته شده بود و نمایانگر پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی بود در حالیکه توسط پنجاه پیشاهنگ شمع بدست هدایت میشد وارد محوطه جشن شد. در این زمان کلیه حاضرین بپا خواسته و شدیدا نسبت به شاهنشاه آریامهر و خاندان جلیل پهلوی ابراز احساسات کردند. سپس کیك توسط آقای ربرت ساهاکیان بریده شد و با همین کیك نیز از مدعوین پذیرائی بعمل آمد، این جشن که از ساعت ۵ بعد از ظهر شروع شده بود تا پاسی از شب توام با پایکوبی و شادی شرکت‌کنندگان با دنیائی از شادی و سرور ادامه داشت.

سهل و ممتنع

ورزش ما، پس از المپیك مونترال، عصر تازه‌ای را اغاز کرده است. حیات تازه ورزش بعد از «المپیك مونترال»- که در اینده از ان بعنوان «عصر المپیك» یاد خواهد شد بارقة امیدی در دلها پدید اورد و همه‌ی شیفتگان به ورزش را بوجد اورد.

تا پیش از «عصر المپیك»، ورزش ما، در قالب سازمانی که شالوده‌اش از نخستین روزهای پاگیری- انجمن تربیت بدنی- قریب چهل سال پیش ریخته شده بود شکل داشت. دراین زمان دراز، ورزش ایران دور از دانش و تکنیك زمان، به سلیقه رئیس وقت، جهت می‌یافت. کارنامه سازمان ورزشی ما پیش از عصر المپیك، یاری به بازبینی ندارد. انحلال دستگاه ورزش بعد از «ماجراهای مونترال» بیانگر همه چیز است. پس آنچه بعد از انحلال سازمان تربیت بدنی برای ورزش ایران شده- و یا از راه خواهد رسید- سخت مورد علاقه و دقت مردم ورزشدوست و ورزش‌شناس است. ولی آیا آنچه دراین مدت کوتاه شده و ما بچشم دیده و یا بگوش شنیده‌ایم، همان راهی است که در فرمان تاریخی شاهنشاه دایر بر انحلال سازمان تربیت بدنی ارائه شده بود؟ آیا طلیعه دگرگونی‌های ورزشی بعد از ماجرای المپیك، میتواند امیدبخش باشد؟ ورزش ایران تا پیش از «عصرالمپیك» یك سازمان رسمی داشت و چندین و چند سازمان صاحب قدرت دیگر در شکم چند وزارت و سازمان مستقل که عملا هیچکدام یکدیگر را قبول نداشتند و اگر نیمی از وقت و پول و قدرتشان صرف پیشرفت کارها میشد، نیمی دیگر در راه خنثی کردن حریف و آماده باش دائمی خود در حفظ «سهم ورزشی» خود بکار میرفت، و آدم‌هائی که بیشتر به خود اعتقاد داشتند تا به وظایفشان. نتیجه چنان روشهائی همان بود که می‌بایست باشد و آخرکار چنان «ورزشی» چنین فرمان جانانه‌ای را بایسته بود. ولی در «عصر المپیك» ورزش به هوائی تازه و فضائی نونیار داشت و دو مرد صاحب نام که هریك امتحان لیاقت و استعداد خود را در میدانهای ورزش تا پوشیدن پیراهن تیم ملی به ثبوت رسانده بودند گوشه کار را گرفتند. دکتر ضیاءالدین شادمان وزیر مشاورومعاون و پارلمانی نخستوزیر که امور باشگاهها و فدراسیونها را زیر نظر دارد، افتخار عضویت در تیم ملی بسکتبال را داشت که در ۱۹۴۸ در المپیك لندن شرکت کرده بود و دکتر محمد حسن رهنوردی که معاون ورزشی وزیر آموزش و پرورش است و در حقیقت بر ورزش مدارس نظارت دارد در وزنه‌برداری تا مرز قهرمانی جهان پیش تاخته بود. خوشبختانه، این هردو، علیرغم فعالیتهای سیاسی و اداری، هرگز از ورزش به دور نبوده و خواه پیوسته و خواه وابسته، در جریان رویدادهای ورزشی کشور بودند. با این حساب، این اعتقاد دست‌اندرکاران مسائل ورزش را می‌ستائیم که زمام ورزش، به دست ادمهای «ورزش» و کارامد سپرده شده است، ولی ایا سپردن کارها به دست کردن برای پیشبرد کارها کافی است؟ از یك فوق ستاره در زمین فوتبال، بدون همکاری و یاری دیگر افراد تیم چه کاری ساخته است؟ تا «وسیله» نباشد، «حرکت» از کجا و چگونه اغاز خواهد شد؟!

یك ناظر بیطرف که از مسایل پشت پرده اگهی ندارد، و معمولا نقطه نظرهای ورزشی را از رویدادها و گفته‌ها و نوشته‌ها دنبال می‌کند، این دوسه‌ماهی که از عصر جدید ورزش ایران می‌گذارد جز دوره «سکوت» و آرامش تعبیر دیگری ندارد. گمان ما بر ایست که مطلعان در پشت درهای بسته سرگرم تهیه و تدوین نظام جدیدی برای ورزش ما هستند که بی‌شك، دیر یا زود همه از آن اگاهی خواهند یافت، ولی برای دو مرد تازه ورزش ایران که از دیرباز با ورزش ما اشنائی دارند، و برای کسانیکه سالها دور از گود بودند و دوره جدید ورزشی، فرصت طلائی به انان بخشیده تا نظرات، اطلاعات و تجربه‌های خود را در نظام جدید ورزش ایران بکار برند تذکر این نکته باریکتر از مو را لازم میدانیم که سامان یافتن ورزش ایران تابع ضوابط سهل و ممتنع» است.

«سهل» است اگر همه سازمانها و مؤسسات ورزشی در زیر چتر واحدی گردآوری شوند و مرد- یا زنی- آگاه و دلسوز با جمعی همدم و همگام و مطلع زمام کارها را دردست بگیرند و با استفاده از دانشها و تجربه‌های گرانبهای کشورهای صاحب ورزش و شناخت علمی طبیعت و جغرافیا و خلقیات و خصوصیات ملل و ملت ما برای ورزش ما یك فکر اساسی بکنند....

«ممتنع» است اگر سازها با همان «نت»‌های سابق کوك شود و ناهماهنگی‌ها و تکروی‌ها اساس برنامه‌های ورزشی ما را تشکیل دهند، و هر سازمان و اداره و وزارتخانه‌ای بخواهد چون گذشته «بار» ورزش خود را به تنهائی حمل کند!

«سهل» است اگر ادمهای مطلع و دلسوز و متحان داده از زمینه بسیار مساعد دوره بعد از «ماجرای المپیك»، در چهارچوب برنامه‌های کوتاه مدت و دراز مدت برای توسعه و تعمیم و گسترش تاسیسات ورزشی، و نیز تربیت مربی و معلم و سرپرست ورزشی بهره گیرند و مفهوم واقعی کلام «ورزش» را برای ورزش نه بخاطر «مزایای جنبی» ان، بخواهند و به مسئولیتهای ان تن دردهند.

«ممتنع» است اگر همان ادمهائیکه تا دیروز مسئول و مداح و سخنگوی ورزش بودند و «ورزش» را بخاطر مسافرتها و عناوین ان میخواستند دوباره، زمام‌دار شوند و بایك زاویه ۱۸۰ درجه از گذشته بگذرند و در زمره خادمان عصر ورزش رستاخیز یا رستاخیزی ورزشی جا بخورند ...

اسماعیل- یگانگی

ورزش کارگر

مسابقه‌های انتخابی فوتبال باشگاههای کارگری تهران با پیروزی تیم فوتبال باشگاه ایران ناسیونال پایان گرفت. این مسابقه‌ها که جمعاً ۲۲ تیم از واحدهای مختلف کارگری در آن شرکت داشتند، در چهار گروه و بطور ضربدری صورت گرفت، و مسابقه نهائی بین تیمهای ایران ناسیونال و ترانسفو انجام شد که تیم ایران ناسیونال بمقام قهرمانی رسید. تیمهای ترانسفو - سیمان تهران و پروفیل نیمه سبك دوم تا چهارم شدند تیم فوتبال ایران ناسیونال از تیمهای نیرومند باشگاههای کارگری کشور است و لازم به یاداوری است که تیم پیکان که زمانی از بهترین و نیرومندترین تیم‌های فوتبال کشور بود وابسته به باشگاه ورزش ایران ناسیونال بود که «آلن راجرز» انگلیسی انرا رهبری می‌کرد.

متاسفانه خود بچه‌های تیم عللی را موجب شدند، که بناگزیر این تیم منحل شد و پیکانی‌ها دسته‌جمعی به باشگاه پرسپولیس رفتند که بیشتر اعضای تیم فعلی پرسپولیس را همان پیکانی‌های سابق تشکیل می‌دهند.

ورزشگاه متروک
پس از شش سال بروی جوانان گشوده شد

در جلسه‌ایکه با حضور آقای دکتر رهنوردی معاون وزارت آموزش و پرورش در تشکیلات ورزش و با حضور مدیران کل تربیت بدنی و آموزش و پرورش تهران در ناحیه ۹ آموزش و پرورش برگزار شد، تصمیم گرفته شد که طبق قراردادی ورزشگاه فرحناز پهلوی بمساحت ۱۵۰۰۰ مترمربع (واقع در تهران پارس) برای استفاده دانش‌آموزان، در اختیار این وزارتخانه قرار گیرد. ورزشگاه مذکور دارای یك زمین چمن، فوتبال، استخر قهرمانی، سالن والیبال، بسکتبال، سالن ژیمناستیك، زمینهای تنیس، والیبال، بسکتبال، پینگ پنك و ژیمناستیك و همچنین وسایل کامل مربوط به این ورزشها است.

دکتر رهنوردی در این مراسم گفت:

– در جائیکه بنا به فرمان شاهنشاه آریامهر می‌باید حداکثر استفاده لازم از تاسیسات موجود بشود، برای من براستی تاسف‌آور است که ببینم استادیومی به این وسعت که در سال ۱۳٤٤ بدست مبارك شاهنشاه آریامهر افتتاح شده است، اینگونه بی‌استفاده و متروك بماند.

وی افزود: تشکیلات ورزش بی‌درنگ نواقص این واحد را ترمیم میکند و آنرا از ٦ صبح تا ۸ بعد از ظهر به رایگان در اختیار دانش آموزان و جوانان این منطقه قرار میدهد.

از این تاسیسات از بیش از ٦ سال پیش به این سوی هیچگونه استفاده ورزشی نمیشد، و در آن پیوسته بسته بود

قهرمانان کشتی آزاد و فرنگی باشگاههای کارگری پایتخت

مسابقه‌های انتخابی کشتی آزاد و فرنگی باشگاههای کارگری در سالن کشتی ورزشگاه کارگران انجام شد. در این مسابقه‌ها که زیر نظر اداره کل تربیت‌بدنی و تفریحات سالم وزارت کار و امور اجتماعی انجام گردید، جمعاً تعداد ۱۰۷ کشتی‌گیر از ۱٤ واحد کارگری پایتخت شرکت داشتند و طی چند شب مبارزه، سرانجام نفرات برتر بمقام قهرمانی دست یافتند. قهرمانان هر وزن در مسابقه‌های قهرمانی کارگران ایران در مشهد شرکت کردند.

در این مسابقه‌ها تیم کشتی آزاد باشگاه اتومبیل سازی خاور و در کشتی فرنگی تیم کشتی باشگاه شیر پاستوریزه در مجموع بمقام قهرمانی رسیدند. در کشتی آزاد تیمهای ایران ترانسفو– تولید د رو– و در کشتی فرنگی ایران ترانسفو و شرکت واحد بمقام‌های دوم و سوم دست یافتند.

نتایج انفرادی مسابقه‌ها (به ترتیب وزن) شرح زیر اعلام شد:

۱– عباس‌خان احمدلو (چیت‌سازی تهران)
۲– عین‌الله قلمی (کارگاه جواهری)
۳– رضا عابایی (شرکت واحد)
٤– لطف‌الله صادقی (شرکت واحد)
٥– محمد ولی‌شیخی (شیر پاستوریزه)
٦– منوچهر تقی‌زاده ق(شیر پاستوریزه)
۷– علی اهرجا نی(شرکت واحد)
۸– علی‌کرم حسن‌پور (شیر پاستوریزه)
۹– عظیم رندیان (شیر پاستوریزه)
۱۰ رضا رستگار (کارگر میدان)

قهرمانان کشتی آزاد

قهرمانان کشتی آزاد باشگاههای کارگری پایتخت به ترتیب وزن عبارتند از:

۱– هاشم بیاتی (خاور ۲– صفر کاکاوند (خاور ۳– محمد سکرانی (خاور ٤– کریم مطبوع‌رفتار (مخابرات ٥– علی اشرف‌آقائی (خاور ٦– ناصر آفاقی (خاور ۷– محمد دهدشت (کارگر ۸– محمد زینطی (خاور ۹– داود حاج قربانعلی ایران ترانسپورت ۱۰– رضا درستکار (کارگر)

قهرمانان وزنه برداری باشگاههای کارگری تهران

مسابقه‌های وزنه‌برداری، و پرورش اندام باشگاههای کارگری تهران با شرکت سی ورزشکار از یازده واحد کارگری انجام شد. دراین مسابقه‌ها ورزشکاران باشگاههای دخانیات– شرکت گاز– زیمنس– شیشه میرال– مخابرات– ایران ترانسفو– تولید دارو– سیتروئن– بلور سازی آریامهر– شرکت رنا شرکت داشتند وپس از چند شب زور آزمائی قهرمانان هر وزن به شرح زیر انتخاب شدند:

مگس‌وزن:	اکبرمعزی	(شرکت‌ایران‌ترانسفو)
سبك‌وزن:	جبارعابدی	(باشگاه‌کارگران)
میان‌وزن:	محمد صدیق‌صنمی	(باشگاه‌کارگران)
نیم‌سنگین:	عبدالفلاحتی‌نژاد	(شرکت‌گاز)
میان‌سنگین:	رحمت‌الله‌امینی‌خو	(دخانیات)
سنگین‌وزن:	علی‌تبار	(شیشه میرال)
فوق‌سنگین:	رضازارع	(شرکت‌گاز)

ورزش کارگر

این دانشجو،

برای کارگران همشهریش باشگاه تأسیس کرد

دیداری از باشگاه کارگران رستاخیز قم

این دانشجو، برای کارگران همشهریش باشگاه تاسیس کرد!
شاگرد مبل‌سازی که صاحب «کمربند سبز» کاراته شد

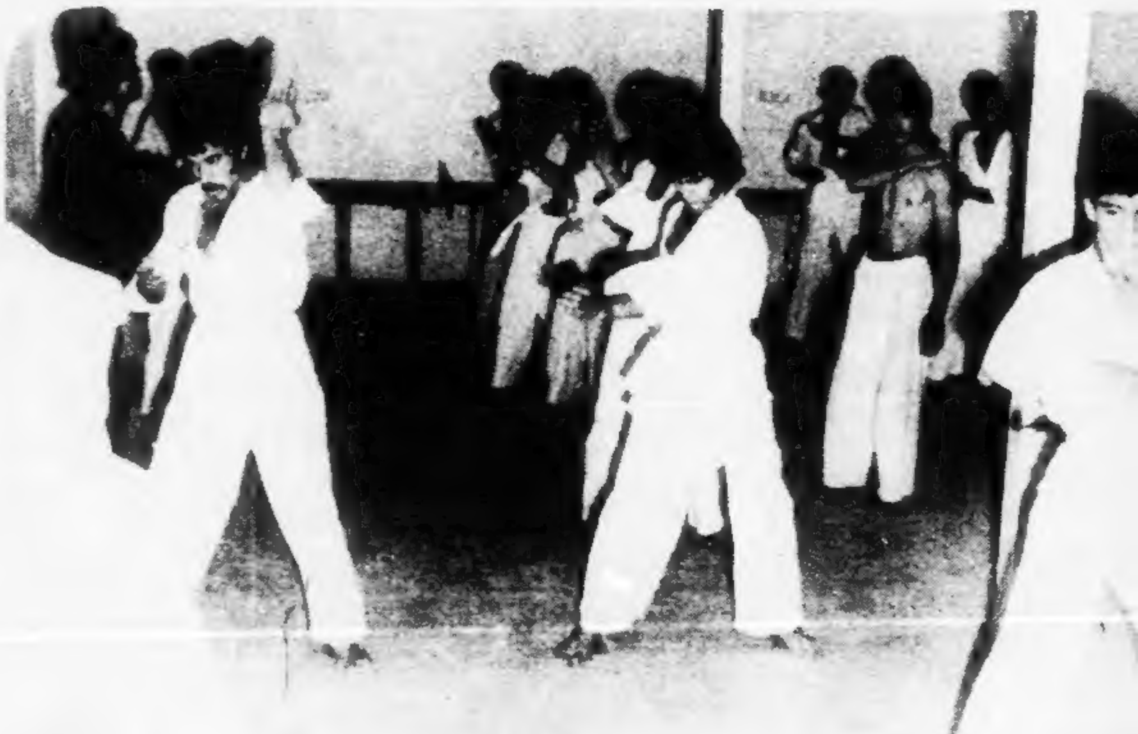

کارگران قمی، در کلاس کاراته به دستورهای ناصر زندی عمل می‌کنند. ناصر زندی هنگـام گفتگـو با خبرنگار رستاخیز در قم

ورزش کارگران، در حال گسترش است و هر روز گروه تازه‌ئی از کارگران جوان ما به ورزش میل نشان میدهد، ولی تاسیسات ورزشی موجود جوابگوی انبوه کارگران ورزشکار نیست، در سراسر کشور، تعداد باشگاههای کارگری، چه آنهائیکه توسط وزارت کار و امور اجتماعی سرپرستی و اداره میشوند و چه آنهائیکه از بودجه و امکانات واحدهای بزرگ صنعتی تغذیه میشوند از تعداد انگشتان دست و پا تجاوز نمیکند.

در چنین شرایطی، وقتی یك جوان قهرمان، آستین همت بالا میزند و با دست خالی و فقط با یاری و مساعدت دوستان کارگر خود، محلی بنام «باشگاه دایر میکند کار در خور ستایشی است. این کار خوب به همت حسین بیطرفان، ملی‌پوش کشتی آزاد، در قم شکل گرفت و در حال حاضر در رشته‌های کشتی، پرورش اندام و کاراته فعالیت دارد، که کشتی و پرورش اندام را خود بیطرفان سرپرستی میکند و مربی کاراته ناصر زندی صاحب کمربند سبز از فدراسیون کاراته ایران است. برای آشنائی با این باشگاه جدید کارگری، خلیل حاجی بانی خبرنگار و باقر میلانی عکاس ما در قم به این باشگاه رفته‌اند و گزارشی تهیه کرده‌اند که در اینجا بنظرتان میرسانیم...

جوانها، با چهره‌های شاد و در لباسهای سفید مخصوص «کاراته» سرگرم تمرین بودند و ناصر زندی در میان بود و شاگردها، گرد استاد حلقه زده بودند. سئوالم را از حسین بیطرفان، بانی و مؤسس باشگاه شروع کردم که اصولاً چه شد که بفکر تشکیل یك باشگاه برای کارگران شهر افتادید؟...

جواب داد: از روزی که به مدرسه عالی ورزش رفتم، اغلب اوقات فراغت را به قم می‌آمدم و در ورزشگاه چهارم آبان تمرین میکردم. در اینجا شاهد بودم که کارگران اغلب بعلت نبودن مربی، وسیله و زمین ورزش مخصوص بخود متاثرند. این موضوع همیشه مرا متاثر میکرد و تصمیم داشتم بعد از تمام شدن دانشکده، برای کارگران محل مناسبی تهیه کنم. در حقیقت فکر تشکیل باشگاه ورزش کارگری در قم از همان روزهای دانشجوئی در من قوت پیدا کرده بود.»

پرسیدیم: چه شد که اسم باشگاه را کارگران رستاخیز گذاشتید؟

مؤسس باشگاه گفت: «اولا این باشگاه مخصوص کارگران است. ثانیاً در عصر رستاخیز کارگران نیز مانند هر فرد ایرانی، عضو حزب رستاخیز هستند. بنابر این نام کارگران رستاخیز را انتخاب کردم.»

صحبت از بودجه باشگاه شد، بیطرفان گفت: «چون ما در حال حاضر هنوز از طرف هیچ مؤسسه صنعتی یا سازمان دولتی کمکی دریافت نمیکنیم، بودجه ما را حق عضویتهای اعضا تامین می‌کند تا بعد ببینیم چه میشود.»

در این وقت بسراغ ناصر زندی مربی «کاراته» باشگاه رفتیم. میدانستیم که او یك کارگر مبل‌ساز است. مساله را با او در میان گذاشتیم، گفت: «بله، من کارگر مبل‌ساز هستم و ده سال است که این کار را پیشه کرده‌ام.»

از سن‌وسالش پرسیدم گفت: ۲۱ سال و از یازده سالگی باتفاق خانواده‌ام به تهران رفتیم و در یك کارگاه مبل سازی شاگرد شدم. راستش اوایل کار از این شغل خوشم نمی‌آمد، ولی بعدها بآن علاقمند شدم و حالا خودم استادکار هستم، زندی اضافه کرد که تا چندی پیش باتفاق یك نفر دیگر کارگاهی داشته، ولی یك روز شریکش دستش را در پوست گردو گذاشت و او را تنها گذاشت و رفت.... و حالا او در صدد تهیه محلی است تا دوباره کار مبل سازی را شروع کند.

سئوال کردم چند سال است «کاراته» کار میکنی و اصولاً چه شد که میان اینهمه ورزش این یکی را انتخاب کردی؟ گفت اول این مساله را خدمتتان عرض کنم که برای عموم کارگران جوان بنویسید که من بعد از کارروزانه که معمولا خسته و کسل بودم، تنها راه رهائی از این حالت را در ورزش پیدا کردم. باور بفرمائید وقتی از سر کار باز میگشتم و خسته بودم، بعد ازاستراحت مختصری به باشگاه میرفتم و با ورزش‌های مختلف خودم را شاد و سرحال احساس میکردم. در مورد اینکه چرا کاراته را انتخاب کردم، باید بگویم اوائل هر چند یکبار بیك ورزش میچسبیدم. مدتی کشتی، چند روزی بکس، یکماه فوتبال.... خلاصه هر چند وقت یکبار به ورزشی راغب میشدم، تا یك روز از دم باشگاه آتش نشانی تهران عبور میکردم، عکسهای کاراته را دیدم رفتم ثبت نام کنم، گفته شد کاراته باشگاه منحل شده است. بعد از مدتی فدراسیون کاراته ایران تشکیل شد و منهم مثل خیلی‌ها به آنجا رفتم. حالا تقریباً دو سال و نیم است که کاراته تمرین میکنم و سال گذشته در مسابقه‌های باشگاههای ایران شرکت کردم و به افتخار دریافت «کمربند سبز» نائل آمدم. ناصری زندی نامزد دارد و اکنون با پدر و مادر و دو برادرش زندگی میکند.

● کشتی‌گیران فرنگی کارخانه شیر پاستوریزه

کاراته در باشگاه شیر پاستوریزه

زمین ورزش این باشگاه کارگری هم گوشت قربانی شد

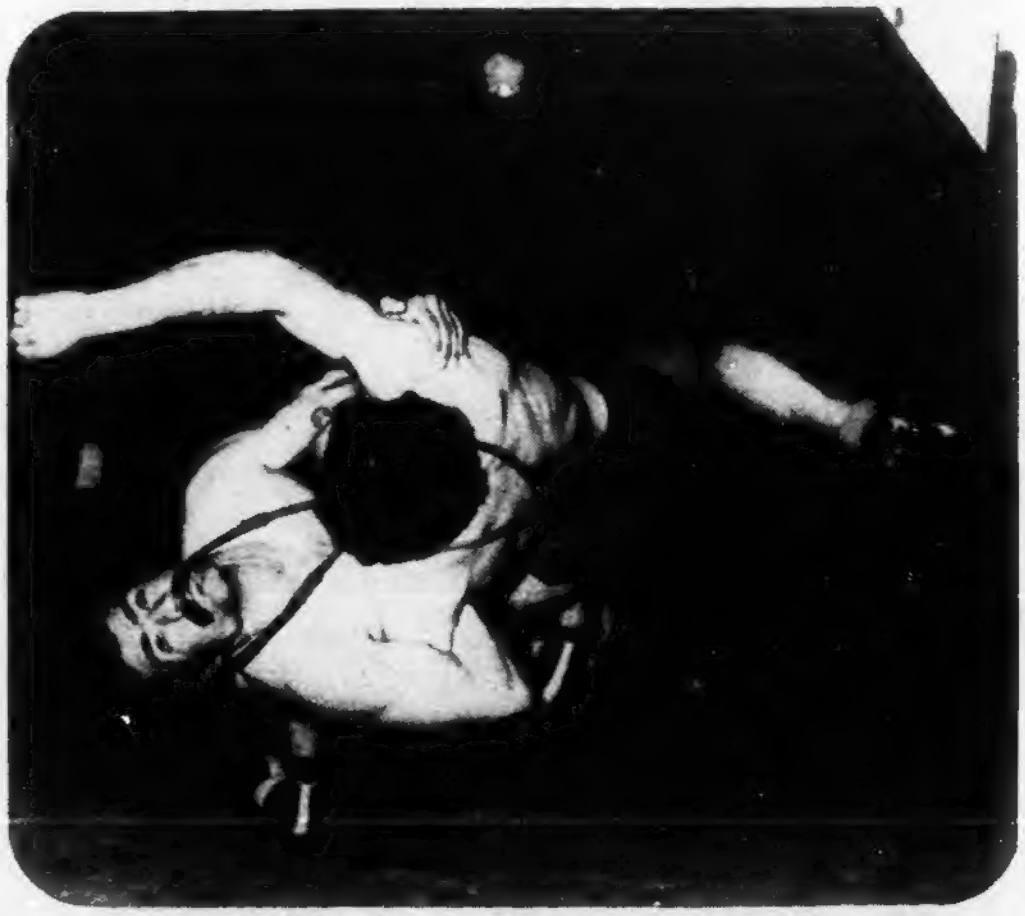

یکی از فنون کشتی، بوسیله فروغی مربی‌باشگاه و یکی دیگر از کشتی‌گیران نشان داده می‌شود.

این دیگر مثل روز روشن است که در واحدهای صنعتی ما، هیچ دیواری کوتاهتر از دیوار باشگاههای ورزشی نیست. هر وقت لازم باشد مثل گوشت قربانی تکه تکه‌اش می‌کنند واگر قرار باشد در واحدی به بندند، بلافاصله حکیم‌باشی را دراز می‌کنند وقرعه فال بنام باشگاه ورزشی می‌افتد.

باشگـاه ورزشی کارگری، زودتر وپیش‌تر از هر قسمت دیگری در کارخانه‌ها مشمول «صرفه جوئی» می‌شود. اگر قرار باشد در بودجه تعدیلی بشود، اولین قربانی «باشگـاه» و یا درحقیقت «ورزش» است. باشگاه ورزشی کارخانه‌ها، در قیاس سایر واحدها، حکم بچه‌های صیغه‌ای دارد. فی‌الواقع اداره ورزش، در اغلب سازمانها مورد بی‌مهری است.

یادتان هست چندی پیش نوشتیم که زمین فوتبال یك واحد بزرگ صنعتی تبدیل به انبار کالا شده است، و درجای دیگر، تنها این باشگاه ورزشی بود که سقف اطاقهایش شکاف برداشته بود... و باز، زمین اختصاصی یك باشگـاه ورزشی را برای ساختن اداره‌ای دیگر غصب کرده بودند...

همه‌ی اینها نشان می‌دهد که ورزش کارگری ما اندرخم یك کوچه است و کارخانه دارو صاحبان صنایع ما، چنانکه باید به اهمیت و نقش ورزش در سلامت و تندرستی کارگران خود پی نبرده‌اند...

و با این اصل مسلم علمی ناآگاهند که توسعه ورزش در کارخانه و کارگاه، یعنی تامین سلامت و تندرستی کارگر، و تامین سلامت کارگر یعنی تضمین نیروی کار و در حد نهائی بهترین راه بالابردن سطح تولید.

تبدیل به احسن!

به آنچه درباره کم‌سوئی باشگاههای کارگری و کم‌توجهی مسئولان واحدهای صنعتی نسبت به ورزش و تاسیسات ورزشی کارگری اشاره کنیم، این یکی را هم اضافه کنید که چند ماه پیش، نیمی از محل باشگاه ورزشی شیرپاستوریزه را برای تاسیس کتابخانه گرفتند! و وقتی ورزشکاران و مسئولان باشگاه، اعتراض کردند جواب شنیدند که انشاءالله در تاسیسات جدید کارخانه ورزشگاه زیبائی برای شما خواهیم‌ساخت دیدار این شماره ما

در حالیکه بهر یك از دانش آموزان یك سانتیمتر زمین ورزش نمی‌رسد، آیا ۶۰۰متر زمین برای ۵۰۰کارگر خود نعمت بزرگی نیست؟!

از باشگاههای کارگری پایتخت، باشگاه شیر پاستوریزه است که در جنوب تهران و درکنار تاسیسات بزرگ شیرپاستوریزه قرار دارد. تمام تاسیسات ورزشی این کارخانه درکمتر از ۶۰۰مترمربع جا داده شده است.

بهر کارگر تقریباً یك متر و چند سانتیمتر زمین ورزشی می‌رسید...

این نسبت در قیاس با زمین ورزش اغلب مدارس تهران که بهردانش‌آموز حتماً یك سانتیمتر زمین ورزش هم نمی‌رسد، نعمت بزرگی است.

این باشگاه با نه سال سابقه، اکنون بارها در مسابقه‌های قهرمانی کارگری تهران و ایران شرکت کرده و موفقیت‌هائی بدست آورده است.

با آقای بهرام فروغی، معاون باشگـاه، به صحبت می‌نشینیم. صحبتهای فروغی گویای خیلی چیزهاست. گویای این واقعیت که کارگرهای ما براستی به ورزش علاقه دارند، ولی... می‌گوید: «باشگاه ما قبلاً خیلی بزرگتر از محل کنونی بود. سال قبل، نیمی از آنرا برای کتابخانه از ما گرفتند. وقتی به این عمل اعتراض کردیم، گفتند قرار است درمحل جدیدی که درآینده احداث خواهد شد، استادیوم زیبائی هم برای کارگران ورزشکار این باشگاه تهیه نمایند.»

از او می‌پرسم: آیا بچه‌های این باشگاه براستی عاشق ورزش هستند، یا همین‌طور برای گذراندن وقت به باشگاه می‌ایند؟

قاطعانه می‌گوید: «عاشق ورزش هستند. شما ببینید امروز یك روز عصرماه رمضان است اکنون وقت عبادت است، ولی اینها عبادت خود را بجای آورده‌اند و با آنکه بعضی بخانه رفته‌اند، شما شاهد هستید که کارگران ورزشکار ما ورزش می‌کنند.»

می‌پرسم: «دراین کارخانه کارگر زن هم وجود دارد؟» جواب منفی است. معلوم می‌شود در اینجا، همه‌ی کارها در دست مردهاست. می‌پرسم: «آیا درنظر نیست از وجود زنان کارگر استفاده شود؟» اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. از تعداد کارگران می‌پرسم، می‌گوید: «جمعا در حدود ۵۰۰ نفر کارگر دراین کارخانه مشغول کار هستند.» و ازاین تعداد، قریب ۶۰ نفر در رشته‌های مختلف ورزشی کشتی آزاد، کشتی فرنگی، جودو، پرورش اندام، باستانی، فوتبال و والیبال فعالیت می‌کنیم.»

-آیا تاکنون باشگاه کارخانه شیر پاستوریزه در مسابقات قهرمانی کارگری به مقامهائی رسیده است؟

-این باشگاه درسال گذشته در مسابقه کارگری شرکت جست و بمقام دوم رسید. سه‌نفر از کشتی‌گیران این باشگاه مقام اول را در رشته فرنگی کسب کردند، که ازاین سه‌نفر دونفر در سطح کشور و یك‌نفر در استان مرکزی بمقام اول رسیدند. محمد شیخی سرپرست کشتی‌گیران این باشگاه خود یکی از ورزشکاران قدیمی است و چندین بار در مسابقات کارگری ایران بمقام اول رسیده است.

-آیا کارگران ورزشکار رویهمرفته از اینجا راضی هستند؟

-کارگران ورزشکار این باشگاه تاحدودی، از امکانات ورزشی موجود راضی هستند ولی مشکل ما کمی جا است و ما فعلا در مضیقه هستیم. چندین بار از مسئولان کارخانه خواسته‌ایم برای کارگران این باشگاه که براستی به ورزش علاقه دارند، محل دیگری تهیه کنند و آنها قول داده‌اند در آینده فکری برایمان بکنند......» می‌گویم در بعضی از کارخانجات بزرگ تهران ما شاهد بودیم که کارگران از بهترین وسایل و امکانات ورزشی خود هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند و بهترین استادیوم ورزشی فقط مانند یك دکور زیبا درکنار کارخانه قرار دارد. شما چه نظری دراین باره دارید؟

می‌گوید: «حرف شما را تائید می‌کنم» ولی حالا که شما شاهد هستید می‌بینید که این‌ها باچه علاقه‌ای ورزش می‌کنند» و بعد اضافه می‌کند: «درعوض، کارخانه هم دربرابر اینها بی‌توجه نیست و دربرابر امتیازاتی که برای باشگاه کسب می‌کنند، پاداش مناسب می‌دهد. ساعت کار این باشگاه ۴/۵ تا ۶/۵ بعد ازظهر است.»

باشگاه کارخانه شیر پاستوریزه از یك سالن

بقیه درصفحه ۱۱۴

دونسل

برای قهرمانی، درکنارهم تاختند!

تیمسار سرلشگر نادرجهانبانی قهرمان بزرگسالان

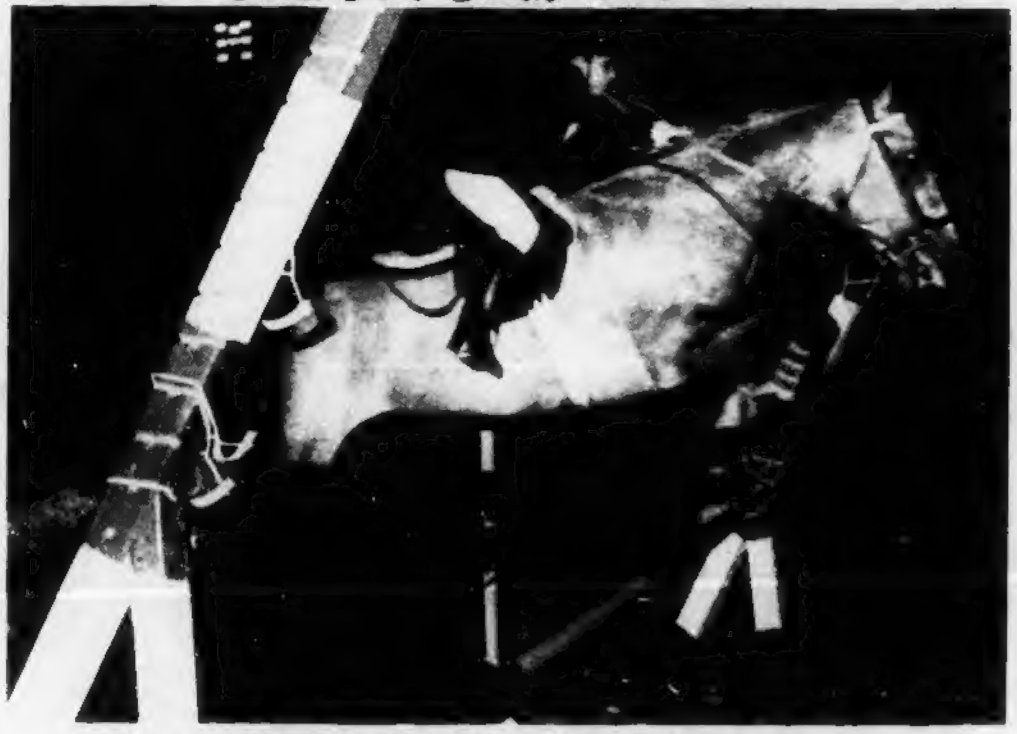

یوسف خلوتی، طفل خردسال این مسابقه‌ها، قهرمان نوجوانان زیر ۱۴سال.

دونسل، با اختلاف سنی سی‌و پنج سال، برای قهرمانی، درکنار هم تاختند! این مسابقه، شاید درنوع خود، جالب‌ترین باشد. مسابقه پرش با اسب در شب!

این مسابقه دیدنی هرسال، با همت شرکت ملی ذوب آهن ایران و با همکاری فدراسیون سوارکاری کشور در سالن سرپوشیده سوارکاری باشگاه فولاد ذوب آهن آریامهر برگزار می‌شود. مسابقه‌ها، معمولاً دو شب طول می‌کشد. دراین مسابقه‌ها، جوانان جویای نام درکنار سوارکاران نامدار اسب می‌تازند. اجرای مسابقه درشب، برلطف آن می‌افزاید.

امسال، سواری سوارکاران نوجوان و با تجربه خودمان، دوتن از سوارکاران سرشناس المان غربی نیز در کوس قهرمانی بودند. یکی از انها آقای «هرمان شریده» بود که در المپیک ۱۹٦٤توکیو مدال طلا گرفته بود و دیگری آقای «کارول هاینس گیب منس». شرکت این دو سوارکار معروف و ماهر، به رقابتها گرمی خاصی بخشیده بود. بخصوص اینکه ریاست هیات داوران نیز با آقای «دارنست گوسینگ» رئیس قبلی فدراسیون سوارکاری آلمان فدرال بود.

درشب اول، جمعاً سه دوره پرش برگزار شد که نتایج زیر بدست آمد:

رده‌بندی مسابقه نوجوانان زیر ۱٤سال (سرعت مجاز = ۳۵۰متر در دقیقه)

۱- داریوش القانیان با اسب «وایت وینگ» از باشگاه آدمیرام

۲- یوسف خلوتی با اسب «پاشا» از باشگاه پولاد ذوب آهن آریامهر

۳- دوشیزه رباب حکیم با اسب «گلد فایل» از باشگاه پولاد ذوب آهن آریامهر

رده‌بندی مسابقه نوجوانان زیر ۱۸ سال

۱- افشین دشتی با اسب «اگر» از باشگاه پولاد ذوب‌آهن آریامهر

۲- دانیل القانیان با اسب «ولکام‌گست» از باشگاه آدمیرام

۳- کامران ذبیحی با اسب «سیمرغ» از باشگاه ژاندارمری

رده‌بندی مسابقه (بایک باراژ)

۱- کارول «هاینس گیبس منس» با اسب «سی اسپری» از آلمان فدرال

۲- محسن امیری با اسب «ورسن ژتوریکن» از باشگاه ژاندارمری

۳- حسین کریمی مجنوب با اسب «رستم» از اصطبل شاهنشاهی

رده‌بندی مسابقه (بادوباراژ)

۱- تیمسار سرلشگر نادر جهانبانی با اسب «اوت فیلد هیلز» از باشگاه دشت بهشت

۲- محسن امیری با اسب «ورسن ژتوریکس» از باشگاه ژاندارمری

۳- عزت‌اله وجدانی با اسب «شبرنگ» از اصطبل شاهنشاهی

درشب دوم نیز این نتایج بدست آمد:

۱- دکتر احمد حکیم مبیدی با اسب «دراستیشن» از باشگاه پولاد

۲- نورمحمد حبیبی با اسب «ملخواره» از باشگاه مکتب شکی

۳- فریدون قریب با اسب «سیمرغ» از باشگاه ژاندارمری

رده‌بندی (بایک باراژ)

۱- فریدون قریب با اسب «سیمرغ» از باشگاه ژاندارمری

۲- «کارول هاینس گیب منس» با اسب «دراستیشن» از المان فدرال

۳- «هرمان شریده» با اسب «کوئین اوهارتز» از المان فدرال

درپایان مسابقه‌ها، جوایز خاصی که برای قهرمانان و برندگان درنظر گرفته شده بود توسط آقای دکتر امیرعلی شیبانی مدیر عامل شرکت ملی ذوب آهن آریامهر به سوارکاران و نیز اسبهایشان داده شد.

۲۱۱ کارگر در اردو

از اردوی کارگران ورزشکار که با شرکت ۲۱۱ نفر کارگر در رضائیه برگزار شده بود گزارش تازه‌ای برای ما رسیده است . در این اردو، سوای مسابقه‌های ورزشی، برنامه‌های بازدید از نقاط دیدنی شهر و تماشای کنسرت و هنرنمائی کارگران نیز اجرا شد. پیش از اغاز مسابقه‌ها، کارگران ورزشکار بهمراه سرپرستان و مسئولان اردو پیکره شاهنشاه آریامهر را گلباران کردند.

مسابقه‌ها در رشته‌های دو و میدانی، دوچرخه‌سواری، والیبال و بسکتبال انجام گردید، که در جمع امتیازات دو و میدانی تیم رضائیه اول و تیم‌های خوزستان و استان مرکزی دوم و سوم شدند.

در مسابقه دوچرخه‌سواری نیز در جمع امتیازات تیم تبریز اول و تیم‌های تهران و خوزستان دوم و سوم شد. تیم تهران در والیبال بمقام قهرمانی رسید و بعد از آن مشهد و رضائیه قرار گرفتند. در بسکتبال تیم استان مرکز اول، اصفهان دوم و مازندران سوم شدند. آقای ملکزاده مدیر کل کار و امور اجتماعی رضائیه و آقای نوائی مدیر باشگاه کارگران رضائیه بمناسبت فعالیت در برگزاری این اردو از سوی استاندار آذربایجان غربی مورد تقدیر قرار گرفتند.

با نهایت تاسف، هفته گذشته جامعه ورزشی ایران با از دست دادن یک پهلوان ارزنده عزادار شد.

نصراله سلطانی نژاد برنده مدال نقره کشتی آزاد جهان (۱۹٦۱) در اثر سکته‌قلبی درگذشت.

سلطانی‌نژاد سالها عضو تیم ملی کشتی‌آزاد ایران بود و در مسابقه‌های قهرمانی جهان ۱۹٦۱ یوکوهاما مقام دوم وزن ۵۲ کیلوگرم را کسب کرد و مدال نقره جهانی را بگردن آویخت.

سلطانی‌نژاد پس از کناره‌گیری از مسابقات کشتی به جرگه مربیان پیوست و در این راه نیز بموفقیتهای شایانی رسید. مرحوم سلطانی‌نژاد از چندی پیش به سمت معاون باشگاه کارگری دخانیات در آن باشگاه، به جامعه کارگران ورزشدوست خدمت می‌کرد. از سلطانی‌نژاد سه فرزند ۹ ساله و ٦ ساله و سه ماهه بجای مانده است.

سرویس ورزشی مجله «رستاخیز کارگران» ضمن تسلیت به جامعه ورزش ایران و عموم کشتی‌گیران و بازماندگان آن شادروان، بخصوص به همسر داغدیده و فرزندان مرحوم سلطانی‌نژاد، از مسئولان باشگاه دخانیات بخصوص آقای مهندس دیلمقانی مدیر کل دخانیات انتظار دارند با کمکهای لازم و بموقع به خانواده همکار قهرمان خود نیکی‌ها و جوانمردیها را ارج گذارد.

زمین‌ورزش

از صفحه ۱۱۳

سرپوشیده تشکیل شده است.

ورزشکاران این باشگاه در رشته‌های مختلف ورزشی بشرح زیر معرفی می‌شوند:

دررشته کشتی:

اقای حسین حموله
محرم علی طهورنی
مسلم بخشی
احمد خرازی
محمد ولی شیخی

رشته ورزشهای باستانی:

ابراهیم سهرابی
قربانعلی کاظمی
علی کرم حسن‌پور
عظیم زندی

رشته والیبال:

شعبان رمضانی
منصور خشت‌کار
حسین بابائی
حسن فتوکیا
عباس کاظمی
اکبر زرگر چرخ
محمد هادی خیری

رشته فوتبال:

مهدی رضائی
داود براتی
صادق خطیر
سیدرضا حسینی
عباس علی کاظمی
داود مطاعی
عزیزاله جان‌نثاری
مهدی نثار

رشته وزنه برداری:

عباس کاظمی
بهمن خدائی

کراکر نمکی توک
کراکر همه وقت، همه جا، همه کس
TUC
کراکر نمکی
توک
TUC
توک با پنیر
واقعا خوشمزه است